اطلاعات

چهارشنبه ۲۴ آبان ۱۳۹۱ ـ ۲۹ ذی‌الحجه ۱۴۳۳ـ ۱۴ نوامبر ۲۰۱۲ـ شماره ۲۵۴۵۶ ـ ۲۰ صفحه به همراه ۸ صفحه ضمیمه – ۲۰۰ تومان

چهارمین نشست اندیشه‌های راهبردی با حضور رهبر معظم انقلاب

چهارمین نشست اندیشه‌های راهبردی با موضوع آزادی با حضور حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب عصر دیروز برگزار شد.
مشروح این خبر در شماره فردا از نظر خوانندگان ارجمند می‌گذرد.

سیدحسن نصرالله: شیعیان و اهل سنت مراقب فتنه باشند

* با کسانی که سابقه خیانت به لبنان را دارند بر سر میز مذاکره نمی‌نشینیم
* دست کشیدن از مقاومت، دیوانگی است
* جریان ۱۴ مارس لبنان قصد ایجاد تنش میان اهل سنت و شیعیان را دارد

صفحه۱۶

در یادواره ۲۱هزار شهید کارمند

رئیس مجلس: برای مقابله با فشارهای بین‌المللی، مدیریت داخلی اصلاح شود

* تا زمانی که نقدینگی به سمت تولید و ایجاد محصول هدایت نشود، تورم و بیکاری حل نمی‌شود
* تحریمها مشکلات زیادی را برای کشور ایجاد کرده است اما همه این مشکلات ناشی از تحریمها نیست و ضعف مدیریت داخلی بر این مشکلات بی‌تأثیر نبوده است
* تا زمانی که نتوانیم چرخه اقتصادی را در روستاها متوازن کنیم، مهاجرت از روستا به شهر ادامه خواهد یافت
* اکنون زمینه برای اجرای گام دوم هدفمندی یارانه‌ها فراهم نیست و مردم آمادگی افزایش قیمت‌ها در بخش سوخت و انرژی را ندارند
* با تصویب مجلس افزایش قیمت حامل‌های انرژی و کالاها تا پایان سال ممنوع شد
* طرح ساماندهی تخصیص ارز در شرایط اقتصاد مقاومتی و حمایت از تولید ملی، تقدیم مجلس شد

سرویس سیاسی – اجتماعی: رئیس مجلس شورای اسلامی با تاکید بر لزوم اصلاح مدیریت داخلی برای مقابله با تحریم‌ها، از تورم و اشتغال به عنوان یکی از مشکلات کشور یاد کرد.

به گزارش خبرنگار ما، دکترعلی لاریجانی در یادواره ۲۱ هزار شهید کارمند، گفت: یکی از مشکلات کشور ما تورم و اشتغال است و تا زمانی که نقدینگی به سمت تولید و ایجاد محصول هدایت نشود، تورم و بیکاری حل نمی‌شود و باید برای این اتفاق نیز شرایط اقتصادی و سرمایه‌گذاری تسهیل شود و قطعا اگر این اتفاق بیفتد، ملت ما می تواند مشکلات و تحریم‌ها را پشت‌سر بگذارد و به توسعه و پیشرفت برسد.

وی افزود: تحریم‌ها و فشارهای

بقیه در صفحه ۲



عکس از ایسنا

شلیک موشک «هاگ» در رزمایش مدافعان آسمان ولایت

صفحه۱۳

واردات گوشی تلفن همراه و کامپیوتر آزاد شد

* معاون وزیر صنعت: ممنوعیت ثبت سفارش برخی اقلام به کشور موقتی است
* فهرست جدید کالاهای ممنوعه وارداتی شنبه اعلام می‌شود
* عرضه ارز صادرکنندگان در مرکز مبادلات آغاز شد

دولت که هفته قبل واردات ۷۷ قلم کالا از جمله گوشی تلفن همراه و کامپیوتر را ممنوع اعلام کرده بود، دیروز ممنوعیت واردات دو کالای مذکور را لغو کرد.

حمید صافدل معاون وزیر صنعت، معدن و تجارت و رییس کل سازمان توسعه تجارت ایران در گفتگو با ایرنا با تایید امکان ثبت سفارش و واردات انواع لپ تاپ، نوت بوک، رایانه و اجزا و قطعات آن، گفت: این گروه از کالاها در کشور تولید نمی شود، بنابراین ممنوعیتی برای واردات آنها نیست.

وی درعین حال گفت که موضوع ممنوعیت ثبت سفارش برخی اقلام به کشور موقتی است و قرار نیست دایمی شود.

معاون وزیر صنعت، معدن و تجارت افزود: ممنوعیت واردات مربوط به اجزایی همچون کیس و موشواره (موس) رایانه است که امکان تولید آن در کشور وجود دارد. با توجه به اینکه امکان تولید لپ تاپ و رایانه در کشور وجود ندارد، بنابراین منعی برای ورود این اقلام به کشور نیست.

یادآور می شود،انواع لپ تاپ و

بقیه در صفحه ٤

احمدی‌نژاد: بازسازی همه مراکز درمانی فرسوده تهران ضروری است

* وزیر بهداشت: ۸۰ درصد از بیمارستان‌های تهران فرسوده‌اند
* مشکل کمبود دارو را نفی نمی‌کنیم، اما تلاش ما و دولت در رفع این مشکل است

صفحه۲

برترین مؤلفان و مترجمان دانشجو جایزه کتاب سال گرفتند

* دکتر حسینی: دانشجویان ما علاوه بر مطالعه کتاب‌های درسی و علمی به مطالعه کتاب‌های عمومی نیاز دارند و باید دامنه مطالعه خود را وسیع‌تر کنند
* در نوزدهمین دوره کتاب سال دانشجویی ۱۲ مترجم و مؤلف دانشجو به عنوان برگزیده معرفی شدند

صفحه۳

نشست گفتگوی ملی سوریه هفته آینده در تهران برگزار می‌شود

صفحه۲



درمان و دارو

صفحه۲

یادداشت

سیاست خارجی اوباما در دور دوم

دکتر سیدمحمدکاظم سجادپور

صفحه ۱۲

گزارش

ضیافت باشکوه واژه‌ها



صفحه ۵

ایران شناسی

جهان مطلوب سعدی در بوستان

شادروان دکتر غلامحسین یوسفی

صفحه ۶



سخنرانی

رهبر معظم انقلاب: تمدن اسلامی بار دیگر در دنیا گسترانیده خواهد شد

صفحه ۷



اطلاعات ویژه آذربایجان شرقی

ضمیمه رایگان اطلاعات امروز از دکه های مطبوعاتی در استان مربوطه بخواهید

ویژه فرهنگی ضمیمه اطلاعات امروز

محک

خوش بود گر محک تجربه آید به میان...

ابوالقاسم ـ قاسم زاده

درمان و دارو

این واقعیت آشکار در جریان زندگی عادی مردم وجود دارد که بسیاری از آنان با مشکلات درمان و دارو از نرخ تعرفه‌های پزشکی تا مراجعه به بیمارستان‌های دولتی و خصوصی، بیمه درمانی بخصوص برای افراد کم درآمد یا دارای مشاغل با دریافتی ثابت و تهیه دارو، مواجه‌اند، قیمت داروها در این روزها مانند بسیاری از کالاهای مورد نیاز تابع نوسانات نرخ ارز (دلار) در بازار شده است. این مشکلات مردم را اعم از مسئول و غیرمسئول، کسی انکار نمی کند اما چاره‌اندیشی برای حل و برطرف کردن آن نیز چندان دیده نمی‌شود.

مشکلات درمان و دارو اگرچه در این روزها در صدر گزارش‌های خبری و مردمی در رسانه‌ها قرار گرفته است از گذشته بسیار دور، حداقل از دو دهه گذشته با شدت و ضعف همواره وجود داشته و همراه ما بوده است. دولت‌ها هم در حد توان تلاش کرده‌اند و در مواردی هم برای ترمیم کاستی‌ها موفق بوده‌اند. بخشی از این مشکلات را اصلاح کرده‌اند، اما مسیر مدیریت اجرایی دولت‌ها برای حل ریشه‌ای مشکلات درمان و دارو یا استمرار مطلوب نداشت و بریده، بریده بود و یا هر دولتی که بر سر کار آمد، بجای ادامه برنامه‌ریزی دولت قبلی درباره بهداشت و درمان، تغییر جهت داده و با نفی مدیریت قبلی، ادعای طراحی جدید برای حل فوری و بنیادین اینگونه مشکلات را داشته است. نتیجه چنین سیر دایره مدیریتی طولانی سیستم معیوبی را به وجود آورده است که مردم نمی‌دانند در طول بیست سال گذشته، دولت‌ها چه فعالیت‌هایی را انجام داده‌اند و چه میزان از گرفتاریهای جامعه در امر درمان و دارو کاسته شده است.

در بخش درمان و دارو از آغاز تشکیل جمهوری اسلامی فرهنگ انحصار مسئولیت در دستان دولت‌ها چنان دمیده شد که هنوز هم چشم‌ها منتظرند تا مسئولین دولتی معجزه کنند و نگاه جامعه هم همچنان معطوف به نظام دولتی و مسئولیت‌های آنست. گویا بخش خصوصی و غیردولتی در این باره هیچ نقش و مسئولیتی ندارند. در بررسی مشکلات درمان و دارو یکی هم این است که بخش اعظمی از نظام درمان و دارو اعم از واردات دارو و بازار کسب و کار، شرکت‌های داروسازی و واردات مواد اولیه برای داروها تا پزشکی و بیمارستان‌ها و مراکز درمانی خصوصی، داروخانه‌ها و... به صورت تجاری درآمده است. از منظر چنین نگاهی مشکلات به سامان‌دهی اقتصاد و تولید و برنامه‌ریزی واردات در برنامه‌ریزی کلان کشور که مدیریت اجرایی آن در کنترل دولت است برمی گردد که از سیاست گذاری تا هدایت و کنترل آن مسئول است.

در نقد مشکلات کنونی درمان و دارو، افراد یا اقشار ثروتمند هیچگاه بطور جدی مشکلی ندارند و اگر هم برای این اقشار مشکلی پیش آید با پول و ثروت خود آنرا برطرف می کنند و هرگز از چنین مشکلاتی آسیب نمی‌بینند. اما این گروه حداکثر ۱۰ تا ۱۵ درصد جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند و اکثریت مردم و خانواده‌هایی که نیازمند درمان یا دارو هستند چنان دچار مشکل می گردند که زندگی عادی آنها بهم می‌ریزد و بحرانی می‌شود و اکثر آنها زیر خط فقر می‌روند.

همین چند روز قبل رئیس کمیسیون بهداشت و درمان مجلس گفت، هزینه یک دوره درمان سرطان ۲۰۰ میلیون تومان شده است. برای تهیه تعداد معدودی از قرص یا آمپول جهت درمان بیمارهای خاص حداقل صد هزار تومان و تا یک میلیون و پانصد هزار تومان گزارش شده است. رئیس کمیسیون بهداشت مجلس بررسی آماری را از هزینه‌های سلامت ارائه داده است که مرحله به مرحله سهم مردم از این هزینه‌ها افزایش بالایی پیدا کرده است او می گوید: «...از نظر شاخص پرداخت هزینه‌های سلامت توسط مردم که طبق برنامه باید به زیر ۳۰ درصد کاهش می‌یافت، رو به عقب حرکت کرده‌ایم و در ۳ سال گذشته سهم مردم از هزینه‌های سلامت از ۵۴ درصد به بالای ۷۰ درصد افزایش پیدا کرده است.» این نماینده مجلس برای درمان بیماری دریچه میترال قلب از پارسال تا امسال می گوید: «یک بیمار برای درمان دریچه میترال قلب باید ۳۷هزار دلار پرداخت کند که با قیمت دلار پارسال ۶۰میلیون تومان تمام می‌شد و حالا باید ۱۲۰ میلیون تومان بابت آن پرداخت کند.» در چنین شرایط سختی همه به یاد بیمه‌های درمانی می‌افتند که رئیس جامعه جراحان ایران دکتر ایرج فاضل در چند جمله جایگاه و شرایط بیمه‌های درمانی را نشان داده است. او می گوید: «بیمه‌ها که باید حل کننده مشکلات مردم باشند و اساساً برای روز مبادا ایجاد شده‌اند که اگر کسی گرفتار شد، زیر خط فقر نرود، اما متأسفانه در شرایط مملکت به ارگان‌های پولساز تبدیل شده‌اند. ارگان‌هایی که به فکر همه چیز هستند به جز مشکلات بیماران و مردم.»

دکتر فاضل از موقعیت بیمه‌های درمانی چنین نتیجه گیری کرده است: «علی‌رغم آنکه مردم بیمه دارند، فشار زیادی بر روی دوششان است و بیماران و پزشکان هم از کارکرد بیمه‌ها به شدت ناراضی هستند.»

از مصاحبه‌های مطبوعاتی نمایندگان مجلس و پزشکان مسئول تا گزارش‌هایی که در روزنامه‌ها از مردم تهیه می‌شود. درمان و دارو از مشکلات حاد امروز جامعه شده است. مشکلات مالی اگرچه در مرکز این بحران قرار دارد اما ضعف‌های مدیریتی و برنامه‌ریزی، مهمتر از آن عدم هماهنگی و همکاری در اجرا، بخش عمده و اصلی آن را تشکیل می‌دهد. سالهای سال است که تجارت خارجی و دایره واردات در کشور معیوب است و هر بار که پاره‌ای از کاستی‌های آن آشکار می‌گردد، به جای ریشه‌یابی و ترمیم برنامه‌ریزی و مدیریت همه‌جانبه و قاطع، مدتی گزارش‌های خبری در صدر رسانه‌ها قرار می‌گیرد و موافق و مخالف نظر می‌دهند و البته خیلی زود فراموش می‌شود.

امروز نیز تحریم‌های آمریکا و اروپا برخلاف همه قوانین تجاری بین‌المللی و عرف اخلاقی و رفتارهای جامعه بین‌المللی علیه مردم ایران اعمال می گردد. اگرچه دولت‌های آمریکا، انگلیس، فرانسه و آلمان می گویند تحریم‌ها شامل درمان و دارو نمی گردد، اما در عمل نوک تیز این تحریم‌ها شامل مجموعه چرخه درمانی و دارویی ایران شده است. ما در این‌باره نه در صحنه بین‌المللی اطلاع‌رسانی روشنی می کنیم و افکار عمومی مردم جهان را معطوف این جنایت دولت‌های آمریکا و چند دولت اروپایی می‌سازیم و نه دیپلماسی روشنی را به کار گرفته‌ایم که حداقل در سازمان ملل و در مجامع حقوقی بین‌المللی شکایت خود را مطرح کنیم. در حرکتی برنامه‌ریزی شده می‌توان در رسانه‌های غربی و یا رسانه‌های منطقه و کشورهای اسلامی پرده از این رفتار ضدانسانی دولت‌های غربی برداریم و ابعاد خسارت‌های انسانی ناشی از طرح تحریم‌ها را افشا کنیم. در اجرای آن از جامعه پزشکی ایران می‌توان کمک گرفت و آنها را وارد صحنه کرد تا جامعه ملل را مخاطب قرار دهند. خانواده‌هایی که بیماران خاص دارند و برای تهیه دارو یا مشکلات درمانی در تیررس طرح تحریم‌ها قرار گرفته‌اند و به شدت گرفتارند، آماده‌اند تا صدای خود را به گوش مردم جهان برسانند. واقعیت این است که دیپلماسی رسمی ما (وزارت خارجه) و یا در دیپلماسی عمومی حرکت مطلوبی در این باره انجام نمی‌پذیرد. در حالی که در روزنامه‌های داخلی بطور دائمی از مشکلات ناشی از تحریم‌ها در این بخش که با جان و حیات مردم سر و کار دارد، سخن می گوییم، مصاحبه می کنیم و گزارش می‌دهیم. در چنین شرایط مشکل در تجارت خارجی و در بخش واردات دارو هنوز برخی افراد و شرکت‌ها برای بدست آوردن سود مضاعف آنهم با وسیله «احتکار» و بازارسازی سیاه برای داروهایی که نام «داروهای نایاب» گرفته‌اند، همچنان ادامه دارد. مردم از دولت و مجلس می‌خواهند که مشکلات آنها را در بخش درمان و دارو جدی بگیرند و چاره‌اندیشی کنند و یا حداقل با مدیریت اجرایی فوری و اختصاص ارز مورد نیاز دارو و عدم اختصاص آن به ماشین و یا کالاهای لوکس بخش‌هایی از این مشکلات حاد را ترمیم کنند.

احمدی‌نژاد: بازسازی همه مراکز درمانی فرسوده تهران ضروری است

سرویس سیاسی ـ اجتماعی: رئیس جمهوری بر بازسازی و نوسازی بیمارستان‌های فرسوده استان تهران تأکید کرد و گفت: از وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی می‌خواهم که در بازسازی و نوسازی بیمارستان امام خمینی (ره) هم تسریع شود.

به گزارش خبرنگار ما دکتر محمود احمدی‌نژاد دیروز در مراسم بهره‌برداری از ساختمان جدید بیمارستان سینا با ۴۰۰ تخت تأکید کرد: بیمارستان‌های استان تهران باید مجهز و مدرن به پیشرفته‌ترین امکانات روز دنیا شوند و در اختیار مردم قرار گیرند.

در این مراسم که دکتر مرضیه وحید دستجردی وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، دکتر باقر لاریجانی رئیس دانشگاه علوم پزشکی تهران، استادان و کارکنان این بیمارستان هم حضور داشتند، احمدی‌نژاد گفت: امروز اهمیت سلامت و درمان آن قدر آشکار شده است که مردم و دولت‌ها سرمایه‌گذاری‌های وسیعی در این بخش می‌کنند.

وی افزود: در کشور ما هم روند پرشتاب و بسیار خوبی در این زمینه انجام می‌شود و ما شاهدیم که هر روز خدمات جدیدی توسط پزشکان و متخصصان به مردم ارائه می‌شود.

رئیس جمهوری با اعلام این که در توسعه دانش و پژوهش و گسترش خدمات درمانی اقدام‌های بسیار خوبی انجام شده است، گفت: امیدوارم که این کار هر روز باشتاب بیشتری ادامه یابد و ما به جایی برسیم که به کشور مرجع در علم پزشکی نه در منطقه بلکه در جهان تبدیل شویم.

احمدی‌نژاد با اشاره به این که افتتاح بیمارستان سینا در ۱۴۰ سال پیش آغاز طب مدرن در کشور ماست، گفت: امیدوارم مرکز قدیمی این بیمارستان هم به زودی بازسازی شود، تا این مرکز مهم کشور هرچه بیشتر در خدمت تمامی مردم ایران به ویژه شهروندان تهرانی باشد.

بنابراین گزارش، وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی هم گفت: امروز جشن ۱۴۰ سالگی بیمارستان سینا را با اضافه شدن ۴۰۰ تخت مدرن و مجهز به آن جشن می‌گیریم.

وی افزود: طرح ساخت این بیمارستان حدود ۲۰ سال بلاتکلیف مانده بود که با همت مدیران و سرمایه‌گذاری دولت امروز به بهره‌برداری رسیده است.

وحید دستجردی اضافه کرد: این بیمارستان دارای بخش‌های متعدد تحقیقاتی و فوق تخصصی طراحی تروما، اورولوژی، پیوند و اماس است و بیش از ۱۰۰ عضو هیات علمی و ۱۱۰ دستیار تخصصی و ۷۰۰ پرستار و کارمند در آن مشغول به کارند.

وی اضافه کرد: این بیمارستان به عنوان یک مرکز تروما در سراسر کشور شناخته می‌شود و امیدواریم این ساختمان جدید که با بهترین تجهیزات روز دنیا آماده شده است، منجر به تحولی بزرگتر در ارائه خدمات درمانی به مردم شود.

دکتر باقر لاریجانی رئیس دانشگاه علوم پزشکی تهران هم با قدردانی از زحمات دکتر زرگر در ساخت این مرکز گفت: نقش آقای دکتر زرگر در این پروژه بسیار مهم است.

وی با اعلام این که در این مرکز همه بیماران اورژانسی پذیرفته می‌شوند، گفت: امیدواریم در دو سال آینده بیمارستان ۷۰۰ تختخوابی بیمارستان امام خمینی به بهره‌برداری برسد. همچنین بیمارستان جدید حضرت فاطمه(س) و جامع زنان هم ظرف امسال و سال آینده به بهره‌برداری می‌رسد.

بنا بر همین گزارش وزیر بهداشت در حاشیه این مراسم هم در گفتگو با خبرنگاران با اعلام این که ۸۰ درصد از تخت‌های بیمارستانی تهران فرسوده‌اند گفت: برای استان تهران، شهر تهران و شهر البرز با همکاری معاونت برنامه‌ریزی ریاست جمهوری مجوز ساخت پنج هزار تخت جایگزین را گرفته‌ایم و امیدواریم با اختصاص بودجه ساخت این مرکز هرچه زودتر آغاز شود.

وی در مورد ترخیص دارو از گمرک و کمبود دارو در کشور هم گفت: انکار نمی کنیم که کمبود دارو در کشور وجود دارد، اما همه تلاش ما، دولت و بانک مرکزی این است که با تامین ارز و خرید مواد اولیه دارو، این مشکل برطرف شود.

وی با اعلام این که به زودی خبرهای خوشی درباره رفع کمبود دارو در کشور خواهیم داشت گفت: همه داروهایی که در گمرک وجود دارند، با تلاش بانک مرکزی و وزارت بهداشت در حال ترخیص هستند و ما در این زمینه مشکلی نداریم.

نیویورک تایمز: ایران و آمریکا باید مذاکره کنند

روزنامه آمریکایی نیویورک تایمز حل موضوع هسته‌ای ایران را اولویت اول دستگاه سیاست خارجی آمریکا دانسته و نوشته است اوباما باید خط ارتباطی مستقیمی با تهران ایجاد کند.

به گزارش فارس، با انتشار شایعاتی مبنی بر تلاش آمریکا برای مذاکره مستقیم با ایران بر سر موضوع هسته‌ای، رسانه‌های مختلف تحلیل‌های گوناگونی را در مورد میزان احتمال این مذاکرات و منافعی که این مذاکرات دارد، ارائه کرده‌اند. روزنامه نیویورک تایمز هم با انتشار یادداشتی به قلم «راجر کوهن» ستون نویس با سابقه خود، بر ضرورت برقراری مذاکرات میان آمریکا و ایران تاکید کرده و نوشته است که مردم آمریکا در انتخابات اخیر، به صلح رای دادند.

کوهن در ابتدای این یادداشت آورده است: «میت رامنی» (نامزد جمهوری‌خواهان در انتخابات ریاست‌جمهوری) در آخرین مناظره انتخاباتی بیش از ۱۰ بار از واژه «صلح» و «صلح‌آمیز» استفاده کرد، گویی که روح «جان لنون» یا «ماهاتما گاندی» در او دمیده شده بود. اما مردم آمریکا فریب نخوردند. آن‌ها در انتخاب مجدد باراک اوباما به صلح رای دادند و با به راه انداختن جنگی دیگر در کمی بیش از ۱۰ سال در یک کشور اسلامی دیگر، مخالفت کردند.

آمریکایی‌ها از جنگ‌های تریلیون دلاری خسته شده‌اند. نظرسنجی اخیری که شورای امور خارجی شیکاگو انجام داده، ۶۷درصد آمریکایی‌ها بر این عقیده بوده‌اند که جنگ عراق ارزش نداشته و ۶۹درصد نیز گفته‌اند که آمریکا از زمان پیش از حمله به افغانستان در برابر تروریست امن‌تر نشده و ۷۱درصد هم اعلام کرده‌اند که تجربه عراق باید به آمریکا بیاموزد که از این به بعد در استفاده از نیروی نظامی، محتاط‌تر باشد.

کوهن در ادامه با اشاره به این که اسرائیل در برابر برنامه هسته‌ای ایران و ادامه غنی‌سازی اورانیوم ناشکیباست، نوشته است که اوباما قول داده است که به هر ترتیب از دست‌یابی ایران به تسلیحات هسته‌ای جلوگیری کند و همین امر موجب شده تا احتمال درگیری نظامی همچنان وجود داشته باشد.

او در ادامه نوشته است: این سوال که تلاش برای برقراری صلح میان اسرائیلی‌ها فلسطینیان اولویت دیپلماتیک اوباما است یا حل مسئله ایران، به نظر بی‌پاسخ می‌آید. اما، بله، ایران آن اولویت است. در حال حاضر هیچ گزینه خوبی برای حل مشکل سوریه و اکثر دیگر بخش‌های خاورمیانه وجود ندارد و عدم ارتباط آمریکا با ایران هم غیرسازنده است. معمولاً نقش سازنده ایران در سال ۲۰۰۱ در کنفرانس بن با موضوع افغانستان نادیده گرفته شده است.

جنگ با ایران تبعات مخربی هم خواهد بود، هم برای خاورمیانه در حال انتقال، هم برای منافع آمریکا در افغانستان تا مصر، و همینطور برای اقتصاد جهان. زمان برای دفع کردن احتمال این درگیری، محدود است. اما در مقابل، هرچند که مساله اسرائیل و فلسطین یک مساله مداوم است، اما این پتانسیل را ندارد که بتواند جرقه‌ای برای بروز یک درگیری باشد، همچنین هیچ المان دلگرم‌کننده‌ای هم در آن نیست و همین‌طور به نظر نمی‌رسد که بنیامین نتانیاهو در صورت انتخاب مجدد در سال آینده، از پرداختن به موضوع ایران برای منحرف کردن اذهان از موضوع اصلی و نپرداختن به تعامل جدی با فلسطینیان، دست بردارد. طرفینی که اختلافاتی جدی با هم دارند و نسبت به برطرف کردن این اختلافات نیز بی‌میل هستند.

اما راه جدیدی برای روبرو شدن با ایران وجود دارد؟ آیا هیچ فضای سیاسی برای این کار وجود دارد؟ در طول دوره اول اوباما، روش‌های جمهوری‌خواهان در بسیاری از جبهه‌ها همچنان ادامه یافته بود. لفاظی‌ها برای دشمن‌سازی از ایران همواره ادامه داشته و دموکرات‌ها هم در این زمینه خیلی عقب‌تر از جمهوریخواهان نیستند.

کوهن در ادامه می‌نویسد که اکنون بیش از هر زمان دیگر نیاز به دیپلماسی است و آن را به هنری گمشده تشبیه می‌کند. او سپس به صحبت‌های «ویلیام لوئرز» سفیر سابق آمریکا در ونزوئلا و مدیر پروژه ایران و همچنین «استفان هینتز» رئیس بنیاد برادران راکفلر اشاره می‌کند که گفته‌اند از به کار بردن عبارت «راهکار دیپلماتیک» برای ایران خودداری می‌کنند و به جای آن از عبارت «راهکار سیاسی» استفاده می‌کنند.

نویسنده نیویورک تایمز در این مورد می‌گوید: اما همانطور که آن‌ها هم می‌دانند، دیپلماسی با ایران لازم است. دیپلماسی به معنی پذیرش این است که اگر می‌خواهید چیزی به دست آورید، باید چیزی بدهید. سوال کلیدی این است که «چه چیزی را می‌خواهم از حریفم بگیرم و چه چیزی را در قبال آن می‌دهم؟».

فشار به تنهایی، آن هم در قالب تحریم‌ها، نمی‌تواند برنامه هسته‌ای ایران را متوقف کند. گاهی اوقات، آنطور که نیکسون در موضوع چین و در برابر معترضان خشمگین به رابطه با چین (دقیقا معترضانی چون آیپک (کمیته عمومی روابط آمریکا و اسرائیل) به رابطه با ایران) انجام داد، راهکار این است که از خود بپرسیم «ما چه می‌خواهیم، آن‌ها چه می‌خواهند، جفت ما چه می‌خواهیم»، و سپس منافع مشترک شناسایی شود.

این امر نیازمند جرات بیشتری از سوی اوباما است و همچنین درک بالاتر جمهوری اسلامی که تحت تحریم اقتصادی قرار دارد. اوباما حالا در دوره دوم ریاست‌جمهوری قرار دارد. او حالا آزاد است. او باید از طریق یک نماینده ویژه، خط ارتباط مستقیمی با تهران ایجاد کند. درگیری آمریکایی‌ها و ایرانی‌ها که چند دهه است به طول انجامیده، از بحران اتمی تفکیک‌پذیر نیست.

ما از ایران چه می‌خواهیم؟ صدور اجازه بازدید از تمام تاسیسات هسته‌ای، خلاص شدن از شر اورانیوم ۲۰درصد غنی شده، پایان دادن به تهدیدات علیه اسرائیل، پایان دادن به موارد نقض حقوق بشر، تغییر سیاست‌ها در قبال حماس و حزب‌الله و در پیش گرفتن روشی سازنده در قبال سوریه. اما ما چه چیز به آن‌ها ارائه می‌دهیم؟ برداشتن برخی از تحریم‌ها، پایان دادن به مجموعه‌ای از اقدامات مخفیانه، کنار گذاشتن بحث تغییر نظام، روی میز آوردن گزینه غنی‌سازی محدود اورانیوم (تا سقف ۵درصد)، و در نظر گرفتن نقش منطقه‌ای ایران.

گمانه‌زنی‌ها درباره مذاکرات ایران و ۱+۵

پایگاه اطلاع رسانی «ایران هسته‌ای» نوشت: با وجود گمانه‌زنی‌های متعدد درباره زمان مذاکرات احتمالی ایران و ۱+۵، برخی کارشناسان عقیده دارند بعید است چنین مذاکراتی تا چند ماه دیگر شکل بگیرد.

نخستین دلیل در این باره این است که مسلماً تا زمانی که وزیر خارجه آمریکا تعیین نشود، معاون سیاسی وی که نماینده آمریکا در گروه ۱+۵ هم هست نیز مشخص نخواهد شد و تا وقتی معلوم نباشد از طرف آمریکا چه کسی در مذاکرات شرکت می‌کند، قطعاً مذاکرات آغاز نمی‌شود.

سرگئی ریابکوف، معاون وزیر خارجه روسیه و نماینده این کشور در مذاکرات ایران و ۱+۵ هم روز ۱۸ آبان به خبرگزاری روسی «ایتارتاس» گفته است که بعد از این که مشخص شود وزیر خارجه آمریکا کیست، دیگر درباره از سرگیری مذاکرات تعلل نخواهد شد.

علاوه بر این، حتی اگر فرض کنیم که «وندی شرمن» نماینده فعلی آمریکا در گروه ۱+۵ در سمت خود باقی می‌ماند، باز هم او زمانی نیاز خواهد داشت تا دیدگاه‌های خود را با وزیر خارجه جدید چک کند و همچنین با همتایان خود در گروه ۱+۵ هماهنگ شود.

هر چه تیم سیاست خارجی آینده اوباما به تیم فعلی نزدیک باشد، فرآیند به روز شدن و هماهنگی زمان کمتری نیاز خواهد داشت.

دلیل دوم مربوط به این موضوع است که بی شک گروه ۱+۵ منتظر خواهد ماند تا ببیند که نتیجه گفتگوی ایران و آژانس به چه سمتی میل می‌کند. این مذاکرات ۲۳ آذر انجام می‌شود. منطقی است اگر تصور کنیم که گروه ۱+۵ تا آن زمان صبر خواهد کرد.

سومین دلیل – که ظاهراً از همه مهمتر است–این است که دولت جدید آمریکا باید بتواند سیاست جدید خود درباره ایران را –اگر سیاست جدیدی در کار باشد– نهایی کند. این امر مستلزم کامل شدن رایزنی‌ها درون دولت آمریکاست که مشخصاً علاوه بر وزیر خارجه، به تعیین متصدیان مناصبی چون مشاور امنیت ملی، مدیر اطلاعات ملی و رئیس سیا مربوط است.

علاوه بر این دولت جدید آمریکا باید بتواند با متحدان اصلی خود رایزنی‌هایی جدی در این باره داشته باشد. خصوصاً عمق بحرانی که در روابط نتانیاهو و اوباما وجود دارد –با توجه به حمایت جدی رژیم صهیونیستی از رامنی– رایزنی واشینگتن– تل آویو درباره مسائل مربوط به ایران را دشوارتر از همیشه کرده است.

بنابراین به نظر نمی‌رسد آمریکا به زودی آمادگی ورود به مذاکراتی جدی با ایران را داشته باشد، مگر اینکه هدف آمریکا صرفاً برگزاری یک دور مذاکره بدون دستاورد با ایران برای اثرگذاری بر فرآیندهای سیاست داخلی در کشورمان در آستانه انتخابات ریاست جمهوری باشد، که البته فرض بعیدی نیست.

همکاری آژانس اتمی با ایران

سخنگوی وزارت امور خارجه چین آژانس بین المللی انرژی اتمی را به تقویت همکاری با ایران تشویق کرد.

به گزارش ایرنا، «هونگ لی» روز سه شنبه و در کنفرانس خبری روزانه خود بر حل موضوع هسته ای ایران از طریق گفت و گو تاکید کرد.

وی در واکنش به این مطلب که قرار است آژانس ماه آینده میلادی با ایران مذاکراتی داشته باشد، گفت: پکن آژانس بین المللی انرژی اتمی را به تقویت همکاری با ایران تشویق می کند.

وی افزود: چین همچنین خواستار ادامه گفتگوهای گروه ۱+۵ با ایران است تا طرفین هر چه سریع تر به پیشرفتی برای حل مسایل دست یابند.

سخنگوی چین تصریح کرد: پکن خواستار حل موضوع هسته ای ایران به طور همه جانبه، بلندمدت و به نحو مطلوب است و چین در این راستا با طرف های مختلف ارتباط خود را حفظ می کند.

روسیه و ادامه مذاکرات هسته ای

سرگئی ریابکوف، معاون وزیر امور خارجه روسیه و مذاکره کننده ارشد هسته ای این کشور هم با اشاره به اهمیت فراوان مذاکرات هسته ای ایران و گروه ۱+۵ بر ضرورت ادامه آن تاکید کرد.

به گزارش ایرنا به نقل از پایگاه اینترنتی روسی «اینوپرسا»، معاون وزیر امور خارجه روسیه بر لزوم تلاش طرف های مختلف گروه ۱+۵ برای ادامه مذاکرات با ایران تاکید کرد و آن را حائز اهمیت فراوان دانست.

مذاکره کننده ارشد هسته ای روسیه در باره امکان مذاکرات مستقیم میان ایران و آمریکا گفت که کشورش با چنین گفتگوهایی مخالفت نمی کند. البته امیدوار هستیم که در صورت برگزاری چنین گفتگوهایی ما را از محتویات توافقات مطلع کنند.

معاون وزیر امور خارجه روسیه با این ادعاکه تماس های غیررسمی بین ایران و آمریکا وجود دارد، اضافه کرد: مذاکرات مستقیم میان این دو کشور امکانپذیر است. توافقات در این زمینه برای ما هیچ مساله ای به وجود نمی آورد حتی اگر همانند قالب مذاکرات گروه ۱+۵ کامل نباشد.

«ویتالی چورکین» نماینده دائمی روسیه در سازمان ملل هم اخیرا با اشاره به اهمیت حل موضوع فعالیت های هسته ای ایران از راه های سیاسی و دیپلماتیک، ازسرگیری مذاکرات میان ایران و گروه ۱+۵ را خواستار شد.

وی در گفتگو با شبکه تلویزیونی «روسیه ۲۴» اظهار داشت: دیپلمات های روس برای برقراری گفتگوها میان تهران و گروه ۱+۵ تلاش می کنند.

نماینده دائمی روسیه در سازمان ملل برای ادامه تماس ها میان ایران و آژانس بین المللی انرژی اتمی ابراز امیدواری کرد و افزود: در آن صورت می توان گام های بلندتری برای عادی سازی روابط میان ایران و غرب برداشت.

نشست گفتگوی ملی سوریه هفته آینده در تهران برگزار می‌شود

«حسین امیر عبداللهیان» معاون عربی و آفریقای وزیر امور خارجه اعلام کرد: نشست گفتگوی ملی سوریه هفته آینده در تهران برگزار می شود.

به گزارش ایرنا، در گفتگو با خبرنگاران افزود: این نشست یکروزه با شعار «خشونت نه، دموکراسی آری» برگزار خواهد شد.

امیرعبداللهیان خاطرنشان کرد: در این نشست ضمن حضور نمایندگانی از اقوام، گروه های سیاسی، اقلیت ها و معارضان، نمایندگانی از دولت سوریه هم حضور خواهند داشت.

دکتر روحانی: ملت ایران معیارهای دوگانه غرب را درباره فناوری هسته‌ای نمی‌پذیرد

آقای اندرس کریستین هوگارد سفیر دانمارک در تهران دیروز با دکتر حسن روحانی رئیس مرکز تحقیقات استراتژیک در محل این مرکز ملاقات و گفتگو کرد. در این دیدار دو طرف پیرامون تحولات اخیر منطقه و بیداری اسلامی و همچنین تحولات سوریه بحث و گفتگو کردند.

دکتر روحانی درباره سوریه گفت: مهمترین مشکل سوریه مداخلات گسترده خارجی و فعالیت گروه‌های تروریستی در این کشور است. حل و فصل مسأله سوریه با پایان دادن به خشونت‌ها و جنگ داخلی، پایان یافتن مداخلات خارجی و احترام به مطالبات مردم قابل حل و فصل است. وی نظر مردم سوریه را صرفاً مبنای آینده سوریه دانست و گفت: نوع حکومت و حاکمان آینده باید با رأی مردم تعیین شود.

رئیس مرکز تحقیقات استراتژیک، فعال شدن گروه‌های تروریستی و از جمله القاعده در سوریه را خطر برای منطقه خواند و گفت: تبعات منفی استفاده ابزاری از تروریسم منجر به تجدید قوای آن‌ها و در نهایت تبدیل شدن به معضلی برای کل منطقه خواهد شد و به زودی گریبان حامیان این تروریست‌ها را هم خواهد گرفت.

نماینده مقام معظم رهبری در شورای‌عالی امنیت ملی در پاسخ به سؤال سفیر دانمارک نسبت به مسأله هسته‌ای و پیش‌بینی آینده آن گفت: موضوع هسته‌ای ایران صرفاً راه‌حل سیاسی و حقوقی دارد و بر مبنای مذاکراتی که بر مبانی حقوق بین‌الملل، مقررات بین‌المللی و احترام به حقوق ملت‌ها استوار باشد به نتیجه خواهد رسید.

وی ضمن انتقاد از روش مذاکراتی آمریکا و غرب، رویکرد آنها را فاقد خلاقیت سیاسی و دیپلماتیک خواند و گفت: در حالی که جمهوری اسلامی ایران با آژانس همکاری نزدیک دارد و حتی در سال‌های اخیر که پروتکل الحاقی اجرا نمی‌شود، آژانس به دفعات، سرزده از سایت‌های هسته‌ای ایران بازرسی کرده است و آژانس همواره تأکید کرده که ایران هیچ گونه انحرافی به سمت اهداف نظامی نداشته است، ولی متأسفانه اتحادیه اروپا تحت تأثیر فشار آمریکا به جای قدم‌های مثبت متقابل، دست به تحریم یکجانبه علیه کشورمان زده، که این گونه تحریم‌ها با قوانین بین‌المللی در تضاد است و نباید تجارت و اقتصاد تبدیل به ابزاری برای اهداف نامشروع سیاسی شود و ملتی را به ناروا تحت فشار قرار داد.

دکتر روحانی گفت: اتحادیه اروپا در سال‌های ۱۳۸۴ـ۱۳۸۲ موضعی نسبتاً مستقل از آمریکا در پیش گرفته بود که می توانست ادامه آن نقش مستقل، به حل و فصل سریع موضوع کمک کند، ولی در سال‌های اخیر راه دنباله‌روی از آمریکا را انتخاب کرده که به ضرر منافع اتحادیه و ایران است.

نماینده مردم در مجلس خبرگان رهبری گفت: غرب باید بداند بدون پذیرش حقوق کامل ملت ایران و همچنین پذیرش اعمال این حقوق راه به جایی نخواهد برد و ملت ایران نمی‌تواند معیارهای دوگانه غرب را نسبت به فناوری هسته‌ای بپذیرد.

آندرس کریستین هوگارد سفیر دانمارک هم در این دیدار گفت: مواضع و نظرات اعلام شده از طرف شما نسبت به سوریه و اصول آن مورد قبول ما است، ولی ایران نباید نسبت به بقاء بشار اسد اصرار داشته باشد.

وی همچنین نسبت به مسأله هسته‌ای ایران اظهار داشت: اتحادیه اروپا مسیر مستقل خود را ادامه می‌دهد و دنباله‌رو آمریکا نیست و علاقه‌مند است این موضوع به حل و فصل برسد. وی در پایان گزارشی از تلاش‌های سفارت دانمارک برای گسترش روابط دو کشور ارائه داد.

عربستان از ایران به سازمان ملل شکایت کرد

عربستان سعودی از ایران به دلیل آنچه «نقض حریم هوایی و زمینی» خود خواند، به سازمان ملل شکایت کرد.

به گزارش فارس به نقل از «رویترز»، «عبدالله المعلمی» سفیر عربستان در سازمان ملل مدعی شد که ایران به حریم زمینی عربستان در نزدیکی چاه‌های نفتی و گازی تجاوز کرده است.

روزنامه سعودی «عکاظ» هم نوشت که معلمی تصریح کرد: مقامات سعودی به «بان کی‌مون» دبیرکل سازمان ملل ابلاغ کرده‌اند که بالگردهای ایرانی بارها بر فراز میدان گازی در «الحصبة» پرواز کرده‌اند و علاوه بر آن دو قایق تندروی نیروی دریایی ایران متعرض کشتی وابسته به شرکت سعودی «آرامکو» شده‌اند.

وی افزود که شکایت نامه‌ای علیه تهران به بان کی مون داده شده است که در آن درباره اقدام ایران در «نقض توافق نامه‌های مرزی و معاهده‌های رسمی دوجانبه» توضیح خواسته است.

سفیر عربستان در سازمان ملل اعلام کرد که دولت سعودی خواستار دخالت بین‌المللی در این‌باره نیست اما به دنبال بررسی اقدامات عملی لازم و مناسب برای تعامل با این مساله است.

ضمن اینکه عربستان حق پاسخ مناسب به این تجاوز برای دفاع از اراضی و منابع نفتی را برای خود محفوظ می‌داند.

وی تاکید کرد که عربستان پیامی در این رابطه به وزارت خارجه ایران فرستاده است.

این در حالی است که مقامات ایرانی در روزهای اخیر از توقیف یک فروند شناور عربستان سعودی به دلیل ورود غیرمجاز به آب‌های استان بوشهر در جنوب ایران خبر دادند.

ایران تمامی ساحل شمالی خلیج فارس و عربستان سعودی بخش عمده ساحل جنوبی این دریا را در اختیار دارند.

رئیس مجلس: برای مقابله با فشارهای بین‌المللی مدیریت داخلی اصلاح شود

بقیه از صفحه اول

اقتصادی مشکلات زیادی را برای کشور ایجاد کرده است اما همه این مشکلات ناشی از تحریم‌ها نیست و ضعف مدیریت داخلی نیز بر این مشکلات بی تاثیر نبوده است و باید برای مقابله با سنگ اندازی‌ها و فشارهای بین‌المللی، مدیریت داخلی نیز اصلاح شود.

رئیس قوه مقننه تصریح کرد: ما در روزهای اخیر طرح‌های مهمی در حوزه اقتصاد به تصویب رساندیم و در مورد قانون هدفمندی یارانه‌ها نیز به این نتیجه رسیدیم که شرایط فعلی برای اجرای گام دوم آن فراهم نیست و مردم آمادگی افزایش قیمت ها در بخش سوخت و انرژی را ندارند، لذا این بخش از هدفمندی یارانه امسال اجرا نخواهد شد تا امسال سپری شود و سال آینده نیز برای اجرای آن مطالعه صورت گیرد.

وی در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به نامگذاری سال گذشته به نام سال جهاد اقتصادی توسط مقام معظم رهبری گفت: یکی از ارکان مجاهدت اقتصادی مردمی شدن اقتصاد است و باید بدانیم تا اقتصادی مردمی نشود، نمی تواند رشد کند و به همین دلیل پس از تاکیدهای رهبری، مجلس نیز قانونی برای تبدیل اقتصاد به یک اقتصاد مردمی به تصویب رساند اما متاسفانه هنوز به خوبی به آن توجه نشده است و باید بدانیم که یکی از عناصر اقتصاد مقاومتی همین توجه به اقتصاد مردمی است.

لاریجانی افزود: عنصر بعدی در مجاهدت اقتصادی، اقتصاد مقاومتی است که در خودکفایی در تولید محصولات استراتژیک متبلور می‌شود و کشوری که در صحنه بین‌المللی مانند کشور ما تحت فشار و تحریم‌های مختلف است باید اقتصاد مردمی و تولید محصولات استراتژیک را داشته باشد و اگر غیر از این باشد نمی تواند در عرصه بین‌المللی حرف خود را به کرسی بنشاند.

وی تاکید کرد: یکی دیگر از مشکلات ما در کشور مهاجرت روستائیان به شهرهاست و تا وقتی ما نتوانیم چرخه اقتصادی را در روستاها متوازن کنیم، این اتفاق ادامه خواهد یافت و لازم است برای جلوگیری از آن تکنولوژی در کنار امکانات کشاورزی در روستاها به کار گرفته شود تا ارزش واقعی محصولات کشاورزی معرفی و نمایان شود و در کنار آن چرخه اقتصادی متعادل می‌شود.

رئیس مجلس یادآور شد: اعتماد مردم به بسیج و روحیه مجاهدت و از خودگذشتگی می تواند برای توسعه اقتصادی کشور کارآمد باشد و بسیج می تواند با حضور خود در عرصه‌های تولیدی و ایجاد تعاونی های روستایی به رفع مشکلات ذکر شده کمک کند و اگر لازم باشد ما در مجلس این آمادگی را داریم که با استفاده از منابع صندوق توسعه ملی و سایر بخش ها برای بسیج ظرفیت توسعه و حضور در عرصه مجاهدت اقتصادی را فراهم کنیم.

وی همچنین اظهار داشت: مدتی است که برگزاری محافل یادواره شهدا به عنوان یک سنت تبدیل شده است و این محافل سبب بیداری دل ها و آمادگی روح‌ها می‌شود.

لاریجانی با اشاره به اهمیت روحیه جهاد درجامعه گفت: جامعه‌ای که روحیه جهاد در آن وجود دارد همواره در حال حرکت و تعالی است و بسیج نیز همواره به دنبال آن بوده است که با همه توان از ارزش های انقلاب دفاع کند و از این لحاظ بسیج سازمان مردمی بی‌نظیر است و یک آرمان بسیار متعالی دارد.

در ادامه این مراسم سرهنگ «محمد سراج» رئیس بسیج ادارات استان تهران با بیان این که هم اکنون حدود دو میلیون کارمند در سراسر کشور فعال هستند، افزود: حدود ۷۵۰هزار کارمند به عضویت بسیج در سراسر کشور در آمده اند و برنامه‌ریزی کرده‌ایم تا پایان سال ۹۲، ۷۰ درصد جامعه کارمندان به عضویت بسیج درآیند.

وی کوچک بودن شعبه‌ها و ادارات در سطح شهرستان‌ها را مانع عضویت کارمندان در پایگاه های بسیج دانست و افزود: با توجه به این که پیشتر اداراتی که کمتر از ۵۰ نفر پرسنل داشتند، نمی توانستند پایگاه بسیج داشته باشند ولی اکنون با تغییر این قانون، اداراتی که تا ۲۰ نفر پرسنل داشته باشند، می توانند این پایگاه را ایجاد و نسبت به جذب کارمندان در بسیج اقدام کنند. بنا به این گزارش دراین مراسم از خانواده شهدای کارمند و شهید علی انصاری تقدیر به عمل آمد.

پیش‌شرط افزایش یارانه نقدی

رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس با بیان این که در صورت اجرای فاز دوم هدفمندی یارانه ها ۱۰ – ۱۵ درصد بر نرخ تورم افزوده خواهد شد، گفت: مرحله دوم هدفمندی یارانه ها باید زمانی انجام شود که تورم شیب نزولی داشته باشد و حتی نزدیک به تک رقمی شده باشد.

غلامرضا مصباحی مقدم در گفتگو با مهر در پاسخ به این سئوال که طرح توقف هدفمندی یارانه ها در مرحله دوم چه تاثیری بر جلوگیری از افزایش نرخ تورم تا پایان سال دارد، گفت: هم اکنون نرخ تورم بنا بر اعلام بانک مرکزی ۲۴٫۹ درصد است و مرکز آمار ایران نرخ تورم را ۲۵٫۹ درصد اعلام کرده است. وی افزود: آنچه مهم است این است که شاخص قیمت تولید کنندگان نشان می دهد نرخ تورم فزاینده خواهد بود. امیدوارم دولت روشی را در جذب نقدینگی به کار گیرد که شاهد افزایش نرخ تورم بیش از این نباشیم.

نماینده تهران در مجلس خاطر نشان کرد: نرخ تورم اعلامی نیز میانگین ۳۰۷ قلم کالا است. متاسفانه بخش مهمی از تورم ما در این دوره مربوط به کالاهای ضروری مورد نیاز است که افزایش قیمت بیشتری پیدا کرده اند و همین شرایط اقتضا می کند که نگذاریم تا پایان سال شوک جدید تورمی به مردم وارد شود. وی ادامه داد: برای جلوگیری از این شوک جدید تورمی نباید اجازه دهیم قیمت حامل های انرژی افزایش مجدد داشته باشد تا آرامش از نظر اقتصادی بر جامعه حکمفرما باشد و در شرایطی مرحله دوم قانون هدفمندی یارانه ها را اجرا کنیم که شیب تورم نزولی و حتی به تک رقمی نزدیک شده باشد. رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس ادامه داد: بحث هایی امروز مطرح می شود که اگر قیمت بنزین افزایش پیدا نکند، با قیمت موجود بنزین قاچاق می شود. این حرف درستی است وقتی قیمت بنزین و گازوئیل در ترکیه لیتری ۸ هزار تومان است معلوم است که قاچاق می شود اما ما ضرر و زیان عمومی ناشی از افزایش قیمت حامل های انرژی را بیشتر از ضرر و زیان ناشی از قاچاق آن می دانیم. زیرا قاچاق راهکاری برای کنترل دارد اما ضرر و زیان عمومی ناشی از افزایش قیمت ها راه برون رفتی ندارد.

مصباحی مقدم گفت: اگر قیمت حامل های انرژی بیش از این افزایش یابد با توجه به وضعیت روانی در جامعه شوک بلند دیگری به وجود خواهد آمد و احتمال دارد ۱۰ – ۱۵ درصد دیگر بر نرخ تورم افزوده شود. در صورتیکه مرحله دوم اجرا نشود رشد تورم نخواهیم داشت و نهایتا ممکن است این نرخ به ۲۷ درصد برسد. ما همه تلاشمان را در مجلس انجام دادیم که جلوی این افزایش ۱۰ – ۱۵ درصدی نرخ تورم را بگیریم.

وی در پاسخ به این سئوال که علت اینکه دولت از طرفی تاکید می کند برنامه‌ای برای اجرای فاز دوم ندارد اما از طرف دیگر با قانونی کردن توقف هدفمندی یارانه ها در فاز دوم مخالفت می کند، چیست، گفت: احتمالاتی در این زمینه وجود دارد. اینکه دولت می خواهد دستش باز باشد که اگر روزی خواست قیمت حامل های انرژی مخصوصا بنزین را افزایش دهد منع قانونی نداشته باشد.

رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس گفت: قانون هدفمندی یارانه ها دو طرف دارد یک طرح اصلاح قیمت حامل های انرژی است و طرف دیگر آن پرداخت یارانه است، البته قانون تصریح دارد که پرداخت یارانه باید از درآمد حاصل از اصلاح قیمت حامل های انرژی باشد، اما در سال گذشته دیدیم که دولت پرداخت ها را بدون آنکه دریافت درآمدی داشته باشد انجام داد و بار مالی کسری بر منابع عمومی به وجود آورد و راه جبران آن هم یا برداشت از درآمد نفت است یا استقراض از بانک مرکزی و ما نگران این طرف قضیه نیز هستیم.

ارز مرجع برای کالاهای اساسی

عضو کمیسیون اقتصادی هم در تشریح جزئیات طرح تخصیص ارز در شرایط اقتصاد مقاومتی گفت که بر اساس این طرح، ارز مرجع فقط به واردات کالاهای اساسی اختصاص می یابد و برای کالاهای لوکس و غیرضروری قطع می شود.

عبدالکریم رجبی در گفتگو با فارس با اشاره به اعلام وصول طرح تخصیص ارز به اقتصاد مقاومتی گفت: این طرح ۹ ماده‌ای در راستای حمایت از تولید ملی تدوین شده و تمرکز آن بر کنترل صادرات، واردات و نوسانات ارز است.

وی افزود: در طرح مذکور ارز مرجع به واردات کالاهای اساسی و مورد نیاز کشور و مواد اولیه واحدهای تولیدی اختصاص داده می شود که از جمله مواردی که ارز دولتی به آنها اختصاص پیدا می کند، مواد اولیه نهادهای دامی و کارخانجات و قطعات مورد نیاز است.

عضو کمیسیون اقتصادی مجلس اظهار داشت: همچنین در این طرح صادرات کالاها و محصولات داخلی و مورد نیاز مردم محدود شده است که از جمله آن می توان به برخی محصولات کشاورزی مانند گندم اشاره کرد.

نماینده مردم کلات و مینودشت در مجلس شورای اسلامی ادامه داد: بر اساس این طرح افرادی هم که به دنبال واردات کالاهای لوکس و غیرضرور به کشور هستند باید از ارز با قیمت آزاد استفاده کنند.

افزایش قیمت حامل‌های انرژی و یارانه نقدی در سال ۹۱ ممنوع شد

سرویس پارلمانی: بررسی طرح «الحاق یک بند به ماده ٤٤ و یک بند به ماده ٤٥ قانون بودجه سال ۱۳۹۱ کل کشور»، در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی پایان یافت و در پی تصویب در شور دوم، افزایش قیمت حامل های انرژی (بنزین، نفت، گاز، گازوئیل) آب و برق، نان و دیگر کالاها و خدمات موضوع قانون هدفمند کردن یارانه‌ها در سال ۱۳۹۱ نسبت به سال ۱۳۹۰ ممنوع شد.

همچنین در ماه‌های باقی‌مانده سال ۹۱ هرگونه افزایش یارانه نقدی نسبت به پرداختی شهریور سال جاری از هر منبعی ممنوع است.

تحقیق و تفحص از سازمان بورس

در ادامه این جلسه، درخواست تحقیق و تفحص گروهی از نمایندگان در مورد عملکرد سازمان بورس و اوراق بهادار، مطرح شد و مورد تصویب قرار نگرفت.

موضوع این تحقیق و تفحص به این شرح اعلام شد: علت بسته شدن و بازگشایی نهادها، شفاف‌سازی شرکت‌های بورس از نظر سرمایه، بدهی و سودآوری، دلایل واگذاری نهادهای مالی، مانند کارگزاری و مشاور سرمایه‌گذاری و سندگردانی به برخی افراد، پذیرش شرکت‌ها و صدور مجوز افزایش سرمایه و لغو عضویت‌ها به شیوه سلیقه‌ای و بررسی عرضه‌های عمده شرکت‌های مشمول اصل ٤٤ قانون اساسی.

در مورد اهمیت تصویب این درخواست، نادر قاضی‌پور، به عنوان یکی از امضاکنندگان، آن را در راستای اجرای اصل ۱۷٦ قانون اساسی توصیف کرد و گفت: چرا باید شرکت فرابورس پتروشیمی در بورس عرضه شود و ارزش آن یک باره ۱۰۰ برابر افزایش یابد؟

وی سپس با تأکید بر ضرورت حمایت از نیروی کار و واحدهای تولیدی، اعلام کرد: شبنامه‌ای در جانامه‌ای نمایندگان گذاشته شده تا این تحقیق و تفحص انجام نشود، از این رو باید هرچه سریع‌تر با این گونه اقدامات برخورد شود.

نماینده ارومیه در ادامه یادآور شد: اگر قیمت واقعی بورس عملیاتی شود، قیمت تمام شده کاهش می‌یابد و دست دلالان از بورس کوتاه می‌شود.

الیاس نادران، نماینده تهران هم نسبت به توزیع این شبنامه‌ها اعتراض کرد و آنگاه دکتر علی لاریجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی، دستور داد که در این مورد پیگیری شود.

کارگران ساختمانی بیمه می‌شوند

طرح یک فوریتی «رفع موانع اجرایی قانون بیمه‌های اجتماعی کارگران ساختمانی و نحوه مجازات متخلفان»، دیگر دستور این جلسه بود که پس از تصویب در شور اول جزئیات آن از تصویب گذشت.

به موجب این طرح، سازمان تأمین اجتماعی، مکلف شد با دریافت حق بیمه مقرر در قانون بیمه‌های اجتماعی کارگران ساختمانی، مصوب ۱۳۸٦/۸/۹، تمامی کارگران شاغل در کارهای ساختمانی را به طور کامل و با نظارت دقیق بیمه کند.

برای نظارت بر اجرای صحیح و پیشگیری از تخلفات، کارگروهی مرکب از نماینده وزارتخانه‌های تعاون، کار و رفاه اجتماعی و راه و شهرسازی و سازمان‌های تأمین اجتماعی و آموزش فنی ـ حرفه‌ای کشور، دو نماینده از انجمن صنفی کارگران ساختمانی، دو نماینده از انجمن صنفی کارفرمایان ساختمانی و چهار نماینده مجلس شورای اسلامی که عضو کمیسیون‌های بهداشت و درمان، اجتماعی و عمران باشند، تشکیل می‌شود.

هرگونه ممانعت کارفرمایان و نهادهای مربوط از اجرای این قانون و محرومیت کارگران ساختمانی از خدمات بیمه تأمین اجتماعی با رأی دادگاه مستلزم پرداخت غرامتی معادل اعمال حق بیمه سهم کارگر و کارفرما به ارزش روز و زیان‌های وارده مادی ـ معنوی، مانند هزینه‌های درمانی یا از کارافتادگی و دیگر حمایت‌های مطرح شده در قانون تأمین اجتماعی، خواهد بود. از تاریخ اجرای این قانون، هرگونه استثناء و اعمال سهمیه که در اجرای بیمه اجتماعی این گروه کارگران محدودیت ایجاد کند، بلااثر است.

یادآوری می‌شود: در قانون بیمه‌های اجتماعی کارگران ساختمانی، مصوب ۱۳۸٦/۸/۹، فقط کارگرانی که کارت مهارت فنی داشتند و دوره آموزش فنی ـ حرفه‌ای را گذرانده بودند، مشمول بیمه می شدند که این شرط از این طرح حذف شد.

تقدیم طرح ساماندهی ارز

در این جلسه همچنین اعلام شد که طرح ساماندهی تخصیص ارز در شرایط اقتصاد مقاومتی و حمایت از تولید ملی به همراه دو طرح دیگر به شرح زیر، تقدیم هیأت رئیسه شده است:

ـ طرح استفساریه تبصره ٦ ماده ۱۸ اصلاحی قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب، مصوب ۱۳۷۳ و اصلاحات بعدی آن

ـ طرح اصلاح موادی از آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی

گفتگوی تلفنی آیت‌الله العظمی وحید خراسانی با رهبر شیعیان بحرین

در پی تهدیدهای رژیم آل خلیفه، آیت الله العظمی وحید خراسانی در گفتگو یی تلفنی با رهبر شیعیان بحرین، از احوالات آیت‌الله شیخ عیسی قاسم مطلع شدند و از مواضع وی در انقلاب مردم بحرین حمایت کردند.

به گزارش فارس به نقل از پایگاه رسمی مجلس شورای علمایی بحرین، آیت‌الله العظمی وحید خراسانی در تماسی تلفنی با آیت‌الله شیخ عیسی قاسم رهبر شیعیان بحرین جویای احوالات وی شدند و از مواضع وی در انقلاب مردم بحرین حمایت کردند.

بنابراین گزارش، آیت‌الله العظمی وحید خراسانی از سلامت آیت‌الله شیخ عیسی قاسم کسب اطمینان کرد و از این که مومنین و شیعیان از حضور در مسجد برای اقامه نماز جمعه منع شدند ابراز انزجار کردند.

به گزارش فارس، آیت‌الله شیخ عیسی قاسم در دور جدیدی از حملات به انقلابیون بحرین مورد حمله و محدودیت‌های آل‌خلیفه قرار گرفته است که بارها مورد حمایت علما و روحانیون این کشور از جمله روحانیون دربند بحرینی قرار گرفته است.

حدیث روز

امام علی علیه‌السلام:
فی مُجاهَدَةِ النَّفسِ کَمالُ الصَّلاح
کمال پارسایی، جهاد با نفس است.

همایش روز جهانی فلسفه گشایش یافت

دکتر رضا داوری اردکانی در مراسم گشایش همایش روز جهانی فلسفه که بعدازظهر سه‌شنبه ۲۳ آبان ماه در موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران برگزار شد در سخنانی به جایگاه فلسفه اشاره کرد و گفت: اگر فلسفه نباشد و اگر فیلسوفان نباشند - چون فیلسوفان قائم به فلسفه هستند - قوام جمع دستخوش سستی می‌شود. فلسفه امر ناپیدایی است که هر کجا که نباشد نبودش احساس می‌شود و فیلسوف در واقع سخنگوی جامعه است.

به گزارش مهر رئیس فرهنگستان علوم با بیان اینکه در هیچ جا نمی‌بینید که جامعه‌ای که از دین، معرفت و حکمت محروم باشد تاکید کرد: جامعه جدید قائم به فلسفه است.

دکتر داوری اردکانی با اشاره به اتهاماتی که به وی در حوزه فلسفه زده می‌شود گفت: [illegible] و بانی تجدد و عالم جدید است.

عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی یادآور شد: یکی از مسائلی که مشکل زمان ماست نگاه سوبژکتیو به فلسفه است. [illegible] من به کلیت فلسفه نگاه می‌کنم.

داوری اردکانی افزود: فلسفه یک صورت علمی قابل تعلیم دارد. فلسفه

رضا داوری اردکانی

درکی دارد که خود افلاطون به نحوی آن را بیان کرد. افلاطون عقل را به دو عقل بسیط و تفصیلی تقسیم کرد و عقل بسیط را مقدم بر تفصیلی گرفت. عقل بسیط را نمی‌توان به کسی داد اما وقتی عقل بسیط، تفصیل پیدا می‌کند و به صورت آثار افلاطون، ابن سینا، کانت و ... در می‌آید آنگاه قابل تعلیم می‌شود. منظور افلاطون از اینکه فلسفه قابل تعلیم نیست در واقع عقل بسیط است اما عقل تفصیلی قابل تعلیم است.

این چهره ماندگار فلسفه یادآور شد: [illegible]

در ادامه داوری اردکانی از سایت جدید موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران رونمایی کرد.

حجت‌الاسلام دکتر خسروپناه با بیان اینکه وضعیت آموزش فلسفه در ایران فیلسوف پرور نیست بلکه شارح و عالم فلسفه تربیت می‌کند به تشریح دیگر آرشیوهای حوزه آموزش و پژوهش فلسفه پرداخت.

به گزارش مهر، حجت‌الاسلام دکتر عبدالحسین خسروپناه رئیسی موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران نیز در مراسم گشایش همایش روز جهانی فلسفه که عصر سه‌شنبه ۲۳ آبان در این موسسه برگزار شد، گفت: فلسفه در طول تاریخ توسط بزرگان فلسفه رشد پیدا کرده و با گرایشهای مختلف خود را به جامعه بشریت عرضه کرده و همواره در طول حیات خود گرفتار منتقدان و مخالفان بوده است.

وی با بیان اینکه ذات تفکر فلسفی همراه با نقد است تاکید کرد: هر فکر فلسفی که ارایه می‌شود باید انتظار داشت که منتقدانی آن را نقد کنند. به فلسفه اسلامی هم نقدهای متعددی وارد کردند که ازجمله کاری که غزالی کرد نه اولین بار و نه آخرین بار بود، البته نقد فلسفه خود نوعی تلاش فلسفی است بنابراین نباید فیلسوفان از نقد فلسفه از رده خارج شوند. حتی فیلسوفان هم یکدیگر را نقد کرده‌اند چرا که نقد اقتضای ذاتی فلسفه است

رئیس موسسه حکمت و فلسفه ایران به تشریح سه آسیب آموزش و پژوهش فلسفه در ایران پرداخت و گفت: اولین آسیب شیوه آموزش فلسفه است. به این معنی که شیوه آموزش فلسفه در ایران چه در حوزه و چه در دانشگاه بیشتر عالم و شارح فلسفه تربیت می‌کند تا فیلسوف. فیلسوف به کسی نمی‌گویند که تنها بتواند افکار ملاصدرا یا کانت را تدریس کند و یا شرح بنویسد بلکه فیلسوف به کسی می‌گویند که در برابر یک پرسش جدید فلسفی آن را روشمندانه بتواند حل کند.

وی تاکید کرد: آسیب دوم به نظام آموزشی کشور و تاسیس رشته‌ها و گرایش‌های فلسفه در دانشگاه‌ها بر می‌گردد. دانشگاه‌های مختلف در کشور رشته‌ها و گرایش‌های مختلف ایجاد می‌کنند و هیچ عقلانیت نظام‌مندی عقبه تاسیس این رشته‌ها وجود ندارد و صرفاً براساس ذوق و سلیقه اعضای هیات علمی و هیات امنای دانشگاه این رشته ها تاسیس می‌شود. به طور مثال ۶۷ گروه رشته ادیان و عرفان در مقطع کارشناسی در دانشگاه‌های دولتی و پیام نور وجود دارد. ۷ گروه دولتی و ۶۰ گروه در پیام نور هستند. آیا ما واقعاً در کشور چقدر لیسانس، فوق لیسانس و یا دکترای ادیان و عرفان نیاز داریم. اساساً پیام نور که ۶۰ گروه ایجاد کرده آیا استاد مربوطه را دارد؟ این آسیب جدی است که شاید در دیگر رشته‌ها نیز وجود داشته باشد و یکی از کارهای انجمن‌های علمی این است که این وضعیت را بررسی کنند و نباید اجازه داده شود که هر دانشگاهی بدون بررسی رشته ای را راه اندازی کند.

کوتاه فرهنگی

نمایشگاه پوسترهای مذهبی در نگارستان شاهد

به مناسبت فرا رسیدن ایام سوگواری سالار و سرور شهیدان نمایشگاهی از پوسترهای عاشورایی و مذهبی هداکاسپو با عنوان «لاهوت» از ۲۵ آبان تا ۲ آذر در نگارستان شاهد برگزار می‌شود. افتتاحیه این نمایشگاه ۲۵ آبان، ساعت ۱۶ تا ۱۸ خواهد بود. نگارستان شاهد در خیابان ولی عصر، تقاطع طالقانی، نبش کوچه رحیم زاده قرار دارد.

دیدار با ادبیات معاصر روسیه در مرکز فرهنگی شهر کتاب

شهر کتاب

هیات هفت‌نفره‌ای از استادان ادبیات، نویسندگان، شاعران، مترجمان و سردبیران نشریات ادبی روسیه که به دعوت مرکز فرهنگی شهر کتاب به ایران سفر کرده‌اند برای دیدار و گفت‌وگو با اصحاب ادب و فرهنگ ایران یک‌شنبه ۲۸ آبان ساعت ۱۶ در مرکز فرهنگی شهر کتاب حضور خواهند داشت.

این گروه هفت نفره تشکیل شده‌اند از «پروفسور مارینا ریسنر» (استاد کرسی زبان‌شناسی انستیتو آسیا و آفریقای دانشگاه دولتی مسکو و مولف تاریخ ادبیات ایران در دوران پس از مغول)، پروفسور «ناتالیا چالیسووا» (استاد دانشگاه دولتی علوم انسانی مسکو و مترجم لیلی و مجنون)، «یوری آرخیپوف» (مترجم و منتقد ادبی)، «ایلدار ابوذروف» (نویسنده رمان خوش)، «سنجر یانیشف» (شاعر و مترجم روس)، دکتر «ماکسیم روسانوف» (عضو هیأت علمی دانشگاه دولتی علوم انسانی مسکو و مترجم لیلی و مجنون) و «یولتان صادق آووا» (متخصص ادبیات روس و دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه دولتی مسکو). در این نشست شاعران، نویسندگان و منتقدان ایرانی نیز حضور دارند و درباره آشنایی بیشتر با ادبیات معاصر روسیه در ایران با همکاران روسی خود گفت‌وگو می‌کنند. در این نشست، نویسندگان و منتقدان روسی در باب ویژگی‌های ادبیات معاصر روسیه سخن می‌گویند و بخشی از آثار خود را برای مخاطبان می‌خوانند که به فارسی ترجمه می‌شود. علاقه‌مندان برای حضور در این نشست می‌توانند به مرکز فرهنگی شهر کتاب واقع در خیابان شهید بهشتی، خیابان شهید احمد قصیر (بخارست)، نبش کوچه سوم مراجعه کنند.

امضای تفاهمنامه همکاری بین فرهنگستان زبان و ادب فارسی و موزه ملی ملک

اعضای فرهنگستان زبان و ادب فارسی دوشنبه ۲۲ آبان با حضور در کتابخانه و موزه ملی ملک، به تماشای نسخه‌های خطی و آثار بی‌بدیل موزه‌ای نشستند که حاج حسین ملک در ۸ دهه از زندگی خود از سراسر ایران و جهان گرد آورده بود؛ نسخه‌های خطی و آثاری که استادان بزرگ زبان و ادب فارسی را به تحسین و شگفتی واداشت.

محمد دبیرمقدم، حسن رضایی باغ‌بیدی، محمدرضا نصیری، علاءالدین طباطبایی، حسین بیک باغبان، هوشنگ مرادی کرمانی، هوشنگ رهنما، بدرالزمان قریب، لطیف کاشیگر، یداله جلالی بندری، اسماعیل سعادت، محمدعلی موحد، موسی اسوار، ابوالحسن نجفی، فتح‌اله مجتبایی، ژاله آموزگار، کامران فانی، یداله ثمره، حسن انوری، علی‌اشرف صادقی، احمد سمیعی گیلانی، محمدجعفر یاحقی، محمود عابدی، مهدی محقق، استادانی بودند که در کنار دکتر غلامعلی حداد عادل به عنوان رییس فرهنگستان زبان و ادب فارسی در کتابخانه و موزه ملی ملک حضور یافته بودند تا با برگزاری نشست ماهانه فرهنگستان و نیز امضای تفاهم‌نامه همکاری میان دو مجموعه، از گنج ملک بازدید کنند.

سیدمجتبی حسینی مدیرعامل موسسه کتابخانه و موزه ملی ملک به درخواست رییس فرهنگستان زبان و ادب فارسی، شرحی درباره زندگی و اقدامات اجتماعی حاج حسین آقا ملک برای اعضای فرهنگستان ارایه کرد.

غلامعلی حداد عادل رییس فرهنگستان زبان و ادب فارسی، پس از گزارش مدیرعامل کتابخانه و موزه ملک، گفت: «تحصیل مال که واقعا کار سختی است، یک مساله است و چگونه مصرف کردن مال به دست آمده، مساله‌ای دیگر که به نظرم بسیار سخت‌تر از تحصیل مال است. حاج حسین آقا ملک یک راه ماندگار به همه ثروتمندان نشان داد که چگونه می‌توان ثروت را در مسیر درست به کار گرفت. کار بزرگی که حاج حسین آقا ملک از عهده انجام آن برآمد، شاید پیش و پس از او بی‌نظیر بوده است. ما در ایران و حتی در جهان، مالداران و متمولان فراوانی داشته‌ایم که کارهای زیادی را انجام داده‌اند اما هیچ‌یک از آن‌ها نتوانسته است به جایگاهی که حاج حسین ملک بدان دست یافته، برسد از این‌رو است که او می‌تواند الگویی بزرگ برای همه متمکنان و ثروتمندان باشد».

رییس فرهنگستان زبان و ادب فارسی در ادامه از استادان بزرگی که در نشست حضور داشتند، خواست اگر از حاج حسین ملک و کتابخانه او که در زمان زندگی‌اش در بازار حلبی سازها (بین‌الحرمین کنونی) تهران قرار داشت، خاطره‌ای به یاد دارند، بازگویند.

دکتر مهدی محقق که اکنون مدیریت موسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران- دانشگاه مک گیل کانادا را برعهده دارد، به نسخه‌ای منحصربه‌فرد در کتابخانه ملک اشاره کرد که در زمان زندگی حاج حسین ملک، آن را تصحیح، خلاصه و ترجمه کرده است: «کتابخانه ملک، گنج نسخه‌های منحصربه‌فرد خطی در ایران و جهان است. من یک نسخه خطی بی‌نظیر را که فقط در این کتابخانه بود، دهه‌ها پیش تصحیح و ترجمه کرد. نسخه خطی بستان‌الاطبا و روضه‌الالبا یک اثر ویژه در حوزه طب سنتی است که به وسیله ابن مطران پزشک شخصی صلاح‌الدین ایوبی در سده هفتم قمری نوشته شده است. وجود این نسخه کم‌نظیر در کتابخانه ملک به ما کمک کرد تا یافته‌های آن دانشمند را به پژوهشگران امروزی منتقل کنیم».

دکتر محقق افزود: «من یک‌بار حاج حسین آقا ملک را در مراسم درگذشت یکی از وابستگان سیدجلال تهرانی در مشهد دیدم. فرد فاضلی بود که به کتاب و آثار هنری بسیار علاقه داشت. ایشان با پدرم دوستی داشتند. چندین بار که پدرم با ایشان ملاقات داشتند، حاج حسین آقا با وجود سن بسیار و ثقل صامعه، از ایشان می‌خواستند که در گوش‌شان روضه سیدالشهدا را بخوانند».

اعطای مدرک دکترای افتخاری به شهید تهرانی مقدم

مراسم اعطای مدرک دکترای افتخاری دانشگاه تربیت مدرس به شهید حسن تهرانی مقدم صبح دیروز با حضور وزیر علوم، جانشین فرمانده کل سپاه، وزیر ارشاد و جمعی از دانشگاهیان در محل دانشگاه تربیت مدرس برگزار شد.

وزیر علوم، تحقیقات و فناوری در این مراسم با بیان اینکه ولایتمداری در عمل شرط عاقبت بخیری است و نه در کلام، با اشاره به بحث شهادت گفت: شهادت انشای عاشورا و انتشار کربلاست و شاید با شهادت افرادی چون شهید مقدم، دلدادگان در گرو پست و مقام بیدار شوند.

وی با بیان اینکه خدمت به خلق برای رضای خدا، ایثارگری، انسجام وحدت، محبت و بی ادعایی را با خود همراه دارد، به گونه دیگری از خدمت اشاره کرد و گفت: نوع دیگر از خدمت، خدمت به خلق خداست که برای پست و مقام و قدرت است که به همراه خود خودخواهی و خودشیفتگی، کینه و نزاع و تفرقه می‌آورد چرا که نام و شهرت می‌طلبد.

وی افزود: به عنوان نمونه افرادی که به دنبال نام هستند برای تیتر شدن در اخبار و روزنامه‌ها چه‌ها که نمی‌کنند و در عین بداخلاقی، بزرگترین دروغ‌ها را در روزنامه‌هایشان می‌گویند.

همچنین در این مراسم سردار سلامی جانشین فرمانده کل سپاه گفت:

در طراحی مدل جدید اقتدار ایران بعد از انقلاب که ما را به عنوان قطب جدید در جهان قدرت معرفی می‌کند انسان‌هایی چون شهید حسن تهرانی مقدم نقش منحصر به فردی دارند.

وی با اشاره به همکاری نزدیک با شهید حسن تهرانی مقدم گفت: ایشان راز بزرگی و جاودانگی ما را تشخیص داده بودند و می‌دانستند با قدرت‌های بزرگ چگونه صحبت کنند. او نقاش ایده، تفکر و اندیشه بود و در مسیرهای بلندپروازانه و با اعتماد حرکت می‌کرد.

گفتنی است در این مراسم دکترای افتخاری به خانواده شهید حسن تهرانی مقدم اعطا شد.

نخستین جشنواره شهدای علمی، اسفند برگزار می‌شود

یزدان عشیری گفت: نخستین جشنواره بین‌المللی فیلم، عکس و فیلمنامه شهدای جهاد علمی به همت سازمان بسیج استادان دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور با همکاری مراکز و سازمان‌های مختلف در کشور هفته اول اسفند برگزار می‌شود.

به گزارش فارس، نشست خبری نخستین جشنواره بین‌المللی فیلم، عکس و فیلمنامه شهدای جهاد علمی با حضور «حجت الاسلام عباس نصیری‌فرد» دبیر کنگره شهدای جهاد علمی و «یزدان عشیری» دبیر نخستین جشنواره بین‌المللی فیلم، عکس و فیلمنامه شهدای جهاد علمی و نمایندگان رسانه‌های گروهی و اصحاب رسانه در سالن اجتماعات سازمان بسیج اساتید دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی عالی کشور برگزار شد.

در ابتدای این نشست حجت الاسلام عباس نصیری فرد با اشاره به اینکه ابعاد شخصیتی این شهدا مغفول مانده است و این بر خلاف نظر و میل قلبی رهبر معظم انقلاب است، اظهار داشت: بسیج اساتید در همین راستا اقدام به برگزاری کنگره شهدای جهاد علمی نموده است و به همین جهت چهار جشنواره فرهنگی هنری شامل جشنواره بین‌المللی شعر، جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه، فیلمنامه و عکس جشنواره اثار خبرنگاران و جشنواره مقاله‌های علمی برای معرفی این شهیدان دانشمند یعنی دکتر علی‌محمدی، دکتر شهریاری، مهندس احمدی روشن، مهندس رضایی نژاد و سردار دانشمند طهرانی مقدم برگزار می‌شود که خصوصا در بخش شعر و فیلم استقبال خوبی از این جشنواره‌ها صورت گرفت.

وی ادامه داد: امثال شهید شهریاری که کار غنی سازی اورانیوم از سه و نیم درصد به ۲۰ درصد را انجام داد و یا شهید علیمحمدی که یک استاد تمام فیزیک که به لحاظ علمی در دنیا شناخته شده بود حتی یک روز هم در خارج از کشور درس نخوانده بود.

این یعنی مبارزه با استعمار علمی بر اساس شعار ما می‌توانیم و دشمن دقیقا تاب تحمل همین موضوع را نداشت و دست به ترور این عزیزان زد.

ایشان پیرامون شهید مصطفی احمدی روشن گفت: این دانشمند شهید در بحث مدیریت پژوهش آغازگر جریانی بود که بسیار پیش‌روتر از زمان خود است.

وی شهید احمدی‌روشن را مبتکر شاخه‌ای نوین در انرژی هسته‌ای دانست و اظهار کرد: اهمیت دستاوردهای علمی شهید احمدی روشن تا آن‌جاست که امروزه یکی از دانشگاه‌های معتبر کشور رشته‌ای را بر مبنای نظریه‌های این دانشمند شهید تأسیس کرده است.

وی با بیان این که همه این شهدا علاوه بر برجستگی‌های علمی از ویژگی‌های برجسته اخلاقی و اعتقادات عمیق دینی برخوردار بودند به جایگاه شاخص علمی شهید طهرانی مقدم پرداخت و افزود: شهید تهرانی‌مقدم یک دانشمند بزرگ در عرصه موشکی جمهوری اسلامی ایران بوده است.

دبیر کنگره بین‌المللی شهدای جهاد علمی افزود: جهاد همیشه صحنه قتال نیست بلکه این شهدای بزرگوار در جبهه علم و فن‌آوری به مبارزه با استعمار علمی غرب و خصوصا آمریکا به پا خواستند.

به گزارش فارس، در ادامه این نشست «یزدان عشیری» دبیر جشنواره فیلم، عکس و فیلمنامه شهدای جهاد علمی نیز، اظهار داشت: نخستین جشنواره بین المللی فیلم- عکس و فیلمنامه شهدای جهاد علمی به همت سازمان بسیج اساتید دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور با همکاری مراکز و سازمان‌های مختلف در کشور هفته اول اسفند برگزار می‌شود.

وی در جمع نمایندگان رسانه‌های گروهی با اعلام این مطلب افزود: در این ارتباط در روزهای ۱۴ و ۱۵ آذر هم نشست‌های تخصصی این رویداد سینمایی در یکی از دانشگاه‌های تهران با حضور کارشناسان و صاحب‌نظران فرهنگی و سینمایی برپا می‌شود.

اجرای نمایش «هفت شب با مهمانی ناخوانده در نیویورک» به نفع زلزله زدگان

نمایش «هفت شب با مهمانی ناخوانده در نیویورک» نوشته و کار فرهاد آئیش امروز به نفع زلزله‌زدگان استان آذربایجان شرقی اجرا خواهد شد.

به گزارش روابط عمومی مجموعه تئاتر شهر، بلیت این اثر نمایشی که بعد از اجرای موفقیت‌آمیز خود در تالار چهارسو، در تالار اصلی تئاتر شهر میزبان علاقه‌مندان تئاتر است چهارشنبه ۲۴ آبان به نفع زلزله زدگان استان آذربایجان شرقی فروخته خواهد شد.

براساس این گزارش عزت‌الله انتظامی، داود رشیدی، احترام برومند، فرشته صدرعرفایی، رامین ناصر نصیر، شبنم فرشادجو، امیرحسین رستمی، افروز فروزند، سعید چنگیزیان، مسعود فروتن، فرزانه نشاط خواه، افشین هاشمی و رضا میرکریمی از جمله هنرمندانی بودند که تاکنون از این اثر نمایشی دیدن کردند.

نمایش «هفت شب با مهمانی ناخوانده در نیویورک» تا دوم آذر با بازی علی نصیریان و فرهاد آئیش در تالار اصلی میزبان علاقه مندان تئاتر است.

تمدید مهلت ارسال آثار متقاضی شرکت در بخش ویژه جشنواره بین المللی تئاتر فجر

مهلت ارسال آثار نمایشی متقاضی شرکت در بخش ویژه سی و یکمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر تمدید شد.

به گزارش روابط عمومی مرکز هنرهای نمایشی، همه گروه های نمایشی متقاضی شرکت در بخش ویژه می‌توانند تا ۳۰ آذر نسبت به ارسال و تحویل آثار خود به دبیرخانه جشنواره اقدام کنند.

تمامی نمایش های اجرا شده (اجرای عمومی) در فاصله زمانی بهمن ۱۳۹۰ تا ۳۰ آذر ۱۳۹۱ می‌توانند در این بخش شرکت کنند. متقاضیان می بایست به همراه مدارک عمومی، تاییدیه اجرای عمومی خود را نیز به دبیرخانه ارائه کنند.

انتخاب آثار با ارزیابی نسخه تصویری اثر انجام خواهد شد.

سی و یکمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر ۲۶ دی تا ۱۲ بهمن سال جاری به دبیری سعید کشن فلاح برگزار می شود.

برترین مؤلفان و مترجمان دانشجو، جایزه کتاب سال گرفتند

مراسم پایانی نوزدهمین جشنواره کتاب سال دانشجویی سه‌شنبه، ۲۳ آبان‌در پژوهشگاه فرهنگ، هنر و معماری برگزار شد.

به گزارش ایسنادر این مراسم، محمدحسین یادگاری - رییس جهاد دانشگاهی - با اشاره به سابقه جهاد دانشگاهی در فعالیت‌های فرهنگی گفت: جهاد دانشگاهی در ۱۶ مرداد سال ۱۳۵۹ از سوی ستاد انقلاب فرهنگی که بعدها شورای عالی انقلاب فرهنگی شد، به عنوان یک نیاز احساس شد و البته جهاد با همه تلاش‌هایش در این سال‌ها هنوز با توقعات نظام فاصله دارد و ما باید تلاش کنیم تا به نتیجه صددرصدی که مورد انتظار نظام است، برسیم.

رییس جهاد دانشگاهی با اشاره به فرمایشان مقام معظم رهبری در می‌گویند کسی که در راهی حرکت کند که طالب دانش باشد، انگار که در مسیر و راهی به سوی بهشت گام برداشته است. همچنین حضرت علی (ع) معتقدند که بهترین سخنگو کتاب است و کسی که با کتاب آرامش بگیرد، از هیچ آرامشی محروم نخواهد بود.

حسینی ادامه داد: ما با کتاب می‌توانیم از فرهنگ و سنت‌های‌مان صیانت کنیم و دانش و تجربه خود را از نسلی به نسل دیگر منتقل کنیم. ما خواهان استقلال و سربلندی هستیم و با جهاد و مجاهدت و گشودن دروازه‌های علم می‌توانیم به جایگاه واقعی خودمان برسیم.

او تأکید کرد: ما در دنیایی هستیم که برخی می‌خواهند علم را در دست خودشان داشته باشند و آپارتاید علمی مطالعه کتاب‌های عمومی نیاز دارند و باید دامنه مطالعه خود را وسیع‌تر کنند. ما اکنون با شبهاتی که از سوی بیگانگان پمپاژ می‌شود، مواجه‌ایم و انواع مسیرهای اعوجاجی بر سر راه جوانان قرار می‌گیرد. آن‌ها از راه عرفان و اخلاق هم وارد شده‌اند، در حالی که کسی که به دره سقوط کرده، چگونه می‌تواند ما را به قله برساند؟ ما باید شخصیت‌های برجسته خود را به جوانان معرفی کنیم تا بتوانند آن‌ها را به عنوان الگو قرار دهند. شخصیت‌های برجسته هنوز در محیط‌های دانشگاهی شناخته نشده‌اند.

در این مراسم همچنین علی زجاجی - معاون فرهنگی جهاد دانشگاهی - با اشاره به سیاست‌های فرهنگی جهاد دانشگاهی عنوان

سفر به خراسان گفت: مقام معظم رهبری در فرمایشات خود به بحث پیشرفت اشاره کردند و آن را ابزاری برای تمدن نوین خواندند که ما برای مطرح کردن تمدن خودمان باید پشتوانه علمی داشته باشیم و پشتوانه علم ما فرهنگ و پشتوانه فرهنگ ما اسلام باید باشد که اگر این اتفاق بیفتد، یک‌شبه راه صدساله را می توان رفت.

او سپس درباره جشنواره کتاب سال دانشجویی گفت: این جشنواره تقدیر از کسانی است که علم خود را مستندسازی می‌کنند و در اختیار دیگران قرار می دهند و ما امیدواریم بعد از ۳۲ سال فعالیت جهاد دانشگاهی، بتوانیم برای ۳۰سال آینده هم برنامه‌ریزی کنیم.

در ادامه‌ی این مراسم، دکتر سیدمحمد حسینی - وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی- با اشاره به اهمیت کتاب و کتاب‌خوانی گفت: ما در فرهنگ و آیینی رشد کرده‌ایم که معجزه ما از جنس کتاب است و باید مردم ما اهل کتاب و مطالعه باشند و حضرت محمد (ص) در این‌باره یک توهم نیست و واقعیت است. آن‌ها می‌دانند اگر ما به علوم دسترسی داشته باشیم، جامعه الگو و پیشرفته‌ای خواهیم داشت و می‌خواهند ما وابسته و عقب‌مانده باشیم و نتوانیم روی پای خود بایستیم. ما باید بر قله‌های دانش بایستیم و دستیابی به علم راهی جز مطالعه ندارد. حسینی با اشاره به اهتمام دانشجویان به امر مطالعه گفت: از دانشجویان و طلاب بیش‌تر انتظار می‌رود که به مطالعه علاقه نشان دهند و آن‌ها باید تمام وقت‌شان را به مطالعه بگذرانند.

وزیر ارشاد با اشاره به بیانات مقام معظم رهبری در توجه به مؤلفان گفت: رهبری معتقدند علاوه بر این‌که باید مردم را به مطالعه علاقه‌مند کنیم، واجب‌تر از آن پیدا کردن استعدادها در نوشتن است و این برنامه در تأکید بر این نقش است و کار دانشگاه هم همین است و باید پژوهشگر و نویسنده تربیت کنند و امیدواریم به نقطه‌ای برسیم که همه پایان‌نامه‌ها قابلیت تبدیل به کتاب را داشته باشند. حسینی افزود: دانشجویان ما علاوه بر مطالعه کتاب‌های درسی و علمی به کرد: تبلیغ و ترویج فرهنگ اسلامی، برنامه‌ریزی فرهنگی و تربیتی، ایجاد آمادگی فکری و افزایش دانش و بینش دینی و سیاسی در قشر جوان به منظور مقابله با غربزدگی و انحرافات فرهنگی در چهارچوب سیاست‌های فرهنگی کشور، رویکرد اساسی جهاد دانشگاهی در حوزه فرهنگی است. همچنین محمد سلگی - دبیر نوزدهمین دوره جشنواره کتاب سال دانشجویی - برگزاری این جشنواره را با هدف ارج نهادن به استعدادهای دانشجویان مؤلف خواند و گفت: ادامه نوزدهمین دوره این جشنواره نشان می‌دهد که دانشجویان از این جشنواره استقبال کردند و امسال ۱۴۰۰ کتاب به این جشنواره رسیده که در بخش‌های عمومی و بخش‌های ویژه‌ای چون کتاب سال قرآنی، تولید ملی، اشتغال و کارآفرینی و گردشگری بوده‌اند. ما امسال تلاش کرده‌ایم تا جوان‌ترین مؤلف و مؤلف پرتلاش را معرفی کنیم و از ناشری که در زمینه نشر آثار دانشجویی تلاش کرده است، تقدیر کنیم.

رونمایی آلبوم عاشورایی «ساقی سرمست»

آیین رونمایی از آلبوم عاشورایی «ساقی سرمست» سوگ‌نامه‌ای برای شهیدان دشت نینوا شامگاه ۲۲ آبان در موزه امام علی (ع) برگزار شد.

به گزارش ایسنا، در این مراسم محمد اصفهانی گفت: من از سال ۶۴ با محمدعلی کریم‌خانی (خواننده آلبوم) آشنا شدم و سال‌های بعد نیز که در رادیو با آقای صبحدل همکاری می‌کردم این دغدغه را داشتم که ایشان را فریاد بزنم، چرا که احساس می‌کردم صدای کریمخانی شناخته نشده است.

او ادامه داد: راجع به این هنرمند با صبحدل صحبت کردم و قرار شد او از کریمخانی تست بگیرد. این آزمون در سبزمیدان انجام شد و او دو بیتی را برای صبحدل خواند در حالی که ساعت ۱۰ صبح بود و صبح خواندن برای خواننده کار بسیار سختی است. اما هنگامی که صبحدل دو بیت اول را شنید او را به استودیو برد.

اصفهانی همچنین اظهار کرد: صدای محمدعلی کریمخانی صدایی تکرار ناپذیر با حجمی عجیب است و او روحیه‌ای خطرپذیر و خطر کننده دارد. او یک پدیده استثنایی است و لازم نیست که برای این صحبت مدرک و دلیل بیاورم.

چرا که آلبوم او منتشر شده است.

این خواننده در بخش دیگری از سخنانش تاکید کرد: نباید مقدسات را با کارهای کوچک زیر سوال ببریم. امام حسین (ع) هزار سال در شادی و غم در کنار مردم بوده است. ساحت امام حسین (ع) مقدس است و نباید با هر موسیقی آن را تنزل داد.

به گزارش ایسنا، در ادامه این مراسم سید عباس سجادی - مدیر مرکز موسیقی شهرداری تهران - گفت: یکی از فعالیت‌های شهرداری تولید آثار شاخص در زمینه موسیقی است و پیش از این نیز آلبوم «پرده عشاق» از ۲۸ مداح درگذشته تهران منتشر شده بود تا هنرمندان شایسته و کسانی که در این امر کارکشته هستند شناسایی شوند.

همچنین در بخش دیگری از این مراسم آریا عظیمی‌نژاد آهنگساز آلبوم «ساقی سرمست» در سخنانی مطرح کرد: محمدعلی کریمخانی حمد و ثناء را به گونه‌ای به من نشان داد که فارغ از وابستگی‌ها و جبر بود.

در بخش دیگری از این مراسم محمدعلی کریم‌خانی خواننده آلبوم که از مداحان اهل بیت شمرده می‌شود، لحظاتی برای حاضران از امام حسین (ع) خواند.

همچنین امیرخوراکیان - رئیس سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران - در این مراسم حضور پیدا کرد و در سخنانی گفت: حضور در این محفل که به نوعی پیوند دین و هنر محسوب می‌شود و انسان می‌بیند از ظرفیت بی‌نظیر، گسترده و عمیق معارف دین در هنر استفاده می‌شود، ارزشمند است. آن هم زمانی که ارزش‌های آن به تاثیرگذارترین شکل مطرح می‌شود محفل شیرینی را به وجود می‌آورد.

رئیس سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران همچنین اظهار کرد: امیدوارم همین اخلاص را در رابطه با سایر کارهای فرهنگی، هنری ببینیم چرا که باعث تعالی و درخشش می‌شود.

تأکید وزرای فرهنگ ایران و ارمنستان بر توسعه همکاری های فرهنگی

وزرای فرهنگ ایران و ارمنستان بر توسعه و گسترش همکاری ها و تعاملات فرهنگی فرهنگی دو کشور تأکید کردند.

به گزارش ایرنا، دکتر سیدمحمد حسینی سه شنبه در دیدار با وزیر فرهنگ ارمنستان که در وزارت ارشاد برگزار شد به روابط دیرینه فرهنگی بین ایران و ارمنستان اشاره کرد و گفت: مردم ارمنستان علاقه خاصی به زبان فارسی دارند و هر ساله تعداد زیادی از آن ها به فراگیری زبان فارسی می پردازند و اخیرا هم جمعی از آن ها برای افزایش دانسته های شان درباره زبان فارسی به ایران سفر کرده اند. به گفته وی رفت وآمدها و مراوده های فرهنگی وهنری بین مردم ایران و ارمنستان، دانشجویان و هنرمندان در سطح خوبی است و روابط فیمابین دو کشور ایران و ارمنستان نیز خوب است و رییس جمهور و وزرای این دو کشور به تهران و ایروان سفر کرده اند.

عضو کابینه دولت دهم خاطرنشان کرد: در مسایل جهانی و منطقه شاهد موضع گیری یکسانی از طرف ایران و ارمنستان هستیم، بویژه در مساله اخیر که در کشور سوریه رخ داده است.

حسینی اضافه کرد؛ ایران و ارمنستان بر این مساله تاکید دارند که مسایل سوریه باید از طریق گفت وگو حل و فصل شود و جایی برای دخالت بیگانگان در امور داخلی این کشور نیست و این مردم سوریه هستند که باید درباره خودشان و کشورشان تصمیم بگیرند.

حسینی از حمایت های وزیر فرهنگ ارمنستان - از فعالیت های فرهنگی ایران در این کشور قدردانی کرد و اظهار داشت: اخیرا جمعی از نمایشنامه نویسان ایرانی به ارمنستان سفر کرده اند و پس از بازگشت از میهمان نوازی مردم ارمنستان و حمایت های مسؤولان فرهنگی این کشور ابراز خرسندی کردند.

هاسمیک بوغوستان سال ۲۰۱۲ میلادی را برای فرهنگ و هنر ارمنستان مهم توصیف کرد و اعلام داشت: در سال ۲۰۱۲ میلادی ما برنامه مهم جشن پانصدمین سالگرد چاپ نخستین کتاب ارمنی را داشتیم که چهره های ایرانی و ارامنه ایران در برگزاری این فعالیت فرهنگی با ما در ارتباط بودند، ضمن این که در سال های متعدد ارامنه ایرانی در تولید و چاپ و نشر کتاب در ایران نقش موثری داشتند.

همچنین اهمیت دیگر سال ۲۰۱۲ برای ما معرفی ایروان به عنوان پایتخت کتاب جهان از طرف یونسکو بود و برنامه های متعددی در این باره در ارمنستان برگزار شد.

این مقام مسؤول ارمنستان بر اهمیت آثار فرهنگی و تاریخی ارامنه و مسلمانان در کشورهای ایران و ارمنستان تاکید کرد و گفت: ما در سال های اخیر در حفظ مراکز فرهنگی مسلمانان اقدام کرده ایم، از جمله برنامه حفاظت و نگهداری مسجد کبود در ایروان را داشته ایم. البته تعامل فرهنگی در این زمینه خوب بوده است و مسؤولان فرهنگی ایران در حفظ و نگهداری بناهای مذهبی ارامنه تلاش خوبی داشته اند و ضرورت دارد این همکاری ها بیش از گذشته ادامه داشته باشد.

وی ابراز امیدواری کرد در آینده دو کشور ایران و ارمنستان در برنامه های مشترکی آثار فرهنگی، تاریخی، اماکن و میراث معنوی مشترک دو کشور را در یونسکو ثبت کنند.

حسینی در بخش پایانی سخنانش از مواضع مسؤولان ارمنستان در محکومیت توهین به انبیا و نبی مکرم اسلام (ص) تشکر و تاکید کرد: ما و همچنین مسؤولان ارمنستان معتقدیم به جای تمسخر و تحقیر باورهای دینی و اعتقادی ادیان مختلف، ضرورت دارد با گفت وگو و مفاهمه و آشنایی با ادیان، راه را برای فهم بیش تر فراهم کرد. در پایان این مراسم، وزیران فرهنگ دو کشور ایران و ارمنستان هدایایی از آثار فرهنگی خود را به رسم یادبود به یکدیگر هدیه کردند.

پس از غدیر خم، به استقبال محرم

۲

سیدرضا اکرمی

۱ـ پس از سپری شدن برنامه شکوهمند غدیر خم که باید هرچه باشکوه‌تر برگزار شود «زیرا رسول خدا در پیام خود فرمودند، هر حاضری به غایب، و هر پدری به فرزند خود، تاقیامت باید پیام غدیر را «فلیبلغ الشاهد الغائب و الوالد ولده الی یوم القیامه» برساند و موضوع غدیر خم و جانشینی امامت و ولایت پس از رسول خدا را تبیین و تحلیل نماید، که این موضوع در اکمال دین و اتمام نعمت خداوندی و اسلام مرضی خداوند نقش بایسته دارد» موضوع آماده شدن برای بزرگداشت حماسه حسینی و عاشورای حسینی، برنامه بعدی می‌باشد که اشاره شد در تبریز در شام عید غدیر کلید می‌خورد و روشن است بین «غدیر و عاشورا» رابطه وثیق وجود دارد.

۲ـ اگر «غدیر خم» به درستی عملیاتی می‌شد، هرگز عاشورائی رخ نمی‌داد و سرور جوانان بهشت، حسین بن علی علیه‌السلام و همراهان وی به شهادت نمی‌رسیدند، زیرا امامت علویان «صراط مستقیم» محمدی را ادامه می‌داد و دین خدا اجرائی می‌گشت و انحراف و تغییر و بازگشت به جاهلیت رخ نمی‌داد. برخی به درستی معتقدند، که کجروی‌های بعد از وفات رسول خدا برای این جهت رخ داد که مدیریت به دست علی علیه‌السلام و فرزندان وی قرار نگرفت، ۲۵ سال به دست سه خلیفه داده شد که هریک به شیوه خاصی به منصب رسیدند و هر کدام به شیوه خاصی مدیریت نمودند و پس از آنکه مدیریت به امام علی علیه‌السلام سپرده شد با مشکلات داخلی «ناکثین و قاسطین و مارقین» مواجه شد و عمده وقت و کار مدیریت صرف جنگ و تقابل با جاه‌طلبان گشت، تا امام را به شهادت رساندند و دیگر مدیریت در جایگاه شایسته خود قرار نگرفت و معاویه، امام مجتبی را از پای درآورد و خود پس از امام حسن از دنیا رفت و «یزید» خلیفه شد و حادثه عاشورا رخ داد. بنابراین رویدادهای ناهنجار پس از وفات رسول خدا با نادیده گرفتن غدیر رخ داد و به عاشورای حسینی منتهی شد.

۳ـ اکنون که این ضایعه رخ داده است و مسلمانان و اسلام عزیز شاهد فاجعه عاشورا شد، باید به درستی «عاشورای حسینی» را شکوهمندانه برگزار نمود و برگزاری شکوه‌مندانه آن به آمادگی قبلی مرتبط می‌باشد. حال پرسش این است که چگونه خود را برای برگزاری حماسه حسینی آماده سازیم. قبل از هر چیز باید معلوم شود که برای «عاشورای حسینی» چه اهدافی را در نظر داریم، آیا فقط می‌خواهیم کتابی را تهیه نموده و از آن حادثه آگاهی یابیم و یا اینکه پس از آگاهی آن حادثه را برای دیگران بازگو نمائیم و نقل کنیم و یا اینکه می‌خواهیم به «تبیین و تحلیل و تعلیل» عاشورا در سطح فراتر از فرد و خانواده و محل و منطقه و جامعه خود پرداخته و آن را در سطح رسانه‌های بین‌الملل، مطرح نموده و جهانیان را از این «فاجعه عظمی» آگاه سازیم که این حادثه در آسمانها و زمین و انسانها «مصیبته ما اعظمها و اعظم رزیّتها فی السموات و الارض، فی الاسلام» و برای اسلام مطرح است و امام حسین علیه‌السلام که پدیدآورنده این حماسه بی‌نظیر می‌باشد، چراغ هدایت بشری و راهنمای چگونه زیستن و چگونه مردن «حسین مصباح الهدی و سفینه النجاه» برای بشریّت است نه برای یک فرد و خانواده و در سطح محلّ و منطقه، امام حسین علیه‌السلام عنصر وابسته به رسول خدا «حسین منّی و انا من حسین» و پیوسته به وی در فکر و فهم و فقه و فلسفه و سیاست می‌باشد و بالاتر اینکه، اسلام و قرآن و عترت، یک مجموعه در پیدایش و تداوم حیات می‌باشند و تفکیک در بین آنها دیده نمی‌شود و فرموده‌اند «الاسلام نبویّ الحدوث و حسینی البقاء» اسلام را رسول خدا آورد و حسین بن علی آن را نگاهبانی نمود، که امویان با تمام وجود در اندیشه حذف و براندازی اسلام و آورنده آن رسول خدا بودند.

۴ـ برای «تبیین» حماسه حسینی، اطلاعات و آگاهیهای بسیار لازم است که خوشبختانه درباره آن، مدارک بسیار وجود دارد، باید به آنها مراجعه شود. در تبیین درست آن زیربناهای فکری متناسب از «نبوّت و امامت و دیانت، نظام اسلامی، عدالت» لازم است و باید معلوم شود، خداوند بشر را برای چه آفریده شده «الذی خلق الموت و الحیوة لیبلوکم احسن عملا، ملک آیه۲» است، و انسان تا کجا می‌تواند اوج بگیرد «و هو بالافق الاعلی، ثم دنا فتدلی، فکان قاب قوسین او ادنی، فاوحی الی عبده ما اوحی، ما کذب الفواد ما رای، نجم ۷ تا ۱۱» و برسد به نقطه والا:

رسد آدمی به جائی که به جز خدا نبیند
بنگر که تا چه حدّ است مقام آدمیّت

ظرفیّت انسان بسیار است و خداوند برای وی نعمتهای ظاهری و باطنی «و اسبغ علیکم نعمه ظاهرهْ و باطنه، لقمان، ۲۰» به وفور به وجود آورده، فقط معلم می‌خواهد و دلیل راه، راه‌شناسی و صراط مستقیم لازم است و پس از آن «همّت و حمیت و هدف» تا به مقصود رسید، توصیه می‌کنم کتاب «مفاتیح الحیوهْ» آیهْالله جوادی آملی را در این زمینه بخوانیم.

کوتاه آموزشی

تاسیس ۱۳۲ ایستگاه مطالعه در دانشگاه‌ها

مدیر کل امور فرهنگی وزارت علوم گفت: همزمان با هفته کتاب، کتابخانه خوابگاه‌ها و خانه‌های فرهنگ دانشگاه‌ها با ارسال کتاب‌هایی به ارزش ۲ میلیارد ریال تجهیز می‌شوند.

به گزارش ایسنا، دکتر جلیل دارا با اعلام این خبر افزود: خوابگاه‌های دانشگاه‌ها مکانی است که دانشجویان مدت زمان زیادی را در آن سپری می کنند. لذا لازم است غنی‌سازی اوقات فراغت دانشجویان مورد توجه جدی قرار گیرد که در این راستا یکی از مولفه‌های مطلوب غنی‌سازی اوقات فراغت، ترغیب دانشجویان به مطالعه کتاب خواهد بود.

وی تصریح کرد: به همین منظور امسال همزمان با هفته کتاب با مشارکت وزارت ارشاد طرح تجهیز کتابخانه‌های خوابگاه‌ها و خانه‌های فرهنگ دانشگاه‌ها را در دستور کار داریم.

مدیر کل امور فرهنگی وزارت علوم به دیگر فعالیت‌های معاونت فرهنگی و اجتماعی این وزارتخانه به مناسبت هفته کتاب اشاره کرد و گفت: با همکاری نهاد کتابخانه‌های عمومی ۳۲ ایستگاه مطالعه در برخی از دانشگاه‌ها تاسیس شده که دسترسی دانشجویان به کتاب و کتابخوانی را تسهیل خواهد کرد.

دکتر دارا تصریح کرد: همچنین مبلغ یک میلیارد ریال بن کتاب جهت تقدیر از فعالان فرهنگی دانشگاه‌ها اختصاص یافته است که با توجه به میزان فعالیت دانشگاه‌ها توزیع خواهد شد.

اختصاص ۲۴۵۰ واحد مسکونی به پرسنل دانشگاه آزاد

معاون عمرانی دانشگاه آزاد اسلامی از اختصاص ۲۴۵۰ واحد مسکونی به پرسنل این دانشگاه خبر داد.

به گزارش ایسنا، حمید عباسی معاون عمرانی دانشگاه آزاد خاطر نشان کرد: به دستور ریاست دانشگاه آزاد در خصوص تأمین مسکن پرسنل دانشگاه و بر اساس مکاتبات و رایزنی با بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و وزارت راه و شهرسازی در گام نخست ۲۴۵۰ واحد مسکونی در کل کشور به کارکنان اختصاص یافت.

جشن دانش‌آموختگان رتبه اول دانشگاه تهران برگزار شد

مراسم جشن و تقدیر از دانش‌آموختگان رتبه اول سال تحصیلی ۹۰-۸۹ دانشگاه تهران با حضور هیات رییسه دانشگاه تهران، جمعی از اساتید، دانشجویان و خانواده‌های ایشان در محل تالار فردوسی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران برگزار شد.

به گزارش ایسنا، دکتر عبدالرضا سیف معاون فرهنگی دانشگاه تهران ضمن تقدیر از رتبه اول‌های دانشگاه و با بیان این که دانشگاه تهران در گذشته بیشتر درگیر مسائل حاشیه‌ای بود، گفت: در شرایط فعلی دانشگاه توانسته است به حوزه اصلی علم و آموزش خود حرکت کند تا بتوانیم در مقاطع مختلف تحصیلی حرف اول را بزنیم و در سطوح ملی و بین‌المللی جایگاه مناسبی را در عرصه‌های مختلف به دست آوریم.

در چهارمین جشن دانش‌آموختگان برتر دانشگاه تهران با حضور رییس دانشگاه و جمعی از اساتید و روسای دانشکده‌ها از ۷۰ دانشجوی رتبه اول دانشگاه تقدیر شد.

آشنایی با بخش معدن و چالش‌های فزاینده اقتصادی در پژوهشگاه علوم انسانی

کارگاه «بخش معدن و چالش‌های فزاینده اقتصادی» با هدف بررسی و شناخت ابعاد امنیت ملی در بازار جهانی با حضور بازیگران جدید در پژوهشگاه علوم انسانیو مطالعات فرهنگی برگزار می شود.

دکتر محمد تقی‌زاده انصاری عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، محقق حوزه اقتصاد سیاسی بین الملل و مولف کتاب های «سیاست خارجی و توسعه صادرات مواد معدنی در ایران» و «سیاست نفتی امریکا در خلیج فارس» مدرس این دوره آموزشی است که ۲۹ آبان از ساعت ۸ تا ۱۵ برگزار می شود.

در این کارگاه ضمن مرور مباحث مربوط به معدن و اهمیت آن از نظر امنیت ملی، نظام اقتصاد جهانی شامل بحران های مالی، بدهی ها، بازیگران جدید و چالش هاو دیدگاه های مختلف بررسی می شود.

محل تشکیل کلاس ها سالن حکمت پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (بزرگراه کردستان، نبش خیابان ۶۴ غربی) است. برای کسب اطلاعات بیشتر با شماره ۸۸۳۱۷۱۹۴ تماس بگیرید.

انتشار ایران چک ۵۰ هزار تومانی تا پایان امسال

موضوع ایران چک‌های ۵۰ هزار تومانی و جمع آوری آنها از موضوعات مهمی است که مدتها محل بحث و بررسی نزد نهادهای مرتبط بوده که البته با تلاش فراوان و عنایت نمایندگان مجلس موفق به اخذ مجوز تداوم روند انتشار ایران چک ۵۰ هزار تومانی تا پایان سال جاری شدیم.

سید محمود احمدی دبیر کل بانک مرکزی در گفت‌وگو با ایسنا با بیان این مطلب گفت: درحال حاضر ٦٠ درصد نقدینگی نزد مردم را ایران چک ۵۰ هزار تومانی تشکیل می‌دهد و بیش از ۷۰ درصد از مبادلات نقدی مردم از طریق ایران چک انجام می‌شود و در نتیجه حذف آنها از مبادلات روزانه مردم، شبکه بانکی کشور و مردم را در معاملات روزانه خرد با مشکل جدی مواجه می‌کند.

وی گفت: با عنایت به اهمیت ایران چک و فرصت چندماهه باقی‌مانده تا پایان سال جاری و انقضا مهلت قانونی انتشار و استفاده از آن‌ها ،بانک مرکزی در تلاش است تا با اخذ مجوزهای لازم از نهادهای مربوط نسبت به ادامه انتشار و استفاده از این ابزار با اهمیت در سال آتی اقدام کند.

دبیر کل بانک مرکزی ادامه داد: لیکن در صورت موفق نبودن در این مهم، تسهیلات لازم به منظور چاپ و انتشار اسکناس‌های درشت‌تر اندیشیده شده است.

مخالفت با کاهش عیار طلا در داخل کشور

کاهش عیار، طلای خارجی را جایگزین تولید داخل می‌کند.

محمد کشتی آرای رئیس اتحادیه کشوری طلا و جواهر در گفتگو با فارس با اشاره به ارائه پیشنهاد کاهش عیار طلا از سوی برخی از طلا سازان داخلی گفت : نکته منفی کاهش عیار طلا، رفتن توجه خریداران به طلای خارجی است، زیرا مردم طلای با عیار بالاتر را بیشتر می‌پسندند.

وی ادامه داد: راه منطقی کاهش قیمت مصنوعات طلا در شرایط فعلی، کاهش وزن آنهاست، با این اقدام هم پول کمتری توسط مشتری پرداخت خواهد شد و هم دیگر مشکل کاهش عیار وجود ندارد.

وی در همین مورد گفت: کاهش عیار طلا به سادگی امکان‌پذیر نیست، بلکه باید برخی استانداردهای سازمان استاندارد در این زمینه تغییر کند و همچنین سلیقه و نظر مردم در این باره لحاظ شود، زیرا آنها مصرف کنندگان اصلی این محصولات هستند.

نامبرده خاطرنشان کرد: اعضای اتحادیه طلا و جواهر به عده محدودی خلاصه نمی‌شوند، بلکه فعالان این بخش در همه استان‌ها باید در این باره اظهار نظر کنند و در مجموع اگر نتیجه‌ای حاصل شد، در همان راستا باید اقدام شود.

وی تأکید کرد: به سرعت نمی‌توان درباره کاهش عیار طلا مخالفت یا موافقت کرد و باید نظرات فعالان این بخش و مردم را جویا شد.

رئیس اتحادیه کشوری طلا و جواهر گفت: فرهنگ و نگرش مردم ایران به عیار بالای طلا معطوف است، به همین دلیل در مناطق مرکزی و حتی جنوبی از عیار بالاتر از ۱۸ هم استفاده می‌کنند.

کشتی آرای در پاسخ به این سؤال که آیا ممکن است با عرضه طلای ١٤ عیار برخی سوءاستفاده‌ها به وجود آید و طلای ١٤ عیار به جای ۱۸ عیار عرضه شود؟ گفت: این مسئله امکان‌پذیر نیست، زیرا با کنترل‌ها و ارقامی که بر روی مصنوعات حک می‌شود، عیار طلا کاملاً قابل تشخیص است.

وی تأکید کرد: مهمترین مشکل در این باره این است که توجه مردم از طلای داخلی به طلای خارجی معطوف می‌شود، زیرا طلا با عیار بالاتر، خوشرنگ‌تر و زیباتر و مورد پسند مردم است.

احمد وفادار رئیس اتحادیه طلا و جواهر تهران گفت: با توجه به عیار پایین، طلای ١٤ عیار پس از مدتی رنگ می‌بازد و سیاه می‌شود.

وی گفت : طلای ایران قبل از انقلاب اسلامی ۱۷ و ۱۸ عیار بود و کسانی که طلای ۱۸ عیار می‌فروختند، مشتری بیشتری داشتند.اغلب مردم طلا با عیار بالاتر را ترجیح می‌دهند.

نامبرده با اشاره به عرضه طلای ۱۸، ۲۰ و ۲۱ عیار در منطقه خاورمیانه، افزود: در آن زمان با مشورت پیش کسوتان صنف تصمیم گرفته شد، تنها سه نوع طلای ۱۸، ۲۰ و ۲۱ برای مناطق مرکزی، یزد، و کرمان و مناطق جنوبی عرضه شود.

وی تصریح کرد: این روش ادامه یافت، تا جایی که طلای ۱۷ عیار بدون مشتری ماند و دیگر تولید نشد و جای خود را به طلای ۱۸ عیار داد.

رئیس اتحادیه طلا و جواهر تهران با اشاره به علت پیشنهاد برخی افراد برای عرضه طلای ١٤ عیار گفت: استدلال پیشنهاد دهندگان این است که چون با افزایش قیمت طلا، قدرت خرید طلای مردم کاهش یافته، برای کاهش قیمت، عیار طلا را به ١٤ کاهش دهیم، اما اگر طلای ١٤ عیار ساخته شود، اعتبار طلا از بین می‌رود.

وی گفت: علاوه بر از بین رفتن اعتبار طلای ایران در بین مردم کشور، این اعتبار در خاورمیانه هم از بین می‌رود و صادرات مصنوعات تولیدی در حوزه خلیج فارس متوقف خواهد شد.

وفادار گفت: تنها کشورهای روسیه، آلمان، انگلیس و برخی مناطق امریکا در دنیا طلای ١٤ عیار تولید می‌کنند و در سایر کشورها، عیار طلا ۱۸ است.کشور ایتالیا که مرکز تولید طلا در جهان است، طلای ۱۸ عیار تولید می‌کند.

آمادگی ایران برای اجرای طرح های مخابراتی در منطقه اکو

جمهوری اسلامی ایران برای اجرای طرح های مخابراتی در حوزه کشورهای عضو اکو اعلام آمادگی کرد.

به گزارش ایسنا،دکتر محمدرضا رحیمی معاون اول رئیس جمهوری دیروز در مراسم نخستین اجلاس وزرای ارتباطات کشورهای عضو اکو که در مجموعه سعدآباد تهران برگزار شد، با بیان اینکه امروزه فناوری اطلاعات و ارتباطات به طور فزاینده‌ای در حال شکل‌دهی الگوهای جدید زندگی است و خود این حوزه هم در حال توسعه و گسترش است، ابراز امیدواری کرد که وزرای ارتباطات و فناوری اطلاعات با عزمی راسخ به دنبال عملیاتی کردن مذاکرات و توافقات شکل گرفته در این اجلاس باشند.

وی افزود: در سالهای اخیر با وجود رکود اقتصادی جهان، با بهره‌گیری از خدمات ارتباطی و اطلاعاتی مانند تلفن همراه و اینترنت، نه تنها پیامدهای سوء بحران اقتصادی کاهش یافته، بلکه گام‌هایی به سمت جامعه اطلاعاتی برداشته شده است و در مجموع باید اذعان کرد که نقش فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی در رشد اقتصادی ـ اجتماعی کشورها، پیشرفت ملت‌ها و توسعه جوامع انکارناپذیر بوده است.

رحیمی با بیان اینکه اتحادیه‌های منطقه‌ای مانند سازمان اکو می‌توانند نقش مهم و بسزایی برای همکاری در عرصه‌های فناوری اطلاعات داشته باشند، خاطرنشان کرد: درک بالای کشورهای عضو از پذیرش تحولات فناورانه در جهان، سابقه طولانی در تبدیل چالش‌ها و بحران‌ها به فرصت‌ها، چرخه کامل تبدیل ایده به محصول در کشورهای عضو، ارتباطات گسترده مراکز علمی، تحقیقاتی و فناوری اعضا با یکدیگر و با جهان خارج و کمیسیون های مشترک اقتصادی میان کشورهای اکو می‌تواند نقش مهمی در خودباوری منطقه‌ای اکو داشته باشد و در سالهای آینده موجب بسط دیپلماسی مبتنی بر فناوری اطلاعات به عنوان راهبرد اکو در منطقه و جهان شود.

وی در ادامه اظهار کرد: با توجه به زمینه‌های مناسب سرمایه‌گذاری و مشارکت بخش‌های خصوصی داخلی و خارجی در توسعه فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی، جمهوری اسلامی ایران آماده اجرای طرح‌های مختلف در داخل کشور و سطح منطقه است که از جمله آنها می‌توان به گسترش ترانزیت ارتباطات بین‌الملل و اجرای پروژه‌های فیبر نوری منطقه‌ای، صدور خدمات فنی و مهندسی به دیگر اعضا با مشارکت بخش‌های دولتی، عمومی و خصوصی، طراحی، نصب، راه‌اندازی و بهره‌برداری از شبکه‌های فیبر، دیتا، موبایل و تولید تجهیزات این صنعت به صورت پروژه‌های مشارکتی، گسترش منطقه‌ای اینترنت و امکانات مربوط به آن در سطح کشورهای عضو، ایجاد درگاه‌های امن تجارت الکترونیک مبتنی بر امضای دیجیتال، شبکه پست مالی، ارتباطات بین دانشگاهی و آموزش مجازی و خدمات آموزش از راه دور میان اعضا و روابط کارگزاری بین پست بانک ایران و کشورهای عضو اشاره کرد.

در خلال این اجلاس وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات کشورمان در دیدار با همتای افغانی خود خواستار توسعه و گسترش ظرفیت ترانزیت پهنای باند بین کشورهای منطقه از جمله ایران و افغانستان شد.

رضا تقی پور در جریان دیدار با "امیر زی سنگین" اظهار داشت: از طریق برقراری ارتباطات فیبر نوری می توان انتقال پهنای باند از غرب به شرق را عملیاتی کرد.

وزیر ارتباطات افغانستان هم در این دیدار پیشنهاد انتقال ارتباطات و پهنای باند را از مسیر ترکمنستان مطرح کرد تا قبل از تکمیل شدن مسیر هرات ـ کابل اجرایی شود که مقرر شد تیم کارشناسی سه جانبه نحوه اجرایی کردن این پیشنهاد را بررسی کنند. همچنین پیشنهاد وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات کشورمان مبنی بر راه اندازی ماهواره مشترک میان کشورهای عضو اکو مورد استقبال وزیر ارتباطات افغانستان قرار گرفت.

تقی پور همچنین در دیدار با "طارق زمان" سرپرست وزارت ارتباطات پاکستان هم خواستار برقراری ارتباطات فیبرنوری میان دو کشور شد تا زمینه انتقال پهنای باند غرب به شرق بیش از پیش فراهم شود.وزرای ارتباطات ایران و ترکیه هم بر گسترش همکاری های دو کشور در بخش ارتباطات و فناوری اطلاعات تاکید کردند.

در این دیدار وزیر ارتباطات ترکیه وعده داد که افتتاح حساب پست بانک ایران در بانک زراعت ترکیه را پیگیری کند.

گزارش مهر حاکی است ،دراین ملاقات تقی پور وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات کشورمان در دیدار با همتای ترک خود "بین علی یلدریم" بر گسترش همکاری‌های ارتباطی و فناوری اطلاعات و همچنین انجام پروژه های مشترک میان دو کشور تاکید کرد و گفت: دو کشور ایران و ترکیه به عنوان موسسان سازمان منطقه ای اکو می توانند نقش پررنگی در تصمیم گیری های منطقه ای در حوزه ICT داشته باشند.

بررسی امکان کاهش تعرفه ترانزیت ترافیک بین الملل میان کشورهای اکو

گزارش دیگری حاکی است،محمد کرم پورمعاون فناوری و امور بین الملل وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات کشورمان در نخستین اجلاس وزرای ارتباطات کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی اکو ، از بررسی امکان کاهش تعرفه ترانزیت ترافیک بین الملل میان کشورهای عضو این سازمان منطقه ای خبر داد.

کرم پور افزود: در این اجلاس بحث گسترش و تقویت زیرساخت فیبر نوری در منطقه مورد تاکید قرار گرفت و انجام یک پروژه امکان سنجی برای بررسی نیازهای زیر ساختی کشورهای عضو و امکان کاهش تعرفه ترانزیت ترافیک بین المللی اجرایی خواهد شد.

کرم پور تصریح کرد:در این اجلاس، امکان راه اندازی یک ماهواره مشترک برای منطقه اکو مورد بررسی قرار گرفت و در صورت تایید نهایی،ایران با همکاری سایر کشورهای عضو مطالعه امکان سنجی را در این خصوص انجام و نتایج آن را در اجلاس بعدی وزرا ارائه خواهد کرد.

دبیر نخستین اجلاس وزرای ارتباطات گفت: برای حداکثر بهره برداری از موقعیت ممتاز جغرافیایی منطقه اکو به عنوان چهارراه ترانزیت کالا و مسافرین شرق و غرب جهان راه کارهایی برای تقویت زیرساخت ها و خدمات حوزه ارتباطات و فناوری اطلاعات در طول کریدورهای مصوب جاده‌ای و ریلی منطقه شناسایی که پس از تصویب، دبیرخانه اکو با همکاری کشورهای عضو و اتحادیه بین المللی حمل و نقل جاده ای پروژه‌های مشخصی را در این خصوص به اجرا در خواهند آورد.

توافق اکو برای افزایش پهنای باند اینترنت

افزایش پهنای باند اینترنت در توافق با اعضای اکو در اجلاس تهران نهایی شد.

دکتر رضا تقی پور وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات در مراسم افتتاح نمایشگاه تله‌کام ایران ۲۰۱۲ با اعلام این مطلب گفت: با توجه به توافقات قبلی با برخی کشورهای حوزه خلیج‌فارس و روسیه، ایران قادر خواهد بود پهنای باند توسعه ارتباطات کشورهای منطقه اکو به عنوان یک گذرگاه راهبردی استراتژیک را تأمین کند.

وزیر ارتباطات تقارن افتتاحیه نمایشگاه امسال با حضور وزرای کشورهای عضو اکو را در ایران به فال نیک گرفت و گفت: امیدوارم با این اتفاق از سال آینده نمایشگاه تله‌کام ایران با تعداد کشورهای بیشتر برگزار شود.

نفت، طلا، سکه و ارز

بازار جهانی

هر بشکه نفت سبک آمریکا (وست تگزاس)	۸۴/۷۰ دلار
هر بشکه نفت دریای شمال (برنت)	۱۰۷/۵۹ دلار
هر اونس (۳۱/۱ گرم) طلا	۱۷۲۰ دلار

بازار داخلی

سکه طلا طرح قدیم (به وزن ۸/۱۳ گرم)	۱۱۶۲۰۰۰ تومان
سکه طلا طرح جدید (به وزن ۸/۱۳ گرم)	۱۱۶۴۰۰۰ تومان
نیم سکه طلا (به وزن ۴/۰۶ گرم)	۵۸۳۰۰۰ تومان
ربع سکه طلا (به وزن ۲/۰۳ گرم)	۲۹۲۰۰۰ تومان
سکه یک گرمی	۱۷۰۰۰۰ تومان
هر گرم طلای ۱۸ عیار (بدون مزد ساخت)	۱۱۸۷۸۰ تومان
هر گرم نقره خام	۳۰۰۰ تومان
دلار آمریکا(نرخ مرجع بانک مرکزی)	۱۲۲۶ تومان
دلار آمریکا(نرخ مبادله ای)	۲۴۹۲/۵ تومان
دلار آمریکا(نرخ غیر رسمی)	۲۹۳۰ تومان
یورو (نرخ مرجع بانک مرکزی)	۱۵۵۴/۱ تومان
یورو(نرخ مبادله ای)	۳۱۶۱/۵ تومان
یورو(نرخ غیر رسمی)	۳۸۰۰ تومان
پوند انگلستان(نرخ مرجع بانک مرکزی)	۱۹۴۵ تومان
پوند انگلستان(نرخ مبادله ای)	—
پوند انگلستان(نرخ غیر رسمی)	۴۶۹۵ تومان
درهم امارات (نرخ مرجع بانک مرکزی)	۳۳۳/۸ تومان
درهم امارات (نرخ مبادله ای)	۶۷۸/۶ تومان
درهم امارات (نرخ غیر رسمی)	۸۰۷ تومان

اخبار کوتاه اقتصادی

جایگاه‌های عرضه سوخت ۳ منظوره می‌شوند

جایگاههای سوخت به تدریج علاوه بر گاز و بنزین ، گازوئیل هم عرضه می کنند.

جلیل سالاری مدیرعامل شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی در گفتگو با مهر با اشاره به عرضه دیزل در جایگاه‌های سوخت از ۳ منظوره شدن عرضه سوخت در جایگاه‌ها خبر داد و گفت: یکی از اهداف عرضه دیزل خودروهای سواری ،مدیریت مصرف بنزین است.

یک چهارم قیمت تمام شده آب از مردم دریافت می شود

افزایش ۱۵ درصدی قیمت آب می تواند بخشی از مشکلات وزارت نیرو را حل کند، چون در حال حاضر شرایط خوبی نداریم چرا که آب را یک چهارم قیمت تمام شده عرضه می‌کنیم و مجلس به عنوان قانونگذار باید در این خصوص تصمیم‌گیری کند.

علیرضا دائمی سرپرست معاونت آب و آبفای وزارت نیرو در گفت‌وگو با ایسنا ضمن طرح این موضوع یادآور شد: در حال حاضر قیمت تمام شده آب تصفیه شده در شهرها و روستاها بیش از هزار تومان است ،ولی از مردم یک چهارم این رقم اخذ می‌شود.

هشدار سازمان هواپیمایی به آژانس‌های فروش بلیت

سازمان هواپیمایی کشوری در ابلاغیه ای به تمامی دفاتر خدمات مسافرت هوایی فعال در سراسر کشور هشدار داد: در صورت دریافت مابه التفاوت بلیت فروخته شده قبل از تاریخ ١٦آبان با آژانس‌های متخلف برخورد می شود.به گزارش مهر، سازمان هواپیمایی کشوری اعلام کرد: به دنبال تصویب افزایش نرخ بلیت هواپیما در تاریخ ۱۵ آبان امسال، این سازمان دستورالعمل اجرای افزایش نرخ را به تمامی دفاتر خدمات مسافرت هوایی سراسر کشور ابلاغ کرد.براساس این دستورالعمل تمامی دفاتر خدمات مسافرت هوایی فعال سراسر کشور ملزم به اجرای این مصوبه از تاریخ ۹۱/۸/١٦ شدند.

اخذ وام از بانک توسعه اسلامی برای طرح فاضلاب تهران

مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب استان تهران از اخذ ۲۷۳ میلیون یورو تسهیلات از بانک توسعه اسلامی در نشست دیروز برای اجرای پروژه فاضلاب غرب تهران خبر داد.

به گزارش مهر، محمد پرورش در جمع خبرنگاران ضمن اعلام این مطلب گفت: این توافق در نشست مسئولان بانک و آبفا، حاصل شده است.وی اظهار داشت: کل اعتبار پروژه ۱۰۰۰ میلیارد تومان است که ۵۰۰ میلیارد تومان آن از طریق بانک توسعه اسلامی و مابقی هم از طریق فروش حق انشعاب تامین خواهد شد.پرورش ادامه داد: با اجرای طرح فاضلاب تهران، ۸۰۵ میلیون متر مکعب یعنی معادل ۳ برابر ظرفیت سد کرج، پساب تولید خواهد شدو در کلانشهر تهران که حدود ۲۰ تا ۲۵ درصد از منابع آبی آن از چاه‌ها تامین می‌شود، اگر بحث فاضلاب را هرچه سریعتر ساماندهی کنیم، گام بلندی رو به جلو برداشته‌ایم.

۲۰ هزار واحد مسکن مهر پرند در انتظار آب و برق

۲۰ هزار واحد مسکن مهر در شهر جدید پرند برای تحویل منتظر خدمات‌رسانی وزارت نیرواست.سعید صابونی مدیر عامل شرکت شهر جدید پرند در گفت‌وگو با ایسنا، اظهار کرد: در حال حاضر ۲۰ هزار واحد مسکونی در شهر جدید پرند تکمیل شده است اما وزارت نیرو برای انشعابات آب، برق و گاز این واحدها اقدامی نمی کند.وی همچنین یادآور شد: طبق قرارداد پیش فروش ۷۰ درصد از کل هزینه ساخت و ملک از متقاضی مسکن مهر دریافت شده است و ۳۰ درصد دیگر زمان تحویل واحد از صاحبان واحدهای مسکن مهر گرفته می‌شود.مدیرعامل شرکت شهر جدید پرند خاطرنشان کرد: در شرایط فعلی که امکان تحویل ۲۰ هزار واحد وجود ندارد ،از مردم خواسته‌ایم ۳۰ درصد باقیمانده را به حساب مسکن مهر واریز نکنند.

وی ادامه داد: پس از واریز ۳۰ درصد نهایی، صاحبان واحدهای مسکن مهر موظف به آغاز پرداخت اقساط این واحدها هستند. اما برای این که مردم تا واحدهای خود را تحویل نگرفته‌اند ،مجبور به پرداخت اقساط نباشند ،از آن‌ها درخواست کرده‌ایم ۳۰ درصد پایانی هزینه واحد خود را واریز نکنند.

صابونی تاکید کرد: در شرایطی می‌توان ۲۰ هزار واحد مسکن شهر جدید پرند را به صاحبان آن‌ها تحویل داد که وزارت نیرو مشکل آب، برق و گاز آن را حل کرده باشد. در همین حال خبر دیگری در این زمینه حاکیست وزیر نیرو با بیان اینکه با تکمیل هر واحد مسکن مهر، آب و برق آن هم آماده می شود، گفت: با این حال اگر مواردی از تاخیر مطرح می شود، به صورت موردی قابل بررسی است.مجید نامجو در گفتگو با مهر اظهار داشت: در حال حاضر تمامی واحدهای مسکن مهری که در کشور مرحله ساخت را به پایان رسانده و به دست صاحبان آنها رسیده، دارای آب و برق است. وزیر نیرو تصریح کرد: اگر هم مواردی اتفاق افتاده باشد که واحد مسکونی تکمیل شده باشد ولی آب و برق آن را هنوز ایجاد نکرده باشند، جزئی است و نمی توان در مورد همه پروژه یا بخش بزرگی از تامین آب و برق طرح مسکن مهر حکم کلی داد.

پرداخت خسارت ۳۶ میلیارد ریالی آتش‌سوزی توسط بیمه البرز

بیمه البرز مبلغ ۳۶ میلیارد ریال خسارت آتش سوزی به شرکت فرسان قشم پرداخت کرد.

به گزارش روابط عمومی و بین‌الملل بیمه البرز، مدیرعامل شرکت فرسان قشم با حضور در دفتر مدیرعامل بیمه البرز و دریافت چک خسارت از بررسی و پرداخت سریع و دقیق خسارت از سوی بیمه البرز قدردانی کرد.

این گزارش حاکی است، کالاهای متعلق به شرکت فرسان قشم در نهم تیرماه سال جاری در یکی از انبارهای عمومی استان تهران دچار حادثه حریق شد و تنها پس از یک ماه ازوقوع حادثه مبلغ ده‌میلیارد‌ریال به صورت علی‌الحساب و ظرف چهار ماه کل مبلغ خسارت از سوی بیمه‌البرز به این شرکت پرداخت شد.

آغاز عرضه ارز صادر کنندگان در مرکز مبادلات

سخنگوی مرکز مبادلات ارزی از آغاز عرضه ارز صادرکنندگان در اتاق مبادلات ارزی خبرداد و گفت: همچنین دارندگان ارز با منشأ خارجی هم می توانند با مراجعه به شعب بانکها نسبت به سپرده گذاری، واردات و فروش آن بانرخ مبادله‌ای اقدام کنند.

صمد کریمی در گفتگو با مهر گفت: عرضه ارز صادرکنندگان در اتاق مبادلات ارزی آغاز شده است و امید می‌رود که استقبال صادرکنندگان روز به روز از این اقدام بیشتر شود.کریمی ادامه داد: پس از راه اندازی مرکز مبادلات ارزی کشور روند جذب ارزهای با منشاء خارجی در سیستم بانکی از طریق این مرکز تقویت شده و رو به افزایش است.

به گفته وی، در این خصوص مشتریان از طریق مرکز مبادلات ارزی به بانکهای عامل مستقر در مرکز هدایت شده تا با توجه به مقررات ارزی نسبت به فروش ارز خود به نرخ مبادله ای اقدام کرده و واردات از محل ارزهای با منشاء خارجی یا سپرده گذاری ارزی صورت گیرد. سخنگوی مرکز مبادلات ارزی ادامه داد: بدیهی است برخی صادر کنندگان غیرنفتی در این گروه قرار می گیرند که البته هدف سیاستگذار پولی و ارزی کشور هدایت منابع ارزی تمامی صادر کنندگان غیر نفتی به سیستم بانکی و مرکز مبادلات ارزی است.

وی در پاسخ به این سئوال که نرخ خرید ارز از صادر کنندگان در اتاق مبادلات ارزی به چه صورت است؟ گفت: در حال حاضر نرخ مدنظر بانک مرکزی نرخ مبادله ای خواهد بود امادر این خصوص موضوع در مرحله تصمیم سازی توسط سازمان‌های ذیربط و کمیته های ویژه قرار دارد به طوری که در مورد فرایند کار، سامانه های مرتبط ، مشوق ها و سایر موضوعات ارائه ارز صادر کنندگان در اتاق مبادلات ارزی تصمیم گیری لازم صورت خواهد گرفت و متعاقبا از سوی بانک مرکزی و سایر وزارتخانه های ذیربط اطلاع رسانی لازم صورت می گیرد.

مبادله ۲ میلیارد و ٤٠٠ میلیون دلار ارز

خبر دیگری حاکیست :معاون کل سازمان توسعه تجارت ایران از تخصیص ۲ میلیارد و ٤٠٠ میلیون دلار ارز در اتاق مبادلات ارزی خبرداد و گفت: این میزان ارز به ثبت سفارش ۸٦٠٠ قلم کالا اختصاص یافته است.

کیومرث فتح‌اله کرمانشاهی در گفتگو با مهر گفت: راه‌اندازی اتاق مبادلات ارزی اقدام بسیار مناسبی از سوی دولت برای کنترل بازار ارز بوده است و همانطور که عملکرد این اتاق نشان می‌دهد، هم اکنون توانسته بازار آزاد را هم تا حد زیادی کنترل کند.

وی افزود: بر اساس آمار و اطلاعاتی که از اتاق مبادلات ارزی در اختیار است، تاکنون ۲ میلیارد و ٤٠٠ میلیون دلار ارز به بخش واردات کشور اختصاص یافته است که این میزان تخصیص، برای ثبت سفارش ۸٦٠٠ قلم کالا صورت گرفته است.

نامبرده تصریح کرد: اولویت‌های کالایی ۳ تا ۸ هم اکنون در اتاق مبادلات ارزی، ارز مبادلاتی دریافت می کنند.

نبود محدودیت برای تامین ارز دانشجویان غیر بورسیه

مطابق با توافقات و مکاتبات انجام یافته با بانک تجارت، این بانک در اسرع وقت نسبت به تامین ارز اقدام خواهد کرد.

به گزارش ایسنا، بانک تجارت به عنوان بانک عامل ارایه دهنده خدمات ارزی به دانشجویان غیر بورسیه، نسبت به دریافت وجه ریالی ارز دانشجویان مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری مطابق با مدارک لازم اقدام کرده و پس از ارایه آمار تکمیلی به بانک مرکزی در اسرع وقت نسبت به تامین ارز اقدام خواهد کرد.

هم اکنون با توجه به پیش بینی های انجام یافته هیچ محدودیتی از طرف بانک مرکزی برای تامین ارز به بانک تجارت وجود ندارد.

در صورت وجود مشکلات در فرآیند تخصیص ارز به دانشجویان مزبور ،موضوع می تواند به تلفن گویای روابط عمومی بانک مرکزی به شماره ۲۹۹۵٤۸۵۵ یا مرکز مبادلات ارزی منعکس شود تا در اسرع وقت نسبت به رفع مشکلات احتمالی اقدام شود.

شایان ذکر است مرکز مبادلات ارزی در روز بیست و دوم آبان ، تعداد ۸۰ فقره سفارش را جهت تخصیص ارز به ثبت رساند که با محاسبه عملکرد روزهای پیشین، تعداد ثبت سفارش‌های پذیرفته شده در این مرکز به رقم ۷۰۵۹ فقره رسیده است.

آزاد راه شهید همت به کرج متصل شد

فاز اول آزادراه شهید همت به کرج و طرح افزایش ظرفیت باند شمالی آزادراه تهران ـ کرج صبح دیروزافتتاح شد.

معاون اول رییس جمهوری‌در مراسم افتتاح شش کیلومتر از فاز اول این آزادراه که توسط اداره کل راه و شهرسازی استان تهران ساخته شده است،بر لزوم توسعه راهها تاکید کرد و گفت: باید به وسیله بخش خصوصی فکری اساسی در این باره شود تا بتوان درنیم ساعت بین کرج و تهران تردد کرد. در غیر این صورت جز ترافیک کشنده و کاهنده تهران و مصرف بی‌رویه بنزین را شاهد نخواهیم بود.

به گزارش ایسنا ، رحیمی با تاکید بر این‌که کشورهای دنیا اقتصاد متکی به شبکه‌های راهی دارند، گفت: اتصال نقاط مختلف کشور ما به دلیل وسعت بسیار پرهزینه است.

وی افزود: بین تهران و کرج اگر هر سال یک بزرگراه افتتاح کنیم، باز هم کم خواهیم آورد. بنابراین از وزیر راه و شهرسازی می‌خواهیم طراحی ویژه‌ای بین این دو نقطه انجام شود تا راه‌های متعددی از زیرزمین، روی زمین و به هر شکل ممکن ایجاد شود و عبور و تردد مردم با سرعت صورت بگیرد.

رحیمی با بیان این‌که هر قدر در مسیر تهران و کرج برای ساخت راه سرمایه‌گذاری کنیم، حداقل ۱۰ برابر هزینه‌ها جبران می‌شود، گفت: روزانه ۲۲۰ هزار خودرو در آزادراه تهران ـ کرج تردد می‌کنند که بنزینی معادل یک میلیون و ۲۰۰ هزار لیتر مصرف خواهد شد که در سال به حجمی معادل ۳٦۵ میلیون لیتر می‌رسد؛ به راحتی می‌توان با ایجاد راهی بدون ترافیک در مصرف این مقدار بنزین صرفه جویی کرد.

معاون اول رییس جمهوری همچنین به اهمیت طراحی ویژه راه‌های اطراف شهر کرج اشاره کرد و گفت: اگر طرح‌های این چنینی را برای اجرا به بخش خصوصی بسپاریم ،برای دولت هزینه زیادی خواهد داشت.

وی با بیان این‌که در آسیا حدود ٤ هزار میلیارد دلار حجم بازار حمل و نقل است ،اما مقدار اندکی به ایران تعلق دارد، به آمار ترانزیت در شش ماهه اول امسال که ۲۲ درصد نسبت به سال گذشته افزایش داشته است، اشاره و اظهار کرد: در سه سال نخست این دولت ۷۵ درصد در ترانزیت رشد داشته‌ایم.

رحیمی همچنین اظهار کرد: در بخش ریلی از ابتدای ورود راه‌آهن به کشور تا قبل از این دولت ۹ هزار کیلومتر توسعه شبکه ریلی داشته‌ایم ،اما در این دولت به تنهایی ۱۳ هزار کیلومتر به شبکه ریلی اضافه شده است.

معاون اول رییس جمهوری با یادآوری آن که شش کیلومتر از فاز اول آزادراه همت ـ کرج باید فروردین امسال افتتاح می‌شد، در بیان تاخیر آن گفت: همه موانع، اموال و قطعات دولتی است که باید با پرداخت پول حل می‌شد. با توجه به این‌که پادگان‌های نظامی در این مسیر قرار داشت، وزیر دفاع برای باز کردن راه هرچند با تاخیر کمک کرد.

رحیمی در پایان خاطرنشان کرد: سالانه یک میلیون خودرو وارد جاده‌های کشور می‌شود ،اما میزان ساخت و توسعه راه‌ها متناسب با رشد خودروها نیست و در این رابطه باید راه‌حلی اندیشیده شود.

به گزارش ایسنا ، در این مراسم همچنین علی نیکزاد وزیر راه و شهرسازی با بیان این‌که دولت اقدامات بزرگی در بخش ریلی و جاده‌ای در دست دارد ،گفت: پروژه‌های در دست اجرا شامل ۳۲۰۰ کیلومتر آزادراه است.

وی با بیان این‌که متوسط افتتاح در دولت‌های گذشته ۳۰۰ کیلومتر در سال بوده است، گفت: پل زال اندیمشک، ساوه ـ همدان، حرم تا حرم، زنجان ـ تبریز، تبریز ـ ارومیه، کنارگذر شرقی و غربی اصفهان و اصفهان به شیراز پروژه‌های در دست اجرا هستند.

نیکزاد از افتتاح آزادراه کنارگذر ۷۲ کیلومتری مشهد و آزادراه ساوه ـ همدان به عنوان پروژه‌هایی که به زودی افتتاح خواهند شد، یاد کردو در ادامه آزادراه تهران ـ کرج را پرترافیک‌ترین آزادراه کشور عنوان و اظهار کرد: در گذشته آزادراه کرج به تهران سه خطه بود که دو خط دیگر به هر طرف آن اضافه شد.

وی افزود: در کنار افتتاح فاز اول آزادراه شهید همت به کرج، کنارگذر آزادراه در قسمت جنوب کرج احداث خواهد شد .

وزیر راه و شهرسازی درباره مشخصات آزادراه شهید همت به کرج گفت: انتهای این آزادراه با ۱۵۰ متر به گرمدره متصل می‌شود و از گرمدره به کرج ادامه خواهد یافت. به این ترتیب لاین شمالی کرج به تهران به جای سه خط با پنج خط افتتاح می‌شود.

وی خاطرنشان کرد: ۵٤٠ میلیارد ریال پروژه شامل دو پروژه فاز اول آزادراه همت به کرج و افزایش ظرفیت آزادراه تهران ـ کرج افتتاح شد. ضمن آن‌که برای ادامه آزادراه همت تا میدان امام حسین(ع) کرج به صورت مشارکتی عقد قرارداد شده و پیمانکار در حال کار است.

نیکزاد اظهار کرد: ضلع شمالی و جنوبی آزادراه تهران ـ کرج در این مدت سه خط داشته است ، اما از این پس پنج خط در رفت و پنج خط در برگشت خواهد داشت و امیدواریم بحث آزادسازی عملی شود تا شاهد احداث کنارگذر غربی شهید کرج باشیم.

در این مراسم استاندار تهران هم اعلام کرد: علت تاخیر در افتتاح فاز اول آزادراه شهید همت ـ کرج ، ارتباطی با ظرفیت کاری راه و شهرسازی و پیمانکاری نداشته، بلکه عبور از تمامی محورهای نظامی و پادگان‌ها این پروژه را زمان‌بر کرد.

مرتضی تمدن گفت: با افتتاح این پروژه ظرفیت تردد فعلی به دو برابر افزایش پیدا می کند ضمن این که شاهد کاهش ترافیک خواهیم بود.

وی افزود: اتصال بزرگراه همت ـ کرج و تعریض محور شمالی این آزادراه همزمان آغاز شد و اگر نسبت به زمان اعلام شده برای افتتاح تاخیر دیده می‌شود ،به دلیل آن است که در زمان انجام پروژه متوجه سنگینی کار شدیم.

نامبرده افزود: باید از تمامی محورهای نظامی و پادگان‌ها عبور می‌کردیم که این امر بسیار مشکل بود اما پادگان‌های نظامی در این زمینه با ما همکاری کردند.

به گفته وی در مسیر ساخت آزادراه شهید همت به کرج ۳میلیون و ٦٠٠ هزار متر مکعب خاک‌برداری در مسیری سخت در کنار مترو و در بخش کوهپایه‌ای انجام شد.

تمدن با یادآوری آنکه افتتاح آزادراه شهید همت و افزایش ظرفیت باند شمالی آزادراه تهران ـ کرج ۵٤٠ میلیارد ریال اعتبار داشته است ،گفت: ٢٤٠ میلیارد تومان را هم در آینده نزدیک در دست کار داریم.

وی با بیان این‌که برخی محدودیت‌ها در مسیر کار در پروژه آزادراه همت به کرج هزینه‌ها را بیش از برآورد ما بالا برد ،گفت: در ادامه باید تلاش کنیم قطعه دوم آزادراه شهید همت به کرج که برای اتصال کامل به کرج پیش‌بینی شده است، با شتاب پیش رود.

واردات گوشی تلفن همراه و کامپیوتر آزاد شد

بقیه از صفحه اول

رایانه جزو اولویت ۹ و ۱۰ گروه های کالایی وارداتی بود که ممنوعیت ثبت سفارش آن هفته قبل اعلام شد.

معاون وزیر صنعت، معدن و تجارت همچنین در گفتگو با مهراز بازنگری در فهرست کالاهای ممنوعه وارداتی خبرداد و گفت: هم اکنون این بازنگری در حال انجام است و شنبه هفته آینده فهرست جدید کالاهای ممنوعه وارداتی اعلام خواهد شد.وی گفت:این بازنگری بسته به شرایط تولید داخلی آن کالاها و میزان وابستگی کشور به آنها و مصرفی بودن یا نبودن این کالاها، هم اکنون از سوی کارشناسان در حال بررسی است صافدل گفت:دربررسی نهایی که درحال انجام‌است،ممکن‌است برخی از کالاهااز شرایط ممنوعیت‌واردات‌خارج شوند.

خبر دیگر اینکه اسداله عسگراولادی عضو هیات نمایندگان اتاق بازرگانی و رئیس سابق کنفدراسیون صادرات ایران در گفتگو با فارس اعلام کرد : ممنوعیت ۷۷ قلم کالای وارداتی مشوق قاچاق این کالاهاست.

وی افزود: بعضی از کالاها در این لیست وجود دارد که کالای واجب و ضروری است و اگر واردات آن ممنوع شود ،در واقع این کالاها به سمت قاچاق سوق پیدا می کند.عضو هیات نمایندگان اتاق تهران با تأکید بر اینکه تصمیم گیرندگان در این خصوص با بخش خصوصی مشورت نمی کنند ،گفت: ممنوعیت ۲۰ قلم از لیست ۷۷ قلم کالا درست نیست این کالاها با توجه به نیاز داخلی نمی تواند ممنوع باشد.

ابلاغ طرح ساماندهی سکونتگاههای غیر رسمی به استانداران

معاون وزیر راه و شهرسازی از ابلاغ طرح ساماندهی و توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی ۱۳ شهر به استانداران آن‌ها خبر داد.

به گزارش ایسنا به نقل ازپایگاه اطلاع‌رسانی دولت، مجید کیان پور مدیر عامل شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری ایران گفت: طرح ساماندهی و توانمند سازی سکونتگاه‌های غیر رسمی ۱۳ استان توسط شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری ایران (دبیرخانه ستاد ملی توانمندسازی وساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی) تهیه شده و به تصویب ستادهای استانی و شهرستانی توانمندسازی و ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی رسیده است.

به گفته وی ،مطالعات مصوب ستادهای استانی و شهرستانی توانمندسازی طرح ساماندهی و توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی شهرهای زنجان، سبزوار، ملایر، سقز، کرج، میبد، آمل، زابل، برازجان، خمینی‌شهر، خرم‌آباد، بوکان و میاندواب به استانداران و رئیس ستاد توانمندسازی و ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی استان‌های زنجان، خراسان رضوی، همدان، کردستان، البرز، یزد، مازندران، سیستان‌وبلوچستان، بوشهر، اصفهان، لرستان و آذربایجان غربی ابلاغ شد.

معرفی فرصت‌های سرمایه گذاری ایران در اجلاس اسکاپ

معاون وزیر اقتصاد از معرفی فرصت های سرمایه گذاری ایران در اجلاس اسکاپ که از دو روز قبل در تهران آغاز به کار کرده است، خبر داد.

دکتر بهروز علیشیری از ارائه طرح های زیربنایی ایران و مدل مشارکت عمومی ـ خصوصی در اجلاس اسکاپ خبر داد و گفت: مشارکت عمومی ـ خصوصی یک نوع ترتیبات قراردادی تامین مالی، ساخت، اجرا و بهره برداری بین واحد عمومی دولت و بخش خصوصی برای تحویل و ارائه خدمات زیربنایی برای طرح های زیرساختی و توسعه ای است که عمدتا با هدف افزایش تجهیز و تزریق منابع عمومی برای نیل به کارایی سرمایه با مدیریت و هدایت طرح توسط بخش خصوصی است.

وی یادآور شد: در دو سال گذشته سازمان سرمایه گذاری دو کارگاه بین المللی با دعوت از صاحبنظران، کارشناسان و مشاورین ارشد بین المللی برای مدیران و کارشناسان دستگاه های اجرایی در تهران برگزار کرد که دارای نتایج بسیار مثبت برای تزریق ادبیات نظری و عملی این مدل نوین و بهینه تامین مالی بوده است.

نامبرده با اشاره به ماده ٢١٤ قانون برنامه پنجم توسعه، گفت: این مدل تامین مالی برای طرح های زیرساختی امروز به عنوان مدل اجرایی در دستور کار دستگاه های مسئول توسعه زیرساخت‌ها قرار دارد.

وی افزود: همچنین دربخش دوم نشست بناداریم فرصت‌ها، قابلیت‌ها و مشوق‌های سرمایه گذاری در طرح زیربنایی و توسعه ای را برای جلب و جذب سرمایه گذاری های خارجی از کشورهای عضو اسکاپ به مخاطبان ارائه دهیم.

همچنین نماینده کمیسیون اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد در آسیا و اقیانوسیه (اسکاپ) در ایران گفت: هم اکنون محدودیت منابع برای اجرای طرحهای زیرساختی یکی از مشکلات مهم در کشورهای در حال توسعه است.

غلامحسین فیروز فر در سومین روز نشست اسکاپ در تهران، ایجاد تغییر و تحول در اداره اقتصادی کشورها را یکی از موضوعاتی دانست که باید مورد توجه قرار گیرد.

وی تاکید کرد: کشورهای در حال توسعه باید به سوی کاهش تصدی گری برای حضور فعال بخش خصوصی و ارتقای بهره وری گام بردارند.

نامبرده با اشاره به فرایند قراردادهای عمومی و خصوصی گفت: در مشارکت عمومی و خصوصی تکیه بر آن است که دولت تا پایان دوره قرارداد در کنار پروژه باقی بماند.

وی افزود: هم اکنون در سطح کشورهای آسیایی و اقیانوسیه نشست های کارشناسی برای استفاده از تجارب دیگر کشورهای موفق در زمینه حضور فعال بخش خصوصی در طرحهای زیر ساختی برگزار می شود.

به گفته فیروز فر ، باید در جهت تقویت فعالیت بخش خصوصی تلاش شود و این موضوع در دستور کار نشست اسکاپ است.

وی گفت: نشست اسکاپ به منظور ارایه راهکارهایی برای حضور موثر بخش خصوصی در طرحهای زیربنایی است، به طوری که بخش های عمومی و خصوصی بامشارکت یکدیگر بتوانند طرحهای استانی و ملی را در تعامل با یکدیگر اجرایی کنند.

نشست اسکاپ از ۲۱ آبان با حضور نمایندگان ٦٢ کشور از آسیا و اقیانوسیه در مرکز همایش های بین المللی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران در تهران کار خود را آغاز کرده و امروز با تصویب بیانیه اجلاس به پایان می رسد.

قیمت بنزین هواپیما لیتری ۷۰۰ تومان شد

نرخ جدید سوخت هواپیما از اول آذر برای پروازهای داخلی لیتری ۷۰۰ تومان و برای پروازهای خارجی به نرخ بین المللی تعیین می شود.

علیرضا ضیغمی معاون وزیر نفت و مدیرعامل شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده های نفتی ایران در گفت و گو با شانا با اعلام این خبر گفت: این مصوبه که دیروز به شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده های نفتی ایران ابلاغ شده است، از اول آذر اجرایی خواهد شد.

ضیغمی تصریح کرد:پروازهای خارجی شامل تمامی هواپیماهای شرکت های هواپیمایی داخلی و خارجی است که به خارج از کشور سفر می کنند و نرخ سوخت این دسته از پروازها بر پایه نرخ های بین‌المللی محاسبه خواهد شد.

معاون وزیر نفت با تاکید بر این که ستاد هدفمندی یارانه ها، ستاد شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده های نفتی ایران و سیستم مالیاتی کشور نیاز به نقدینگی حاصل از فروش سوخت هوائی دارند، از شرکت های هواپیمائی درخواست کرد نسبت به ارتباط با بازرگانی شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی ایران اقدام کرده و هر چه سریعتر نسبت به انعقاد قراردادهای جدید فروش سوخت اقدام کنند تا هزینه فروش سوخت به این شرکت ها با فاصله حداقل یک هفته دریافت شود.

مدیرعامل شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده های نفتی ایران افزود: بر پایه مصوبه جدید ،دریافت هزینه سوخت پروازهای خارجی به نرخ بین‌المللی، چنانچه برای شرکت های هواپیمائی داخلی امکان پرداخت هزینه سوخت به دلار وجود نداشته باشد، سوخت تحویلی برپایه نرخ ارز مبادلاتی محاسبه خواهد شد.

رونمایی از نسل جدید کارت هوشمند سوخت خودرو

نسل جدید کارت هوشمند سوخت خودرو امروز با حضور وزیر نفت رونمایی می‌شود.

به گزارش ایسنا یکی از قابلیت‌های نسل جدید کارت‌های هوشمند سوخت استفاده از آن برای پرداخت بهای خریدهای روزانه ، بلیط اتوبوس و مترو است.

به گفته شهرام رضایی معاون فنی سامانه هوشمند سوخت ، کارت هوشمند سوخت پنج سال پیش طراحی شده است و اکنون با ارتقاء قابلیت‌های آن نه تنها دارنده آن، بلکه جایگاه‌داران سوخت هم از آن منتفع می‌شوند.

وی با تاکید براین که امنیت نسل جدید کارت‌های سوخت افزایش قابل توجهی یافته است، افزود: در این نوع کارت‌ها می‌توان از نوار مغناطیسی آن هم استفاده کرد.

به گفته وی به تدریج تمامی کارت‌های سوخت در دست مردم با کارت‌های نسل جدید تعویض خواهند شد.

به گزارش ایسنا، البته پرداخت الکترونیکی بهای سوخت یا همان کیف پول الکترونیکی هم در کارت‌های نسل جدید دیده شده است.

همچنین قرار است که در این مراسم از تولید بنزین با ترکیب جدید در مقیاس آزمایشگاهی هم با حضور رستم قاسمی وزیر نفت و علیرضا ضیغمی مدیرعامل شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران رونمایی شود.

نگاهی به وضعیت کتابخوانی در کشور به مناسبت هفته کتاب

بخش نخست

ضیافت باشکوه واژه‌ها

*** جعفر خادم ـ کتابفروش: از نزدیک با قشر کتابخوان سر و کار دارم و می‌بینم که حتی این کتاب‌های دست دوم ۵۰۰ تومانی هم دیگر خریدار ندارد. فرصت‌ها اندک است و تکنولوژی‌های جدید مثل شبکه‌های ماهواره‌ای و اینترنت و موبایل دیگر فرصتی برای جوان‌ها نگذاشته است که بخواهند به فکر کتاب خواندن باشند**

*** علی اسماعیلی ـ سرپرست معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: در ۷ ماه نخست امسال ۸۷ میلیون و ۲۲۵ هزار و ۱۳ جلد کتاب در کشور منتشر شده و این در حالی است که در مدت مشابه سال گذشته ۹۱ میلیون و ۲۴۶ هزار و ۷۵۶ جلد کتاب در کشور منتشر شده بود، این یعنی شمارگان انتشار کتاب، امسال ۴ میلیون جلد کمتر از سال ۱۳۹۰ بوده است**





گوش تا گوش مغازه از راست به چپ و از کف تا سقف، کتاب‌ها را ردیف چیده و کتاب‌های قدیمی و دست دوم و نسخ خطی و سنگی را در مغازه دو نبش خود طوری روی هم انباشته است که نگاه هر رهگذری را که خیابان کارگر را به سمت بالا می‌رود، به خود جلب می‌کند.

نزدیک قفسه‌های بلند فلزی که می‌شوی، بوی کاغذ کاهی مشامت را قلقلک می‌دهد و ناخودآگاه دلت می‌خواهد دستت را دراز کنی و اولین کتابی را که به چشمت می‌آید، با احتیاط برداری و ورقی بزنی و چند کلمه‌ای از این کاغذهای زرد قدیمی را بخوانی: مادام بوواری اثر گوستاو فلوبر! روی بعضی قفسه‌ها برچسب ۳۰۰۰ تومانی خورده است و بعضی دیگر ۲۰۰۰ تومان و حتی کتاب ۵۰۰ تومانی هم در این جا پیدا می‌شود.

جعفر خادم صاحب این کتاب فروشی است. روی شیشه مغازه نوشته «این مکان مجهز به دوربین مدار بسته نمی‌باشد»! و شیشه مغازه را به قدری که پول از آن رد شود، سوراخ کرده و نوشته است: «عابر کتاب! کتاب مورد نیاز خود را از جلوی مغازه بردارید و پولش را در مغازه بیندازید.» و احتمالاً ته دلش گفته است که اگر نینداختید هم غمی نیست. فقط کتاب را ببرید و بخوانید!

*** فصل اول ـ کتاب**

از آن کتاب فروش‌های قدیمی و اهل دل است که با جوانک‌هایی که در دیگر کتاب فروشی‌ها دیده‌ای تفاوت دارد؛ تفاوتی به اندازه تمامی سالیان درازی که میدان انقلاب و کتاب‌هایش به خود دیده است. میدان انقلابی که یک انقلاب را پشت سر گذاشته است و حالا با گذر سال‌ها به دنبال کورسوی امیدی می‌گردد تا شور و حال کتابخوانی را مثل آن روزها دوباره در میان مردم زنده کند.

آقای خادم از پشت شیشه مغازه به خیابان خیره شده است، انگار که آن روزها هنوز هم جلوی چشمش باشد: «روزهای ابتدایی انقلاب فضای شیرینی بر بازار کتاب حاکم بود. گروه‌های مختلف سیاسی همه با هم درگیر اشاعه تفکراتشان بودند. همه اهل مطالعه بودند. چرا که نمی‌خواستند از بازار اندیشه عقب بمانند. هر کس می‌خواست به نحوی تفکرات خود را به کرسی بنشاند. یکی فریاد می‌زد، یکی بحث می‌کرد، یکی کتاب‌های دکتر شریعتی را می‌خواند. فضای عاشقانه‌ای بود که دیگر هیچ وقت بازنگشت.»

از مقایسه آن روزها با امروز سایه غمی را بر چهره اش می‌بینم، یک لحظه به خودش می‌آید، برمی گردد به سمت میزش. می‌نشیند.

کمی گرفته‌تر ادامه می‌دهد: برخلاف آن چه گفته می‌شود، امروز کتاب با مردم مانوس نیست. من از نزدیک با قشر کتابخوان سر و کار دارم و می‌بینم که حتی این کتاب‌های دست دوم ۵۰۰ تومانی هم دیگر خریدار ندارد. فرصت‌ها اندک است و تکنولوژی‌های جدید مثل شبکه‌های ماهواره‌ای و اینترنت و موبایل‌ها دیگر فرصتی برای جوان‌ها نگذاشته است که بخواهند به فکر کتاب خواندن باشند.

کمی مکث می‌کند و دوباره ادامه می‌دهد: برای تشویق نسل جوان به کتاب خواندن و اندیشه‌گرایی، کوتاهی شده است. جوانان را باید غرق در کتاب کرد. کتاب باید به راحتی در دسترس آنان قرار گیرد، چرا که مردم از لحاظ مالی در سختی هستند.

اگر از این مرد ۶۰ ساله که از سال ۱۳۵۰ در کار خرید و فروش کتاب و مجلات است، بپرسی چقدر مطالعه می‌کنی، می‌گوید: اگر شبی ۵۰ صفحه کتاب نخوانم، خوابم نمی‌برد و ادامه می‌دهد: کتاب‌های دست دوم را از خانه‌های مردم خریداری می‌کنم و تا به حال کتابخانه‌های بزرگی را خریده ام که صاحبانش به دلیل تنگی جا یا دست تنگی می‌خواستند کتاب‌هایشان را بفروشند.

خادم یکی از رنج‌های بزرگ زندگی‌اش را همین می‌داند که کسی به دلیل ناتوانی مالی مجبور به فروش کتاب‌هایش شود. اما به گفته او باز هم جای شکرش باقی است که این کتاب‌ها را از یک خانه می‌گیرد، اما می‌تواند آن‌ها را به خانه‌های دیگری بفرستد و در همین چرخه است که دوباره کتابخانه‌های جدیدی به وجود می‌آید.

وقتی از او در مورد نوشته‌ای که روی شیشه مغازه اش چسبانده است و جریان پول انداختن و برداشتن کتاب می‌پرسم، می‌گوید: باید به مردم باور داشت. من اعتقاد دارم کسی که کتاب می‌خواند و به فرهنگ و هنر علاقه دارد، اهل سوءاستفاده نیست و با این کارم می‌خواستم که مردم کمی به شرح وظایف خود در قبال کتاب آشنا شوند.

می‌گوید: کار کتابفروشی پول ندارد. فقط عشق دارد. برای به دست آوردن سود اقتصادی مشاغل زیادی وجود دارد، اما اگر ما هم به فکر پول باشیم، این وسط چه کسی به فکر اندیشه و اشاعه آن در جامعه باشد؟

خادم خودش را یک فهرست سیار کتاب می‌داند! می‌خندد و با چشم به کتاب‌ها اشاره می‌کند و ادامه می‌دهد: من جای تک‌تک کتاب‌های این کتاب فروشی را بلدم. جدا از نامشان، از لحاظ محتوایی هم همه این هزاران جلد کتاب را می‌توانم معرفی کنم. برعکس خیلی از کتاب فروش‌های حالا که بیشتر از سر ناچاری وارد این کار شده‌اند و حتی اسم بسیاری از کتاب‌ها را هم در عمرشان نشنیده‌اند.

ضبط صوت را خاموش می‌کنم. مرد خوش مشرب خوشروی کتابفروشی خیابان کارگر از کارهای تئاترش برایم حرف می‌زند. دانه به دانه عکس‌هایش را در صحنه‌های نمایش نشانم می‌دهد و با حسرتی در صدا، روزهای از دست رفته دور زندگانی اش را برایم مرور می‌کند. حالا باید مرد کتابفروش را با تمامی کتاب‌هایش تنها بگذارم و وارد هیاهوی خیابانی شوم که در آن از مرد و زن، پیر و جوان آمده‌اند کتاب بخرند.

کاهش کتاب‌های منتشر شده

در این میان بد نیست سری هم به آمار و ارقام نشر در کشور بزنیم. علی اسماعیلی سرپرست معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی می‌گوید که در ۷ ماه نخست امسال ۸۷ میلیون و ۲۲۵ هزار و ۱۳ جلد کتاب در کشور منتشر شده و این در حالی است که در مدت مشابه سال گذشته ۹۱ میلیون و ۲۴۶ هزار و ۷۵۶ جلد کتاب در کشور منتشر شده بود، این یعنی شمارگان انتشار کتاب، امسال ۴ میلیون جلد کمتر از سال ۱۳۹۰ بوده است.

با این وجود اسماعیلی می‌گوید که ایران در زمینه انتشار عناوین کتاب در منطقه، جایگاه اول و در جهان جایگاه دهم را دارد و می‌افزاید: در سال ۱۳۵۷ حدود یک هزار عنوان کتاب منتشر شد، اما در سال ۱۳۹۰، به ۶۹ هزار عنوان کتاب مجوز داده شده است.

سرپرست معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در گزارش خود تعداد کتاب‌هایی را که در هفت ماه اول سال ۱۳۹۱ منتشر شده است، ۳۲ هزار و ۶۶ عنوان اعلام می‌کند و ادامه می‌دهد: اما در همین بازه زمانی در سال گذشته ۳۲ هزار و ۱۱۰ عنوان کتاب چاپ شده است.

وی البته بر لزوم یک بسیج همگانی برای گسترش فرهنگ کتابخوانی در جامعه تاکید می‌کند و یادآور می‌شود که کتاب باید همه جا، برای همه کس و در همه وقت قابل دسترس باشد و اگر کتاب به نیاز اصلی زندگی ما تبدیل شود، آن وقت باید جشن بگیریم.

اسماعیلی سپس از ۵۰۰ عنوان برنامه به مناسبت هفته کتاب امسال خبر می‌دهد و تاکید می‌کند: در این ایام ۱۳۴ هزار و ۵۳۲ عنوان کتاب منتشر شده از سوی ۲ هزار و ۲۱۱ ناشر در نمایشگاه‌های متعدد و با ۳ رویکرد عمومی، موضوعی و تخصصی عرضه می‌شود.

اسماعیلی همچنین از کاهش ۱۳ درصدی کتاب‌های ترجمه‌ای در حوزه کودک و نوجوان در ۷ ماهه اول امسال نسبت به مدت مشابه سال گذشته خبر می‌دهد و کتاب‌های «مفاتیح‌الحیات» و «نورالدین پسر ایران» را پرچاپ‌ترین آثاری عنوان می‌کند که در ۷ ماه اول امسال به ترتیب ۳۴ و ۳۳ بار تجدید چاپ شده‌اند.

سرپرست معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی همچنین اسامی ۱۰ ناشر عمومی پرکار سال ۱۳۹۱ را به شرح زیر اعلام می‌کند: مدرسان شریف، سمت، دانشگاه پیام نور، سوره مهر، بوستان کتاب قم، رهنما، جنگل، امیرکبیر، جاودانه و دفتر انتشارات اسلامی.

به گفته وی در مهر ماه سال جاری ۵ هزار و یک عنوان و در مهر ماه سال گذشته ۴ هزار و ۵۵۴ عنوان کتاب چاپ شده است.

شاید آمار و ارقامی که سرپرست معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بیان می‌کند، آن قدرها هم بد نباشد. اما وقتی وارد بازار نشر می‌شوی، همه از گرانی‌های کاغذ و نبود مشتری و کم شدن مخاطبان کتاب‌ها می‌نالند.

باغ کتاب

۲۸ ساله است. نامش را نمی‌گوید تا دردسری برایش درست نشود. فوق دیپلم معماری دارد و از گیلان به تهران آمده است به دنبال کار. شغلی هم که در آخر نصیبش شده، دست‌فروشی کتاب‌های دست دوم کنار خیابان کارگر است. یک سال است که شغلش همین است و چند باری هم شده که بساطش را جمع کرده‌اند و کتاب‌هایش را برده اند. می‌گوید: اینجا کارم شده آدرس دادن. کسی کتاب نمی‌خرد! روزانه تا ۱۰ هزار تومان هم درآمد ندارم، البته یک بار شد که ۷۰ هزار تومان کتاب فروختم.

ادامه می‌دهد: کتاب‌های دکتر زرین‌کوب و ذبیح‌الله منصوری را خیلی خوب می‌خرند. دنبال کتاب‌های ممنوع هم می‌آیند، اما من در بساطم ندارم.

مشتری‌ها هم از هر سن و سالی هستند. پیر و جوان ندارد. هر کسی ممکن است اهل کتاب باشد.

وقتی از او در مورد علاقه خودش به کتاب می‌پرسم، در جوابم می‌گوید که خیلی کتاب را دوست دارد و تمامی کتاب‌هایی را که به دستش می‌رسد، می‌خواند. با حالتی متعجب می‌گوید: «مگر می‌شود میوه در دستت باشد و آن را نخوری؟»

اگر این مرد جوان سوژه بعدی مرا می‌دید، شاید این حرف را نمی‌زد. اگر او یک جعبه میوه داشت، من وارد مغازه‌ای شدم که یک باغ میوه بود، در انتهای پاساژی تنگ و تاریک! اما شاید باغبان‌هایی نداشت که به فکر هرس و نگهداری از باغشان باشند. فضای مغازه زیاد بزرگ نبود.

رویش بزرگ نوشته بودند. کتاب خریداریم. یک مغازه دست دوم فروشی دیگر، اما با صاحبی متفاوت. این جا هم کتاب‌ها روی هم تلنبار شده است، کتاب‌های قدیمی از نویسندگان بزرگ و در میانشان اگر دقیق چشم می‌انداختی، شاید جدیدترها را هم پیدا می‌کردی.

کسری، ۲۴ ساله مغازه را از پدرش به ارث برده است. از ۱۵ سالگی در اینجا مشغول است، اما ناامیدی و نارضایتی از این کار را در تک تک کلماتش و حتی لحن صحبت کردنش می‌توان احساس کرد. می‌گوید: این کار پول ندارد و اگر مجبور نبودم در آن نمی‌ماندم. کار دیگری بلد نیستم. برای وقت پر کنی هم که شده شغل بدی نیست.

با نگاه تمسخرآمیزی به اطرافش نگاه می‌کند و دوست ندارد به سوال‌های من پاسخ دهد. با دلخوری در جوابم چند جمله کوتاه می‌گوید: علاقه مردم به کتاب کم شده و گرانی‌ها هم مزید بر علت شده است تا موقعیت نشر و کتاب نسبت به چند سال گذشته به شدت تحت تاثیر قرار گیرد.

بچه که بوده کتاب خواندن را دوست داشته، اما حالا همه چیز کتاب‌ها به نظرش مسخره می‌آید. می‌گوید: یک کلام، کتاب دوست ندارم!

آنجا را ترک می‌کنم. خودم هم دیگر آن شوق و شور اولیه را ندارم. کسری با همان تک جمله‌هایش هم تمامی حس و حال مرا از بین برده است.

فکر می‌کردم اینجا، میدان انقلاب و کتاب‌فروش‌هایش با مردم دیگر شهر فرق داشته باشند. فکر می‌کردم اینجا بهشت دیگری است که در آن سخنی جز حرف‌های لطیف کتاب‌ها و کلمات شسته رفته و خیال‌پردازی‌های ادیبانه نمی‌شنوی. اما اینجا هم یک گوشه دیگر همین شهر است و مثل نقاط دیگر از ابر بزرگ گرانی که بر شهر سایه افکنده، در امان نمانده است.

تخم‌مرغ یا کتاب؟

پا تند می‌کنم تا خودم را برسانم به خیابان ۱۲ فروردین. نبش یکی از کوچه‌ها، یک کتاب فروشی کودک است که از دور چشمک می‌زند. با عجله خودم را می‌رسانم به این امید که حرف‌های بهتری بشنوم. آقای بیگی مرد ۶۵ ساله‌ای است که حالا ۱۷ سال است در این کتابفروشی مشغول به کار است. معلم بوده و وقتی باز نشسته شده است، به دلیل ارتباطی که کتاب کودک با شغل خودش داشته، به این کار روی آورده است.

وقتی از او در مورد میزان استقبال مردم از کتاب و محصولات فرهنگی کودکان می‌پرسم، می‌گوید: اوضاع کتاب کودک از همه بدتر است.

الان همه به دنبال کتاب‌های درسی هستند و کمتر به دنبال کتاب‌های غیر درسی می‌روند و از میان غیر درسی‌ها هم مخاطبان کودک بسیار اندکند.

بیگی، لبخند تمسخرآمیزی به لب می‌آورد و ادامه می‌دهد: کتاب در سبد خانوار در آخرین جایگاه قرار دارد. الان هم که قیمت کتاب‌ها دو برابر و سه برابر شده است، دیگر اصلاً کتاب در میان خریدهای خانواده‌ها جایی ندارد.

کتاب‌هایی را از قفسه‌ها در می‌آورد و به من نشان می‌دهد: این کتاب ۳ ماه پیش، ۲ هزار و ۸۰۰ تومان قیمت داشته اما حالا ۶ هزار تومان شده است.

کتابی دیگر را بیرون می‌آورد و می‌گوید: این کتاب ۵۰۰ تومان بوده و حالا ۱۵۰۰ تومان شده! این چند درصد تورم است؟

مات و مبهوت مانده‌ام که چه بگویم که خودش ادامه می‌دهد: ناشران هم گناهی ندارند، کاغذ گران است و هزینه‌های چاپ هم بالا رفته است، مجبورند کتاب‌ها را گران‌تر بفروشند.

می‌گوید: بازاریابشان را فرستاده‌اند به یکی از مدارس یافت‌آباد. معلم به بچه‌های کلاس گفته است، پول بیاورید و کتاب بخرید. کودکی در نامه‌ای نوشته است: خانم معلم! ما ۵ نفری دیشب یک تخم مرغ خوردیم، چطور پول کتاب بیاورم...؟

خریداران کتاب نصف شده‌اند

احساس می‌کنم از هر کتاب فروشی به کتاب فروشی دیگر با اوضاع بدتری مواجه می‌شوم. خانم اسماعیلی را هم در کتابفروشی دیگری در همان خیابان ۱۲ فروردین میابم. ۲۹ ساله است.

رشته‌اش کتابداری بوده و با این که می‌دانسته است در این کار پولی وجود ندارد، اما باز هم دلش خواسته است کتابدار باشد. دختر جوانی است که حال با گذشت ۸ سال از کارش در این حرفه، هنوز هم راضی است. این کتاب‌فروشی بزرگ است و بیشتر کتاب‌هایی در حوزه ادبیات، هنر و تاریخ دارد. می‌گوید نسبت به ۸ سال پیش، تعداد مشتری‌های ما دقیقا نصف شده است. اما در عوض کتاب‌های جیبی که هزینه کمتری دارند، خیلی بهتر به فروش می‌روند.

می‌پرسم: پس مردم خلا ناشی از کتاب نخریدن را چگونه پر می‌کنند؟ جواب می‌دهد: بعضی از مشتری‌هایمان می‌آیند اینجا و کتاب‌های جدید را می‌بینند و بعد برای امانت گرفتن همان کتاب‌ها به کتابخانه‌ها مراجعه می‌کنند.

او با دید امیدوارانه‌تری به قضایا نگاه می‌کند و می‌گوید: اگر کسی اهل مطالعه باشد، هر جوری هست با روش‌های دیگری کتاب‌های مورد نیاز خود را تامین می‌کند. یا دست دوم می‌خرد یا فایل‌های PDF کتاب مورد نظرش را از اینترنت پیدا می‌کند. یا این که از کتابخانه‌ها آن را تهیه می‌کند. به هر حال میزان علاقه مردم به کتاب خواندن کم نشده است.

شبنم سید مجیدی

جدول شرح در متن

شماره ۳۱۵۶

طراح: غلامحسین باغبان

حل جدول شماره ۳۱۵۵

جدول ۲۱۸۴۸

طراح: غلامحسین باغبان

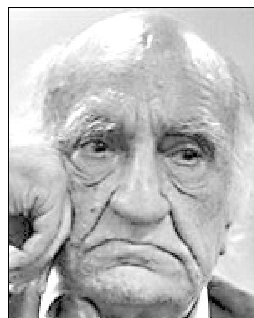
افقی:

۱ـ مناسبت چهارشنبه ۲۴ آبان، روز کتاب، کتابخوانی و ... ـ ماز، دالان‌های پیچ در پیچ
۲ـ دراز و طولانی ـ حرف انگلیسی ـ نیز
۳ـ تابان ـ خطیب و رهبر انقلابی معروف فرانسوی ـ دوش و کتف
۴ـ فرستاده ـ امر به پوشیدن ـ رودی در ایتالیا ـ چیز ـ نیک
۵ـ زندگی کن ـ اثری عظیم از علامه فرزانه آیت‌الله سید محمدحسین طباطبایی
۶ـ حیوان نجیب و مهره‌ای در شطرنج ـ شبه جزیره و منطقه‌ای در جنوب اردن ـ ماه رمضانی
۷ـ یادداشت ـ به تهرانی ـ زنگ کاروان ـ روستا
۸ـ پایتخت کوبا ـ شهری در استان کردستان
۹ـ طلا ـ تقویت امواج الکتریکی ـ چوبدستی ـ برجستگی زیر کوه
۱۰ـ بی‌شک ـ سنگ انداز، قلماسنگ ـ بی‌ثمر باطل کردن
۱۱ـ مهربان‌ترین بخشندگان (نام خداوند) ـ حرف ندا
۱۲ـ به طور ناگهانی ـ نگهبان چماق به دست ـ دانشمند آلمانی برنده نوبل شیمی ۱۹۲۰
۱۳ـ گریز حیوان ـ خر مهره‌لعابی ـ رشته‌ای در شمشیربازی ـ قوم سرخپوست بومی مکزیک
۱۴ـ مطالعه کردن ـ برادر مادر
۱۵ـ هر موجود زنده به ویژه انسان ـ بزرگترین جزیره دنیا متعلق به دانمارک

عمودی:

۱ـ مباشر و نماینده ـ نوشته گویا و صحیح
۲ـ بخیل ـ شهری در افغانستان
۳ـ حشره‌کش قدیمی ـ عمارت ـ زیرقرآنی ـ پیوند ماندن
۴ـ بیهودگی و بیکارگی ـ عنصر فلزی نقره‌ای رنگ، نرم، رادیواکتیو و کمی سمی که از سوخت‌های اتمی است ـ دستی
۵ـ پست و فرومایه ـ آرواره ـ استانی در اسپانیا
۶ـ خاندان ـ مناسب یا مخصوص پسرها ـ سد جاجرود
۷ـ اثر از ژولین گرین نویسنده فرانسوی ـ دانا و خرد ـ چه وقت؟ ـ گله گوسفندان ـ بلند پایگی ـ کلمه پرسشی
۸ـ اثر موسیقایی هکتور برلیوز ـ گفت و گو با خبرنگاران
۱۰ـ جمع اول، مرحله آغازین کاری ـ واحد پول یونان ـ روز قبل
۱۱ـ مرض ـ گیاه مرداب ـ مخفف تورا

حل جدول ۲۱۸۴۷



کوهها با هم‌اند و تنهایند

دکتر محمد ابراهیم باستانی پاریزی
بخش دهم

به قول یک محقق ایرانی -دکتر فرهنگ هولاکوئی- بعضی‌ها می‌خواهند ثابت کنند که خدایی نیست، این نفی آنان در واقع اثبات این نکته هم هست؛ یعنی خواهی نخواهی قبول دارند که خدایی در عالم یا لااقل در ذهن مردم وجود دارد و آنها می‌خواهند ثابت کنند که نیست و البته سالها اندرخم یک کوچه‌اند!

دوستی از من پرسید که: «خدا اگر ارحم‌الراحمین است، و دنیا را با ساده‌ترین چیز یعنی دو من آب آفریده، پس این همه بهشت و جهنم و عقوبت آخر کار دیگر برای چیست؟» گفتم: برای جحود و نسیان و نافرمانی همین آدمیزادی که می‌بیند قدرت خداوندی با چه مقدمات و زحمتی می‌آید این آب شور دریاها را به صورت بخار شیرین جدا می‌کند و تبدیل به ابر و باران و برف و تگرگ می‌کند که آدمیزاد آناهیتا را سالها به همین حساب باران و آب ستایش می‌کرد.[۲۹] آن وقت همین رودخانه‌ای که خدا از فراز کوه هکر جاری کرده تا فرزند آدم گندم‌خوار، گندم‌کار شود و نان خود را در تنور حوّا بپزد. همین آدم که خدا به او عقل هم داده، می‌رود درخانه‌اش می‌خوابد، در حالی که آن رودخانه که سن‌لران باشد، یا نیل باشد، یا دجله باشد، غلتان غلتان می‌رود و دوباره به دریای شور می‌ریزد و شورتر از آن روزی می‌شود که از همان دریای شیرین برآمده بود![۳۰]

آدم گرسنه هم وقتی از خواب برمی‌خیزد، می‌بیند «آب آن طرف پل است»، دست به دروغ و تقلب و دزدی و فساد و هزار گناه دیگر می‌زند که شکم را سیر کند. پس آن دوزخ و سعیر و آتش، نتیجه همین غفلت است و حتی خودش هم روزی متوجه خواهد شد که: این گنه را، این عقوبت، همچنان بسیار نیست!

من در بسیاری از مقالاتم - از جمله در حماسه کویر- بارها نوشته‌ام که گناه و بزرگترین گناه در سرزمینی که بیش از ده بیست سانتی‌متر باران سالیانه ندارد، این است که بگذاریم رودخانه‌ای که اسمش هم شیرین است، «چون غرّهٔ شوال که عید رمضان است»، با این چند سانت باران پیدا شود و وسط بیابان و کویر راه افتد و از لار بگذرد و آن وقت آدمیزادگان به جای سد و بند و استفاده از آن، بگذارند همین آب به صورت رودخانه، هزار کیلومتر طی کند و به خلیج شور فارس بریزد، یا باز آن یکی این طرف کوه باشد و آن وقت امکان پیدا کند که از زنجان و تاکستان و منجیل و فومن بگذرد و در دریای نمک‌پرور خزر غرق شود.

و بدتر از آن در کرمان، با ۱۲ سانتی‌متر باران سالیانه به عنوان رود میناب به بحر عمان بریزد، و حتی دیگری به صورت هلیل رود جاری شود و به قول صاحب حدودالعالم «تند و سخت بگذرد تا به باتلاق جزموریان در ریگزار فرو رود»، بیخود نیست که خشم خداوندی به صورت ده‌سال خشکسالی پی‌درپی نصیب مردمان کرمان می‌شود که همین سال پیش، ورودی هلیل به دریاچه پشت سدّ به صفر رسید!

یا بدتر از بدتر اینکه: رودخانه‌های از کوههای سهند و سبلان راه بیفتد و شیرین و خنک چند تا پشت سرهم به گودالی سرازیر شوند که اسم دریاچه ارومیه دارد، و آنقدر شور است که ماهی در آن پرورش نمی‌یابد. و آنقدر تلخ است که یک شاخ درخت حتی درخت «هرا» که در خلیج‌فارس هم با همه شوری آب رشد می‌کند، در این دریاچه جان نمی‌گیرد، و آنقدر سنگین است از نمک که آدمی که در آن بیفتد، روی آب می‌ماند و غرق نمی‌شود.

من در باب ارومیه حرف مفصل دارم؛ ولی تنها اینجا اشاره می‌کنم که آنها که عزای این گودال شور و تلخ را می‌گیرند، غافل نباشند که بر اثر سدبندی، اکنون ده پانزده دریاچه شیرین پشت سدها دارند که با آن هم می‌توانند انگور بکارند و هم هلو به دست آورند و هم گندم و جو به حاصل بیاید. مرغابیهای مهاجر هم که بال و پر دارند، ده قدم آن طرف در همین دریاچه‌های آب شیرین آب‌تنی کنند.

اما نمک حاصل از خشک شدن آن. تعجب من از مردم سختکوش و متمدن و حسابگر آذربایجان این است که چطور از این معدن ثروت تا امروز غافل و پنهان مانده‌اند! شصت سال پیش در جزیره هرمز، من کشتی‌های ژاپنی را دیدم که مشغول استخراج و حمل نمک از هرمز به ژاپن بودند که سرمایه اصلی کارخانه‌های داروسازی و خوراکی و اسلحه‌سازی است. همین روزها فیلمی را دیدم که چینی‌ها در اندونزی با سبدی دو کفه‌ای که بردوش دارند، قطعات سنگ نمک و گوگرد را از دهانه آتشفشانی که تازه خاموش شده، برمی‌دارند و دوان دوان از کوه پایین می‌آیند و تحویل کشتی‌هایی می‌دهند که عازم چین است. این سنگها را برای تهیه مواد اولیه دارویی و همچنین اسلحه‌سازی و اگر نه، غیر از اینها برای آتشبازی و وسائل بازی بچه‌ها و موشک‌دوانی استفاده می‌کنند[۳۱] و به دنیا صادر می‌کنند. از قدیم هم گفته‌اند: مصائب قوم عند قوم فوائد!

مردم غیور و کوشای آذربایجان توان آن را دارند که هم جلوی رودخانه‌ها را بگیرند و نگذارند که آب شیرین بیاید و در این گودال شور شود و از آن گل و سبزه و میوه به دست آورند و هم امکان این را دارند که از این معدن خدادادی نمک و گوگرد و فسفر و سدیم و دهها مواد دیگر، حداکثر استفاده را ببرند. و اگر از حد ما بیرون باشد، با قرارداد با ژاپن و چین و امثال آنها، این مواد ته‌نشین شده هزار ساله را می‌شود فروخت و از خاک باقیمانده‌اش، به تدریج از چهار طرف شروع به جنگل کاری کرد؛ یعنی همان‌طور که آب پس می‌رود و نمک بالا می‌آید، طرح و پول داد به این ۲۵۰ هزار مهندس کشاورزی نان‌شناس بیل‌نشناس و بگویند هرکس هر درختی کاشت، از آن خود او باشد و به برکت این گونه طرحها، چند سال دیگر یک پارک بزرگ و جنگل پردرخت داشته باشند که جایگزین دریاچه شور ارومیه شده باشد.

مردمی که شش‌هزار سال پیش فن شراب‌سازی را اختراع کردند، از ظهور دو من نمک در ساحل دریاچه ارومیه که نباید وحشت کنند. بدتر از آن، طرح این مسأله است که آب شیرین ارس را کانال بکشند و پمپاژ کنند تا به دریاچه ارومیه بریزد و شور شود! باتلاق و نمکزار گذاشتن یک دریاچه در مملکتی که میزان بارندگی‌اش از ده بیست سانت سالیانه تجاوز نمی‌کند، به معنی غفلت از کار و کفران نعمت خداوندی، و غرور به سرمایه بادآورده - یا به تعبیر بهتر - آتش آوردهٔ نفت است.

سهمیه ما در خاورمیانه و این کوهها و این دشتها همین ده بیست سانت باران است که بکاریم و بخوریم. به نفت زیرزمینی غره نشویم که آتش است اولاً، و پایان‌ناپذیر است ثانیاً. باقیات صالحات ما همین چند سانت باران است و همین بیابانهای دور و دراز است که در آن لشکر سلم و تورگم شده، به قول حافظ یا بهتر از آن به قول نظامی:

هرآن ذره که آرد تندبادی — فریدونی بود یا کیقبادی

از بهترین مقالاتی که همین روزها در باب دریاچه ارومیه خوانده‌ام، مقاله‌ای بود از نویسنده محترم آقای فیروز منصوری، که هرچند مخلص با بعض از نظریات ایشان موافق نیستم، ولی مقاله را مستند یافتم، خصوصاً او در باب رودهای دریاچه از قول حسین برزگر نام می‌برد: تلخ رود از تبریز، دهخوارقان و آذرشهر، صوفی رود از مراغه، مروی رود از مراغه، زرین‌رود از میاندوآب، قادر رود از مهاباد، باران رود از رضائیه، نازلی‌رود از رضائیه، رولارود از سلماس.

جمشید جداری عیوضی - استاد گروه جغرافی - گوید: «جلگه کویری وسیعی در شرق دریاچه هست، مردم آبادیهای مجاور زمینهای کویری را شوره‌زار و باتلاق می‌گویند. وسعت کویر بالغ بر ۱۵ هزار و ۹۰۰ کیلومتر مربع است... کویر کبودان چشمگیرترین تضاد را در حوضه دریاچه به وجود آورده است.» حسین بابک در سیمای بناب می‌نویسد: «در غرب بناب رسوبات دریاچه شامل سیلیس و نمک و رس منطقه را پوشانده، آبهای سطحی موجب ایجاد باتلاق و شوره‌زار در این منطقه است.» یونس مروارید در تاریخ مراغه نوشته: «زمینهای شوره‌زار اطراف ارومیه حدود ٤٠ کیلومتر مربع است که از نظر زراعت و مخزن آب، هیچ گونه ارزشی ندارند.»

دکتر رحیم هویدا می‌نویسد: «جغتو دلتای وسیعی اصولاً کم آب بوده، کفاف احتیاجات اطراف خود را نمی‌دهد.» برزگر می‌نویسد: «در بعضی از جزایر میان دریاچه، چشمه‌های بزرگ و کوچک آب شیرین وجود دارد که مسلم است منابع آنها در زیر طبقات اولیه کف آن قرار گرفته، که امکان اختلاط آب شور و شیرین را نمی‌دهد. یکی از این چشمه‌ها در جزیره سنگ کاظم است. کارلتون امریکائی که دریاچه را دیده، طبقات نمکی دریاچه راکمتر از ۳۰ متر می‌داند و میزان نمک موجود در هرمترمکعب آب را ۱۰۰ کیلوگرم املاح گزارش داده است.»[۳۲]

ادامه دارد

پی‌نوشتها:

۲۹- در این باب رجوع شود به: خاتون هفت قلعه، چاپ هفتم

۳۰- و من این شور شدن را در شهرک Point au Pic در منتهی‌الیه سن‌لران به چشم دیدم. آب شیرین که به حال عادی به طرف دریا می‌رفت. غروب که مدّ اقیانوس اطلس شروع می‌شد، چون شیب رودخانه در آنجا بسیار کم است، آب شور فرسنگها پیش می‌آمد، و در عوض فرداصبح عقب می‌نشست و باز رودخانه حال عادی به خود می‌گرفت. زیباترین طلوع خورشید را هم من در همین شهرک کوچک، صبح زود تماشا کردم در پهنه آب.

۳۱- برای نخستین‌بار، حبیب‌السیر، در باب فن موشک‌بازی چینی‌ها و آتشبازیهای کرمان یاد کرده است.

۳۲- این یادداشت از مقاله آقای فیروز منصوری در نشریه حیدربابا، چاپ کانادا شماره ۳۹ خلاصه و نقل شده.

جهان مطلوب سعدی در بوستان

شادروان دکتر غلامحسین یوسفی
بخش نخست

اشاره: نوشتار حاضر مقدمه استاد دانشمند مرحوم دکتر یوسفی بر بوستانی است که تصحیح کرده‌اند و سالها فکر و وقت صرفش نموده‌اند. در این مقاله، نویسنده کوشیده است تا مدینهٔ فاضله‌ای را که سعدی در آرمان خویش در پی آن بوده، در بوستان جستجو نماید و با بررسی ویژگیهای آن، سرای سعادت سعدی را به همگان معرفی نماید. آرمان‌شهری که در آن سعدی، پیوسته از تجربه‌ها و سرگذشتها و روایات گذشتگان یاد نموده و در آن برایش در ورای هر امری، نکته‌ای و عبرتی نهفته است. بوستانی که جهان حقیقت سعدی است و در آن جز حق‌گویی و حق‌شنوی خبری نیست.

اگر در سرای سعادت کس است
ز گفتار سعدیش حرفی بس است

پسندها و آرزوهای سعدی در بوستان بیش از دیگر آثار او جلوه‌گر است. به عبارت دیگر سعدی مدینهٔ فاضله‌ای را که می‌جُسته، در بوستان تصویر کرده است. در این کتاب پرمغز از دنیای واقعی -که آکنده است از زشتی و زیبایی، تاریکی و روشنی و بیشتر اسیر تباهی و شقاوت- کمتر سخن می‌رود، بلکه جهان بوستان همه نیکی است و پاکی و دادگری و انسانیّت؛ یعنی عالم چنان که باید باشد و به قول مولوی «شربت اندر شربت است».

هرگاه از سختی‌ها و آلام دنیا آزرده‌خاطر می‌شویم، سیر در بوستان سعدی لطفی دیگر دارد. به ما کمال مطلوبی عرضه می‌کند. همت‌مان را برمی‌انگیزد که در لجّهٔ دنیای فرودین دست و پا نزنیم و بال بگشاییم به سوی آسمان صاف و روشن سعادت و وارستگی. شگفت اینکه در بوستان در عین تعالی و پرگشایی انسان به سوی «فردوس برین»، آدم از این «دیر خراب‌آباد» غافل نیست؛ یعنی جهان آرزو و امید، زمین و جهان عینی و محسوس را از یاد نمی‌برد، بلکه به ما خاطر نشان می‌کند که بهتر ساختن دنیا -به قول کامو- در توان ماست.

بنده بوستان را عالم مطلوب سعدی می‌پندارم و اینک پس از سیر و تأمّل در این فضای دلپذیر، می‌خواهم گوشه‌هایی از این جهان نورانی و چشم‌نواز را پیش نظر آورم؛ اما هم‌اکنون اذعان می‌کنم که بیان قاصر من نخواهد توانست جهان آرزوی سعدی را چنان که هست عرضه کند، خاصّه آنچه او به سخنی چنان دلنشین گفته است.

نکته‌ها و عبرتها

سعدی در تصویر این مدینهٔ فاضله دائم از تجربه‌ها، سرگذشتها و روایات گذشتگان یاد می‌کند. در نظر او در ورای هر چیزی نکته‌ای نهفته است و عبرتی. هیچ موضوعی نیست که فکر روشن و تیزبین او را به تأمّل برنینگیزد. از زبان پیری خردمند می‌شنویم: توجه به گذشت فصول سال می‌تواند ما را از فرا رسیدن زمستان عمر - مرگ - آگاه کند و اینکه گلستان ما را طراوت گذشته است و «دگر تکیه بر زندگانی خطاست». گربهٔ پیر زالی را مهمانسرای امیر به تیر غلامان دچار می‌شود و کنج ویرانهٔ پیرزن را آرزو می‌کند و شاعر از گرفتاری او پند می‌دهد که:

نیرزد عسل، جان من، زخم نیش
قناعت نکوتر به دوشاب خویش

نه تنها سرگذشت انسان و حیوان نکته‌آموز است، بلکه هر چیز دیگر با سعدی رازی در میان می‌نهد؛ مثلاً قطره بارانی از ابری می‌چکد و در برابر دریا خجل می‌شود

اساس جهان مطلوب سعدی، عدالت است؛ به همین سبب مهمترین باب کتابش را بدین موضوع اختصاص داده. وی فرمانروایی را می‌پسندد که روز مردم را حکم‌گذار باشد و شب خدا را بندهٔ حق‌گزار

و با خود می‌گوید: «که جایی که دریاست، من کیستم؟!» دیری نمی‌گذرد که صدف او را در کنار می‌گیرد و لؤلؤ گرانبها می‌شود.

بلندی از آن یافت کو پست شد
در نیستی کوفت تا هست شد

در عالمی که هر موجود جاندار و بی‌جان با سعدی در همدلی و جوشش است و راز گویی و اشیا و احوال و حرکات آنها از نظر او پوشیده نمی‌ماند، سیر در بوستان و دریافتن اندیشه‌ها و تخیّلات و پیام سعدی محتاج است به فکری آماده و ذهنی حسّاس و بیدار. بی‌گمان نقص بیان مرا، انس خوانندگان محترم با سعدی، جبران خواهد کرد.

جز خدا هیچ نیست

چه بهتر از آنکه در جهان مطلوب سعدی، نخست از خدای بزرگ سخن بگوییم؛ «خداوند بخشندهٔ دستگیر» که کریم است و خطابخش و پوزش‌پذیر و سعدی می‌گوید: «بر عارفان جز خدا هیچ نیست». همهٔ هستی در برابر خداوند مانند کرم شب‌تاب است که در مقابل خورشید فروغی ندارد و پیدا نیست. در عالم سعدی خدا معبود و محبوب است و بندگان صادق در ایمان و عشق بدو پایدار و با ثبات. مگر بویی از عشق حق انسان را به شوق آورد تا بتواند به بال محبّت به سوی او به پرواز درآید و پرده‌های خیال را بردَرد، وگرنه مرکب عقل را پویه نیست.

در مناجات سعدی اخلاص او را به خدای مظهر کمال و آفرینندهٔ جهان مطلوب توان دید. اینجا بندگان فرومانده نفس امّاره‌اند، از بندهٔ خاکسار گناه سر می‌زند؛ ولی به عفو خداوندگار امیدوار است. چون شاخهٔ برهنه دست برمی‌آورد «که بی‌برگ از این بیش نتوان نشست». لحن سعدی آکنده است از خضوع و ایمان و از زبان همهٔ ما می‌گوید:

بضاعت نیاوردم الا امید
خدایا، ز عفوم مکن ناامید

نیایش وی با خدایی است که مردی بت‌پرست را به مجرد لحظه‌ای انتباه می‌بخشاید و مدهوشی گنهکار نیز به درگاه او راه تواند داشت، خاصّه که به ملامتگری می‌گوید:

عجب داری از لطف پروردگار
که باشد گنهکاری امّیدوار؟

خدا، به تعبیر سعدی، دوستی مهربان است. صمیمی و غمخوار، بخشنده و بزرگوار، امید بندگان و بسیار



دوست داشتنی. در برابر خداوند باید صدق داشت و اخلاص، وگرنه به ظاهر خود را در چشم مردم آراستن مانند روزه داشتن طفلی است که در نهان غذا می‌خورْد و دلخوش بود که پدر و دیگران او را روزه‌دار می‌پندارند. به نظر سعدی پیری که از بهر خوشایند مردم در طاعت باشد، نه از بهر خدا، از چنین کودکی ناآگاهتر است.

به اندازهٔ بود باید نمود
خجالت نبُرد آن که ننمود و بود

در بوستان تأمّل در مظاهر صنع و نعمت‌های خداوند، انسان را به سپاسگزاری برمی‌انگیزد و طاعت، شکری که کار زبان نیست و «به جان گفت باید نَفَس بر نَفَس».

روح توکلی که سعدی در انسان می‌دمد، تکیه‌گاهی است بزرگ در مصائب حیات؛ مثلاً از زبان زنی که طفلش دندان برآورده است به همسر - که در اندیشهٔ نان و برگ اوست - می‌گوید: «همان کس که دندان دهد، نان دهد» و سعادت را منوط به بخشایش داور می‌داند نه فقط در چنگ و بازوی زورآور.

در عالمی که سعدی در بوستان نموده، عنایت خداوند همیشه شامل احوال بندگان است، در توبه همیشه به روی ایشان باز است، حتی بعد از سالهایَ دراز خواب غفلت. سعدی با ما صمیمانه سخن می‌گوید از غنیمت دانستن جوانی، از روزهای زودگذر و بی‌بازگشت عمر و از توبه و ندامت خویش:

دریغا که فصل جوانی برفت
به لهو و لعب زندگانی برفت...
دریغا که مشغول باطل شدیم
ز حق دور ماندیم و غافل شدیم

صحنه‌های عبرت‌انگیزی که در بوستان می‌بینیم، ما را نیز به حسرت و تأسف دچار می‌کند. از بسیاری کرده‌ها پشیمان می‌شویم و در زیر لب می‌گوییم: «فغان از بدیها که در نفس ماست»! دنیا را کاروانگهی می‌بینیم «که یاران برفتند و ما بر رهیم». به یاد می‌آوریم که ما نیز عن قریب به شهری غریب سفر خواهیم کرد. ایّام از دست رفته را فرایاد می‌آوریم و دریغ می‌خوریم که بی‌ما بسی روزگار گل خواهد رویید و نوبهار خواهد شکفت، دوستان نیز با یکدیگر خواهند نشست، ولی از ما اثری نخواهد بود.

خبر داری ای استخوانی قفس
که جان تو مرغی‌ست نامش نَفَس؟
چو مرغ از قفس رفت و بگسست قید
دگر ره نگردد به سعی تو صید
نگه دار فرصت که عالَم دمی‌ست
دمی پیش دانا بهْ از عالمی‌ست...
برفتند و هر کس درود آنچه کشت
نمانَد به جز نام نیکو و زشت

این تأمّل‌ها زاییدهٔ سیر در بوستان سعدی است و منتهی می‌شود به راه راستی که او نشان می‌دهد: بازگشت به سوی خدا و اختیار «جادهٔ شرع پیغمبر»، دین مبین اسلام.

دادگستری

اساس عالَم مطلوب سعدی، عدالت است و دادگستری، یا به تعبیر او «نگهبانی خلق و ترس خدای». به همین سبب نخستین و مهمترین باب کتاب خود را بدین موضوع اختصاص داده است. وی فرمانروایی را می‌پسندید که روی اخلاص بر درگاه خداوند نهد، روز مردمان را حُکم‌گذار باشد و شب خداوند را بندهٔ حق‌گزار؛ زیرا معتقد بود کسی که از طاعت خداوند سر نپیچد، هیچ کس از حکم او گردن نخواهد پیچید. پندهایی از زبان پدر به هرمز و نصیحت پدر به شیرویه نیز به منزلهٔ زمینه و طرحی است برای پدید آوردن چنین دادپیشگی و دنیایی:

که خاطر نگهدار درویش باش
نه در بند آسایش خویش باش...
خرابیّ و بدنامی آید ز جوْر
رسد پیش‌بین این سخن را به غوْر...
بر آن باش تا هر چه نیت کنی
نظر در صلاح رعیت کنی...
از آن بهره‌ورتر در آفاق نیست
که در مُلک‌رانی به انصاف زیست

بدین ترتیب سعدی پیشرفت حکومت را متکی بر پیوند با مردم می‌دانست. برای استقرار عدالت، به عقیدهٔ او، راه آن بود که در هر کار صلاح رعیت در نظر گرفته می‌شد، اشخاص خداترس را بر مردم می‌گماشتند و به کسانی که مردم از آنان در رنج بودند، کاری نمی‌سپردند. پیروزی در آن است که مردم راضی باشند و خوشدل. وگر چنین نباشد، چه بسا که بر اثر خرابی دل اهل کشور، کشور خراب شود. در جهان مطلوب سعدی، ستم و بیداد مذموم بود؛ از این رو کیفر دادن به عامل ظلم دوست بر فرمانروا واجب می‌نمود. در ولایتی که راهزنان قدرت یابند، لشکریان را مقصر می‌دانست و مسئول. به علاوه وقتی بازرگانان از شهری دل‌آزرده گردند، در خیر بر آن شهر بسته می‌شود و هوشمندان چون آوازهٔ رسم بد بشنوند، دیگر بدان دیار نخواهند رفت. در مدینهٔ فاضلهٔ سعدی رعایت خاطر غریبان نیز به همان نسبت واجب است که ادای حق مردم بومی. بی سبب نیست که از زبان مردی در برّ و بحر سفر کرده و ملل مختلف آزموده و دانش اندوخته، بهترین صفت شهری را آسوده‌دلی مردم آنجا می‌شمارد.

رعایت شریعت

جهانداری موافق شریعت مطلوب سعدی است و کشتن بدکاران را به فتوای شرع روا می‌داند. سعدی در جهانی که در بوستان تصویر کرده سیرهٔ حکمرانی کسانی را می‌ستاید که همه به زیردستان می‌اندیشند و رعایت جانب آنان، چنان‌که از فرماندهی دادگر یاد می‌کند که همیشه قبایی ساده داشت و بیش از هر چیز به فکر آسایش دیگران بود، یا عمر بن عبدالعزیز که در خشکسالی، نگین گرانبهای انگشتری خود را فروخت و بهایش را «به درویش مسکین و محتاج داد».

جای دیگر طریقت را در خدمت به خلق می‌داند نه در ظاهر آراسته و دلپذیر، نظیر حکومت تُکله که به دوران او مردم در امان بودند. در عالمی که سعدی در شعر خود می‌آفریند، اگر ضعیفی از قوی در رنج باشد، غفلت فرمانروا سزاوار نیست؛ زیرا:

کسی زین میان گوی دولت ربود
که در بند آسایش خلق بود

هر قدر دادگری در جهان اندیشهٔ سعدی مطلوب است و سودمند، بیداد زشت است و زیان خیز. مقایسهٔ میان این دو روش در بوستان مکرر است. جامعهٔ عدالت‌پیشه‌ای که سعدی آرزومند است، وقتی انسانی‌تر جلوه می‌کند که عاقبت بیدادگری در نظر گرفته شود. از این رو گاه از سرنوشت دو برادر سخن می‌رود: یکی عادل و دیگری ظالم که اولی پس از مرگ پدر به واسطهٔ عدل و شفقت در جهان نامور شد و دیگری ستم ورزید و دشمن بر او دست یافت. در حکایت دیگر ناخشنودی مردم از حکمرانی که ظلم‌پیشه بود، نموداری دیگر از این شقاوت است و حال آنکه خوشدلی و دعای زیردستان از بند محنت رسته، کافی است بزرگی را از بیماری صعب برهاند.

در بوستان هر چیز موجب هشیاری است و انتباه، خاصّه از تحول و انتقال حشمت و نعمت فراوان یاد می‌شود. جایی کله‌ای با مردم در سخن است که من روزی فرماندهی داشتم. زمانی حقایق‌شناسی با قزل‌ارسلان از این مقوله گفت‌وگو می‌کند و روزی دیوانه‌ای هوشیار یا پسر آلپ‌ارسلان. دنیا به منزلهٔ مطربی جلوه می‌کند که هر روز در خانه‌ای است، یا دلبری که هر بامداد شوهری دارد و با کسی وفا نمی‌ورزد. به هر سو می‌روی، از در و دیوار امثال این نکته‌ها می‌شنوی:

نکویی کن امروز چون دهْ تو راست
که سال دگر دیگری دهخداست

در بوستان، خردمندان وظیفه دارند که مردم را از ثمرهٔ کارها آگاه و بیدار کنند و آنجا که نصیحت دشوار است، از این وظیفه تن نزنند. در این عالَم سخنان فریبنده بهایی ندارد، بلکه سیمای مردمی درخشان است که در حقیقت‌دوستی تردید نمی‌کنند

در بوستانی که سعدی آفریده، خردمندان و اهل بصیرت وظیفه‌ای مهم دارند و مسئولیتی انسانی. بر ایشان است که مردم و زیردستان را از ثمرهٔ کارها آگاه کنند و بیدار و آنجا که نصیحت دشوار است، از این وظیفه تن نزنند. در این عالَم سخنان نگارین فریبنده بهایی ندارد، بلکه سیمای مردمی درخشان است که در حقیقت دوستی تردید نمی‌کنند نظیر نیکمردی فقیر که مردانه رفتار کرد، و دهقانی که هشدار او حاکم غور را از غفلت به هوش آورد، یا پیر بزرگواری که در نزد حجّاج بن یوسف مصیبت را به خنده پذیره شد.

سعدی روش خدادوست زاهد را می‌پسندد که ارادت ستمکاری را نمی‌پذیرد. با پیر مبارک دَمی نیز آشنا می‌شویم که چون فرمانروایی بیمار از او می‌خواهد دعایش کند تا شفا یابد، پاسخ می‌دهد: بخشایش بر خلق و دلجویی آنان، به دعا تأثیر تواند بخشید و او را به شفقت و نواختن دلها رهنمون می‌شود.

ادامه دارد

مدرسه مبارکه دارالفنون

محمدحسن صنیع‌الدوله - رئیس کل دارالطباعه و دارالترجمهٔ ایران

از جملهٔ ابنیهٔ معظمهٔ این دولت جاویدآیت، ایجاد مدرسهٔ مبارکهٔ دارالفنون است که در سال ۱۲۶۶ بنا شده و در ارک دولتی واقع می‌باشد. این بنا محوطه‌ای است بسیار بزرگ میان محوطه‌ای که باغ است و درختان میوه‌دار دارد. در وسط آن حوض بزرگی است که متصل آب جاری از آنجا می‌گذرد.

درچهار سمت اطاقهای متعدد دارد که به هم وصل می‌باشد. در جلو اطاقها دورتا دور ایوان ستون دار است. ساعت زنگ‌دار بزرگی هم دارد. بعضی ملحقات از قبیل نجارخانه وعلاقه‌بندی و خیاط خانه و صحاف‌خانه در اضلاع مدرسه بنا شده است. کتابخانهٔ خیلی معتبری دارد که کتب زیاد از هر علمی به السنهٔ مختلفه با آلات و ادوات متعلقه به نجوم و هندسه در آنجا هست.

ابتدا که معلم برای این مدرسه از فرنگستان آوردند از مملکت اطریش خواستند. در حقیقت علومی که در این مدرسه شروع شد و شیوع یافت، از معلمین اطریشی بود. اول آنها تعلیمات خود را آنجا انکشاف دادند، بعد که به مرور آنها رفتند، بعد از آنها معلمین مرکب شد از ایرانی و فرنگی. فرنگیها بعضی فرانسه و برخی انگلیسی و ایتالیائی و دانمارکی و پروسی شدند، لیکن الحال اغلب معلمین که تدریس می‌کنند، ایرانی هستند که یا در فرنگستان تحصیل نموده‌اند، یا در همین مدرسه تکمیل شده از قبیل معلم طب، فیزیک، شیمی و هندسه و نقاشی و علم پیاده‌نظام و توپخانه و غیره.

اسامی معلمین ایرانی از این قرار است: میرزا ابوالقاسم حکیم‌باشی (معلم طب ایرانی)، میرزاعبدالغفار نجم‌الملک (معلم کل علوم ریاضی)، میرزا کاظم (معلم علوم فیزیک و شیمی)، میرزا علی‌اکبر نقاش‌باشی (معلم علم نقاشی)، ملا اسدالله (معلم عربی و فارسی).

معلمین فرنگی: میرزا رضاخان مسیو ریشار (معلم زبان فرانسه)، مسیو پروسکی (معلم زبان فرانسه و جغرافی)، مسیو طلر (معلم زبان انگلیسی)، مادروس خان (معلم زبان روسی)، مسیو وویله (معلم علم معدن)، مسیو لسودانمارکی (معلم پیاده نظام)، مسیولر (معلم علم و عمل موزیک). و هریک از معلمین ایرانی و فرنگی را خلفا هست که در مدارج کمال‌اند.

ابتدا شاگردان مدرسه زیاده از ۶۰ نفر نبودند؛ اما حالا عدد خلیفه و شاگرد به ۳۵۰ نفر رسیده و اغلب علوم در مدرسه تدریس می‌شود؛ مثل طب و جراحی و هندسه و حساب و جغرافیا و نقاشی و شیمی و فیزیک و پیاده‌نظام و توپخانه و انواع السنه (از قبیل انگلیسی و فرانسه و روسی و عربی و فارسی)، وشاگردان درکمال اهتمام مشغول تحصیل هستند و چون نواب والا اعتضادالسلطنه - وزیر علوم و معادن - که از ابتدا ریاست مدرسه را داشته‌اند، از تمامی فنون مسطوره بهره‌مند می‌باشند و دائماً مواظبت کامله نموده، مدرسه کمال ترقی را دارد و الآن شاگردان فارغ‌التحصیل زیادند که بعضی مأمور ولایات شده‌اند و برخی در میدان مشق تعلیم می‌دهند.

بسیاری از طبیب‌ها که پس از تکمیل از مدرسه بیرون آمده، به ولایات ممالک محروسه مأمور به طبابت گردیده و معالجات عمده نموده، شهرت خوبی دارند. فی الحقیقه ابتدای ترقی و ظهور علوم و صنایع و رواج تربیت و مدنیت دراین مملکت همه از این مدرسه شده و خارج گردیده و خواهد شد.[۱]

مسجدی در جنب مدرسه بنا نموده‌اند که شاگردان در وقت ظهر نماز می‌کنند. پیشنمازی دارد که مشغول امامت و تعلیم مسائل دینیه و آداب و رسوم شریعت مطهره است.

فی‌الواقع یک مدرسهٔ دیگر هم بود که از آنجا خیلی علوم و صنایع نشر به ممالک محروسهٔ ایران نمود. اطفال نجبا و بزرگان و غیره که از هیجده سال قبل از این در ایام سفارت مرحوم امین‌الدوله فرخ‌خان و جناب حسنعلی خان - وزیر فواید عامه - مأمور به تحصیل در پاریس و لندن شدند و در آنجا به اهتمام جناب حسنعلی‌خان درجمیع فنون تحصیل کامل کردند. بعد از مراجعت، وجود آنها در مملکت خیلی مفید فایده شد و اغلبی به خدمات بزرگ دولتی مأمور گردیدند.

عدهٔ آن شاگردان هم کثیر بود. الحال هم جمعی از نجبای ایران در فرنگستان مشغول تحصیل هستند. در تبریز هم مدرسه‌ای بنا شده که معلمین آنجا از مدرسهٔ مبارکهٔ دارالفنون تعیین شده، میرزا جوادخان سرتیپ از طرف وزیر علوم ریاست آن مدرسه را دارد و آقاخان نایب میرزاجواد است. از قرار راپورتی که از آن مدرسه رسیده، متعلمین در کمال مواظبت مشغول تحصیل هستند و ترقی کلی کرده‌اند.[۲]

منزل حکیم طولوزان

کوچه‌ای است طرف دروازهٔ شمالی میدان توپخانه که ابتدا می‌شود از خانهٔ دکتر طولوزان فرانسوی - حکیم‌باشی مخصوص اعلیحضرت - و منتهی می‌شود به خیابان بزرگ شمیران. طرفین این کوچه را امسال کلاً درخت کاشته‌اند و تقریباً دو هزار ذرع طول این کوچه است، لکن عرض این کوچه قدری کم است که بیشتر از یک کالسکه نمی‌تواند بگذرد.

یک طرف این کوچه دیوار باغ لاله‌زار و خانه‌های مخبرالدوله و باغ او و خانه‌های سایر مردم است. طرف دیگر هم خانه‌های بسیار خوب از مسلمانان و فرنگیان و ارامنه و غیره می‌باشد.

دیگر کوچه و خیابانی است که از دروازهٔ مشرقی میدان توپخانه ابتدا شده منتهی می‌شود از یک طرف به باغ نگارستان و باغ جناب اشرف سپهسالار اعظم و باغ و عمارت نظامیه الی خیابان جدید عشرت‌آباد و خیابان و راه عمارات و باغ دوشان‌تپه وغیره.

ازکوچه‌های معروف، کوچه‌ای است که ابتدا می‌شود از طرف شمالی باغ میدان و منتهی می‌شود به کوچهٔ باب همایون. ابتدای این کوچه طرف یسار عمارت دفتر استیفاست که جناب وزیر دفتر و مستوفیان عظام درآن می‌نشینند، و طرف دست راست کوچه دیوارهای عمارات دولتی و عمارات نواب اشرف والا نایب‌السلطنه امیرکبیر می‌باشد.

طرف دست چپ انبار توپخانه است که قریب چهارصد عراده توپ از هر جور در آن انبار در نهایت تمیزی چیده شده است. بعد از آن انبارهای ذخیرهٔ گندم دیوانی می‌باشد و همیشه بیست هزار خروار گندم در اینجا موجود است. بعد از آن اصطبل خاصه است که اسبان خاصه را در آنجا نگاه می‌دارند.

بعد از آن باغ و عمارت اطاق نظام است که صاحب‌منصبان نظامی و لشکرنویسان و وزیر لشکر در آنجا می‌نشینند. هفته‌ای دو مرتبه هم جناب اشرف سپهسالار اعظم به این عمارت می‌آیند و خزانهٔ نظامی دراین عمارت است. مواجب و جیرهٔ قشون دراین باغ و عمارت داده می‌شود. یک طرف این باغ به کوچه نگاه می‌کند، محجر گذاشته‌اند که عابرین کوچه، باغ و عمارت را تماشا کنند. عرض این کوچه زیاد است و هر شب با فانوسها روشن می‌شود. بعد به عمارت دیوانخانه که جناب وزیر عدلیه واجزای دیوانخانه می‌نشینند می‌رسد. دارالطباعهٔ دولتی هم در اینجا واقع است.

کوچه‌ها و خیابانهای دیگر که تازه احداث شده بسیار است. اگر شرح آنها را در روزنامهٔ مبارکه بدهیم، مایهٔ دردسر خوانندگان خواهد شد.

میدان مشق

دیگر از بناهای عمده یکی میدان مشق است. این میدان بسیار وسیع و دلگشاست، به طوری که ۲۰هزار نفر قشون در هنگام مشق درآن جای می‌گیرد. اطراف آن کلا دیوار و طاق‌نماست و سردرها دارد و بعضی بناها از سربازخانه و توپخانه و مدرسهٔ اتاماژوری که تازه بنا شده، نگاه به این میدان می‌کند. دراین مدرسه، **اتاماژور** یعنی علم هندسه و علم جنگ و علوم متعلقه به آن از هر قبیل تحصیل می‌شود و به قدر پنجاه‌نفر شاگرد در اینجا مشغول تحصیل هستند. همه روزه از صبح زود الی چهار ساعت از طلوع آفتاب گذشته کل قشون ساخلوطهران که هیچ‌وقت کمتر از ده هزار نفر نیستند، حاضر می‌شوند و در این میدان مشغول مشق نظامی هستند و جناب اشرف سپهسالار اعظم با کل صاحب‌منصبان همه روزه در سرمشق حاضر و ناظر هستند و اغلب اوقات اعلیحضرت اقدس شهریاری در وقت مشق حاضر و تشریف‌فرمای میدان هستند و به همهٔ صاحب منصبان و آحاد و افراد قشون تفقدات ملوکانه می‌فرمایند.

دیگر از بناها سربازخانه‌هایی است که در اطراف شهر ساخته شده است و قراولخانه‌های شهر و غیره... همین قدر می‌نویسیم که ساعت به ساعت آبادی شهر و تمیزی و تنظیف کوچه‌ها و اطراف و افکار عامه در ترقی صنایع و آبادی و غیره در تزاید است.

زمینی را که ده سال قبل از این ذرعی دوهزار می‌فروختند، حالا یک تومان و دو تومان نمی‌دهند. همچنین قیمت املاک یک پرده تفاوت کرده و بالا رفته است. عمارات عالیه در شهر قدیم و شهر جدید زیاده از حد است. اغلب از عمارات و خانه‌های خوانین و شاهزادگان حتی کسبه باغ و باغچه دارد، لکن بالنسبه به این شهر به این عظمت، آب جاری کم است و بعضی محلات از آب، تنگی می‌کشند. باوجود اینکه قریب بیست قنات داخل شهر می‌شود، ولی باز مشغول حفر قنوات هستند. ان‌شاءالله به مرور آب زیاد شده به همهٔ شهر کفایت خواهد کرد...

الحال جمعیت طهران با قشون ساخلوی دائمی و غربا و اشخاصی که آمدورفت می‌کنند دائماً ۳۰۰هزار نفر موجود است و سال به سال جمعیت رو به ازدیاد است، لیکن در زمستان و ایام ییلاق یک ثلث از جمعیت کم می‌شود و در تابستان و پاییز و بهار زیاد می‌شود. درمیان این جمعیت فرنگیان از هر طایفه که اهل اروپا هستند، من حیث المجموع از زن و مرد به پانصد نفر نمی‌رسند. ارمنی دو هزارنفر، طایفهٔ یهود تقریباً چهارهزار نفر، گبر و مجوس و غیره چهارصد نفر می‌باشند.

***رسائل اعتمادالسلطنه (تدوین: میرهاشم محدّث، انتشارات اطلاعات)**

دشمن ناتوان

سعدی: دشمنی ضعیف که در طاعت آید و دوستی نماید، مقصود وی جز این نیست که دشمنی قوی گردد؛ و هر که دشمن کوچک را حقیر می‌شمارد، بدان ماند که آتش اندک را مهمل می‌گذارد.



کیش مهر

علامه طباطبایی

مرحوم علامه به دلایلی مصلحت ندانستند که اشعارشان بماند و آنها را از بین بردند؛ اما برخی از آنها در دست دوستان بود که از آن میان چکامه زیر است که جز مواردی همچون حلاج (که اسم خاص است) و رقص، دیگر واژگانش به فارسی سره است.

همی گویم و گفته‌ام بارها
بود کیش من مهر دلدارها
پرستش به مستی‌ست در کیش مهر
برونند زین جرگه هشیارها
به شادی و آسایش و خواب و خور
ندارند کاری دل‌افگارها
به جز اشک چشم و به جز داغ دل
نباشد به دست گرفتارها
کشیدند در کوی دلدادگان
میان دل و کام دیوارها
چه فرهادها مرده در کوهها!
چه حلاج‌ها رفته بر دارها!
چه دارد جهان جز دل و مهر یار؟
مگر توده‌هایی و پندارها
ولی رادمردان و وارستگان
نیازند هرگز به مردارها
مهین مهرورزان که آزاده‌اند
بریدند از دام جان تارها
به خون خود آغشته و رفته‌اند
چه گلهای رنگین به جوبارها
بهاران که شاباش ریزد سپهر
به دامان گلشن ز رگبارها،
کشد رخت سبزه به هامون و دشت
زند بارگه گل به گلزارها،
نگارش دهد گلبن جویبار
در آیینهٔ آب رخسارها،
روَد شاخ گل در بر نیلوفر
برقصد به صد ناز گلنارها،
درَد پردهٔ غنچه را باد بام
هَزار آورد نغز گفتارها،
به آوای نای و به آهنگ چنگ
خروشد ز سرو و سمن تارها،
به یاد خم ابروی گلرخان
بکش جام در بزم میخوارها
گره را ز راز جهان باز کن
که آسان کند باده دشوارها
جز افسون و افسانه نبوَد جهان
که بستند چشم خشایارها
به اندوه آینده خود را مباز
که آینده خوابی‌ست چون پارها
فریب جهان را مخور، زینهار
که در پای این گل بود خارها
پیاپی بکش جام و سرگرم باش
بهل گر بگیرند بیکارها



ایرانیان از نگاه بیگانگان

قلمرو فارسی

در کربلا زبان فارسی دوشادوش زبان عربی رواج داشت. در بازدید از شهر و بازارهای سلیمانیه تحت تاثیر ظاهر زیبای کردها قرار گرفتم. چیزی که بیش از همه مرا تحت تاثیر قرار داد، مدرسه کوچکی در داخل بازار بود که در آن، ریش سفید موقری به بچه‌های ۹ ساله، بوستان سعدی را می آموخت. بعدها متوجه شدم که زبان فرهنگی کردهای عراق و ایران، فارسی است. شاید همین نمونه شاهدی بر واقعیت این نظریه باشد که ادبیات و حتی زبان فارسی، روزگاری زبان‌لاتین مسلمانان مشرق زمین بوده است و قلمروش از استانبول تا بنگال.

آرچیبالد روزولت

سختی و سلامت

ایرانیان، تقریباً از هر تیره و طبقه ای، مردمی سالم و نیرومند می باشند و شاید دلیل عمده کمی نسبی امراض مزمن یا ارثی در میان سکنه بالغ آنها، ناشی از این حقیقت باشد که تمام کودکان در ایران از دوران طفولیت در معرض زندگی چنان سختی قرار می گیرند که افراد نحیف و علیل از بین می روند . قسمت اعظم ایرانیان اعتقاد به پیشگویی ستاره‌شناسان و ساعت سعد و نحس و چشم بد که از دوره مغ ها به جا مانده است، پابندند. ایرانیها به طور کلی باهوشند.

رابرت گرنت واتسن، نویسنده انگلیسی (دوره قاجار)

مضامین ایرانی

نتیجه نهایی چه بسیار مدیون دانشمندانی است که موضوعها و مضامین ایرانی را به زبان عربی عرضه می‌کردند و با مطالعات و بررسیهای لغوی و ادبی خود زبان عربی را وسیله مناسبی برای یک فرهنگ بزرگ می‌ساختند.

مونتگمری وات

گل سرخ

ایرانیان دلبستگی خاصی به پرورش انواع مختلف گل دارند، به خصوص به گل سرخ علاقه بیشتری نشان می دهند. گل سرخ، زیبایی چندان درخشانی ندارد؛ اما عطرش بسیار مطبوع و دلاویز است. این گل ذوق شاعری بسیاری از شاعران نازک‌خیال این ملت را به جوش و هیجان درآورده است. سعدی نام یکی از کتابهای خود را **گلستان** گذاشته است؛ یعنی باغچه گلها و نام اثر دیگرش **بوستان** است؛ نشانه ای از امتیاز فوق‌العاده ای که ایرانیان برای هر چیزی که بویی از گل و زیبایی طبیعت دارد، قائل می شوند.

ژی . ام. تانکوانی، مترجم هیأت نمایندگی ناپلئون، ۱۸۰۸م

رهبر معظم انقلاب:

تمدن اسلامی بار دیگر در دنیا گسترانیده خواهد شد

تمدن اسلامی رشد خواهد کرد و مثل خورشید اشعه و انوار خود را بر دنیا خواهد تابانید

رهبر معظم انقلاب در سخنانی به تبیین مسائل روحانیت، مسائل حوزه و پیوند ناگسستنی آن با مسائل کشور، مسائل نظام اسلامی و دنیای امروز پرداختند.

متن کامل سخنان حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای که در تاریخ ۱۳۷۹/۷/۱۴ در جمع استادان، فضلا و طلاب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه ایراد شده و برای نخستین بار منتشر می‌شود، به این شرح است:

بسم‌الله‌الرّحمن‌الرّحیم

الحمدلله ربّ العالمین. والصّلاة والسّلام علی سیّدنا و نبیّنا سیّد الأنبیاء والمرسلین. حبیب قلوبنا ابی‌القاسم‌المصطفی محمّد و علی آله الأطیبین الأطهرین المنتجبین. الهداة المهدیّین المعصومین. سیّما بقیّةالله فی الأرضین.

در خدمت شما علمای محترم، فضلای گرامی، فضلای جوان، طلاّب زحمتکش و خدوم حوزه علمیه قم، در این مدرسه‌ای که محور و مرکز خاطره‌های بزرگ و حوادث شورانگیز تاریخ نیم قرن اخیر کشور ماست، این اجتماع برای من بسیار مغتنم، شیرین و هیجان‌انگیز است. از آقایان علمای محترم و اساتید معظّم حوزه علمیه و دیگر عزیزانی که در جلسه حضور دارند - فضلای جوان و خواهرانی که در مدرسه دارالشفاء اجتماع کرده‌اند - صمیمانه تشکّر می‌کنم و امیدوارم این مجلس ما و دیدار ما و اجتماع ما، مشمول نظر لطف و عنایت و قبول حضرت حق قرار گیرد.

جلسه، جلسه‌ای بسیار صمیمی است؛ جلسه‌ای طلبگی و گوینده و شنونده، همه طلبه‌ها و فرزندان این حوزه و این مدرسه‌ایم. مطلبی که امروز در نظر گرفتم در این اجتماع عزیز در میان بگذارم، مطلبی راجع به حوزه است؛ ولی مسائل حوزه از مسائل کلّ جامعه، مسائل کشور، مسائل جهان، بلکه مسائل تاریخ جدا نیست. حوزه و روحانیت جزیره‌ای نیست که با پیرامون خود ارتباطی نداشته باشد.

برحسب بافت معمولی همیشگی تغییرناپذیر نظام اجتماعی و روابط انسانیِ ما، حوزه و روحانیت مثل خونی است که در سرتاسر پیکره جامعه در جریان است؛ در حرکت است؛ با همه جا مرتبط است. لذا مسائل روحانیت و مسائل حوزه، پیوندی ناگسستنی با مسائل کشور، مسائل نظام اسلامی، مسائل دنیای امروز و حتی با مسائلی از تاریخ و گذشته دارد که من در بحث امروز، فهرست‌گونه‌ای از آن را عرض می‌کنم.

یک مطلب درباره این نکته است که نظام اسلامی چه خطّی را برای خود ترسیم کرده است؟ مسیری که نظام اسلامی برای خود در نظر گرفته و فرض کرده است، چیست؟ مطلب بعدی این است که در این مسیر - که بی‌گمان از فراز و نشیب‌ها و چالش‌ها و افت و خیزها خالی نیست - نقش‌آفرینان اصلی چه کسانی هستند و حوزه علمیه در این میان کجا قرار دارد؛ چه نقشی دارد؛ چه نقش‌آفرینی‌ای دارد؟ مطلب سوم این است که در نظام اسلامی در حال حاضر، برحسب طبیعت این نظام، چالش‌هایی هست؛ این چالش‌ها چیست؟ نظام با چه موانعی، با چه مزاحمت‌هایی، احیاناً با چه معارضه‌هایی، با چه پدیدارهایی که باید با آن‌ها مقابله کند، روبه‌روست؟

نوع تقابل با این چالش‌ها باید مورد توجّه و تعمّق و ژرف‌اندیشی حوزویان قرار گیرد. مطلب بعدی این است که با این مقدمات، امروز واجبات روحانیت چیست؟ واجباتی داریم و مستحبّاتی - به محرّمات نمی‌پردازم - امروز واجبات روحانیت و حوزه علمیه چیست؟ همان‌طور که در گزارش مدیر محترم حوزه علمیه قم شنیدیم، در این چند سال کارهای مهمی شده است. برخی از این کارها، کارهایی است که آثار آن در آینده‌های میان‌مدّت و حتی بلندمدّت دانسته خواهد شد. این کارها شده است؛ این خلأها بوده و پُر شده است؛ اما باز هم ما خلأهایی داریم که باید آن‌ها را شناسایی کنیم و راه پُر کردن آن خلأها را بشناسیم. در پایان، بخش پنجم است که توصیه‌هایی است به شما عزیزان؛ برادران و فرزندان من.

مطلب اوّل این است که خط کلّی نظام اسلامی چیست؟ اگر بخواهیم پاسخ این سؤال را در یک جمله ادا کنیم، خواهیم گفت خط کلّی نظام اسلامی، رسیدن به تمدّن اسلامی است. این یک پاسخ کلّی و قابل توضیح و تشریح.

البته این‌که در مقابل تمدّن کنونی بشر - یعنی تمدّن مادّی غرب - می‌تواند تمدّن دیگری مطرح شود یا نه و این تمدّن برای پیدایش خود و سپس برای ماندگاری و استواری خود، از چه عناصر و از چه عواملی کمک خواهد گرفت، در این‌باره سخن‌ها هست. اگر شما به بلندگویان تمدّن کنونی غرب مراجعه کنید، آن‌ها خواهند گفت تمدّن مادّی غرب ابدی و تغییرناپذیر است. از اوایلی که این تمدّن اوج گرفته بود یعنی از قرن نوزدهم میلادی بحث معارضه سنّت و مدرنیته را مطرح کردند.

یعنی همه آنچه که این تمدّن تقدیم بشریّت می‌کند، چیزهای مدرن و نو و تازه و اجتناب‌ناپذیر و جذّاب و خواستنی است و هرچه در مقابل آن است، این سنّت است، این منسوخ است، این قدیمی است، این زوال‌پذیر است. این بحث را شما امروز هم گاهی در برخی از محافل روشنفکری ما می‌بینید؛ اما این بحث نویی نیست؛ این بحث قرن نوزدهمی دنیای غرب است که ادامه پیدا کرده است؛ با این هدف که تمدّن غرب در راه خود، همه فرهنگ‌ها را، همه تمدّن‌ها را، همه زیرساخت‌های مدنی را، همه روابط انسانی و اجتماعی را، همه آن چیزی را که تمدّن غرب آن را نمی‌پسندد، از سر راه خود بردارد و حاکمیت مطلق خود را با پشتوانه قدرت مادّی و سرمایه‌داری از یک سو، قدرت نظامی و سیاسی از یک سو، قدرت رسانه‌ای از یک سو، ابدی کند.

شما دیدید وقتی که نظام مارکسیستی در شوروی سابق و اروپای شرقی برافتاد با این‌که نظام مارکسیستی تمدّنی جدید و نو نبود؛ تفکری بود بر اساس همان تمدّن غربی؛ عمدتاً با همان پایه‌های تفکّر و تمدّن غربی؛ با همان پایه‌های مادّی؛ درعین‌حال با دستگاه سرمایه‌داری غرب و نگهبانان و افسونگرانِ پاسدار تمدّن غربی معارضه‌ای داشت مسأله نظمِ نوین جهانی و مسأله تک ابرقدرتی در دنیا را مطرح کردند.

یعنی امروز تمدّن غرب حتی در میان اجزای خود، آن وحدت و انسجام و آن یگانگی و صداقت لازم را ندارد. یک نقطه که یک رشد مادّی بیشتری کرده است، بنا به طبیعت تمدّن مادّی، افزون‌طلب است؛ کلیّت‌طلب است؛ تمامیّت‌طلب است و بقیه بخش‌ها را نادیده می‌گیرد.

در تمدّن مادی غرب همچنان که در همین ماه‌های جاری در دنیا مشاهده کردید هرچه حرف می‌زنند، طرّاحی هزاره دوم را می‌کنند! حالا مگر تمدّن مادّی غرب، سرتاسر هزاره اوّل را فرا گرفته بود که شما می‌خواهید هزاره دوم را هم به آن ملحق کنید؟! مگر بشر از این دو، سه قرنی که از سیطره تمدّن مادّی غرب گذشته، راضی است؟! مگر تمدّن مادّی غرب توانسته است زخم‌های کهنه بشریّت را علاج کند؟! آیا فقر در دنیا از بین رفت؟ آیا گرسنگی از بین رفت؟ آیا ظلم و تبعیض از بین رفت؟ آیا آرامش خاطر انسان تأمین شد؟

آیا مهربانی و صفای میان انسان‌ها تأمین شد؟ یا به عکس، تمدّن مادّی غرب در دوره استعمار، سپس در دوره استثمار که سلطه‌ی حکومت‌های غربی در دوره استثمار، مثل دوره استعمار، مستقیم نبود؛ به شکل استثمار نیروها در دنیای عقب‌افتاده و فقیر بود؛ همان سلطه پنهانی قاهری که همه سرمایه‌ها و همه نیروها را از آن‌ها می‌ربود و در خود هضم می‌کرد و جیب کمپانی‌های سرمایه‌داری را بیشتر می‌انباشت و سپس در دوره رسانه و در دوره ارتباطات یعنی امروز در همه این سه دوره، با زور، با قدرت‌نمایی، با زورگویی، با ایجاد اختناقِ طرف مقابل و صف مقابل همیشه وارد میدان شده است؛ در حالی که در بالاترین مراکز خود هنوز تبعیض هست؛ تبعیض نژادی هست؛ فاشیسم هست! با این سابقه، با این همه گرفتاری، با این همه مشکلات، تمدّن مادّی غرب ادّعای ابدیّت می‌کند! اما این ادّعا، ادّعای واهی، غیرعملی و ناکام است.

آری؛ بی‌شک تمدّن اسلامی می‌تواند وارد میدان شود و با همان شیوه‌ای که تمدّن‌های بزرگ تاریخ توانسته‌اند وارد میدان زندگی بشر شوند و منطقه‌ای را - بزرگ یا کوچک - تصرّف کنند و برکات خود یا صدمات خود را به آن‌ها برسانند، این فرآیند پیچیده و طولانی و پُرکار را بپیماید و به آن نقطه برسد. البته تمدّن اسلامی به صورت کامل در دوران ظهور حضرت بقیةالله ارواحنافداه است.

در دوران ظهور، تمدّن حقیقی اسلامی و دنیای حقیقی اسلامی به وجود خواهد آمد. بعضی کسان خیال می‌کنند دوران ظهور حضرت بقیةالله، آخرِ دنیاست! من عرض می‌کنم دوران ظهور حضرت بقیةالله، اوّل دنیاست؛ اوّل شروع حرکت انسان در صراط مستقیم الهی است؛ با مانع کمتر یا بدون مانع؛ با سرعت بیشتر؛ با فراهم بودن همه امکانات برای این حرکت. اگر صراط مستقیم الهی را مثل یک جاده وسیع، مستقیم و هموار فرض کنیم، همه انبیا در این چند هزار سال گذشته آمده‌اند تا بشر را از کوره‌راه‌ها به این جاده برسانند. وقتی به این جاده رسید، سیْر تندتر، همه‌جانبه‌تر، عمومی‌تر، موفق‌تر و بی‌ضایعات یا کم‌ضایعات‌تر خواهد بود. دوره ظهور، دوره‌ای است که بشریّت می‌تواند نفس راحتی بکشد؛ می‌تواند راه خدا را طی کند؛ می‌تواند از همه استعدادهای موجود در عالم طبیعت و در وجود انسان به شکل بهینه استفاده کند.

امروز از امکانات بشر استفاده بهینه نمی‌شود؛ استعدادها ضایع و نابود می‌شود؛ استعدادهای طبیعی هم همین‌طور. همه این پدیده‌هایی که شما می‌بینید علیه محیط زیست و در آلوده‌سازی محیط زیست وجود دارد، ناشی از بد استفاده کردن از امکانات طبیعی است. بشر در این راه افتاده است و پیش می‌رود؛ اما این راه درستی نیست؛ راه منحصری نیست. راه دانش، راه‌های فراوانی است. بشر

*** هیچ مصلحت و انگیزه شخصی یا صنفی و سیاسی نمی‌تواند و حق ندارد از حمایت حوزه نسبت به نظام مانع شود**

*** اگر ملت ایران آن اعتماد به نفس را در هشت سال جنگ تحمیلی نمی‌داشت، این قدرت علمی، نظامی و پیشرفت صنعتی را هم نمی‌داشت**

*** نظام اسلامی برخاسته از عواطف و ایمان‌های مردم است**

می‌تواند در سایه نظام الهی آن راه را بیابد و طی کند. فعلاً نمی‌خواهیم وارد این بحث شویم؛ این بحث مجال وسیع‌تری می‌طلبد. به‌هرحال خطّی که نظام اسلامی ترسیم می‌کند، خطّ رسیدن به تمدّن اسلامی است.

زوال تمدّن‌ها معلول انحراف‌هاست. تمدّن‌ها بعد از آن‌که به اوجی رسیدند، به خاطر ضعف‌ها و خلأها و انحراف‌های خود رو به انحطاط می‌روند. ما نشانه این انحطاط را امروز در تمدّن غربی مشاهده می‌کنیم، که تمدّن علم بدون اخلاق، مادیّت بدون معنویّت و دین و قدرت بدون عدالت است. وقتی که در فلسطین اشغالی، در خانه مردمی که خودِ صاحبخانه‌ها از زندگی در آن یا از زندگی آسوده در آن محروم‌اند، یک فلسطینی از سر ناچاری حرکتی انجام دهد و آسیبی به یک صهیونیست بیگانه غریبه به‌زور آمده بخورد، همه دستگاه‌های تبلیغاتی غرب بسیج می‌شوند تا این حادثه را بزرگ کنند! اگر کسی کشته شده باشد، عکس پدر او، مادر او، بچه او، خواهر او، گریه‌ها و ناراحتی‌هایشان، در مجلات امریکایی و سایر مجلات دنیا چاپ می‌شود! اما امروز یک کودک، یک نوجوان، در آغوش پدرش و در مقابل چشم او، در فلسطین کشته می‌شود؛ زن و مرد و کودک نمازگزار در مسجدالاقصی مسلمانان به گلوله بسته می‌شوند. دستگاه‌های ارتباطاتی جمهوری اسلامی روز اوّل با اروپا تماس گرفتند که خبرهای اروپا را کسب کنند، از آن طرف به آن‌ها گفتند که این‌جا هیچ خبری نیست! حادثه به این عظمت، در روزهای اوّل و دوم، در اروپا و در منطقه سلطه تمدّن غربی، هیچ خبری نیست! تا وقتی که به تدریج تظاهرات اوج می‌گیرد، مردم در همه جا بلند می‌شوند، صدای اعتراض‌ها بلند می‌شود؛ آن دستگاه‌هایی که مدّعی طرفداری از حقوق بشرند، مدّعی اطّلاع‌رسانی‌اند، آن‌وقت مجبور می‌شوند یک اطّلاعی، آن هم البته ناقص و نه کامل، یکجانبه و نه عادلانه، به سود غاصب و نه به سود مردم مظلوم بدهند! این‌ها همه نشانه‌های شکست و انحطاط تمدّن غرب است.

البته نه پیدایش و نه زوال تمدّن‌ها، مسأله‌ای دفعی نیست؛ یک مسأله تدریجی و تاریخی است؛ اما این‌ها نشانه‌هایش است. امروز بسیاری از متفکّران غرب هم به این حقیقت توجّه پیدا کرده‌اند، هشدار می‌دهند و می‌گویند.

بنابراین هیچ شگفتی نباید داشت از این‌که برقی از گوشه‌ای بجهد؛ همچنانی که همه تمدّن‌های عالم به وجود آمده‌اند، یک فکر نو، یک پیشنهاد نو برای بشریت مطرح شود و بر اساس آن فکر، یک نظام سیاسی در گوشه‌ای از دنیا بتواند یک ملت را گرد هم جمع کند؛ آن ملت ایستادگی کند؛ آن مردم به شرایط لازمی که خواهم گفت، عمل کنند؛ زبدگان و نخبگان و خواص جامعه نقش‌های خود را پیدا کنند و طبق آن عمل کنند. لذا هیچ بُعدی ندارد بلکه نتیجه‌ای حتمی است که این تمدّن مثل همه تمدّن‌های دیگر رشد خواهد کرد؛ مثل خورشیدی که به تدریج بالا می‌آید و به وسط السماء می‌رسد، اشعّه و انوار خود را به نقاط مختلف دنیا خواهد تابانید. بنابراین، این نظام اسلامی، نظامی است که یک خطِ حرکت معقول و منطقی برای خود تصویر کرده است. این سیْری نیست که بتواند متوقّف شود؛ این سیْری هم نیست که مراحل گوناگونی که در آن هست، برای آن دائمی و ابدی باشد. یک حرکت تکاملی است.

از آغاز انقلاب اسلامی این حرکت به وجود آمد؛ این برق در این نقطه از عالم درخشید؛ چشم‌هایی را خیره کرد؛ بعد هم این توفیق را پیدا کرد که نظام اسلامی را به وجود بیاورد؛ این نظام اسلامی هم از آغاز تشکیل، با چالش‌های خود، با مشکلات خود، با امکانات خود، حرکتی را آغاز کرده است و پیش می‌رود. این خط اگر با جدیّت، با پشتکار، با شناخت آنچه که لازم است، با عمل به آنچه که وظیفه است، ادامه پیدا کند، سرنوشت حتمی عبارت است از این‌که تمدّن اسلامی یک بار دیگر بر مجموعه عظیمی از دنیا، پرتو خود را بگستراند. نه به معنای این‌که لزوماً نظام سیاسی اسلامی در نقاط دیگر جهان هم قبل از عصر ظهور گسترش پیدا کند؛ نه. معنایش این نیست؛ بلکه تمدّن بر اساس یک فکر جدید، یک حرف جدید، یک نگاه جدید به مسائل بشر و مسائل انسانیت و علاج دردهای انسانیت است؛ یک زبان نویی است که دل‌های نسل‌های نوی انسان و قشرهای محروم جوامع گوناگون، آن زبان را می‌فهمند و درک می‌کنند. به معنای رساندن یک پیام است به دل‌ها، تا به تدریج در میان جوامع مختلف گسترش و رشد پیدا کند. این امری است که شدنی است. با وضعی که امروز من در کشورمان مشاهده می‌کنم، با ریشه‌های عمیقی که تفکّر اسلامی در کشور ما دارد، با حرکت بسیار وسیع و گسترده‌ای که از اوّل انقلاب در راه تعمیق این اندیشه آغاز شده است و امروز به جاهای خوبی هم رسیده است، به نظر می‌رسد که این آینده برای نظام اسلامی، یک آینده قطعی و اجتناب‌ناپذیر است.

مطلب دوم این است که نقش‌آفرینان اصلی در این عرصه چه کسانی هستند؟ ما می‌خواهیم ببینیم روحانیت در این میان کجا قرار دارد و شما طلاب جوان و فضلای جوان کسانی که نقد ارزشمند جوانی خود را برداشتید و به این حوزه آوردید می‌خواهید این سرمایه را برای چه و در کجا مصرف کنید؟ نقش‌آفرینان اصلی در این‌جا چه کسانی هستند؟ اولاً باید معلوم باشد که این حرکت عظیم نظام اسلامی و حرکت به سمت آن آینده آرمانی که ایجاد تمدّن اسلامی است؛ یعنی تمدّنی که در آن، علم همراه با اخلاق است؛ پرداختن به مادّیات، همراه با معنویّت و دین است و قدرت سیاسی، همراه با عدالت است یک حرکت تدریجی است. البته پُرهیجان است؛ اما هر کس بداند چه کار می‌کند. هر قدمی که برمی‌دارد، برای او هیجان‌انگیز است؛ اما این کار عظیم و ماندگار تاریخی، این کاری که سر و کارش با نسل‌ها و قرن‌هاست، این را نباید با کارهای دفعی، جزئی و شعاری اشتباه کرد. این کاری است که باید گام‌به‌گام، هر گامی محکم‌تر از گام قبل، با نگاه دقیق نسبت به هر قدمی که برمی‌داریم و با دید نافذ نسبت به مسیری که طی می‌کنیم، همراه باشد.

برای ایجاد یک تمدّن اسلامی مانند هر تمدّن دیگر دو عنصر اساسی لازم است: یکی تولید فکر، یکی پرورش انسان. فکر اسلامی مثل یک دریای عمیق است؛ یک اقیانوس است. هر کس که لب اقیانوس رفت، نمی‌تواند ادّعا کند که اقیانوس را شناخته است. هر کس هم که نزدیک ساحل پیش رفت یا چند متری در آب در یک نقطه‌ای فرو رفت، نمی‌تواند بگوید اقیانوس را شناخته است.

سیْر در این اقیانوس عظیم و رسیدن به اعماق آن و کشف آن که از کتاب و سنّت همه این‌ها استفاده می‌شود کاری است که همگان باید بکنند؛ کاری است که در طول زمان باید انجام گیرد. تولید فکر در هر زمانی متناسب با نیاز آن زمان از این اقیانوس عظیم معارف ممکن است. یک روزی حرف‌های مرحوم شهید مطهّری که مطرح می‌شد، به گوش بعضی ناآشنا می‌آمد.

حرف‌های شهید مطهّری، حرف‌های دین بود؛ حرف‌های قرآن بود؛ حرف‌های اسلامی بود؛ اما بسیاری از کسانی که با دین و قرآن و اسلام هم سر و کار داشتند، با آن حرف‌ها آشنایی نداشتند! در همه زمان‌ها این امکان برای متفکّران آگاه، قرآن‌شناسان، حدیث‌شناسان، آشنایان با شیوه استنباط از قرآن و حدیث، آشنایان با معارف اسلامی و مطالبی که در قرآن و در حدیث اسلامی و در سنّت اسلامی هست، وجود دارد که اگر به نیاز زمانه آشنا باشند، سؤال زمانه را بدانند، درخواست بشریّت را بدانند، می‌توانند سخن روز را از معارف اسلامی بیرون بیاورند. حرف نو همیشه وجود دارد؛ تولید فکر، تولید اندیشه راهنما و راهگشا برای بشریّت.

شرط دوم، پرورش انسان است. حال در آن‌جایی که فکر و انسان باید تولید شود، ببینید نقش‌آفرینان چه کسانی هستند. این نقش‌آفرینان کسانی هستند که باید بتوانند افکار را هدایت کنند. این یک بُعد قضیه است. چون این راه جز با پای ایمان و نیروی ایمان و عشق طی‌شدنی نیست، باید کسانی باشند که بتوانند روح ایمان را در انسان‌ها پرورش دهند. بدون شک مدیران جامعه جزو نقش‌آفرینانند؛ سیاستمداران جزو نقش‌آفرینانند؛ متفکران و روشنفکران جزو نقش‌آفرینانند؛ آحاد مردم هر کدام به نحوی می‌توانند در خور استعداد خود نقش‌آفرینی کنند؛ اما نقش علمای دین، نقش کسانی که در راه پرورش ایمان مردم از روش دین استفاده می‌کنند، یک نقش یگانه است؛ نقش منحصر به فرد است. مدیران جامعه هم برای این‌که بتوانند درست نقش‌آفرینی کنند، به علمای دین احتیاج دارند. سیاستمداران و فعّالان سیاسی در جامعه نیز همین‌طور. محیط‌های گوناگون علمی و روشنفکری نیز همین‌طور. برقی از سخن یک عالم دینِ پارسا و زمان‌شناس ممکن است بجهد، ظلمَاتی را از دلی یا دل‌هایی بزداید؛ چقدر هدایت‌ها به این ترتیب اتّفاق افتاده است.

این نقش، نقش یگانه است. نقش‌آفرینی را به علمای دین منحصر نمی‌کنیم؛ اما جایگاه نقش‌آفرینی علمای دین را از همه جایگاه‌های دیگر برجسته‌تر می‌بینیم؛ به این دلیل روشن که در این راه، اندیشه دینی و ایمان دینی برای انسان‌ها لازم است؛ تولید فکر اسلامی برای این راه ضروری و لازم است و اگر علمای دین سر صحنه نباشند، دیگری نمی‌تواند این کار را انجام دهد.

البته عالم دین با آن شرایطی که نیاز به آن شرایط هست، ای بسا نتواند این نقش را ایفا کند؛ او هم اگر این شرایط را نداشته باشد، نخواهد توانست؛ که حالا من بعد در دنباله عرایضم مطالبی در این زمینه هم عرض خواهم کرد. البته در آحاد مردم هم نقش‌آفرینیِ دینی هست؛ از راه امر به معروف و نهی از منکر؛ از راه آماده‌سازی خود برای این‌که در یک جایگاه نقش‌آفرین قرار گیرند.

وقتی نگاه می‌کنیم، حوزه روحانیت و علمای دین، اگر با آن تربیت درست و در آن مدارج لازم پرورش پیدا کنند، نقشَشان نقش یگانه است. لذا امام بزرگوار ما الگویی برای علمای دین شد. اگر امام نمی‌بود، اگر نَفَس گرم او و منطق نیرومند و استوار او و ایستادگی او در این راه نمی‌بود و نمی‌توانست مجموعه و منظومه عظیمی از علمای دین را در این راه به حرکت بیندازد، یقیناً این حرکت عظیم ملت ایران اتّفاق نمی‌افتاد. هیچ حزب سیاسی، هیچ رجل سیاسی، هیچ رجل دانشگاهی، هیچ آدم اجتماعی معروف و محبوب امکان نداشت بتواند این اقیانوس عظیم ملت ایران را این‌طور به تلاطم بیندازد و مردم را به خیابان‌ها بکشاند.

این فقط روحانیت بود و پیشوایی امام بزرگوار ما با خصوصیاتی که او داشت؛ که اگر این خصوصیات را آن شخصیت عظیم هم نمی‌داشت، باز این کار به این آسانی‌ها ممکن نبود. این نقش یک روحانی است که شرایط لازم را دارد و در زمان متناسب ظهور و بروز می‌کند و این‌طور عظیم نقشَ‌آفرینی او در تاریخ و در جهان روشن و مسجّل می‌شود. این وضع روحانیت است. پس جایگاه روحانیت این است.

طلبه جوان وقتی که وارد حوزه علمیه می‌شود و درس حوزه را می‌خواند و برنامه حوزه را عمل می‌کند، چشمش به این است که بتواند در این حرکت عظیم مردمی نقش بیافریند؛ نه لزوماً نقشی همانند نقش امام؛ نقش‌های آگاهی‌بخش و هدایت‌کننده مثل نقش پیامبران. آن‌قدر آدم‌سازی و پرورش انسان‌های والا و باایمان مهم است که اگر یک روحانی همّت خود را صرف کند و در طول زمان بتواند تعدادی انسان مناسب و استوار را بسازد، کار بزرگی را انجام داده است. طلبه جوان و فاضل جوان به فکر آن است که در این حرکت عظیم مردمی، در این خطّ مستقیمی که نظام الهی و اسلامی به سمت آن سرانجام بسیار درخشان و بزرگ خود حرکت می‌کند، بتواند نقش ایفا کند و این حرکت را حتمیّت و تسهیل ببخشد. البته امروز نظام اسلامی با چالش‌های بزرگی مواجه است. اگر این چالش‌ها شناخته نشود، اگر معارضه‌ها دانسته نشود - چه معارضه‌های ممکن، چه معارضه‌های واقع و موجود - نمی‌توان درست نقش ایفا کرد؛ نمی‌شود واقعیت را فهمید و با آن مواجه شد. پس مسأله بعدی این است که چالش‌های کنونی نظام چیست؟

شرط اوّل کسی که می‌خواهد در این راه حرکت کند، این است که بداند با چه کمین‌ها و موانعی روبه‌رو خواهد شد؛ خودش را آماده کند. «العالم بزمانه لا تهجم علیه اللّوابس».[1] عالم به زمان فقط این نیست که انسان با تعدادی از مردم ارتباط دوستانه داشته باشد، یا خبرهایی از این‌جا و آن‌جا به گوش او برسد.

عالم به زمان کسی است که بداند در کجای دنیا زندگی می‌کند؛ صف‌بندی‌های مقابل او چیست؛ انگیزه‌های مخالفت با او کدام است؛ طرح‌هایی که این انگیزه‌ها به وسیله آن‌ها تحقّق پیدا می‌کند، چیست؟ این عالم به زمان است. البته این مخالفت‌ها و این دشمنی‌ها هرگز دشمنی با شخص نیست؛ اما شخص باید بداند کجا قرار دارد و نظام او و راه او و اهداف او با چه چیزی مواجه است.

من این را هم به شما عرض کنم، موانع و مشکلات و کمین‌ها در راه هر جامعه‌ای و هر نظامی و هر مجموعه‌ای از انسان‌ها، اگرچه برای آن‌ها دردسر و مشکل درست می‌کند، اما بن‌بست درست نمی‌کند. در واقع با یک نگاه می‌شود گفت که مشکلات مایه رشد است؛ نعمت است. هیچ ملتی نمی‌تواند بدون دست و پنجه نرم کردن با موانع و مشکلاتی که با آن مواجه است، به جایی برسد.

اگر ملت ایران هشت سال جنگ تحمیلی را نمی‌داشت، البته خیلی از ویرانی‌ها را، خیلی از فقدان‌ها را، خیلی از خسارت‌ها را نمی‌داشت؛ اما این اعتماد به نفس را هم نمی‌داشت؛ این قدرت علمی، نظامی و پیشرفت صنعتی را هم نمی‌داشت؛ این عزّتی را هم که در مقابل چشم جهانیان به دست آورده است، نمی‌داشت؛ این حالت یأس و ناامیدی از تسلّط بر این ملت هم در دل دشمنان بزرگ او و البته عقلایشان؛ چون بی‌عقل‌هایشان خیال می‌کنند که می‌شود تسلط پیدا کرد! - به وجود نمی‌آمد.

بنابراین، مشکلات همیشه این‌طور است و هر ملت و هر مجموعه‌ای اگر بخواهد راه صلاح و نجاح و راه رسیدن به آرمان‌ها را طی کند، باید با این موانع دست و پنجه نرم کند. البته هر مجموعه‌ای، هر کشوری و هر جامعه‌ای، در هر زمانی موانع مخصوص به خود را دارد. میان هدف‌های هر ملت، با موانعی که در سر راه او قرار می‌گیرد و مشکلاتی که او مجبور است با آن‌ها دست و پنجه نرم کند، ارتباط وجود دارد. هرچه هدف‌ها والاتر باشد، مشکلات هم به همان نسبت وسیع‌تر خواهد بود.

هرچه آرمانگرایی وجود داشته باشد، به طور طبیعی چیزهایی در مقابل آن آرمان‌ها صف‌آرایی خواهد کرد. لذا ارتباط مستقیمی وجود دارد.

و اما در نظام اسلامی، این چالش‌ها چیست؟ نمی‌توانیم امروز را به طور کامل با صدر اسلام و زمان نبی مکرم اسلام مقایسه کنیم. شباهت‌هایی وجود دارد؛ اما فوارقی هم وجود دارد. در صدر اسلام، عمده تقابل دوران دهساله پیغمبر، با سه جبهه بوده است: جبهه منافقین در داخل، جبهه اهل کتاب و یهود - که در مدینه و محیط حکومت پیغمبر وضع خاصی داشتند - و جبهه کفار و مشرکین. اینها سه جبهه عمده است که شما شرح این چالش‌ها را در سرتاسر قرآن و بیشتر در سوره مبارکه بقره مشاهده می‌کنید. در تقابل با یهود، چون یهود کسانی بودند که سیطره فکری و سیطره مالی بر مردم مدینه داشتند، مسأله آن‌ها، مسأله دشمنی از نوع دشمنی کفّار قریش نبود. آن‌ها گذشته‌ای داشتند، تاریخی داشتند، افتخاراتی داشتند، کتابی داشتند؛ با اتکای به آن، با مردمی که تا قبل از ظهور اسلام، امّی، بی‌ریشه و بی‌اطّلاع از همه معارف الهی بودند، دست و پنجه نرم می‌کردند؛ یک سلطه روحی بر آن‌ها داشتند؛ مثل سلطه یک مجموعه روشنفکر بر یک جامعه بی‌سواد.

نبی اکرم در برخورد با این‌ها به نقاط اساسی و حسّاسی انگشت گذاشت و البته وحی الهی این کار را می‌کرد. در سوره بقره، تقابل و چالش نبی اکرم با یهودیان همچنین با منافقان - به تفصیل بیان شده است.

ما امروز نمی‌توانیم بگوییم مقابله ما فقط با مجموعه‌هایی از این قبیل است؛ اما ما هم به حسب تناسب وضع خود و نظام خود، زمینه‌هایی برای تقابل و معارضه در پیش روی خودمان داریم. این‌جا مقصود حتماً معارضه سیاسی نیست.

نمی‌خواهیم بگوییم آن کسانی را که ردیف خواهیم کرد، معارضان سیاسی نظام‌اند یا با نظام مبارزه می‌کنند؛ نه. اینها زمینه‌های مبارزه است؛ این‌ها چالش‌هایی است که نظام اسلامی به طور طبیعی در مقابل خود دارد.

یک عدّه با اصل دین مخالف‌اند؛ لذا نظامی که بر اساس سیاست دینی استوار شده است، برای این‌ها یک نظام غیرقابل قبول است. اصل دین را در دل قبول ندارند. عدّه‌ای با سیاست دینی مخالف‌اند؛ دین را به عنوان یک مسأله تخصّصی و مربوط به کنج دل و کنج خلوت می‌دانند؛ دین را برای حکومت، برای سیاست، برای اداره امور مردم نمی‌دانند. این‌ها اصل دین را قبول دارند؛ اما این دین کدام دین است، من نمی‌دانم!

نبی اکرم از اوّل حرکت خود در دوران بعثت شعارهایی داده است که جز با هجرت آن بزرگوار به مدینه و جز با ایجاد نظام اسلامی، این شعارها نامفهوم و غیرقابل درک است. آن توحیدی که پیغمبر اسلام آن را ترویج می‌کند، آن توحیدی که تبعیض را در جامعه نفی می‌کند، آن توحیدی که غلامان و بردگان مظلوم را علیه اربابانشان تحریک می‌کند، آن توحیدی که جوان‌های باروحیه و حسّاس را در مقابل کارهای زشت و غلط و انحرافی پدرانشان به مقاومت وامی‌دارد، آن یک توحید فردی و قلبی و پنهان در گوشه انزوا نیست. همان توحیدی است که بایستی پرچمش برافراشته شود و یک جامعه بر اساس آن زندگی کند؛ یعنی همان دوران مدینه و هجرت. از اوّلِ هجرت هم، پیغمبر حکومت اسلامی را تشکیل داد. حال، آن کسی که دین محمدبن عبدالله صلّی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلّم را قبول دارد، اما هجرت او، حکومت او، ولایت او و اقتدار او را قبول ندارد، من نمی‌دانم چگونه مطلب را برای خودش توجیه می‌کند! به‌هرحال یک عدّه سیاست دینی یا دینی را که بر عرصه سیاسی می‌نشیند، نمی‌توانند قبول کنند. این‌ها هم یک مجموعه‌اند.

یک عدّه دچار نفاق دینی هستند؛ یعنی نام دین را لازم دارند، عنوان دین را لازم دارند؛ اما حقیقت دین را برنمی‌تابند! این‌ها هم آن‌جایی که دین با همه واقعیّت خود، با حضور خود، با اقتدار خود در جامعه ظاهر می‌شود و نظام تشکیل می‌دهد و حکومت راه می‌اندازد، نمی‌توانند آسان کنار بیایند.

دیدیم کسانی به نام دین با قرآن و نهج‌البلاغه حرف می‌زدند؛ اما برای مقابله با مفاهیم حقیقی قرآن و نهج‌البلاغه! یک عدّه علمداران تبعیّت از فرهنگ غرب و فریفتگان به زرق و برق غربی‌اند؛ خودکوچک‌بین‌ها و خودکم‌بین‌ها. خود، یعنی ملت خود، فرهنگ خود، میراث علمی خود، گذشته خود. تاریخ خود را زیر پا له کردند، برای این‌که بتوانند خودشان را به فرهنگ وارداتی غرب و با همان مفاهیم و با همان اصطلاحات و خطّی که آن فرهنگ و آن تمدّن ارائه می‌داد، آشنا و نزدیک کنند. کسانی بودند که گفتند ما باید از سر تا پا فرنگی شویم.

آن کسانی که این مملکت را صد سال عقب انداختند؛ که امروز ما هرچه نگاه می‌کنیم، سیّئات و کوتاهی‌ها و تقصیرهای حکمرانان و وابستگان به آن‌ها در دوران گذشته بیشتر برای ما آشنا می‌شود. این‌ها همان کسانی بودند که معتقد بودند از ایران و ایرانی و این ملت، هیچ‌گونه امید خیری نیست؛ مگر این‌که به‌کلّی قلب ماهیت کنند؛ اخلاقشان، رفتارشان، کردارشان، لباسشان، زبانشان، خطّشان، همه چیزشان را بر طبق ملت‌های غربی قرار دهند؛ یک مقایسه بسیار ساده‌لوحانه و ابلهانه! چون آن ملت از لحاظ علم پیشرفت کرده است، پس همه چیز آن ملت فراگرفتنی است و ما هم اگر بخواهیم به آن رتبه علمی برسیم، بایستی مثل او در اخلاق، مثل او در رفتار، مثلِ او در عقاید، مثل او در آداب زندگی عمل کنیم! واقعاً انسان تعجّب می‌کند که چطور کسانی با دعوی روشنفکری، این‌قدر ساده‌اندیش و کوته‌بین باشند! یک عدّه هم این‌ها بودند و همیشه هستند.

یک عدّه هم قدرت‌طلبانند؛ تشنگان قدرت. کاری به کار دین و اخلاق و اعتقاد و خدا و این چیزها ندارند. برای آن‌ها آنچه در درجه اوّل مهم است، کسب قدرت است؛ تشنگان قدرت. این‌ها هم برای نظام اسلامی زمینه‌های چالش‌اند. یک عده از کسانی که نمی‌توانند مفاهیم اسلامی را درست درک کنند، اینها زمینه‌های چالش نظام اسلامی‌اند.

البته همه کسانی را که اسم آوردیم، معنایش این نیست که این‌ها با نظام اسلامی معارضه دارند؛ نه. ممکن است معارضه‌ای هم نباشد؛ اما نظام اسلامی نمی‌تواند این‌ها را نبیند؛ نمی‌تواند حضور این‌ها را، فکر این‌ها را، تلاش این‌ها را، اهداف و نیت‌ها و انگیزه‌های این‌ها را که در کنار آن، در مقابل آن، در میان آن حضور دارند، نادیده بگیرد.

حکمت و تدبیر برای نظام اسلامی این است که این‌ها را ببیند؛ این‌ها را بشناسد و این‌ها را علاج کند. علاج، معنایش استفاده از زور و قدرت نیست. تصوّر نشود که هرجا گفته می‌شود باید این فکر را یا این کار را علاج کرد، یعنی به زور متوسّل شد؛ نه. زور مال کسانی است که منطق ندارند. مجموعه‌ای که منطق دارد، با حربه استدلال و منطق کاری می‌کند که هیچ حربه دیگری و هیچ قدرت مادّی‌ای نمی‌تواند آن کار را انجام دهد. بنابراین نیاز به زور نیست.

پنجه‌افکندن این صفوف گوناگون و این‌که هر کسی بخواهد دَر نظام اسلامی پنجه بیفکند، چه زمینه‌هایی در درون خود نظام اسلامی، مسؤلان نظام، سردمداران نظام، مؤثران نظام و مردم دارد؟ من چند نمونه‌اش را این‌جا یادداشت کرده‌ام:

یکی از زمینه‌ها، تحجّر است. نگاه نو به مسائل نکردن، گذران تاریخ و تحوّل فکر انسان‌ها را نادیده گرفتن، تعالی و ترقّی فکر و اندیشه و راه‌های زندگی را انکار کردن. این تحجّر است.

هر دانشی را که شما نگاه کنید، تعالی و پیشرفت آن دانش، فریادی علیه تحجّر است. اگر قرار بود ایستایی، پافشاردن بر هر آنچه که عادت کرده‌ایم آن را ببینیم، چیز خوبی باشد، اصول ما هم پیشرفت نمی‌کرد؛ فقه ما هم از هزار سال پیش تا به‌حال این همه تحوّلات و پیشرفت‌ها را پیدا نمی‌کرد. در همه امور زندگی این‌طور است. تحجّر، یکی از بزرگ‌ترین آفات است.

در کنار تحجّر، ولنگاری فکری و عملی. ولنگاری و بی‌بندوباری، چه در فکر - یعنی این‌که انسان هر آنچه را که در بازار فکر و اندیشه مطرح می‌شود، بدون ارزیابی، بدون نقّادی و بدون فهم درست با آن مواجه شود و با زرق و برق، این متاع بسیار حسّاس را برای خود تهیه کند و چه در عمل؛ یعنی نقطه مقابل تقوا. تقوا، همان ضدّ ولنگاری است.

تقوا، یعنی دقّت و مراقبت و مواظبت از این‌که هیچ عملی چه گفتار، چه کردار، عمل جوارح، حتی عمل جوانح بدون رعایت موازین انجام نگیرد. این تقواست.

نقطه مقابلش همین ولنگاری و بی‌بندوباری است. اگر در زمینه فکر و اندیشه، در زمینه علوم و در هر زمینه‌ای این ولنگاری باشد، واویلاست! هرجا این روحیه بی‌بندوباری و ولنگاری وارد شد که به دنبال آن، سهل‌انگاری در قبول، سهل‌انگاری در عمل، سهل‌انگاری در فهم خواهد بود آن کسانی که دچار این آفت شوند، وضع و روز خوبی نخواهند داشت. تقلید کورکورانه از غرب به خصوص، این هم یکی از آفت‌هاست. چون تمدّن غربی از لحاظ علمی پیشرفت داشته است و زرق و برقی دارد، از او کورکورانه تقلید کنند و هر چیزی از آن‌جا آمد، بپذیرند؛ چه فلسفه، چه اخلاق، چه حرف‌های گوناگون. از جمله آفت‌ها، طعمه‌جویی است. این آفت بزرگی است. مسند را، مسؤلیت را، مقام اجتماعی را و حتی علم را به عنوان طعمه نگاه کند، برای این‌که بتواند به نان و نوایی برسد. این آفت است. فرصت‌طلبی، راحت‌طلبی و خوی شرارت، از این قبیل است. این‌ها آفت‌هایی است که وجود دارد. این زمینه‌هاست؛ زمینه‌های درونی، اخلاقی، رفتاری خود ماهاست؛ آن صف‌بندی‌های طبیعی است که در مقابل نظام اسلامی هست.

از طرف سوم، دشمن خارجی است. دشمن خارجی نقشش این است که از این امکانات معارضه با نظام در داخل استفاده کند و آن‌ها را تشدید نماید. بنده گاهی که در صحبت‌ها بعضی کسان را به توطئه‌های دشمن تنبّه می‌دهم، افرادی می‌گویند: آقا! شما چرا به دشمن خارجی می‌پردازید؟ چرا به مسائل خودمان، به کمبودهای خودمان اشاره نمی‌کنید؟ حرف باید روشن بشود.

اگر دشمن خارجی در مقابل خود کمبودها را، ضعف‌ها را، زمینه‌ها را مشاهده نکند، نمی‌تواند تسلّط پیدا کند. این‌که چیز بدیهی و روشنی است؛ بارها هم گفته‌ایم. اصلاً کامیابی دشمن از بیرون در آن صورتی است که در درون صفوف داخل نظام داخل کشور و داخل جامعه نقاط ضعف و نقاط خلأ وجود داشته باشد. در این‌که شکّی نیست. اما دشمن خارجی را نمی‌شود منکر شد. دشمن خارجی می‌آید از همین ضعف‌ها حداکثر استفاده را می‌کند.

هیچ انسانی را، هیچ جامعه‌ای را و بیش از همه هیچ مسؤلی را کسی مدح نخواهد کرد که دشمن را نبیند؛ تلاش دشمن را نفهمد؛ سوء استفاده دشمن را از ضعف‌های خودی بجا نیاورد. آری؛ دشمن خارجی یک حقیقت است؛ منتها دشمن خارجی می‌آید از ضعف‌های ما استفاده می‌کند. نظام اسلامی اگر در درون توانسته باشد این ضعف‌ها را برطرف کند، یقیناً دشمن خارجی ناکام خواهد ماند؛ اما وقتی که دشمن خارجی حمله می‌کند، وظیفه فوری و فوتی، مواجهه با اوست. فرض بفرمایید وقتی دشمن به مرزها حمله می‌کند - در تشبیه به این دشمنی جنگ نظامی - وظیفه اوّل این است که همه بروندَ جلو او را بگیرند. ما بیاییم بحث کنیم که «علت این‌که دشمَن این جنگ را شروع کرد، چه بود؟

ممکن است فلان رفتاری که ما کردیم، فلان پرخاشی که ما کردیم، فلان عمل خلافی که ما کردیم، موجب این شده است»؛ جای این بحث‌ها نیست. هرچه علت بوده است، هر ضعفی وجود داشته است، الان باید رفت جلو دشمن را گرفت؛ بعد البته بپردازید علت‌ها را هم برطرف کنید.

امروز حقیقت این است که نظام اسلامی در صحنه جهانی با حقد و کین و دشمنی مراکز قدرت جهانی مواجه است. البته نظام اسلامی مستحکم است. آن‌ها نتوانستند ضربه کاری وارد کنند. اگر می‌توانستند یک لحظه تأمّل نمی‌کردند. چیزهایی در این نظام هست که در هر نظامی باشد، آن را مستحکم نگه می‌دارد. این نظام، مردمی است.

این نظام، ایمانی است. این نظام، برخاسته از عواطف مردم و ایمان‌های مردم است. مسؤلان این نظام برای خودشان کیسه ندوخته‌اند. کارگزاران ارشد این نظام با نیّت‌های خوب وارد این میدان شده‌اند و مجاهدت و تلاش می‌کنند. این‌ها چیز کمی نیست. لطف الهی و نصرت الهی تابع همین چیزهاست. وقتی که ملتی ایستادگی می‌کند، در راه خدا سختی‌ها را تحمّل می‌کند، مسؤلان در آن مجموعه نیّت خودشان را برای خدا خالص می‌کنند، خدای متعال نصرت خود را نازل می‌کند. این‌ها چیزهایی نیست که بتوانند با آن مقابله و مواجهه کنند؛ والا انگیزه دشمن زیاد است. این را نمی‌شود منکر شد.

حال، حوزه علمیه روحانیت و در رأس، حوزه قم و سپس حوزه شهرستان‌ها از شهرستان‌های بزرگ تا شهرهای کوچک در قبال چنین

*** تمدن اسلامی به صورت کامل در دوران ظهور حضرت بقیةالله ارواحنا فداه اتفاق می‌افتد**

*** برای ایجاد تمدن اسلامی، دو عنصر اساسی تولید فکر و پرورش انسان لازم است**

*** هیچ ملتی نمی‌تواند بدون دست و پنجه نرم کردن با موانع و مشکلاتی که با آن مواجه است، به جایی برسد**

چالش‌هایی قرار گرفته‌اند. شما هستید یعنی حوزه دین، حوزه علمیه و حوزه روحانیت که می‌خواهید بنای شامخ تمدّن اسلامی را بالا ببرید و استوار کنید؛ چراغ هدایت اسلام را در مناره بلند نظام اسلامی به درخشش درآورید و انسان‌ها را هدایت کنید - یعنی کاری که همه پیغمبران برای آن آمدند و آن‌ها را به صراط مستقیم الهی و جاده اصلی الهی - سبیل اعظم و صراط اقوم - نزدیک کنید. حوزه با این چالش‌ها مواجه است؛ با این هدف حرکت می‌کند. حال شما ببینید حوزه علمیه چگونه باید باشد و چه کار باید بکند؟ واجبات این حوزه چیست؟

اگر هیچ چیز هم بنده به عنوان آنچه که تصوّر می‌کنم برای حوزه‌ها لازم است، عرض نکنم، این موقعیت حسّاس که تبیین شد، این هدف بلند که ترسیم شد، این معارضه‌ها و چالش‌هایی که در پیش روی نظام اسلامی هست و بیان شد، اقتضائاتی دارد که با توجّهی می‌شود این اقتضائات را دانست و بنده هم مختصری عرض می‌کنم.

بخش چهارم بحث ما، واجبات حوزه‌های علمیه است. البته حوزه علمیه قم حقیقتاً امروز یک حوزه برجسته است. من یک وقت در همان چند سال قبل از این، در همین سالن اجتماعات مدرسه فیضیه، عرض کردم که قطعاً از اوّل تاریخ اسلام تا امروز، هیچ مجمع علمی بزرگ عمیق با کیفیّتی مثل امروز حوزه علمیه قم وجود نداشته است. البته و بلاشک حوزه‌های علمیه‌ای بوده است که علمای بزرگ در آن حضور داشته‌اند. در بغداد و در حلّه و در نجف و در کربلا و در جاهای دیگر بوده‌اند؛ اما با این کمیّت عظیم، با این تنوّع، با این همه استاد و شاگرد، با این همه حلقه‌های علمی، چنین چیزی وجود نداشته است.

امروز هم حوزه علمیه با حوزه علمیه زمان مرحوم آیةالله‌العظمی بروجردی رضوان‌الله تعالی علیه فرق‌های زیادی دارد. آن روز ما در این حوزه بودیم؛ طلبه همین مدرسه فیضیّه و مدرسه حجّتیه بودیم؛ بسیار هم نقاط روشن و برجسته‌ای داشت؛ اما تحرّک و تلاش و آگاهی و هوشیاری و احساس مسؤلیت در کنار کمیّت عظیم استاد و شاگرد در حوزه، امروز با آن روز قابل مقایسه نیست. البته آن روز هم اساتید بسیار بزرگ و برجسته در این حوزه حضور داشتند در این شکی نیست لیکن امروز چیزهایی در حوزه هست که آن روز نبود. این آگاهی‌ها، این آشنایی‌ها، این مجهّز بودن‌های به جهاز لازم تبلیغ در زمان معاصر؛ آن روز این چیزها نبود. با توجّه این‌ها، به نظر ما حوزه این واجبات را دارد. البته این، همه واجبات نیست. من نتوانستم استقصاء کُنَم؛ یعنی نخواسته‌ام استقصاء کنم و چند نقطه‌ای که به نظرم مهم آمده، عرض کردم. اوّل این است که حوزه علمیه باید نظام اسلامی همین نظام جمهوری اسلامی را از خود بداند و برای تکمیل و رفع نقص آن، همه کوشش خود را مبذول کند.

این نظام از آن حرکت و نهضت عظیمی پدید آمده است که در همین مدرسه فیضیّه و در همین مسجد اعظم پایه‌گذاری شد. نظام دینی است؛ نظامی است که بر اساس معارف و احکام دینی و ارزش‌های دینی شکل گرفته است. حوزه در مقابل چنین نظامی نمی‌تواند بی‌تفاوت باشد. هیچ مصلحت و هیچ انگیزه شخصی یا صنفی یا سیاسی نمی‌تواند و حق ندارد از حمایت حوزه نسبت به نظام مانع شود. بدتر از حمایت نکردن و درصدد تکمیل بر نیامدن و کمر به اصلاح ضعف‌های نظام نبستن، این است که انسان به دشمنان نظام کمک کند!

متأسفانه گاهی دیده می‌شود که پست‌ترین و رذل‌ترین و بی‌ارزش‌ترین دشمنان نظام به وسیله کسانی تأیید می‌شوند. چرا؟! به چه بهانه‌ای؟! چون در نظام، فلان نقص وجود دارد؟ وقتی نقص هست، باید دشمن نظام را تأیید کرد، یا باید تلاش کرد تا آن نقص برطرف شود؟

یقیناً مسؤلان نظام، از صدر تا ساقه، ضعف‌هایی دارند. بنده خودم در اوّلِ صف قرار دارم؛ مجمع ضعف‌های فراوان و عیوب بی‌شمار.

در این تردیدی نیست. باید این ضعف‌ها را برطرف کرد؛ باید این‌ها را جبران کرد؛ باید به رفع عیب‌ها کمک کرد. نمی‌شود گفت یا صددرصد یا هیچ؛ یا باید مثل حکومت امیرالمؤمنین و پیغمبر اکرم علیهماالسّلام باشد، یا اصلاً نباشد. حکومت کفّار و فسّاق و فجّار و این‌ها باشد، خوب است؟ این‌که منطقی نیست؛ این‌که گفتنی نیست. این، مسأله اوّل است. حوزه علمیه به هیچ بهانه‌ای، با هیچ مصلحت و انگیزه‌ای، درست نیست که به دشمنان نظام کمک کند؛ که البته امروز حوزه‌های علمیه مثل کوه پشت سر نظام ایستاده‌اند. امروز مراجع معظّم تقلید، فضلای بزرگ، شخصیت‌های عالی، طلاّب و فضلای جوان، در زمینه‌های علمی، در زمینه‌های سیاسی، هر جایی که نظام احتیاج به پشتیبانی داشته است، با کمال قوّت و شهامت پشتیبانی کرده‌اند.

دومین چیزی که به نظر بنده جزو واجبات حوزه علمیه است، این است که حوزه باید بدون فوت وقت، صلاحیت‌های لازم را برای مقابله با بحران‌های فکری، در حوزه و در میان اعضای حوزه به وجود آورد. شاید بعضی افراد هستند که نمی‌دانند در میان فضای ذهنی برخی از جوان‌ها و جامعه چه می‌گذرد! توجّه ندارند. امروز مراکزی وجود دارد در داخل و خارج که اساساً همّتشان این است که ذهن جوان‌ها را با مشکلات، با شکوک، با تردیدها و با حرف‌های کم‌محتوا اما خوش‌ظاهر، از مبانی اسلام و مفاهیم الهی دور کنند. حوزه نمی‌تواند این چیزهایی را که می‌تواند بحران فکری برای نسل جوان به‌وجود آورد، نادیده بگیرد.

روزی در این کشور - تقریباً حدود چهل سال قبل رواج تفکّر الحادیِ مارکسیستی یک بحران بود. هر جا می‌رفتیم - در دانشگاه، در محیط‌های گوناگون، حتی در بعضی از گوشه‌کنارهای بعضی از حوزه‌ها اثر پای این تفکر را می‌دیدیم. عدّه معدودی متوجه بودند که قضیه چیست؛ با آن مواجهه می‌کردند، مقابله می‌کردند. بعد که خطر آشکار شد، آن وقت بزرگانی به فکر افتادند که کاری صورت دهند! مگر ما باید این گونه عمل کنیم؟! بگذاریم تا بحران فکری به وجود بیاید، عدّه‌ای از دل‌ها و ذهن‌ها و ایمان‌ها را تباه کند، بعد ما به فکر بیفتیم؟!

در حوزه علمیه باید این ظرفیت و این توان به‌وجود بیاید که بحران‌های فکری را پیش‌بینی کند. بحران‌های فکری، مثل بحران‌های سیاسی نیستند؛ بی‌سر و صدا و آرام وارد می‌شوند؛ به تدریج اثر می‌گذارند؛ ناگهان خودشان را ظاهر می‌کنند؛ در حالی که علاجشان آسان نیست.

من همین جا عرض کنم: حوزه علمیه قم که بحمدالله در رشته فقاهت که ما هم بارها گفته‌ایم رشته اصلی در حوزه‌های علمیه ماست پیشرفت‌های خوبی کرده است، مبادا پرچم فلسفه اسلامی را زمین بگذارد. من احساس خطر می‌کنم. فلسفه اسلامی، فلسفه بسیار والایی است. فلسفه اسلامی، آن منطق عقلانی‌ای است که می‌تواند بی‌پایگی بسیاری از تفکّرات شبه فلسفی و فلسفی را روشن کند.

فلسفه اسلامی، افتخار حوزه‌های علمیه است. پرچم فلسفه اسلامی، همیشه در دست حوزه‌های علمیه بوده و بیش از همه در دوران‌های اخیر، حوزه علمیه قم آن را در دست داشته است. مبادا این پرچم را زمین بگذارید. من از چند طریق هشدارهایی شنیدم که برایم قدری نگران‌کننده است. فلسفه اسلامی باید در سطوح مختلف، با شیوه‌های خوب، با کتاب‌های قوی و با استفاده از متون راقیِ گذشته تدریس شود.

سوم از واجبات حوزه علمیه این است که مدیران محترم حوزه و بزرگان و اعلام حوزه باید طلاّب را از لحاظ فکری و سیاسی مصونیت بدهند. طلاّب را از لحاظ فکر اسلامی و ظرافت‌هایی که در برخورد با امواج گوناگون فکری وجود دارد، باید مصونیت ببخشند.

باید طوری بشود که هر طلبه‌ای احساس کند در مقابل هر منطقی که برای او پیش می‌آید ولو برایش از قبل ناآشنا باشد این مایه را دارد که بتواند مواجهه و مقابله کند. همچنین در زمینه‌های سیاسی باید قدرت تحلیل سیاسی به طلاب داده شود. این مجموعه عظیم جوان در این حوزه علمیه، مجموعه‌ای است که می‌تواند و باید بتواند حوادث سیاسی را جزء به جزء تحلیل کند؛ معنای هر حرکتی را که صفوف مختلف و جناح‌های مختلف در داخل و خارج می‌کنند، بفهمد تا بتواند آن خط مستقیم و صراط الهی را در این بین همواره در مقابل چشم داشته باشد و فریب نخورد.

البته فهم سیاسی، غیر از سرگرمی‌های سیاسی است. بنده به این سرگرمی‌های سیاسی و بعضی از دسته‌بندی‌های سیاسی تصنّعی، چندان خوشبین نیستم. لذا منظورم آن نیَست و به آن هم توصیه نمی‌کنم. منظور من درک سیاسی و قدرت تحلیل سیاسی است که راه‌های ممکنی هم دارد.

بزرگان حوزه و مدیران حوزه می‌توانند این کار را بکنند و باید هم بکنند. چاره‌ای ندارند؛ برای خاطر این‌که اگر شما تحلیل سیاسی را به جوان حوزه ندادید، کسی که با راه‌اندازی جریان سیاسی به فکر سوء استفاده و طعمه‌طلبی است که اشاره کردیم دیگر نمی‌گوید که آقا جوان‌هایش را آماده نکرده، پس ما سراغ این‌ها نرویم. او می‌آید از این ناتوانی درک سیاسی و تحلیل سیاسی حداکثر سوء استفاده را می‌کند.

این خسارت است؛ بنابراین شما ناچارید. باید به طلاّب، آگاهی‌های سیاسی و قدرت فهم و تحلیل سیاسی بدهند. طلبه باید بداند که تحرّکات دشمن در قبال شوکتی که امروز اسلام پیدا کرده است، چیست و چگونه است؛ بداند تحرکات دشمن در مقابل خودِ حوزه علمیه چیست و چگونه است. توصیه بعد یعنی آنچه که به نظر من کار لازم بعدی است این است که نظام درسی در حوزه باید کوتاه و کارآمد و به‌روز شود.

من قبلاً هم راجع به مسأله برنامه‌های درسی حوزه عرض کرده‌ام که بنده به هیچ وجه طرفدار رقیق کردن، بی‌عمق کردن و بی‌سواد بارآوردن طلبه نیستم؛ اشتباه نشود. من می‌گویم این دوره‌ای را که ما طی می‌کنیم، می‌تواند با استفاده از شیوه‌های جدید، فشرده‌تر شود. مثلاً من ادبیات را عرض کنم.

من نمی‌دانم اکنون ادبیات در چند سال خوانده می‌شود؛ اما ادبیاتی را که ما در کتاب «مغنی» یا «مختصر مغنی» یا «مطوّل» یا «مختصر مطوّل» می‌خوانیم، ادبیات استدلالی است؛ یعنی راهی برای مجتهد شدن در ادبیات است و طلبه ما این را لازم ندارد. فقیه احتیاج نیست که در ادبیات مجتهد باشد. این که گفته‌اند در همه مقدمات اجتهاد، اجتهاد لازم است، حرف محکمی نیست. البته در بعضی هایش اجتهاد لازم است؛ اما در این چیزها اجتهاد لازم نیست. شما باید بدانید که این کلمه به چه معنا به کار می‌رود.

این قدر چیزهای متّفقٌ‌علیه در ادبیات وجود دارد. «چرا این جمله یا این کلمه به این معنا به کار می‌رود؛ فلان نحوی این طور گفته است، این هم استدلالش؛ فلان کس دیگر این گونه گفته، این هم استدلالش»؛ شما به این‌ها چه احتیاجی دارید؟! باید کارآمد، کوتاه، به‌روز، در مدّت کوتاهی - یکی، دو سال از دوره ادبیات عبور کنند؛ از اول تا آخر. به خصوص امروز طلاّبی که وارد حوزه می‌شوند، غالباً دارای معلوماتی هستند؛ چیزهایی را اطلاع دارند، چیزهایی را خوانده‌اند؛ احتیاجی به این کتاب‌های فارسی و عربی و مخلوط ندارند.

درباره فقه و اصول هم نظراتی هست؛ البته آن‌جا مسأله پیچیده‌تر و مشکل‌تر است؛ چون دوره سطوح، بسیار مهم و برای پیشرفت‌های بعدی پایه است. به‌هرحال نظام درسی باید دائماً مورد توجّه باشد.

بقیه در صفحه ۸

رهبر معظم انقلاب: تمدن اسلامی بار دیگر در دنیا گسترانیده خواهد شد

ادامه از صفحه ۷

از جمله مواردی که در برنامه‌ریزی‌های مراکز آموزشی بزرگ، به‌طور دائم در حال تحوّل است، نظام درسی و کتاب درسی است. دائم نقصهایش را برطرف و آن را با خصوصیات لازم برای آموزش و پرورش همراه می‌کنند.

مطلب دیگر، شناسایی استعدادها در حوزه است که من در چند ماه قبل از این به مدیران محترم حوزه این را عرض کردم. این حوزه مجمعی از استعدادهای گوناگون است. اینها باید شناخته شود. استعدادها برای کارهای مختلف، برای معارف و معلومات مختلف و فعّالیت‌های مختلف علمی یا تحقیقی شناسایی شوند. این شناسایی کمک بسیاری برای بهره برداری درست در پرورش این استعدادها خواهد کرد. مطلب بعدی که از واجبات حوزه است، مسأله هجرت است. هجرت برای تعلیم و تزکیه؛ برای بودن در میان مردم. در گذشته هم ما این را عرض کرده‌ایم. دوستان و بعضی از فضلای حوزه طرحی به صورت طرح مقدماتی برای هجرت آماده کردند. کسانی که در حوزه به حدّی از معرفت و آگاهی و علم می‌رسند، باید بروند به طرف جایگاه هایی که احتیاج به آن هاست. امروز چقدر نیاز به فضلای جوان و فعّال و کارآمد در اقطار این کشور هست؛ نه فقط در روستاها، بلکه در شهرها؛ حتی بعضی شهرهای بزرگ!

در گذشته در هر کدام از شهرستان های ما گاهی چند مجتهد مسلّم زندگی می‌کردند. امروز با معارف جدیدی که فضلا و مجتهدان ما دارند، اگر چنین افرادی در شهرستان‌ها باشند، چه برکات عظیمی بر وجود آن ها مترتّب خواهد شد. هجرت به شهرستان ها، ارتباط با مردم را برای فضلا ممکن می‌کند. تعامل با مردم، نکته بسیار مهمی است.

مطلب دیگری که در این فهرست واجبات قرار می‌گیرد، کامل کردن برنامه درسی حوزه است و از جمله آنچه که به‌نظرم بسیار لازم می‌آید، تاریخ است. هیچ لزومی ندارد که تاریخ را درس بدهیم؛ می‌توان تاریخ را به عنوان کارهای فوق برنامه طلاب گذاشت؛ منتها از آنها امتحان کرد و در پیشرفت های حوزه‌ایِ آنها دخالت داد.

طلاّب باید با تاریخ و عمدتاً تاریخ صدر اسلام آشنا باشند. این بسیار مهم است. تاریخ تحلیلی دهساله زندگی پیغمبر، از جمله بخَش های بسیار روشنگر برای همه ذهن هاست. تاریخ مشروطیت، از دوره مشروطه تا امروز و امثال این ها هم مهم است. البته بخش ها و مقاطع دیگری هم از تاریخ هست که مهم است و من نمی‌خواهم وارد جزئیّات شوم.

همین‌طور حدیث. در برنامه کاری طلاّب باید حدیث وارد شود. طلاّب بایستی با حدیث آشنا شوند؛ باید با «کافی» آشنا شوند؛ با کتاب های حدیثی مشخّصی آشنا شوند. خواندن کلماتِ ائمّه برای ما لازم است. به برکت مطالعه کلمات ائمه هدی علیهم‌السّلام و نیز نهج‌البلاغه، بسیاری از فکرهای عالی در ذهن ها می‌جوشد.

مطلب دیگری به عنوان امر لازمی در حوزه می‌خواهم عرض کنم. امروز در حوزه علمیه قم، خوشبختانه بخش های تحقیقاتی زیادی وجود دارد که بعضی مربوط بهِ حوزه، بعضی مربوط به خارج حوزه و بعضی مربوط به بخش های خصوصی است.

طلاّب و فضلای جوان کارهای تحقیقاتی انجام می‌دهند؛ این ها را باید با تدبیری، مدیریّت حوزه مکمّلِ هم کند؛ به طوری که از مجموعه‌یَ این تحقیقات، یک منظومه کامل برای رصد کردن هجوم فکری و تبلیغاتی دشمن و امکان مقابله با این هجوم به وجود آید. امروز برای طلاّب، اغلب این تحقیقات در بخش های مختلف، جَنبه کاربردی پیدا خواهد کرد.

باید طوری انتخاب شود که هر کس می‌خواهد یک مجموعه کاری تحقیقاتی درست کند، با مدیریّتَ حوزه مشورت کند؛ با او در میان بگذارد؛ توصیه او را به طور الزامی بپذیرد و آن ها بدانند چه کار می‌کنند. یک نگاه کلّی به برنامه و کار تحقیق در حوزه باشَد؛ کارهای تکراری و بیهوده و بی‌فایده وارد مسأله تحقیقات نشود و وقت های حوزه را از بین نبرد. این کار بسیار لازمی است.

این ها بخشی از مطالبی بود که می‌خواستم در باب واجبات حوزه عرض کنم. البته مقدار زیادی از این ها مربوط به مدیریّت است و من این جا می‌خواهم از فرصت استفاده کنم و عرض کنم: عزیزان من! مسأله مدیریّت حوزه را جدّی بگیرید. بعضی اشخاص، مدیریّت حوزه را جدّی نمی‌دانند؛ جدّی است.

اگر ممکن بود یکی از مراجع معظّم، مدیریّت حوزه را به طور اجرایی به دست بگیرد، این اولویّت داشت. این قدر مسأله مدیریت حوزه مهم است. اگر یک مرجع تقلید از همه کارهای مربوط به مرجعیّت صرف نظر کند از افتاء و رسیدن به مقلّدان و تدریس و ... و فقط به مدیریت حوزه بپردازد، جا دارد این قدر مدیریت حوزه مهم است. امروز بحمدالله عزیزانی این مهم را بر دوش گرفته و این زحمت را قبول کرده‌اند. همه باید با این ها همکاری کنند تا کارهای مدیریّت بتواند پیش برود. همه باید از گذشت کسانی که مسؤلیت کار اجرایی مَدیریّت را به عهده گرفته‌اند، قدرشناسی کنند.

قسمت پنجم و آخرین بخش عرایض من توصیه‌ها و تذکرات به شما عزیزان است. اوّل این که درس خواندن را جدّی بگیرید عزیزان! نگویید چون این برنامه فلان عیب را دارد، پس برنامه هیچ؛ نه. تا برنامه تغییر نکرده است، همین برنامه‌ای که وجود دارد، باید با جدیّت دنبال شود. باید درس بخوانید.

تا قبل از اتمام دوره سطح، توصیه من این است: طلاّبی که مشغول به سطوح هستند، تا قبل از آن‌که از سطح خارج شوند، به هیچ کار دیگر غیر از درس نپردازند. درس بسیار جدّی است؛ درس بسیار مهم است؛ علم و

*** حوزه علمیه باید بدون فوت وقت، صلاحیت‌های لازم را برای مقابله با بحران‌های فکری، در حوزه و در میان اعضای آن به وجود آورد**

*** امروز مراکزی در داخل و خارج وجود دارد که همتشان این است که ذهن جوان‌ها را با مشکلات، با شوک، با تردیدها و حرف های کم‌محتوا اما خوش‌ظاهر، از مبانی اسلام و مفاهیم الهی دور کند**

سواد پایه اصلی است؛ بدون آن هیچ نقشی نمی‌توانید ایفا کنید، یا درست نمی‌توانید ایفا کنید. نقش آفرینی غلط، از نقش آفرین نبودن به مراتب خسارت بارتر است.

دوم، حفظ زیّ طلبگی است. زیّ طلبگی چیست؟ من زیّ طلبگی را در دو جمله می‌توانم معرفی کنم: پارسایی با عزّت و نظم در تحصیل و زندگی. طلبه، پارساگونه زندگی می‌کند. البته من از اوضاع مادّی حوزه علمیه، حقیقتاً آشفته و ناراحتم. از مشکلاتی که بسیاری از طلاّب و فضلا با آن دست و پنجه نرم می‌کنند – مشکلات مادّی – مطّلع ام. گاهی اوقات بعضی از این اطّلاعات برای من بسیار تلخ و گزنده است. البته آن مقوله دیگری است که واقعاً باید برایش فکری کرد. امروز حقیقتاً طلاّب علوم دینی از همه طبقات جامعه – حتی از کارمند و از کارگر و از دیگران – از لحاظ حظّ معیشتی پایین ترند این یک واقعیت است. در حالی که یکی از بزرگترین و شریف ترین کارها را این ها انجام می‌دهند. از ظواهر هم چندان چیزی نمی‌شود فهمید. همان عزّت نفس و مناعتی که طلاّب علوم دینی از گذشته با آن سرافراز بوده‌اند، نمی‌گذارد آدم های سطحی و ظاهربین، بسیاری از بواطن امر را ببینند وبشناسند.

من نمی‌خواهم آن مقوله را با این مقوله مخلوط کنم. آنی که حالاً عرض می‌کنم، این است که طلاّب – چه آنهایی که برخوردارند، چه آن هایی که دچار سختی هایی هستند – باید زیّ طلبگی‌شان محفوظ بماند؛ یعنی حالت پارسایی و قناعت، همراه با عزّت نفس؛ این یک. دوم، نظم در تحصیل و به تبع آن نظم در زندگی؛ که خصوصیت طلبگی نظم است.

توصیه بعدی من به شما عزیزان این است که باید اخلاق اسلامی را، هم بشناسیم – همه‌مان؛ این دیگر پیر و جوان ندارد؛ اما جوان ها بیشتر و بهترند و هم تحلّی به حلیه اخلاق پیدا کنیم. امروز خوشبختانه درس های اخلاق در حوزه هست؛ اما عزیزان من! درس اخلاق، همه وظیفه ما در باب تخلّق به اخلاق حسنه را ایفا نمی‌کند. هر کسی خودش باید با دل خود، با رفتار خود، به طور دائم مشغول تهذیب و مشغول کشتی گرفتن با بدی ها و زشتی های وجود خودش باشد. دعای شریف مکارم الاخلاق را که دعای بیستم صحیفه سجادیّه است زیاد بخوانید تا ببینید آن چیزهایی که امام سجاد علیه‌السّلام در این دعا از خدا خواسته است، چیست. بسیاری از این چیزها یا بسیاری از دعاهای دیگر را ما به عنوان اخلاق نیکو نمی‌شناسیم. مفاهیم و مضامینی که در همین دعای پنجم صحیفه سجادیّه هست: «یا من لاتنقضی عجائب عظمته» که شروعش این‌طوری است برای ما درس است؛ «اللّهم اغننا عن هبة الوهّابین بهبتک و اکفنا وحشة القاطعین بصلتک». [3] با کلمات ائمّه، با دعاهای صحیفه سجادیّه، با این داروهای شفابخشی که می‌تواند بیماری های اخلاقی ما را شفا بخشد و زخم های وجود ما را درمان کند، خودمان را آشنا کنیم. قدر بدانید این دعا و توسّل و تضرّع و توجه و نورانیّتی که از این راه حاصل می‌شود. این همه چیز است.

امام بزرگوار ما – آن‌گونه که من از بزرگان خودمان شنیده‌ام – از جوانی در این حرم مطهّر حضرت معصومه عبادت می‌کرد. مرحوم آمیرزا جواد آقای تهرانی در مشهد، سال ها قبل از انقلاب برای ما نقل می‌کرد؛ می‌گفت من رفتم قم به عنوان طلبه؛ حرم که مشرّف می‌شدم، هر روز یک چهره نورانی، یک مرد محترم، یک جوان نورانی، یک سیّد نورانی را می‌دیدم که غرق در عبادت است.

می‌گفت از نورانیّت و عبادت او دل من مجذوب شد؛ پرسیدم ایشانِ کی‌اند؟ گفتند ایشان حاج آقا روح‌الله خمینی هستند. این مربوط به زمانی است که امام بزرگوار ما – این شخصیّت برجسته – هنوز سی سال از عمرشان نگذشته بود. آری؛ همان عبادت ها و همان توجّهات و همان ارتباط و اتّصال با معدن نورانیّت غیب الهی و اولیای الهی، همین نتایج را هم دارد. این نورانیّتی را که به خاطر جوانی در دل شماست، قدر بدانید و مغتنم بشمارید.

توصیه‌ی دیگر من به شما عزیزان این است که از لحاظ علمی و همچنین از لحاظ سیاسی، باید اعتماد به نفس کاملی را در خودتان به وجود آورید. علم شما، علم بسیار باارزشی است؛ علمی است که می‌تواند بسیاری از گره‌های زندگی بشر را باز کند. آگاهی سیاسی و موضع سیاسی شما و همچنین آگاهی فکری و مواضع فکری و اعتقادی شما باید طوری باشد که در محیط های مختلف اثر گذار باشید.

این طور نباشد که طلبه جوان در مواجهه با توفان های فکری مخالف، به خود بلرزد و احساس ضعفَ و وحشت کند. این عزّت نفس، این اعتماد به نفس، این قدرت تکیه به خود را باید حتماً در خود به وجود آورید. راه هایی دارد پیمودنی.

توصیه دیگر من این است: من شما عزیزان را در زمینه مسائل سیاسی، به دو چیز که گاهی با هم اشتباه می‌شود – دعوت می‌کنم. یکی این است که همچنان که بزرگان گفتند و می‌گویند و توصیه می‌کنند، غیرت دینی، لازم است. نباید بگذارید غیرت دینی از مجموعه‌ی حوزه علمیه و آحاد آن سلب شود. دوم این که از لحاظ سیاسی عصبی نشوید. این ها با همدیگر نبایستی اشتباه بشود. بعضی کسان دوست می‌دارند حوزه علمیه را عصبی و آشفته و دچار کارهای بی‌رویّه سیاسی مشاهده کنند. توصیه من این است که نگذارید. حضور سیاسی، سخن سیاسی، موضع سیاسی، بسیار خوب و لازم است و در مواردی مقتضای غیرت دینی هم هست؛ اما حرکات بی‌رویّه، حرکات عصبی، حرکاتی که اگر پای صحبت به میان بیاید، نمی‌توانید از آن دفاع کنید؛ این نه. این دو را با هم تفاوت بگذارید. مرز بین این دو را همیشه در نظر داشته باشید.

نکته بعدی این است که من به برادران عزیز در حوزه علمیه توصیه می‌کنم که نگذارند توطئه جدایی و تقابل حوزه و دانشگاه بار دیگر به ثمر بنشیند. دانشگاه را همتای علمی خودتان بدانید؛ دو همتا.

شما در یک رشته تحصیل می‌کنید، آن ها هم در رشته‌های دیگری تحصیل می‌کنند. یک مجموعه علمی این جاست، یک مجموعه علمی هم محیط دانشگاهی کشور است. همیشه سعی دشمن این بوده است که بین حوزه و دانشگاه نفرت و تنافر و دشمنی به‌وجود بیاورد. نگذارید این حالت به وجود آید.

اگر چهار نفر در گوشه‌ای در یک دانشگاه یک حرکت خلافی انجام دادند، این مثل آن است که دو نفر در حوزه‌ای، در گوشه‌ای، کار غلطی کردند. نه آن را می‌شود تعمیم داد، نه این را می‌شود تعمیم داد.

البته این جا منظورم از رابطه حوزه و دانشگاه، رابطه صرفاً عاطفی است. البته رابطه علمی و عملی به وسیله مدیران امکان پذیر است ولی در این مقام، من مسأله عاطفی را مطرح می‌کنم.

آخرین توصیه‌ای که عرض می‌کنم، در ارتباط طلاّب عزیز و جوان و فضلای محترم با مردم است. در ارتباطات خود با مردم، اصل نرمش و تواضع و مدارا و درعین حال اثر گذاری و تبلیغ و هدایت را هرگز نباید فراموش کنید. خصوصیت طلاب حوزه علمیه و فضلای حوزه‌های علمیه همین است که بتوانند دل مردم را جلب کنند و فکر مردم را تحت تأثیر سخن هدایت‌آمیز خودشان قرار دهند.

اگر امر به عکس شد، نتیجه به عکس خواهد شد. اگر در مقام دادن فکر، حرف درستی ارائه نشود، متاع قابلی عرضه نشود؛ اما در مقام برخورد، برخورد طلبکارانه، متوقّعانه وَ خشن ارائه شود، دل جذب نخواهد شد؛ فکر هم تسلیم نخواهد شد. امروز، روزی است که حوزه علمیه نیاز دارد فکر و افکار گوناگون را مجذوب فکر بلند و اندیشه والای اسلامی خود کند؛ همچنان که نیاز دارد برای جلب همراهی و همکاری آن ها، دل های آن ها را متوجه خودش کند.

پروردگارا! به محمد و آل محمّد، آنچه را که گفتیم و شنیدیم، برای خودت و در راه خودت قرار بده و از ما قبول فرما. پروردگارا! نظام اسلامی ما را، نظام مستحکم و ادامه منطقی و طبیعی و رو به رشد کار انبیای بزرگ قرار بده. پروردگارا! نظام اسلامی ما را به آرمان بزرگ آن – که ایجاد تمدّن اسلامی است – برسان. پروردگارا! اسلام و مسلمین را در همه جای عالم نصرت عنایت کن و دشمنان اسلام را منکوب فرما. پروردگارا! رشد علمی و عملی و سیاسی و اجتماعی به حوزه‌های علمیه ما، آن‌چنانی که شایسته مقام والای حوزه‌های علمیه است، عنایت کن.

پروردگارا! روح مطهّر امام بزرگوار را که سر سلسله این همه حرکات عزیز و بابرکت بوده است، با ارواح مطهّر انبیا و اولیا و شهدا محشور فرما. شهدای عزیز ما را با پیغمبر محشور کن. پروردگارا! به طلاّب جوان و فضلای جوان ما توفیق نقش آفرینی والا در همه عرصه‌ها عنایت فرما.

والسّلام علیکم و رحمةالله و برکاته

پی نویس:

۱) تحف‌العقول، ۳۵۶
۲) پی جویی و بررسی.
۳) صحیفه سجادیه: ۶۵

اخبار کوتاه شهرستان

جلوگیری از فعالیت ۵ شهربازی غیراستاندارد در اصفهان

اصفهان ـ خبرنگار اطلاعات: اداره کل استاندارد استان اصفهان پنج شهربازی سرپوشیده را در هفته اخیر پلمب کرد. این شهربازی‌ها به صورت سرپوشیده و اغلب در قالب وسایل بادی فعالیت می‌کردند. همچنین این اداره کل با تأکید بر اینکه این اداره کل با تخلف و کوتاهی آزمایشگاه‌های همکار، پروانه صلاحیت آنها را لغو خواهد کرد، اعلام کرده است: در راستای اعمال نظارت بر عملکرد آزمایشگاه‌های همکار مستقر در استان اصفهان در یکسال گذشته، پروانه فعالیت و گواهی تایید صلاحیت ۱۰ آزمایشگاه خصوصی تعلیق و به بیش از ۷۰ آزمایشگاه همکار اخطار داده است.

همایش پیاده روی خانوادگی دربردستان دیر

بندردیر – خبرنگار اطلاعات: همایش پیاده روی خانوادگی با حضور قشرهای مختلف مردم در بردستان دیر برگزار شد. در این پیاده روی که به مسافت ۵ کیلومتر از گلزار شهدا تا امامزاده بی‌بی دختران(س) برگزار شد، ۳۵۰۰نفر از شهروندان بردستان شرکت داشتند. حجت الاسلام عبدالحسن امینی روحانی مستقر در بردستان گفت: این همایش برای افزایش روحیه نشاط و ورزش در خانواده‌ها برگزار شده است. شهردار بردستان نیز بیان کرد: ورزش یک گام علیه تهاجم فرهنگی است و علاوه برسلامت جسم، اوقات فراغت جوانان را پر می‌کند.

ارسلان حصیری گفت: به ۱۱۰ نفر از شرکت کنندگان در این پیاده روی به قید قرعه هدایای بلیت رفت و برگشت سفر مشهد مقدس، لوازم خانگی و وجه نقد اهدا شد.

توزیع بسته‌های فرهنگی بین دانش‌آموزان

مراغه – خبرنگار اطلاعات: ۱۷۳ دانش‌آموز نیازمند زیرپوشش انجمن حمایت از زندانیان مراغه از بسته های فرهنگی بهره‌مند شدند.

مدیرعامل انجمن حمایت از زندانیان مراغه گفت: این بسته‌ها بین فرزندان دانش‌آموز زندانیان شهرهای مراغه، بناب، عجبشیر و ملکان توزیع شد.

سید علاء‌الدین نقیبی افزود: این سبدهای فرهنگی که با کمک ۲۲۰ میلیون ریالی نیکوکاران تهیه شد، شامل لباس‌های فرم مدارس دخترانه و پسرانه، کیف و کوله پشتی و نوشت افزار است. انجمن حمایت از زندانیان مراغه از ۳۰۰ خانواده زندانیان شهرهای مراغه، عجبشیر، بناب، ملکان و بخش‌های تابعه که در زندان مراغه به سر می‌برند، حمایت می‌کند.

صدور مجوز ۲ ساله برای هیات‌های شاه حسین‌گوی مراغه

* هیات‌های شاه حسین گوی مراغه مجوز فعالیت دو ساله دریافت می‌کنند. حجت الاسلام علی امیری رئیس اداره تبلیغات اسلامی مراغه افزود: این مجوز در چارچوب ساماندهی هیات‌های عزاداری صادر می‌شود و اعضای هیات امنای آنها می‌توانند برای گرفتن مجوز به اداره تبلیغات اسلامی مراجعه کنند. به گفته وی این طرح از نیمه دوم آبان آغاز شده است و تاکنون مجوز ۱۵ هیات شاه حسین گو صادر شده و ۳۰ مجوز نیز در دست بررسی است.

او اعلام کرد: با توجه به این که عزاداری هیات‌های شاه حسین گو از ۱۰ روز مانده به محرم آغاز می‌شود و تا نهم محرم و تاسوعای حسینی ادامه می‌یابد، این هیات‌ها به‌عنوان دسته‌های عزاداری فصلی شناخته می‌شوند.

مرکز تسهیلات زایمانی «رمکان» قشم به بهره‌برداری رسید

بندرعباس ـ خبرنگار اطلاعات: مرکز تسهیلات زایمانی با اعتبار یک میلیارد ریال با حضور فرماندار و جمعی از مدیران قشم در روستای «رمکان» این شهرستان به بهره‌برداری رسید. اعتبار ساخت این پروژه از سوی جمعی از خیرین روستاهای رمکان، کاروان و کوشه از توابع بخش مرکزی این شهرستان و همچنین شوراها و دهیاری‌های این روستاها تأمین و هزینه شده است.

همچنین خیرین این روستا یک دستگاه خودرو دوکابین نیز برای ارائه خدمات در اختیار این مرکز قرار داده‌اند. شبکه بهداشت و درمان شهرستان قشم نیز در پاسخ به این اقدام انسانی یک دستگاه آزمایشگاهی به ارزش ۳۵۰ میلیون ریال و تجهیزات وابسته و جانبی این دستگاه به ارزش ۶۵۰ میلیون ریال را در اختیار این مرکز قرار داده است. از امکانات و تسهیلات این مرکز که در فضایی به مساحت ۱۳۰ مترمربع اجرا شده است، ۱۹ هزار نفر از روستائیان رمکان از توابع بخش مرکزی قشم بهره‌مند می‌شوند.

۱۰هزار واحد مسکونی تحویل مردم هرمزگان می‌شود

* دهه فجر امسال ۱۰هزار واحد مسکونی آماده بهره‌برداری و تحویل مردم استان هرمزگان می‌شود.

ابراهیم عزیزی استاندار هرمزگان در نشست شورای مسکن هرمزگان با بیان مطلب بالا افزود: این تعداد مسکن شامل ۵۶۰۰ واحد مسکن مهر در شهرهای بالای ۲۵ هزار نفر جمعیت، ۳۰۰۰ واحد در شهرهای زیر ۲۵هزار نفر و ۱۴۰۰ واحد شامل بافت‌های فرسوده در شهرها است.

اجرای طرح پزشک خانواده در هرمزگان از ماه آینده

بندرعباس ـ خبرنگار اطلاعات: طرح پزشک خانواده در هرمزگان به تصویب رسیده است و از ماه آینده اجرا می‌شود.

محمد شریعتی رئیس ستاد اجرایی پزشک خانواده و نظام ارجاع وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در جمع خبرنگاران در بندرعباس با بیان خبر بالا افزود: پس از تصویب طرح پزشک خانواده و نظام ارجاع در مجلس شورای اسلامی در فروردین امسال مقرر شد که این طرح در مدت معین شده دو ساله در تمام کشور اجرا شود. او با اشاره به اینکه اجرای طرح پزشک خانواده بزرگترین گام برای عدالت محور کردن سیستم سلامت برای تمام افراد جامعه است ادامه داد: هدف اصلی از اجرای طرح پزشک خانواده استاندارد کردن هرچه بیشتر خدمات بهداشتی و درمانی در کشور است. وی با بیان اینکه وظیفه اصلی پزشک خانواده پایش سلامت و بررسی وضع سلامت افراد با محوریت خانواده است، افزود: در سیستم ارجاع هر فرد دارای یک پرونده سلامت خواهد بود که مسیر فعالیت‌های مرتبط با سلامت در آن ترسیم می‌شود و در صورت لزوم ارجاع به گروه بالاتر هم صورت می گیرد.

وی ادامه داد: اجرای این طرح در چهار استان مازندران، تهران، فارس و سیستان و بلوچستان آغاز شده است و هرمزگان پنجمین استان خواهد بود که این طرح را اجرایی می کند.

وی با بیان اینکه زیرساخت‌های لازم جهت اجرای برنامه پزشک خانواده در هرمزگان فراهم است، افزود: از میان استان‌هایی که برای افتتاح رسمی برنامه پزشک خانواده اعلام آمادگی کرده‌اند، هرمزگان یکی از استان‌های پیشرو بوده و پنجمین استانی است که در آینده نزدیک افتتاح رسمی اجرای این برنامه را خواهد داشت. دکتر شریعتی یادآور شد: ستاد اجرایی برنامه پزشک خانواده ارزیابی های لازم را جهت تأیید شروع برنامه پزشک خانواده در استان‌ها انجام می‌دهد و هر استان باید برای شروع رسمی برنامه پزشک خانواده شرایط لازم را داشته باشد.

او با اشاره به مزایای اجرای برنامه پزشک خانواده، اضافه کرد: در این برنامه تمام خدماتی که در سطح یک به افراد جامعه شهری ارائه می‌شود به طور رایگان بوده و در سطوح تخصصی و فوق‌تخصصی ۱۰درصد هزینه‌ها توسط مردم پرداخت می‌شود. رئیس ستاد اجرایی برنامه پزشک خانواده کشور گفت: با اجرای این برنامه مهم کشور در مسیر اجرای یک سیستم منظم و هدفدار در حوزه بهداشت و درمان گام برداشته است.

افزایش سرانه فضای ورزشی دانش‌آموزی در ایلام

ایلام – خبرنگار اطلاعات: سرانه فضای ورزشی دانش‌آموزی ایلام افزایش می‌یابد. معاون تربیت بدنی مدیر کل آموزش و پرورش استان ایلام گفت: با تدابیر اندیشیده شده سرانه فضای ورزشی دانش‌آموزی در اقصی نقاط استان ایلام افزایش می‌یابد.

ایرج طاهری افزود: در حال حاضر فضای ورزشی برای دانش‌آموزان ایلامی ۴۳ سانتیمتر مربع است که توسعه آن در دستور کار قرار دارد.

وی با اشاره به وجود ۱۳ فضای ورزشی روباز و ۲۹ فضای ورزشی سرپوشیده دانش‌آموزی در استان ایلام، گفت: وسعت هر فضای ورزشی ۱۰ هزار مترمربع و شامل چمن طبیعی و مصنوعی است. به گفته طاهری ساخت هفت سالن ورزشی و سه استخر جدید به وسعت ۱۳ هزار مترمربع در دست اجرا است.

معاون تربیت بدنی مدیر کل آموزش و پرورش استان ایلام گفت: برای ۱۰۰ هزار دانش‌آموز مقاطع مختلف تحصیلی استان ۴۵۰ مربی ورزشی مشغول به فعالیت هستند.

وی افزود: معاونت تربیت بدنی اداره کل آموزش و پرورش استان ایلام برای توسعه فضاهای ورزشی مدارس و به منظور ارائه خدمات ورزشی به دانش‌آموزان برنامه‌های مختلفی را تدوین کرده است.

نامگذاری خیابانی به نام خبرنگار در بابل

بابل ـ خبرنگار اطلاعات: با تصویب شورای شهر بابل خیابانی در این شهر به نام خبرنگار نامگذاری شد.

ابوالحسنی عضو شورای شهر بابل این خبر را اعلام کرد و گفت: با تصمیم شورای نامگذاری شهرداری بابل و تصویب شورای شهر، حدفاصل میدان ۱۷ شهریور تا تقاطع خیابان آیت‌الله سعیدی شهر به نام خیابان خبرنگار نامگذاری شد.

به گفته وی، این تصمیم برای ارج نهادن به مقام شامخ خبرنگاران گرفته شد و هدیه‌ای از سوی شهرداری و شورای شهر بابل به تلاشگران عرصه مطبوعات کشور و بابل است.

اخبار کوتاه حوادث

رهایی مادر زن از دست داماد شیشه‌ای

اصفهان ـ خبرنگار اطلاعات: فرد معتادی که مادر زن سابقش را گروگان گرفته بود، پس از ۴۵ دقیقه عملیات روانکاوانه پلیس، دستگیر و روانه زندان شد. این فرد پس از مطلع شدن از حکم جلب خود توسط همسرش با عصبانیت به منزل مادر همسر سابق خود رفت و در حالی که دچار توهم شدید ناشی از مصرف موادمخدر شیشه بود، مادر زنش را با سلاح سرد به گروگان گرفت که با عملیات روانکاوانه پلیس، گروگانگیر، دستگیر و مادر زنش رها شد. سرهنگ حسن یاردوستی، فرمانده انتظامی شهرستان اصفهان، انگیزه این گروگانگیری را عصبانیت متهم از دریافت حکم جلبش از سوی همسر سابق خود اعلام کرد و گفت: متهم با این عمل خود قصد داشت همسر سابق خود را از تصمیم خود بازدارد. وی پس از تشکیل پرونده برای سیر مراحل قانونی به مراجع قضایی تحویل و با قرار صادره روانه زندان شد.

کشف مواد مخدر از ۳ توزیع کننده در مراغه

مراغه – خبرنگار اطلاعات: ۸۳۶ گرم تریاک در مراغه کشف شد. فرمانده نیروی انتظامی مراغه گفت: این مقدار مواد مخدر از سه توزیع کننده در دو عملیات کشف شده است. سرهنگ عیسی هاتفی افزود: ماموران نیروی انتظامی در شهر خداجو با شناسایی فردی که در پوشش خواربار فروشی اقدام به توزیع مواد مخدر می کرد، وی را دستگیر کردند که از خانه و مغازه او ۳۱۸ گرم تریاک به همراه ترازوی مربوطه کشف شد.

به گفته وی همچنین ماموران نیروی انتظامی مراغه در عملیات دیگری دو توزیع کننده را در دو روستای تابعه این شهرستان دستگیر کردند و از آنان نیز ۱۹ گرم تریاک و ۴۰ سانتیمتر شیشه کشف شد.

جمع آوری سلاح‌های سرد در مراغه

* طرح جمع آوری سلاح های سرد و موتورسیکلت‌های بدون مدارک و شماره انتظامی در شهرستان مراغه اجرا می شود.

علی دیزجی دادستان عمومی و انقلاب مراغه با اعلام این خبر، افزود: این طرح به منظور تأمین امنیت عمومی اجرا می شود.

وی امنیت عمومی در مراغه را خوب ارزیابی کرد و گفت: باتوجه به این که برخی از موتورسواران با انجام حرکت‌های ناهنجار موجب رنجش شهروندان می شوند، دادستانی به منظور تأمین آسایش مردم، طرح جمع آوری موتورسیکلت‌های بدون مدارک و شماره انتظامی را با همکاری نیروی انتظامی اجرا می کند. دادستان عمومی و انقلاب مراغه افزود: همچنین برخی از حاملان سلاح‌های سرد که در این شهرستان اقدام به سلب آسایش مردم می کنند، از سوی یگان‌های انتظامی شناسایی و سلاح‌های آنان جمع آوری می شود.

به گفته دیزجی این طرح به عنوان یک طرح تأمینی و تربیتی در چارچوب کاهش جرائم اجرا خواهد شد.

دستگیری متصرف اراضی ملی در رفسنجان

کرمان ـ خبرنگار اطلاعات: متصرف اراضی ملی در رفسنجان دستگیر شد. مدیر اداره منابع طبیعی رفسنجان با اعلام این خبر، گفت: این فرد اقدام به حفر چاه غیرقانونی و تصرف ۱۸ هکتار اراضی اطراف آن در دشت لاهیجان رفسنجان کرده بود. عباس گلچین اعلام کرد: اداره منابع طبیعی رفسنجان با دریافت حکم قضایی برای رفع تصرف این اراضی و باز گرداندن آن به بیت‌المال وارد عمل شدیم و در این زمینه دو نفر دستگیر و تحویل مراجع قضایی شدند. وی افزود: در چند کیلومتری این محل نیز حدود ۱۰۰۰ متر از اراضی ملی توسط فرد دیگری متصرف و ساختمان‌سازی شده بود که برای بازگرداندن آن به حالت سابق اقدام شد. گلچین افزود: همچنین تصرف کننده در این محدوده برای انتقال آب به اراضی دیگر اقدام کرده بود. مدیر اداره منابع طبیعی رفسنجان با تاکید بر نخریدن آب و زمین از افراد سودجو، گفت: تخریب و تصرف اراضی ملی هیچ‌جای بخششی ندارد.

کلاهبردار حرفه‌ای مغازه‌ها در رشت دستگیر شد

رشت – خبرنگار اطلاعات: کلاهبردار حرفه‌ای مغازه‌ها که در غیاب صاحبان مغازه از شاگردان آنان کلاهبرداری می کرد توسط کارآگاهان آگاهی رشت دستگیر شد. این فرد سی‌وپنج ساله با شگردخاصی شاگردان مغازه‌ها را با این بهانه که از صاحبان مغازه‌ها پول طلب داشته یا برای عملی کردن سفارش کالا نیاز به پیش پرداخت دارد، فریب می داد و از این طریق پول‌های کلانی را به جیب می زد. کارآگاهان آگاهی که با اطلاع از این موضوع توانسته بودند تصویر چهره فرضی این فرد را به دست بیاورند، وی را هنگام گشتی‌زنی در سطح شهر دستگیر کردند.

این شخص در تحقیقات پلیسی به ۱۵ مورد کلاهبرداری به ارزش ۵۰ میلیون ریال اعتراف کرد و سپس با تشکیل پرونده به مقام قضایی معرفی و با قرار وثیقه لازم راهی زندان شد.

توسعه ذخیره‌گاه‌های گز و بنه در حاشیه دریاچه ارومیه

تبریز ـ خبرنگار اطلاعات: کاهش و پسرفت آب دریاچه ارومیه و پیدایش اراضی شور بستر مناسبی را برای توسعه ذخیره‌گاه‌های «گز» و «بنه» فراهم آورده است.

سرپرست اداره‌کل منابع‌طبیعی و آبخیزداری آذربایجان‌شرقی با بیان این مطلب از ایجاد کمربندی سبز در حاشیه دریاچه ارومیه خبر داد و گفت: ایجاد کمربند سبز در حاشیه دریاچه ارومیه در پنج سال آینده راهکار پیشنهادی این اداره کل برای مقابله با توسعه مناطق بیابانی است و امید می‌رود با اختصاص ۳۳۰ میلیارد ریال اعتبار این طرح به طول ۲۲۰ کیلومتر در زمینی به مساحت ۱۱ هزار هکتار اجرا شود.

سیروس داودی افزود: احیا و توسعه ذخیره‌گاه‌های «گز» و «بنه» در حاشیه دریاچه ارومیه برای ایجاد کمربند سبز، احیاء و توسعه مراتع و بوته‌زارهای موجود، ساماندهی بهره‌برداران و بهره‌برداری متناسب با توان اکولوژیک منطقه و هماهنگی و انسجام دستگاه‌های اجرایی و جوامع بهره‌بردار در قالب برنامه‌های هدفمند برای حفظ محیط طبیعی منطقه ضروری است.

داودی با ابراز تأسف از بهره‌برداری بی‌رویه از زمین‌های کشاورزی و آب‌های زیرزمینی، چَرای مفرط دام در مراتع، تخریب اراضی جنگلی و مرتعی و توسعه شهری، را از عوامل بیابانزایی دانست.

به گفته وی اُفت آب‌های زیرزمینی و افزایش میزان شوری آن شرایط را برای ایجاد پدیده گردوغبار و بادهای نمکی و انتقال نمک به کشتزارها، روستاها و شهرهای اطراف فراهم خواهد کرد.

داودی افزود: این امر علاوه بر تخریب و کاهش حاصلخیزی خاک و گسترش فرسایش آبی و بادی، افزایش سیل‌های مخرب و آلودگی هوا و ایجاد پدیده گردوغبار را در پی خواهد داشت.

سرپرست‌اداره‌کل منابع‌طبیعی و آبخیزداری آذربایجان‌شرقی حفاظت از عرصه‌های جنگلی و مرتعی موجود، احیا و اصلاح مراتع و جنگل‌ها و توسعه عرصه‌های جنگلی و مرتعی را از اقدام‌های مهم اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان برای جلوگیری از بیابانزایی برشمرد.

۴۰ درصد میگوی تولیدشده در داخل کشور مصرف می‌شود

بندرعباس ـ خبرنگار اطلاعات: با اقدامات انجام شده برای فرهنگ‌سازی مصرف میگو در ایران، میزان مصرف این قلم از آبزیان در کشورمان از ۱۰ درصد در سال‌های گذشته به ۴۰ درصد تولید داخلی در سال ۹۱ ارتقا یافته است.

به گزارش اداره کل شیلات هرمزگان غلامرضا رازقی معاون وزیر جهادکشاورزی و رئیس سازمان شیلات ایران در حاشیه مراسم پایانی اولین جشنواره ملی میگو در جمع خبرنگاران با بیان مطلب بالا افزود: ۶۰ درصد دیگر میگوی تولید شده در کشور نیز به خارج از کشور صادر می‌شود.

وی با اشاره به اینکه فرهنگ مصرف آبزیان به عنوان یکی از عوامل مهم سلامت شهروندان نه‌تنها در سطح جامعه بلکه در سطح مدارس و دانشگاه‌ها نیز گسترش می‌یابد، اضافه کرد: در این راستا میزان مصرف سرانه آبزیان در کشور از ۹ و یک دهم درصد کیلوگرم در سال ۱۳۹۰ به بالای ۱۰ کیلوگرم در سال جاری افزایش یافته و پیش‌بینی می‌شود، این رقم در پایان برنامه پنج ساله پنجم به ۱۳ کیلوگرم برسد.

به گفته وی میزان تولید آبزیان در کشور از ۶۶۳ هزار تن در سال ۱۳۸۹ با ۱۱ درصد رشد به ۷۳۵ هزار تن در سال ۱۳۹۰ افزایش یافته است و این رقم با ادامه این روند رشد، به ۸۰۰ هزار تن در پایان سال جاری خواهد رسید.

رازقی به افزایش ۲۵ درصدی صادرات آبزیان کشور در سال جاری به اروپا، شرق آسیا و کشورهای همسایه بخصوص عراق نیز اشاره کرد و بر ضرورت مشارکت مردم در حفظ و بازسازی ذخایر آبزیان و جلوگیری از صید بی‌رویه ماهیان تأکید کرد.

وی با قدردانی از برگزاری جشنواره ملی میگو در قشم و تأثیر مثبت این نوع برنامه‌ها در فرهنگ‌سازی مصرف آبزیان در کشور از طرح پرورش ماهی در قفس به عنوان یک ابتکار مثبت برای افزایش تولید و صادرات آبزیان و همچنین ایجاد اشتغال در این صنعت یاد کرد.

مرکز فسیل‌شناسی مراغه باید به پژوهشکده دیرینه شناسی کشور تبدیل شود

مراغه – خبرنگار اطلاعات: تبدیل مرکز فسیل‌شناسی مراغه به پژوهشکده دیرینه شناسی کشور ضروری است.

مسئول منطقه فسیلی مراغه در همایش تاریخ و فرهنگ منطقه سهند و خداجو افزود: با تبدیل این مرکز به پژوهشکده، گام موثری در جذب گردشگر و توسعه تحقیقات فسیلی در کشور و منطقه برداشته می‌شود.

لیلا مصری گفت: با بهره‌برداری از نخستین موزه صحرایی فسیل‌شناسی و فاز نخست مرکز فسیل‌شناسی کشور در این شهرستان نسبت به انتقال فسیل‌های کشف شده برای پژوهش‌های علمی بیشتر به این مرکز اقدام می‌شود.

وی اعلام کرد: توسعه موزه صحرایی در شهرستان مراغه با توجه به ایجاد رشته باستانشناسی و چینه‌شناسی در دانشگاه آزاد اسلامی مراغه در مقطع کارشناسی ارشد و توسعه منطقه فسیلی، ضروری است.

مصری گفت: امسال برنامه‌های فرهنگی در راستای حفاظت از آثار فسیلی منطقه با همکاری مسئولان مدارس روستاها و بهورزان خانه‌های بهداشت در این منطقه اجرا می‌شود.

به گفته وی دو پایگاه حفاظتی و پژوهشی در روستاهای شلیلوند و مردق مراغه در راستای حراست از منابع فسیلی و جلوگیری از تخریب این منطقه ایجاد شده است.

مسئول منطقه فسیلی مراغه افزود: این منطقه با وسعت ۴۰۰۰ هکتار که ۱۰۲۴ هکتار آن به‌عنوان اثر طبیعی ملی فسیلی ثبت شده در سال ۸۴ با موافقت شورای عالی حفاظت از محیط‌زیست کشور ایجاد شد و جزو پنج منطقه جهانی در حوزه محیط زیست کشور به‌شمار می‌آید.

سرپرست اداره میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری مراغه نیز در این همایش گفت: منطقه جنوب سهند و این شهرستان از کانون‌های شکل‌گیری فرهنگ و تمدن در دوران باستان و پس از آن است.

علیرضا پاشایی افزود: در این منطقه در طول سالیان متمادی، تمدن‌های مختلفی از جمله در جنوب دامنه سهند شکل گرفته است.

وی اعلام کرد: کشف ابزارهای ساخت دست بشر از دوران‌های پارینه سنگی در این منطقه گویای قدمت و پیشینه تاریخی و باستانی است.

سرپرست میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری مراغه افزود: گویجه قلعه به عنوان اثر ماندگار از دوران حکومت دولت اورارتویی از جمله تمدن‌های کهن در این منطقه است.

خط ارتباطی اطلاعات با مردم

۲ تا ۷ بعدازظهر بجز پنجشنبه و تعطیلات

ایمیل خط ارتباطی: ertebat@ettelaat.com

از خوانندگان محترم شهرستانی تقاضا دارد در پیام های خود، نام شهرستان مربوطه را ذکر کنند

بقیه از صفحه ۱۳

جهت اطلاع رئیس محترم جمهوری!

جناب آقای رئیس جمهوری! با احترام به استحضار می‌رساند بابت پاداش پایان خدمت سال‌های ۸۶ و ۸۷ مبالغی از آن دولت محترم طلبکاریم و حال که خوشبختانه از این مطالبات مطلع گشته‌اید، لطفاً دستور فرمایید آن را در اسرع وقت به ما بازنشستگان بپردازند!

کرج ـ بازنشسته کشوری

کدام هزینه‌های پزشکی قابل دریافت است؟

چشم‌پزشک برای مداوای ترشح چشمم و تقویت آن ۲ جعبه دارو نوشت که چون قیمت آن‌ها ۷۷ هزار تومان می شد، فقط یک جعبه‌اش را خریدم و وقتی برای دریافت هزینه آن به شرکت بیمه آتیه‌سازان حافظ مراجعه کردم، اظهار داشتند چون این دارو جزء تعهداتشان نیست، از پرداخت وجه آن معذورند که باید پرسید اصولاً سازمان بازنشستگی کشوری در قراردادهایش با شرکت‌های بیمه، به کدامیک از بیماری‌ها توجه دارد و هزینه‌های آن‌ها از بیمه‌گر قابل دریافت است؟

محمد حمیدی ـ بیمه شده تکمیل درمان

زیر ۴۵ ساله‌ها هم باید بتوانند کاندیدا شوند

گویا در اصلاح قانون انتخابات ریاست جمهوری قرار است برای انتخاب شدن به عنوان رئیس جمهوری حداقل سن را ۴۵ سال تعیین کنند، که به نظرم کار اشتباهی است و صرفاً رنگ و بوی سیاسی دارد! زیرا در میان سیاستمداران نخبه کشور، افراد زیر ۴۵ سال هم به فراوانی دیده می‌شوند که به خوبی می توانند از عهده مسئولیت‌های قوه مجریه کشور برآیند.

قم ـ تلفن به خط ارتباطی

روشنایی شبانه پیاده‌روها کافی نیست

پیاده‌روهای مسیر ابتدای جاده مخصوص کرج تا ابتدای ورودی شهرک اکباتان شب‌ها از روشنایی کافی برخوردار نیست و برای تأمین ایمنی بیشتر رهگذران و بخصوص خانم‌ها، از اداره برق منطقه تقاضای تأمین روشنایی کافی پیاده‌روها را داریم.

شهرک اکباتان ـ خانم صالحی

نارضایتی اهالی از دستگاه‌های خودپرداز

تعدادی از دستگاه‌های خودپرداز رُشتخوار (خراسان رضوی) به صورت ناقص به مشتریان بانک‌ها خدمات می دهند و چنانچه در روزهای تعطیل خراب شوند، کسی برای تعمیر آن‌ها در شهر حضور ندارد که این امر موجب نارضایتی شهروندان شده است.

رشتخوار ـ خاکشور

لزوم ۲ بانده شدن جاده رامهرمز ـ باغملک

رامهرمز که در نزدیکی اهواز قرار دارد، از طریق چند جاده به استان‌های فارس، اصفهان و دیگر مناطق کشور مرتبط است، که از آنجمله به جاده حادثه‌خیز رامهرمز ـ باغملک، می توان اشاره کرد، مردم رامهرمز از وزارت راه و شهرسازی تقاضای ۲ بانده شدن جاده مزبور را دارند، تا از وقوع حوادث رانندگی جلوگیری شود.

رامهرمز ـ یوسفی

بهسازی ساحل رود کارون

مدتی است که شهرداری اهواز سرگرم احداث یک پارک تفریحی در داخل رودخانه کارون است که به جای آن، بهتر است به بهسازی ساحل کارون بپردازد تا به این وسیله به حفظ محیط‌زیست هم کمک کرده باشد.

اهواز ـ ایمیل به خط ارتباطی

نیامدن استادان را به وسیله پیامک اطلاع دهند

بارها دیده شده است دانشجویان علیرغم طی مسافت‌های طولانی، خود را به کلاس درس می‌رسانند، اما با نیامدن استاد مواجه می‌شوند. بهتر است در چنین مواقعی عدم حضور استادان در کلاس‌های درس را به وسیله پیامک به دانشجویان اطلاع دهند، تا از صرف وقت و هزینه رفت و آمد و سرگردانی آنان، پیشگیری به عمل آید.

رشت ـ عبدحق، ایمیل به خط ارتباطی

پیشنهاد به قوه قضائیه

با توجه به نظریه‌های گوناگون قضات درباره اصل «اعسار» در محکومیت‌های مالی، خوب است قوه قضائیه راهکار روشنی را در این خصوص تدوین و اعلام کند که پیروی از آن برای تمامی قضات، الزامی باشد.

ایمیل به خط ارتباطی

تصمیم‌گیری‌های گروهی به جای فردی

شنیدن نظرهای مردم و انجام خواست‌های آنان، از اقدامات بسیار خوب شهرداری تهران است و امید می‌رود روش کارهای گروهی و کارشناسی نیز به جای تصمیمات فردی، هرچه زودتر در تمامی ادارات و وزارتخانه‌های کشور به اجرا درآید.

رادمان مقدسیان ـ ایمیل به خط ارتباطی

تسریع در معرفی معاون آموزش متوسطه

از ۲۳ بهمن ۹۰ تاکنون معاون آموزش متوسطه منطقه ۷ آموزش و پرورش شهر تهران معرفی نشده است و به همین دلیل در هیچیک از شاخه‌های آموزشی، پرورشی و برنامه‌ریزی، پاسخگویی مناسبی صورت نمی گیرد که امیدوارم در اسرع وقت نسبت به معرفی معاون آموزش متوسطه، اقدام‌های لازم انجام شود.

از فرهنگیان منطقه ۷ ـ نمابر به خط ارتباطی

می‌خواهند زمین‌های کشاورزی‌مان را تصرف کنند

اوایل انقلاب هیأت ۷ نفره واگذاری زمین با نظارت مسئولان امر، زمین‌هایی را با سند موقت به ما تحویل داد که با زحمات فراوان در آن‌ها کانال آبرسانی، تاسیسات برق و پمپ‌های آب مستقر کردیم و به برنجکاری و صیفی کاری مشغول شدیم. اما حالا پس از گذشت ۳۳ سال به بهانه نداشتن اسناد مالکیت قطعی و احداث مسکن در کلانشهرها، می‌خواهند زمین‌هایمان را بگیرند که در این صورت لابد فرزندان‌مان برای امرارمعاش خانواده، باید به شهرهایی مانند تهران مهاجرت کنند و سیگار و آدامس بفروشند! از مسئولان امر تقاضا داریم به فریاد ما که عمر و جوانی‌مان را صرف آبادی این زمین‌ها و کشاورزی در آن‌ها کرده‌ایم، برسند و اجازه ندهند بدون برخورداری از هیچ بیمه‌ای، از کارافتاده و زمینگیر شویم.

بندر کیاشهر (استان گیلان) ـ حسین‌نیا

فرهنگ خدمت به مردم نهادینه شود

لازم است از مدیران و کارکنان ادارات و سازمان‌هایی که با دلسوزی تلاش می‌کنند، قدردانی شود تا با این کار فرهنگ خدمت به مردم در کشورمان نهادینه شود.

گرگان ـ کاشفی

پاسخ مسئولان

پاسخ سازمان انتقال خون ایران پیرامون اهدای عضو

احتراماً با عنایت به درج مطلبی با عنوان «ثبت‌نام از داوطلبان اهدای عضو در پایگاه‌های اهدای خون» در صفحه ۱۳ آن روزنامه مورخ ۱۹ مهرماه سال جاری، خواهشمند است پاسخ فوق را در همان صفحه و همان ستون درج فرمایید:

برابر اساسنامه سازمان انتقال خون ایران، مأموریت این سازمان تهیه و توزیع خون و فرآورده‌های آن و فعالیت‌های مرتبط با این موضوع بوده و ثبت‌نام داوطلبان اهدای عضو در حیطه مسئولیت‌های این سازمان نمی‌باشد.

دکتر بشیر حاجی‌بیگی
سرپرست دفتر مدیرعامل و روابط‌عمومی

آگهی تاسیس شرکت حامیان سازندگی افق سهامی خاص

شرکت فوق در تاریخ ۱۳۹۱/۰۴/۰۵ تحت شماره ۴۲۷۰۴۰ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۷۹۲۲۰۴ در این اداره به ثبت رسیده و در تاریخ ۱۳۹۱/۰۴/۰۵ از لحاظ امضاء ذیل دفاتر تکمیل گردیده و خلاصه اظهارنامه آن به شرح زیر جهت اطلاع عموم در روزنامه‌های رسمی و کثیرالانتشار اطلاعات آگهی می‌شود. ۱- موضوع شرکت: واردات و صادرات کلیه کالاهای مجاز تجاری و صنعتی، ارائه خدمات مشاوره‌ای تعمیر و نگهداری فنی مورد نیاز واحدهای فنی و مهندسی، تهیه و تدارک تجهیزات فنی و صنعتی به‌منظور به‌کارگیری درکارخانجات و کارگاه‌ها و ادارات اخذ نمایندگی‌های تجاری و صنعتی از داخل و خارج از کشور، ایجاد شعب و نمایندگی شرکت در داخل و خارج از کشور، سرمایه‌گذاری و مشارکت با اشخاص حقوقی یا حقیقی اعم از ایرانی و خارجی با رعایت مقررات جاریه مملکتی، انجام امور بازاریابی غیرهرمی و غیرشبکه‌ای و حق العمل کاری کلیه امور مجاز که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم با موضوع شرکت در ارتباط می‌باشد. ۲- مدت شرکت: از تاریخ ثبت به مدت نامحدود. ۳- مرکز اصلی شرکت: استان تهران – شهر تهران خیابان ایرانشهر شمالی – کوچه یگانه – شماره ۲۸ - کدپستی ۱۵۸۴۷۳۷۱۱۱. ۴- سرمایه شرکت: مبلغ ۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال منقسم به یک‌هزار سهم ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریالی که تعداد یک‌هزار سهم با نام می‌باشد که مبلغ ۳۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال توسط موسسین طی گواهی بانکی شماره ۳۱۹۸۵۱۱۱ مورخ ۱۳۹۱/۰۳/۱۶ نزد بانک تجارت شعبه شهید کلانتری پرداخت گردیده است و الباقی سرمایه در تعهد صاحبان سهام می‌باشد. ۵- اولین مدیران شرکت: ۱-۵- آقای فرهاد معالی به‌شماره ملی ۰۰۴۰۹۴۴۵۵۷ به‌سمت رئیس هیئت مدیره. ۲-۵- آقای امیرعلی معالی به‌شماره ملی ۰۴۵۲۸۳۶۶۱۱ به‌سمت نایب رئیس هیئت مدیره. ۳-۵- خانم فاطمه مقدم به‌شماره ملی ۰۰۳۸۶۲۶۹۷۷ به‌سمت عضو هیئت مدیره. ۴-۵- خانم فاطمه مقدم به‌شماره ملی ۰۰۳۸۶۲۶۹۷۷ به‌سمت مدیرعامل به مدت ۲ سال انتخاب گردیدند. ۶- دارندگان حق امضاء: کلیه اسناد و اوراق بهادار از جمله چک و سفته و بروات و قراردادها با امضای متفق مدیرعامل و یکی از اعضای هیئت مدیره با مهر شرکت و درغیاب مدیرعامل با امضای دو نفر از اعضای هیئت مدیره با مهر شرکت معتبر می‌باشد. کلیه مکاتبات اداری با امضای مدیرعامل و یا هر یک از اعضای هیئت مدیره به تنهایی با مهر شرکت دارای اعتبار خواهد بود. ۷- اختیارات مدیرعامل: طبق اساسنامه ۸- بازرس اصلی و علی‌البدل: ۱-۸- آقای عباس ماژین به‌شماره ملی ۰۰۴۰۹۱۰۹۱۱ به‌عنوان بازرس اصلی. ۲-۸- آقای اسمعیل رشاد به‌شماره ملی ۲۵۹۳۰۸۸۰۱۱ به‌عنوان بازرس علی‌البدل

اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجای
واحد ثبتی تهران کد: ۱۶۶۸۳۱۰

* *

آگهی تغییرات شرکت سامان ساخت آریان سهامی خاص به شماره ثبت ۲۸۱۰۵۹ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۱۶۰۲۶۸

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۱/۰۱/۱۵ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ۱ ـ موسسه حسابرسی دش و همکاران به عنوان بازرس اصلی، موسسه حسابرسی ایران مشهود به عنوان بازرس علی‌البدل برای یک سال مالی انتخاب گردیدند. ۲ـ روزنامه کثیرالانتشار «اطلاعات» جهت نشرآگهی‌های شرکت انتخاب شد. ۳ـ ترازنامه و حساب‌های سود و زیان سال مالی منتهی به ۱۳۹۰/۱۲/۲۹ به تصویب رسید. درتاریخ ۱۳۹۱/۰۳/۳۱ ذیل دفتر ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری ثبت و مورد تأیید و امضاء قرار گرفت.

اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری
واحد ثبتی تهران کد: ۱۶۴۱۴۲۴

کوتاه از چهار گوشه کشور

گلایه شهردار طرقرود نطنز از بهره‌برداری غیراصولی معادن

اصفهان ـ خبرنگار اطلاعات: استخراج غیراصولی معادن شهر طرقرود نطنز در استان اصفهان، این شهر را در مخروبه‌ای از ضایعات سنگ‌های معدنی قرار داده است.

شهردار طرقرود با بیان این مطلب به نزدیک بودن معادن سنگ با مناطق مسکونی این شهر اشاره کرد و گفت: در بعضی از نقاط شهر، فاصله معدن تا منزل مسکونی ٦ متر است. علی منتظرالقائم، بهره‌برداری غیراصولی از معادن این شهر را سبب آسیب به درختان مثمر و غیرمثمر این منطقه اعلام کرد و افزود: بهره‌برداری غیراصولی از معادن این شهر موجب خشک شدن درختان گردو و دیگر درختان طرقرود شده است. شهر جدیدالتأسیس طرقرود از توابع شهرستان نطنز است که در ۱۰۰ کیلومتری شمال شرق مرکز استان اصفهان قرار دارد.

بندرعباس، میزبان فوتبال ساحلی بانوان کشور

بندرعباس- خبرنگار اطلاعات: مسئول کمیته فوتبال ساحلی هیات فوتبال هرمزگان از برگزاری مرحله نهایی مسابقه‌های لیگ برتر فوتبال ساحلی بانوان باشگاه‌های کشور به میزبانی بندرعباس خبرداد.

عباس غیبی در جمع خبرنگاران افزود: این رقابت‌ها از ۲۳ لغایت ۲۸ آبان با حضور چهار تیم شامل دو تیم صعود کرده از منطقه شمال کشور به نام‌های اسن میناسیان گیلان و چهارمحال و بختیاری و دو تیم مس رفسنجان و ویژن هرمزگان از منطقه جنوب کشور در مجموعه تفریحی و ورزشی ساحلی غدیر بندرعباس برگزار می‌شود.

وی در ادامه با بیان اینکه در آینده نزدیک رشته جدیدی با عنوان فوت والی فعالیت خود را در استان هرمزگان آغاز خواهد کرد، افزود: این رشته ترکیبی از والیبال و فوتبال است که با توپ شماره ٥ فوتبال و درسه وقت در زمین ساحلی برگزار می‌شود.

غیبی اضافه کرد: برای نخستین بار اولین دوره مسابقه‌های «فوت‌والی» با حضور ١٦ تیم در نیمه دوم آذر در شهر بندرعباس برگزار می‌شود.

اراضی ملی گچساران و باشت سنددار می‌شود

گچساران- خبرنگار اطلاعات: ۹۹ درصد اراضی منابع ملی شهرستان‌های گچساران و باشت دارای سنداست و تا پایان آذر تمام اراضی ملی این شهرستان‌ها سنددار می‌شود.

سیدفردین حافظی‌نژاد، رئیس اداره منابع طبیعی و آبخیزداری گچساران با بیان مطلب بالا افزود: حفظ و حراست از منابع طبیعی نیازمند عزم و مشارکت مردمی است و نابودی فضای سبز و جنگل‌ها در زندگی نسل‌های آینده اثری نامطلوب برجای می‌گذارد.

وی گفت: در گچساران افزون بر ٤٦٠ هزار هکتار اراضی منابع طبیعی وجود دارد که حفاظت و نگهداری از این اراضی وظیفه همگان است.

رئیس اداره منابع طبیعی و آبخیزداری گچساران اضافه کرد: ۳۲۰هزار هکتار اراضی ملی گچساران مرتع و ١٤٠ هزار هکتار نیز جنگل است.

حافظی‌نژاد با اشاره به وجود۸۰ هزار هکتار اراضی منابع ملی در شهرستان باشت افزود: ١٨ هزار هکتار از این اراضی مرتع و ٦٢ هزار هکتار نیز جنگل است.

خانه مهر بازنشستگان گیلان به بهره‌برداری رسید

رشت- خبرنگار اطلاعات: در مراسم آغاز به کار خانه مهر بازنشستگان گیلان مدیرکل صندوق بازنشستگان این استان گفت: مطالبات معوقه بازنشستگان کشوری گیلان با فروش سهام بازنشستگی پرداخت خواهد شد.

محسن طاهری دریاسری افزود: مطالبات بازنشستگان کشوری گیلان ١٨٣٠ میلیارد تومان است که ٤٠٠ میلیارد تومان آن امسال پرداخت شده است.

این واحد خدماتی در دو طبقه ساخته شده و شامل کتابخانه، سالن پذیرایی، آمفی‌تئاتر است و در آن نیز خدمات پزشکی به صورت رایگان به بازنشستگان گیلانی ارائه می‌شود. برای ساخت و راه‌اندازی خانه مهر بازنشستگان در گیلان ٨ میلیارد ریال هزینه شده است. گیلان ٥٧ هزار بازنشسته کشوری دارد.

کمک ٢٠ میلیون ریالی نیکوکار دیری به دانش‌آموزان

بندردیر ـ خبرنگار اطلاعات: مدیر کمیته امداد امام خمینی(ره) دیر گفت: نیکوکاری از این شهر ٢٠ میلیون ریال به دانش‌آموزان مددجو اهدا کرد.

محمد پورسالم افزود: این نیکوکار ٤٠ کارت هدیه ٥٠٠ هزار ریالی به دانش‌آموزان نخبه زیر پوشش این نهاد اهدا کرد.

پسته ایران سالانه ۱/۵ میلیون دلار ارز آوری دارد

کرمان – خبرنگار اطلاعات: پسته کرمان در بازار بین‌المللی طرفداران زیادی دارد.

معاون وزیر جهاد کشاورزی در جشنواره ملی پسته در سیرجان از تولید٤٦ درصدی پسته کشور در کرمان خبرداد و گفت: آب و هوا و اقلیم کرمان از علل مهم کیفیت مطلوب پسته استان کرمان است.

ناصر توکلی با تأکید بر تولید محصول سالم و ارگانیک اعلام کرد: هرچه اثر بخشی سم برای از بین بردن بیماری و مبارزه با آفت‌ها بیشتر باشد ماندگاری سم در محصولات کشاورزی نیز بیشتر است.

وی با اشاره به این‌که استان کرمان سه دهم آب کشور را به خود اختصاص داده است یادآور شد: امروز اگر آب کرمان کم است به کشاورزان توصیه می‌شود به‌سمت کشت اقلام با آب کمتر بروند.

در ادامه وزیر امور اقتصادی و دارایی از پسته به‌عنوان ثروتی با ارزش یاد کرد و گفت: کرمان سرشار از منابع معدنی است و خشکی طبیعت این استان با علم و دانش مردم بی‌اثر شده است.

سید شمس‌الدین حسینی با تأکید بر اهمیت صادرات غیرنفتی، اعلام کرد: پارسال با همه کار شکنی‌ها ۵۰ میلیارد دلار صادرات غیرنفتی داشتیم که این میزان معادل کل صادرات غیرنفتی در طول برنامه‌های اول تا سوم توسعه بوده است.

به گفته وی میزان صادرات پسته و مغز پسته پارسال ۷۵۰ میلیون دلار بوده و در هشت ماهه امسال نیز ۳۵۰ میلیون دلار پسته صادر شده است.

استاندار کرمان نیز در این جشنواره با تأکید در لزوم بسته بندی و فرآوری خوب پسته برای صادرات، گفت: پارسال در سیرجان از یک هکتار باغ پسته ۱۳ هزار تن محصول برداشت شد.

اسماعیل بخار با اشاره به کمبود آب در استان کرمان تأکید کرد: کشاورزان باید به منظور استفاده صحیح از آب از روش‌های آبیاری نوین استفاده کنند.

به گفته وی دولت در مناطق محروم و مناطق برخوردار به ترتیب صد درصد و ۸۵ درصد هزینه‌های آبیاری نوین را پرداخت می‌کند.

رئیس انجمن پسته ایران هم از ارزش ۲۰ میلیارد دلاری باغ‌های پسته کشور خبر داد و گفت: پسته با ۱/۵ میلیون دلار ارزآوری نخستین صادرات غیرنفتی ایران به‌شمار می‌رود.

محسن جلال‌پور اعلام کرد: دغدغه ما در صادرات و فروش پسته برطرف شده و دغدغه اصلی در تولید این محصول است که باید برای آن برنامه‌ریزی شود.

وی علمکرد مرکز تحقیقات انجمن پسته و اتحادیه خشکبار را مطلوب ارزیابی کرد و افزود: پسته‌کاران کرمانی جزو تولیدکنندگان، فرآوری‌کنندگان و صادرکنندگانی هستند که حضور آنها در ایران همواره تثبیت‌کننده مسیر و امور مملکت بوده است.

در این آیین از تولیدکنندگان، صادرکنندگان و فعالان برتر بخش پسته قدردانی شد.

* ارزش باغ‌های پسته کشور ۲۰ میلیارد دلار است
* دولت در مناطق محروم و برخوردار به ترتیب ۱۰۰ درصد و ۸۵ درصد هزینه‌های آبیاری نوین را پرداخت می‌کند
* ۴۶ درصد پسته کشور در استان کرمان تولید می‌شود

عشایر کوچرو وارد هرمزگان شدند

بندرعباس–خبرنگار اطلاعات: همزمان با آغاز کوچ پاییزه، گروهی از عشایر کوچرو استان‌های همجوار وارد مناطق قشلاقی استان هرمزگان شدند.

به گزارش روابط عمومی جهاد کشاورزی هرمزگان، منوچهر سالاری مدیر امور عشایر جهاد کشاورزی هرمزگان با بیان خبر بالا افزود: بیش از ۳۰۰۰ خانوار عشایر از استان‌های کرمان و فارس با بیش از ۸۰۰ هزار راس دام به مرور با کوچ به این استان، در مناطق قشلاقی اسکان می‌یابند.

به گفته وی، بیشترین شمار عشایر کوچرو استان‌های یاد شده، شهرستان‌های حاجی آباد، رودان و بندرعباس را برای گذراندن قشلاق انتخاب می‌کنند که علت اصلی آن دارا بودن مراتع درجه یک و همچنین زمین‌های کشاورزی است.

وی یادآور شد: در طول ۵ ماه حضور عشایر کوچرو استان‌های همجوار در هرمزگان، خدمات لازم شامل سوخت، برق‌رسانی به چاه‌های کشاورزی، اصلاح و بهسازی راه‌ها و آبرسانی سیار به آنان ارائه می‌شود.

به گفته سالاری اواخر آبان هر سال عشایر کوچرو برای گذراندن زمستان وارد مناطق قشلاقی هرمزگان می‌شوند و پس از ۵ ماه سکونت اواخر اسفند ییلاق خود را به استان‌های مبدا آغاز می‌کنند که تا اواخر فروردین به طول می‌انجامد.

مدیر امور عشایر سازمان جهاد کشاورزی هرمزگان وسعت مراتع قابل استفاده برای عشایر کوچرو را ۸۰۰ هزار هکتار بیان کرد.

برتری ایلام در مسابقات سوارکاری کورس پاییزه غرب کشور

ایلام – خبرنگار اطلاعات: مسابقات سوارکاری کورس پاییزه غرب کشور با قهرمانی ایلام به پایان رسید.

مدیر کل ورزش و امور جوانان استان ایلام گفت: رقابت‌های کورس پاییزه اسب سواری غرب کشور با حضور استان‌های آذربایجان‌غربی، ایلام، کردستان، کرمانشاه، لرستان و همدان برگزار شد. فرزاد فتاحی افزود: در این مسابقه ٦٠ سوارکار به همراه اسب‌هایی از نژاد کرد، ترکمن و عرب در دو رشته کورس و جشنواره زیبایی اسب در محل پیست اسب‌دوانی واقع در دو راهی کارزان شهرستان سیروان باهم به رقابت پرداختند. وی اعلام کرد: در بخش جشنواره زیبایی ۳۵ اسب در مسابقه شرکت کردند که اسب توفان متعلق به هوشنگ نوری از کرمانشاه به همراه اسب طلایی از ایلام متعلق به آریسا قبادیان به‌طور مشترک عنوان نخست زیباترین اسب را کسب کردند. فتاحی افزود: اسب‌های پهلوان و پارتیزان هر دو از ایلام متعلق به رباب امامیان و رضاالهی نژاد به ترتیب دوم و سوم شدند. وی گفت: همچنین در مسابقات کورس عبدالصاحب ملکشاهی با اسب رخش از ایلام عنوان نخست را به‌دست آورد، مهران بیرانوند با اسب جسی از لرستان دوم شد و ایمان الماسی با اسب دالاهو از کرمانشاه در جایگاه سوم قرار گرفت.

به گفته فتاحی در پایان هر دو بخش این مسابقه سوارکاران ایلام عنوان نخست و قهرمانی را از آن خود کردند و ورزشکاران سوارکار استان‌های لرستان و کرمانشاه دوم و سوم شدند.

ساخت ۱۴ کتابخانه روستایی در استان اصفهان

اصفهان ـ خبرنگار اطلاعات: ساخت کتابخانه روستایی و محرومیت‌زدایی از مهمترین اولویت‌های ما در استان بوده است و این در حالی است که در سال ۸۸، ۲۳ واحد کتابخانه روستایی در استان اصفهان وجود داشت که این رقم امسال به ٤٦ واحد افزایش یافته است و تا پایان سال با تکمیل ١٤ کتابخانه دیگر تعداد کل کتابخانه‌های روستایی استان به ٦٠ واحد خواهد رسید.

یاوری مدیرکل کتابخانه‌های عمومی استان اصفهان با بیان این مطلب افزود: ٢٧٠ کتابخانه با ٢٢٥ هزار عضو در استان اصفهان فعالیت می‌کنند که شاهد رشد سه برابری شمار اعضا نسبت به سال‌های گذشته بوده‌ایم و مهمترین دلیل آن شکستن سد و بوروکراسی اداری بوده است.

وی با اشاره به طراحی سیستم مدیریت یکپارچه کتابخانه‌های عمومی کشور افزود: هر عضو با ثبت‌نام در این سامانه می‌تواند از خانه خود کتاب مورد نظر خود را انتخاب و بدون هدر رفتن کمترین زمان آن کتاب را از کتابخانه تحویل بگیرد که در این راستا همه کتابخانه‌های استان تا پایان امسال به این سامانه متصل خواهند شد.

به گفته او عمر کتاب‌ها در گذشته ١٠ تا ١٥ سال بود که امروز این رقم به یک تا چهار سال کاهش یافته است و مهمترین دلیل این کاهش، افزایش شمار امانت گرفتن کتاب‌های کتابخانه‌های استان است.

یاوری کسب رتبه دوم کشور در حوزه فناوری اطلاعات را از دیگر موفقیت‌های اداره کتابخانه‌های عمومی استان بیان کرد و یادآور شد: در ٣ سال گذشته یک میلیون جلد کتاب به شمار کتاب‌های کتابخانه‌های استان افزوده شده است و اکنون ٢ میلیون و ٤٠٠ هزار کتاب برای بهره‌مندی اعضا در استان وجود دارد و در ٢ سال گذشته ٥ میلیارد تومان اعتبار ملی و استانی برای خرید کتاب هزینه شده است.

مدیرکل کتابخانه‌های عمومی استان اصفهان از جمع‌آوری ١٠٠ هزار جلد کتاب در ٢ سال گذشته از کتابخانه‌های استان اصفهان خبر داد و گفت: در تعداد صندلی کتابخانه‌ها رشد ٥٠ درصدی داشته‌ایم و این رقم به ١٥ هزار صندلی رسیده است.

وی از ساخت ١٠ کتابخانه به همت خیرین در استان اصفهان خبر داد و گفت: استان اصفهان در ٣ سال گذشته به صورت متوالی موفق به کسب رتبه برتر از نظر بیشترین تعداد کتابخانه، رتبه اول تجمیع کتابخانه‌های دولتی، خصوصی و عمومی و رتبه نخست بیشترین زیربنای کتابخانه‌های عمومی کشور شده است. او گشایش ٣٠ کانون ادبی و کانون قرآن و نهج‌البلاغه در کتابخانه‌های استان را از اهداف ارتقای شاخص فرهنگی اعضای کتابخانه‌ها اعلام کرد و گفت: شبکه کتابخوانان حرفه‌ای ایران راه‌اندازی شده است و ١٧ نفر از ٣٠ نفر کتابخوان برتر این شبکه از استان اصفهان هستند که در جشن ملی هفته کتاب از ١٠ نفر آنها تقدیر خواهد شد.

یاوری از فعالیت تخصصی ٥٠ کتابخانه عمومی استان ویژه کودکان و نوجوانان خبر داد و افزود: ٢٠ هزار خردسال و کودک عضو کتابخانه‌های استان هستند.

وی با اشاره به برگزاری هفته کتاب جمهوری اسلامی ادامه داد: در این هفته از ٣٠٠٠ نفر از فعالان حوزه نهضت مطالعه در ٣٥ بخش تجلیل می‌شود و کتابخانه مرکزی دهاقان با کسب بیش از ٩٠ امتیاز، در کشور از نظر شاخص‌های تعریف شده کم‌نظیر است.

نسخه موبایلی توضیح المسائل و مناسک حج آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی تولید شد

قم – خبرنگار اطلاعات: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر آیت الله العظمی مکارم شیرازی، نسخه موبایلی رساله توضیح المسائل و مناسک حج این مرجع تقلید ویژه سیستم عامل آندروید را تولید کرده مسعود پیرانی، مسئول پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی گفت: این پایگاه در راستای ترویج احکام اسلامی و دسترسی آسان به فتواهای این مرجع تقلید اقدام به طراحی و تولید نرم‌افزارهای رساله توضیح المسائل و مناسک حج ویژه تلفن‌های همراه با سیستم عامل آندروید کرده است.

او با بیان اینکه این گروه از نرم‌افزارها که در بخش فنی و برنامه‌نویسی پایگاه اطلاع رسانی طراحی شده، اولین تولیدات این مجموعه است، افزود: نسخه حاضر به‌صورت مقدماتی ارائه می‌شود و نسخه های تکمیلی نیز در آینده نزدیک در اختیار علاقه‌مندان قرار خواهد گرفت.

وی ادامه داد: از مجموعه نرم‌افزارهای در دست تولید این بخش می توان به‌نرم‌افزارهای قرآن کریم با ترجمه این مرجع تقلید، مفاتیح نوین، تفسیر نمونه و مجموعه استفتائات اشاره کرد که به‌زودی ارائه خواهد شد.

وی با مهم ارزیابی کردن پیشنهادهای کاربران این نرم‌افزارها گفت: بی‌شک نظرات کاربران در بالا بردن سطح کمی و کیفی این نرم‌افزارها و تولید آثار جدید موثر خواهد بود. پیرانی در پایان با بیان این نکته که تمام هزینه‌های مربوط به تولید نرم‌افزارها از سوی دفتر حضرت آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی پرداخت شده است، افزود: تمام حقوق مادی و معنوی این آثار متعلق به دفتر این مرجع تقلید بوده و نرم‌افزارهای تولید شده به صورت اهدایی در اختیار کاربران قرار گرفته است و خرید و فروش آنها مجاز نیست.

ساخت نخستین تله کابین جنوب شرق در کرمان

کرمان ـ خبرنگار اطلاعات: نخستین تله‌کابین جنوب شرق کشور توسط متخصصان داخلی بر فراز کوه‌های صاحب‌الزمان(عج) شهر کرمان نصب می‌شود.

شهردار کرمان در نشست شورای عمومی این شهر گفت: یک مؤسسهٔ مالی و اعتباری که در پروژه‌های مختلفی در ایران سرمایه گذاری می کند، پیشنهاد سرمایه گذاری برای اجرای سه طرح در کرمان را ارائه کرده است.

ابوالقاسم سیف‌اللهی اجرای طرح تله‌کابین مجموعه پردیسان قائم کرمان را یکی از این سه پروژه اعلام کرد و افزود: برای اجرای طرح تفاهمنامه‌ای مبادله شده و قرار بر این بود تا پس از انجام کار مطالعاتی توسط تیم‌های کارشناسی توافقنامه این طرح نیز مبادله شود.

وی از حضور تیم کارشناسی شرکت تله‌کابین ایران برای بررسی اجرای طرح تله‌کابین در این منطقه خبر داد و گفت: این تیم پس از بازدید میدانی، اطلاعات موردنیاز را جمع‌آوری کرده است.

سیف‌اللهی میزان سرمایه گذاری در طرح تله‌کابین پردیسان قائم کرمان را ١٠٠ میلیارد تومان اعلام کرد و افزود: برگشت سرمایه در بخش‌های گردشگری باتوجه به جمعیت ٣ میلیون نفری استان کرمان و سرانه مطلوب تفریح در سبد خانوارهای کرمانی تضمین می‌شود و سرمایه گذاران می توانند با اطمینان خاطر نسبت به اجرای پروژه‌های مختلف در این منطقه اقدام کنند.

به گفته وی اجرای این طرح در مجموعهٔ پردیسان قائم موجب احیای بام کرمان در کوه‌های مسجد صاحب‌الزمان(عج) می‌شود.

ساخت ۳ واحد تولیدی ـ صنعتی در باشت

گچساران ـ خبرنگار اطلاعات: عملیات اجرای سه طرح تولیدی صنعتی در شهرک‌های صنعتی شهرستان باشت در حال اجرا است.

رضا شریفی، رئیس اداره صنعت، معدن و تجارت گچساران با بیان مطلب بالا افزود: این واحدهای تولیدی صنعتی شامل دو واحد تولیدی بهداشتی دستمال کاغذی و مواد شوینده و یک واحد تولیدی مواد غذایی روغن نباتی با همکاری بخش خصوصی در گچساران در حال انجام است.

وی، میزان سرمایه این تعداد واحد صنعتی را ٤٠ میلیارد ریال اعلام کرد و گفت: این سه طرح ٣٠ تا ٥٠ درصد پیشرفت فیزیکی دارد.

رئیس اداره صنعت، معدن و تجارت گچساران افزود: با بهره‌برداری از این سه طرح تولیدی صنعتی زمینه اشتغال پایدار مستقیم برای ٢٤٠ نفر فراهم خواهد شد.

شریفی، حمایت از سرمایه گذاران بخش خصوصی با دریافت تسهیلات بانکی و کم‌کردن بوروکراسی اداری برای اخذ مجوز واحدهای تولیدی را یکی از بهترین راهکارها برای افزایش تولید ملی و ایجاد اشتغال پایدار بیان کرد.

گچساران دارای ٧٢واحد تولیدی صنعتی فعال و نیمه فعال با بیش از ٣٧٠ نفر نیروی انسانی شاغل است.

سوسنگرد، شهر مقاومت



مدتی بود که خبر درگیری در مرز ایران و عراق دهان به دهان می‌گشت. مردم روستاها و شهرهای نزدیک مرز، پیش از این هم خبرهای درگیری مرزی را شنیده یا دیده بودند. به همین دلیل بود که پس از مدتی همه سر و صداها برای‌شان عادی شد. ولی این پایان کار نبود و جنگ بی‌آنکه آنها باور کنند، روز به روز نزدیک‌تر می‌شد. علاوه بر درگیری‌های مرزی، خبرهای ناگواری هم از شهرهای جنوبی به گوش می‌رسید: پخش سلاح در میان مردم بمب‌گذاری، آتش زدن لوله‌های نفت و...درگیری در مرزها ادامه داشت. مرزداران، چشم به آن سوی سیم‌خاردارها دوخته بودند. آنها بارها به مسولین وقت خبر داده بودند که عراقی‌ها در آن سوی مرز دست به تحرک زده‌اند اما جوابی نیامد و یا سرپوش روی مساله گذاشتند. حدود ساعت ده صبح ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ به سرلشگر وفیق السامرایی - از فرماندهان ارشد عراقی - دستوری رسید. از او خواسته شد پیش از ساعت دوازده به مرکز اصلی فرماندهی جنگ برود.

راس ساعت دوازده - یک بعدازظهر به وقت ایران - ۱۹۲ هواپیمای جنگنده نیروی هوایی عراق به طرف اهداف خود در ایران پرواز کردند. در همین حال، صدام حسین وارد شد. او چفیه قرمزرنگ به سر داشت و یک نوار قشنگ به دور کمربسته بود. وزیر دفاع به صدام احترام گذاشت و گفت، سرور من، جوان‌ها بیست دقیقه پیش پرواز کردند. صدام در حالی که لبخند پیروزمندانه‌ای بر لب داشت، گفت: نیم ساعت دیگر کمر ایران را خواهیم شکست.»

رژیم بعث عراق، پیش از حمله به ایران، نام برخی از شهرهای خوزستان را به عربی تغییر داده بود. با این تدبیر می‌خواست مردم منطقه را با خود همسو کند. به این ترتیب، نام خرمشهر را «محمره»، آبادان را «عبادان» و سوسنگرد را به «خفاجیه» تغییر داده بود.

جبهه خوزستان به لحاظ شکل زمین و موقعیت به سه منطقه شمالی، میانی و جنوبی تقسیم شد. جبهه میانی خوزستان، منطقه عمومی دشت آزادگان بود، از بخشداری حمیدیه در ۲۵ کیلومتری شمال غربی اهواز شروع و به سمت غرب امتداد می‌یافت شهرستان سوسنگرد مرکز فرمانداری دشت از آزادگان و شهرهای بستان، هویزه و حمیدیه در این محدوده قرار دارند. مهم‌ترین جبهه منطقه، محور حلفابیه به سوی چزابه، بستان، سوسنگرد، حمیدیه و اهواز است. با حمله عراقی‌ها در ۳۱ شهریور، عناصر تیپ صد زرهی لشگر ۹۲ اهواز، مستقر در پاسگاه‌های صفریه و سوبله، نتوانستند حملات دشمن را دفع کنند و به ناچار به عقب رانده شدند. عراقی‌ها موفق شدند روی رودخانه کرخه و رسیم، پل شناور نصب کنند. به این ترتیب، بستان به طور کامل سقوط کرد، آنها با پیشروی در محور بستان-سوسنگرد، این شهر را از سمت غرب مورد تهدید قرار دادند. آنها با عبور از کرخه کور، به قصد حمیدیه و سوسنگرد، در دو ستون پیشروی کردند و روز هشتم مهر به حاشیه جنوبی حمیدیه و سوسنگرد رسیدند. در این زمان، عناصری از دشمن وارد سوسنگرد شدند و ویرانی و خرابکاری بسیار به جا گذاشتند.

زهرا جرفی آن روزها هشت ساله بود و چیزی از جنگ نمی‌دانست.

او روزی را که عراقی‌ها وارد شهر شد. خوب به یاد دارد: «یک روز صبح که از خواب بلند شدیم، دیدیم مردم گروه گروه در حال بیرون رفتن از شهر هستند. مدتی بعد، شهر خلوت شد. برخلاف انتظارمان، کمی بعد صدامیان با تصرف مناطق، به سوی سوسنگرد هجوم آوردند و وارد شهر شدند. آن روز، نظامیان عراقی به کسی رحم نکردند. غارت کردند، کشتند و مردم بی‌گناه را به اسارت بردند.»

«مهند» جزو اولین سربازان عراقی بود که پایش به آسفالت خیابان‌های سوسنگرد رسید. او در خاطرات خود، هنگامی که در اردوگاه اسرای عراقی در ایران به سر می‌برد، می‌نویسد: «در مدخل شهر، چند پاسدار را دیدم پاسداران با مشاهده ما به سرعت خودشان را در کوچه‌ای مخفی کردند. به سرعت نزد نیروها در آن طرف خیابان رفت. در همین حال از پنجره خانه‌ای نارنجکی به بیرون پرتاب شد. گروهبان سومی داشتیم به نام «عبدالامیر خشام» اهل ناصریه، رو کرد به من و گفت: بیا با هم برویم داخل خانه. داخل کوچه شدیم و با شکستن در به خانه رفتیم.

در یکی از اتاق‌ها، کنار پنجره، پیرمردی روی صندلی نشسته بود. یک پا هم نداشت. اولین چیزی که نظرم را به خود جلب کرد، شال سبز دور گردن پیرمرد بود. گروهبان عبدالامیر پس از من وارد اتاق شد. پیرمرد با چشمان باجذبه‌اش نگاهمان می‌کرد. گروهبان عبدالامیر جلوتر رفت و مقابل پیرمرد ایستاد.

پیرمرد یکریز نگاهش کرد. گروهبان کلاشینکف خود را بالا آورد. بعد دهانه لوله را روی سینه پیرمرد جا به جا کرد. لحظات به سختی سپری شد. ناگهان پنج یا شش گلوله از کلاشینکف گروهبان عبدالامیر در سینه پیرمرد نشست. از خانه خارج شدیم. هنوز نیمی از کوچه را طی نکرده بودیم که یکی از مدافعان شهر از پشت بام رو به روی کوچه نمایان شد. گروهبان عبدالامیر او را دید و خواست به طرف او شلیک کند. اما دیر شده بود و گلوله‌ای بر پیشانی او نشست. مغز گروهبان را دیدم که به در و دیوار و حتی لباس‌هایم پاشید.»

وقتی بار دوم عراقی‌ها به سوسنگرد حمله کردند. دکتر مصطفی چمران با شنیدن خبر احتمال سقوط شهر برآشفت. سوسنگرد اهمیت خاصی داشت و معبر حمیدیه-اهواز بود. چند روزی بود که عراقی‌ها، شهر را محاصره کرده بودند. روز ۲۶ آبان ۱۳۵۹، دکتر چمران که فرماندهی نیروهای چریکی نامنظم را بر عهده داشت، برای آزادی سوسنگرد حرکت کرد. او با خود این طور زمزمه می‌کرد: «هجوم برای آزاد کردن سوسنگرد، برای در هم شکستن کفر و ظلم و جهل، برای بیرون راندن ظلم صدام کثیف، برای نجات جان صدها نفر از بهترین دوستان محاصره شده، برای پاک کردن لکه ذلت از دامن خوزستان، برای شرف، برای افتخار، برای انقلاب و برای ایمان.» چمران شروع به سازماندهی نیروهایش کرد. گروه بختیاری، بیشترشان از صنایع دفاع بودند.

چمران آنها را از جنگ‌های کردستان می‌شناخت. گروه فداکاری که تجربه نبرد هم داشتند. چمران آنها را مسول جناح چپ کرد. آنها نود نفر بودند. گروه دوم متشکل از نیروهای بومی و محلی بود مسولیت آنها با محمد امین هادوی بود. آنها از طرف چمران ماموریت داشتند از کنار رودخانه کرخه،(کانال کم عمقی هم برای مخفی شدن داشت)، مسیر را پیموده و از شمال شرقی وارد سوسنگرد شوند. این گروه، موفق شد خود را زودتر از گروه‌های دیگر به شهر برساند. گروه دوم و سوم مستقیماً تحت فرماندهی مصطفی چمران بود. چمران قصد داشت با گروه خود، از میان دو گروه چپ و راست، به طور مستقیم به سوسنگرد وارد شود. دکتر چمران نیروهایش را تقسیم کرد.

چند نفر را سیصد متر جلوتر فرستاد. چند نفر از چپ و عده‌ای هم از راست حرکت کردند. «نیمی از راه ابوحمیظه به سوسنگرد را طی کرده بودیم. هر لحظه بر سرعت خود اضافه می‌کردیم. ناگهان متوجه تانکی شدم که از طرف شمال و زیر رودخانه کرخه، به سرعت به طرف ما می‌آمد.

به نیروهایم فرمان دادم که سنگر بگیرند. در همین حال، یکی از نیروها را با آر. پی. جی به شکار تانک فرستادم. به حرکت‌مان ادامه دادیم.

تقریباً به نزدیکی شهر رسیده بودیم. با دیدن درختان خارج از شهر، به پیروزی نزدیک می‌شدیم. ناگهان گرد و غبار زیادی از طرف شمال شرقی شهر بلند شد. از میان گرد و غبار، هیکل آهنین و غول پیکر تانک‌ها و ادوات زرهی دشمن نمایان شد. مسیر آنها دقیقاً به طرف ما بود. آنها به طرف ما می‌آمدند. در حالی که پشت سر تانک‌ها سربازان مسلح عراقی موضع گرفته و پیش می‌آمدند.

در همین حال فکری به خاطرم رسید، عملیات انتحاری. کاری که در لبنان هم زیاد انجام داده بودیم، تصمیم خود را گرفتم. با تغییر مسیر با سرعت به طرف سوسنگرد راه افتادم! «اکبر چهره قانی» دست مرا خواند و همراهم شد. کمی بعد، اسدالله عسگری هم به ما ملحق شد. سه نفری به طرف سوسنگرد حرکت کردیم و بقیه مردم به طرف مشرق.» اندکی بعد، عراقی‌ها سه نفر را دیدند که در مقابل‌شان، به طرف سوسنگرد می‌روند، حواس دشمن متوجه این گروه سه نفره شد. بقیه را رها کردند و هجوم خود را متوجه آنها کردند. نیت دکتر چمران برآورده شد.

«فاصله بین‌مان هر لحظه کمتر می‌شد. تا این که به نزدیکی جاده آسفالت سوسنگرد رسیدیم، اوضاع وخیم‌تر می‌شد. دنبال سنگر امنی می‌گشتیم تا آن‌جا کمین کنیم، فرصتی نبود. مجبور شدیم خودم را پشت تل خاکی به ارتفاع ۵۰ سانتی‌متر بیندازیم. اکبر طرف چپم و عسگری هم در طرف راستم، روی زمین دراز کشیدند. ناگهان چهار تانک و زرهپوش آمدند روی جاده سوسنگرد کماندوهای عراقی هم شروع به تیراندازی کردند و همزمان، از سه طرف ما را محاصره کردند. چپ و راست گروه سه نفره‌مان با فاصله ده متر کماندوها سنگر گرفتند و تیراندازی خود را آغاز کردند. اکبر در همان لحظات اول به آرزویش رسید. چرخیدم و به سرعت چپ و راستش را به رگبار بستم تا از نزدیک شدن آنها جلوگیری کنم.

با یک حرکت سریع، خودم را به طرف دیگر برجستگی انداختم بلافاصله عراقی‌ها دو طرف را به رگبار بستند. دشمن مجبور به عقب‌نشینی شد. یک آن احساس کردم که هدف تانکی قرار گرفته‌ام. نگاهی به تانک‌های پشت سر انداختم. یکی‌شان را دیدم که مرا نشانه گرفته. خود را به طرف دیگر سنگر پرت کردم. در همان لحظه گلوله توپ یا موشکی به جای قبلی‌ام خورد. آتش انفجار شدیدی بلند شد که تا حدود ده متری به آسمان شعله کشید. احساس درد کردم. نگاهی به پاهایم انداختم.

تکه‌ای آهن داغ و سنگین به پای چپم خورده بود و خون فواره زد بیرون. به سرعت، به طرف برجک تانک‌ها و نفربرها رگبار بستم. باور کردنی نبود. هر چهار تانک و نفربر از پیشانی جاده پایین رفتند و از صحنه نبرد گریختند. داشتم با گروهی از عراقی‌ها، در سمت راستم می‌جنگیدم، ناگهان متوجه عراقی‌ها سمت چپ شدم که به نزدیکی‌ام رسیده و مرا نشانه گرفته بودند. به طرف آنها رگبار بستم. در همین حال و برای بار دوم زخمی شدم و باز هم پای چپم گلوله‌ای از پایین ران وارد پایم شده و از بالا خارج شده بود.»

نبرد به اوج خود رسیده بود. رگبار گلوله‌ها به طرف چمران می‌بارید. چریک پیر به سرعت می‌غلتید، می‌خزید و از نقطه‌ای به نقطه دیگر می‌رفت و با رگبار تعدادی را زمین می‌انداخت. به قول خودش؛ رقصی چنین میانه می‌دانم آرزوست. چمران در حین جنگ تن به تن، با پای مجروح خود چنین راز و نیاز می‌کرد: «ای پای عزیز، ای که همه عمر وزن من را تحمل کرده‌ای و از کوه‌ها، بیابان‌ها و راه‌های دور گذرانده‌ای... اکنون که ساعت آخر من است، از تو می‌خواهم که با جراحت و درد مدارا کنی و مثل همیشه، چابک و توانا باشی و مرا در صحنه نبرد، ذلیل و خوار نکنی...» به راستی که همین شد و پای مصطفی، او را تنها نگذاشت: «همچنان در مقابل رگبار گلوله‌ها جا به جا می‌شدم.

در همین حال، از پشت برجستگی تل خاک که جایگاه مطمئنی برایم شده بود متوجه سمت چپ شدم، در فاصله ده متری‌ام، چند نفر زانو زده و به طرفم نشانه گرفته بودند. لباس نظامی تن‌شان نشان از نیروهای مخصوص داشت. به سرعت روی زمین خوابیدم و با یک رگبار، آنها را بر زمین غلتاندم. ناگهان یکی‌شان فریاد زد: یا اخی، آن چند عراقی لاتضرب... گول حرفش را نخوردم ناسلامتی بیش از ۵۰ سال داشتم. بنابراین، با یک رگبار جانانه دعوتش را لبیک گفتم. سرانجام فرمانده عراقی‌ها، دستور عقب‌نشینی صادر کرد.

نیروهای عراقی بیش از حد معطل شده بودند و نمی‌توانستند بیش از این معطل شوند.» مصطفی در کمال غرور، مشاهده کرد که عراقی‌ها با تمام امکانات از دو طرف شروع به حرکت کردند. آنها به طرف جنوب می‌رفتند.

آخرین کامیونی که می‌خواست رد بشود. حدود ده پانزده سرباز به همراه داشت. ده متر با مصطفی فاصله داشت.

فکری مثل برق از سر او گذشت، رگباری به طرف آنها بست و سربازها پیاده شدند و پا به فرار گذاشتند. حدود نیم ساعت بعد، دیگر کسی آن جا نبود.

«صدای دور شدن و همهمه آنها را می‌شنیدم ولی باز هم تأمل کردم. باید مطمئن می‌شدم کسی آن جا نیست. به یاد دوستانم بودم. به طرف اکبر رفتم اما می‌دانستم که ... صدایش کردم ولی جوابی نشنیدم. غم سنگینی بر سینه‌ام نشست. سینه‌خیز به طرف عسگری رفتم. صدایش کردم. باور کردنی نبود. عسگری زنده بود و جوابم را داد. او زیر بوته‌ها پنهان شده بود و عراقی‌ها در تمام مدت متوجه او نشدند.

به عسگری گفتم به طرف اکبر برود. ناگهان صدای ناله او بلند شد و بر سر و روی خود زد. عسگری با دیدن پای مجروح و خونین من بی‌تاب شد. به او گفتم که آرام باشد و به طرف تانکی که لوله‌اش پیدا بود، برود، از زیر تونل جاده و سینه‌خیز. بعد به عسگری گفتم ماشین عراقی را آماده کند تا به بیمارستان برویم...» ساعت ۱۲ بود و گروه‌های دیگر برای آزاد سازی سوسنگرد به آن طرف می‌رفتند. دکتر چمران با عسگری و کاویانی سوار کامیون عراقی شدند و به طرف اهواز حرکت کردند.

در میانه راه ابوحمیظه، تیمساز فلاحی آنها را دید. او از دیدن کامیون مهمات عراقی تعجب کرد. بعد چمران را بوسید و گفت از دوستان چمران شنیده که مجروح و اسیر عراقی‌ها شده است. تیمسار فلاحی به چمران گفت که از خدا خواسته، جسد او را به عراقی‌ها برساند ولی اسیر عراقی‌ها نشود.

چمران اعتقاد داشت آزادسازی سوسنگرد، نتیجه همکاری و هماهنگی نزدیک بین ارتش، سپاه و نیروهای چریک می‌باشد. وحدت بین ارتش و مردم، کارایی هر کدام را چندین برابر کرد و تجربه‌ای جدید و موفق در تلفیق نیروهای مردم با ارتش کلاسیک دنیا بود.

به این ترتیب، در عاشورای سال ۱۳۵۹ برای دومین بار سوسنگرد از چنگ عراقی‌ها آزاد شد. رزمندگان ایرانی داخل شهر شدند و خود را به آنهایی که مقاومت می‌کردند رساندند. شور و شادی در همه جا برپا شد. آنها در مسجد جامع که مرکز دفاع از شهر بود، جمع شدند و به خوشحالی پرداختند. و اکنون، این شهر نشان از فداکاری‌ها دارد.

تانک‌هایی که در میدان شهر و نزدیک مسجد جامع به جا مانده، همه را به یاد آن روزها می‌اندازد روزهای سختی و مقاومت و غرور، مردم این شهر از آن روزها گفتنی‌های بسیار دارند. فقط باید از آنها بپرسید و آنها بگویند که بر شهرشان چه گذشت.

منبع: مجله یاد ماندگار

آبادان ؛ از حصر تا رهایی

بخش دوم و پایانی

اشاره: «**آبادان ؛ از حصر تا رهایی**» عنوان مقاله‌ای است که بخش اول آن در شماره قبلی درج شد. بخش دوم و پایانی این مقاله را می‌خوانیم.

***

البته، ما در طرح ریزی عملیات شکست حصر آبادان [با توجه به تعدد محورها] دو تلاش اصلی را در محور دارخوین و محور فیاضیه در نظر گرفتیم. محورهای دیگر مانند جبهۀ ایستگاه ۷، ایستگاه ۱۲ و جبهۀ جادۀ ماهشهر ـ آبادان در طرح مانور نقش فرعی و پشتیبانی داشتند. دلیل این امر شکل استقرار دشمن و هدف قاطع ما مبنی بر قطع عقبۀ نیروهای عراقی بود. برای این منظور حتی انهدام پلها را هم پیشنهاد کردیم؛ بنابراین، در جریان عملیات، نفربر بی ام پی که پر از مهمات بود، روی پل رفت و آن را منهدم کرد. همچنین، در جریان طرح ریزی عملیات، عده ی [از جمله سردار رشید] معتقد بودند که با توجه به فضای محدود مانور در محور دارخوین، به کارگیری نیروی وسیع امکانپذیر نیست، اما فیاضیه فضای مانور مناسبی دارد. در مقابل این نظریه، من معتقد بودم که جبهۀ دارخوین ویژگی های خاص خود را دارد. نخست اینکه عقبۀ جبهۀ به شهر اهواز متصل بود، در حالی که محور فیاضیه عقبۀ خوب و قابل اعتمادی برای تدارک نیروها نداشت، ضمن آنکه رساندن نیرو و امکانات به آبادان از جبهۀ فیاضیه مشکل بود. دلیل دوم را می توان وجود قوی ترین فرماندهی در محور دارخوین برشمرد، به ویژه این که یکبار نیز عملیات فرماندهی کل قوا را انجام داده بودند و تجربۀ خوبی داشتند. سومین دلیل این که بهترین شناسایی ها در محور دارخوین و به ویژه در نهر شادگان انجام شده بود. در جریان عملیات، حدود دو گردان ما از آنجا وارد عمل شدند و تا این نیروها به پشت نیروهای عراقی نرسیدند، خطوط آنها (عراقیها) در محور دارخوین سقوط نکرد. این در حالی بود که شناسایی های محور فیاضیه موفق نبودند و فقط یک تونل زیرزمینی در محور فیاضیه وجود داشت که یگانه امیدشان بود.

نکتۀ جدی دیگر این که دشمن راه ها را در محور فیاضیه بسته بود. در این محور، سه معبر مشخص شده بود، اما دشمن هوشیاری زیادی داشت به همین دلیل، نیروها طی عملیات هم نتوانستند خط را بشکنند. اگر در حال حاضر هم، بهترین طراحان نظامی بخواهند دربارۀ ثامن الائمه نظر دهند مطمئناً خواهند گفت بهترین کار این است که تلاش اصلی را در دارخوین و فیاضیه بگذارند و دو پل حفار و قصبه را هدف قرار دهند. به این ترتیب، این پرسش مطرح می شود که محورهای پشتیبانی مانند جبهۀ ایستگاه ۷ و ۱۲ و جبهۀ ماهشهر ـ آبادان چه نقشی در عملیات و چه تأثیری بر آن داشتند؟ در این ارتباط، باید گفت به دلیل آنکه در ایستگاه ۷، یک گردان زرهی ارتش با استعدادی در حد گروهان و با ۱۰ تا ۱۵ دستگاه تانک وجود داشت و به آن مأموریت داده بودند که به هنگام شکسته شدن خط به سوی جادۀ آبادان ـ اهواز بیایند و سپس به سمت پل حفار حرکت کنند؛ زیرا، یکی از لشکرهای ارتش عراق در غرب کارون مستقر بود؛ بنابراین، احتمال می دادیم آنان برای بازپس گیری منطقه به ما فشار بیاورند. بدین ترتیب، پل حفار یکی از اهداف اصلی بود؛ همین طور هم شد. حوالی صبح این تانک ها به فرماندهی سروان جوانی که نامش را به یاد ندارم، روی جاده آمدند و آرایش گرفتند. دشمن هنوز کمی مقاومت می کرد، اما به محض شلیک تانکها، نیروهای خودی روحیه گرفتند.

اما در مورد نقش محور ماهشهر قصد داشتیم دشمن را در همه جا درگیر کنیم. به نیروهای مزبور گفته بودیم شما مسئول بازکردن جادۀ آبادان ـ ماهشهر هستید. می خواستیم تمامی فرماندهان عراقی بگویند که به آنها حمله شده است و بدین ترتیب، با ایجاد رعب در تمامی جبهه ها، تصمیم گیری را برای مرکز فرماندهی عراق مشکل کنیم. همان طور که پیش از این هم گفته شد، استفاده از این محورها به دلیل وجود نیروهایی بود که در طول یکسال در این جبهه ها زحمت کشیده بودند.

*** چشم انداز نتیجۀ عملیات**

ناگفته نماند که در آستانۀ عملیات، نگرانی هایی وجود داشت. برای نمونه، در آخرین جلسه ای که با (شهید) کلاهدوز داشتم، به ایشان گفتم: با توکل بر خدا پیروز خواهیم شد و اجرای طرح مانور در عمل موفق خواهد بود. (شهید) کلاهدوز ـ که نگران به نظر می رسید، پرسید: چقدر به موفقیت اطمینان داری؟ گفتم: با توکل بر خدا، مطمئنم این عملیات با پیروزی به پایان خواهد رسید. دربارۀ موضوع فرماندهی و نحوۀ اداره عملیات هم باید گفت که زمان اجرای عملیات، از سپاه (شهید) کلاهدوز و از ارتش ظهیرنژاد به منطقه آمدند و قرارگاه خود را در منطقۀ شادگان زدند. البته، یگان ها هم مشخص شده بودند. دارخوین و فیاضیه به عنوان دو محور اصلی و ذوالفقاریه به عنوان محور پشتیبانی در نظر گرفته شد. محور دارخوین را شهید حسن باقری به عهده گرفت که یک تیپ از ارتش هم در این محور بود. مسئولیت محور فیاضیه را هم خودم به عهده گرفتم که از ارتش سرهنگ کهتری به آنجا آمدند، در محور ذوالفقاریه هم سردار رشید بود. البته، شاید کمی تعجب آور باشد، اما من صرفاً، برای حمایت معنوی و روحی به آنجا رفتم. در محور فیاضیه، روحیۀ نیروها نسبتاً پایین بود؛ زیرا عملیات گذشتۀ آنان با شکست روبرو شده بود و آنها در جو محاصره و کمبود نیرو و نرسیدن تجهیزات قرار داشتند. اما در محور دارخوین یک روحیه بشاش، امیدوار و مطمئن پای کار بود. در نتیجه، به این محور بیشتر اطمینان داشتیم... نگرانی من دربارۀ جبهۀ آبادان بود. به همین دلیل هم سه یا چهار روز پیش از عملیات به آنجا رفتم و مستقر شدم و جلساتی را با فرماندهان گروهان در هتل آبادان یا هتل خرمشهر برگزار کردیم. در سپاه آبادان نیز، دست کم دو جلسه، با بچه‌ها صحبت کردیم. در آن زمان، ورود یک فرد مسئول به آبادان در روحیۀ همه اثر می گذاشت.

جاسوسان در برابر نبرد بزرگ

SPIES AGAINST ARMAGEDDON

■ نوشته: دان راویو – یوسی ملمن ■ ترجمه: مرتضی میرمطهری | ۷۸

جسورانه‌ترین عملیات رئیس موساد همچنین نمونه‌ای بود از مهارت نیروی انسانی امنیتی که اسرائیل در این زمینه بسیار خوب بود. در این مورد خاص به جز شماره پلاک قابل چرخش برای انجام عملیات، از هیچ گونه ابزارهای تکنولوژیکی دیگر استفاده نشده بود.

بعداً از «هارل» انتقاد شد که افتخار ناشی از اجرای عملیات را برای خودش قاپیده است ـ به ویژه در کتاب پرفروشش «خانه‌ای در خیابان گاریبالدی». از جمله منتقدانش، اعضای جوخه آدم‌ربایی و مهمتر از همه آنها «زوی آهارونی»[42] بود که بعداً در کتابش تحت عنوان «عملیات آیشمن» مدعی شد که «هارلی» را مجبور کردند که دستور اجرای عملیات دستگیری «آیشمن» را صادر کند.

هریک از افرادی که در این بزهکاری شیرین‌کارانه مشارکت داشتند، ظاهراً در مورد اینکه چه کسانی نظرات خوبی ارائه کردند، چه افرادی نظراتشان بدبود، چه کسانی عملاً با «آیشمن» گلاویز شدند و بالاخره چه کسی او را وادار به اعتراف کرد، خاطرات خاص خودشان را داشتند.

«زوی مالکین» که بعداً به عنوان نقاش و نویسنده در روزنامه نیویورک تایمز کار کرد، در کتابش تحت عنوان «آیشمن در دستان من» روایت خودش را به رشته تحریر درآورد. او در کتابش نوشته است که درماه‌ها و سال‌های قبل از دستگیری «آیشمن» خطاهای تلخ و شیرین زیادی رخ داده بود.

بازیگر مهم آدم‌ربایی موساد که بعد از عضویت در پارلمان اسرائیل آدم پرچانه‌ای شده بود، از بازگو کردن اینکه چطورر روی آن جنایتکار جنگی پریده است لذت می‌برد. «یهودیت نیاهو» زن برجسته عضو تیم از جمله افراد معدودی بود که به تعهدش مبنی بر رازداری تا پایان عمر عمل کرد.

فقط باگذشت چند دهه جوخه مشترک موساد «شین‌بت» توضیح دادند که تا چه حد به دستگیری یک نازی بدنام دیگر «ژوزف منگل» دکتر اردوگاه مرگ نزدیک شده بودند.

«مالکین» در این باره می نویسد که او «آیشمن» را برای کسب اطلاعات تحت فشار قرار داده بود و از وی می پرسد: «بما بگو که دوستت «مَنْگل» کجاست. تو باید خبر داشته باشی که او کجا زندگی می کند. اما «آیشمن» ادعا می کند که چیزی نمی‌داند.

«مالکین» باید موضوع را به اطلاع «هارل» می‌رساند، لذا در این مورد به «هارل» می گوید: «من هر کاری از دستم برمی‌آمد انجام دادم. عقیده دارم که او (آیشمن) نمی‌داند «منگل» کجاست، یا اینکه او نمی‌خواهد چیزی به ما بگوید.» بنا به گفته «هارل» آن جنایتکار پزشکی جنگی به پاراگوئه و بعداً به برزیل رفته بود.

هرچند برخی از افراد قدیمی و کهنه‌کار موساد بعداً گله کردند که «هارل» سرنخ‌های مربوط به منگل» را جدی نگرفت. با این حال کوشش برای دستگیری او ادامه پیدا کرد. وقتی مقامات برزیلی در سال ۱۹۸۵، پس از سالها شایعه گزارش دادند که دکتر نازی در آب غرق شده است، موساد محرمانه یک آسیب‌شناس را برای بررسی اسکلت باقیمانده «منگل» اعزام کرد.

بررسی ها نشان داد که مردی که در صدر فهرست افرادی بود که موساد در پی شکار آنها بود برای همیشه از فهرست حذف شده است. این فهرست حاوی اسامی ۱۰ نازی بدنام دیگر نیز بود. در بین این افراد، موساد در پی یافتن «مارتین بورمن»[43] مشاور ارشد هیتلر و رئیس گشتاپو «هنریش مولر»[44] بود.

ادامه دارد

42- ZVI AHARONI
43- MARTIN BORMANN
44- HEINRICH MULLER

دکتر سید صادق خرازی در نقد سیاست های داخلی وخارجی ■ بخش اول

مدیریت نقش اساسی در هدایت منابع و راهبرد توسعه دارد

***اشاره :**

«متاسفانه این روزها شاهد فقر مدیریت در کشور هستیم.» این اظهارات دکتر سید صادق خرازی است؛ دیپلماتی که معتقد است حذف نیروهای لایق و کارآمد در عرصه های مختلف سخت افزاری و نرم افزاری فرصت های کلان و اساسی را از مردم ایران سلب کرده است. نماینده اسبق ایران در سازمان ملل متحد که منتقد سیاست های دولت در عرصه های اقتصادی و دیپلماسی است، می گوید: «با رویه ای که در پیش گرفته شده است نیروهای لایقی که می توانستند تعیین کننده باشند امروز خانه نشین شده اند. افرادی که حرفی برای گفتن داشتند دیگر در عرصه حضور ندارند؛ یا بالاجبار از بدنه اجرایی حذف و جذب بخش خصوصی خارج از کشور شده اند.» وی که تعبیر برگ ریزان نظام را برای دولت های نهم و دهم مناسب می داند، یادآوری می کند: «این دولت از همان آغاز کار موجب بروز مشکلاتی در کشور شد که در همان زمان هم بعضی از خردمندان و خیرخواهان کشور تذکر دادند اما کو گوش شنوا؟» متن گفتگوی سایت « دیپلماسی ایرانی » با دکتر خرازی در پی از نظر خوانندگان گرامی می گذرد.

***

*** مناسبات امروز نظام بین الملل برپایه مولفه هایی چون دیپلماسی اقتصادی قابل ارزیابی است. از دیدگاه جنابعالی ایران تا چه اندازه توانسته است از این اهرم برای برقراری و بهبود روابط با دیگر کشورها استفاده کند؟**

اقتصاد یک عامل و فاکتور بسیار مهم در فرآیند مناسبات خارجی و دیپلماسی و کسب منافع حداکثری کشورهاست. اما اینکه ما تا چه اندازه توانسته ایم از این اهرم در روابط مان با دیگر کشورها استفاده کنیم نکته بسیار مهم و ادعای گزاف و بزرگی است که نیاز به ارزیابی دارد. ما هنوز نمی توانیم مدعی باشیم که با دیپلماسی از زیان ها و بحران هایمان در روند تحریم ها جلوگیری کرده باشیم چه برسد به بهره گیری از فرصت های اقتصادی.

در سیاست خارجی بی تردید اقتصاد می تواند و باید در مقیاس کلان خود ،هم فرصت باشد و هم تهدید که متاسفانه در کشور ما اقتصاد جنبه تهدیدی خود را بیشتر اعمال می کند.

*** برخی بر این باور هستند که مشکلات اقتصادی که این روزها گریبانگیر کشور شده است ناشی از اعمال تحریم هاست. شما نیز این دیدگاه را قبول دارید؟ آیا سیاست های ما به گونه ای بوده است که بتوانیم با یک دیپلماسی اقتصادی قوی تحریم ها را خنثی کنیم؟**

پاسخ به این سوال صرف ، بحثی جامع تر از فرآیند دیپلماسی را به خود معطوف می سازد. ما باید بیش از پرداختن به موضوع دیپلماسی به ارزیابی منطقی از شیوه و نحوه مدیریت کلان کشور توجه داشته باشیم. یک مدیر شایسته می تواند سیاست بد را نیز به شکل در خور توجهی مدیریت کند. کشور ما این روزها گرفتار بحران مدیریت است و نمی تواند مدعی باشد که از ظرفیت ها و پتانسیل های خود به نحو مناسبی استفاده کرده است. ایران یک کشور با موقعیت ویژه اقتصادی است اما با تحقق آمال و آرزوهایش فاصله بسیاری دارد.

*** باید بیش از پرداختن به موضوع دیپلماسی، به ارزیابی منطقی از شیوه و نحوه مدیریت کلان کشور توجه داشته باشیم، چرا که یک مدیر شایسته می‌تواند سیاست بد را نیز به شکل درخور توجهی مدیریت کند**

*** شما به مشکلات مدیریتی کشور اشاره کردید. آیا این مشکلات صرفا در رابطه با موضوعات اقتصادی است یا مباحث دیگری را هم در بر می گیرد؟**

در هر کشوری مدیریت نقش اصلی و تعیین کننده ای هم در هدایت منابع و استراتژی توسعه و هم مدیریت بحران دارد. ایران کشوری است که طی سه، چهار دهه گذشته بحران های مختلفی را سپری کرده است. جنگ، تحریم، مقابله با محدودیت های بین المللی، استیلای استقلال ملت ایران در دوره انقلاب و قطع ید از نفوذ خارجی که در تمام این موارد توانست با یک مدیریت قابل قبول و منسجم بر بحران ها فائق آید و در تمام عرصه های صنعتی و اقتصادی از یک کشور صرف مصرف کننده در تکنولوژی به یک کشور تولید کننده در عرصه های «های تک» و «تک» تبدیل شود.

توفیقاتی که ملت ایران در طول ۳٤ سال گذشته به دست آورده است تنها با برخورداری از مدیریت منسجم به دست آمده است اما متاسفانه ما این روزها شاهد فقدان مدیریت صحیح در همه عرصه های ملی و بومی هستیم. حذف نیروهای لایق و کارآمد در عرصه های مختلف یکی از مهم ترین و تلخ ترین حوادث سیاسی معاصر است .

گام‌برداشتن درمسیر توسعه‌همه جانبه با فقدان آگاهی سخت افزاری و نرم افزاری به دست نمی آید و جمع بندی و نتیجه اش آن می شود که فرصت های کلان و اساسی از مردم ایران گرفته شود. در عرصه اقتصاد، فرهنگ، صنعت و دیپلماسی نیروهای لایقی که می توانستند تعیین کننده باشند امروز بالاجبار خانه نشین شده اند. نیروهای با کفایتی که کارنامه درخشان و آمیخته با توفیقات ارزشمندی را به همراه دارند و حرفی برای گفتن داشتند یا دیگر در عرصه حضور ندارند یا بالاجبار از بدنه مدیریت عالی اجرایی کشور حذف شده اند. پدیده فرار مغزها فرآیند تلخی است که به همه دست اندرکاران این هشدار را می دهد که بیشتر مراقبت کنند.

تذکرات تمام خردمندان و خیرخواهان نیز در همین رابطه بوده است. متاسفم که بگویم این پدیده حذف نیروی انسانی در دولت نهم و دهم تا از همان آغاز کار این دولت موجب بروز مشکلاتی کلان در کشور شد که در همان زمان هم بعضی از تذکرات جدی خردمندان و خیرخواهان کشور در همین راستا بود، تذکراتی که به دولت و شخص رئیس آن داده شد که بااین روش، برگ ریزان مدیریت در کشور را رقم می زنید

*** دولتی ها دست های پنهان را در ناکارآمد بودن سیاست هایشان تاثیرگذار می دانند. این دست های غیبی و پنهانی چیست و چرا فقط این دولت را شامل شده است؟**

این حرف ها دیگر خریدار ندارد. سیاست فرار به جلو است که بعد از هفت، هشت سال حضور در قدرت برای فرار از پاسخگویی مطرح می کنند. هر کاری شده است، نتیجه رفتار و سیاست های ایشان است. آنها هر کاری که خواسته اند کرده اند و انجام داده اند و پس از دخل و تصرف در همه امور حالا این حرف ها را می زنند. این غزل ها و شعرهایی که می خوانند ،خیلی شنونده ندارد.

*** بحثی وجود دارد مبنی بر اینکه در تعریف همان موضوع کارآمدی مدیریت که شما به آن اشاره کردید ما می توانستیم هم به غنی سازی ۲۰ درصد بپردازیم و هم با یک مدیریت اقتصادی مناسب از تاثیرگذاری تحریم ها جلوگیری کنیم.**

ما می توانستیم بهتر از وضعیت فعلی باشیم. من نمی توانم به شما بگویم که ما می توانستیم به غنی سازی ۲۰ درصد برسیم یا نه اما قطعاًمی توانستیم از تنش‌ها و تحریم‌ها بکاهیم. هرچند در دولت های پیشین از تحریم ها جلوگیری شد اما اینک خوب است بررسی شود چه عناصر و عواملی موجب شد که کشور گرفتار این وضعیت شود که با تغییر مدیریت دولت و اعمال سیاست ها و سلیقه ها شرایط این گونه شد.

گفتمان ها تغییر کرد. رفتارها و هنجارهای جدیدی جایگزین گفتمان تنش زدایی شد. به قول خودشان به گفتمان بازدارندگی تبدیل شد این در حالی است که گفتمان بازدارنده نیاز به یک عقبه و قدرت مضاعف داشت و دارد. ما از قدرت مضاعف برخورداریم اما به کار بردن قدرت مضاعف در استراتژی بازدارنده در حد و اندازه آقایانی که شعار می دادند نبود. به اعتقاد بنده ما می توانستیم بسیار بهتر از این عمل کنیم اما آقایان با این استراتژی اشتباه ،کار را به پیش بردند و وضعیت کشور را به اینجا کشاندند.

ادامه دارد

سیاست خارجی در دنیای پرتلاطم

دکتر سیدمحمد کاظم سجادپور

سیاست خارجی اوباما در دور دوم

سرانجام مبارزات انتخاباتی پرهیاهوی ایالات متحده به پایان رسید و اوباما با شکست رقیب جمهوریخواه خود، در کاخ سفید ماندنی شد. تداوم ریاست جمهوری اوباما و روند پر فراز و نشیب انتخابات، پرسش‌های گوناگونی را در مورد جهت و مدار حرکت اوباما در چهار سال آینده مطرح کرده که یکی از عمده‌ترین آنها این است که سیاست خارجی اوباما در دور دوم چگونه خواهد بود؟ در این نوشتار روشن خواهد شد که سیاست خارجی چهار سال آینده آمریکا در ترکیبی از روشنی و ابهام قرار دارد و لذا بخشی از آن را می‌توان با روشنی بیشتر در قالب تداوم چارچوب استراتژیک، تغییرات در تیم سیاست خارجی و تلاش برای به جا گذاشتن میراث مورد توجه قرارداد بخشی نیز مبهم بوده و ریشه ابهام، در پویایی در سطوح سیاستهای داخلی آمریکا و بازیگران عمده، سیاست‌های منطقه‌ای مخصوصاً در خاورمیانه و فعل و انفعالات نامشخص بین‌المللی قابل جستجو است.

روشن است که چارچوب‌های استراتژیک سیاست خارجی آمریکا در چهار سال آینده از تداوم برخوردار خواهد بود. دلیل این تداوم آن است که سیاست خارجی، مخصوصاً در بنیادهای آن، کم و بیش پدیده‌ای فرا جناحی، اجتماعی و فراگیر بین نخبگان سیاسی آمریکاست. به عبارتی، چندان تفاوتی در مسائل اصلی سیاست خارجی آمریکا وجود ندارند.

اسناد منتشر شده امنیت ملی در دوره‌های گوناگون، مخصوصاً سند استراتژی امنیت ملی دولت اوباما در ماه مه ۲۰۱۰، چارچوب اصلی تعیین‌کننده حرکت سیاست خارجی خواهد بود. افزون بر این، مناظره سوم بین میت رامنی و اوباما که به امور سیاست خارجی اختصاص یافت، نشان داد که تفاوت آشکار و برجسته‌ای در خطوط اصلی سیاست خارجی بین دو کاندیدا وجود نداشت.

گروه کارشناسان سیاست خارجی اوباما در حوزه‌های فکری و اجرایی نیز از دور دوم، کم و بیش ثابت خواهند بود. در سطح مسئولیت، البته تعدیلاتی صورت خواهد گرفت. این تعدیلات شامل کنار کشیدن هیلاری کلینتون، وزیر خارجه و جایگزینی وی خواهد بود. احتمال تعویض مشاور امنیت ملی نیز داده شده است.

محافل سیاسی آمریکا، از امکان انتصاب «سوزان رایس»، سفیر فعلی آمریکا در سازمان ملل متحد به عنوان وزیر خارجه یا سناتور «جان کری» در این سمت سخن می گویند. حتی صحبت از انتصاب «کالین پاول»، وزیر خارجه سیاهپوست جرج بوش برای این پست می‌شود که علیرغم تعلق به جناح محافظه‌کاران، از اوباما حمایت کرد. هر چه هست، تیم سیاست خارجی اوباما در دور دوم تعدیل‌هایی را شاهد خواهد بود.

روند حاکم بر زندگی سیاسی آن دسته از روسای جمهوری آمریکا که برای بار دوم برگزیده می‌شوند، آن بوده است که در دور دوم، پدیده میراث و یادگاری تاریخی، اهمیت زیادی دارد. رؤسای جمهور آمریکا دوست دارند با میراث شخصی در عرصه داخلی و خارجی شناخته شود. میراث داخلی اوباما در دور اول رقم خورد و آن طرح خدمات بهداشتی بود.

اگر میت رامنی به قدرت می‌رسید، این میراث اوباما از ماندگاری برخوردار نمی‌شد و حال در دور دوم، میراث خدمات بهداشتی پایدار خواهند ماند. اما آیا در حوزه بین‌المللی و سیاست خارجی اوباما درصدد بجای گذاشتن میراث خواهد بود؟ نمی‌توان با دقت به این پرسش پاسخ داد، ولی می‌توان مطمئن بود که اوباما به میراث خود در سیاست خارجی خواهد اندیشید.

اما دور دوم، از نظر سیاست خارجی با ابهام‌هایی نیز روبرو است. اینکه سرنوشت منازعه کاخ سفید و کنگره نهایتاً به کجا خواهد کشید، روشن نیست. همچنین شرایط سیاسی منطقه‌ای مخصوصاً در خاور میانه و به طور ویژه در بحران سوریه، سیّال و نامشخص است. در سطح جهانی نیز علیرغم ثبات نسبی، آسیب‌پذیری‌های فراوانی فراروی بازیگران است که همگی بر ابهام آینده سیاست خارجی آمریکا می‌افزایند.

اما در مجموع باید گفت سیاست خارجی دور دوم آمریکا، ادامه حرکت در دور اول همراه با تعدیلاتی در مسئولان اجرایی و تلاش برای نوشتن پاراگرافی از تاریخ روابط بین‌المللی در قالب میراث سیاست خارجی اوباما خواهد بود. اما راه اوباما در سیاست خارجی، همچنان پر چالش و پر ابهام است.

آمریکا، فوق سری

TOP SECRET AMERICA
THE RISE OF THE NEW AMERICAN SECURITY STATE

■ نوشته: دانا پریست – ویلیام.ام.آرکین ■ ترجمه: هرمز همایون‌پور | ۵۵

به داخل اتاق پستو مانندی رفتیم و جلو کامپیوتر او نشستیم. آن را روشن کرد و به دوربینی به اندازه یک توپ تنیس که در بالای مونیتورش نصب بود خیره شد. دوربین، چهره او را ضبط و عمق چشمانش را اسکن و تصویرش را به پایگاه داده‌های مرکزی منتقل کرد. بعد از تایید هویت، کامپیوتر اجازه دسترسی او را به سطوحی از پیش تعیین شده از اطلاعات طبقه‌بندی شده داد. لحظه‌ای بعد، او داخل اطلاعات بود.

آن چه می خواست به من نشان دهد چیزی بود که قاعدتاً مجاز به دیدن آن نبودم: جلدی از گزارش‌های اطلاعاتی که هر یک از آنها چنان حجیم بودند که او از فکر اینکه هرروز باید تمامی آنها را بخواند دیوانه می‌شد.

همین‌طور که صفحات الکترونیکی را یکی پس از دیگری ورق می‌زد، ده‌ها تصویر ظاهر می‌شد که هر یک از آنها نمایشگر تحلیل‌های وب‌سایتی مختلفی بود که سازمان‌های دولتی مختلف ارائه داده بودند. بسیاری از آنها موسسات نظامی بودند، چند تایی از سیا و بقیه به ترتیب حروف الفبا از سازمان‌هایی که او حتی آنها را نمی‌شناخت. پس از ۱۱ سپتامبر نهادهای دولتی همه ساله قریب ۵۰ هزار گزارش اطلاعاتی سریال[236] جداگانه تحت یک و نیم میلیون عنوان منتشر می‌کردند که معادل طبقه‌بندی شده روزنامه‌ها، مجلات و نشریات تخصصی محسوب می‌شد. بعضی از آنها روزانه بود، بعضی دیگر هفتگی، ماهانه یا سالانه.

ژنرال ارشد اطلاعاتی، وقتی فهرستی از چند تا از آن گزارش‌های دیجیتالی را تحت این عنوان‌ها به من نشان می‌داد، آشکارا عصبی بود: گزارش اطلاعات جهانی سیا، روی خط سیا، گزارش اطلاعاتی فوری، خلاصه روزانه اطلاعات، پیش‌بینی هفتگی اطلاعات، پیش‌بینی هفتگی هشدارها، ارزیابی‌های اطلاعاتی از تهدیدهای تروریستی[237] و غیره. او بعداً به in-box رفت و به گزارش‌های اطلاعاتی چاپی که همه روزه علاوه بر گزارش‌های الکترونیکی دریافت می‌کرد، اشاره کرد. In-box از بالا تا پایین لبریز بود. سپس پرحجم‌ترین گزارش را چرخاند ـ که ۵۰ صفحه بود با جلد گلاسه ـ و با ناراحتی آن را بست. «خدایا! چرا باید این همه قطور باشد؟ تهیه کردنش چه مدت طول کشیده است؟» بعد پوزخندی زد و با تمسخر گفت، بیشتر این اطلاعات وقتی به دست ما می‌رسد کهنه شده است. بخش زیادی از اطلاعاتی که زمانی باارزش بودند و برای جمع‌آوری آنها کُلی خرج شده است به سبب تأخیر در رسیدن به مقامات مربوط، اعتبار خود را از دست می‌دهند ـ حتی اگر مقامات مربوط بتوانند در زمانی مناسب آنها را از میان کوهی از کاغذ و میلیون‌ها کیلو بایت اطلاعات پیدا کنند و بخوانند.

ژنرال می گفت، واقعیت این است که این همه پرینت و پیام اینترنتی، به خودی خود ضدمولد است، چون حجم و طول و تفصیل گزارش ما و نیز گزارش‌های زائد چنان زیاد است که تصمیم گیران را وادار می کند اصولاً از خیر پرونده‌های الکترونیکی بگذرند.

مقامات ارشد، گیج و خسته، معمولاً ترجیح می دهند به آن‌چه دستیاران‌شان برای اطلاع آنها لازم می‌دانند گوش دهند؛ آن دستیاران نیز که در امواج گزارش‌ها و پیام‌های الکترونیکی غرق هستند، معمولاً فقط به تحلیل‌های مأموران خود بسنده می کنند و نظرهای منابع دیگر را نادیده می‌گیرند. بنابراین، هدف بعد از ۱۱ سپتامبر که با شکافتن دیوارها بتوان تحلیل‌هایی جامع در اختیار تصمیم‌گیران قرار داد، به صورتی که به راحتی بتوانند در ای‌میل‌هایشان به چنین تحلیل‌هایی دسترسی داشته باشند، عملاً منتفی شده است.

ادامه دارد

۲۳۶. گزارش‌های اطلاعاتی سریال، با گزارش‌های اطلاعاتی خام و گزارش‌های ویژه تفاوت دارد. اطلاعات خام را جمع‌آوری کنندگان آنها بلافاصله گزارش می‌دهند و مبنای گزارش‌های سریال (روزانه، هفتگی، ماهانه و غیره) نسبت به موضوع‌ها یا مکان‌های جغرافیایی قرار می‌گیرند. گزارش‌های اطلاعاتی ویژه، گزارش‌هایی هستند که بنا به تقاضا یا نیازهای موردی تهیه می‌شوند مثل تخمین‌های ملی اطلاعاتی (NIE) یا گزارش‌های ناظر بر موضوع‌های خاص. گزارش‌های سریال و ویژه هردو به عنوان گزارش‌های اطلاعاتی نهایی قلمداد می‌شوند و غالباً تحت عنوان FINTEL به آنها ارجاع داده می‌شود.

237. CIA World Intelligence Revicw,CIA Wire/Spot Intelligence Report,Daily Intelligence Summary, Weekly Intelligence Forecast,Ic Terrorist Treat Assessments.

در مراسم بهره‌برداری همزمان از ۲۸۰۷ فضای اداری، فرهنگی و ورزشی بیان شد

سرلشکر فیروزآبادی: اقدام نظامی آمریکا علیه ایران منتفی است

سرویس شهرستانها: ۲۸۰۷ فضای اداری، فرهنگی و ورزشی در سراسر کشور و در آستانه هفته بسیج در مراسمی با حضور سرلشکر حسن فیروزآبادی رئیس ستادکل نیروهای مسلح به صورت همزمان به بهره‌برداری رسید.

این فضاهای اداری، فرهنگی و ورزشی در مراسمی از طریق ویدئو کنفرانس از محل سپاه حضرت سیدالشهدا(ع) استان تهران در شهرری مورد بهره‌برداری قرار گرفت. در این مراسم ۴۲۷ سالن فرهنگی ـ ورزشی شامل سالن‌های ورزشی صالحین، ۲۸۳ حوزه مقاومت بسیج و ۲۱۹۷ پایگاه مقاومت بسیج افتتاح شد.

سردار سرلشکر سیدحسن فیروزآبادی در این ارتباط ویدئو کنفرانسی که در جریان آن ۵۱۵ پروژه عمرانی نیز در سپاه حضرت ابوالفضل(ع) لرستان برقرار شد، روند اجرای پروژه‌های عمرانی در سپاه لرستان را مطلوب ارزیابی کرد.

وی با تقدیر از فرماندهان سپاه حضرت ابوالفضل(ع) استان لرستان، اظهار داشت: لرستان با حرکتی جهادی در این زمینه توانسته که در میان تمام استان‌های کشور جلودار اجرا و ساخت پروژه‌های عمرانی باشد.

رئیس ستادکل نیروهای مسلح کشور با تاکید بر ضرورت الگو بودن سپاه در همه ابعاد، بیان داشت: روند اجرای این پروژه‌ها توسط سپاه لرستان با صرفه‌جویی در قیمت تمام شده می‌تواند الگویی برای دیگر دستگاه‌ها باشد.

در این آیین، رئیس ستادکل نیروهای مسلح گفت: از سوی آمریکا هیچگونه تهدید نظامی نشده‌ایم و استفاده آنها از پهپاد در منطقه آبی کشورمان یک کار آزمایشی بود.

به گزارش ایرنا، سرلشکر سید حسن فیروزآبادی افزود: آمریکایی‌ها با این آزمایش می‌خواستند، ببینند که ایران رادارهایی که بتواند اینگونه پهپادها را کنترل کند؛ دارد یا خیر؟ وی اضافه کرد: نیروهای جمهوری اسلامی با مشاهده این پهپاد آن‌را به رگبار بستند و به آنان تفهیم کردند که این قدرت را دارند.

سرلشکر فیروزآبادی گفت: آمریکا دیگر تهدید نظامی ندارد و امروز تهدید جنگ از ایران عبور کرده، اما رژیم صهیونیستی برای زنده نگه داشتن فضای جنگ طلبی تلاش می‌کند آمریکایی‌ها را به این صحنه بکشاند و آمریکا نیز جواب رد به آنها داده است.

وی خاطرنشان کرد: بنابراین جنگ نظامی در میان نیست و اینک مهمترین چیزی که آمریکایی‌ها بر ما تحمیل کردند تحریم‌های اقتصادی و جنگ نرم است.

رئیس ستادکل نیروهای مسلح با اشاره به اینکه تغییرات و ساماندهی انجام شده در بسیج و سپاه در تمام عرصه‌ها موفق بوده؛ تصریح کرد: ما با وجود قرارگاه «جرس»، آماده پاسخگویی به عملیات روانی و سایبری دشمن هستیم.

در این آیین رئیس سازمان بسیج مستضعفین گفت: توسعه زیرساخت‌های بسیج با عنایت ستادکل نیروهای مسلح و کمک دولت و مجلس در برنامه پنج‌ساله پنجم به طور جدی مورد توجه قرار گرفته است.

سردار محمدرضا نقدی افزود: با تصویب مقام معظم رهبری باب جدیدی در توسعه زیر ساخت‌های بسیج آغاز شده است که امروز شاهد بهره‌برداری بخشی از این زیر ساخت‌ها و طرح‌ها هستیم.

وی با اشاره به این که ساخت ۴۰۰ سالن ورزشی ۱۱۰۰ متر مربعی در برنامه پنج ساله به تصویب رسیده است؛ گفت: ۲۱۵ سالن ورزشی با پیشرفت فیزیکی ۴۲ درصد تا سوم خرداد سال آینده به بهره‌برداری خواهد رسید و امروز نیز شاهد افتتاح ۱۷ سالن ورزشی هستیم.

نقدی، ساخت ۳۵۰۰ سالن ۴۲۰ متر مربعی را از دیگر برنامه‌های حوزه بسیج محلات در برنامه پنجم توسعه ذکر کرد و گفت: در حال حاضر ساخت ۱۱۱۷ سالن در حال اجرا است که امروز ۳۶۲ سالن به بهره‌برداری رسید و بقیه نیز با پیشرفت فیزیکی ۴۳ درصد، سوم خرداد سال آینده افتتاح خواهد شد. وی با اشاره به این که برگزاری ۳۲ رزمایش استانی در سال جاری برنامه‌ریزی شده است، گفت: تاکنون ۱۴ رزمایش با موفقیت برگزار شده است و بقیه نیز تا پایان سال برگزار می‌شود.

تأکید مراجع عظام بر حفظ آمادگی بسیج برای مقابله با تهدیدها

سرویس شهرستانها ـ حضرت آیت‌الله العظمی ناصر مکارم شیرازی از مراجع عظام تقلید گفتند: بسیج پشتوانه عظیمی برای نظام جمهوری اسلامی و مانند خاری در چشم دشمنان است و دشمنان به اندازه‌ای که از بسیج هراس دارند، از چیز دیگر نمی‌ترسند.

این مرجع تقلید در دیدار رئیس سازمان بسیج مستضعفین با ایشان خاطرنشان کردند: ما در شرایطی قرار داریم که هر لحظه ممکن است دشمنان تصمیم جدیدی بگیرند، بنابراین بسیجیان باید در همه حال آمادگی خود را حفظ کنند.

ایشان ادامه دادند: هر چند جمهوری اسلامی به جایگاهی رسیده است که توان مقابله با هر اقدامی را دارد ولی در این شرایط، دیوانگی‌هایی ممکن است از طرف دشمنان ایجاد شود و ما نیز باید آمادگی خود را حفظ کنیم.

آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی خاطرنشان کردند: اگر ما ۲۰ میلیون بسیجی داشته باشیم حدود یک سوم جمعیت جامعه ما بسیجی خواهند بود و این بسیار مهم است.

معظم‌له ادامه دادند: امروز بسیج در سطوح مختلف اجتماع پخش شده و خدمات مناسبی را به نظام ارائه می‌دهد.

آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی خاطرنشان کردند: از آنجا که هر گوهر گرانبهایی ممکن است آسیب‌ها و خطراتی را در اطراف خود داشته باشد، ما نیز باید مراقب باشیم که افرادی به نام بسیجی در این تشکیلات نفوذ و اقدام به شبهه افکنی نکنند.

این مرجع تقلید با اشاره به برخی آسیب‌های احتمالی ادامه دادند: باید مراقب باشیم جوان بسیجی ما به خاطر بسیجی بودن دچار غرور نشود و فکر نکند نسبت به دیگران ممتاز است، یا فرد بسیجی در مساجد با افراد ریش سفید، ائمه جماعات، هیات امنا درگیر نشود.

ایشان خاطرنشان کردند: لازم است به بسیجیان آموزش داده شود که این آسیب‌ها دامن آنها را نگیرد.

آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی با اشاره به اینکه بسیجی باید خود را خادم نظام اسلامی بداند، گفتند: آسیب دیگری که ممکن است در بسیج باشد اینکه برخی روحیه بسیجی نداشته باشند، ولی به خاطر استفاده از برخی امتیازها، خود را به نام بسیجی وارد کنند و باید جلو این کار گرفته شود.

این مرجع تقلید یادآور شدند: امتیازاتی باید به بسیجیان داده شود ولی این امتیازها به گونه‌ای نباشد که برخی فقط به این گمان وارد شوند، بسیج باید بخش‌های آسیب شناسی هم داشته باشد.

وی برنامه‌های مختلف بسیج خصوصاً در بعد فرهنگی و تربیتی را بسیار مهم دانستند و ادامه دادند: در شرایطی که درهای فساد به روی جوانان باز شده و خطرات مختلفی این قشر را تهدید می‌کند، روی آوردن جوانان به بسیج باعث نجات و ایمن شدن آنها خواهد شد.

ایشان ادامه دادند: یک فرد بسیجی می‌تواند در محیط خانواده و محل کار و تحصیل تاثیر گذار باشد، تأثیرات بسیج هم برای فرد و هم برای کل جامعه بسیار مفید ارزشمند است.

تأکید آیت‌الله العظمی سبحانی بر تقویت کالاهای داخلی

حضرت آیت‌الله العظمی جعفر سبحانی از مراجع عظام تقلید با اشاره به اینکه بسیج باید درهای قاچاق را به روی کشور ببندد، گفتند: مسئولان و مردم باید با جلوگیری از واردات برخی کالاهای غیرضروری و تقویت کالای داخلی به رفع مشکل بیکاری کمک کنند.

این مرجع تقلید در دیدار سردار محمدرضا نقدی با ایشان، خاطرنشان کردند: مردم باید به مصرف کالاهای ضروری عادت کنند، متاسفانه در زندگی‌ها، کالاهایی جزو ضروریات شده است که تا سال‌های قبل مورد استفاده نبود.

ایشان ادامه دادند: بر اساس آیه ۴۱ سوره حج، هر حکومت اسلامی چهار مسئولیت دارد و چنانچه انقلاب اسلامی ما نیز به آن عمل کند، مشمول الطاف الهی خواهد شد.

آیت‌الله العظمی سبحانی برپا داشتن نماز و توجه جامعه به سوی معنویت، ارتباط با مستضعفین و محرومین، گسترش کارهای نیک و جلوگیری از منکرات از جمله این مسئولیت‌هاست.



معظم‌له خاطرنشان کردند: جامعه‌ای که خدا را فراموش کند، بدبختی آن را فرا می‌گیرد، لذا باید جامعه را به ذکر خدا توجه داد.

این مرجع تقلید، نقش بسیج را در ارتقای معنویت جامعه بسیار موثر دانستند و گفتند: بسیج نیرویی نامریی است که در عین بالاتر بودن از سایر نیروها، در گمنامی و بی نشانی به سر می‌برد.

وی آمادگی رزمی بسیجیان را ضروری دانستند و گفتند: رزمایش‌های بسیج نباید در هر حالتی فراموش شود، درست است که جنگ نظامی ما تمام شده ولی جنگ دشمنان در حوزه‌های مختلف ادامه دارد و باید آمادگی خود را حفظ کنیم.

سخنان آیت‌الله العظمی علوی گرگانی

آیت‌الله العظمی علوی گرگانی از مراجع تقلید در قم گفتند: بسیج چون پشتوانه مهمی برای انقلاب است به همین دلیل دشمنان برای ضربه زدن به آن، برنامه‌های زیادی دارند.

به گزارش ایرنا، این مرجع تقلید در دیدار سردار محمدرضا نقدی رئیس سازمان بسیج مستضعفین کشور با ایشان، خاطرنشان کردند: اگر خدای ناکرده بسیج تضعیف شود، نظام نیز با مشکل مواجه خواهد شد.

معظم‌له ادامه دادند: دشمنان قسم خورده انقلاب اسلامی، به هیچ منطق و قوانینی پایبند نبوده و دست به هر اقدامی می‌زنند، بنابراین بسیج سد محکمی در مقابل تهدیدات و توطئه‌های آنها است.

آیت‌الله العظمی علوی گرگانی خاطرنشان کردند: نظام ما فقط به بسیج رسالت دفاعی نداده بلکه این نهاد مقدس مانند خونی است که در رگ‌های نظام جریان دارد و در هر بخش و زمینه‌ای در جامعه، شاهد خدمات این نهاد هستیم.

ایشان ادامه دادند: بسیج در کشور ما نه فقط در عرصه دفاع از انقلاب و مقابله با دشمن پیشتاز بوده بلکه در عرصه‌های فرهنگی، اقتصادی و تربیتی نیز موفقیت‌های قابل توجهی داشته است، بنابراین باید بسیج را با تمام وجود حفظ و تقویت کنیم.

آیت‌الله العظمی علوی گرگانی افزودند: باید بسیج با تمام وجود تقویت شود و همه مردم و جوانان ما با روحیه بسیجی تلاش کنند که روی پای خود ایستاده و از دشمنان و بیگانگان انتظاری نداشته باشند.

ایشان یادآور شدند: باید جوانان بسیجی با معارف اسلامی و مباحث مهمی مانند «مساله ولایت فقیه» و «مرجعیت و ولایت» آشنا شوند، باید کلاس‌های معرفتی بیشتری با حضور اساتید برجسته حوزه برای این افراد برپا شود.

جنگ اقتصادی، آخرین حربه

رئیس سازمان بسیج مستضعفین همچنین در دیدار با مراجع عظام تقلید قم گفت: ۲۰۰هزار حلقه صالحین که متولیان اصلی آن روحانیت هستند، در سراسر کشور فعالیت می‌کنند که در هر کدام از این حلقه‌ها که در مساجد برگزار می‌شود، نوجوانان، جوانان و سایر قشرهای مردم در دایره فعالیت‌های تربیتی بسیج قرار می‌گیرند.

وی ادامه داد: آشنایی با احکام شرعی و احادیث و توجه به سیره شهدا از جمله فعالیت‌های انجام شده در این حلقه‌ها است و محور اصلی آن نیز مرور فرمایش‌های روز ولایت است.

سردار نقدی به برنامه‌های بسیج در ماه محرم اشاره کرد و گفت: سعی داریم به مبلغان و مداحان توصیه کنیم که در برنامه‌های این ماه مردم را به روی آوردن به اقتصاد مقاومتی، صرفه‌جویی و استفاده از کالاهای داخلی تشویق کنند.

وی در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به این که به تشکیل بسیج ۲۰ میلیونی نزدیک شده‌ایم، گفت: هم اکنون بیش از ۱۷ میلیون بسیجی سازماندهی شده و در آستانه تحقق تشکیل بسیج ۲۰ میلیونی هستیم.

سردار نقدی اضافه کرد: بسیج در عرصه‌های مختلف منشاء خدمات گسترده‌ای برای نظام بوده و این خدمات نیز هر روز از نظر کمی و کیفی رو به گسترش است.

وی ادامه داد: بیش از ۲۵۰۰ نفر از نیروهای بسیج در مناطق زلزله زده آذربایجان شرقی حضور پیدا کرده و خدمات خود را در عرصه‌های مهندسی، پزشکی و امدادی و غیره به مردم ارایه دادند.

نقدی تصریح کرد: بسیج ساخت ۱۷۰۰ واحد مسکونی را در این مناطق تقبل کرده که نیمی از آنها تکمیل شده است و بقیه به زودی به بهره برداری می‌رسد.

وی همچنین از ساخت ۷۰۰۰ واحد دامی در مناطق زلزله زده توسط بسیج خبر داد و گفت: تاکنون ۵۰۰۰ واحد آن تکمیل شده و ۲۰۰۰ واحد دیگر نیز در مدت کوتاهی افتتاح خواهد شد.

نقدی همچنین گفت: در سال جاری ۴۰۰ هزار نفر نیروی بسیجی در قالب اردوهای جهادی به مناطق محروم اعزام شده و تا پایان سال به دو میلیون نفر می‌رسد.

وی با اشاره به فعالیت بسیج در عرصه ورزش نیز گفت: هفته آینده ۴۷۰ سالن ورزشی که با همکاری بسیجیان و مردم در سراسر کشور ساخته شده افتتاح می‌شود.

نقدی همچنین از اعزام میلیون‌ها نفر به اردوهای راهیان نور اشاره کرد و گفت: این اردوها به دلیل انس با شهدا، تأثیرات زیادی از نظر فرهنگی و تربیتی روی نسل جوان دارد.

سردار نقدی همچنین در گردهمایی گردان‌های بسیج حوزه علمیه قم در سالن جلسات تیپ مستقل امام صادق(ع) گفت: تمام مؤلفه‌های امنیت و قدرت در جمهوری اسلامی ایران به سبب شرایط فشار و تحریم و تهدیدهای جدی دشمنان به شکوفایی رسیده است.

وی گفت: جهش استثنایی و بی‌نظیر کشورمان در عرصه‌های امنیتی، نظامی، سیاسی و علمی نتیجه تهدیدها و فشارهای دشمنان در ۳ دهه گذشته است.

وی اضافه کرد: قطعاً بسیاری از ظرفیت‌های نهفته در جامعه در شرایط تهدید و تحریم بروز و ظهور دارد و این قاعده‌ای است که بارها و بارها در ایران اسلامی تکرار شده و امروز کشورمان را در اوج قله‌های عزت و افتخار رسانده و با استقامت و پایداری نصرت الهی را نصیب ملت ما کرده است.

نقدی با بیان این که امروز دشمنان پس از شکست در تمام جبهه‌ها به جنگ اقتصادی با ایران اسلامی روی آورده‌اند، افزود: این آخرین حربه دشمنان برای مقابله با جمهوری اسلامی است و در این میان مردم و مسئولان به ویژه نیروهای بسیج باید تکلیف خود را به خوبی شناخته و به آن عمل کنند.

وی ضرورت مصرف کالاهای داخلی و سوق دادن سرمایه‌های سرگردان به سمت تولید و اشتغالزایی را مورد توجه قرار داد و گفت: هم‌اکنون حدود ۲۰ میلیارد دلار کالای قاچاق و ۶۴ میلیارد دلار کالا از مبادی رسمی وارد کشور می‌شود که با واردات ۵۰۰۰ دلار کالا یک شغل در کشور از بین می‌رود.

تأکید رئیس جمهوری پاکستان بر تلاش کشورها در مقابله با قاچاق موادمخدر

سرویس خبر: رئیس جمهوری اسلامی پاکستان دیروز در مراسم گشایش اجلاس وزرای منطقه‌ای مبارزه با مواد مخدر، از کشورهای منطقه به منظور مقابله با تهدید تولید و قاچاق موادمخدر بر اجرای راهکارهای اتخاذ شده مشترک تاکید کرد.

بر اساس بیانیه کاخ ریاست جمهوری پاکستان (ایوان صدر) در اسلام آباد, آصف علی زرداری در حضور وزرا، مقامات ارشد و کارشناسان مبارزه با مواد مخدر کشورهای حاضر در کنفرانس وزرای منطقه‌ای مبارزه با مواد مخدر افزود: کشورهای منطقه باید از زمان برای ارتباط با یکدیگر استفاده کرده و برای تصویب قوانین مشترک و ایجاد راهکارهای اساسی برای مقابله با تهدید و خطرات موادمخدر که امنیت و ثبات منطقه را تحت تاثیر قرار داده است، تلاش کنند.

رئیس جمهوری پاکستان اضافه کرد: مافیای مواد مخدر با سازمان‌های تروریستی و عناصر جنایتکار در ارتباط مستقیم بوده و ما باید از طریق تلاش‌های جمعی به این معضل پایان دهیم.

وی با هشدار جدی نسبت به پیچیده ترشدن معضلات تولید و قاچاق مواد مخدر در منطقه ادامه داد: ما (کشورهای منطقه) باید به جای انتظار در زمینه سرپرستی و هدایت دیگران در این مسیر، خود با تولید و قاچاق مواد مخدر مقابله کنیم.

آصف علی زرداری چالش مواد مخدر را فراتر از مرزهای ملی کشورها دانست و گفت: سوداگران مرگ هیچگاه به مرزهای سیاسی، جغرافیایی، اخلاقی و قانونی کشورها احترام نگذاشته اند.

وی هدف از برگزاری کنفرانس وزرای منطقه‌ای مبارزه با مواد مخدر را یافتن راه حل‌های منطقه‌ای برای مبارزه با چالش مواد مخدر بیان کرد و افزود: هیچ کشور یا سازمانی به تنهایی نمی‌تواند بر این چالش جهانی غلبه کند.

زرداری افزود: هرچند که جامعه بین المللی نسبت به مساله مواد مخدر حساس است، ولی ما باید به اندازه کافی نسل‌های آینده خود را در برابر تهدیدات مواد مخدر مطلع کنیم.

وی ادامه داد: جامعه بین‌المللی؛ ماده مخدر هروئین را به عنوان یک سلاح جنگی برای مبارزه با نظریه‌های تحت رقابت در منطقه ارائه کرده اما امروز این موضوع به یک مشکل جدی تری تبدیل شده به ویژه اینکه تجارت هروئین در طول دهه گذشته به طور پیوسته درحال افزایش است.

رئیس جمهوری پاکستان با اشاره به اقدام‌های انجام شده توسط دولت کشورش برای مبارزه با مواد مخدر، گفت: پاکستان تولید کننده مواد مخدر نیست، اما به کشوری به منظور ترانزیت مواد مخدر تبدیل شده که این موضوع جدی و بسیار پیچیده‌ای است.وی گفت: انجام برخی اقدام‌های جدی ازسوی کشورهای منطقه در جهت پایان تهدیدات قاچاق مواد مخدر ضروری است.

در این کنفرانس، وزرا و مقامات ارشد کشورهای ایران، افغانستان، جمهوری آذربایجان، چین، هند، قزاقستان، قرقیزستان، روسیه، تاجیکستان، ترکمنستان، ترکیه و ازبکستان حضور داشتند.

وزیر کشور ایران, سفیر تهران در اسلام آباد معاونان وزارت کشور و مسئولان مبارزه با موادمخدر به عنوان نمایندگان ایران در این نشست شرکت داشتند.

راه حل ریشه کنی معضل مواد مخدر

مصطفی محمد نجاردبیرکل ستاد مبارزه با مواد مخدرنیز گفت: کشورهای فرا منطقه‌ای که با شعار مقابله با تولید و قاچاق موادمخدر وسایر ناامنی‌ها وارد منطقه شدند، نه تنها هیچ کمکی به از بین رفتن معضل مواد مخدر نکردند بلکه با ورود آنان شاهد افزایش نا امنی‌ها و تولید مواد مخدر هستیم.

به گزارش روابط عمومی ستاد مبارزه با مواد مخدر؛ او افزود: همکاری کشورهای منطقه بهترین راه حل برای ریشه‌کنی معضل مواد مخدر است.

دبیرکل ستاد مبارزه با مواد مخدر با بیان این که کشورهای فرامنطقه‌ای و بیگانه قادر نیستند در رفع ناامنی‌ها و حل چالش تولید و قاچاق مواد مخدر اقدامی کنند، افزود: بهترین راه حل، همکاری موثر کشورهای منطقه در ریشه کن کردن این معضل جهانی است.

به گزارش روابط عمومی ستاد مبارزه با مواد مخدر، مصطفی محمد نجار با بیان این مطلب، با اشاره به ابتکار سه جانبه کشورهای ایران، پاکستان و افغانستان در راستای همکاری‌های مشترک به ویژه مشارکت در مقابله با تولید، عرضه و قاچاق مواد مخدر افزود: تاکنون نتایج بسیاری خوبی دراین همکاری‌ها داشته‌ایم و امیدواریم کشورهای منطقه نیز برای از بین بردن چالش مواد مخدر چنین همکاری با یکدیگر داشته باشند.

او درباره حضور کشورهای منطقه در اجلاس مبارزه با مواد مخدر پاکستان گفت: ما معتقدیم حضور کشورهای حاضر در این کنفرانس می‌تواند سطح همکاری‌های منطقه‌ای در مسیر مبارزه با تولید موادمخدر را بین کشورها ارتقا دهد و در کنترل این معضل اجتماعی و فرهنگی موثر باشد.

محمدنجار افزود: ایران و پاکستان، مصرانه علاقه‌مند به افزایش همکاری‌های دوجانبه هستند و بدون تردید دولتمردان و مسئولان دو کشور باید برای فراهم ساختن فضای توسعه و گسترش تعاملات، تلاش بیشتری انجام دهند.

وی همچنین، از تنظیم توافقنامه امنیتی بین تهران – اسلام آباد و مهیا بودن آن برای امضا از سوی مسئولان مربوطه ایران و پاکستان خبر داد و گفت: بحث و مذاکره درباره همکاری بیشتر بین ایران و پاکستان در جهت افزایش سطح امنیت در مناطق مرزی دو کشور، مبارزه موثر و انجام اقدام‌های امنیتی مشترک علیه اشرار و قاچاقچیان مواد مخدر، تلاش برای برداشتن گام‌های جدید برای توسعه مناسبات دو جانبه، از مواضع اصلی ایران در نشست با مقامات عالی رتبه دولت اسلام آباد است.

وزیر کشور در ادامه، منطقه‌ای بودن این کنفرانس و قرار گرفتن استراتژی مبارزه با مواد مخدر به‌عنوان موضوع اصلی این کنفرانس را، فرصتی مناسب برای دیدار با مقامات مبارزه با مواد مخدر دیگر کشورهای منطقه و انجام گفت وگوهای دوجانبه در این زمینه اعلام کرد.

همچنین رحمان ملک، وزیر کشور پاکستان گفت: همکاری‌های بسیار خوبی بین ایران و پاکستان وجود دارد و دو کشور برادر و همسایه سعی دارند با همکاری‌های دو جانبه برای برقراری صلح در منطقه تلاش کنند.

وی با قدردانی از تلاش‌های محمدنجار وزیر کشور و دبیرکل ستاد در جهت تقویت همکاری‌های دوجانبه بین دو کشور، افزود: دولت پاکستان نیز سرعت عمل بیشتری را در ارتقای روابط با جمهوری اسلامی ایران و تعمیق همکاری‌های دوجانبه با این کشور در دستور کار خود قرار داده است.در پایان این اجلاس پیش‌نویس توافقنامه‌ای در زمینه موارد امنیتی و مرزی پس از بررسی‌های لازم بین وزرای کشور ایران و پاکستان امضا شد.

شلیک موشک «هاگ» در رزمایش مدافعان آسمان ولایت

سرویس خبر: موشک ارتفاع متوسط «هاگ» همزمان با دومین روز از رزمایش مشترک مدافعان آسمان ولایت ـ ۴ با موفقیت شلیک شد.

در دومین روز رزمایش مشترک مدافعان آسمان (ولایت ـ ۴) موشک هاگ پس از شلیک به اهداف متحرک از پیش تعیین شده، موفق به رهگیری و انهدام آنان شد. سامانه موشکی هاگ پیش از انقلاب وارد ایران شده بود، اما این سامانه اکنون توسط متخصصان داخلی کاملاً بهینه‌سازی شده و بسیار متفاوت‌تر از نمونه اولیه آن است. این سامانه از نظر رهگیری و درگیری با اهداف پرنده از سامانه‌های بسیار پیشرفته موشکی به شمار می‌رود. در دومین روز از رزمایش مشترک مدافعان (ولایت ـ ۴) همچنین سامانه‌های توپخانه برد کوتاه صافات در مناطق مختلف عملیاتی این رزمایش مورد ارزیابی عملیاتی قرار گرفت و اهداف فرضی دشمن را با آتش باری سنگین مورد هدف قرار داد.

سخنگوی رزمایش مشترک مدافعان آسمان (ولایت ـ ۴) اعلام کرد: همزمان با دومین روز از برگزاری این رزمایش در پهنه وسیعی از خاک مقدس جمهوری اسلامی ایران، عملیات کشف، شناسایی و رهگیری هواپیماهای مهاجم دشمن فرضی یا نیروهای نارنجی با موفقیت انجام شد.

به گزارش ایرنا، امیر سرتیپ دوم ستاد شاهرخ شهرام دیروز در گفت و گو با خبرنگاران افزود: این اقدام به دنبال گزارش‌های منابع اطلاعاتی شبکه دیده بانی بصری قرارگاه پدافند هوایی خاتم الانبیاء(ص) ارتش و مراکز جمع آوری اطلاعات (فاشا) صورت گرفت.به گفته امیر سرتیپ شهرام، گزارش‌های این مراکز حاکی از آن بود که دشمن فرضی (نیروهای نارنجی) میزان تحرکات خود را در منطقه افزایش داده اند که به دنبال آن حالت آماده‌باش به تمامی یگانهای پدافند هوایی مستقر در منطقه رزمایش اعلام شد.

وی در ادامه انجام طرح های کمک رسانی، اعزام اکیپ های درمانی و اجرای اقدامات و طرح های تامینی در منطقه رزمایش را از بخش های اولیه آن برشمرد و تصریح کرد: در این مرحله طرح های عملیات روانی علیه نیروهای خودی یا آبی بر روی افکار عمومی مردم منطقه صورت گرفت.

امیر سرتیپ شهرام ادامه داد: در این مرحله از رزمایش نقض حریم هوایی کشور خودی یا نیروهای آبی از سوی هواپیماهای دشمن فرضی یا نارنجی انجام شد.

سخنگوی رزمایش بزرگ مدافعان آسمان (ولایت ـ ۴) اظهارداشت: شبکه یکپارچه پدافندهوایی تحت امر قرارگاه پدافند هوایی خاتم الانبیاء(ص) ارتش بلافاصله بعد از کشف و شناسایی هواپیماهای متجاوز توسط سامانه های اطلاعات و شناسایی و راداری، دستور پرواز هواپیماهای اسکرامبل را برای تعقیب و درگیری با این هواپیماها صادر کرد.

امیر سرتیپ شهرام افزود: هواپیماهای متجاوز که اقدام به ایجاد اختلال الکترونیکی بر روی سامانه های راداری نیروهای خودی کرده بودند با هوشیاری و آمادگی بالای شبکه یکپارچه پدافند هوایی و انواع سامانه های توپخانه ای و موشکی روبرو شدند و در رسیدن به اهداف خود ناکام ماندند.

نمایش توانمندی نیروهای مسلح در رزمایش

بیرجند ـ رئیس سازمان عقیدتی سیاسی قرارگاه پدافند هوایی خاتم‌الانبیاء ارتش جمهوری اسلامی ایران، گفت: رزمایش بزرگ و مشترک مدافعان آسمان (ولایت ـ ۴) نشان دهنده توانمندی نیروهای مسلح ایران است.

حجت‌الاسلام والمسلمین محمدعلی انصاری دوشنبه شب در جمع اعضای ستاد تبلیغات واطلاع‌رسانی رزمایش مشترک مدافعان آسمان اظهار داشت: برگزاری این رزمایش در گستره‌ای به وسعت ۸۵۰ هزار کیلومتر مربع که در حدود نیمی از کشور را در بر می‌گیرد در نوع خود بی‌نظیر است.

وی اظهار داشت: دفاع از آسمان یک کشور در مقایسه با دفاع از زمین و دریا یعنی کشف، رهگیری و انهدام یا در اختیار گرفتن هر پرنده متجاوزی کار بزرگی است که امروز نیروهای متخصص و متعهد ایرانی در قرارگاه پدافند هوایی به این توانمندی بزرگ دست یافته و در عرصه عمل نیز آن را به نمایش گذاشتند.

حجت‌الاسلام والمسلمین انصاری خاطرنشان کرد: برای برگزاری این رزمایش که استان‌های خراسان رضوی؛ خراسان شمالی، خراسان جنوبی، سیستان و بلوچستان، کرمان، هرمزگان و بخش‌هایی از استان‌های فارس و یزد را در بر می‌گیرد، تعاملات بسیار خوبی صورت گرفته است که در این رزمایش آن را مشاهده می‌کنیم.

رونمایی از جدیدترین سامانه‌های موشکی

فرمانده قرارگاه پدافند هوایی خاتم‌الانبیای ارتش جمهوری اسلامی ایران اعلام کرد: جدیدترین سامانه‌های موشکی ارتفاع متوسط در رزمایش مشترک و سراسری مدافعان آسمان (ولایت ـ ۴) رونمایی می‌شود.

امیر سرتیپ فرزاد اسماعیلی دیروز در گفت‌وگو با خبرنگاران افزود: سامانه موشکی یا زهرا (س)، صافات و قادر از جمله این سامانه‌های موشکی هستند که توسط متخصصان متعهد ایرانی طراحی و تولید شده و برای نخستین‌بار در این رزمایش به نمایش گذاشته می‌شود.

بازتاب خبر رزمایش در رسانه‌های روسیه

مسکو- رسانه‌های خبری روسیه در گزارش‌های جداگانه خود از رزمایش مشترک مدافعان آسمان (ولایت ـ ۴) با مشارکت یگان های ارتش و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نوشتند: جمهوری اسلامی ایران با این رزمایش بار دیگر توانمندی های خود در عرصه دفاع هوایی را به رخ جهانیان کشید.

به گزارش ایرنا، کانال دوم تلویزیون دولتی روسیه دیروز در گزارشی درباره رزمایش (ولایت ـ ۴) اعلام کرد: در این رزمایش، انواع تسلیحات پدافند هوایی، جنگنده های پیشرفته و ایستگاه‌های ردیابی هوایی متحرک و ثابت به‌کار گرفته می شود.

این منبع خبری روسی افزود: در این رزمایش گسترده ۸۰۰۰ نیروی نظامی ایران شرکت دارند.

در گزارش کانال دوم تلویزیون دولتی روسیه گفته شده است: رزمایش محدوده ای بسیار وسیع شامل حدود نصف مساحت ایران را در بر می گیرد و نیروهای نظامی ایران در جریان آن ده‌ها هدف هوایی فرضی را رهگیری می کنند.

در گزارش این رسانه روسی به نقل از کارشناسان گفته شد: رزمایش (ولایت ـ ۴) در پاسخ به تهدیدهای آمریکا علیه مراکز هسته ای ایران انجام می‌شود.

خبرگزاری روس بالت نیز در گزارشی درباره رزمایش مشترک مدافعان آسمان (ولایت ـ ۴) نوشت: ایران توانمندی‌های دفاع هوایی گسترده خود را در این رزمایش در معرض نمایش قرار می دهد.

این منبع خبری روسی نوشت: در این رزمایش گسترده که ۸۵۰ هزار کیلومتر مربع را در بر می گیرد، انواع سامانه های راداری، موشکی، توپخانه ای، انواع پهپادها، سامانه های شنود الکترونیک، جنگ الکترونیک و پست های دیده‌بانی تحت فرماندهی ،به‌کار گرفته می شود.روس بالت نوشت: در جریان این رزمایش ،نیروهای مسلح ایران تاکتیک های جنگی با توجه به تهدیدهای نظامی در مناطق مختلف جهان را تمرین می کنند.

خبرگزاری روسی در گزارش خود یادآور شد: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در ماه ژوییه نیز رزمایش گسترده ای را برگزار کرد که موفق بود و کارشناسان در آن زمان اعلام کردند تهران برای پاسخ کوبنده به اسرائیل آمادگی دارد.

روس بالت نوشت: رزمایش اصلی نیروهای مسلح ایران در صحرا و نه محدوده آبی برگزار شد و هدف آن اطمینان یافتن از توانمندی ایران برای هدف قرار دادن پایگاه‌های نظامی آمریکا در کشورهای عربی و نیز مراکز نظامی اسرائیل در صورت نیاز بود.

در این گزارش گفته شد: تحلیلگران نظامی بر این باور بودند که رزمایش یاد شده بسیار موفق بود و پنتاگون اعتراف کرد که ایران موشک های بالستیک برد کوتاه و بلند خود را تقویت کرده و موشک های ضدناو طراحی می کند و در حال حاضر نگرانی آمریکا محقق شده است.

خبرگزاری روس بالت در پایان گزارش خود نوشت: تهران در حال حاضر به طراحی و آزمایش موشک های بالستیکی (شهاب–۳) و (سجیل) می پردازد که می تواند با آن اهدافی را در فواصل دور هدف قرار دهد.

پایگاه اینترنتی روسی وستنیک قفقاز نیز با انتشار گزارشی، رزمایش (ولایت ـ ۴) را پوشش خبری داد که در آن به برگزاری رزمایش در هشت استان شرقی و مرکزی ایران اشاره شد.

در گزارش منبع روسی افزوده شده است: جنگنده های (میگ–۲۹) ، (سوخو) ، (اف–۱۴)، (اف–۷) ،(اف–۵) و (اف–۴) و هواپیماهای تجسسی ایران و سیستم های توپخانه ای و موشکی و ایستگاه‌های ردیابی هوایی و موشکی در این رزمایش در شرایط نزدیک به حالت جنگی شرکت می کنند.

در گزارش وستنیک قفقاز با اشاره به شرکت واحدهای نیروی هوایی ارتش و نیروهای سپاه پاسداران و بسیج مستضعفان در رزمایش (ولایت ـ ۴) گفته شده است: این رزمایش باید در ماه گذشته برگزار می شد، اما فرزاد اسماعیلی فرمانده قرارگاه خاتم الانبیاء یک هفته پیش تاریخ دقیق آن را اعلام کرد.

رادیو دولتی صدای روسیه هم در گزارش خود درباره رزمایش مدافعان آسمان (ولایت ـ ۴) گفت: رزمایش بسیار گسترده نیروهای پدافند هوایی ایران در شرق این کشور آغاز شد.

در این رزمایش انواع ایستگاه های ردیابی هوایی متحرک و ثابت و دوربرد و نیز سامانه های شنود الکترونیک و جنگ الکترونیک شرکت دارند.

در گزارش رادیوی روسی افزوده شده است: ایران با توجه به تهدیدها و اتهامات آمریکا و متحدانش علیه برنامه هسته ای این کشور در ماه‌های اخیر چند رزمایش بزرگ و موفق برگزار کرده است.

بازداشت چند متهم در پرونده ستار بهشتی

سرویس خبر: دادستان تهران با اعلام خبر بازداشت چند متهم در پرونده مرگ وبلاگ نویس ایرانی گفت: تا ۱۰ روز آینده تلاش می‌کنیم پرونده را به دادگاه ارائه کنیم.

به گزارش مهر، عباس جعفری دولت آبادی درباره پرونده ستار بهشتی، وبلاگ نویس ایرانی که مرگ مشکوکی داشته است، افزود: پرونده به سرعت در دادسرای جنایی تشکیل شد و تحقیقات مفصلی در این زمینه انجام شده است.

او ادامه داد: من هم شرح مفصل پرونده را در کمیسیون امنیت ملی تشریح کردم، ولی مردم مطمئن باشند که قوه قضائیه در این گونه پرونده‌ها اغماضی نمی‌کند، این‌که دادستانی در این‌باره دیر موضع گیری کرد دلیل آن رسیدن به حقایق بود.

دادستان تهران در مورد پرونده اخلال گران ارزی افزود: ۴۷ نفر در این زمینه دستگیر شده‌اند که سه نفر آنان ۱۰ روز قبل شناسایی و بازداشت شده‌اند.

جعفری دولت آبادی گفت: تحقیقات مبسوط ادامه دارد و بخشی از تحقیقات به دلیل بررسی حساب‌ها طول می‌کشد و امیدواریم هر چه زودتر این پرونده به دادگاه برود.

دادستان تهران همچنین از نهایی شدن ۲۰۰ پرونده زمین خواری خبر داد و افزود: در این پرونده‌ها ۷۰ کیفرخواست صادر شده و ۱۵ نفر راهی زندان شدند و ۱۳ میلیون مترمربع از زمین‌های تصرف شده رفع تصرف شد. وی در مورد آخرین وضع جاسوس آمریکایی نیز گفت: حکم این شخص توسط دیوان عالی نقض شده و پرونده دوباره در حال پیگیری است.

اخبار کوتاه

مترو بدون بودجه تعطیل می شود

بزرگترین متروها بدون بودجه پس از ۸ ماه از کار خواهند افتاد.

این مطلب را قلی ها مدیر عامل شرکت بهره برداری متروبه مهر اعلام کرد و ادامه داد: ما که ادعای مدیریت در کشور را نداریم و حق انتخاب را برای مردم می دانیم اما آنها که ادعای حاکمیت مدیریت بر جهان را دارند، بعید است این گونه ناپخته صحبت کنند.

او ادامه داد: این مدیران بدانند اگر روحیه جهادی مدیریت شهری پایتخت نبود امکان اداره مترو بدون پرداخت یک ریال یارانه دولتی پس از ۸ ماه وجود نداشت.

مراجعه ۴۳۲ هزار معتاد به مراکز ترک اعتیاد

معاون سازمان بهزیستی از فعالیت ۱۸۴۰ مرکز ترک اعتیاد در سراسر کشور خبر داد و افزود: ۴۳۲ هزار معتاد برای درمان به این مراکز مراجعه کرده اند.

فرید براتی سده در گفتگو با مهر توضیح داد: ۹٫۵ درصد معتادان را زنان تشکیل می دهند و ۱۷ کمپ ترک اعتیاد مخصوص زنان وجود دارد.

او درمورد کمپ های ویژه نوجوانان و جوانان هم گفت: به استان های مختلف اعلام شده است که در صورت نیاز و وجود متقاضی نسبت به راه اندازی این کمپها اقدام کنند اما در چند مرکزی ویژه نوجوانان هم مراجعه کنندگان افراد بالای ۱۸ سال هستند.

به گفته وی، به رغم کاهش سن اعتیاد در کشور، به دلایل مختلف نوجوانان کمتر به مراکز ترک اعتیاد مراجعه می کنند.

خط ارتباطی اطلاعات با مردم

۲۲۲۲۶۰۹۰

۲ تا ۷ بعدازظهر بجز پنجشنبه و تعطیلات

چند نکته در خور توجه خوانندگان گرامی

توجه خوانندگان محترم را در ارتباط با پیام‌های تلفنی به نکات زیر جلب می‌کنیم:
* موضوعات پیامها جنبه خصوصي، حقوقي و قضایی نداشته باشد.
* از تکرار یك پیام روی پیامگیر اکیداً خودداری بفرمایید.
* پیام‌ها مختصر و مفید، شمرده و دقیق باشد.
* چاپ پیامها بر اساس نوبت است

باتشکر- سرویس ارتباطات مردمی

ایمیل خط ارتباطی: ertebat@ettelaat.com

شدت عمل با رانندگان متخلف

از مأموران راهنمایی و رانندگی انتظار می‌رود برخوردهای شدیدتر قانونی با رانندگانی داشته باشند که بدون استفاده از چراغ راهنما به راست یا چپ می‌پیچند و یا موقع رانندگی با تلفن همراه صحبت می‌کنند.

علی از تهران

انتصاب مدیران جسور و پرقدرت!

جا دارد وزیران در انتخاب مدیران کل و میانی و آنان هم در انتصاب کارکنان زیر مجموعه‌هایشان، افرادی را انتخاب کنند که از جسارت و قدرت کافی برای تصمیم گیری برخوردار باشند. زیرا در این صورت بهتر و با سرعت بیشتری می‌توانند تصمیم بگیرند و مشکلات ارباب رجوع را حل کنند که نتیجه آن، عدم تشکیل صف‌های طولانی در برابر اتاق کارکنان ادارات برای حل مشکلاتی است که به بیش از چند دقیقه وقت، نیاز ندارد.

بندرانزلی ـ از مراجعان به ادارات

آگاه شدن حق مردم است

معلوم نیست برخی از افراد و از جمله نویسندگان روزنامه با طرح سؤال از رئیس جمهوری مخالفند، حال آن که این کار موجب می‌شود مردم به واقعیت‌ها پی ببرند و از حق‌شان که آگاه شدن از مسایل مهم مملکتی است، بهره‌مند شوند.

تلفن به خط ارتباطی

کلاس ششم دبستان بدون معلم است

علیرغم گذشت حدود ۲ ماه از سال جدید تحصیلی، کلاس ششم دبستان مبعث واقع در منطقه ۵ آموزش و پرورش تهران هنوز معلم ندارد.

از والدین دانش‌آموزان

تحریم‌ها فقط بهانه است

سال‌ها است که می‌شنویم کشورمان در ساخت خودرو و دارو و روغن‌نباتی و سایر مایحتاج مردم خودکفا شده است، اما این روزها به هر تولیدکننده و یا فروشنده‌ای که مراجعه می‌کنیم، دلیل کمبود و یا نایاب بودن آن‌ها را تحریم‌های اقتصادی می‌داند، که با این حساب چگونه می‌توان گفت که در تولید این محصولات خودکفا شده‌ایم؟ به عنوان مثال برای خرید یک نوع صابون که از ۴۰ سال قبل در ایران تولید می‌شود، به مغازه‌داری مراجعه کردم که گفت چون مواد اولیه آن وارداتی است و مشمول تحریم‌ها قرار گرفته است، فعلاً تولید و به بازار عرضه نمی‌شود! حال آن که اغلب چنین ادعاهایی نادرست است و به تحریم‌ها ربطی ندارد، بلکه غرض افزایش قیمت آن‌ها به بهانه تحریم‌های اقتصادی است!

مصرف کننده

پیشنهادی درباره حل مشکل مطالبات بازنشستگان

برای حل مشکل پرداخت مطالبات بازنشستگان به دولت پیشنهاد می‌شود معادل این مطالبات را سکه‌های پیش‌فروش شده مدت‌دار تعیین و به بازنشستگان واگذار کند و در پایان دوره به تسویه حساب با آنان بپردازد.

بازنشسته کشوری

مردم و مسئولان قدردان آثار باستانی باشند

از خواندن پیام عبور فاضلاب شهری کنگاور (استان کرمانشاه) از وسط محوطه معبد باستانی آناهیتا بسیار ناراحت شدم. به عنوان شهروندی که در شیراز زندگی می‌کند، متاسفانه شاهد کم توجهی مسئولان امر نسبت به حفظ و نگهداری آثار باستانی هستم و این در حالی است که مردم و مسئولان باید قدر آثار نیاکان‌مان را بیشتر بدانند و در جهت حراست از آن‌ها با تمامی امکانات بکوشند.

شیراز ـ تلفن به خط ارتباطی

شهرداری مشهد پاسخ دهد

ساکن یکی از کوچه‌های خیابان آیت‌الله عبادی مشهد مقدس هستم همسایه‌ام هنگام نوسازی منزلش به دلیل پیشروی غیر مجاز به سمت حریم کوچه و همچنین افزایش ارتفاع ساختمان، موجب کاهش نور و تاریک شدن خانه‌ام بخصوص در طبقه اول شده است و علیرغم ۲ بار پلمب منزل یادشده به دلیل تخلفات ساختمانی، عملیات احداث آن همچنان ادامه دارد. از شهرداری منطقه ۲ مشهد تقاضا می‌کنم اگر ایجاد مزاحمت برای همسایگان اقدام قانونی دارد، به آن عمل کند و در غیر این صورت پاسخ دهد که برای رفع چنین مزاحمت‌هایی، چرا قانونی در شهرداری تصویب نشده است؟

مشهد مقدس ـ خانم شهروند

تصحیح نام سراینده یک شعر کُردی

در مقاله خانم بیتا یاری تحت عنوان «از مشق نام لیلی» که در ضمیمه ادب و هنر روزنامه اطلاعات ۱۶ آبان ۹۱ چاپ شد، یک بیت شعر به زبان کُردی از «ملا پریشان دینوری» نقل شده بود که اگرچه آنمرحوم نیز از شاعران پرآوازه کُرد و دارای ساقی‌نامه معروفی به زبان کُردی است، اما باید تذکر داد که شعر یاد شده از سروده‌های حاج سیدیعقوب قمشه‌ای دیگر شاعر کُرد زبان است که برای اطلاع علاقه‌مندان، لازم دانستم تصحیح کنم.

کرمانشاه ـ سالاری

۲ سؤال مرتبط با یارانه‌های نقدی دولت

اولاً، چرا با توجه به تورم و افزایش قیمت‌ها مبلغ یارانه‌های نقدی دولت افزایش نمی‌یابد و ثانیاً چرا اول هر ماه پرداخت نمی‌شود؟

دزفول ـ محمدی

مشکلات روستای ما را حل کنند

روستای ما به نام «انارجرد» واقع در ۳۵ کیلومتری آشتیان (استان مرکزی)، فاقد جدول‌کشی معابر عمومی، فضای سبز و اسفالت کوچه‌ها است و از مسئولان استانداری تقاضای حل این مشکلات را داریم.

آشتیان ـ ابراهیم گُل

ضرورت تقویت ارزش پول ملی

به نظر من مشکلی به نام گرانی وجود ندارد، بلکه کاهش ارزش پول ملی سبب شده است گرانی‌ها به نظر برسند که راه‌حل آن هم اتخاذ تدابیری برای تقویت ارزش پول ملی است.

تلفن به خط ارتباطی

از طراح جدول‌ها سپاسگزارم

از زحمات طراح جدول‌های روزنامه اطلاعات که هر روز آن‌ها را در اختیار انبوه دوستداران جدول می‌گذارد، سپاسگزارم.

خانم خواننده روزنامه اطلاعات

سؤال از شعبه بیمه البرز

برای بیمه تکمیل درمان رانندگان تاکسی به شعبه رودسر شرکت بیمه البرز مراجعه کردیم که گفتند با حداقل ۵۰ متقاضی می‌توانید بیمه تکمیلی شوید. اما حالا که با هزار زحمت این کار را انجام داده‌ایم، وجود ۱۰۰ متقاضی را شرط بیمه تکمیلی اعلام کرده‌اند که معلوم نیست چرا به وعده اولیه خود عمل نمی‌کنند؟

رودسر ـ حسین رفعتی

پاسخ مسئولان

پاسخ کمیته امداد به یک شکوائیه

سلام

با احترام و آرزوی توفیق و روزافزون درخصوص مطلب منتشرشده مبنی بر اخراج بعلت از کارافتادگی آقای محسن فرجی از کارکنان این نهاد در مورخ ۹۱/۸/۲ در ستون خط ارتباطی با مردم، به استحضار می‌رساند نامبرده به علت سهل‌انگاری در انجام امور حراستی، امور محوله و ترک خدمت از کار اخراج گردیده و مطابق برگ تسویه‌حساب کلیه مطالبات خود را از کمیته امداد دریافت نموده و هیچگونه طلبی ندارد.

عباس دارائی ـ مدیر کل روابط‌عمومی و اطلاع‌رسانی

بقیه در صفحه ۹

اهدای کتاب به مدال آوران المپیک و پاراالمپیک

دو ناشر تهرانی ۱۱۵ هزار و ۵۰۰ جلد از کتاب‌هایشان را به ۷۵ نفر از مدال‌آوران المپیک، پاراالمپیک و مربیان آنها هدیه می کنند.

انتشارات تیمورزاده و نشر طبیب، اعلام کرده‌اند: از آنجا که قهرمانان المپیک و پاراالمپیک در مقطع حساسی که این کشور تحت فشارهای روانی بیگانگان و انحصارطلبان و قدرتمداران بین‌المللی قرار داشت، شادی و نشاط را به مردم دوست داشتنی ایران هدیه کردند، دوستشان داریم و امروز در روز «اهدای کتاب به آنان که دوستشان داریم» به هر یک از این عزیزان تعداد ۱۵۴۰ جلد کتاب ۱۴*۱۱۰ به نیت ۱۴ معصوم و مولا امیرالمومنین علی (ع) اهدا خواهیم کرد.

برگزاری ۶ دیدار در هفته ششم لیگ برتر والیبال

ششمین هفته لیگ برتر والیبال باشگاه های کشور، امروز با برگزاری شش دیدار پیگیری می‌شود و در مهمترین بازی‌ها ، تیم‌های مدعی سایپا البرز و پیشگامان کویر میزبان شهرداری ارومیه و کاله مازندران هستند.

لیگ برتر والیبال باشگاه های کشور در هفته ششم ، امروز در شش شهر برگزار می‌شود. خانه والیبال تهران از ساعت ۱۵:۳۰ میزبان دیدار دو تیم پیکان و جواهری گنبد است. پیکانی ها که دو هفته شکست را با پیروزی بر آلومینیوم در بندر عباس تا حدودی فراموش کرده‌اند، برای ماندن در کورس قهرمانی ، نیاز به پیروزی مقابل بازرگانی گنبد دارند.

اما از ساعت ۱۷ پنج مسابقه در شهرهای مختلف برگزار می‌شود. مهمترین دیدار این هفته به نبرد ستارگان کاله با تیم شگفتی ساز پیشگامان کویر یزد اختصاص دارد. نمایش خوب و هماهنگ، تیم پیشگامان شهر یزد را به دژ تسخیر ناپذیری برای تیم‌های مدعی تبدیل کرده است. شاگردان بهروز عطایی که تاکنون طعم شکست در فصل جاری لیگ برتر را نچشیده اند، برای حفظ صدرنشینی در جدول رده بندی به دنبال پیروزی در یزد هستند.

تیم والیبال سایپا در نخستین بازی خود در کرج ، میزبان نامداران شهرداری ارومیه است. هر دو تیم که در شمار مدعیان قهرمانی به حساب می آیند در شروع فصل امتیازهای زیادی را از دست دادند و به قولی ، جای باخت ندارند. باید دید انگیزه جوانان جویای نام سایپا بر تجربه و بازی هماهنگ تیم شهرداری ارومیه غلبه می کند یا اینکه بازی ترکیبی و سرعتی، شهرداری سایپا را در خانه به زانو در می‌آورد.

ایران ، قهرمان رقابتهای تکواندو کرواسی

دومین و آخرین روز از رقابتهای بین المللی تکواندو کرواسی با کسب سه مدال طلا و قهرمانی تیم اعزامی ایران در رده سنی نوجوانان همراه بود.

این رقابتها در رده A جهانی و با حضور ۱۳۵۰ تکواندوکا در چهار رده سنی از کشورهای مختلف در شهر زاگرب برگزار شد که تیم تکواندو کردان به عنوان نماینده کشورمان در دو رده سنی نوجوانان و نونهالان در این دوره از رقابتها حضور یافت و با کسب سه مدال طلا، یک نقره و یک برنز ، بالاتر از تیم های آلمان و صربستان موفق به کسب عنوان قهرمانی شد.

در دومین روز این مسابقات، پوریا عرفانیان دارنده مدال طلای قهرمانی جهان با شکست همه رقبای خود موفق به کسب مدال طلا شد.

حمیدرضا صدری و محمد هادی نوروزی به مدال های نقره و برنز دست یافتند. همچنین سینا میرزایی وسید شهاب حسینی موفق به کسب دو مدال طلا شدند.از سوی کمیته برگزاری رقابت ها ، مهدی بهادری به عنوان بهترین داور، پوریا عرفانیان به عنوان فنی ترین بازیکن وحسین علی نعیمی به عنوان بهترین مربی انتخاب و معرفی شدند.

۲۶ بازیکن در اردوی تیم ملی فوتبال نوجوانان

سرمربی تیم ملی فوتبال نوجوانان ۲۶ بازیکن را برای دور جدید تمرینات این تیم – که از ۲۶ تا ۲۸ آبان در مجموعه ورزشی شهید کاوه برگزارمی شود – به اردو دعوت کرد.

جاوید شاه حسینی، یوسف سیدی، سپهر ایزدی، علی آستانی، محسن محسن زاده، صادق پورقاسم (استان اردبیل)، آرمین سبحانی (کردستان)، سجاد بای، سجاد هادی فر، امید رضوی، حسین مهربان، محمدرضا کاوه، اشکان شرفی، علی نعمتی، مهدی یغمایی (خراسان رضوی)، مصطفی زکریا پور، سید مصطفی هاشمی، سید آرمین هاشمی، حسین شعبانی، اسماعیل باقری، حسین بابا گلی (مازندران)، علی نوری (تهران)، حافظ یعقوبی (گیلان)، حسین عبدالله زاده (خوزستان)، محمد عباسی، علیرضا اسدی (اصفهان) بازیکنان دعوت شده به این اردو هستند.

صدرنشینی ایران با یک تساوی مقابل ازبکستان؛ امروز

تیم ملی فوتبال ایران در پنجمین دیدار خود در انتخابی جام جهانی برزیل به مصاف تیمی می‌رود که تاکنون مقابلش شکست نخورده است.

تیم ملی فوتبال ایران در راه صعود به جام جهانی ۲۰۱۴ برزیل، امشب در تهران به دیدار ازبکستان می‌رود. با توجه به نتایج تیم ملی در بازی‌های گذشته در این رقابت‌ها، دیدار با ازبکستان ، کلید راهیابی ایران به جام جهانی فوتبال است.

ایران ، از چهار بازی گذشته در رقابت‌های انتخابی جام جهانی ۷ امتیاز کسب کرده تا به همراه کره جنوبی که با همین تعداد امتیاز در صدر گروه است، از شانس بسیار زیادی برای صعود به جام جهانی برخوردار باشد. اگر تیم ملی ایران مقابل ازبکستان در خانه پیروز شود، بدون شک و تردید ۹۰ درصد مسیر جام جهانی را طی کرده است. البته شکست احتمالی مقابل ازبک‌ها، امید ایران را برای راهیابی مستقیم به جام جهانی کم خواهد کرد.

نکته حائز اهمیت در این بازی، انگیزه بسیار بالای حریف تیم ملی ایران است. ازبک‌ها از چهار دیدار قبلی خود، موفق به کسب ۵ امتیاز شده‌اند و اگر در پنجمین دیدار خود مقابل ایران شکست بخورند، امید چندانی برای رسیدن به برزیل نخواهند داشت. بنابراین، حریف امشب ایران، فقط با هدف کسب امتیاز به تهران می‌آید و این امر، یقینا تاثیر به سزایی در سبک بازی این تیم فیزیکی و سختکوش خواهد داشت.

تیم ملی فوتبال ایران در چهار دیدار دور رفت با شانس و اقبال زیادی رو به رو شد. مهمترین اتفاق، پیروزی مقابل ازبکستان بود. البته مقابل کره جنوبی هم از اقبال بلندی برخوردار بودیم. دیرک دروازه ایران در ورزشگاه آزادی مقابل کره‌ای‌ها، سه بار لرزید، ولی قفل دروازه باز نشد تا سه امتیاز شیرین در کارنامه تیم ملی نقش ببندد. همین سه امتیاز، برگ برنده ایران مقابل ازبک‌هاست.

ایران، پس از پیروزی تاریخی مقابل کره جنوبی در تهران، اینبار با انگیزه و روحیه بالاتری نسبت به بازی رفت به مصاف ازبکستان می‌رود. برای ملی پوشان ایرانی، بازی کردن در حضور ۱۰۰ هزار تماشاگر، آن هم در حالی که یک ماه قبل مقابل همین تعداد تماشاگر، کره جنوبی را شکست داده اند و هفته پیش در ورزشگاه آزادی، تاجیکستان را با شش گل بدرقه کرده اند، لطف دیگری دارد.

البته نباید از این نکته غافل بود که شاید ناکامی تیم ملی جوانان ایران در راه رسیدن به جام جهانی و شکست تلخ و ناباورانه تیم ملی فوتسال مقابل کلمبیا و ناکام ماندن در رسیدن به مرحله یک چهارم نهایی جام جهانی ، بار دیگر هواداران فوتبال را از این رشته پرطرفدار ناامید کرده باشد، ولی نکته اینجاست که تیم ملی فوتبال ایران ، امید زیادی برای رسیدن به جام جهانی دارد و برای نیل به این هدف، به حمایت ۱۰۰ هزار تماشاگر پرشور در ورزشگاه آزادی ، نیاز مبرمی دارد.

تاریخچه بازی های دو تیم

ایران و ازبکستان تاکنون چهار مرتبه با یکدیگر دیدار کرده‌اند که سهم ایران از این تعداد، سه پیروزی و تساوی است. بهترین نتیجه ایران مقابل حریف به سال ۱۹۹۸ بازمی گردد. در آن دیدار که در بانکوک انجام شد، تیم ملی ایران با ۴ گل حریف را شکست داد. ایران اینبار باید به مصاف حریفی برود که تاکنون طعم تلخ شکست را مقابلش تجربه نکرده است. ایران تاکنون هفت بار دروازه ازبکستان را باز کرده است و ازبک‌ها فقط یک بار مقابل ایران به گل رسیده اند.

دیدار تیم های ملی ایران و ازبکستان، ساعت ۲۰ امروز در ورزشگاه آزادی تهران برگزار می‌شود. ایران با ۷ امتیاز در رده دوم گروه قرار دارد و ازبکستان با ۵ امتیاز در تعقیب اوست. در دیگر دیدار این گروه – در همین روز و همین ساعت – قطر و لبنان به مصاف هم می روند. کره جنوبی در این روز استراحت دارد.

اثبات لیاقت به جهانیان

سرمربی تیم ملی فوتبال ایران تاکید کرد که اگر بازیکنان، تمرکزشان را حفظ کنند، پیروزی بر ازبکستان مانند دیدار رفت شدنی است.

کارلوس کی‌روش در نشست خبری پیش از دیدار تیم ملی با ازبکستان درباره این بازی گفت: امیدوارم در این بازی عملکرد خوبی داشته باشیم و نتیجه لازم را کسب کنیم. تیم ما با انگیزه بالا و آمادگی کامل راهی این بازی می‌شود.

وی گفت: از قدرت ازبکستان مطلعیم و کاملا مهیای این بازی هستیم. هیچ شکی نیست که بازیکنان ما به نوع بازی ازبک‌ها عادت ندارند. سبک بازی ازبکستان، شبیه روس‌هاست. ازبکستان ، تیم خوبی است و احترام زیادی برایش قائلم. بازی رفت نشان داد که آنها در طول ۹۰ دقیقه قدرت خود را نشان می دهند، بنابراین باید در طول بازی، تمرکز بالایی داشته باشیم.

وی در پاسخ به این سوال که حضور پنج بازیکن اصلی ازبکستان که در دیدار رفت غایب بودند، چه تاثیری در بازی برگشت دارد، گفت: ما هم در بازی رفت ، سه بازیکن اصلی خود را یعنی دژاگه، قوچان‌نژاد و مسعود شجاعی در اختیار نداشتیم. ما ازبکستان را در خارج از خانه شکست داده‌ایم، پس اگر تمرکز داشته باشیم در خانه هم اینکار را انجام می دهیم.

خبرنگاری پرسید که آیا علی کریمی را روی نیمکت تیم ملی خواهد نشاند ، کی‌روش گفت: ما دو بازیکن مصدوم داریم و ۲۳ بازیکن آماده. نیمکت‌نشین‌های ما از بین ۲۳ بازیکن آماده انتخاب می‌شوند.

وی افزود: ما کاملا آماده هستیم که با حمایت تماشاگران ، برنده بازی باشیم. اطمینان می‌دهم که کل تیم ، انگیزه لازم را دارد که جنگجویانه بازی کند و به نتیجه لازم برسد.

او تصریح کرد: آنتونی سیموئز ، امروز نفر اول کادر فنی است، چون من به خاطر محرومیت نمی توانم روی نیمکت بنشینم و هیچ ارتباطی با نیمکت نخواهم داشت. امید نمازی و کاسپار در کنار سیموئز خواهند بود. متاسفانه داور در بازی با کره جنوبی با یک تصمیم اشتباه ، من را اخراج کرد و زمانی که فیلم این بازی را دیدیم ، متوجه شدیم که به هیچوجه اخراجم درست نبود. متاسفانه داور تصمیم غیر منصفانه گرفت.

سرمربی تیم ملی درباره حضور تماشاگران در ورزشگاه ، تاکید کرد: حضور تماشاگران در ورزشگاه ، بسیار مهم است. ما نه تنها در درون مستطیل سبز، بلکه بیرون از زمین هم باید خودمان را ثابت کنیم. ما در کشوری هستیم که استعداد فوتبال زیادی داشته و لیاقت حضور در جام جهانی را دارد. ما باید به کل جهان، مسئولان و حریفان ثابت کنیم که لیاقت آن را داریم. همین طور به هم گروه‌هایمان از ازبکستان، قطر، لبنان و کره جنوبی باید نشان دهیم که در بیرون از زمین هم متحد هستیم. بازیکنان باید در زمین نشان دهند که متحدند و برای موفقیت تیم تلاش می کنند. ما به حمایت تماشاگران نیاز داریم.

نگران ۱۰۰ هزار تماشاگر

سرمربی تیم ملی فوتبال ازبکستان که ظاهرا از حضور ۱۰۰ هزار تماشاگر در ورزشگاه آزادی نگران است، گفت: ما دیدیم، کره جنوبی برای بازی مقابل ۱۰۰ هزار تماشاگر چه شرایطی پیدا کرد؛ ولی ما آمده‌ایم، ایران را در تهران شکست دهیم.

میرجلال کاسیموف ، سرمربی تیم ملی فوتبال ازبکستان در نشست خبری پیش از بازی با ایران، افزود: بازی مهم و سختی برای هر دو تیم است، چون این بازی مشخص می کند که کدام یک از این دو تیم به عنوان تیم اول یا دوم و همین طور به عنوان تیم سوم یا چهارم در این گروه قرار می گیرند. بویژه برای ما سخت‌تر است ، چون باید در ورزشگاه بزرگ آزادی بازی کنیم. معمولا تماشاگران زیادی برای حمایت از تیم ایران به ورزشگاه می آیند. ۱۰۰ هزار تماشاگر در ورزشگاه حضور می‌یابند. ما از این بابت مشکلی نداریم و با وجود آنکه بازی در خانه ایران برگزار می‌شود، آمده‌ایم تا ثابت کنیم که جایگاه ازبکستان ، بالاتر از وضع فعلی در جدول است.

سرمربی ازبکستان در پاسخ به این سوال که با توجه به شکست خانگی در بازی رفت مقابل ایران آیا در بازی برگشت تاکتیک و شیوه فوتبال خود را تغییر می دهید؟ گفت: این اتفاقی است که برای هر تیمی رخ می دهد. زمانی که تیم فقط حمله کند ، ممکن است بازی را نبرد؛ مانند مسابقه رفت ایران و ازبکستان که در آن بازی، شانس‌های زیادی را از دست دادیم. اما ایران از تک موقعیت خود استفاده کرد. هرگز نمی پذیرم که ازبکستان ضعیف‌تر از ایران است.

وی افزود: با همه این احوال، بازی با ایران برای ما، یک ماموریت غیر ممکن نیست. ماموریت ما (غلبه بر ایران) در تهران ممکن است. ما تلاش‌مان را برای برد خواهیم کرد.

وی نسبت به اطلاعش از شرایط جوی امروز تهران که بارانی است، گفت: ما از وضع بارانی هوای تهران در روز مسابقه اطلاع داشتیم و کاملا آماده بازی در این شرایط هستیم.

آخرین تمرین ؛ زیر باران

آخرین تمرین تیم ملی فوتبال ایران ، پیش از دیدار با ازبکستان در چارچوب رقابت‌های مقدماتی جام جهانی فوتبال، عصر دیروز در زمین شماره دو ورزشگاه آزادی، زیر بارش باران برگزار شد.

ملی پوشان فوتبال ایران، دقایقی به صحبت‌های کارلوس کی‌روش گوش فرا دادند و پس از آن شروع به گرم کردن بدن‌های خود کردند. ۱۵ دقیقه ابتدایی تمرین تیم ملی فوتبال به گرم کردن بازیکنان و تمرین پاس‌های تک ضرب اختصاص یافت. از حاشیه‌های جالب این تمرین می توان به بارش باران اشاره کرد که این مساله نتوانست در تمرین ملی‌پوشان خللی وارد کند.هوای ورزشگاه آزادی ، هنگام تمرین تیم ملی ، خنک و مطبوع بود و ملی‌پوشان با طراوت و شادابی خاصی تمرین کردند.

تیم ملی فوتبال قرمز می‌پوشد

ایران در بازی امروز ، یکدست قرمز و ازبکستان، پیراهن و شورت ورزشی آبی می‌پوشد.

نشست هماهنگی دیدار ایران– ازبکستان درباره مسایلی همچون برگزاری بازی ، ساماندهی تماشاگران و حفظ نظم و امنیت ورزشگاه و اطراف ورزشگاه قبل و بعد از بازی، نقل و انتقال تیم ها به ورزشگاه و زمان حضور آنان به همراه تیم داوری و ناظران در ورزشگاه آزادی و بازگشت به هتل پس از پایان بازی، برگزاری کنفرانس مطبوعاتی بعد از بازی و دیگر مسایل مربوط به هر چه بهتر برگزار شدن بازی ایران و ازبکستان برگزار شد.

۳۰ دیدار دوستانه فوتبال در سر تاسر جهان ، امشب

۳۰ مسابقه فوتبال، امشب در سر تاسر جهان برگزار می شود؛ رقابت‌هایی که به مربیان اجازه می دهد، بدون فشار نتایج ، بازیکنان جدید خود را محک بزنند.

در رقابت‌های دوستانه امشب، برگزاری دیدارهایی کلاسیک نیز به چشم می‌خورد. بازی های ایتالیا – فرانسه و هلند – آلمان از جمله این رقابت‌ها هستند. همچنین می توان به دیدارهای دوستانه تیم های همسایه اشاره کرد، مانند دیدار چک – اسلواکی. دیدار دوستانه روسیه –آمریکا هم از جمله نادرترین رقابت‌ها در عرصه فوتبال است.

ایتالیا – فرانسه، ورزشگاه انیو تاردینی (پارما)

دو تیم ، شش سال پس از دوئل در دیدار پایانی جام جهانی ۲۰۰۶ آلمان در پارما به مصاف هم می‌روند. آنها این بازی دوستانه را فرصتی برای یافتن جایگاه‌شان در مسیر برزیل ۲۰۱۴ می‌دانند. جام جهانی ۲۰۱۰ آفریقای جنوبی برای هر یک از این دو تیم با سابقه ، تلخ و ناامید کننده بود.

چزاره پراندلی، سرمربی تیم ملی ایتالیا، جوانان بسیاری را وارد ترکیب آتزوری و شیوه بازی لاجوردی‌پوشان را تهاجمی‌تر از هر زمان دیگری کرده است. ایتالیا ، زیر نظر پراندلی ، پیشرفت زیادی داشته و در مکان پنجم رده بندی فدراسیون جهان فوتبال جای گرفته است.

فرانسه ، پس از جام جهانی نوزدهم هدایت «آبی ها» را دو بار پیاپی به دو قهرمان جام جهانی واگذار کرده است. «لوران بلان» و «دیدیه دشام» ماموریت داشته و دارند که فوتبال ملی فرانسه را از بحران بیرون ببرند.

«خروس‌ها» حتی در یافتن فردی که بازوبند کاپیتانی را به او بسپارند، به مشکل خورده‌اند. پراندلی در پارما، ماریو بالوتلی و استفان الشعراوی را در خط حمله به کار خواهد گرفت و آندره‌آ پیرلو را به تغذیه آنها خواهد گمارد. زوج بالوتلی – الشعراوی، نخستین بار در کنار هم قرار خواهند گرفت.

فرانسه، پس از تساوی پر سروصدای یک بر یک مقابل اسپانیا که به گفته دیدیه دشام، سرمربی خروس‌ها «نمایش قدرتمندانه‌ای از سوی شاگردانش بود»، باید همان عملکرد را در بازی مقابل ایتالیا تکرار کند تا آن نتیجه «تصادفی و گذرا» تلقی نشود.

هلند – آلمان

«میروسلاو کلوزه» سرماخورده و «مسوت اوزیل» آسیب دیده در بازی دوستانه ژرمن‌ها در هلند به میدان نمی روند. مردان «یوآخیم‌لوو» در نبود آنها می کوشند، به هماهنگی بیشتری برسند.

«لوئیس فان خال»، سرمربی تیم ملی هلند ترجیح داده است، که آمادگی کنونی را برای فراخوان بازیکنانش مدنظر قرار دهد و از همین رو «وزلی اسنایدر» را به تیم ملی دعوت نکرده است. فان‌خال در این باره، می گوید: کارگردان اینتر، پس از آسیب پایش هنوز آماده بازی نیست.

سوئد – انگلیس

جک ویلشر ، یک سال‌ونیم پس از آخرین بازی ملی، دوباره به خط میانی انگلیسی‌ها بازمی گردد و در استکهلم مقابل سوئد قرار می گیرد. ستاره ۲۰ ساله آرسنال به دلیل آسیب شدید زانویش ۱۷ بازی اخیر تیم ملی انگلیس را از دست داده است. اگر چه از بازگشت او به فوتبال فقط سه مسابقه می گذرد، با این حال «روی هاجسون» می‌خواهد هر چه زودتر ویلشر را در ترکیب مردانش ببیند.

مربی شیرها، «فریزرفاستر» ۲۰۱ سانتیمتری را پس از نمایش درخشانش در بازی سلتیک گلاسکو و بارسلونا به اردو فراخوانده و شاید او را درون دروازه تیمش قرار دهد. «رحیم استرلینگ»، پدیده ۱۷ ساله لیورپول هم از چهره‌های جدید در تیم ملی فوتبال انگلیس است.

پاناما – اسپانیا

از آنجا که «ویسنته دل‌بوسکه» قصد دارد به برخی از جوانانش همانند «مارتین مونتویا» (بارسلونا) یا «مارکل سوسائتا» (بیلبائو) میدان دهد، «فرناندو تورس»، «ژاوی هرناندس»، «جرارد پیکه»، «کارلس پویول»، «آلوارو آربلوآ» و «ژابی آلونسو» را با خود به پاناما نبرده است.

شیلی – صربستان

«سینیشا میهایلوویچ»، سرمربی تیم ملی فوتبال صربستان تصمیم دارد، «فیلیپ جورجویچ» را از باشگاه دسته دومی «نانت» فرانسه به میدان شیلی بفرستد و دوباره به او فرصت بدهد. بهترین گلزن لیگ دو فرانسه آخرین بار در نوامبر ۲۰۰۷ مقابل قزاقستان به اردوی صرب‌ها فرا خوانده شد ، ولی در آن بازی به میدان نرفت.

برزیل – کلمبیا

میزبان جام جهانی بیستم، کلمبیا را آزمون دیگری در راه آماده سازی خود قرار داده است. این بازی در نیویورک انجام می‌شود!

تهرانی‌ها در شبانه‌روز ۱۸ دقیقه مطالعه می کنند

سرویس سیاسی ـ اجتماعی: مطالعات نشان می‌دهد که تهرانی‌ها در شبانه‌روز فقط ۱۸ دقیقه مطالعه می کنند.

این مطلب را علی‌اکبر اشعری رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی دیروز در نشست خبری باغ کتاب تهران در پاسخ به پرسش خبرنگار اطلاعات اعلام کرد و توضیح داد: بیشتر تحقیقات در زمینه مطالعات و سرانه مطالعات تهرانی‌ها صورت گرفته است و از دیگر شهرستان‌ها آمار دقیقی در دست نیست؛ این سرانه ۱۸ دقیقه هم توسط وزارت ارشاد اعلام شد که البته در شاخصه‌ها و تعاریف مطالعه بین این نهاد و شورای عالی فرهنگی اختلاف‌هایی وجود دارد.

او ادامه داد: همچنین هنوز به صورت علمی تعریف دقیقی از مطالعه مشخص نشده است تا ببینیم که میزان سرانه مطالعه در تهران تغییر می کند یا خیر.

اشعری در پاسخ به پرسش دیگر خبرنگار ما مبنی بر حمایت از نویسندگان گفت: با بهره‌برداری از باغ کتاب تهران، این مرکز به محلی برای رونق کسب و کار نشر، ارتقای استاندارد توزیع کتاب و تعدیل کننده رابطه نشر و نیاز جامعه تبدیل می‌شود که این موارد به یقین باعث حمایت بیشتر از نویسندگان خواهد شد.

او ادامه داد: نظرات کارشناسی درباره کتاب باید تعیین تکلیف شود. سخنان وزیر آموزش و پرورش درباره نیاز نداشتن مدارس به کتابدار را شنیدم و بسیار متعجب شدم که این نتیجه از طریق کدام حوزه مطالعاتی اخذ شده است.

اشعری افزود: نمایشگاه کتاب تهران هم از آن جنس است و بحث‌های کارشناسی آن نباید با موضوعات دیگر مخلوط شود زیرا استدلال‌ها رنگ می‌بازد، اما من بر این باورم که فضای باغ کتاب حدود ۳۰ هزار مترمربع نمایشگاهی به علاوه سایر فضاهایی است که می‌توان در ایام نمایشگاه کتاب به وسیله چادرها در ۱۰ هزار متر مورد استفاده قرار گیرد اما معاون سابق فرهنگی وزیر ارشاد درباره برپایی نمایشگاه کتاب در باغ کتاب اعلام کرده بود براساس کارشناسی‌ها، این باغ فضایی کوچک است که تعجب می‌کنم ایشان از تصاویر هوایی چگونه به این نتیجه رسیدند.

رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی تأکید کرد: ما کشوری ثروتمند نیستیم که بخواهیم ۲۰۰ یا ۳۰۰ میلیارد تومان برای نمایشگاه کتاب هزینه کنیم و در سال هزینه‌ای برای نگهداری آن بدهیم زیرا باغ کتاب زمانی ساخته شد که احمدی‌نژاد شهردار بود و با این طرح موافقت کرد. او اینک در دولت است و قالیباف هم با این طرح موافق است، پس دو مدیر ارشد نظام در این موضوع اتفاق‌نظر دارند و چرا باید در روند استفاده از این مجموعه مشکل پیش بیاوریم؟

اشعری ادامه داد: رهبر معظم انقلاب به درستی به مشکل ترجمه اشاره فرمودند زیرا نسبت آثار ترجمه از فارسی به دیگر زبان‌ها در مقابل ترجمه آثار خارجی به فارسی نامتوازن است و براساس اعلام خانه کتاب، ۱۲هزار و ۴۶۲ کتاب را در سال ۹۰ از سایر زبان‌ها به فارسی ترجمه کرده‌ایم و در مقابل، ۲۳۵کتاب از فارسی به دیگر زبان‌ها ترجمه شده است.

او همچنین اظهار داشت: وضع خرید و فروش کتاب با توجه به متوسط شمارگان و تعداد عناوین، مشخص است اما باید چند اتفاق کنار هم روی دهد تا شاهد رونق اقتصادی باشیم، از جمله حضور در بازارهای جهانی کتاب و حل مشکل توزیع که در دسترس بودن کتاب را آسان می کند اما در موضوع معرفی کتاب، وزارت ارشاد باید مدیریت بهتری داشته باشد تا شاهد رونق اقتصادی باشیم.

اشعری با اشاره به این که پس از افتتاح باغ کتاب، در آینده شکل ظاهری فروشگاه‌های کتاب تغییر می کند ادامه داد: بر این اساس، خریداران کتاب علاوه بر کتاب‌های مدنظر، محصولات دیگری را هم در دسترس خواهند داشت که این به ارتقای اقتصاد نشر منجر می‌شود.

رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی درباره اثر تحریم‌های اروپا در حوزه فرهنگ هم توضیح داد: تحریم‌ها بی‌تأثیر نیست، البته دریافت من از ارتباط با ناشران خارجی این است که همه امور از تحریم‌ها تأثیر نمی گیرد که ما محدود شویم و بسیاری از ناشران، مستقل از حکومت‌هایشان کار می کنند و با ما داد و ستد دارند.

در ادامه این نشست، سید محمدهادی ایازی سخنگوی شهرداری تهران از برگزاری نمایشگاه کتاب ۹۲ در باغ تهران خبر داد و افزود: این نمایشگاه را در باغ کتاب و فضای پیرامونی‌اش که ۲۲هزار مترمربع است برگزار می‌کنیم و بر این اساس، از مجموعه‌های فرهنگی مجاور، در تپه‌های عباس‌آباد استفاده بهینه می‌شود.

او با اشاره به فعالیت‌های شهرداری در گسترش فرهنگ کتابخوانی ادامه داد: در تلاشیم که سه بازار کتاب در پایتخت راه‌اندازی کنیم؛ گذر فرهنگی پنج هزار مترمربعی هم برای این هدف درنظر گرفته‌ایم که در پیاده‌راه ۱۷ شهریور به بهره‌برداری می‌رسد.

ایازی افزود: همچنین عملیات اجرایی نمایشگاه دایمی کتاب روبه‌روی دانشگاه تهران شروع شده است که ۱۵۰۰ مترمربع فضای نمایشگاهی دارد و مدیریت این پروژه با مجموعه «همشهری» است.

به گفته معاون فرهنگی ـ اجتماعی شهرداری تهران، به زودی در خیابان کریم‌خان مجموعه‌ای فرهنگی با وسعت ۵۰۰۰ مترمربع در ضلع شمالی بوستان مریم برای فروش کتاب آغاز به کار می کند.

ایازی همچنین اعلام کرد: نمایشگاه یاد یار مهربان اواخر دی در باغ کتاب تهران گشایش می‌یابد.

امضای تفاهم‌نامه مهارت‌آموزی با ۷ کشور

معاون وزیر تعاون، کار و رفاه با اعلام حمایت از ایجاد آموزشگاه های فنی و حرفه ای آزاد در خارج کشور گفت: با ۷ کشور قرارداد همکاری در زمینه مهارت آموزی منعقد شده است .

کوروش پرند در گفتگو با مهر با اعلام اینکه آموزشگاه‌های آزاد فنی و حرفه ای باید از پرداخت مالیات معاف شوند، گفت: طبق ماده ۱۳۴ قانون مالیات های مستقیم، تمامی دستگاه های آموزشی از مالیات معاف هستند؛ بنابراین آموزشگاه های آزاد فنی و حرفه‌ای هم باید بتوانند از این شرایط بهره مند شوند.

وی اظهار داشت: علاوه بر موضوع مربوط به مالیات آموزشگاه های آزاد، عوارض شهرداری از دیگر مشکلات این آموزشگاه ها است که ما خواستار اعمال معافیت پرداخت عوارض برای آموزشگاه های فنی و حرفه ای آزاد هستیم.

نامبرده خاطر نشان کرد: علاوه بر مالیات و عوارض شهرداری، اجرای طرح بیمه مدیران و موسسان آموزشگاه‌های آزاد فنی و حرفه ای هم دنبال می شود.

معاون وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی بیان داشت: برای جلوگیری از موازی کاری در امر آموزش مهارت نیروی کار در کشور، تمامی کارها باید در دست متولی اصلی آن یعنی سازمان فنی و حرفه ای کشور و آموزشگاه‌های آزاد قرار گیرد.

وی اظهار امیدواری کرد: طرح ارائه تسهیلات تبدیل مکان های استیجاری آموزشگاه های آزاد فنی و حرفه ای به ملکی که تاکنون ۲ بار اصلاح و به دبیرخانه هیات دولت ارسال شده است، بزودی تعیین تکلیف شود.

رئیس سازمان آموزش فنی و حرفه ای کشور، تصریح کرد: در حال حاضر ۹ هزار و ۵۵۰ آموزشگاه آزاد فنی و حرفه ای در کشور به امر مهارت آموزی می پردازند که ۸ هزار و ۳۷۴ آموزشگاه در زمینه خدمات، ۹۱۸ آموزشگاه در صنعت و ۲۵۸ آموزشگاه در زمینه کشاورزی فعال است.

گرامیداشت حماسه شکست حصر سوسنگرد در باغ موزه دفاع مقدس

سرویس سیاسی – اجتماعی: کتاب خاطرات رئیس ستاد کل نیروهای مسلح از سوسنگرد، فعالیت‌های دفاع مقدس و تبیین نقش مقام معظم رهبری در ابعاد فرهنگی، فرماندهی و راهبردی ایشان رونمایی می شود.

سردار داود غیاثی‌راد دبیر ستاد سی و دومین سالگرد گرامیداشت حماسه شکست حصر سوسنگرد، با اعلام این خبر، گفت: ۲۶ آبان ۱۳۵۹ که عملیات شکست حصر سوسنگرد انجام شد مقارن با عاشورای حسینی بود و حضرت امام خامنه‌ای در خط مقدم عملیات شکست حصر سوسنگرد حضور داشتند و در فرمایشاتشان از مدافعان سوسنگرد به عنوان «فرشته‌های سوسنگرد» نام برده‌اند و ما نیز بر مبنای این تدبیر ایشان، عنوان مراسم‌ها را «فرشته‌های سوسنگرد» نامگذاری کرده‌ایم.

وی افزود: امروز برنامه‌ای برای گرامیداشت عملیات شکست حصر سوسنگرد در باغ موزه دفاع‌مقدس تهران برگزار خواهد شد و قرار است در آن شمار زیادی از اعضای مجمع پیشکسوتان جهاد و شهادت جبهه سوسنگرد از سراسر استان‌ها حضور یابند و همچنین در این مراسم، کتابی از سرلشکر بسیجی دکترسیدحسن فیروزآبادی رئیس ستاد کل نیروهای مسلح رونمایی می شود.

غیاثی‌راد با بیان این که در تمامی استان‌های کشور برای گرامیداشت سالروز شکست حصر سوسنگرد برنامه‌های متعددی پیش‌بینی شده است، تبیین نقش مدیریت حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری در خلق این حماسه بزرگ و شکست طرح‌های دشمن برای اشغال خوزستان، توجه به نقش شهید دکتر مصطفی چمران و سایر رزمندگان، بررسی علمی– پژوهشی ابعاد مختلف این نبرد ماندگار، تجلیل و تکریم مقام شامخ شهدای این حماسه جاویدان و پرافتخار، تبیین نقش فرهنگ حماسی عاشورا در این حماسه بزرگ و توجه به وحدت راهبردی نیروهای مسلح از جمله ارتش و سپاه در عملیات حصر سوسنگرد را از جمله اهداف برنامه‌های گرامیداشت سالگرد شکست حصر سوسنگرد برشمرد.

وی درباره برنامه‌های ارتش گفت: بزرگداشت سرباز شهید سبحانی در همه پادگان‌های ارتش، انجام فعالیت‌های علمی در دانشگاه‌دافوس (دانشکده فرماندهی و ستاد ارتش)، گرامیداشت یاد مرحوم امیرسرتیپ غلامرضا قاسمی که در زمان شکست حصر سوسنگرد فرمانده «تیپ ۲ لشکر ۹۲ زرهی خوزستان» بود، از جمله این برنامه‌ها است.

غیاثی‌راد در پایان گفت: عملیات شکست حصر سوسنگرد نقطه عطفی در تاریخ جمهوری اسلامی ایران به حساب می‌آید، چون اگر عراق سوسنگرد را به تصرف خود درمی‌آورد، به راحتی می‌توانست خوزستان را از ایران جدا کند و شاید سرنوشت جنگ به گونه‌ای دیگر رقم می‌خورد.

جشنواره فرهنگی حضرت خدیجه (س) برگزار می شود

مشاور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در امور بانوان با اشاره به برگزاری جشنواره حضرت خدیجه (س) در آینده ای نزدیک اظهار داشت: آن حضرت یک بانوی فهیم، دانا ،زبان شناس و جامعه شناس زمان خود بود که ثروت خود را به عنوان یکی از ابزارها در خدمت پیامبر عظیم الشان اسلام حضرت محمد (ص) قرارداد.

به گزارش کمیته روابط عمومی و اطلاع رسانی جشنواره ، عفت شریعتی که در نشست هم اندیشی برگزاری جشنواره حامی رسالت، بانوی فضیلت با امور بانوان دستگاه های اجرایی کشور سخن می گفت ، اظهار امیدواری کرد: جشنواره ای در خور بانوی بزرگ جهان اسلام حضرت خدیجه (س) از سوی این وزارتخانه برگزار شود.

وی محکومیت اهانت به ساحت مقدس پیامبر عظیم الشان حضرت محمد (ص) را با استفاده از ابزارهای فرهنگی یکی از اهداف مهم این جشنواره برشمرد.

شریعتی تاکید کرد: این جشنواره تشریک مساعی، همیاری، همدلی و مشورت سایر وزارتخانه ها و مراکز و مجامع علمی، فرهنگی و سیاسی را برای برگزاری هرچه باشکوه تر می طلبد .

مشاور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در امور بانوان با بیان اینکه نظام سلطه و جهان استکبار تمام کوشش خود را مصروف این داشته که اسلام راستین و ناب را نابود کنند ادامه داد: علی رغم تلاش آنان امروزه شاهد به بار نشستن میوه های علم و معرفت از شجره طیبه قرآن و عترت هستیم.

وی با اشاره به ضرورت به کارگیری حداکثر توان مسلمانان برای محکوم کردن مسئله اهانت به پیامبر اکرم (ص) بیان داشت: با توجه به تاکید وزیر محترم ارشاد در محکومیت اهانت به ساحت مقدس پیامبر مقرر شد به مناسبت هزار و پانصدمین سال تولد اولین زن مسلمان ، جشنواره فرهنگی – بصیرتی حضرت خدیجه (س) با وجهه بین المللی و از سوی مرکز امور بانوان این وزارتخانه برگزار شود.

شریعتی در تشریح برنامه های جشنواره نیز گفت: فراخوان شعر ،مقاله و پیامک جشنواره در تاریخ ۲۰ آبان ماه منتشر می شود و تاریخ ۱۰ دیماه آخرین مهلت ارسال و جمع آوری آثار است.

به گفته وی از محورهای ارائه مقاله در جشنواره می توان به نقش حضرت خدیجه (س) در اقتصاد ،حضرت خدیجه قبل از ازدواج با پیامبر اکرم (ص) و جایگاه ایشان بعد از ازدواج با آن حضرت اشاره نمود .

مشاور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در امور بانوان در تشریح بخش‌های این جشنواره گفت: ارائه مقالات توسط اندیشمندان و صاحبنظران علوم دینی در حوزه زنان ، جشنواره شعر آئینی با موضوع پیامبر اکرم و بانوی بزرگ اسلام و پیامک ادبی با موضوع زنان برتر جهان اسلام بخش‌های اصلی این جشنواره می‌باشد.

وی در ادامه سخنان خود افزود: بخش ویژه ای با عنوان انتخاب کتاب برگزیده با موضوع حضرت خدیجه (س) نیز خواهیم داشت و برپائی نمایشگاه کتاب با موضوعات زن و اسلام ،نمایشگاه احادیث و روایات، نمایشگاه چادر با همکاری کارگاه مد و لباس از جمله برنامه های جنبی جشنواره خواهد بود.

شریعتی در خصوص مراسم پایانی جشنواره نیز گفت: جشنواره، سوم و چهارم بهمن ماه سالروز ازدواج پیامبر اکرم و حضرت خدیجه (س) و همزمان با آغاز هفته وحدت و با حضور بانوان، شاعران، نویسندگان، علما، دانشگاهیان و جوانان برگزار خواهد شد

عضویت ۵۰ هزار ایرانی در هیات های علمی دانشگاه های آمریکا

معاون پشتیبانی و تشریفات شورای عالی ایرانیان خارج از کشور گفت: بیش از ۵ میلیون نفر از ایرانیان مقیم خارج از کشور هستند که حدود هفت درصد جمعیت کشور را تشکیل می دهند.

به گزارش ایرنا، علی شعبانی دیروز در نشست مدیران روابط عمومی دستگاه های عضو شورای عالی ایرانیان خارج از کشور که در محل این شورا برگزار شد، افزود: ایرانیان مقیم خارج از کشور پنج درصد مهاجران کل دنیا را تشکیل می دهند که به لحاظ تحصیلی و تخصصی رتبه پنجم جهان را به خود اختصاص داده‌اند.

وی با بیان این‌که بیش از دو هزار و ۵۰۰ میلیارد دلار سرمایه های ایرانیان خارج از کشور قابل انتقال و سرمایه گذاری در پروژه‌های مختلف است، اظهار داشت: بیش از ۵۰ هزار نفر از ایرانیان در آمریکا عضو هیات علمی دانشگاه ها هستند، ضمن این‌که بیش از ۱۰۰ هزار نفر از پزشکان زبده و ماهر ایرانی در خارج از کشور مشغول فعالیت هستند.

این مقام مسئول با اشاره به این که ایرانیان خارج از کشور در حوزه آی–تی، فناوری الکترونیک، اکتشافات و اختراعات سهم قابل ملاحظه ای را از آن خود کرده‌اند، یادآور شد: در کشور مالزی حدود ۱۶۰ مورد اختراع و اکتشاف از سوی ایرانیان مقیم این کشور به ثبت رسیده است.

شعبانی بالاترین سرمایه ایرانیان خارج از کشور را تعلق خاطر آن‌ها به نظام جمهوری اسلامی ایران و حس وطن دوستی بیان کرد و افزود: این بزرگترین فرصت برای تحقق فرمایش رهبر معظم انقلاب مبنی بر بردن خاکریزهای دفاع از جمهوری اسلامی به قلب دشمن است.

وی تبادل اطلاعات، هم اندیشی برای تحقق اهداف نظام جمهوری اسلامی، ایجاد بانک آماری و اجرای طرح جامع آمارگیری از ایرانیان خارج از کشور را از اهداف این نشست برشمرد.

امضای یادداشت های تفاهم میان سران هند وافغانستان

سرویس خارجی: هند و افغانستان در سفر حامد کرزی به «دهلی نو» چهار یادداشت تفاهم در بخش های معادن، آموزش و توسعه اقتصادی و اجتماعی امضا کردند.

مقامات افغان و هند با حضور حامد کرزی و «مان‌موهان‌سینگ» نخست‌وزیر هند، چهار یادداشت تفاهم همکاری‌های اقتصادی و اجتماعی در دهلی‌نو امضا کردند. دفتر ریاست جمهوری افغانستان با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرد: «زلمی رسول» و «سلمان خورشید» وزرای امور خارجه افغانستان و هند طی مراسمی، یادداشت تفاهم کمک بلاعوض برای اجرای پروژه‌های کوچک امضا کردند.

بر اساس این یادداشت تفاهم، هند ۱۰ میلیون دلار طی چهار سال به افغانستان کمک خواهد کرد. رئیس جمهوری افغانستان و هیأت همراهش در مقر ریاست جمهوری هند مورد استقبال رسمی رئیس جمهوری و نخست وزیر این کشور قرار گرفتند.

همچنین رئیس جمهوری افغانستان با «سونیا گاندی» رهبر «ائتلاف حاکم»، سلمان خورشید وزیر امور خارجه و «سوشما سوارج» رهبر حزب مخالف در پارلمان هند دیدار کرد. درهمین حال اتحادیه اروپا اعلام کرد که قسمتی از کمک‌های خود را به افغانستان به حالت تعلیق درآورد.

اتحادیه اروپا تاکید کرد ، مبلغ ۲۰ میلیون یورو از کمکهای خود به دولت افغانستان را به سبب آنچه که ناکامی کابل در اجرای اصلاحات توافق شده عنوان کرده، به حال تعلیق در می آورد.

شورای صلح

از دیگر سو نخست وزیر پاکستان در دیدار با هیأت شورای عالی صلح افغانستان ضمن تأکید بر گسترش روابط اسلام‌آباد– کابل ابراز امیدواری کرد که این هیأت بتواند زمینه گفت‌وگو با طالبان را فراهم سازد.«راجا پرویز اشرف» در دیدار با «صلاح‌الدین ربانی» رئیس شورای عالی صلح افغانستان و همراهانش، بر همکاری اسلام‌آباد و کابل برای ایجاد صلح در منطقه تأکید کرد.

در تحولی دیگر یک منبع پلیس افغانستان اعلام کرد ؛ سه موشک از مکانی نامعلوم به سوی کابل شلیک شد که دست کم یک کشته و چند زخمی برجای گذاشت. محل حادثه در حدود ۴ کیلومتری جنوب کاخ ریاست جمهوری افغانستان و یکی از پایگاه‌های اصلی ناتو در کابل قرار دارد. این درحالی است که یکی از فرماندهان ارشد شبکه حقانی گفت: این شبکه تنها تحت نظارت رهبران طالبان افغان با آمریکا مذاکرات صلح انجام می‌دهد.

شبکه حقانی در بیانیه‌ای اعلام کرد که بخشی از طالبان افغانستان است و باید در هرگونه روند صلح شرکت داده شود.

اظهارات پانتا

دراین حال وزیر دفاع آمریکا از بررسی‌ها در خصوص شمار نظامیان آمریکایی که قرار است پس از سال ۲۰۱۴ در افغانستان باقی بمانند، خبر داد .

«لئون پانتا» تصریح کرد: وزارت دفاع و کاخ سفید در حال بررسی پیشنهادهای ژنرال آلن هستند و در چند هفته آینده تصمیمی در این باره اتخاذ خواهد شد.ازطرفی ، فیلمی که به‌تازگی توسط طالبان پاکستان منتشر شده‌است،نشان می‌دهد یک شبه‌نظامی انگلیسی مغز متفکر حمله انتحاری مرگبار به مقر سازمان سیا در افغانستان بوده است.در این فیلم ۳۰ دقیقه‌ای گفته شده که این فرد انگلیسی ملقب به «عمر»، با همکاری یک جاسوس اردنی به نام «ابو دجانه» سه سال پیش نقشه حمله به یک پایگاه آمریکایی در ولایت «خوست» افغانستان را طراحی کرده است.این جاسوس از سوی سیا و سرویس اطلاعاتی اردن برای نفوذ در نیروهای القاعده مستقر در مناطق قبایلی پاکستان به این منطقه اعزام شده بود.

اخبار کوتاه

۶۶ کیلومتر خط مترو در تهران و ۵ کلانشهر کشور در حال ساخت است

سرویس سیاسی ـ اجتماعی: ۶۶ کیلومتر خط مترو در ۹ ماه آینده در تهران و پنج کلانشهر اصفهان، شیراز، تبریز، قم و کرج به بهره‌برداری می‌رسد.

به گزارش روابط‌عمومی سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، رضا عابدی، مدیرعامل شرکت مادر تخصصی حمل و نقل ریلی کشور با اعلام این خبر، افزود: بهره‌برداری از این خطوط، طول خطوط در دست بهره‌برداری به ۲۱۴ کیلومتر و تعداد ایستگاه‌های مترو به ۱۶۳ ایستگاه افزایش می‌یابد. وی درباره قطار شهری مشهد با بیان این‌که خط یک مترو مشهد بیش از دو و نیم میلیون مسافر را در ماه جابه‌جا می‌کند، از حفر حدود پنج کیلومتر از خطوط در دست ساخت مترو این کلانشهر خبر داد.

وی افزود: اقدامات لازم برای استفاده از تسهیلات ۲۰۰ میلیون دلاری صندوق توسعه ملی برای قطار شهری مشهد انجام شده است.

مدیرعامل شرکت مادر تخصصی حمل و نقل ریلی کشور درباره قطار شهری تبریز نیز از تکمیل صد در صدی پنج ایستگاه فاز یک و تکمیل تونل و سگمنت‌گذاری فاز اول خط یک تا کیلومتر ۱۲ خبر داد. وی همچنین درباره قطار شهری اصفهان، گفت: عملیات اجرایی نه ایستگاه فاز یک و ساخت تونل‌ها به طول ۲۰ کیلومتر و روسازی و ریل گذاری فاز یک به طول ۱۰ کیلومتر پایان یافته است. به گفته عابدی ساخت پنج ایستگاه مترو خط یک شهر شیراز نیز تکمیل و حفاری تونل این خط به طول ۲۲ کیلومتر نیز به اتمام رسیده است.

مشکل افزایش نامتناسب حقوق بازنشستگان پیگیری می‌شود

یکی از بحران‌های ۳۰ سال آینده کشور بحران سالمندی و جلوگیری از این بحران نیازمند برنامه‌ریزی مناسب است.

این مطلب را صمدالله فیروزی نایب رئیس هیات مدیره سازمان تامین اجتماعی در مراسم تقدیر از کارکنان بازنشسته اعلام کرد و افزود: کسانی که در دوره جوانی و پویایی بیمه‌شده این سازمان هستند، در زمان سالمندی از خدمات گسترده‌ای بهره‌مند می‌شوند.

وی برنامه‌ریزی مناسب برای آینده جمعیتی کشور را از مهم ترین نیازها و اولویت‌های فعلی دانست و ادامه داد: باید به گونه‌ای برنامه‌ریزی کنیم و تمهیداتی در نظر داشته باشیم تا در آینده با بحران سالمندی مواجه نشویم و بیمه‌شدگان تأمین اجتماعی نباید نسبت به آینده نگران باشند.

فیروزی چگونگی افزایش حقوق سالانه بازنشستگان را نامناسب ارزیابی کرد وافزود: وضع فعلی افزایش حقوق بازنشستگان باعث می‌شود که به مرور زمان و با گذشت چند سال تناسب حقوق بازنشستگان مخدوش شود که پیگیر رفع این مشکل هستیم.

زندان اوین به موزه تبدیل شود

اقدام شهرداری در تبدیل زندان قصر به باغ موزه کار ارزشمندی است و بهتر است زندان اوین همین روند را طی کند.

به گزارش تهران سما این مطلب را احمد مسجد جامعی عضو شورای شهر تهران دیروز در جلسه علنی اعلام کرد و افزود: خانه های قدیمی هم سرمایه های تهران هستند که امیدواریم روند بازسازی آنها ادامه پیدا کند.

مسجدجامعی به افتتاح موزه قرآن و کتب نفیس خطی در نجف اشاره کرد و ادامه داد: ۶۰۰ نسخه خطی از قرن اول تا چهاردهم در این موزه بود که به دلیل کمبود جا تنها نسخ کوفی را به نمایش گذاشته بودند. همچنین در کنار این موزه جشنواره بین المللی غدیر برگزار شد که کاری بسیار ارزشمند در کنار حرم امیرالمومنین(ع) بود. همچنین حسن بیادی در جلسه دیروز شورا گفت: قرار بود برای شورایاری‌ها انتخاباتی برگزار شود، اما مشخص نیست که چرا این انتخابات برگزار نمی‌شود.او تاکید کرد: کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی به دنبال قانونی کردن برگزاری انتخابات شورایاری‌ها است و باید کاری کنیم که انتخابات شورایاری‌ها به هر شکل ممکن برگزار شود. در جلسه دیروز همچنین اعضای شورا به افزایش بی رویه قیمت کاغذ و مشکل مطبوعات و موسسات انتشار کتاب انتقاد کردند.

پرقدرت‌ترین فرستنده FM مورد نیاز کشور طراحی و ساخته شد

با تلاش جهادگران جهاد دانشگاهی واحد خواجه نصیرالدین‌طوسی ، پرقدرت‌ترین فرستنده رادیویی FM مورد نیاز کشور با توان ده کیلو وات، طراحی و ساخته شد.

به گزارش روابط عمومی جهاد دانشگاهی، طراحی این فرستنده با استفاده از آخرین تکنولوژی‌های روز دنیا، مطابق استانداردهای جهانی برودگست و استفاده از سیستم خنک‌کنندگی پیشرفته مایع خنک، گامی بلند در خودکفایی کشور محسوب می‌شود. دکتر سعید قاضی مغربی معاون پژوهش و فناوری جهاد دانشگاهی در این خصوص گفت: انجام تمامی مراحل مطالعه، طراحی، نمونه سازی، ساخت و تولید این محصول به دست اعضا هیات علمی و پژوهشگران جوان این نهاد، بدون کمک شرکت‌های خارجی یا کپی‌برداری از محصولات مشابه، آن هم در شرایط تشدید تحریم‌ها و جنگ اقتصادی و با حمایت گسترده مدیران سازمان صدا و سیما از نیروهای پرتوان داخلی انجام شده است.

ترحیم

سخت است جدایی، به هم آموختگان را.
با اندوه فراوان به سوگ دکتر سعید آصفی نشسته‌ایم.
همسر: نازی آصفی
فرزندان: عبدالله ـ طناز ـ امیرحسین
مراسم ختم ایشان در مسجد جامع شهرک غرب، ابتدای خیابان حسن سیف روز جمعه ۹۱/۸/۲۶ از ساعت ۱۱/۳۰ الی ۱۳ برگزار می‌گردد.

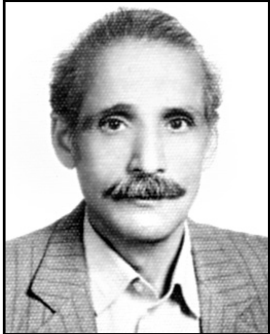
با اندوه فراوان به سوگ نشسته‌ایم
بدینوسیله درگذشت دکتر سعید آصفی را به آگاهی دوستان و آشنایان می‌رسانیم.
مراسم ختم ایشان در مسجد جامع شهرک غرب، ابتدای خیابان حسن سیف روز جمعه ۹۱/۸/۲۶ از ساعت ۱۱/۳۰ الی ۱۳ برگزار می‌گردد.
خانواده‌های: آصفی ـ همایونی ـ عبادی ـ منیعی ـ ثقةالاسلامی ـ سالارزاده امیری ـ ملک‌قاسمی ـ ابطحی ـ دادمرز ـ نویدی تبریزی ـ خیرلو ـ شیروانیان ـ مسعود ـ رجایی ـ صفایی ـ امیراحمدی ـ صدری ـ مرتضوی ـ هاشمی‌نژاد ـ شریف کاشانی و سایر وابستگان.

«بازگشت همه بسوی خداست»
با نهایت تأسف و تأثر و اندوه فراوان درگذشت دوست و همکار صدیقمان شادروان «آقای دکتر سعید آصفی» متخصص بیهوشی بیمارستان سجاد را به خانواده محترم «آصفی» و جامعه پزشکی تسلیت عرض نموده و از پیشگاه حضرت حق برای آن شادروان آمرزش الهی و علو درجات و برای خانواده محترمشان صبر و سلامتی آرزومندیم.
بهمین مناسبت مجلس ختم آن فقید سعید در روز جمعه مورخ ۱۳۹۱/۸/۲۶ در مسجد جامع شهرک غرب واقع در تهران: میدان صنعت خ شهید حسن‌سیف مقابل مرکز تجاری میلادنور از ساعت ۱۱/۳۰ صبح تا یک بعدازظهر برگزار می‌گردد.
حضور شما سروران و همکاران محترم موجب شادی روح آن عزیز و تسلی خاطر بازماندگان خواهد بود.
هیئت‌مدیره، مدیرعامل، پزشکان و پرسنل بیمارستان سجاد

«هوالباقی»
با اندوه فراوان درگذشت دوست و همکار عزیزمان شادروان آقای **دکتر سعید آصفی** متخصص بیهوشی بیمارستان سجاد را به خانواده محترم آن مرحوم و همکاران گرامی تسلیت عرض نموده و از درگاه خداوند متعال برای آن شادروان آمرزش الهی و برای خانواده محترم ایشان صبر و سلامتی آرزومندیم.
بهمین مناسبت مراسمی در روز جمعه مورخ ۹۱/۸/۲۶ در مسجد جامع شهرک غرب مقابل میلاد نور از ساعت ۱۱/۳۰ صبح تا یک بعدازظهر منعقد می‌باشد.
گروه اورولوژی بیمارستان سجاد:
دکتر بنائی ـ دکتر سپهری ـ دکتر کشاورز ـ دکتر حاجبی

« تنها اوست باقی»
با نهایت تاسف و تاثر درگذشت دوست و همکار ارجمندمان شادروان «**آقای دکتر سعید آصفی**» متخصص بیهوشی بیمارستان سجاد را به خانواده گرامی آن مرحوم و همکاران عزیز تسلیت عرض نموده و از درگاه ایزد متعال برای آن فقید سعید غفران الهی و برای بازماندگان صبر و سلامتی آرزومندیم.
بهمین مناسبت مجلس ختم، در روز جمعه مورخ ۹۱/۸/۲۶ در مسجد جامع شهرک غرب واقع در میدان صنعت مقابل مجتمع میلاد نور از ساعت ۱۱/۵ صبح تا یک بعدازظهر برگزار می‌گردد.
پزشکان متخصص بیهوشی و پرسنل اتاق عمل بیمارستان سجاد

بازگشت همه به سوی اوست
پدرم نام تو را بر لوح زر باید نوشت
نام تو، بابای من، بر تاج سر باید نوشت
من که نتوانم کنم حقت ادا بابای من
در مقامت، مثنوی‌ها با گهر باید نوشت
با نهایت تأسف و تأثر درگذشت همسری مهربان و پدری فداکار شادروان **حاج‌فضل‌الله معماریان** (بزرگ خاندان) را به اطلاع کلیه بستگان، دوستان و آشنایان محترم می‌رسانیم.



به همین مناسبت مراسم شب هفت آن مرحوم ۹۱/۸/۲۴ بر سر مزار آن مرحوم واقع در بهشت زهرا ـ قطعه ۲۵۲ ـ ردیف ۱۳۹ ـ شماره ۴۲ از ساعت ۱۴ الی ۱۵ برگزار می‌گردد.
حضور شما سروران گرامی موجب شادی روح آن عزیز و تسلی خاطر بازماندگان خواهد بود.
خانواده‌های: معماریان ـ صفاخواه ـ جهان لتیباری ـ شهبازی ـ صفاپور ـ صباحی میاب ـ غریبشاه و سایر وابستگان

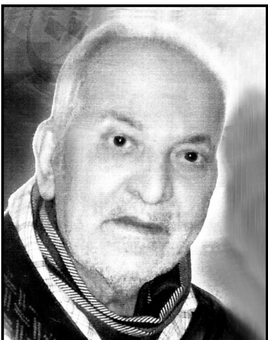
اناالله و انا الیه راجعون
با نهایت تأسف و تأثر درگذشت شادروان **سیدجلال هاشمی** پیر غلام اهل بیت عصمت و طهارت، پدر دوستان عزیز و بزرگوارمان جنابان آقایان سیدجعفر و سیدمحمد هاشمی را به اطلاع کلیه دوستان و آشنایان بخصوص اهالی محترم شمیران می‌رساند.
مراسم تشییع پیکر آن مرحوم روز چهارشنبه ۹۱/۸/۲۴ ساعت ۹ صبح از مسجد گیاهی واقع در میدان تجریش انجام خواهد شد و مراسم سومین روز جمعه ۹۱/۸/۲۶ از ساعت ۳ تا ۵ بعدازظهر در مسجد همت جنب امامزاده صالح برگزار می‌گردد.
حضور شما سروران گرامی موجب شادی روح آن مرحوم و تسلی دل بازماندگان خواهد بود.
حسن رهبری ـ محمدحسن مرادی

بازگشت همه به سوی اوست
با نهایت تأسف و تأثر درگذشت همسری مهربان و پدری فداکار شادروان **منوچهر یوسفی‌زاد** را به اطلاع کلیه بستگان، دوستان و آشنایان محترم می‌رسانیم.
به همین مناسبت مراسم بزرگداشتی بابت آن مرحوم روز چهارشنبه ۹۱/۸/۲۴ از ساعت ۱۸ الی ۱۹/۳۰ در مسجد حضرت امیر(ع) واقع در خیابان کارگر شمالی روبروی پمپ بنزین برگزار می‌گردد.
خانواده آن مرحوم

بازگشت همه به سوی اوست
بدینوسیله درگذشت **آقای مصطفی بیگدلی** را به اطلاع می‌رسانیم. مجلس ترحیم آن مرحوم روز جمعه ۹۱/۸/۲۶ از ساعت ۱۰:۱۵ الی ۱۱:۴۵ در مسجدالرضا(ع) واقع در خیابان خرمشهر ـ میدان نیلوفر برگزار می‌گردد.
حضور شما سروران گرامی باعث شادی روح آن مرحوم و تسلی خاطر بازماندگان خواهد بود.
خانواده‌های: بیگدلی، منهاجی، پورعلی‌جان، ضیائی بیگدلی، و سایر وابستگان.

بازگشت همه به سوی اوست
با نهایت اندوه و تاسف درگذشت مرحومه مغفوره **حاجیه خانم مهین تاج برومند** را به اطلاع دوستان و آشنایان می‌رساند. مجلس ختمی در روز جمعه ۹۱/۸/۲۶ از ساعت ۱۸ الی ۱۹:۳۰ در مسجدالرضا (ع) واقع در خیابان خرمشهر ـ میدان نیلوفر برگزار می‌گردد.
از طرف همسر و فرزندان و خانواده‌های: اقتصادی، برومند، قطب، افشاری، نامی، رحمانی و سایر بستگان

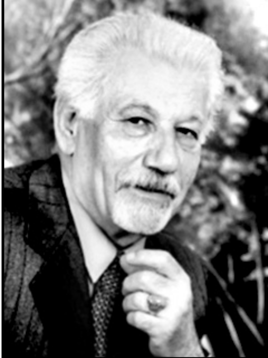
السلام علیک یا سیدالشهداء
بی‌سروسامان توام یا حسین(ع)
دست به دامان توام یا حسین(ع)



دگر بار یکی از عاشقان دلسوز اهل بیت، ذاکر با اخلاص اباعبدالله (ع) دعوت حق را لبیک گفت و در آستانه ماه عزاداری ارباب بی‌کفنش بر سر خوان گسترده اربابش مهمان گردید.
رحلت جانگداز خادم اهل بیت، ذاکر با صفای آستان سیدالشهداء، پدری مهربان و همسری شایسته و فداکار مرحوم مغفور شادروان **حاج عقیل اسلامی** را به اطلاع کلیه عاشقان اهل بیت و شیفتگان ولایت می‌رسانیم.
بهمین مناسبت مراسم شب هفتم مصادف با شب اول محرم روز پنج‌شنبه ۹۱/۸/۲۵ از ساعت ۱۴/۳۰ الی ۱۶/۳۰ در مسجد محمدیه واقع در جوادیه اول ده متری اول کوچه وفایی منعقد می‌باشد.
امید است با تشرف‌فرمایی خود روح آنمرحوم را شاد و تسلی قلوب بازماندگان باشید.
از طرف خانواده‌های داغدار: اسلامی و فرزندان داغدیده و نمازگزاران مساجد جوادیه و هیئات مذهبی تهران و کلیه بستگان، دوستان و آشنایان

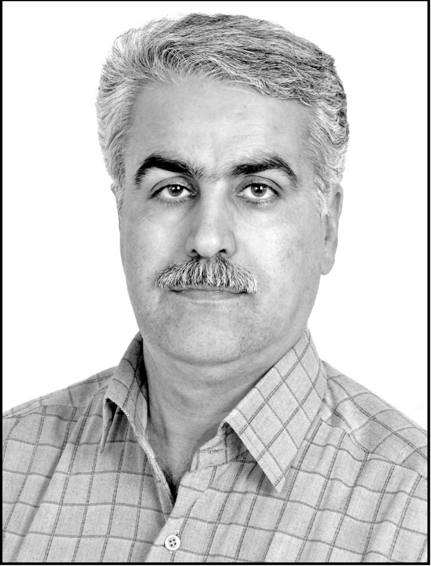
یادبود

او ماندنی است
باورم نیست ز بد عهدی ایام هنوز...



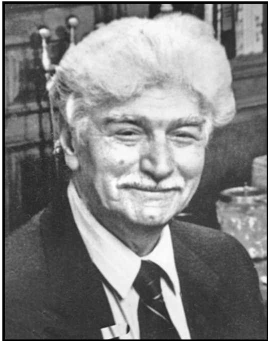
با اندوهی فراوان، فرا رسیدن نخستین سالگرد درگذشت **مهندس مسلم تیشه‌یار**، کارمند بازنشسته شرکت نفت فلات قاره ایران، که عمری را در راه خدمت به میهن و مردمش سپری کرد به اطلاع اقوام، آشنایان و همکاران ایشان می‌رسانیم.
به همین مناسبت، روز پنج‌شنبه ۲۵ آبان ماه ۱۳۹۱ از ساعت ۱۵ تا ۱۷ کنار مزارشان در بهشت آباد اهواز، قطعه سوم و همچنین عصر آدینه ۲۶ آبان ماه ۱۳۹۱ از ساعت ۱۵ الی ۱۸ در منزل آن مرحوم گردهم می‌آییم تا یاد و خاطره‌شان را گرامی بداریم.
ضمناً سایر هزینه‌های مراسم سالگرد آن مرحوم پیشکش مؤسسه خیریه محک می‌گردد.
خانواده آن مرحوم

بازگشت همه به سوی اوست



یک سال از فقدان و درگذشت **مجید عزیز** گذشت پر از ناباوری و بهت، عزیزی که برای همسر و فرزندان تلاش و سعی خستگی ناپذیر داشت، برای برادر پشت بود و دل سوز خواهر و جواب تمام چشم انتظاری‌های مادر بود، صبور و آرام و چنین بود که دوستی گفت:
یک روز از کوه و آسمان گذشت
با خنده‌ای به خورشید سلام کرد
آن روز دیدمش صف اول نماز
آرام نشست و دو رکعت احترام کرد
گویی قصد سفر داشت آن مهربان
مهر را بوسید و آن گاه قیام کرد.
بدین سبب مجلس سال‌داشتی در روز پنج‌شنبه ۹۱/۸/۲۵ از ساعت ۱۸ الی ۱۹/۳۰ در مسجد نور واقع در میدان فاطمی منعقد می‌گردد. حضور شما باعث شادی روح آن مرحوم و تسلی بازماندگان خواهد بود.
خانواده‌های: نوروزیان‌پور، فعلی و وابسته

«هوالباقی»



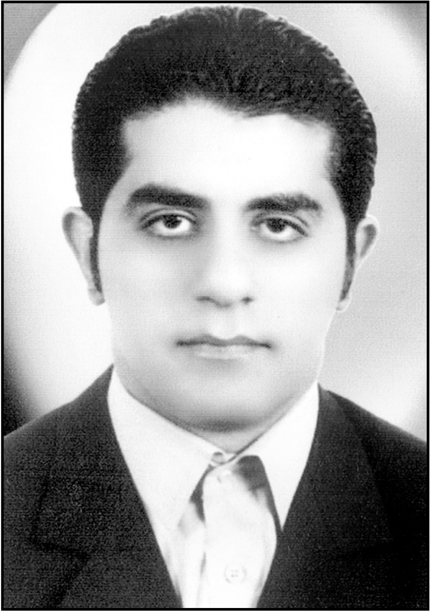
یکمین سال سفر ابدی پدر عزیزمان شادروان **ابوطالب راشدی اشرفی** بزرگ خاندان به دیار حق و یازدهمین سال از دست دادن مادر نازنین و نمونه‌مان زنده‌یاد **سلطان بهرامی عبدالملکی** را گرامی داشته و یاد و خاطرات پر از مهر و مردمی‌شان را ارج می‌نهیم.



بعدازظهر پنجشنبه ۹۱/۸/۲۵ بر مزار پاکشان در بهشت فاطمه(س) بهشهر گردهم می‌آئیم و برای شادی روح پرفتوحشان فاتحه می‌خوانیم.
بهشهر: خانواده راشدی اشرفی

بازگشت همه بسوی اوست
ده سال از درگذشت برادر عزیزمان **دکتر پرویز مهربانی** ـ بنیان‌گذار نظام نوین دارویی کشور و یکی از مدیران ارزنده سابق سازمان تأمین اجتماعی می‌گذرد.
همه ساله در ۲۷ آبان ماه بمنظور احترام و بزرگداشت روح بزرگ این انسان وارسته و فداکار بر سر مزارش گرد هم می‌آئیم و به یاد آن همه محبت‌ها و مهربانیهایش به سوگ می‌نشینیم.
برادران: رضا ـ علیرضا ـ بیژن

زین مرگ ناگهانی ای نازنین پسر
بیگانه سوخت تا چه رسد آشنای تو



و ما هنوز در بهت و ناباوری رفتنش را باور نداریم.
جمعه ۲۶ آبان ماه مصادف با هفتمین سالگرد پرواز ملکوتی فرزند عزیزمان زنده‌یاد **دکتر شهداد شفاهی** در نهانخانه دلمان به سوگ می‌نشینیم.
یاد و خاطره‌اش را گرامی می‌داریم. روحش شاد و یادش جاودانه باد.
پدر: دکتر محمود شفاهی
مادر: ناهید پرویز
خواهران: مهندس شهرزاد و شقایق شفاهی

«تنها اوست فنا ناپذیر»
یک سال دگر گذشت و ما نالانیم
هر روز و به هر شب ز غمت می‌نالیم
هر دم که بر آرامگهت گام نهیم
از غصه و غم ز دوریت گریانیم
بیست و پنجم آبان ماه ۱۳۹۱ دومین سالگرد پرواز جانکاه بهشتی روان، فردوس مکان، مادری مهربان و همسری شایسته سیده عالیقدر «**بدرالسادات منصوری**» بزرگ خاندان منصوری است.
به یاد آن معلم فرهیخته و آموزگار اخلاق و معنویت، بر جایگاه ابدیش واقع در بهشت زهرا(س) قطعه ۳۱۱ ـ ردیف ۱۱۸ ـ شماره ۴۶ گرد هم می‌آئیم و یادش را گرامی می‌داریم.
همسر: نصرالله امینی شیرازی
فرزند: محمدعلی
عروس: شیرازه
نوه‌ها: ایمان و امین

تسلیت

جناب آقای دکتر ناصر فرهنگ
باکمال تأسف و تأثر درگذشت همسر گرامیتان را به شما و خانواده محترم تسلیت عرض کرده، صبر و تحمل برایتان آرزومندیم.
گرگان ـ دکتر حداد ـ دکتر ناطقی

سرکار خانم دکتر آصفی
خانواده محترم آصفی
با کمال تأثر و تأسف فوت آقای دکتر سعید آصفی را به سرکار و فرزندان آنمرحوم و خانواده محترم تسلیت عرض نموده و برای آنمرحوم علو درجات و برای خانواده محترم صبر و شکیبائی آرزومندیم.
دکتر عادل کریم‌زاده و بانو

سرکار خانم مهین امیری
با ابراز تأسف، مصیبت وارده را به سرکار و خانواده محترم تسلیت عرض نموده و از خداوند متعال برای آنمرحوم طلب مغفرت و آمرزش و برای بازماندگان صبر جمیل مسئلت داریم.
دکتر محمدرضا اسدی‌نیا و بانو

جناب آقای دکتر حمید عطاریان
با عرض تسلیت، در غمتان شریکم.
محمد معظمی

جناب آقای مهندس اشعر
با اندوه فراوان درگذشت پدر ارجمندتان را به آن جناب و خانواده محترم تسلیت عرض نموده و بقای عمر بازماندگان را از خداوند متعال خواهانیم.
هیئت مدیره شرکت گرافوس

همکار محترم سرکار خانم محمدی
درگذشت جانسوز برادرزاده عزیزتان را به شما و خانواده‌های محترم داغدار تسلیت عرض نموده، صبر و شکیبایی از درگاه خداوند متعال برای شما آرزومندیم.
شرکت جوجه‌کشی پرینه‌نور ـ محمودآباد

همکار گرامی سرکار خانم محمدی
با نهایت تأسف و تأثر مصیبت وارده را تسلیت عرض نموده، از درگاه ایزدمنان برای جنابعالی و بازماندگان صبر و شکیبایی مسئلت داریم.
شرکت جوجه کشی پرینه
محمد علی اعلایی ـ علی نصیری

سرکار خانم دکتر شریف‌زاده محلاتی
با نهایت تأسف و تأثر درگذشت برادر گرامیتان را تسلیت عرض نموده و از درگاه خداوند متعال برای بازماندگان صبر و شکیبایی مسئلت می‌نمائیم.
از طرف ریاست و پزشکان
مرکز آموزشی درمانی شهید اکبرآبادی

همکار محترم و گرامی جناب آقای دکتر حمید عطاریان
درگذشت همسر ارجمند شما را با کمال تأسف تسلیت عرض می‌نمائیم.
دکتر ناصر مسعودنیا ـ دکتر احمدرسا

سپاسگزاری

به نام خدا
بدینوسیله ازکلیه سروران گرامی که به هنگام درگذشت مادرعزیزمان شادروان **حاجیه خانم فخرالملوک سودبخش مقدم** در مراسم مختلف شرکت و با ما همدردی فرموده‌اند سپاسگزاریم وقدردان زحمات عزیزانی هستیم که با اهدای تابلو، تاج گل، آگهی تسلیت، نامه و پیامک ما را مورد لطف قرار دادند.
از خداوند متعال سلامت و شادکامی همه را آرزومندیم.
دکتر علی اکبر خوشخونژاد و خانواده‌های وابسته

سخنرانی

السلام علیک یا اباعبدالله الحسین
محرم و صفر است که اسلام را زنده نگه داشته است
امام خمینی «ره»
با عرض ادب و ارادت به ساحت مقدس پیامبر عظیم‌الشأن اسلام صلی‌الله علیه و آله که همچنان کینه‌توزانه از سوی پلیدان عالم مورد اسائه‌ادب قرار می‌گیرند و بمنظور تجلیل از آن حضرت و خاندان مطهرش، مجلس سوگواری و ذکر مناقب و مصائب سید و سالار شهیدان **حضرت اباعبدالله الحسین** (ع) و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم آلاف التحیة و الثناء، هر روز بعد از نماز جماعت ظهر و عصر با سخنرانی وعاظ محترم به شرح زیر در مسجد حضرت امام خمینی(ره) بازار منعقد می‌باشد.
دهه اول محرم: جناب حجت‌الاسلام والمسلمین آقای صدیقی امام جمعه موقت محترم تهران
دهه دوم محرم: جناب حجت‌الاسلام والمسلمین آقای سیدابوالقاسم شجاعی
دهه سوم محرم: جناب حجت‌الاسلام والمسلمین آقای علیرضا پناهیان
دهه اول صفر: جناب حجت‌الاسلام والمسلمین آقای سیدمحمدعلی غروی
دهه دوم صفر: جناب حجت‌الاسلام والمسلمین آقای سیدحمید میرباقری
دهه سوم صفر: جناب حجت‌الاسلام والمسلمین آقای رستگاری
شایسته است عموم مومنین و مومنات علاقمند بساحت مقدس پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت گرامی آن حضرت بویژه حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام شرکت نموده و ضمن بهره‌مندی از تعالیم رهائی‌بخش مکتب اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام، بویژه در مقطع حساس مقابله و مقاومت در برابر فشارهای استکبار جهانی، تعظیم شعائر دینی نمایند.
دفتر مسجد حضرت امام خمینی (ره) بازار تهران

حسینیه علوی
تأسیس ۱۳۹۰(هـ.ق)
انّ الحسین مصباح الهدی و سفینة النجاة
ماه محرم از راه می‌رسد و حرکت عاشورا در مسیر تاریخی خویش همچنان پیام آزادگی و بیداری را در جامعه اسلامی فریاد می‌کند.
حرکتی که تجلی صدای فرو خفته مظلومیت انسانها در پهنه زمان است و حسین فریادگر جاودانه اصالت‌ها و ارزشهائی که در غدیر پذیرشی نیافت. و اینک با یاد و نام او که سیّد شهیدان روزگار است بسوگ می‌نشینیم.
صبحها از اول محرم تا دوازدهم از ساعت ۱۰ صبح تا ظهر با زیارت عاشورا و سخنرانی خطیب ارزشمند و استاد بزرگوار حجةالاسلام والمسلمین آقای نقوی، و مرثیه‌سرائی مداحان اهل‌بیت علیهم‌السلام.
و شبها: از آغاز محرم تا آخر صفر با سخنرانی وعاظ گرانقدر و اساتید سخن و مرثیه‌سرائی
میدان منیریه ـ خ ابوسعید کوچه شهید حسین بهروز
تلفن: ۵۵۳۸۲۳۳۱



ان لقتل الحسین حراره فی قلوب المومنین لا تبرد ابدا
درود بی‌پایان بر پیامبر گرامی و خاندان عزیزش چهارده معصوم پاک، همان چهره‌های تابناک آسمان هدایت و اختران فروزان برج عصمت و طهارت و نفرین همیشگی بر دشمنانشان که دشمنان حق و حقیقت بودند.
فرا رسیدن ماه محرم، یادآور جهانی از خاطرات تلخ و شیرین تاریخ گویا و آموزنده و سازنده **حضرت حسین علیه‌السلام** می‌باشد. قرن‌ها است که نویسندگان و گویندگان گوشه‌هائی از این دفتر را بررسی کرده‌اند ولی هنوز هم هزاران دُرّ ناسُفته در اعماق این دریای بیکران نهفته است. باشد تا روزی فرزند برومندش آخرین ذخیره الهی، وارث همه میراث‌های مذهبی، **حضرت حجت بن الحسن المهدی عجل‌ا... تعالی فرجه الشریف** پرده از رخسار و جمال دل آرای خویش برگیرد و رازها از اسرار نهانی این نهضت الهی آشکار فرماید و انتقام خون مظلومان و ستمدیدگان را بگیرد.
به انتظار آن روز مقدس، روز قیام و انتقام
هیئت قائمیه فاجعه کربلا و شهادت جانگداز خامس آل‌عبا **حضرت سیدالشهدا حسین بن علی علیه‌السلام و حضرت ابوالفضل العباس بن علی علیه‌السلام** و یاران باوفایشان را به پیشگاه مبارک بقیه‌ا... الاعظم قائم آل محمد(عج) تسلیت عرض می‌نماید و بهمین مناسبت از شب دوم الی شب سیزدهم محرم به اضافه صبح تاسوعا و صبح عاشورا در حسینیه خود واقع در خیابان قدیم شمیران بالاتر از پل رومی مجالس سوگواری منعقد می‌نماید. از عموم علاقمندان دعوت می‌شود که در این مجالس تعظیم شعائر فرمایند.
ضمنا از اول محرم تا دهم (روز عاشورا) صبحها از طلوع آفتاب تا ساعت ۸/۳۰ صبح مراسم دیگری در خیابان قدیم شمیران دوراهی قلهک کوچه امیر پابرجا پلاک ۶ منعقد می‌شود.

صاحب امتیاز: شرکت ایرانچاپ مؤسسه اطلاعات
مدیر مسئول: سیدمحمود دعائی
سر دبیر: علیرضا خانی
نشانی: تهران - بلوار میرداماد - خیابان نفت‌جنوبی - ساختمان اطلاعات - کد پستی ۱۵۴۹۹۵۳۱۱۱ (تهران)
پست تصویری تحریریه ۲۲۲۵۸۰۲۲
تلفن: ۲۹۹۹۹
نمابر آگهی ها ۲۱ و ۲۲۲۵۸۰۱۹
تلفن پذیرش آگهی ها ۱۸-۲۲۲۵۸۰۱۴
نشانی اینترنت: http://www.ettelaat.com
پست الکترونیکی: ettelaat@ettelaat.com

اطلاعات

سال هشتاد و هفتم

تقویم اطلاعات

چهارشنبه ۲۴ آبان ۱۳۹۱
۲۹ ذی الحجه ۱۴۳۳ ـ ۱۴ نوامبر ۲۰۱۲

ظهر شرعی	۱۱ و ۴۹ دقیقه
غروب آفتاب	۱۶ و ۵۸ دقیقه
اذان مغرب	۱۷ و ۱۷ دقیقه
نیمه شب شرعی (پایان وقت ادای نماز عشا)	۲۳ و ۰۶ دقیقه
اذان صبح (فردا)	۵ و ۱۴ دقیقه
طلوع آفتاب (فردا)	۶ و ۴۰ دقیقه

اتحادیه عرب، ائتلاف معارضان سوریه را به رسمیت شناخت

سرویس خارجی: اتحادیه عرب، ائتلاف ملی مخالفان سوری را به عنوان نماینده قانونی خواست‌ها و آمال ملت سوریه به رسمیت شناخت.

حمد بن جاسم بن جبر آل ثانی، نخست‌وزیر و وزیر امور خارجه قطر در کنفرانس مطبوعاتی مشترک با نبیل العربی، دبیرکل اتحادیه عرب و عدنان منصور، وزیر خارجه لبنان اعلام کرد: اتحادیه عرب ائتلاف ملی سوریه را به رسمیت شناخته و از سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی نیز می خواهد این ائتلاف را به رسمیت بشناسند و از آن حمایت سیاسی و مالی به عمل آورند.

وی اخبار منتشر شده مبنی بر این که ائتلاف تشکیل شده و صدور مصوبه از سوی شورای اتحادیه عرب در این زمینه در نتیجه اعمال فشار آمریکا بوده را رد کرد و گفت: اگر کاری بکنیم می گویند با اعمال فشار آمریکا بوده و اگر کاری نکنیم می گویند تحت تاثیر فشار آمریکا کاری نمی کنند.

بن جاسم با تاکید بر اینکه از ملت سوریه با تمامی توان حمایت می کنیم، تصریح کرد: وزرای خارجه کشورهای عربی حمایت خود را از ماموریت اخضر ابراهیمی مطرح کردند و برگزاری مذاکرات برای انتقال قدرت را بر اساس یک جدول زمانی و تداوم تلاش‌ها برای توافق نظر در شورای امنیت خواستار شدند.

وی افزود: وزرای خارجه کشورهای عربی همچنین از شورای امنیت خواستند کشتارها در سوریه را جنایت‌های غیرانسانی بداند.

نخست‌وزیر قطر خاطرنشان کرد: لبنان از رای دادن در خصوص این مصوبه خودداری کرد و عراق و الجزایر نیز در قبال این مساله که ائتلاف مخالفان سوری نماینده قانونی مردم سوریه باشد، موضعی محتاطانه اتخاذ کردند.

گفتنی است در بیانیه شورای وزیران خارجه کشورهای عربی از دیگر جناح‌های مخالف سوری خواسته شد به ائتلاف بپیوندند تا یک ائتلاف گسترده در برگیرنده تمامی گروه‌های سوری بدون هیچ استثنایی باشد.

دراین حال وزیر خارجه ترکیه، حمایت جامعه بین‌الملل از ائتلاف معارضان سوریه را خواستار شد. احمد داود اوغلو خطاب به جامعه بین‌الملل گفت: با اتحاد و ائتلاف معارضان سوریه، شما دیگر عذری ندارید.

داود اوغلو مدعی شد رژیم سوریه در اقدامی غیراخلاقی، شهروندان سوری در «راس العین» واقع در منطقه مرزی سوریه و ترکیه را هدف بمباران قرار می دهد و جامعه بین‌الملل باید موضعی جدی در قبال این مسئله اتخاذ کند.

رئیس جمهوری ترکیه نیز در اظهاراتی نسبت به استفاده نظام سوریه از سلاح‌های شیمیایی علیه مردم این کشور هشدار داد. عبدالله گل، اظهار داشت: این کاملا مشخص است که سوریه سلاح‌های شیمیایی و سامانه‌های پرتاب موشک ساخت روسیه در اختیار دارد که آماده شلیک هستند لذا باید اقداماتی فوری برای ممانعت از استفاده دمشق از سلاح شیمیایی و رویارویی با وضعیت مذکور اتخاذ شود.

گل همچنین به حمله اخیر جنگنده‌های سوریه به مناطق مرزی ترکیه اشاره کرده و گفت: ترکیه نمی تواند در مقابل چنین اقداماتی ساکت بنشیند و یقینا واکنش مناسبی در این خصوص اتخاذ می‌کند.

همچنین نخست‌وزیر ترکیه اعلام کرد: ترکیه آماده است برای برکناری بشار اسد از قدرت و پایان دادن به وضعیت کنونی سوریه وارد عمل شود.

رجب طیب اردوغان افزود: ترکیه تمایل دارد هر چه سریعتر صلح در سوریه برقرار شود.

این درحالی است که روزنامه ترکیه‌ای یورت، از وجود پایگاه‌های نظامی جدید برای آموزش گروه‌های مسلح خارجی در ترکیه پرده برداشت.

یورت فاش کرد: دولت ترکیه پایگاه‌های آموزشی جدیدی را برای گروه‌های مسلح خارجی در منطقه مرزی ترکیه با سوریه و در داخل خاک ترکیه ایجاد کرده است.

این روزنامه نوشت: این پایگاه‌ها با هدف فراهم کردن زمینه برای اعزام بیش از ۲۰۰۰ نیروی مسلح به سوریه است که در پایگاه‌های نظامی مذکور و به دست فرماندهان اسرائیلی - آمریکایی آموزش می‌بینند.

موضع دمشق

وزیر اطلاع‌رسانی سوریه تاکید کرد: هیچ قدرتی در جهان توانایی شکست سوریه را ندارد. عمران الزعبی گفت: دفاع از سوریه در حقیقت نه یک گزینه سیاسی بلکه ارزشی ملی است.

وی افزود: با وجود ارتش شجاع سوریه و ملت مقتدر این کشور، هیچ قدرتی در جهان توانایی ندارد که سوریه را شکست دهد.

وی تاکید کرد: ایمان ما به ارتش و ملت سوریه ناشی از اطمینان ما به اصول و ارزش‌های اخلاقی حافظ اسد و روحیه وی است که با هر دشواری روبرو شد. ما نسل حافظ اسد هستیم و به بی‌نظیر بودن وی ایمان داریم.

عملیات ارتش در لاذقیه

ارتش سوریه برای مقابله با قاچاق سلاح و توقف حمایت لجستیک ترکیه عملیات خود را در ساحل لاذقیه آغاز کرد.

ارتش سوریه در منطقه ربیعه در لاذقیه عملیاتی را در منطقه ساحلی آغاز کرده و مخفیگاه و ذاغه‌های مهمات متعلق به تروریست‌ها را هدف قرار داد.

از سویی انفجار خودرو بمب گذاری شده در شهر «الرقه» منجر به کشته شدن دو نفر و زخمی شدن یک تن دیگر شد. این خودرو بمب گذاری شده مقابل کلیسای «البشارة» منفجر شد.

روزنامه الوطن سوریه نیز نوشت در انفجار یک کارگاه ساخت بمب و موشک در منطقه الحمیدیه شهر حمص ۲۰۰ فرد مسلح حاضر در آن کشته شدند. در جریان این انفجار ساختمان محل استقرار افراد یادشده به طور کلی منهدم شد.

از سویی وزارت امور خارجه روسیه ضرب‌الاجل تعیین شده از سوی مخالفان در سوریه برای خروج نمایندگان دیپلماتیک و سازمان‌های بین‌المللی از این کشور و همچنین تهدید روسیه را غیرقابل قبول ارزیابی کرد.

نشست وزرای خارجه اتحادیه عرب در قاهره

دومین نشست وزرای عربی - اروپایی در قاهره

سرویس خارجی: دومین نشست مشترک وزرای خارجه کشورهای عربی و اروپایی با حضور دبیرکل اتحادیه عرب و مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا ...

... وزیر صنایع این کشور حضور دارند. در همین رابطه «جیمز موران» سفیر اتحادیه اروپا در قاهره گفت که نشست تیم کاری مشترک مصر و اتحادیه اروپا طی دو روز ... بیش از ۱۰۰ شرکت بزرگ اروپایی فعال در زمینه های مختلف برگزار شود.

تظاهرات اعتراضی

هواداران جماعت اسلامی مصر ... اعتراض‌آمیز شرکت کنند.

تداوم نا آرامی ها

یک مقام امنیتی در صحرای سینا از دومین حمله مردان نقابدار مسلح به ...

عکس از خبرگزاری فرانسه

تهدید آل خلیفه به تشدید مجازات معترضان

سرویس خارجی: نخست وزیر بحرین تهدید کرد، دولت با کسانی که آنها را اخلالگران در امنیت کشور نامید با قاطعیت برخورد خواهد کرد. خلیفه بن سلمان این ...

محکومیت جهانی حملات هوایی صهیونیست ها به غزه

تظاهرات پرتغالی ها علیه سفر مرکل در بحبوحه بحران اقتصادی اروپا

تظاهرات ضد دولتی دانشجویان ایتالیایی در ناپل

از سرگیری مذاکرات بغداد و مسکو برای خرید تسلیحات از روسیه

سید حسن نصر الله: شیعیان و اهل سنت مراقب فتنه باشند

سرویس خارجی: دبیرکل حزب الله لبنان با بیان اینکه وارد روزگاری پر از فتنه شده ایم، گفت: خطاب به شیعیان و اهل سنت می گویم مرحله کنونی بسیار حساس بوده و نباید اجازه دهیم هیچ کس با دروغ و سخنان گمراه کننده سبب ایجاد تنش و تحریک ما شود.

سید حسن نصرالله طی سخنانی در مراسم سالروز شهادت احمد قصیر که در لبنان روز شهید نام گرفته، در مجتمع سید الشهدا در حومه جنوبی بیروت گفت: عملیات شهادت طلبانه ای که شهید قصیر در سال ۱۹۸۲ در جنوب لبنان انجام داد، همچنان بزرگترین عملیات در تاریخ نبرد با اسراییل است. سیدحسن نصرالله با اشاره به اینکه مقاومت اسلامی در روز شهید امسال به سی سالگی خود رسیده، اظهار داشت: حزب الله ۳۰ سال فعالیت، شب زنده داری، تلاش، کوشش، سختی، خطرات، چالش ها، موفقیت ها و پیروزی ها را پشت سر گذاشته است.

دبیر کل حزب الله ادامه داد: امروز با شهدا پیمان می بندیم که راه آنها را ادامه دهیم و به وعده و میثاق آنها باور داشته و به آنچه آنها عشق ورزیده اند، عشق بورزیم.

وی گفت: امروزه این مقاومت، چند نسل مختلف را در آن واحد در خود جای داده و این نشان دهنده سرزندگی و پویایی آن است.

سیدحسن نصرالله اظهار داشت: برخی ها از ما و تمامی امت می خواهند گذشته خود را فراموش کنیم و علاوه بر این می خواهند مقاومت را به قتل و کشتار متهم کنند. وی با اشاره به دعوت رییس جمهوری لبنان از احزاب مختلف لبنانی برای نشستن بر سر میز گفتگوی های ملی گفت: این خیلی سخت است با کسانی که در سابقه خود، خیانت به کشور و همکاری با اسراییل وجود دارد، سر یک میز بنشینیم.

سیدحسن نصرالله ادامه داد: حقیقت این است که ما از سر فضل و کرامت خود در جلسات گفتگوهای ملی حاضر و با شما راجع به سلاح مقاومت و استراتژی دفاعی وارد بحث می شویم.

وی با تأکید بر راه مقاومت، ادامه داد: ما به برنامه و فعالیت خود بدون خستگی و سستی ادامه خواهیم داد و کسی فکر نکند آنچه در منطقه و لبنان علیه مقاومت گفته می شود، می تواند ما را از رویارویی با دشمن باز دارد.

سیدحسن نصرالله با اشاره به عملیات پرواز هواپیمای بدون سرنشین «ایوب» متعلق به حزب الله بر فراز سرزمین های اشغالی اظهار کرد: مقاومت توانسته معادله توازن قوای جدیدی را در برابر دشمن ایجاد کند و این معادله از طریق حمایت از ارتش، مردم و مقاومت مورد تأکید و توجه قرار گرفته است.

سیدحسن نصرالله در بخشی دیگر از سخنانش گفت: ما اگر می خواستیم به اتحادیه عرب تکیه کنیم، در جنوب لبنان که هیچ؛ در منطقه جبل لبنان (قلب لبنان) نیز شهرک های صهیونیستی ساخته شده بود.

دبیرکل حزب الله با انتقاد از اتحادیه عرب اعلام کرد: اتحادیه عرب چه نقشی در برابر تجاوزها و تعدی های رژیم صهیونیستی به غزه دارد؟

وی افزود: اتحادیه عرب چه موضعی در قبال هدف قرار گرفتن کارخانه ساخت سلاح در سودان توسط رژیم صهیونیستی و تعرض به تمامیت ارضی یک کشور عربی مستقل اتخاذ کرده است؟ این اتحادیه چه فعالیتی در خصوص کشتار مسلمانان میانمار انجام داده و جایگاه آن در تمامی مسایل و نقاط مشترک و اختلافی کجاست؟

وی در ادامه گفت: گزینه مقاومت یک گزینه انسانی و عقلانی بوده و دست کشیدن از آن دیوانگی است. وی با اشاره به روتد تند تحولات منطقه افزود: منطقه در بحران به سر می برد و لبنان نیز در بحران و بی ثباتی قرار دارد؛ از این ...

حضور هیات های عالی رتبه

مردم و احزاب خواستار اعزام ارتش به کراچی شدند

کوتاه از سراسر جهان

پای «جان آلن» به رسوایی رئیس سیا باز شد

فارس: پلیس فدرال آمریکا سرنخ‌های جدیدی از ردوبدل شدن «ایمیل های نامناسب» بین فرمانده «ناتو» و نفر سوم پرونده فساد اخلاقی رئیس دستگاه اطلاعاتی این کشور (سیا) کشف کرده است. ژنرال «جان آلن» به دلیل «ارتباطات نامناسب» با «جیل کلی» زنی که «پائولا برادول» معشوقه «دیوید پترائوس» رییس سیا برای او ایمیل های تهدیدآمیز فرستاده بود، تحت بازجویی قرار گرفته است. بنابه گفته یکی از مقامات ارشد دفاعی آمریکا پلیس فدرال آمریکا «اف.بی.آی»، ایمیل های تقریبا نامناسبی را کشف کرده که بین آلن و کلی رد و بدل می شده است.

«جان کری» ؛ وزیر دفاع جدید آمریکا

فارس: رئیس جمهوری آمریکا بعنوان بخشی از چیدمان جدید تیم امنیتی خود، انتصاب سناتور دموکرات ایالت «ماساچوست» بعنوان وزیر دفاع جدید آمریکا را بررسی می کند. «باراک اوباما» در حال بررسی این موضوع است که از «جان کری» درخواست کند تا بعنوان وزیر دفاع بعدی آمریکا فعالیت کند. این اقدام اوباما بخشی از نوآرایی تیم امنیت ملی وی است که شامل پیدا کردن جایگزینی برای «دیوید پترائوس» رئیس دستگاه اطلاعاتی «سیا» که به دلیل رابطه پنهانی با یک زن مجبور به استعفا شد، می‌شود.

شورشی های دارفور با خارطوم مصالحه می کنند

فارس: دولت قطر اعلام کرد به زودی برخی گروه‌های شورشی دیگر در منطقه دارفور سودان به توافقنامه صلح با دولت خارطوم بر اساس سند دوحه ملحق می‌شوند. «احمد آل محمود»، معاون نخست وزیر قطر پس از چهارمین نشست کمیته پیگیری اجرای سند صلح دارفور گفت: جنبش عدالت و برابری توافقنامه صلح با دولت خارطوم بر اساس سند دوحه را امضا کرده است و گروه‌های دیگری نیز برای امضای این توافقنامه ابراز علاقه‌مندی کرده‌اند.

آغاز تفتیش منزل معشوقه « پترائوس »

فارس: مأموران پلیس فدرال آمریکا به خانه معشوقه رئیس سازمان سیا رفتند و خانه وی را مورد جستجو قرار دادند. پلیس فدرال آمریکا منزل «پائولا برادول» افسر آمریکایی را که با «پترائوس» رابطه پنهانی داشت و منجر به استعفای پترائوس به عنوان رئیس سیا شد، مورد بازرسی قرار دادند. این تفتیش اوایل شب انجام شد و مأموران اف بی آی به خانه برادول در «کارولینای شمالی» رفتند و خانه را تحت بازرسی قرار دادند اما جزئیات این تفتیش فاش نشد.

درخواست برای روشن شدن سرنوشت رئیس جمهوری موریتانی

فارس: معارضان موریتانی در حالی که رئیس پارلمان از نخست‌وزیر این کشور خواست وضعیت سلامت رئیس جمهوری را که در هاله‌ای از ابهام قرار دارد برای مردم روشن کند، خواستار تشکیل دولت انتقالی برای پر کردن خلأ قدرت شدند. رئیس مجمع ملی (پارلمان) موریتانی در مراسم افتتاح دور جدید ...

عضویت مجدد آمریکا در شورای حقوق بشر سازمان ملل

«سوزان رایس» و فعالیت در سازمان ملل

درخواست نمادین جدایی از آمریکا

آلمان؛ متهم قتل «اوزال»

آزمایش موشک های دور برد کره شمالی

هشدار پوتین به غرب

ترور روحانی مسلمان در قفقاز روسیه

کار آفرینی راهکار مقابله با چالش بیکاری

* امروزه مفهوم کارآفرینی به عنوان موتور محرکه توسعه پایدار در همه شاخه ها شناخته می شود و همه به اهمیت کارآفرینی در تولید و اشتغال اذعان دارند، رهیافت کار آفرینی در اقتصاد و مدیریت به رهیافت غالب تبدیل شده و در حوزه های دیگر هم ورود کرده است.

* حمایت از کارآفرینان نه تنها می تواند باری از دوش دولت ها به لحاظ مسئولیت ایجاد اشتغال بردارد، بلکه حمایت از بخش خصوصی محسوب می شود ، زیرا کارآفرینان با تکیه بر توانمندی خود و با حمایت دولتها می توانند اشتغال را در کشورهای خود گسترش دهند و به تولید ثروت بپردازند.

* توسعه کارآفرینی فرآیندی است که برای تحقق آن نه تنها فرد ،بلکه جامعه نیاز به تغییر و تحول دارد .البته در این خصوص برای توسعه کارآفرینی باید به سراغ پیش دبستانها، مدارس، الگوهای تربیتی ودانشگاهها رفت و برای تغییر نگرش کلی جامعه به منظور نهادینه کردن الگوی کار و تلاش گام برداشت.

بیکاری هم اکنون یکی از معضلات مهم نه تنها برای کشور های در حال توسعه ، بلکه برای کشورهای توسعه یافته محسوب می شودو دستیابی به شغل و ایجاد درآمد می تواند شرایط معیشت را برای افراد و خانواده ها بهبود بخشد، به طوری که با گسترش کارآفرینی در جامعه می توان تولید ثروت کرد و در نهایت این مهم منجر به توسعه عدالت اجتماعی خواهد شد.

مسئولان به طور عام در اکثر کشورهای در حال توسعه به دلیل نبود برنامه ریزی صحیح با افزایش نرخ بیکاری مواجه هستند و توانایی بکارگیری نیروهای فعال جامعه را ندارند. در چنین شرایطی باید به دنبال توسعه کارآفرینی در جامعه بود، ضمن اینکه ضروری است دولتمردان و برنامه ریزان اجتماعی، امکانات خود را برای حمایت از آنها گسترش دهند.

هم اکنون در بسیاری از کشورها قوانین حمایت از کارآفرینی تنظیم شده و کارآفرینان همواره در حمایت دولتها از طریق موسساتی که برای این منظور ایجاد شده است، قرار دارند.

امروزه مفهوم کارآفرینی به عنوان موتور محرکه توسعه پایدار در همه شاخه ها شناخته می شود و همه به اهمیت کارآفرینی در تولید و اشتغال اذعان دارند، رهیافت کار آفرینی در اقتصاد و مدیریت به رهیافت غالب تبدیل شده و در حوزه های دیگر هم ورود کرده است . کارآفرینی در جوامع مختلف به عنوان نمادی برای تلاش و موفقیت در امور تجاری تبدیل شده و این واژه، دستاوردهای مثبت دیگری مانند بارور شدن خلاقیت ها، ترغیب نوآوری، ایجاد و توسعه تکنولوژی، تولید ثروت در جامعه و افزایش رفاه عمومی را به همراه دارد. باید اشاره داشت حمایت از کارآفرینان نه تنها می تواند باری از دوش دولت ها به لحاظ مسئولیت ایجاد اشتغال بردارد، بلکه حمایت از بخش خصوصی محسوب می‌شود ، زیرا کارآفرینان با تکیه بر توانمندی خود و با حمایت دولتها می توانند اشتغال را در کشورهای خود گسترش دهند و به تولید ثروت بپردازند. سیر تحولات جهانی در سال های اخیر ، کارآفرینان را در خط مقدم توسعه اقتصادی قرار داده است. تجربه موفق اکثر کشورهای پیشرفته و برخی از کشورهای در حال توسعه در عبور از بحران اقتصادی به واسطه توسعه کارآفرینی در آن کشورها موجب شده است تا سایر کشورها برای شکل گیری کسب و کارهای نوآورانه اهمیت خاصی قائل شوند.

کارآفرینان به طور عام دارای ویژگی هایی نظیر خلاقیت، مخاطره پذیری، انعطاف پذیری، توانایی ایجاد ارتباط، انگیزه توفیق طلبی و در نهایت مسئولیت پذیری هستند. بی تردید، خلاقیت و نوآوری در افراد ذاتی است ، اما شیوه های آموزشی می تواند در بروز خلاقیت موثر باشد.

کارآفرینی، تنها یک مفهوم است .اما این مفهوم در خود رازهای بی شماری از مسائل فردی، فرهنگی، تاریخی و آموزشی را مستتر کرده است.

در حقیقت توسعه کارآفرینی فرآیندی است که برای تحقق آن نه تنها فرد ،بلکه جامعه نیاز به تغییر و تحول دارد .البته در این خصوص برای توسعه کارآفرینی باید به سراغ پیش دبستانها، مدارس، الگوهای تربیتی ودانشگاهها رفت و برای تغییر نگرش کلی جامعه به منظور نهادینه کردن الگوی کار و تلاش گام برداشت.

در این زمینه رئیس دفتر دیده بان جهانی کارآفرینی در ایران از بهبود شاخص های کارآفرینی در کشور خبر داده و می گوید: شاخص های کارآفرینی به نسبت سال گذشته از روند رو به رشدی برخوردار بوده اند. به گفته وی شاخص های کارآفرینانه شامل ادراکات کارآفرینانه، فعالیت کارآفرینانه و اشتیاق کارآفرینانه در پژوهشی که برای ارزیابی شاخص های کارآفرینان در کشور انجام شده است ،مورد ارزیابی قرار گرفتندو بر این اساس درک قابلیت کارآفرینانه در سال گذشته ٤٦ درصد بود که در سال جاری به ۵۰ درصد رسیده است.

همچنین شاخص درک فرصت کارآفرینانه در سال گذشته ۳۲ درصد بود که امسال این میزان هفت درصد افزایش داشته است.

وی می افزاید:کارآفرینی به عنوان گزینه مطلوب هم در سال گذشته ٦١ درصد بوده که امسال به ٦٠,١٩ درصد رسیده است. در همین خصوص ،گزینه منزلت اجتماعی کارآفرینان موفق در سال گذشته و امسال همچنان ۷۳ درصد بوده است.

ارزیابی ها همچنین نشان می دهد نرخ کارآفرینی تثبیت شده در کشور طی یک سال گذشته از ۱۱,۲ درصد به ۹,۵ درصد رسیده است که این امر بیانگر آن است که دادن تسهیلات از سوی بانکها به تنهایی کافی نیست و نمی تواند سبب ماندگاری کسب و کار شود.رئیس دفتر دیده بان جهانی کارآفرینی در ایران کارآفرینی نو پای مردان را هم در سال جاری ۱۵,٦ درصد و زنان را ۵,۹ درصد عنوان کرده و می گوید: تغییرات از سال گذشته نشان می دهد، این شاخص برای مردان چهار درصد کاهش و برای زنان ۱,۳ درصد افزایش یافته است که البته با توجه به این که زنان به لحاظ افزایش آموزش های دانشگاهی تمایل به حضور موثر در بازار کار دارند ،افزایش شاخص کارآفرینی نو پای زنان به همین دلیل است.

به این نکته باید اشاره داشت:امروزه؛ کارآفرینی دارای مفهومی وسیع تر از اشتغالزایی است، این در حالی است که تورم نیروی انسانی بیکار در جامعه به ویژه در بین دانش آموختگان و برداشت غلط از نام کارآفرینی، موجب شده تا تنها تصور اشتغالزایی برای آن در نظر گرفته شود. با این وجود، اهمیت کارآفرینی از نظر اشتغال موجب شده تا بتدریج یک وفاق عمومی در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه ایجاد شود، مبنی بر اینکه بحران بیکاری به جز از طریق توسعه کارآفرینی و دمیدن روح نوآوری در کالبد اجتماعی امکان پذیر نیست.

از اینرو، کشورهایی نظیر امریکا، کانادا ، فنلاند، هند، مالزی، سنگاپور، استرالیا و آلمان؛ سیاست ها و برنامه های حمایتی گسترده ای را در این خصوص تدوین و به مرحله اجرا گذاشتند. به اعتقاد بسیاری از صاحبنظران اقتصادی؛ تنها عاملی که می تواند در محیطی رقابتی و در شرایط فاقد تعادل، جامعه را به سمت توسعه به پیش ببرد، کارآفرینی است و هسته اصلی کارآفرینی هم یافتن روش های خلاقانه است که با بکارگیری تکنولوژی جدید یا بازیابی بهتر ،سریعتر و کم هزینه تر، نیازهای بشری به صورت مطلوب تری برآورده سازد.

بقیه در صفحه ۱۸

تجارت پارسی در اردو بازار

۴۰ | گزارش کامران نرجه ، خبرنگار اعزامی اطلاعات به پاکستان

علاقمندم بخش پایانی این سلسله گزارش را به معرفی یکی دیگر از زمینه های همکاری اقتصادی میان ایران و پاکستان اختصاص دهم که احتمالا از دید بسیاری از سرمایه گذاران کشورمان مغفول مانده است .

درمسیر بازگشت از دفتر سروزیری ایالت پنجاب به هتل « آواری » ، متوجه انباشت مقادیر قابل توجهی زباله در اطراف شهر لاهور شدم . زباله هایی که احتمالا در نوبت سوختن و معدوم سازی بودند و طرح جامعی برای بازیافت آنها وجود نداشت . به گفته مقامات محلی در ایالت پنجاب ٤ مرکز بازیافت زباله وجود دارد که ۳ مورد از آنها توسط اروپایی ها احداث شده ، با این حال پنجاب همچنان نیازمند ایجاد مراکز بازیافت بیشتر و مکانیزاسیون صنایع بازیافتی است .

پاکستان با وجود قریب به ۲۰۰ میلیون نفر جمعیت یکی از بزرگترین تولیدکنندگان زباله های قابل بازیافت در آسیا به شمار می رود و هرگونه سرمایه گذاری در ایجاد صنایع بازیافتی در این کشور به دلیل حجم بالای زباله ، کاملا سودآور است .

به اعتراف یکی از مسئولان اتاق بازرگانی لاهور سال گذشته تعدادی از صنعتگران پنجاب برای استفاده از تجارب ایران در زمینه بازیافت زباله به شهر مشهد سفر کردند ،ولی توافقات صورت گرفته با ایرانی ها برای توسعه صنایع بازیافت در این ایالت هنوز اجرایی نشده است .

پنجاب همچنین پتانسیل بالایی برای راه اندازی تورهای گردشگری دارد. به ویژه آنکه مردم این ایالت شیفته سفر به ایران هستند و زیارت بقاع متبرکه مشهد ، شیراز و قم آرزوی آنهاست . این نکته در لابه لای مذاکرات اغلب نمایندگان تشکل های صنفی و صنعتی پاکستان با اعضای هیات تجاری ایران مشهود بود .

عمده تجار و صنعتگران پاکستان تقاضای افزایش مدت روادید سفر به ایران و امکان بازدید از شهرهای مذهبی کشورمان را داشتند که البته تصمیم گیری در این مورد به عهده مسئولان وزارت خارجه است .

سفر به پاکستان چهره جدیدی از اقتصاد این کشور را برای فعالان بخش خصوصی ایران نمایان ساخت . بدون شک مهمترین دستاورد این سفر کشف زمینه های جدید همکاری اقتصادی میان دو کشوربود که شرح تمامی آنها در حوصله این گزارش نیست .

همکاری های قبلی ایران و پاکستان برمبنای توافقنامه های رسمی میان دولت های متبوع شامل امور حمل و نقل زمینی ، هوایی ، دریایی ، ریلی، تسهیلات گمرکی ودربخش صنعتی شامل صنایع سیمان، شکرسازی ، پالایشگاه ، ماشین سازی ، کشاورزی و انرژی بوده است . اما این سفر نشان داد که هنوز زمینه های فراوانی برای توسعه همکاری های اقتصادی بین دو کشور وجود دارد که نیازمند شناسایی است .

شناخت این استعدادهای نهفته و انتقال اطلاعات مربوط به آن ها نیازمند تلاش بیشتر دفاتراقتصادی و رایزن های بازرگانی ایران در پاکستان است . اما تجارب این سفر نشان داد ظرفیت دفاتر اقتصادی ایران در این کشور بیشتر در خدمت امور فرهنگی و سیاسی است تا موارد اقتصادی و شاید همین مساله باعث شده تا تجار و صنعتگران ایران از پاکستان و پتانسیل های همکاری های اقتصادی با این کشور ، شناخت ناقصی داشته باشند .

گام جدیدی که اتاق بازرگانی ، صنایع ، معادن و کشاورزی تهران برای اعزام هیات های بازارشناسی و بازاریابی به کشورهای اطراف برداشته ، تلاش موثری برای اصلاح این مشکل و همچنین بهره برداری مطلوب از استعدادهای ناشناخته روابط تجاری و صنعتی با کشورهای همسایه است .

والسلام

کارآفرینی راهکار مقابله با چالش بیکاری

بقیه از صفحه ۱۷

از آنجا که فرد کارآفرین به دنبال سرمایه گذاری های دولتی برای ایجاد اشتغال نیست، می تواند با شناخت صحیح از فرصت ها و مدیریت منابع، ایده خود را عملی ساخته و نقش مهمی در تولید اشتغال مولد ایفا کند.

قدرت کارآفرینان در استفاده از فرصت ها و ظرفیت آنها در برابر موفقیت، معیارهایی هستند که همراه با مدیریت و نوآوری سهم مهمی در رشد اقتصادی ایفا می کنند، به طوریکه ضرورت وجود کارآفرین نه تنها در سطح کلان، بلکه از دیدگاه خرد هم، غیر قابل چشم پوشی است. با تغییراتی که در سالهای اخیر ایجاد شده، شرکت ها مجبور شده اند که با رقبای جدی مواجه شوند، سرعت نوآوری و ارایه محصولات جدید به قدری زیاد است که ابداع به یک امر روزمره تبدیل شده است، در این شرایط شرکت ها باید به سمت نوآوری روی آورند، این تغییرات سریع از سوی دیگر سبب شده که شیوه سنتی مدیریت دیگر نتواند پاسخگوی شرایط باشد و بهترین راه چاره برای این مشکلات، تمرکز بر کارآفرینی به عنوان محور جدید برای رشد و پیشرفت بنگاهها و اقتصاد است.

به گزارش ماهنامه اقتصاد ایران، سید محمد مقیمی رییس کرسی کارآفرینی یونسکو در کشورمان، معتقد است: انواع مفاهیم کارآفرینی در موفقیت کشورهای پیشرفته نقش اساسی داشته است، ما هم برای گام نهادن در یک مسیر قابل قبول، باید به مفاهیم مختلف کارآفرینی توجه داشته و با نهادینه کردن آن در سطح جامعه، به یک رشد موزون و متوازن برسیم.

وی درخصوص حمایت از کارآفرینان برای رسیدن به رشد اقتصادی، می گوید: کارآفرینان افرادی متکی به خود و مستقل هستند و خیلی نیاز به حمایت های دولتی ندارند. ویژگی آنان این است که با موانع روبرو شوند و آنها را پشت سر بگذارند. اما در عین حال، دولت هم باید صحنه اقتصادی جامعه را به گونه ای آرایش کند که کارآفرینان بتوانند با آسودگی خاطر به فعالیت بپردازند و به بهبود وضع تولید و اشتغال در جامعه کمک کنند.

این عضو هیات علمی دانشگاه تهران ادامه می دهد: البته اولویت حمایت های دولت همواره مالی نیست .مثلا در حال حاضر، اصلاح قوانین مختلف حمایتی و تنظیم این قوانین – همچون قانون کار – در جهت گسترش کارآفرینی از مهمترین مواردی هستند که باید اصلاح شوند .بعد از آن، سیاست های تجاری و گمرکی که در جهت حمایت از کارآفرینان وضع می شوند، باید مورد بازبینی قرار گیرند و نکته آخر، سرمایه گذاری در حوزه کارآفرینی به جای نگاه مستقیم به اشتغالزایی است.

وی معتقد است:مشکل سیاست گذاران در زمینه اشتغال این است که بیکاری را به عنوان یک مساله در خلاء نگاه می کنند و سعی در رفع آن با سیاست های مستقیم و ناکارآمد دارند، در حالی که خیمه اشتغال در جامعه کارآفرینی است و بیکاری فقط یک عارضه است که کاهش آن در گرو سرمایه گذاری در بخش کارآفرینی است و این سرمایه گذاری، با ضریب تکاثر بالایی بر اشتغال پایدار و بادوام تاثیر گذار خواهد بود.

وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی هم با اشاره به اهمیت ایجاد شغل در جامعه، می گوید: براساس اسناد توسعه اشتغال و پشتیبان برنامه پنجم در سال ۱۳۹۱، در مجموع ۲ میلیون و ۳۰۵ هزار شغل ایجادخواهد شد که از این رقم، یک میلیون و ۱۱۵ هزار شغل جدید و مابقی حفظ اشتغال موجود است.

عبدالرضا شیخ الاسلامی می افزاید: با تحقق این میزان اشتغالزایی در سال جاری، ۲ درصد از نرخ بیکاری کشور کاسته خواهد شد.

ناگفته نماند: در بسیاری از کشورهای توسعه یافته، خلاقیت و نوآوری اجزای نظامهای آموزشی در آن کشورها محسوب می شوند. کودکان در حین آموزش به قابلیت های فردی خود پی می برند و می توانند خود را برای آینده فعال آماده کنند.

نظام های آموزشی در کشورهای توسعه یافته به گونه ای است که بر توانمندی و ابتکار دانش آموز تاکید دارد و دانش آموزان را از محفوظات مجرد ذهنی که نتیجه ای جز خستگی در بر ندارد، مبری می کند .به طوری که برخی از دروس نظیر یادگیری علوم بر آزمایش های عملی و ارائه گزارش از سوی کودکان، تاکید دارد. شرایط یاد شده می تواند خلاقیت و ابتکار و همچنین مسئولیت پذیری را در میان کودکان افزایش دهد. این امر در نهایت منجر به این می شود که دانش آموز توانایی به اتمام رساندن انجام مسئولیتی که بر عهده اش نهاده شده است را می یابد.

نظام های آموزشی که مبتنی بر آموزه های نظری است ،دانش آموز را از خلاقیت دور می کند و هرگونه نوآوری که از سوی دانش آموز بکار رود، می تواند برای وی منتج به نتایج نامطلوب شود.

در چنین شرایط نامطلوبی است که دانش آموزان با جذب حداکثری محفوظات ذهنی خود جذب نظامهای آموزشی بالاتر(دانشگاه) می شوند و در این نظام جدید بندرت پیش می آید که در جهت تغییر خود و حل مشکلی برآیند. برای ظهور خلاقیت و نوآوری در بین دانش آموزان باید به سراغ سال های ابتدایی آموزش رفت. آموزه های پیش دبستانی باید مبتنی بر افزایش تفکر خلاق باشد که این مهم نیازمند مربیانی توانا است که خود برای ارائه این گونه آموزه ها توانمند باشند. هم اکنون در بسیاری از کشورهای توسعه یافته الزام است که آموزگاران دوره های آموزش و پرورش را بگذرانند تا بتوانند به عنوان معلم در دبستان یا دبیرستان ها استخدام شوند ، در حالیکه در برخی از کشورهای در حال توسعه به طور عام ضعیفترین افراد به لحاظ آموزشی، به سوی آموزش و پرورش سوق داده می شوند.در کشورهای پیشرفته همواره تدریس در مقطع دبستان دشوارتر از دیگر مقاطع تحصیلی است و آموزش و پرورش تلاش می کند شرایط را برای دانش آموزان بهینه کند تا خلاقیت و نوآوری و اعتماد به نفس در همان سالهای ابتدایی آموزش در آنها نهادینه شود.

در این زمینه بی تردید،نظام آموزشی در ایران با مشکلات متعددی مواجه است. بسیاری ازفارغ التحصیلان دانشگاهی نه تنها موفق به کسب مهارت نمی شوند ، حتی اگر زمانی موفق به یافتن شغلی هم شوند،از عهده ابتدایی ترین کار که همان نگارش گزارش کار است،به دشواری بر می آیند.

برخی از کارشناسان بر این باورند که الگوهای اقتصادی براحتی تغییر می کنند ، اما نگرش های فرهنگی به سختی دچار تغییر خواهند شد و برای تغییر نیاز به زمان بیشتری دارند.

شکی نیست زمانی کارآفرینی در جامعه نهادینه می شود که فرهنگ کار و تلاش در جامعه الگوی برتر شود. هم اکنون اقتصاد ایران نظیر سایر کشورها با برخی مشکلات از جمله بیکاری و سست شدن فرهنگ کار و تلاش مواجه است از این رو برای بهبود شرایط یاد شده نباید تنها منتظر تغییرات فرهنگی بود.در حالیکه باید نهادهای حمایتی برای کارآفرینان در جامعه ایجاد شود، تغییر الگوهای فرهنگی با تلاشی مضاعف باید در کشور صورت گیردو در این میان به نظر می رسد؛ با توسعه توامان شرایط عمومی اقتصاد و شرایط کارآفرینانه می توان به رشد اقتصادی دست یافت؛ شرایط عمومی اقتصادهم با توجه به باز بودن اقتصاد، وضع بازارهای مالی، وجود زیرساخت های فیزیکی و وجود دولتی وظیفه شناس تعریف می شود. بنابراین؛ برای بهبود شرایط کارآفرینانه، باید وضع تامین مالی، سیاست ها و برنامه های دولت، میزان دسترسی به زیرساخت ها و سرعت انتقال تحقیق و توسعه را مدنظر قرار داد.

واکاوی دلائل و پیامدهای بی‌ثباتی نرخ ارز

***آنچه در پی آمده است، گزارش کمیسیون ویژه حمایت از تولید ملی و نظارت بر اجرای سیاست‌های کلی اصل ٤٤ در مورد ریشه‌ها و دلائل افزایش نوسان غیر متعارف ارز و راهکارهای مقابله با بی‌ثباتی ارزی است که بخش اول آن را دیروز ملاحظه کردید و اینک بخش دوم و پایانی آن را می‌خوانید.**

نگاهی به رشد شاخص‌های عمده فروشی منتشر شده بانک مرکزی نشان می‌دهد که طی فروردین سال ۱۳۸۹ تا فروردین سال ۱۳۹۱ این شاخص از ۷,۳ درصد به ۳۲,٤ رسیده و طی این دوره حدود ٢٦ درصد رشد داشته است؛ این در حالی است که قیمت کالاهای تولید کنندگان کنترل شده است. بدین ترتیب اولا سهم بخش تولید در یارانه‌ها پرداخت نشده یا ناچیز پرداخت شده است و ثانیا در بخش مسکن هم انبوه سازان این بخش چندان به کار گرفته نشده‌اند و عمدتا شرکت‌های خارجی با قراردادهای ۱۰۰ هزار واحدی و ۳۵ هزار واحدی وارد عرصه ساخت و ساز و انبوه سازی شده‌اند که این امر زمینه تعطیلی یا بروز تخلفات در تولید را به همراه داشته و فضای کسب و کار را با تهدید جدی مواجه کرده است و ثالثا بانک مرکزی با تزریق پول پر قدرت به بدنه اقتصاد برای وام‌های مسکن مهر و افزایش یارانه‌ها زمینه افزایش تورم را فراهم کرده است.

رانت و فساد :یکی از مواردی که موجب بی‌ثباتی ارز در شرایط کنونی اقتصاد کشور شده است فرصت ایجاد شده برای رانت‌جویی است. همچنانکه توضیح داده شد فرصت‌های رانت جویی به دلیل تعدد نرخ ارز ایجاد شده است و همین امر می‌تواند موجب نوسانات در قیمت ارز شود.

راهکارهای مقابله با بی‌ثباتی ارزی

واقعیت این است که اولا مشکلات بازار ارز صرفا برگرفته از مسائل پیش روی این بازار نیست و مجموعه‌ای از تحولات اقتصادی نظیر رشد نقدینگی، مدیریت متزلزل درباره مسائل ارزی در ایجاد و تداوم مشکلات دخیل بوده‌اند .ثانیا ارائه راهکاری مدون و منسجم در مورد ثابت یا شناور بودن و تک نرخ یا چند نرخی بودن ارز نیازمند اطلاعات دقیق از حجم منابع و مصارف ارزی و ترکیب هر یک از آنها است. همچنین حل مشکلات پیش رو نیازمند راهکارهای کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت است .با عنایت به نکات مذکور راه حل‌های کوتاه مدت ذیل برای کاهش التهاب بازار ارز و کمک به تصمیم گیری‌ها در فضای کسب و کار ارائه می‌شود:

الف- به عقیده بسیاری از کارشناسان ،اولویت کشور در شرایط کنونی تثبیت وضع اقتصادی است. لذا دولت می‌تواند با توجه به منابع و موجودی ارز و ترکیب آنها برای یک دوره موقت از شناور بودن نرخ صرف نظر کرده و نظام ارزی را با تعین نرخ ارز رسمی و باثبات در یک دوره زمانی با ملاحظات ذیل برقرار کند:

١- نرخی برای یک دوره حداقل سه ماهه و حداکثر یکساله به عنوان نرخ مبادله‌ای رسمی تعیین شود.

٢- واردات هر گونه کالا مشروط به تامین ارز از بازار رسمی (سیستم بانکی و صرافی‌ها مجاز) شود.

٣- تعهدات قبلی ارزی اعم از اعتبارات گشایش شده، یوزانس‌ها و سپرده‌های ارزی مردم به نرخ زمان تعهد، محترم شمرده شود و بانک مرکزی و بانک‌ها مسئولانه برخورد کنند.

٤- خرید و فروش ارز منحصرا در بانک‌ها و صرافی‌ها مجاز قانونی شمرده شود. در این خصوص باید نرم افزار مدیریت عرضه و تقاضای ارز بانک مرکزی در صرافی‌های مجاز نصب شود.

٥- برای جلوگیری از افزایش قیمت کالاهای اساسی (ارزاق عمومی) و دارو، یارانه ریالی به وارد کننده و تولید کننده داده شود و شبکه توزیع کنترل شود.

سیاست‌های پشتیبان: سیاست‌های تکمیلی زیر هم می‌تواند به تثبیت شرایط اقتصادی به ویژه در حوزه بازار ارز کمک کند:

١- تصمیمات و مدیریت بازار ارز مطابق با ماده ۱۰ و ۱۱ قانون پولی و بانکی کشور به طور کامل از وظایف بانک مرکزی است و نباید به غیر واگذار شود.

٢- اعتماد سازی از طریق بالاترین مقام اجرایی کشور برای عموم و خصوصا صادر کنندگان می‌تواند آنها را تشویق به عرضه ارز در بازار داخل کند. در این خصوص پیشنهاد می‌شود مشوق‌هایی برای صادرات کالاهای نهایی و دارای ارزش افزوده تعیین شود تا آنها تشویق شوند وجوه حاصل از صادرات را در بازار رسمی مبادله کنند. همچنین استفاده از ابزار مالیات در بخش‌هایی که بازدهی‌های غیر متعارف دارند و منابع بخش حقیقی را به سمت خود سوق می‌دهند هم ضروری است.

٣- سیاست تسهیل داخلی در مقابل تحریم خارجی ضروری است. به عبارتی جهت رونق بخشی واقعی اقتصاد و هدایت نقدینگی به سمت تولید می‌توان برخی از قوانین را اصلاح کرد. در شرایط فعلی مالیات، حق تامین اجتماعی و بانک‌ها برای فعالان اقتصادی مشکل ایجاد می‌کنند و باید در مورد این مشکلات تسهیلاتی ایجاد شود. لذا لازم است در شرایطی فعلی از هر گونه افزایش مالیات، مقررات محدود کننده، فشارهای تعزیراتی، فشار بانک‌ها بر واحدهای تولیدی، صدور اجرائیه برای تولید کنندگان و ممنوع الخروج کردن مدیرانی که واحدهای اقتصادیشان به دلایلی خارج از اختیار خود از جمله عدم وصول مطالبات از دولت،تاخیرهای تحریمی،خشکسالی و سرمازدگی جلوگیری شود.



برای عملیاتی کردن چنین موضوعاتی پیشنهاد می شود کمیته‌ای با حضور دستگاه‌های اجرایی مزبور از جمله سازمان امور مالیاتی، تامین اجتماعی، بانک‌ها با اختیارات کافی تشکیل شود تا مسائل بنگاه‌های تولیدی دارای مشکل را بررسی و راهکارهای عملی ارائه کنند.

٤- نقدینگی و رشد آن در صورتی که به سمت بخش مولد هدایت شود، مقبول و موثر است. از طرفی تورم لجام گسیخته مزمن، اصلی‌ترین عامل کاهش ارزش پول ملی و افزایش قیمت ارز در بازار است. لذا مسئله اصلی در مدیریت سیاست‌های پولی کشور، هدایت نقدینگی به سمت تولید و حمایت از این بخش است.

٥- بانک مرکزی در شرایط فعلی باید با استفاده از سیاست عملیات بازار باز و نرخ‌های سود منطقی و متناسب با بازار برای جذب نقدینگی مازاد در جامعه استفاده کند. جذاب کردن نرخ سود سپرده‌های ارزی با احترام به مالکیت اشخاص بر سپرده‌های ارزی جهت کشاندن پس اندازهای ارزی مردم از خانه‌ها به بانک‌ها و جذب نقدینگی سرگردان و همچنین استفاده از عملیات بازار باز با رعایت جنبه‌های شرعی آن ضروری به نظر می‌رسد.

٦- بخش خصوصی بسیاری از سرمایه‌های خود را در اثر سیاست‌های غلط ،از تولید خارج کرده یا به خارج از کشور منتقل کردند یا خود وارد جریان دلالی و خرید و فروش سکه و ارز وسفته بازی در بازار شده‌اند.

ایجاد اعتماد تنها می‌تواند از طریق مبارزه جدی با فساد بدست بیاید که این موضوع یک امر سیاسی است. شایان ذکر است که تشدید دو قطبی شدن جامعه (فقیر شدن فقرا و غنی‌تر شدن اغنیا) بر اثر رانت و فساد غیر قابل اجتناب است.

٧- تخصیص ارز به قیمت مرجع و مبادله‌ای برای کالاهای غیر ضروری و لوکس، بخش مسافری، دانشجویی غیر بورسی و بیمارانی که امکان معالجه آنها در کشور وجود دارد، ممنوع شود. اما امکان دسترسی آنها به ارز با قیمت بازار آزاد تسهیل شود.

٨- پورتال ارزی بانک مرکزی با توانایی رصد تمامی جوانب واردات کالا حتی بعد از ورود کالا به کشور در یک زمان مشخص تقویت شود.

٩- مجلس شورای اسلامی باید اولا نقش پررنگ و موثری در جلوگیری از اقدامات خلق الساعه در اقتصاد و سیاست کشور داشته باشد و ثانیا نظارت خود را بر نحوه اجرای قوانین به ویژه مقررات صادرات و واردات، مصارف ارزی و غیره را قاعده‌مند و مداوم انجام دهد و از ورود به نرخ گذاری ارزی ممانعت کند.

١٠- اتخاذ سیاست‌های موثر در جهت رفع تحریم‌ها از طریق فعالیت‌های سیاسی و حقوق بین‌الملل در سطح هر سه قوه و بخش خصوصی ضروری به نظر می‌رسد.

١١- تدابیر ویژه‌ای برای مقابله با بیکاری‌های احتمالی ماه‌های آتی باید اتخاذ شود. این موضوع را می‌توان از طریق قانون بودجه ١٣٩٢ کل کشور و در قالب بیمه بیکاری یا موارد دیگر چاره اندیشی کرد.

١٢- شایسته است در شرایط کنونی مبادله تهاتری با کشورهای خارجی هم برنامه‌ریزی و عملیاتی شود.

اخبار کوتاه اقتصادی

خصوصی سازی صنعت پتروشیمی تا پایان امسال تکمیل می شود

مدیر امور مجامع و سهام شرکت ملی صنایع پتروشیمی، گفت: خصوصی سازی در صنعت پتروشیمی تا پایان امسال با واگذاری های جدید تکمیل خواهد شد.

به گزارش ایرنا به نقل از شبکه اطلاع رسانی نفت وانرژی مرتضی رحیمیان اظهار کرد: سهام هلدینگ خلیج فارس به زودی واگذار می شود و با واگذاری ۳٤,۱ سهام پتروشیمی تبریز و همچنین شرکت کالای پتروشیمی، روند خصوصی سازی در پتروشیمی تکمیل خواهد شد.

وی افزود: شرکت کالای پتروشیمی به عنوان یکی از شرکت های مشمول واگذاری، مرحله قیمت گذاری را به اتمام رسانده و آگهی واگذاری آن منتشر شده است.

مدیر امور مجامع و سهام شرکت ملی صنایع پتروشیمی گفت: شرکت ملی صنایع پتروشیمی رتبه اول خصوصی سازی در سطح شرکت های تابع وزارت نفت را به خود اختصاص داده و به تعهدهای خود عمل کرده است.

اعلام جزییات جذب نیروهای جدید در شرکت نفت ،به زودی

مدیرتوسعه منابع انسانی شرکت ملی نفت ایران از اخذ مجوز برای جذب ۲ هزار و ٦٧٦ نیروی جدید در سال جاری در شرکت ملی نفت ایران خبر داد و گفت: جزییات و شرایط مربوط به رشته های مصوب و مراحل برگزاری آزمون در آینده ای نزدیک اعلام می شود.

به گزارش ایرنا به نقل از شرکت ملی نفت ایران ،عباس خنیفر گفت: جذب نیروی انسانی کارآمد به عنوان یکی از برنامه های اصلی مدیریت توسعه منابع انسانی شرکت ملی نفت ایران محسوب می شود و برهمین مبنا امسال هم نیروهای جدید از میان دانش آموختگان مقاطع کاردانی و بالاتر جذب صنعت نفت خواهند شد.

بانک اطلاعاتی صنعت پتروشیمی تدوین شد

رییس دفتر توسعه صنایع تکمیلی پتروشیمی از تدوین بانک جامع اطلاعاتی صنعت پتروشیمی و صنایع تکمیلی بنام ایزومرخبر داد.محمد زیار در گفت و گو با ایرنا، اضافه کرد: در چند ماه اخیر مطالعات گسترده‌ای جهت بررسی بانک‌های اطلاعاتی ایران و سایر کشورها انجام شده است که نتیجه این مطالعات در قالب مجموعه ایزومر منتشر خواهد شد.

وی ادامه داد: یکی از مشکلات اصلی در حوزه صنعت پتروشیمی و صنایع تکمیلی کمبود اطلاعات صحیح بخصوص در حوزه میزان خوراک و محصولات است که با تدوین این بانک اطلاعاتی، این مشکل مرتفع خواهد شد.

زیار تصریح کرد: در صورت وجود یک بانک اطلاعاتی آنلاین، جامع و قوی امکان ارتباط خریدار و فروشنده به صورت مستقیم برقرار شده و دست واسطه‌ها از بازار کوتاه می‌شود.

وی افزود: بانک اطلاعاتی صنعت پتروشیمی و صنایع وابسته که نخستین بانک اطلاعاتی در این زمینه است، هم زمان با نمایشگاه بین المللی نفت، گاز و پتروشیمی در فروردین سال آینده منتشر می شود.



آگهی تغییرات شرکت پخش باریجه دارو کویر (سهامی خاص) ثبت شده به شماره: ۴۳۲۲ شماره شناسه ملی: ۱۰۸۶۱۳۵۴۳۶۶

به استناد صورتجلسه مورخ ۱۳۹۱/۰۸/۱۰ مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت نام شرکت از نام قبلی به شرکت داروگستر باریج اسانس تغییر نام یافت که به تبع آن ماده یک اساسنامه به شرح فوق اصلاح گردید.

حسینیان -رئیس اداره ثبت اسناد و املاک کاشان

آگهی مناقصه عمومی یک مرحله‌ای شماره ۲۸/الف/۹۱ انتخاب پیمانکار حفر چاه‌های پیزومتر در دشت رفسنجان استان کرمان

شرکت آب منطقه‌ای کرمان در نظر دارد جهت حفر و تجهیز ۱۲ حلقه چاه پیزومتر در دشت رفسنجان استان کرمان (مجموعاً به عمق حدود ۱۵۰۰ متر با روش ضربه‌ای همراه با تهیه، مشبک کردن، حمل و نصب لوله‌های جدار و شن ریزی دور آنها) که براساس فهرست بهای واحد پایه رشته چاه سال ۱۳۸۸ به مبلغ ۸۷۱/۴ میلیون ریال برآورده گردیده، از بین شرکت‌های حفاری تشخیص صلاحیت شده دارای ظرفیت خالی انجام کار، با برگزاری مناقصه عمومی یک مرحله‌ای نسبت به انتخاب پیمانکار اقدام نماید. لذا از کلیه مناقصه‌گران ذیصلاح دعوت به عمل می‌آید حداکثر تا ساعت ۱۳ روز چهارشنبه ۱۳۹۱/۹/۸ جهت دریافت اسناد مناقصه در قبال ارائه تصویر مصدق گواهی تشخیص صلاحیت و رسید واریز مبلغ دویست هزار ریال به حساب جاری سپهر شماره ۲۱۹۵۰۸۳۸۱۲۰۰۱ نزد بانک صادرات ایران شعبه ۲۴ مهر کرمان در نشانی کرمان، خیابان پاسداران، شرکت آب منطقه‌ای کرمان، ساختمان شماره ۲ طبقه همکف اتاق ۱۳۱ دفتر قراردادها، نماینده خویش را کتباً معرفی و اعزام نمایند. شایان ذکر آنکه مدارک و پیشنهادقیمت هریک از مناقصه‌گران باید در پاکات لاک و مهر شده و حداکثر تا ساعت ۱۱ روز یکشنبه ۱۳۹۱/۹/۱۹ در قبال اخذ رسید در نشانی کرمان، خیابان پاسداران، شرکت آب منطقه‌ای کرمان، ساختمان سردار شهید عبدالمهدی مقفوری (شماره یک) طبقه همکف، اتاق ۱۰۵، دبیرخانه محرمانه دفتر حراست تحویل گردد. ضمناً این آگهی در سایت معاملات آب به نشانی wrm.ir و همچنین سایت پایگاه ملی اطلاع‌رسانی مناقصات به نشانی Iets.Mporg.ir درج و منعکس گردیده است.

روابط عمومی شرکت آب منطقه‌ای کرمان

بسمه‌تعالی

آگهی دعوت مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت یزد سرنگ (سهامی خاص)

مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت یزد سرنگ روز دوشنبه ۹۱/۹/۶ ساعت ۱۰ صبح در محل شرکت تشکیل و نسبت به موارد ذیل اتخاذ تصمیم خواهد شد. از کلیه سهامداران یا نماینده قانونی آن‌ها استدعا دارد جهت شرکت در جلسه مذکور حضور یابند.

دستور جلسه: ۱ـ تغییر آدرس دفتر مرکزی

۲ـ موارد دیگر که در اختیار مجمع فوق می باشد.

هیئت‌مدیره شرکت یزد سرنگ

ابلاغ وقت رسیدگی

خواندگان: محمد رهنمون و شیما جمال‌پور در جلسهٔ دوشنبه مورخ ۹۱/۹/۲۰ ساعت ۱۶ و ۳۰ دقیقه نسبت به انتقال سند یک دستگاه پژو ۲۰۶ به شماره ۷۳-۵۷۳ ج ۹۴ اقدام نمائید.

رئیس شورای حل اختلاف شماره ۱۲ شهری سیرجان -علی عبدالهی

آگهی تاسیس شرکت

خلاصه اظهارنامه و اساسنامه شرکت آسمان فراز افضل (سهامی خاص) که در تاریخ ۹۱/۸/۲۰ تحت شماره ۱۲۹۷ و شناسه ملی ۱۴۰۰۳۰۱۴۶۵۴ در این اداره به ثبت رسیده برای اطلاع عموم آگهی می‌گردد.

۱ ـ موضوع شرکت: صادرات و واردات کلیه کالاهای مجاز بازرگانی ـ مشارکت در ساخت پروژه‌های عمرانی ـ شرکت در مناقصات و مزایدات دولتی و خصوصی ـ اخذ وام و تسهیلات از تمامی منابع مالی کشور و بانک‌های خارجی پس از اخذ مجوز از مراجع ذیصلاح و رعایت قوانین و مقررات مربوطه.

۲ ـ مدت شرکت: از تاریخ ثبت به‌مدت نامحدود می‌باشد

۳ ـ مرکز اصلی شرکت: محمودآباد ـ خیابان امام ـ کوچه شهید آخوندی ـ ساختمان افضل ـ کد پستی ۴۶۳۱۷۴۳۵۱۳

۴ ـ سرمایه شرکت: مبلغ بیست میلیون ریال منقسم به یکصد سهم با نام دویست هزار ریالی که تماما به حساب ۴۲۰۰۵۰۴۰۴ شرکت واریز گردید.

۵ ـ اولین مدیران شرکت: برابر صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۹۰/۸/۱۴ شرکت تعاونی مرزنشینان با نمایندگی آقای رحمت‌اله شعبانی بعنوان رئیس هیأت مدیره خانم نسرین غلامی بعنوان نائب رئیس هیئت مدیره و آقای صابر علیزاده بعنوان منشی هیأت مدیره و آقای میلاد دهقان به عنوان عضو علی‌البدل هیأت مدیره و مدیرعامل برای مدت دو سال انتخاب گردیدند.

۶ ـ دارندگان حق امضاء: کلیه اسناد رسمی و تعهدآور بانکی از قبیل چک سفته برات با دو امضا از سه امضای مدیرعامل، رئیس هیأت مدیره و نائب رئیس هیأت مدیره همراه با مهر شرکت و سایر نامه‌های عادی واداری با امضای مدیرعامل همراه با مهر شرکت دارای اعتبار می‌باشد.

۷ ـ اختیارات مدیرعامل برابر مفاد اساسنامه می‌باشد.

۸ ـ آقایان باقر بهاری و ابوالقاسم رضایی به‌ترتیب به عنوان بازرسان اصلی و علی‌البدل شرکت برای یکسال انتخاب شدند.

۹ ـ روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات برای درج آگهی‌های موسسه انتخاب گردید.

ابراهیم حسین‌زاده
رئیس ثبت اسناد و املاک محمودآباد

شهرداری کاشان

آگهی تجدید مناقصه عمومی شماره ۹۱/۳۱ «مرحله سوم» نوبت اول

موضوع مناقصه: خدمات آبیاری، نگهداری و مراقبت از درختان و نهال‌های کاشته شده محدوده خدماتی شهر کاشان بر اساس شرح خدمات مندرج در اسناد و مدارک مناقصه و قرارداد منضم. مهلت دریافت اسناد حداکثر تا تاریخ ۹۱/۹/۱۲، مهلت قبول پیشنهادها حداکثر تا تاریخ ۹۱/۹/۱۴ و بازگشایی پاکت‌ها در مورخ ۹۱/۹/۱۶ می‌باشد. کارفرما در رد یا قبول یک یا کلیه پیشنهادها مختار و هزینه های چاپ آگهی به عهده برنده مناقصه می‌باشد.

تلفاکس: ۴۴۶۵۸۵۸(۰۳۶۱)

شهردار کاشان ـ سعید مدرس‌زاده

آگهی وقت رسیدگی

خواهان محسن خرامان دادخواستی به طرفیت بهمن آذرم و بتول کاتوزیان به این شعبه تقدیم نموده است که به شماره ۹۱۰۳۵۴ ثبت شده است. لذا نظر به مجهول المکان بودن خوانده وقت رسیدگی به تاریخ ۹۱/۰۹/۲۸ روز سه‌شنبه ساعت ۱۲ به استناد ماده ۷۳ قانون آئین دادرسی مدنی آگهی می‌گردد و خوانده می‌تواند قبل از حلول وقت با مراجعه به دفتر دادگاه نسبت به دریافت نسخه ثانی دادخواست و ضمائم اقدام نماید.

مدیر دفتر شعبه ۴ حقوقی ساوه -احمدی

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده (نوبت دوم) صاحبان سهام شرکت مهندسین مشاور حمل و نقل ریلی بهروی تهران (سهامی خاص) ثبت شده به شماره ۱۷۹۲۷۵ تهران

پیرو آگهی دعوت منتشره در روزنامه اطلاعات به شماره ۲۵۴۴۶ مورخ ۹۱/۰۸/۱۱ و به دلیل عدم حصول حدنصاب قانونی تعداد سهامداران حاضر در جلسه و عدم تشکیل مجمع در تاریخ ۹۱/۰۸/۲۲ و در راستای اجرای ماده ۸۴ لایحه اصلاحی از قانون تجارت، بدینوسیله از کلیه صاحبان سهام شرکت مهندسین مشاور حمل و نقل ریلی بهروی تهران (سهامی خاص) و یا نمایندگان قانونی ایشان دعوت می‌گردد تا در جلسه مجمع عمومی عادی به طوف فوق‌العاده (نوبت دوم) شرکت که در روز چهارشنبه مورخ ۹۱/۰۹/۰۸ رأس ساعت ۱۴ در محل سالن اجتماعات شرکت واقع در خیابان شهید بهشتی، خیابان شهید مفتح، جنب پایانه اتوبوسرانی شهید بهشتی، کارگاه مفتح شرکت مترو برگزار می‌گردد، حضور به هم رسانند.

دستور جلسه:

۱ـ انتخاب اعضای هیئت‌مدیره

هیئت‌مدیره

آگهی دعوت مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت بازرگانی بارجا (سهامی خاص) به شماره ثبت ۸۹۵۵۴ شناسه ملی ۱۰۱۰۱۳۳۹۲۹۸

بدینوسیله از کلیه صاحبان سهام شرکت یا نمایندگان آنان دعوت به عمل می‌آید در جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده که در ساعت ۹ صبح روز پنج‌شنبه ۹۱/۰۹/۰۹ در محل شرکت واقع در تهران، خیابان سپهبد قرنی، خیابان شهیدکلانتری شرقی، پلاک ۷ تشکیل می‌گردد حضور بهم رسانند.

دستور جلسه:

۱ـ اتخاذتصمیم نسبت به انحلال شرکت

۲ـ سایر موارد در صلاحیت مجمع عمومی فوق‌العاده

هیئت مدیره شرکت

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی سالانه شرکت تعاونی مسکن دانشگاه رازی به شماره ثبت ۵۵۱

هیئت مدیره تعاونی مسکن دانشگاه رازی

شماره ثبت: ۱۰۱۹۹۳ تاسیس: ۱۳۷۲

شرکت تعاونی اعتبار سازمان جمع آوری و فروش اموال تملیکی آگهی دعوت مجمع عمومی فوق‌العاده (نوبت اول)

بدینوسیله به اطلاع کلیه اعضای محترم شرکت تعاونی مذکور می‌رساند با توجه به انجام اصلاحات به عمل آمده در قانون بخش تعاون جمهوری اسلامی ایران مجمع عمومی فوق‌العاده نوبت اول این شرکت راس ساعت ۱۳ ...

رئیس هیات مدیره شرکت تعاونی اعتبار

شرکت تعاونی اعتبار سازمان جمع آوری و فروش اموال تملیکی آگهی دعوت مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده

هیات مدیره تعاونی اعتبار

آگهی تغییرات شرکت آرین نصر خمین سهامی خاص به شماره ثبت ۳۳۱۲۹۴ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۷۰۲۳۵۳

اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیر تجاری

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی (نوبت دوم) شرکت تعاونی مصرف کارگران قطارهای مسافری رجاء

هیئت مدیره تعاونی

(آگهی مزایده نوبت اول)

آگهی مزایده اموال غیرمنقول ش/۲۲۶/۶۷۲۲

رئیس ثبت اسناد خمین ـ شاه‌محمدی

نحوه پوشش بیمه‌ای برای وصول مطالبات

مدیر بیمه‌های مسئولیت بیمه نوین با بیان اینکه بیمه‌های اعتباری نقش کلیدی در کاهش ریسک‌های تجاری دارند، گفت: این بیمه‌نامه صرفاً ریسک وصول نکردن مطالبات بیمه‌گذار را پوشش می‌دهد و مجاز به صدور ضمانت‌نامه نیست.

در دنیای امروز همراه با توسعه و رشد فعالیت‌های اقتصادی و به تبع آن افزایش ریسک و مخاطرات این فعالیت‌ها نقش مؤسسات بیمه در توسعه بخش‌های اقتصادی به ویژه حمایت از سرمایه‌گذاران بیشتر شده است.

بیمه‌های اعتباری نقش کلیدی در کاهش ریسک‌های بازرگانی داشته و سبب افزایش فعالیت‌های اقتصادی و اشتغال می‌شود. این نوع بیمه، حمایتی است در مقابل خسارت‌های پیش‌بینی نشده با هزینه‌های برنامه‌ریزی شده و به عنوان تسهیل کننده روابط تجاری و اقتصادی بین افراد عمل می‌کند.

مصطفی آقارضی، مدیر بیمه‌های مسئولیت شرکت بیمه نوین درباره موضوع بیمه‌نامه‌های اعتباری که در صنعت بیمه انجام می‌شود، گفت: می‌گویند اعتبار، روح تجارت است. مکانیزمی که در آن کالاها یا خدمات بدون استفاده از پرداخت مستقیم مورد داد و ستد قرار گیرد، معامله اعتباری نام دارد.

این نوع معامله بین دو طرف تجاری تعریف می‌شود که یک طرف اعتباردهنده یا وام دهنده و طرف دیگر مدیون یا قرض گیرنده است. شورای عالی بیمه بر اساس بند سه ماده ۱۷ قانون تأسیس بیمه مرکزی ایران و بیمه گری در جلسه مورخ ۱۳۸۲/۰۹/۱۸ آیین نامه قرارداد گروهی بیمه اعتباری داخلی را در ۱۷ ماده و سه تبصره در قالب آیین‌نامه شماره ۵۱ تصویب و به شرکت‌های بیمه ابلاغ کرد. شرکت‌های بیمه موظفند قراردادهای بیمه اعتباری را در چارچوب و ضوابط آیین نامه مذکور به صورت گروهی و فقط با اشخاص حقوقی (بنگاه‌های اقتصادی، بانک‌ها، مؤسسات مالی و اعتباری دارای مجوز از بانک مرکزی، مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت و یا نهادهای عمومی غیردولتی که مجاز به اعطای وام و تسهیلات به سایر اشخاص هستند) که در معرض ریسک بازپرداخت نشدن مطالبات ناشی از اعتبارات اعطایی آن‌ها باشد، منعقد کنند.

آقا رضی در پاسخ به اینکه آیا اشخاص حقوقی بیمه‌گذار تلقی می‌شوند؟ در صورتی که بیمه‌گذار باشند تکلیف قانونی آن‌ها چیست؟ گفت: اشخاص حقوقی در صورتی که حائز شرایط لازم باشند و با شرکت بیمه قرارداد منعقد کنند بیمه‌گذار تلقی می‌شوند و به موجب ماده سه آیین‌نامه مذکور مکلف هستند که ابتدا اعتبارسنجی و ارزیابی‌های لازم را از توانایی مالی و حسن سابقه متقاضیان خود به عمل آورند. سپس از هر اعتبار گیرنده یا متقاضی حداقل معادل ۱۲۰ درصد مجموع اعتبار اعطایی و کارمزد متعلقه تضمین معتبر یا وثیقه اخذ کند و حسب مورد، وثیقه موضوع مورد معامله را در رهن یا مالکیت خود نگاه دارد.

تعداد اعتبارات اعطایی در طول یک‌سال باید بیش از ۲۵ مورد باشد و حداقل ۲۰ درصد ارزش مورد معامله در مورد فروش اقساطی یا اجاره به شرط تملیک را به صورت نقدی دریافت کند.

وی در مورد اینکه آیا بیمه نوین به عنوان بیمه‌گر خود اقدام به اعتبارسنجی از مشتریان و بیمه‌گذاران متقاضی می‌کند؟ پاسخ داد: خیر، همان‌طور که گفتم ارزیابی توانایی مالی مشتریان جزو تکالیف بیمه‌گذار بوده و ما به عنوان بیمه‌گر این تکالیف و تعهدات را در متن قراردادها احصاء و ابراز کرده و بیمه‌گذار مکلف به اجرای آن است و قصور و کوتاهی در هر یک از آن‌ها موجبات تضییع حقوق بیمه‌گذار خواهد بود. مدیر بیمه‌های مسئولیت بیمه نوین اضافه کرد: در بدو امر که مرحله صدور قرارداد و گواهی اعتباری است، مدارک مثبته در این زمینه از جمله قرارداد فروش، کپی اسناد مالکیت، گزارش کارشناس رسمی دادگستری و غیره اخذ و در پرونده بیمه‌نامه ضبط می‌شود و مسئولیت و اثبات ارزش واقعی آن‌ها به عهده خود اعتبار دهنده یا بیمه‌گذار است. چنانچه در طول اعتبار بیمه‌نامه، اعتبار گیرنده یا مشتری نسبت به ایفای تعهدات خود (بازپرداخت مطالبات و اقساط) قصور کند و بیمه‌گذار نسبت به آن اعلام خسارت کند، در این مرحله فرآیند اعتبارسنجی توسط شرکت بیمه آغاز و در صورت صحت اظهارات، مدارک و مستندات، شرکت بیمه پس از بررسی‌های لازم خسارت وارده را می‌پردازد و در غیر این صورت شرکت بیمه تعهدی نخواهد داشت.

همان‌طور که اشاره کردم تمام این موارد در بندهای مختلف قرارداد منعقده که به امضای طرفین (بیمه‌گر و بیمه‌گذار) رسیده، ذکر شده است.

جذب پرتفوی ۳۰۰ میلیارد ریالی

مدیر عامل شرکت بیمه «ما» با اشاره به اهمیت آموزش نمایندگان صنعت بیمه برای نهادینه شدن مباحث بیمه‌ای، گفت: در نیم‌سال اول سال جاری بیش از ۳۰۰ میلیارد ریال پرتفو داشته‌ایم.

به گزارش روابط عمومی شرکت بیمه «ما» سید محمد علی‌پور در مورد وظایف مدیران شعب و عملکرد شرکت در یک سال گذشته و اهداف پیش رو تصریح کرد: در نیم سال اول بیش از ۳۰۰ میلیارد ریال پرتفوی داشته‌ایم اما باید تلاش کنیم که با همکاری یکدیگر تا پایان سال این میزان را به بیش از ۱۰۰۰ میلیارد ریال برسانیم.

علی‌پور با اشاره به اینکه هم اکنون شعب شرکت بیمه ما در ۲۲ استان کشور فعال شده‌اند، استقرار نظم و توجه به آمار و عملکرد شعب، شناسایی نقاط ضعف و اصلاح آنها، تعامل و تماس سازنده، فعال و نزدیک با کارمندان و نمایندگان و همچنین استقرار سیستم‌های سازمانی پایدار و پویا را از مهم‌ترین وظایف مدیران شعب هر استان بیان کرد.

میزان فروش حق بیمه الکترونیک

مدیر طرح بیمه الکترونیک با اشاره به اینکه حدود ۵۰ میلیارد دلار از کل فروش حق بیمه در دنیا از طریق الکترونیک صورت می‌گیرد، گفت: فروش اینترنتی در شرکت‌های بیمه باید با مشارکت بخش‌های مختلف شرکت‌ها صورت بگیرد.

به گزارش فارس عباس اربابی با اشاره به اینکه حدود ۵۰ میلیارد دلار از کل فروش حق بیمه در دنیا از طریق الکترونیکی صورت می‌گیرد، اظهار داشت: یکی از چالش‌های پیش روی فروش الکترونیک بیمه، بررسی میزان تمایل بیمه‌گذاران به خرید اینترنتی است.

مدیر طرح بیمه الکترونیک در مورد فروش اینترنتی خودرو در کشور گفت: در شش ماهه اول امسال رقمی معادل ۲ هزار و ۲۰۰ میلیارد تومان از فروش خودرو به صورت الکترونیک حاصل شده است.

وی افزود: این آمار که رشد زیادی نسبت به گذشته دارد، نشان می‌دهد یک فرهنگ نسبی در زمینه خرید اینترنتی در کشور شکل گرفته، اما این نکته قابل توجه است که عمده این خریدها در تهران صورت می‌گیرد.

بیمه ها در خدمت توسعه تجارت با امضای یک تفاهم نامه

تفاهم‌نامه همکاری بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران و سازمان توسعه تجارت با حضور رؤسای کل دو سازمان در ساختمان بیمه مرکزی امضا شد. این تفاهم‌نامه چشم‌انداز مناسبی را در پوشش ریسک تجارت خارجی توسط صنعت بیمه ایجاد می‌کند.

به گزارش روابط عمومی بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران، نشست امضای این تفاهم‌نامه، ، در آستانه ۱۳آذر، روز صنعت بیمه، با هدف گسترش پوشش‌های بیمه‌ای در حوزه صادرات و تجارت خارجی و صنعت بیمه و هم شناسایی ظرفیت‌های بالقوه و تلاش در مسیر فعلیت بخشیدن به آن‌ها، با حضور اصحاب رسانه برگزار شد.

مهندس سیدمحمد کریمی، رییس‌کل بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران، در پی امضای این تفاهم‌نامه گفت: مهم‌ترین برنامه‌هایی که بر اطمینان‌بخشی و آرامش‌بخشی به مردم تمرکز دارند، از دریچه صنعت بیمه اجرایی می‌شوند.

وی با تاکید بر اهمیت تجارت خارجی در شرایط فعلی کشور با توجه به وجود تحریم‌ها، همچنین نقش بیمه در حوزه تجارت، امضای این تفاهم‌نامه را راهی برای معرفی نیازمندی‌های بیمه‌ای حوزه تجارت خارجی و پوشش ریسک در این حوزه ارزیابی کرد.

رییس‌کل بیمه مرکزی افزود: تشکیل کارگروهی به‌منظور عملیاتی کردن این تفاهم‌نامه، گامی مؤثر در تحقق مواد آن محسوب می‌شود. امیدواریم بازرگانان بتوانند از امتیازهای صنعت بیمه استفاده کنند تا این حوزه با اطمینان هرچه بیش‌تری به فعالیت بپردازد.

در ادامه این نشست، حمید صافدل رییس‌کل سازمان توسعه تجارت، با اشاره به نقش بیمه در تسهیل و تسریع تجارت خارجی، گفت: بیمه‌ها به ایجاد ثبات، اطمینان، توسعه و شکل‌گیری رشته‌های جدید در تجارت خارجی کمک می‌کنند؛ به‌طوری که در دنیای امروز، تجارتی شکل نمی‌گیرد مگر آن‌که بیمه در کنار آن باشد. وی افزود: بیمه راهی است برای اطمینان از مسیری که به آن ایمان داریم.

وی با بیان این‌که همکاری بیمه مرکزی، سازمان توسعه تجارت، اتاق بازرگانی، سندیکای بیمه‌گران ایران و پژوهشکده بیمه می‌تواند سازوکارهای جدیدی را برای حمایت از توسعه تجارت خارجی پیشنهاد و معرفی کند، گفت: در این تفاهم‌نامه، علاوه بر همکاری‌های فنی و پژوهشی، زمینه همکاری فعالان صنعت بیمه و رایزنان بازرگانی فراهم می‌شود تا ضمن انتقال تجارب خارجی به صنعت بیمه ایران، در شناسایی نیازهای بیمه‌ای تجارت کشور و انتقال آن نیازها به حوزه بیمه مؤثر باشند.

رییس‌کل سازمان توسعه تجارت افزود: ورود بیمه‌های بخش خصوصی به زمینه‌های وسیع‌تری از تجارت خارجی، کمک خواهد کرد که صندوق ضمانت صادرات با اجرای اصل ۴۴قانون اساسی، بخش بیشتری از اختیاراتش را به بخش خصوصی واگذار کند.

بنا بر این گزارش، این تفاهم‌نامه در دو ماده منعقد شده که در ماده یک، در پنج بند، محورهای همکاری دو سازمان تبیین شده است. شناسایی نیازهای بیمه‌ای فعالان بخش صادرات و تجارت خارجی توسط سازمان توسعه تجارت و ارایه پیشنهاد مشخص به بیمه مرکزی، تبادل اطلاعات و دانش فنی در حوزه‌های بیمه و تجارت خارجی، تعامل با بیمه مرکزی ایران در حوزه افزودن بندهای بیمه‌ای در موافقت‌نامه و تفاهم‌نامه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و همکاری مستمر در تشخیص چگونگی اجرای آن‌ها، فراهم کردن زمینه مناسب برای توسعه همکاری‌ها بین رایزنان بازرگانی و مستشاران بیمه‌ای و همکاری در برگزاری همایش‌های تخصصی و کاربردی، از مواردی است که در این بند بر آن‌ها تصریح شده است.

ماده دوم هم بر ضرورت تشکیل کارگروهی برای اجرایی شدن محورهای همکاری مندرج در ماده یک و همچنین انجام پیگیری‌های لازم تا حصول نتیجه تاکید می‌کند.

در این ماده، تشکیل کارگروهی با حضور نمایندگان سازمان توسعه تجارت، بیمه مرکزی، اتاق بازرگانی و صنایع و معادن، صندوق ضمانت صادرات ایران، سندیکای بیمه‌گران ایران و پژوهشکده بیمه به‌عنوان عوامل عملیاتی این تفاهم‌نامه پیش‌بینی شده است.

از سوی دیگر مدیر عامل بیمه آسیا با تصریح بر تاثیرنداشتن تاسیس شرکت‌های بیمه جدید در توسعه صنعت بیمه و افزایش بیمه‌گذاران، موضوع آزادسازی تعرفه‌ها را مورد



اشاره قرار داد و گفت: بیمه مرکزی می بایست برای تعرفه بیمه‌ها یک حداقل و حداکثری را تعیین می‌کرد تا شاهد تفاوت زیاد و غیرکارشناسی تعرفه برخی شرکت‌های بیمه نباشیم.

دکتر عباس حاج فتحعلی‌ها، در گفت‌وگو با ایسنا به تشریح مسائل بیمه‌ای در کشور و راهکارهای آن پرداخت و سه بیمه‌نامه جدید زندگی بیمه آسیا را معرفی کرد.

وی با بیان این‌نکته که تاسیس شرکت‌های بیمه‌ای جدید به معنی توسعه‌ی بازار صنعت بیمه نیست، گفت: ورود شرکت‌های بیمه‌ای جدید با ارائه محصولات جدید بیمه ای به بازار ، اتفاق مبارکی است. اما با ورود شرکت‌های بیمه‌ای جدید چنین اتفاقی روی نداده و همان سبد با پرتفوی قبلی ارائه می شود.

مدیر عامل بیمه آسیا افزود: البته افزایش ارقام وآمار ناشی از توسعه صنعت بیمه نیست، بلکه به دلیل بالارفتن حق بیمه‌ها ،دو برابرشدن دیه و همچنین بالا رفتن ارزش اموال سرمایه‌ای به دلیل تورم است که بیمه گذاران براساس آن باید حق بیمه بیشتری را بپردازند.

وی در باره مجوز تاسیس شرکت‌های جدید بیمه‌ای گفت: بیمه مرکزی به عنوان متولی بیمه و شورای عالی بیمه که مجوزهای لازم راصادرمی‌کند، نمی‌تواند محدودیتی بگذارد و بگوید دیگران حق ندارند وارداین عرصه شوند ،چرا که همین امر موجب ایجاد رانت می‌شود،به عبارتی اگرچه شرایط را برای ورود شرکت های جدید سخت‌تر کرده است، اما نمی‌تواند برای کسانی که شرایط لازم را دارند، محدودیت قائل شده و مجوز ندهد.

حاج فتحعلی‌ها با بیان این‌که تاسیس شرکت بیمه اقتصادی نیست،دلیل علاقه ورود افراد جدید به این عرصه را اینگونه تشریح کرد: از نظر سرمایه‌گذاری عقلایی، تاسیس شرکت بیمه لزوما به صرفه نیست، اما در بررسی‌ها می‌توان به این نتیجه رسید که عموما افرادی که درشرکت‌های جدید سرمایه‌گذاری می‌کنند، سرمایه‌گذاران واقعی نیستند، بلکه گروه‌هایی هستند که می‌خواهند شرکت بیمه ای در سبد سرمایه گذاری های خودداشته باشند.وی ادامه داد: عامل دیگری که شرکت‌های بیمه را جذاب می‌کند، نقدینگی ناشی از گردش پول است. این نقدینگی هم در حدی نیست که صرفه اقتصادی داشته باشد، اما چون در صنعت بیمه همواره خسارت‌ها با تاخیر زیاد پرداخت می شود،نقدینگی مثل آب پشت سد جمع شده و براساس همین امر برخی فکر می‌کنند سود کرده‌اند.

وی اضافه کرد: زمانی می‌توان گفت شرکتی سود کرده که از مقطعی، بیمه‌نامه نفروشد و به پرداخت خسارات بیمه‌نامه‌های قبلی بپردازد. به نظر من بیشتر شرکت‌های بیمه‌ای چنین توانی را ندارند.

مدیر عامل بیمه آسیا درمورد آزادسازی تعرفه‌ها و ایجاد شرایط رقابتی برای عرضه و تقاضای خدمات بیمه‌ای گفت: اگر آزادسازی به صورت کامل اجرایی شود، اقدام درستی است ،اما آزادسازی انجام شده نتوانسته شرایط رقابتی مطلوبی را ایجاد کند، چرا که در شرایط رقابتی، یک خدمت می‌تواند با ارزیابی دقیق با قیمت‌های منطقی ارائه شود.

حاج فتحعلی‌ها گفت: به چند دلیل شرایط رقابتی مورد نظر بوجود نیامده است، که یکی از دلایل آن کمبود دانش بیمه‌گری در کشور است، یعنی توان محاسبه و خرید و فروش ریسک در بیمه‌ها ،اگر بالقوه هم باشد، بالفعل نیست. در صورت وجود شرایط رقابتی ، نرخ شرکت‌های بیمه نباید باهم تفاوت اساسی داشته باشند و تفاوت ها باید خود رادر کارایی‌ها ، نشان بدهند.

وی گفت: از سویی اگر نظام تعرفه‌ای باشد، مسیررقابت بسته است و علاقه‌ای برای تولید خدمات جدید بیمه ای وجود ندارد و بازار سهمی نمی‌برد. از سوی دیگر با آزادسازی قیمت‌ها، نرخ‌هایی برای حق بیمه داده می‌شود که از نظر محاسبات اولیه قابل قبول نیست. چرا که یک ریسک در همه جا وجود دارد و احتمال بروز یک سانحه برای مثال یک در ۱۰۰۰ است و ۹۹۹ در هزار هم ممکن است اتفاق نیافتد که در این صورت حق بیمه به عنوان درآمد شرکت بیمه محاسبه می شود، اما وقتی تعداد زیاد باشد، قاعدتا شرکت بیمه باید میانگین آن را در نظر بگیرد.

مدیر عامل بیمه آسیا خاطر نشان کرد: برای ما میانگین خسارت بسیاری از حوادث قابل پیش‌بینی است. مثلا برای بیمه آتش‌سوزی صنعتی و یا آتش‌سوزی منازل مسکونی نرخ‌هایی از خسارت داریم که آنها را با تجربه بدست آورده ایم و می‌دانیم با چه احتمالی این اتفاق می‌افتد. بنا بر این اگر شرکتی قیمت پایین‌تری بدهد، متوجه می‌شویم که در تعداد زیاد قطعا ضرر می‌کند و یا به تعهداتش عمل نمی‌کند. ضرر و عدم انجام تعهد، ضرر و خسارت به صنعت بیمه است، چرا که اعتماد عمومی را کاهش می دهد.

وی با اشاره به ضرورت آزادسازی تعرفه‌ها ، افزود: این روند باید به گونه‌ای انجام می شد که آثار سوءآن کمتر باشد. تعیین حداقل و حداکثردر تعرفه‌هاموجب می شد که شرکت‌های بیمه نتوانند نرخ‌شکنی کرده و بازار را بی‌اعتماد کنند.

حاج فتحعلی‌ها با بیان این‌که بیمه مرکزی می‌تواند نقش مهمی در نظارت بر شرکت‌های بیمه داشته باشد، گفت: به گمان من قوانین بیمه مرکزی نیاز به بازنگری دارد، این بازنگری نیازمند کار کارشناسی عمیقی است. بیمه مرکزی مانند بانک مرکزی که بر بانک‌ها نظارت دارد، به عنوان یک دستگاه ناظر بر عملکرد شرکت‌های بیمه‌ای وحفظ حقوق بیمه‌گذاران، نقش بسیار مهمی دارد.

افزایش سرمایه در بیمه ها چرا و چگونه ؟

در ماه‌های اخیر با تصمیم بیمه مرکزی برای افزایش سرمایه شرکت‌های بیمه، درحالی خبر افزایش تقاضا برای تاسیس شرکت بیمه به گوش رسید که برخی بیمه‌گران آن را فاقد توجیه اقتصادی می‌دانند.

ماه‌های اخیر برای صنعت بیمه کشور همراه با اخبار مختلف و اتفاقاتی بود که مورد توجه اهالی بیمه قرار گرفت و از جمله این اتفاقات می‌توان به بازنگری در برخی آیین‌نامه‌های مهم شورای عالی بیمه و همچنین افزایش ۹ برابری حداقل سرمایه برای تاسیس شرکت بیمه و نیز افزایش تقاضا برای تاسیس شرکت بیمه با وجود افزایش شدید سرمایه مورد نیاز اشاره کرد.

اقدام بیمه مرکزی برای افزایش سرمایه تاسیس شرکت‌های بیمه البته با استقبال نسبی صنعت بیمه مواجه شد به‌طوری که قائم‌مقام بیمه البرز ضمن تأیید تصمیم بیمه مرکزی برای افزایش سرمایه شرکت‌های بیمه گفت: نباید سیستم به گونه‌ای باشد که هرکس با سرمایه اندک وارد صنعت بیمه شود، زیرا این صنعت با تعهدات آتی و بلندمدت مردم سر و کار دارد.

همچنین مدیر عامل بیمه کارآفرین با بیان اینکه سرمایه بالا موجب افزایش توانمندی شرکت‌های بیمه‌ای می‌شود، گفت: با اعمال تحریم علیه صنعت بیمه ایران و محدودیت‌های اتکایی در این زمینه، ضرورت دارد که سرمایه شرکت‌های بیمه افزایش پیدا کند.

اما ظاهراً موضوع مورد انتقاد برخی بیمه‌گران، افزایش تقاضا برای تاسیس شرکت بیمه است چرا که مدیر عامل بیمه آسیا معتقد است از نظر سرمایه‌گذاری عقلایی، تاسیس شرکت بیمه لزوماً به صرفه نیست و عموماً افرادی که در شرکت‌های جدید سرمایه‌گذاری می‌کنند، سرمایه‌گذاران واقعی نیستند، بلکه گروه‌هایی هستند که می‌خواهند شرکت بیمه‌ای در سبد سرمایه‌گذاری‌های خود داشته باشند.

مدیر عامل بیمه کارآفرین می‌گوید تاسیس شرکت بیمه در شرایط کنونی صنعت بیمه توجیه اقتصادی ندارد و صورت‌های مالی شرکت‌های بیمه گواه این امر است.

به گفته وی هم اکنون ۲۵ شرکت بیمه در مشغول به فعالیت هستند و وجود این شرکت‌ها برای صنعت بیمه کافی است.

البته به نظر می‌رسد یکی از مشکلات شرکت‌های جدید، کمبود نیروی انسانی فنی و متخصص باشد و کارشناسان صنعت بیمه هم به حق این موضوع را به عنوان یکی از چالش‌های پیش رو مطرح می‌کنند در این میان بیمه مرکزی به عنوان نهاد متولی باید تدبیر لازم را در این زمینه داشته باشد.

با این حال اگرچه مشکلات فعلی صنعت بیمه غیر قابل انکار است اما اصرار برخی بیمه‌گران بر نبود بازار برای فعالیت شرکت‌های جدید و اشباع بودن بازار، در شرایطی که به گفته مسئولان حدود ۵۰ تا ۶۰ درصد بازار بیمه کشور بکر است، محل شک و تردید است.

در مجموع با توجه به اهمیت مقوله بیمه در کشور و سهم پایین آن در اقتصاد ملی شایسته است همه دست‌اندرکاران بیمه با تشریک مساعی و به دور از درنظر گرفتن منافع شخصی یا گروهی برای اعتلای صنعت بیمه کشور تلاش کنند.

مدیر عامل بیمه دانا هم با اشاره به تأثیر بیمه‌های زندگی بر رشد اقتصادی کشورها و سرانه ٦ دلاری بیمه عمر در ایران، بر لزوم گسترش بیمه‌های زندگی در کشور با توجه به ظرفیت‌های موجود تأکید کرد.

به گزارش فارس دومین سمینار بازاریابی و فروش بیمه‌های زندگی به همت شرکت بیمه دانا آغاز شد.

در آغاز این همایش مدیر عامل بیمه دانا با اشاره به اهمیت بیمه‌های زندگی اظهار داشت: بیمه‌های زندگی بزرگترین بخش صنعت بیمه در دنیا را تشکیل می‌دهند.

ابراهیم کاردگر افزود: این رشته بیمه‌ای با هدایت سرمایه‌های کوچک خانوارها به سمت ایجاد ظرفیت‌های اقتصادی و از سوی دیگر در زمینه رفع دغدغه‌های نهاد خانواده حرکت می‌کنند.

مدیر عامل بیمه دانا تصریح کرد: براساس سالنامه آماری سال ۸۹ صنعت بیمه کشور، سهم بیمه عمر در پرتفوی ۷,۹ درصد و ضریب نفوذ آن ۰,۳ در کشور است.وی ادامه داد: همچنین سرانه بیمه عمر در کشور ما سالانه شش دلار است در حالی که این رقم در کشورهای پیشرفته ٣٦٤ دلار است.کاردگر در باره اهمیت توسعه بیمه‌های زندگی، گفت: این بیمه‌ها در رشد شاخص مالی صنعت بسیار مؤثر بوده و همچنین از دیدگاه نهادی، از طریق افزایش مشارکت بیمه‌گذاران و بیمه‌گران در بازار مبادله‌ای ناشی از رشد بهره مشترک تبلور خواهد یافت.

شرایط واگذاری سهام ٤ شرکت دولتی

قیمت پایه و شرایط واگذاری چهار شرکت دولتی از جمله ذوب آهن در جلسه هیات واگذاری به تصویب رسید.

به گزارش ایسنا، در جلسه اخیر هیات واگذاری قیمت پایه و شرایط واگذاری۱۷ درصد سهام شرکت ذوب آهن اصفهان از شرکت‌های زیرمجموعه شرکت مادر تخصصی سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران از طریق فرابورس بابت رد دیون دولت به صورت نقد و اقساط تصویب شد.

براساس این گزارش ٤٠ درصد سهام شرکت گسترش چراغ دانش از شرکت های زیرمجموعه شرکت مادر تخصصی سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران از طریق مزایده بابت رددیون به سازمات تامین اجتماعی و صندوق بازنشستگی کشوری به صورت نقد و اقساط به تصویب رسید.موافقت با قیمت پایه و شرایط واگذاری ٢٠ درصد سهام شرکت پتروشیمی گچساران از شرکت‌های زیرمجموعه شرکت مادر تخصصی ملی صنایع پتروشیمی ایران از طریق فرابورس بابت رد دیون دولت به بانک صادرات به صورت نقد و اقساط و ٤٠ درصد سهام شرکت مدیریت تولید نیروی برق جنوب فارس از شرکت های زیرمجموعه شرکت مادر تخصصی توانیر از طریق مزایده به صورت نقد و اقساط از دیگر مصوبات جلسه اخیر هیات واگذاری بود.از سوی دیگر اوراق سهام ناشی از افزایش سرمایه ٢٠٠ میلیارد تومانی بانک سینا بین سهامداران توزیع شد.

به گزارش فارس،در پی اعمال افزایش سرمایه ٢٠٠ میلیارد تومانی بانک سینا در مجمع فوق العاده ٢٧ تیر سال جاری (از محل اندوخته مازاد تجدید ارزیابی دارایی ها) که منجر به ثبت سرمایه ٦٠٠ میلیارد تومانی این بانک حاضر در بورس شد، اوراق سهام مربوط به این افزایش سرمایه ٥٠ درصدی بین سهامداران توزیع شد.به این ترتیب آن دسته از سهامدارانی که٢٧ تیر سهامدار بانک سینا بوده اند می توانند با مراجعه به مدیریت سرمایه گذاری و امور مجامع بانک سینا ، گواهینامه های نقل و انتقال و سپرده سهام جدید را دریافت کنند. همچنین گواهینامه های سهامدارانی که از ١١ آبان نسبت به خرید سهام این بانک مبادرت کرده اند از طریق کارگزاری ها قابل دریافت است.همچنین با اعلام رشد١٣٦ درصدی سود پتروشیمی شیراز،قیمت هر سهم این شرکت با ٤٠ درصد رشد به ٥٦٨ تومان رسید تا بازدهی سهام آن در هشت ماه اخیر از ١٠٧ درصد هم عبور کند.در معاملات بازارسهام، نماد شرکت ٢٥٥ میلیارد تومانی پتروشیمی شیراز که از ٣٠ مهر باتوقف نماد معاملاتی در بورس به دلیل تعدیل سود و ارایه گزارش عملکرد شش ماه اول سال بسته شده بود باز و طی آن قیمت پایانی هر سهم آن با ٤٠ درصد افزایش به ٥٦٨ تومان رسید.با این اتفاق شاخص بورس هم ١٢٢ واحد کاهش یافته بود در نتیجه اثر مثبت ٩٢ واحدی پتروشیمی شیراز با افت ٦٢ واحدی به ثبت رسید.

بازار در یک نگاه

جدول شاخص‌های بورس

عنوان شاخص	مقدار	بیشترین	کمترین	تغییر	درصد
شاخص کل	٣١٢١٥	٣١٢١٥	٣١٠٢٥	٢٣٦/٢	٠/٧٦
شاخص ٣٠شرکت بزرگ	١٧٤٦/٥	١٧٤٦/٧	١٧٣٤/٨	١١/٥	٠/٦٦
شاخص آزادشناور	٣٨١٣٨/٧	٣٨١٤٠/٩	٣٧٩٢٨/٣	٢٤٠/٥	٠/٦٣
شاخص بازاراول	٢٥٢٧٤	٢٥٢٧٤	٢٥١٥٨/٣	١٢٠/٥	٠/٤٨
شاخص بازاردوم	٤٧١٢٦/٤	٤٧١٣٢/٩	٤٦٥٧١/٤	٨٤٨/٧	١/٨٣
شاخص صنعت	٢٦١٨٩/٦	٢٦١٨٩/٦	٢٦٠٠٥/٤	٢٤٠/٧	٠/٩٣

آمار معاملات آخرین روز معاملاتی (سه شنبه ٩١/٨/٢٣)

مجموع حجم معاملات	٢٩١/٣٣٧/٣١٢ سهم
مجموع ارزش معاملات	٨٩٢/٦٢١ میلیون ریال
جمع تعداد معاملات	٢٤٥١٨ معامله
ارزش بازار	١/٤١٩/٦١١ میلیارد ریال

آموزش عالی مدیریت سرمایه گذاری

آزمون ورودی شانزدهمین مجموعه دوره های آموزش عالی مدیریت سرمایه گذاری در دانشگاه علوم اقتصادی اواسط آذر برگزار خواهد شد.

ثبت نام شانزدهمین دوره جامع آموزش عالی مدیریت سرمایه‌گذاری دانشگاه علوم اقتصادی آغاز شده و علاقه مندان تا اول آذر می توانند جهت ثبت نام و دریافت کارت اقدام کنند. زمان آزمون ساعت ١٤ سه‌شنبه ١٤ آذر تعیین شده است.

این دوره ها که توسط دانشگاه علوم اقتصادی تشکیل می شود شامل گرایش های مدیریت معاملات سهام و قراردادهای آتی سکه طلا در بورس کالای ایران (MCST)، مدیریت معاملات سهام در بورس اوراق بهادار تهران (MST)،مدیریت معاملات قراردادهای اختیار معامله - آپشن (MOT) و مدیریت معاملات قراردادهای آتی سکه طلا در بورس کالای ایران(MCT) است.

علاقه مندان برای شرکت در این دوره ها محدودیت سنی و تحصیلی ندارند و جهت حضور در این دوره ها باید در آزمون ورودی که شامل تست هوش و انجام مصاحبه حضوری است ،شرکت کنند.

مدارک پایان دوره ها با عنوان گواهینامه پایان دوره آموزش عالی مدیریت سرمایه گذاری توسط دانشگاه علوم اقتصادی صادر می شود.

تمایل ١٦درصد از ٦ میلیون سهامدار به معاملات سهام

بررسی ها از وضع معاملات هشت ماه اخیر بازارسهام نشان می دهد به رغم رکورد شکنی های شاخص و در برابر صدور بیش از ٦ میلیون کد سهامداری فقط ١٦ درصد یعنی کمتر از یک میلیون نفر حاضر به خرید سهام شده اند.

به گزارش فارس،بازار سهام٤٦ ساله کشور به رغم رشد متغیرها و رکوردهای شاخص و ارزش روز بازار در چهار ماه اخیر هنوز نتوانسته در جذب سرمایه ها و سرمایه گذاران موفق باشد و هرچند با بهبود اوضاع مقداری از نقدینگی ها به بازار تزریق شده، اما همچنان خبری از ورود قابل توجه نقدینگی و خریداران نیست.

براساس این گزارش، بررسی‌ها از وضع معاملات هشت ماه اخیر بورس نشان می دهد طی این مدت که ١٥٢ روز کاری سپری شده و شاخص بورس با بیش از ٥ هزار واحد از ٢٥ هزار و ٩٠٥ به ٣١ هزار و ٢٨٩ واحد رسیده، همچنان خبری از افزایش حجم و ارزش معاملات و خصوصا تعداد خریداران نیست.

به این ترتیب که در حالی به گفته مسئولان بازار سرمایه تعداد کدهای سهامداری صادره از مرز ٦ میلیون هم عبور کرده که از اول سال تا هفته پیش حدود ١٦ درصد از کل دارندگان کد سهامداری یعنی ٩٧٨ هزار و ٦٠٠ سهامدار اقدام به خرید کرده‌اند.

این تعداد بیش از ٤ میلیارد برگ سهم عادی و حق تقدم به ارزش تقریبی ١١ هزار میلیارد تومان را خریداری کرده اند.از این حجم بیش از ٣,٧ میلیارد سهم به ارزش ١٠ هزار میلیارد تومان به صورت خرد و بلوک داد و ستد شده است.

این درحالی است که مقایسه این آمار با مدت مشابه قبل حکایت از کاهش تعداد خریداران و حجم و ارزش معاملات دارد. چرا که در ١٥٦ روز کاری منتهی به ١٨ آبان پارسال و در شرایطی اوضاع بازار چندان هم مساعد نبود یک میلیون و ١٩٧ هزار و ٤٩٧ سهامدار حقوقی و حقیقی اقدام به خرید بیش از ٤,٩ میلیارد سهم به ارزش ١٥,٢ هزار میلیارد تومان کرده بودند.

با این اوصاف مشخص می شود که بازار سهام کشور به رغم همه ظرفیت ها و قابلیت ها و ابزارهایی که دارد هنوز نتوانسته نقش قابل توجهی در جذب سرمایه های سرگردان جامعه و اعتماد سرمایه گذاران و درنهایت کنترل و کاهش نرخ تورم داشته باشد.

این جریان ناخوشایند ناشی ازعواملی چون غالب بودن تفکرات سنتی جامعه مبنی بر سرمایه گذاری در بازارهای فیزیکی،عدم ثبات تصمیم گیری ها توسط مسئولان ارشد و مصوبات گاه دور از انتظار و شوک آور برای بورس، روشن نبودن آینده اقتصاد داخلی و وجود ابهام،رشد کم سابقه قیمت ارز و سکه و طلا و حتی مسکن به رغم نداشتن ریسکی به اندازه ریسک های بازار سرمایه و تمایل اکثر آحاد جامعه به حضور در این نوع بازارها، بروز مسائل و حاشیه هایی برای بانک های آرین ، آریا ، تات و پست بانک، توقف گاه طولانی مدت نمادها در بورس،عدم عرضه اولیه سهام شرکت های جدید از سوی سازمان خصوصی سازی و بخش های خصوصی، زیان سرمایه گذاران از بورس و بی اعتمادی به این بازار، کم اطلاعی و نا آشنایی اغلب مردم از مکانیزم های بازار سهام و ابزارهای آن ، نبود توسعه ابزارهای مالی و غیره است.

آخرین تغییرات قیمت سهام دربورس تهران

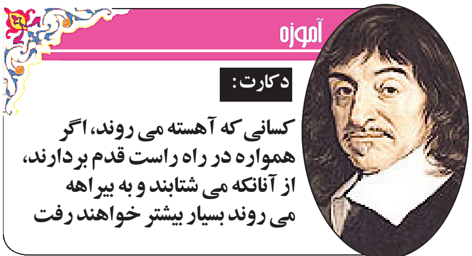
نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات	نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات	نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات
بیمه آسیا	٢,٦٧١	(١١١)	سیمان‌ارومیه	٣,٧٠٠	١٠	قنداصفهان	٣٢,٤٠٢	١٦٦
کنتورسازی‌ایران	١٢,٤٢١	(٥١٧)	سیمان بهبهان	٢١,٣٢٤	٨٢٠	قند لرستان	٣٤,٠٠٠	١,٠٨٥
مخابرات ایران	٢,٢١٩	(٦٠)	سیمان‌سپاهان	١,١١٢	(٩)	قندنقش‌جهان	١١,٠٠٠	(١٣٦)
بیمه البرز	٣,٩٠٠	٨	سیمان تهران	٢,٤٩١	(١٠٣)	قند نیشابور	١٤,٠٠٠	٢١٧
کابل البرز	١,١٠٤	٣٩	سیمان‌خاش	٢,٨٤٢	١٠٩	قندهکمتان	٢٠,١٠٠	(٨١٢)
ایران ترانسفو	٢,٠٨٤	٨٠	سیمان خزر	٢,١٠٦	(٢٢)	آبسال	٩٠٤	٣٤
پارس‌سویچ	١,٨٣٠	(٤٠)	سیمان دورود	٤,٦١٣	١٧٧	گروه‌صنعتی‌بوتان	١,٦٨٧	٦٤
لامپ پارس شهاب	٣,٤٦٣	١٣٣	سیمان‌شاهرود	٢,٢٧٠	(٩٤)	پارس خزر	١,٣٨١	٥٣
موتوژن	٣,٤٠٠	(١٠٩)	سیمان شرق	١,٠٢٥	(٢٣)	داده‌پردازی‌ایران	١,٢٦٦	٢٦
صنایع‌جوشکاب‌یزد	٣,٣٦٨	(٣٤)	سیمان صوفیان	١,٤٠٨	(٥٨)	ایران‌ارقام	٢,٣٣٨	(٣١)
کارخانجات تولیدی شهید قندی	١,٥٤٥	٠	سیمان‌غرب	٤,٥١٩	٥٨	سرمایه‌گذاری‌توسعه‌آذربایجان	١,٠٤١	(٩)
گسترش نفت و گاز پارسیان	٨,٢٠٦	٢٤٦	سیمان فارس و خوزستان	١,٤٥٦	٤٤	سرمایه گذاری البرز(هلدینگ	٢,٤٤٣	(١٠١)
بیمه پارسیان	٢,١١٥	(٧٤)	سیمان فارس نو	٢,٤١٠	(١٠)	گروه مدیریت سرمایه گذاری امید	٥,٤٠٠	١٦
ایران‌یاساتایرورابر	٤,٨٠٦	١٨٣	سیمان‌مازندران	٨,٤٥٣	(٢٤٥)	بانک انصار	٢,٠٥٠	٣٠
سرمایه گذاری پردیس	١,١٥٠	١٧	سیمان سفیدنی‌ریز	٥,٤١٦	٢٠٨	سرمایه گذاری گروه توسعه ملی	٢,٧١٤	(٦٠)
تراکتورسازی‌ایران	١,٦٩٩	(٧٠)	سیمان‌هرمزگان	٩,٠٨١	٣٤٩	توسعه صنایع بهشهر(هلدینگ	٢,٠٩٠	١١
پمپ سازی ایران	٢,٢٦٠	(٧٥)	سیمان‌هگمتان	٢,٦٦١	(١١٠)	بانک صادرات ایران	١,٠١٩	١
ماشین‌سازی‌نیرومحرکه	١,٠٣٦	٢	سیمان ایلام	٢,٨٠٠	(٤٩)	بانک ملت	١,٠١٣	٣
توریستی ورفاهی آبادگران ایران	١,٥٣٧	٤	سیمان کارون	٢,٩٠١	(٧٥)	سرمایه‌گذاری‌بهمن	٩٤٣	٢
بین‌المللی‌توسعه‌ساختمان	٢,٧٩٧	٤٧	سیمان کردستان	٧,٩٠١	١٠٧	سرمایه‌گذاری‌بوعلی	٩٤٤	٣٦
سامان گستراصفهان	١,٤٤٣	٥٥	سیمان کرمان	٤,٥٧٦	(١٩٠)	بانک‌پارسیان	٢,٠٥٠	١٢
سرمایه گذاری شاهد	١,٤٢٠	٢٠	پالایش نفت تبریز	٦,٠٨٠	٢٣٣	بانک پاسارگاد	١,٣٦٠	(٤)
عمران‌وتوسعه‌فارس	١,٤٣٩	٥	پالایش نفت بندرعباس	٣,٠٧٢	١١٨	سرمایه‌گذاری صنایع پتروشیمی	٩٨٦	١٩
سرمایه‌گذاری مسکن	١,٨١٣	٦٩	نفت بهران	٨,٢٠٠	١٠٤	داروپخش (هلدینگ	٧,٠٠١	(٥٦)
نوسازی‌وساختمان‌تهران	٣,٨٠٩	(٥٥)	پاکسان	٣,٥٣٠	(١٤٥)	بانک تجارت	١,٢٧٢	(٥٣)
فیبر ایران	٢,٢٤٩	٨٦	پتروشیمی آبادان	٩,٣١٠	٣٣٣	توسعه‌شهری‌توس‌گستر	١,٩٧٠	٧٥
صنایع کاغذسازی‌کاوه	٦,١٩٩	٥٨	پتروشیمی پردیس	٤٤,٠٨١	١,٦٩٥	سرمایه‌گذاری‌توسعه‌ملی	١,٥٢٠	٧
حمل و نقل پتروشیمی(سهامی عام	١,٤٤٧	٥٥	پلی‌اکریل	٦٣٣	٢٤	سرمایه گذاری پارس توشه	٢,٠٩٣	٨٠
تایدواترخاورمیانه	٢,٥٥٦	(٢)	پتروشیمی خارک	١٨,٢٠٦	٧٠٠	توسعه‌صنعتی‌ایران	١,٥٨٠	(٢٠)
حمل‌ونقل‌توکا	٥,٧٧٠	٢١١	دوده صنعتی پارس	٤,٢٥١	١٦٣	سرمایه‌گذاری‌توکافولاد(هلدینگ	٢,١٧٣	٨٣
حمل و نقل بین المللی خلیج فارس	٨٥٤	(٦)	تولید سموم علف کش	٢,٠٣٢	١٩	سرمایه‌گذاری سایپا	١,٠٧٠	(٢٣)
حفاری شمال	٢,٢٦٥	٨٧	صنایع‌شیمیایی‌سینا	٣,٤٩٥	١٣٤	سرمایه گذاری ساختمان‌ایران	٢,٩٠٤	١١١
کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران	١,١٠٧	٤٢	پتروشیمی‌فارابی	١٠,٨٢٢	٢٨	سرمایه‌گذاری سپه	١,٦٩٥	٨
سایپاآذین	٤٦٩	(٤)	صنایع شیمیایی فارس	٣,٥٠٥	١٣٤	بانک سینا	١,٣٠٢	(٣)
ایران خودرودیزل	٨٩٠	(٢٩)	گلتاش	٦,٥٠٠	٢٥٠	گروه‌صنایع‌بهشهرایران	١,٤٨٤	(٦١)
گروه‌بهمن	١,٠٦٠	(٢٠)	لعابیران	٣,٨٨٣	(١٦١)	سرمایه‌گذاری‌صندوق‌بازنشستگی	٢,٣٣٠	(١٢)
ح . گروه‌بهمن	١٦٨	(١٤)	پتروشیمی‌شیراز	٥,٦٣٠	١٥	سرمایه گذاری صنعت ومعدن	١,٠٣٠	١٢
پارس خودرو	٥٦٧	(١٨)	نیروکلر	٨,٥٩٨	٣٢٧	سرمایه‌گذاری‌غدیر(هلدینگ	٤,٤٩٠	١٣٦
سازه پویش	٨,٩٢٨	(٣٧٢)	کشت‌وصنعت‌پیاذر	٦,٧٧٠	٢٣٧	لیزینگ‌صنعت‌ومعدن	١,٦٦٠	٦٢
قطعات اتومبیل ایران	١,٢٠٠	(٣٥)	صنعتی بهشهر	١٣,٧٩٩	(٥٧٤)	لیزینگ‌خودروغدیر	٥٤٢	٢٠
چرخشگر	١,٣٠٠	(٥٤)	لبنیات پاک	٥,٣٤٩	٢٠٥	لیزینگ‌ایران	١,٦٥١	١٦
رینگ‌سازی‌مشهد	٧٩٥	(٢٨)	پارس مینو	٢,٦٢٠	(٧٤)	توسعه‌معادن‌وفلزات	٤,٥٧٠	٨٦
زامیاد	٦٦٤	١	کشت و صنعت چین چین	٣,٦٩٣	١٤٢	سرمایه‌گذاری‌ملت	٥٢٦	١٦
سایپا	٩٩٥	(٥)	دشت مرغاب	٢,١٤٣	٨٢	سرمایه‌گذاری صنعت نفت	١,٠٤٩	٣٠
الکتریک خودرو شرق	٦١٠	(١٩)	پگاه‌آذربایجان‌غربی	٨٩١	(١١)	بانک‌اقتصادنوین	٢,١٢٣	(٨٨)
سرمایه گذاری اعتبار ایران	١,٤٥٦	(٦٠)	شیرپاستوریزه‌پگاه‌اصفهان	٢,٩٧٢	١١٤	سرمایه‌گذاری‌نیرو	١,١٤٢	٤٣
فنرسازی‌خاور	٨٠٠	٠	شهد ایران	١,٩٥٩	٧٥	بانک کارآفرین	١,٣٨٨	١٧
گسترش‌سرمایه‌گذاری‌ایران‌خودرو	١,٩٢٩	(٨٠)	بیسکویت گرجی	٢,١٦٠	(٨٠)	فرآورده‌های‌نسوزآذر	١,٤٦٩	١
لنت ترمزایران	١,٤٣٢	(٥٩)	ح . بیسکویت گرجی	١,٠٨١	(٢٠)	کاشی اصفهان	١,٥٢٥	(٥٢)
نیرو محرکه	١,٠٣٩	(٤٣)	گلوکوزان	١٧,٧٧٣	٦٨٣	باما	٨,٤٥٠	(١٧٦)
تولیدمحورخودرو	١,٢٩٩	(٥٤)	مارگارین	٣,٧٥٨	(٩٦)	کاشی پارس	١,١٤٦	٤٤
مهرکام‌پارس	٤٣٣	(١٧)	صنایع آذرآب	١,٩٠٤	٧٣	پشم‌شیشه‌ایران	٢,٧١٢	١٠٤
ایران خودرو	١,١٠٤	(٤٦)	ماشین سازی اراک	١,٤١٩	٥٤	تولیدی کاشی تکسرام	١,٠٥٢	٤٠
محورسازان‌ایران‌خودرو	٤٧٢	(١٨)	کالسیمین	٦,٥٠٠	(٨)	معدنی‌وصنعتی‌چادرملو	٩,٧٤٢	٨٧
داروسازی ابوریحان	٧,٥٥٨	(٢)	آلومینیوم‌ایران	٩,٠٤٨	(٣٧٧)	چینی ایران	٣,٢٢٨	١٩
کارخانجات‌داروپخش	٥,٤٠٠	(١١٢)	مس شهیدباهنر	١,٠٣٣	٣٩	کاشی وسرامیک حافظ	١,٣٦٩	٥٢
داروسازی امین	٢,٢٤٧	(٩٣)	فولاد امیرکبیرکاشان	٢,١٧٢	٨٣	صنایع‌خاک‌چینی‌ایران	١١,٩٢٤	(٤٩٦)
بیمه دانا	٤,٥٥٠	(١٨٣)	فولاد خراسان	٧,٩٤٥	٣٠٥	کارخانجات‌تولیدی‌شیشه‌رازی	١,١٢٠	(٤٦)
تولیدموادواولیه‌داروپخش	٩,٩٨٨	١٠	فولاد خوزستان	٢١,٢٢٦	٠	صنایع پتروشیمی کرمانشاه	٧,٢٦٨	٢٣٠
داروسازی جابرابن‌حیان	٢,٥٣٠	٢٣	فرآوری‌موادمعدنی‌ایران	٧,٠٦٠	٣٥	توسعه معادن روی ایران	٢,٥٨٥	٥٠
دارویی رازک	٩,٣٠٠	٨٢	فروسیلیس ایران	٤,١٧٥	١٦٠	صنایع کاشی و سرامیک سینا	٣,٧١٩	١٢١
داروسازی روزدارو	٢,٦٥٠	١٠١	ملی سرب‌وروی ایران	٢,٧٦٢	(٧)	سرامیک‌های‌صنعتی‌اردکان	١٣,٧٧٨	٥٢٩
گروه دارویی سبحان	٢,٨٥٧	(١١٩)	لوله‌وماشین‌سازی‌ایران	١,٧٧٨	(٧٤)	پارس سرام	١,٥١٩	(٦٣)
داروسازی سینا	٩,٤٣٦	(٣٩٣)	ملی صنایع مس ایران	٦,٥٥٠	٨٢	کاشی سعدی	٢,٠٢١	٧٧
لابراتوارداروسازی دکترعبیدی	٦,٢٣٠	(٢٥٩)	نورد آلومینیوم	٣,٥٥٦	٠	ذغال‌سنگ نگین طبس	٢,٩٩٧	١١٥
داروسازی کوثر	١,٤٣٠	(٢٠)	نوردوقطعات فولادی	٣,٠١٨	١١٦	فراورده های نسوزایران	٤,٠٨٠	١١٨
کیمیدارو	١,٥١٨	(٦٣)	فولاد مبارکه اصفهان	٣,٥٣٠	٤٣	شیشه و گاز	١,٣٤٠	٤٥
خدمات‌انفورماتیک	١٢,٧٠٠	١٣٨	فولادکاویان	١,٩٢٦	٧٤	معدنی و صنعتی گل گهر	٨,٩٠٠	(٦١)
تجارت الکترونیک پارسیان	٨,٢٤٧	١٦٣	فرآورده‌های‌غذایی‌وقندپیرانشهر	١١,٤٧٢	٤٤١	کاشی الوند	١,٢٥٠	(٨)
کنترل‌خوردگی‌تکین‌کو	٢,٩٥٧	١١٣	قند ثابت خراسان	٤,٩٠٠	١٨٨	معادن‌منگنزایران	٢٠,٩٢٥	٨٠٤
مدیریت‌پروژه‌های‌نیروگاهی	١,٦٧٣	٦٤	کارخانجات قند قزوین	١٠,٦٥٦	(٤٤٣)	کاشی نیلو	١,٢٣٢	٤٧
کارت اعتباری ایران کیش	٨,٨١٩	٣٠٨	قند شیرین خراسان	٦,٩٠٨	٢٦٥	تولیدی‌گرانیت‌بهسرام	١,٢٣٢	٤٧
کشاورزی ودامپروری مگسال	٢٠,٨١١	٨٠٠	شهد	١٦,٥٠٠	(٤٤)	شیشه همدان	٢,٠٧١	٧٩
سیمان داراب	٣,٩٥١	(١٦٤)	شکرشاهرود	٦,١٥٢	٢٣			

فرهنگی ۱۰۶

● چهارشنبه ۲۴ آبان ۱۳۹۱

● شماره ۲۵۴۵۶ـ ضمیمه فرهنگی روزنامه اطلاعات

● ویژهٔ فرهنگ، تاریخ و تمدن اسلام و ایران



آموزه

دکارت:

کسانی که آهسته می روند، اگر همواره در راه راست قدم بردارند، از آنانکه می شتابند و به بیراهه می روند بسیار بیشتر خواهند رفت

سرسخن

کریم فیضی

ذهن به مثابه زیرساخت دیجیتالیسم-۱

مشعلی به نام ذهن

هنوز در برخی از کشورها و از جمله ایران،در برخی از مناطق نفت و گازخیز، جاهایی وجود دارد که به دلیل عدم مهار فوران نفت یا گاز، گویا به دلایل فنی اقدام به سوزاندن آن بخش از نفت یا گاز می کنند که البته حاصل آن چیزی جز هدر رفتن انرژی نیست. در واقع، آن نفت و گاز را می سوزانند تا مهارش کنند و بس! و الا از آن سوزاندن بهره‌ای حاصل نمی‌شود و استفاده‌ای به عمل نمی آید. این کار، در مثال شبیه این است که شما از ترس طغیان آب که ممکن است جایی را با خاک یکسان کند، بیایید آن آب را شاخه شاخه کنید و در گوشه و کنار شهر یا متن و حاشیه روستا جاری‌اش کنید. این کار فایده‌اش جز این نیست که هجوم و حمله آب، خانه یا مزرعه‌ای را ویران نمی کند ولی کاری هم نیست که فایده‌ای از آن عاید شود، چرا که آب در جریان خویش به استفاده‌ای نمی‌رسد و عملاً هدر می‌رود، چرا که نه باغی با آن آبیاری می‌شود، نه جایی با آن شسته می‌شود و نه از جریان آن مقصودی در کار است. تنها مقصود هدر دادن آن است برای جلوگیری از یک آسیب. به عبارت دیگر، گاه مجبور می‌شویم هدر بدهیم و تن به ضرر دیگر ندهیم. در واقع هدر ندادن ضرر و آسیبی در پی دارد که نمی‌توان به بهای حفظ و هدر ندادن، تن به آن داد. پس باید هدر داد تا دچار مشکلی بزرگتر نشد.

حال که سخن به اینجا رسید، اشاره به حرفی طنز آمیز و شاید هم بدآموزانه خالی از لطف نیست و آن این که به اهل علمی گفته‌اند، چرا وقت خودت را تلف می کنی؟ در جواب گفته است: وقت خودم را تلف می کنم، چون باید وقتم را تلف کنم، چون اگر من وقت را تلف نکنم، وقت مرا تلف می کند! در مثال‌های آب ونفت و گاز، اتلاف انرژی برای کشورهایی که تکنولوژی مهار و صنعت استفاده را ندارند، ضرورت پیدا می کند ولی برای کسانی که این تکنولوژی و شیوه و شگرد آن را دارند، اتلاف انرژی فاجعه‌ای است سهمگین و غیرقابل بخشش. در واقع، در اینجا یک معادله روشن داریم:اگر تکنولوژی لازم را داشته باشید، اتلاف انرژی فاجعه است و در صورتی که به هر دلیلی تکنولوژی لازم در اختیار شما نباشد، اتلاف نکردن انرژی فاجعه است و در هر حال، باید از فاجعه گریخت. گریز از فاجعه و جلوگیری از بروز آن، برای عده‌ای با ساختن است و برای عده‌ای با خراب کردن. عده‌ای با حفظ و نگهداری می توانند از آسیب و مشکل برکنار بمانند و عده‌ای دیگر با ریختن وخراب کردن و از دست دادن. حالا با این توضیح و مثال‌هایی که زدیم، شاید بهتر بتوان وارد بحث از عرصه ذهن و نیروی آن شد و انرژی سوخته آن درجایی و انرژی مهار شدن آن در جایی دیگر.

شک نیست که ذهن چاه نفت یا گاز و آب نیست که از آن آب ونفت و گاز بجوشد ولی ذهن در مرتبه خویش حاوی نیروها و انرژی‌هایی است که از متن آن می جوشد و لبریز می‌شود. ما در جای خودش توضیح داده‌ایم که ذهن با ذهنی گری و فعالیت‌های مربوط به جستجو و کشف و شناخت ذهن است و نمی توان ذهنی را تصور کرد که عاری از این فعالیت باشد. این فعالیت‌ها همان انرژی‌های ذهن است که در قالب فکر و اندیشه‌های مختلف و البته متصل و بی‌پایان نمود پیدا می کند و سطح زیرین جمجمه‌ها را پر می‌کند. شما نمی توانید جمجمه‌ای را در این هستی پیدا کنید که در زیرآن شوری از نوع طغیان و هیجان نباشد. اساساً هستی، هستی ذهن‌ها و شور و فعالیت سطوح زیرین جمجمه‌هاست تا بر آن حد که عده‌ای برای رهایی از این شور و غوغای آن، به مستی روی آورده‌اند تا به قول شیخ بهایی در تضمین غزل بخارایی: دمی بیاسایند و عده‌ای هم گفته: علاج هستی، مستی است.

آری، ذهن به مثابه معدنی است سرشار و مملو از مواد مختلف که پیوسته در جریان است و توقف نمی‌پذیرد. چونان چشمه‌ای است که از درون می جوشد و جریان پیدا می کند. این جریان توقف ناپذیر است و کوتاه سخن این که : این معدن، با استخراج نشدن بیگانه است. ذات آن به گونه‌ای است که استخراج می‌طلبد و خود به خود راه می‌افتد. به ذهن خودتان مراجعه کنید تا صحت این سخن را تصدیق کنید. آیا ذهنی را سراغ دارید که لحظه‌ای از اندیشه باز ماند؟ آیا ذهنی را می‌شناسید که از فکر منفک باشد؟ آیا مغزی را می‌شناسید که از حرکت و سیر و جستجو و کاوش وکند و کاو برکنار باشد؟ اذهان پیوسته در حال جنبش‌اند. ذهن پیوسته در حال حرکت و شتافتن از جایی به جایی دیگر است. این خاصیت و صفت ذهن است که با ابزارهای مخصوص خودش، با پیامک‌هایی که شاید به درستی آنها را نشناسیم و نتوانیم تحلیلشان کنیم، پیوسته از جایی به جایی دیگر و از موضوعی به موضوعی و از کسی به کسی دیگر عبور می‌کند. از این رو، مسافری است پیوسته در راه و کاونده‌ای است پیوسته در کار کندن و شکافتن. زائری است همیشه درحال عزیمت و سواره‌ای درحال تاختن و گذر و عبور.

چه بدانیم و چه ندانیم، این حالت یا حالات سرمایه ذهن است. نیرویی است که ذهن به لحاظ درونی دارد و پیوسته از آن بهره می‌گیرد.

ادامه دارد



صفحه۲

یکصدمین سال تولد استاد دانا سرشت

پژوهشگر ریاضی و هیئت

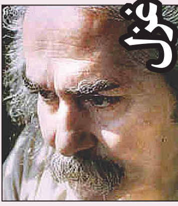
شهرام تقی زاده انصاری : استاد علی اکبر دانا سرشت متولد ۱۲۹۰در زنجان، پس از تحصیلات مقدماتی به علت علاقمندی ای که به اشعار فارسی داشت و زبان عربی نیز برای آموختن شعرفارسی لازم بود ، به دنبال آموختن زبان عربی رفت و بالاخره علوم قدیمی و اسلامی را نزد علمای درجه اول آن زمان فرا گرفت و سپس به خاطر اشتیاقی که به علوم دقیقه جدید و بخصوص ریاضیات داشت ، نزد اساتید ریاضی و نجوم آن زمان تلمذ کرد و به ریاضیات جدید و تاریخ علم و آراء و افکار دانشمندان ایرانی و اسلامی درباره این علوم پرداخت . او حدود پنجاه سال در تاریخ علوم و فلسفه ابن سینا و بیرونی شناسی مطالعه و تحقیقی کرده و کتب و مقالات بسیاری برای کنگره ها و مجلات در این زمینه به رشته تحریر درآورده است . وی عقیده دارد که شاید به خاطر تأثیر دو مقاله ابن سینا و بیرونی از کتاب دانشوران بیرونی بوده است که اشتیاق سوزانی به شناختن آنها داشته است. او استادی صاحبنظر و از استقلال فکری برخوردار بوده و کوشش می کرد مطالب خود را با احتیاط و استدلال ارایه دهد و کمتر به نقل قول دیگران به پردازد . به نقل از نامه دکتر احمد مهدوی دامغانی که مدت ها نزد ایشان ریاضیات ، تنجیم و اشارات ابن سینا را تلمذ کرده و همیشه خود را مدیون ایشان می دانسته و از او به احترام یاد می کند ، دانا سرشت در زمان خدمات قضاوتش در عدلیه (دادگستری فعلی) به حُسن تدبر و امانت ، صداقت ، قاطعیت ، نزاهت و تقوی و قانون دانی مشهور بوده و پس از بازنشستگی در سال ۱۳۵۰ نیز به تحقیقات خود ادامه داد . بنابر اخبار کیهان فرهنگی، این پژوهشگر سترگ در روز بیست و پنجم فروردین سال ۱۳۶۸ در تهران بر اثر سکته قلبی دار فانی را وداع گفت و در قطعه هنرمندان در بهشت زهرا به خاک سپرده شد .

مقاله زیر خلاصه ای از زندگی ، آراء و عقاید و آثار و خدمات علمی ایشان در مورد ریاضیات و هیئت و تاریخ علم در اسلام و ایران و مبانی آن و فلسفه ابن سینا و افکار بیرونی می باشد که با حفظ امانت و مراجعه به آثار، مقالات، مصاحبه ها و نامه آقای دکتر احمد مهدوی دامغانی (شاگرد ایشان) استاد فعلی دانشگاه هاروارد به اینجانب (راقم این سطور) نوشته شده تا شاید گوشه ای از زندگی ، آثار ، روش تحقیق، عقاید و خدمات فرهنگی ایشان به ایران اسلامی برای خوانندگان عزیز مفتوح گردد و تا اندازه ای هم سهم و جایگاه این صاحبنظر با وجود مشغله قضاوت و کمبود وقت کافی اش در خدمت به فرهنگ این زاد و بوم و تاریخ علم و فلسفه روشن شود .

ادامه در صفحه۳

صدرنشین بارگاه غزل

اخوان، قصه و غصهٔ عماد



بسیاری صاحب طبعان، کار غزل را که حقا دشوارترین کار است سخت آسان گرفته‌اند، همین که صورت ظاهر غزلی را آراستند کار را تمام می‌دانند و حال آن که جان و روح غزل چیز دیگری است سوای این حرف‌ها. جز کسانی که در زندگی خود معنایی جسته و یافته‌اند و تاملاتی داشته‌اند، یا در عامل عشق و شور و دلدادگی دارای قصه و غصه‌ای بوده‌اند، جز این کسان، باقی اگر چه سخنانشان در صورت غزل باشد، فاقد معنی حقیقی آنست. مضمون یابی های شعرای شیوهٔ هندی در قالب غزل معنی اصلی این قسم را که حدیث عشق است و حال و تغنی و ترنم، به فراموشی سپرده است و غزل را به نوعی پراکنده‌گوئی و کالبدی بی‌جان و جمال تبدیل کرده است.

قاآنی قصیده‌گوی مداح مقلدی است که طبع شلنگ‌انداز و حرّافی دارد، بعضی از عوام اهل ذوق طاراق و طروق و اداهای زشت و بی‌روح او را با آن قصاید مبتذل و منحط می پسندند و او را در لفظ کاره‌ای می‌پندارند. از قاآنی غزل کمتر نقل کرده‌اند زیرا در غزل کمتر می‌توان با طمطراق و پرگویی کسی را فریفت و این نوع از سخن اگر جان و روح و شور و حالی نداشته باشد، گوینده را زود رسوا و مبتذل می کند و به فراموشی می‌سپرد.

آورده‌اند که قاآنی دیوانی از غزل نیز پرداخته بود و گاهی در محافل خصوصی برای این و آن از غزل‌های خود می خواند، اما فروغی بسطامی که از دوستان دمخور قاآنی بود و در غزل صاحب بعضی آثار بالنسبه لطیف، بارها به او می گفت: «آمیرزا حبیب، تو را به خدا از من بشنو و دیوان غزلت را تخلص به آب کن، در این شهر با کلاه بوقی و مدحیهٔ پرشال و فعلاتن فعلات نمی‌توان به جایی رسید، کلاه نه ترک قلندری باید داشت و خرقهٔ مرقّع» و این سخن فروغی دربارهٔ غزل‌های قاآنی بین فضلای عهد مشهور و مقبول بود اما قاآنی نمی‌شنید و حتی می‌پنداشت که...

ادامه در صفحه ۷

سرگذشت هکلبری‌فین؛ به روایت مارک تواین

دیگر چیزی ندارم بنویسم

تام همین جور داشت حرف می‌زد. می گفت: بیایید یکی از این شب‌ها سه نفری از اینجا قاچاق بشویم. لباس عوضی بپوشیم و برویم تو منطقه سرخ پوست‌ها، دو سه هفته‌ای برای خودمان شلتاق بکنیم. من هم گفتم: باشه، من هستم ولی پول ندارم لباس بخرم. کسی را هم ندارم که برایم پول بفرستد. چون که گویا بابام چند وقت پیش باز برگشته شهر همه پولها را از قاضی تچر گرفته چیزی خورده.



تام گفت: نه، اینطور نیست. پول تو سر جاشه، شش هزار دلار، بلکی هم بیشتر. بابات هم هنوز برنگشته. یعنی تا وقتی که من اومدم برنگشته بود. جیم با قیافه جدی گفت: هک، بابات دیگه برنمی گرده، گفتم: چطور جیم؟ گفت: چطور نداره، میگم دیگه برنمی گرده، ولی من پاپی شدم. تا آخرش جیم گفت: اون خونه هو رو یادت می آمد که با آب رفت؟ که یه آدمی توش افتاده بود، روشو پوشونده بودن، من رفتم روشو پس‌زدم، ولی نذاشتم تو بیایی تو؟ خیالت راحت باشه، هر وقت خواستی می تونی پولتو بگیری، چون که اون آودم همون خودش بود.

تام حالا دیگر حالش دارد خوب می‌شود و گلوله‌اش را به جای ساعت انداخته به زنجیر، آویزان کرده و گردنش، هی دم به ساعت نگاه می کند که ساعت چند است و من هم دیگر چیزی ندارم بنویسم و خیلی هم از این بابت خوشحالم، چون اگر می‌دانستم نوشتن کتاب اینقدر زحمت دارد، اصلاً سراغ این کار نمی‌رفتم و دیگر هم نمی‌روم ولی گمانم باید زودتر از آنها بزنم بروم تو منطقه سرخ پوست‌ها، چون که خاله سلی خیال دارد مرا به فرزندی خودش بردارد و تربیت کند. من هم هیچ حوصله‌ای ندارم. یکبار به سرم آمده.

سرگذشت هکلبری‌فین، نوشته مارک تواین، ترجمهٔ نجف دریا بندری، چاپ سوم ۱۳۸۳ انتشارات خوارزمی/۳۷۸و ۳۷۹

در راه هندوستان



مهاتما گاندی به روایت گاندی

مطالعه در قرآن

صفحه ۳

نگارستان



دکتر محمد معین، خالق فرهنگ معین

به روایت زرین‌کوب

صفحه ۵

پرده داران



مردان سینمای ایران

عباس کیارستمی

صفحه ۲

قلم



زندگی و سرگذشت ژول‌ورن به قلم نواده‌اش

رقابت با امیل زولا

صفحه ۷

رمان



پایان یک رمان

خداحافظ گاری کوپر

صفحه ٦

گفت وگو



نکاتی درباره

یادداشت‌های علم

صفحه ٤

آیینه



خاطراتی از درون دربار

چشم های شاهزاده بدر السلطنه

صفحات ٤ و ٥

ادب

احمد یاوری

رویدادهای مهم در تاریخ فیزیک

۱۸۳۴ـ امیل کلاپیرون نسخه ریاضی نظریه‌ی کارنو را منتشر می‌کند.

۱۸۳۷ـ فارادی به مطالعه‌ی القای الکترواستاتیکی می‌پردازد.

۱۸۳۹ ـ ویلارد گیبس در نیوهیون، کانکتیکات متولد می‌شود.

۱۸۴۲ ـ مایر اولین مقاله خود را منتشر می‌کند.

۱۸۴۳ـ ژول اولین نتایج آزمایش‌های خود از کار مکانیکی معادل گرما را منتظر می‌کند.

۱۸۴۴ـ لودویگ بولتزمان در وین متولد می‌شود.

۱۸۴۵ـ مایر مقاله دوم خود را شامل محاسبه کار مکانیکی معادل گرما منتشر می‌کند. تامسون نظریه‌ی ریاضی خطوط الکترواستاتیکی نیرو را بسط می‌دهد. فارادی اثر میدان مغناطیسی بر روی نور قطبیده را مشاهده می‌کند.

۱۸۴۷ـ انتشار نتایج اولین آزمایش‌های چرخ پارویی ژول جهت محاسبه کار مکانیکی معادل گرما. هلمهولتز درباره‌ی پایستگی نیرو را منتشر می‌کند.

۱۸۴۸ـ تامسون اصل دماسنجی خود را منتشر می‌کند.

۱۸۵۰ـ کلاوزیوس اولین مقاله خود درباره‌ی نظریه‌ی گرما را منتشر می‌کند که در آن تابع U را معرفی و معادله $dQ=dU+pdV$ را استخراج می‌کند.

۱۸۵۱ـ تامسون درباره‌ی نظریه‌ی دینامیکی گرما را منتشر می‌کند.

۱۸۵۲ـ فارادی از واقعیت خطوط نیرو دفاع می‌کند.

۱۸۵۴ ـ تامسون از مفهوم دمای مطلق با استفاده از اصطلاحات تابع کارنو دفاع می‌کند. کلاوزیوس مقاله دوم خود درباره‌ی نظریه‌ی گرما را منتشر کرده و تابع حالتی استخراج می‌کند که بعداً نمایشگر انتروپی خواهد بود. ماکسول اولین مقاله خود در الکترومغناطیس با عنوان درباره‌ی خطوط نیروی فارادی را منتشر می‌کند.

۱۸۵۵– تامسون به شرکت تلگراف آتلانتیک می‌پیوندد.

۱۸۵۷– کلاوزیوس اولین مقاله خود درباره‌ی نظریه‌ی ملکولی گازها را منتشر می‌کند.

۱۸۵۸– ماکس پلانک در کیل، آلمان به دنیا می‌آید.

۱۸۶۰ –ماکسول اولین مقاله خود درباره‌ی نظریه‌ی ملکولی گازها را منتشر می‌کند.

۱۸۶۱– ماکسول دومین مقاله خود در الکترومغناطیس را با عنوان درباره‌ی خطوط فیزیکی نیرو منتشر می‌کند.

۱۸۶۴ –والتر نرنست در بریزن، پروس غربی متولد می‌شود.

۱۸۶۵ – کلاوزیوس آخرین مقاله‌ی خود درباره‌ی نظریه‌ی گرما را منتشر می‌کند و در آن نظریات انرژی و انتروپی خود را تکمیل کرده و دو قانون ترمودینامیک را ارائه می‌دهد. ماکسول مقاله سوم خود در الکترومغناطیس با عنوان نظریه‌ی دینامیکی میدان الکترو ـ مغناطیسی را منتشر می‌کند.

۱۸۶۷– فارادی در همپتون کورت واقع در میدلسکس انگلستان بدرود حیات می‌گوید. ماریا اسکلودوسکا در ورشو، لهستان متولد می‌شود.

۱۸۷۱– ماکسول استاد کرسی فیزیک تجربی در کمبریج می‌شود. هلمهولتز به برلین می‌رود. ارنست رادرفورد در مجاورت نلسون، نیوزیلند متولد می‌شود.

۱۸۷۳– ماکسول رساله‌ای در باب الکترومغناطیس را منتشر می‌کند. گیبس تعبیر هندسی ترمودینامیک را با تمرکز بر مفاهیم انرژی و انتروپی منتشر می‌کند.

۱۸۷۵ ـ ۷۸ – گیبس درباره‌ی تعادل ناهمگن مواد را منتشر می‌کند.

۱۸۷۸ – مایر در هایلبرون، آلمان بدرود حیات می‌گوید. لیزه ماینتز در وین متولد می‌شود.

۱۸۷۹ – ماکسول در کمبریج، انگلستان بدرود حیات می‌گوید. آلبرت اینشتین در اولم، آلمان به دنیا می‌آید.

۱۸۸۵– نیلس بور در کپنهاگ، دانمارک به دنیا می‌آید.

۱۸۸۷ –اروین شرودینگر در وین متولد می‌شود.

۱۸۸۸ –کلاوزیوس در بن، آلمان بدرود حیات می‌گوید.

۱۸۸۹ –ژول در سیل، انگلستان بدرود حیات می‌گوید. ادوین هابل در مارشن فیلد، میسوری به دنیا می‌آید.

۱۸۹۲ –لویی دوبروی در دیپ، فرانسه متولد می‌شود.

۱۸۹۳– نرنست کتاب درسی خود با عنوان شیمی نظری را منتشر می‌کند.

۱۸۹۴ –هلمهولتز در برلین بدرود حیات می‌گوید.

۱۸۹۶– بولتزمان جلد اول در سگفتارهایی در نظریه‌ی گازی را منتشر می‌کند. هانری بکرل خاصیت پرتوزایی اورانیوم را کشف می‌کند.

۱۸۹۸– بولتزمان جلد دوم در سگفتارهایی در نظریه‌ی گازی را منتشر می‌کند. ماری و پیر کوری کشف پلونیوم و رادیوم را گزارش می‌کنند.

۱۹۰۰– پلانک مقاله خود درباره‌ی تابش جسم سیاه را منتشر می‌کند که به طور محدود به معرفی مفهوم کوانتش انرژی اشاره دارد. ولفگانگ پاولی در وین متولد می‌شود.

۱۹۰۱ – گیبس اصول مقدماتی مکانیک آماری را منتشر می‌کند. ورنر هایزنبرگ در وورتزبورگ، آلمان متولد می‌شود. انریکو فرمی در رم متولد می‌شود.

۱۹۰۲– رادرفورد و فردریک سادی مجموعه‌ای از مقاله‌ها را منتشر می‌کنند و در آنها نظریه‌ی تبدیل پرتوزایی خود را بسط می‌دهند. اینشتین به عنوان متخصص فنی درجه سه در اداره ثبت اختراعات برن سوئیس مشغول به کار می‌شود. پل دیراک در بریستول، انگلستان متولد می‌شود.

۱۹۰۳– گیبس در نیوهیون، کانکتیکات بدرود حیات می‌گوید.

۱۹۰۵– نرنست به برلین می‌رود. اینشتین مقاله‌های خود درباره‌ی نسبیت، اثر فوتوالکتریک و ذرات کلوئیدی در مولکول‌ها را منتشر می‌کند.

۱۹۰۶– نرنست نظریه‌ی گرمایی خود را منتشر می‌کند. رادرفورد پراکندگی ذره a را کشف می‌کند. بولتزمان در دوئینو، روستایی در مجاورت تریست، ایتالیا بدرود حیات می‌گوید. پیر کوری در پاریس بدرود حیات می‌گوید.

۱۹۰۷– تامسون در مجاورت لارگس، اسکاتلند بدرود حیات می‌گوید. رادرفورد به منچستر می‌رود.

۱۹۰۹ – هانس گایگر و ارنست مارسدن مقاله خود درباره‌ی پراکندگی ذره a توسط صفحات فلزی را منتشر می‌کنند.

ادامه دارد

داستان/ زندگی پس از مرگ

من با چشم خودم دیدم که خواهرم ادب را در تمکین نیافت و حمله قضا را انکار کرد. در کشاکش پذیرش مرگ و تن دادن به حضور فرشته مرگ و گوش خواباندن به آوای آن فرشته، با تمام وجودم دیدم که دختر جوانی که خواهر من بود، آرایش مرگباری را که تاریکی از مدتها پیش تدارک دیده بود و امشب می‌خواست با سپاه ظلم رقم بزنند، به هم زد.

سرود فرشته مرگ را غیرعادلانه دانست و سرودی دیگر را پیش کشید، سرود زندگی، سرود زنده ماندن و حیات. وقتی پروین به مادرم گفت: من نمی گذارم تو بمیری، چیزی که شوم بود و در کمتر از چند ماه بنیه محکم کرده بود، شکست! اشک از چشم همه کسانی که با تمام وجود می گریستند، گریخت و امید دوباره به خانه قلب ما و قلب خانه‌مان بازگشت. وقتی چراغ خانه روشن شد و روشنایی بر همه جا و بخصوص صورت مادرم تابید، یقین کردم که خدا ناامیدی را از خانه ما دور کرد و امید را دوباره به خانه‌مان بازگرداند.

وقتی همه جا روشن شد، صورت مادرم در دست‌های پرحرارت دخترش حسی از ضرورت جان گرفتن پیدا کرده بود. چشم‌های مادرم بسته نبود. چشم‌های او باز بود و روشن: روشن‌تر از همیشه. حالا افتادن پلک‌های مادرم روی هم نشانهٔ مرگ نبود، نشانهٔ زندگی بعد از مرگ بود و اینکه زندگی بر مرگ پیروز شده است و حالا نوبت افراشتن قامت زندگی است.

پایان

زندگی

آرش تبریزی

زریاب خویی و ناگفته‌هایش

روایت یک غروب

روزی نزدیک غروب، در مدرسه فیضیه بودم و طلاب مشغول وضو گرفتن از حوض مدرسه بودند. زیلوهای مدرسه را پهن کرده بودند و مؤمنان و نمازگزاران در انتظار آمدن مرحوم آقای سیدمحمدتقی خوانساری یکی از سه مجتهد و مرجع بزرگ قم پس از فوت مرحوم شیخ عبدالکریم حائری یزدی بودند. ناگهان دیدم سید بلند قد خوش سیمایی با وقار تمام مشغول وضو گرفتن است و طلاب به چشم احترام و تعظیم به او می نگرند. لباس مرتب، محاسنی کوتاه و چشمانی نافذ داشت. چون وضو تمام شد، حاج شیخ صادق فراحی نزدیک شد و سلام کرده و با هم روبوسی و کمی صحبت کردند. پس از آنکه از هم جدا شدند، من از حاج شیخ صادق نام آن سید روحانی را پرسیدم و او گفت: او حاج آقا روح‌الله خمینی، معلم و استاد فلسفه من است و من روزها پس از درس فقه آقای سید محمد حجت کوه کمره‌ای به درس اسفار او که در مدرسه دارالشفاء منعقد می گردد، حاضر می‌شوم.

این اولین بار بود که من آقای خمینی را می‌دیدم. او در آن وقت یعنی سال ۱۳۱۶ شمسی از مدرسین فاضل و بنام حوزه قم بود و با آنکه جوان بود و در حدود سی و شش سال داشت مورد تعظیم و احترام همگان بودند. عصرها در حدود دو ساعت به غروب مانده به مدرسه فیضیه می‌آمد و در ضلع جنوبی مدرسه در جلوی یکی از حجرات می‌نشست و با فضلای درجه اول حوزه مانند مرحوم سید محمد یزدی معروف به داماد و مرحوم شیخ حسن نویسی و مرحوم فاضل لنکرانی به بحث و جدال در مسائل فقهی و اصول می‌پرداخت و گاهی یعنی خیلی به ندرت تند می شد و صدای خود را بلند می کرد چنانکه فضای مدرسه از صدای او پر می‌شد. چنانکه

> **از مباحثات تندی که بین طلاب معروف است، برحذر می‌داشت و همیشه می‌گفت: اغلب این مباحثات که می‌شود، جانب عدل و حق و عدالت نمی‌شود**

گفتم این گونه موارد بسیار نادر بود و او غالباً در مباحثات خونسرد و مسلط بود و حریف را با براهین و ادله منطقی به سکوت یا اعتراف وادار می‌کرد. تحمل و تسلط او بر نفس معروف بود و با وقار و جاذبه شخصی خودشان همه را به احترام وا می‌داشت و همه او را به تفوق و تقید به ظاهر و اصول اخلاقی می‌ستودند. به همین جهت این حسن اعتقاد همگان به من نیز سرایت کرد و آرزو می‌کردم که اطلاعات و تحصیلات من روزی مرا موفق به حضور در درس او بکند.

حدود چهار سال و نیم من خدمت آقای خمینی بودم. به من خیلی محبت داشتند که شاید این علاقه ایشان به بنده باعث می‌شد که عده‌ای از هم دوره‌ای‌ها به من حسد ببرند. یک سال تابستان به آذربایجان (خوی) نزد پدرم رفته بودم. بعد از بازگشت طبق معمول مجدداً به درس ایشان رفتم.

بعد از چندی، ماه رمضان شد. در شب‌های ماه مبارک یک جلساتی با چند نفر از دوستان داشتند که در آن کتاب عبقات الانوار در باب اثبات ولایت حضرت امیرالمؤمنین(ع) را می خواندند. ایشان از بنده هم دعوت کردند که در آن جلسات شرکت کنم. گاهی کتاب را من می خواندم و گاهی دوستان دیگر و گاهی هم خود ایشان می خواندند.

سال ۱۳۱۸ هـ‌ش من نزد ایشان منظومه می خواندم. متوجه شدند که درس را خوب می فهمم و شور و علاقه هم دارم. تابستان به آذربایجان رفتم و مدتی بعد برگشتم و به تهران آمدم و چند روزی هم در تهران بودم. روزی به حرم عبدالعظیم جهت زیارت می‌رفتم، البته من هیچ گاه معمم نبودم، همیشه با کت و شلوار بودم، آقای خمینی را در حرم دیدم. اصولاً تابستان که حوزه تعطیل می‌شد ایشان در قم نمی‌ماند، یا به مشهد می‌رفت یا به تهران، اطراف درکه، امامزاده قاسم، منزل می کرد و شاید بیشتر مشهد مشرف می‌شد. تا مرا دید پس از سلام و احوال‌پرسی با نگرانی سؤال کرد: فلانی دیگر نمی‌خواهی به قم برگردی؟ گفتم: آقا اختیار دارید، چطور مگر؟ من که منتظر هستم شما به قم برگردید. شاید ایشان فکر می‌کرد که من آمده‌ام تهران بمانم. چون زمان رضا شاه بود و خیلی از طلاب که از عاقبت حوزه و روحانیت مأیوس بودند، به تهران می‌آمدند و به دانشکده معقول و منقول و یا به دانشکده حقوق می‌رفتند و در نهایت دیگر به حوزه برنمی گشتند. ایشان از این پیشامد ناراحت و نگران بودند.

ایشان همیشه مسائل فلسفی را به عرفان و از آن‌جا به اخلاق می‌کشیدند. همیشه سعی داشتند اخلاق طلاب را تصحیح کنند؛ لذا از مباحثات تندی که بین طلاب معروف است، برحذر می‌داشت و همیشه می‌گفت: اغلب این مباحثات که می‌شود، جانب عدل و حق و عدالت نمی‌شود. هر کس فقط می‌خواهد از خود و نظریه خودش دفاع کند و این درست نیست. مرد و عالم حقیقی آن است که اگر دید حق با طرف مقابل بحث است، همان‌جا تسلیم بشود. اگر کسی این اندازه بر خودش غلبه داشت که بتواند این کار را بکند، عالم حقیقی است...

ادامه دارد

پرده‌داران

احمدبهارلو

عباس کیارستمی

مردان سینمای ایران/۱۴

عباس کیارستمی (۱۳۱۹) از سال ۱۳۴۰ به‌عنوان نقاش تبلیغاتی در «آتلیه‌۷» و یک دو موسسه دیگر به کار طراحی جلد کتاب و آفیش پرداخت، و چند صباحی بعدتر به انگیزه درآمد بیشتر به «تبلی‌فیلم» رفت. از سال ۱۳۴۶ در «سازمان تبلیغاتی نگاره» به طراحی و ساختن عنوان‌بندی فیلم پرداخت که نخستین آن‌ها عنوان‌بندی فیلم وسوسه شیطان ساخته محمد زرین‌دست بود. مدتی بعد به دعوت فیروز شیروانلو، که مسئولیت «امور سینمایی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان» را داشت به «کانون» رفت و در سال ۱۳۴۹ فیلم کوتاه نان و کوچه را ساخت. کیارستمی موقع ساختن نان و کوچه از صناعت (تکنیک) و الفبای سینمایی بی‌اطلاع ـ یا کم‌اطلاع ـ بود، اما موفق شد به طور «حسی» صورت یا بافت تصاویر فیلمش را با موضوع آن هم‌آهنگ درآورد. کیارستمی فیلم بعدی‌اش را با نام زنگ تفریح در سال ۱۳۵۱ ساخت، و آشکار است که او در فاصله این دو فیلم کوشید پاره‌ای از ضعف‌ها و کاستی‌های تکنیکی کار خود را برطرف سازد. زنگ تفریح در کارنامه کیارستمی فیلم مهمی است و از نظر او «راه بسیار خوبی در سینما است» که، به تدریج، در آثار بعدی‌اش با افت‌وخیز ادامه پیدا کرد.

تجربه (۱۳۵۲) نگاهی است به زندگی نوجوانی که سال‌های کودکی پسرکِ



فیلم‌های نان و کوچه و زنگ تفریح را پشت سر گذاشته و دوره بحران بلوغ خود را تجربه می‌کند. کیارستمی در این فیلم تلاش کرد هر آن‌چه را که حرکت درونی و واقعی فیلم را، به نحوی، مخدوش می‌کند، و از نظر او «ضدسینما» و «ضدفیلم» تلقی می‌شود، از فیلم خود حذف کند.

کیارستمی با مسافر (۱۳۵۳) به تجربه جدیدی در فیلم‌سازی دست زد که از آن پس جزو ویژگی‌های اصلی آثار او شد. به تعبیر خودش مسافر تجربه مناسبی برای او در سینما بود؛ تجربه‌ای «آزمایشی» و به مقدار فراوان ارتجالی. سه فیلم بعدی کیارستمی فیلم‌های کوتاه صرفاً آموزشی و تربیتی هستند: دو راه‌حل برای یک مسئله، منم می‌تونم و رنگ‌ها (۱۳۵۴). لباسی برای عروسی (۱۳۵۵) هشتمین فیلمی است که کیارستمی با بازیگران کودک و نوجوان ساخت و موضوع فیلمش مسایل و ماجراهای کودکانه بود. لباسی برای عروسی از نوع سینمای تجربه است؛ و در کارنامه کیارستمی کم‌تر ارتباطی بین این فیلم و سه فیلم آموزشی/تربیتی او وجود دارد. موضوع دو فیلم تجربه و لباسی برای عروسی به واقعیت سرسخت زندگی نزدیک‌تر است.

کیارستمی نخستین فیلم سینمایی خود را در سال ۱۳۵۶ با نام گزارش ساخت؛ در اوضاعی که نمی‌خواست خود را قربانی نیازهای تجاری تهیه‌کنندگان سینمای ایران کند. ناتوانی انسان در مقابل اجتماع موضوع اصلی فیلم گزارش است؛ انسانی که به مشکلاتش آگاه است و گام‌هایش را برای بهبود وضع خود برمی‌دارد؛ اما نمی‌تواند متناسب با شرایط درونی خود عمل کند.

اولی‌ها(۱۳۶۳) پس‌از گزارش بلندترین فیلم کیارستمی است. کیارستمی در اولی‌ها به رفتار و سکنات نوآموزانی می‌پردازد که نخستین‌بار از محیط مانوس خانه دور می‌شوند و قدم به محیط اجتماعی بزرگ‌تر، یعنی مدرسه، می‌گذارند. کوشش‌های آن‌ها برای آشنایی با این محیط، در همه موارد، خالی از دردسر نیست.

از نگاه کیارستمی، کارگردان بایستی ویژگی‌ها و فردیت شخصیت بازیگرش را بشناسد، و این ویژگی و فردیت بایستی با شخصیت نقش مورد نظر هم‌آهنگی داشته باشد، درغیر این صورت اگر نتیجه متوسطی هم حاصل شود باید رضایت داشت.

درمجموعه‌فیلم‌های کیارستمی عموماً آدم‌هایی تصویر می‌شوند که به رغم تنهایی از انفعال و رخوت بیزارند (نان و کوچه، تجربه و مسافر)؛ اما درعین حال کمتر کسی قادر به درک آن‌ها است، یا برای شناخت و ارتباط با آن‌ها کوشش می‌کند (لباسی برای عروسی، گزارش و طعم گیلاس)، یا در واقع خود هرگونه تلاش برای ارتباط را دفع می‌کند (همسرایان). بسیاری از آدم‌های فیلم خانه دوست کجاست؟ (۱۳۶۵) نیز در همین ردیف قرار می‌گیرند، که نمونه آن رابطه پدر با اعضای خانواده و رابطه پدربزرگ با نوه‌اش است.

نکته مهمتر در فیلم‌های متاخر کیارستمی مثل زیر درختان زیتون (۱۳۷۳)، طعم گیلاس (۱۳۷۶) و باد ما را خواهد بُرد (۱۳۷۸) این است که او با حذف نشانه‌های آشنا و نفی کلیشه‌های سنتی در خلق صحنه‌هایی تلاش می‌کند که پیشتر دیده نشده است، یا به تعبیر دیگر با حذف صحنه‌هایی که بارها دیده شده، می‌کوشد تصاویری پدید آورد که شباهتی به تصاویر کلیشه‌ای و تکرارشده ندارد. واسازی یا «ساختارشکنی» در فیلم‌های متاخر کیارستمی بیش از هر چیز به شالوده آثار «پست مدرنیستی» نزدیک است، و بارزترین مشخصه آن این است که فیلم‌ها پایان‌بندی، یا در اصطلاح جدید «بستار» به شیوه سنتی ندارند، و می‌توان آن‌ها را به صورت‌های مختلفی ادامه داد، یا به پایان رساند.

عباس کیارستمی یکی‌ازستایش‌شده‌ترین کارگردان‌های ایرانی در خارج از مرزهای کشور است. او با نمایش فیلم باد ما را خواهد برد در بخش پنجاه‌وششمین جشنواره بین‌المللی فیلم و نیز موفق به دریافت جایزه ویژه هیئت داوران و جایزه منتقدان بین‌المللی (فیپرشی) شد، و پس از دریافت جایزه اعلام کرد که در مدت سه دهه حضورش در سینما موفق به دریافت ۶۰ جایزه بین‌المللی شده است، و از این پس ترجیح می‌دهد میدان را برای جوانان باز بگذارد. تعبیر خودش این است: «حتی ورزش‌کاران هم مربی می‌شوند و جای‌شان را به جوانان می‌دهند؛ من هم باید همین کار را بکنم.»

در راه هندوستان

مهاتما گاندی به روایت گاندی/۲۵

مطالعه در قرآن



گاندی

اگر عیسی شبیه خداوند و یا خود او بود، پس عموم ما شبیه باری تعالی و یا خود او هستیم. عقل من حاضر نبود قبول کند عیسی فقط با دادن خون و جان خود معاصی جهان را بازخرید کرده و سبب بخشایش گشته است. شاید بتوان گفت که در این تصور می‌شود مجازاً و به طور استعاره حقیقتی وجود داشته باشد. بنابر ادعای مسیحیان فقط نوع بشر دارای روح است نه سایر چیزهای زنده که مرگ سبب نابودی کاملشان می‌گردد. من در این مورد نظریه دیگری داشتم. می‌توانستم قبول کنم که مسیح شهید شد، مظهر فداکاری بود، واعظ روحانی بود، اما نمی‌توانستم باور داشته باشم او یگانه موجودی است که از تمام جهات کامل و عاری از هر نوع نقص و عیبی بوده. درگذشت او روی صلیب یعنی مصلوب شدنش درس بزرگی برای جهان بشمار است. اما قلبم قبول نمی‌کرد که این موضوع یک فضیلت مرموز یا حسنی معجزه‌آسا باشد. زندگی ناشی از دین‌داری و پرهیزکارانه مسیحیان مافوق آن‌چه پیروان حقیقی سایر ادیان به من می‌آموخت درسی نمی‌داد. زیرا نظیر همان اصلاح اساسی اخلاقی را که از مسیحیان می‌شنیدم در سایرین نیز دیده بودم. در اصول مذهب مسیح از نظر فلسفه و استدلال چیز فوق‌العاده دیده نمی‌شود، مهم‌تر آن که هندوها از حیث فداکاری و از خودگذشتگی به مراتب از مسیحیان پیش هستند و برای من غیرممکن بود مسیحیت را مذهبی از هر حیث کامل و یا بزرگترین ادیان دانم.

هر وقت که فرصتی دست می‌داد با دوستان مسیحی درباره این امور به بحث و مذاکره می‌پرداختم. اما پاسخ‌ها و ادعاهای آن‌ها نمی‌توانست قانعم سازد.

همان‌طور که دوستان مسیحی سعی می‌کردند مسیحی‌ام کنند، آشنایان مسلمان نیز بیکار ننشسته بودند. آقا عبدالله همیشه تشویقم می‌کرد اسلام را مورد مطالعه قرار دهم

به این طریق بود که نتوانستم دین مسیح را به عنوان کامل‌ترین و یا بزرگ‌ترین ادیان بپذیرم. اما فراموش نکنید که در مورد مذهب هندو نیز دارای چنین نظری بودم. یعنی آن را هم بزرگ‌ترین دین‌ها به حساب نمی‌آوردم. معایب دین هندو تا میزان قابل توجهی در نظرم روشن و هویدا بود، اگر موضوع «نجس»ها و غیرقابل لمس بودن آن‌ها جزئی از دین هندو است پس باید گفت که این جرمی شرم‌آور و یا غده‌ای ناراحت‌کننده است. نمی‌توانستم به دلیل وجود کاست‌های مختلف پی برم، مفهوم این که می‌گویند «وداها» کلام الهام شده خداست چیست؟ اگر کلمات این کتاب الهام گرفته شده است پس باید گفت که مزمورهای انجیل و آیات قرآن نیز از کلام خداوند الهام گرفته شده.

همان‌طور که دوستان مسیحی سعی می‌کردند مسیحی‌ام کنند، آشنایان مسلمان نیز بیکار ننشسته بودند. آقا عبدالله همیشه تشویقم می‌کرد اسلام را مورد مطالعه و دقت قرار دهم و واضح است که در جریان صحبت از خوبی‌های آن سخن می‌گفت.

نامه‌ای برای ریچاندبهای نوشتم و مشکلات خود را برای او شرح دادم. با چند مقام مذهبی و روحانی دیگر در هند باب مکاتبه را باز کردم که مرتباً به نامه‌هایم پاسخ می‌دادند: جواب ریچاندبهای تا حدی سبب تسکین و آرامشم شد. تصمیم داشتم کمی صبور باشم و به مطالعه دقیق هندوئیسم پردازم. یکی از جملاتش تقریباً این بود «بانظری دور از بغض و تعصب بر این عقیده هستم که هیچ دینی دارای فکر عالی و موشکاف هندوئیسم، بصیرت روحی آن و یا محبت و خیرخواهی‌اش نیست».

ترجمه‌ای را که سیل از قرآن کرده خریدم و به قرائت پرداختم. چندین کتاب دیگر هم درباره اسلام مطالعه کردم. با دوستان مسیحی در انگلیس به نامه‌نویسی پرداختم. یکی از آن‌ها مرا به ادوارد میتلاند معرفی کرد و با این شخص مدتی به مکاتبه پرداختم. او کتاب «راه صحیح» را که خود همراه آناکینگزفورد تألیف کرده بود برایم فرستاد. این کتاب در رد معتقدات کنونی مسیحیان بود. کتابی دیگر نیز ارسال داشت به نام «تاویل جدید انجیل» از هر دو کتاب خوشم می‌آمد. چنین به نظر می‌رسید که از هندوئیسم طرفداری می‌کنند. کتاب «قلمرو خداوند در وجود شماست» اثر تولستوی کاملا مستغرقم ساخت. و اثری فناناپذیر از خود در من باقی گذارد. تمام کتاب‌هایی که آقای کوتس به من داده بود در مقابل فکر مستقل، جنبه قوی اخلاقی و حقیقت این یکی تقریباً اهمیت خود را از دست می‌داد.

مطالعاتم مرا به راهی سوق داد که دوستان مسیحی‌ام حتی فکرش را هم نکرده بودند. مکاتبه با ادوارد میتلاند تا مدتی طول کشید و باریچاندبهای تا روز مرگش نامه‌نویسی داشتم. بعضی از کتاب‌هایی را که برایم فرستاده بود خواندم که از آن جمله باید این‌ها را نام برم. پانچیکاران مانیراتنامالا مونوکشوی پراکرن یوگاواسیشته شادراشنه ساموچچایه تألیف هاریبهادراسوری.


شهرام انصاری

فکر

ادامه از صفحه اول

یکصدمین سال تولد استاد دانا سرشت

پژوهشگر ریاضی و هیئت

زندگی نامه: استاد داناسرشت در مورد زندگی و دوران تحصیل خود در مصاحبه ای با کیهان فرهنگی می گوید:

«بنده اکبر داناسرشت (صیرفی)، پسر حاج علیقلی و نوه حاج علیقلی صراف باشی زنجانی هستم. پدرم زنجانی بود و مادرم اصلاً اصفهانی، من در سال ۱۲۹۰، در تهران متولد شدم، در جنگ بین الملل اول به مدرسه ابتدایی می رفتم. یادم است که کاغذ گران شده بود و هر ربع کاغذ را یک عباسی می فروختند. در مدرسه ابتدایی لوح می نوشتیم، لوح را توی آب می زدند و به ما می دادند تا روی آن بنویسیم. جز این نکته حتی یک کلمه هم از مدرسه ابتدایی یادم نیست. بعداً به زنجان رفتم و معلم سرخانه گرفتم و سپس به مدرسه ابتدایی معروف به «اسعدیه» به سرپرستی مرحوم مترجم همایون رفتم تا وقتی که دوباره به تهران آمدم. بنده در اوایل شبابم به شعر فارسی نیز علاقه زیادی داشتم و چون عربی در شعر فارسی دخیل بود، دوست داشتم عربی بیاموزم و کم کم شروع کردم به خواندن آن و آموختن معانی قرآن. مادر مرحوم من روزی یک جزء قرآن می خواند. من این قرآن را به احترام ایشان هنوز نگه داشته ام – گرچه خیلی پراکنده شده – ولی من آن را صحافی کرده ام.

من لغات قرآن را یادداشت و حفظ می کردم و بسیار شائق بودم که عربی بدانم، ولی پدرم در این فکرها نبود و نمی دانست که ذوق من چیست. من تمام تحصیلاتم را پس از طی دوره ابتدائی رها کردم و دنبال یادگیری زبان عربی رفتم و پس از آنکه شش سال تمام زبان عربی خواندم، کتب زیادی از شعر و نثر عربی را مطالعه کردم. بعد از آن، دیدم بدون علم ریاضی و علم جدید به جایی نمی رسم. پس وارد علم جدید، بالاخص رشته ریاضیات شدم و الان ۵۰ سال است که در این رشته مشغولم. علت علاقمندی من به ریاضیات استدلالی و متین بودن آن بود و دیگر اینکه در آن، تقلید و نقل قول جایی ندارد و یکسره استدلال است.

عوامل بیرونی ای که من را به این سمت تشویق کرد، همان ذوق طبیعی بنده بود تا بروم و ببینم که حقیقت در دنیا چیست و ضمناً علاقه به علوم دقیقه داشتم. علوم جدید پایه های این علومی را که از قدما به دست ما رسیده، بخصوص در قسمت فلسفه از بین برده است. من شنیده ام که اکثر فلاسفه اروپا ابتدا ریاضی می خوانده اند و بعد به فلسفه روی می آوردند. ابن سینا هم ابتدا در ریاضیات کار کرده، بعد به فلسفه روی آورده، چنانکه خودش در زندگینامه خود نوشته است. یکی از سعادت هایی که ما داریم، این است که ابن سینا شرح حال خودش را در منطق الشفا نوشته است. البته تا موقعی که زنده بوده و بعد هم شاگردش ابوعبید جوزجانی آن را دنبال کرده است.

اساتید: قبل از آن که اساتید ریاضی و تنجیم ایشان را معرفی کنم، باید از استادان فقه و اصول او نام ببرم. استاد، فقه و علوم اسلامی ایشان مرحوم شیخ محمدرضا تنکابنی اعلی الله مقامه بوده است. خواندن کتب رسائل و مکاسب نزد ایشان از خواندن روزنامه آسانتر بود و با علّو مقامی که داشت، مرتب این کتب را درس می فرمود. استاد دانا سرشت نزد ایشان هم مقداری کفایه خواند و مدتی هم به درس خارج ایشان رفت. نکته مهم، هوش طبیعی این مرد بود که نکاتی را می فهمید که خیلی ها آن را درک نمی کردند.»

استاد در مورد آشنایی با اساتید ریاضی و نجوم خود می گوید:«در علوم ریاضی، شرح آشنایی من با ریاضی این بود که بنده و مرحوم دکتر غلامحسین مصاحب، شب ها خدمت شیخ ضیاء الدین دری [استاد و نویسنده و موسس مدرسه همت] اشارات و بعد هم الهیات شفا را خواندیم. ما چند سال با هم درس خواندیم و بنده توسط مرحوم مصاحب، با سرتیپ بغایری آشنا شدم. سرتیپ عبدالرزاق خان بغایری (۱۳۷۲–۱۲۸۶ ق)(مهندس نقشه برداری از دارالفنون) شاگرد نجم الدوله بود. نجم الدوله پسر ملاعلی محمد اصفهانی است که به غیاث الدین جمشید ثانی معروف بود و ابداع لگاریتم از آن اوست. مرحوم بغایری اولین مهندسی است که در ایران شروع به کشیدن نقشه ایران کرد. وی در نقشه ای که از تهران کشیده، تمام حدود تهران را مشخص کرده و افرادی که در زمین های



داخل و خارج تهران دعوا داشتند و درباره آن بحث می کردند که مثلاً فلان زمین جزء خندق است یا بیرون از خندق، به این نقشه رجوع می کردند. این مدرک برای کارشناسان بسیار مهم بود. طرز کار او ابتدا این بود که سه تا گنبد را در سه گوشه یک مثلث قرار داد: گنبد حضرت عبدالعظیم، امامزاده قاسم و امام زاده حسن.

من چندین سال خدمت سرتیپ بغایری، ریاضی خواندم. جناب سرتیپ، مردی بسیار متدین و مواظب عبادات خود بود. وی شغل معمولی داشت، با اینکه با رجل درجه اول ایران خویشاوندی و قرابت داشت – ایشان شوهر خواهر محمد علی فروغی بود – ابداً به کسی توجه نمی کرد. فقط با اهل علم کار داشت. این مرد وارسته در وزارت خارجه مشغول بود، و در مدرسه علوم سیاسی تدریس هم می کرد. چون تمام

چندین سال خدمت سرتیپ بغایری، ریاضی خواندم. جناب سرتیپ، مردی بسیار متدین و مواظب عبادات خود بود

حدود ایران را می شناخت و از همه جا نقشه کشیده بود، هر وقت اختلافی در سر حدی پیدا می شد، به او رجوع می کردند و او می نوشت که در فلان سرحد، مثلاً سرحد بانه که چند تا گاو آمده و از مرز عبور کرده اند، آیا به خاک ایران وارد شده و اجازه لازم بوده یا اینکه نه در خاک خودشان بوده اند؟ وی چنین اختلافات جزئی را حل می کرد. نقشه هایی که از او باقی مانده، بسیار با ارزش است. علاوه بر اینها، ایشان فرمولی برای پیدا کردن قبله بدست آورده بود، که خوشبختانه مرحوم سید نصر الدین مهدوی، مصحح « صور الکواکب » خواجه عبدالرحمن صوفی – که او هم مرد با تقوا و با اعتقادی بود – آن را از سرتیپ گرفت و چاپ کرد.

ایشان مرد بسیار اخلاقی و عالم و بهترین استاد ریاضی من بود و مردم به ایشان اعتقاد داشتند. کارهای سرتیپ بغایری بسیار با ارزش است و در آینده هم، نقشه ایشان در مورد سرحدات ایران ارزش خواهد داشت، چون معروف است که در زمان مؤسس سلسله پیشین (سلسله قاجار) قسمتی از خاک ایران به ترکها و قسمتی هم – به حکمیت ترکها در شرق ایران – به افغانستان داده شده بود. برای اینکه صحت این موضوع به زبان ریاضی مستدل شود، باید وزارت خارجه ما به نقشه های مرحوم مهندس بغایری مراجعه کند تا ببیند این حرف تا چه حد درست است تا خبری در حد هوی و جنجال تلقی نشود.»

لازم به ذکر است که: در دوره حیات آموزشی دارالفنون، درس زبان های بیگانه و جغرافیا مورد اعتراض متعصبان مذهبی قرار گرفت، اما مهندس عبدالرزاق بغایری با معلم ریاضی و جغرافیا با ساختن دو کره جغرافیا کم کم مردم را به اهمیت این درس آشنا ساخت. (پژوهش نامه آموزشی شماره ۱۰۵ دی ماه ۱۳۷۸، ص ۷).

اقبال یغمایی هم که از فرهنگیان پر تلاش بوده و سال ها مسئولیت نشر مجله آموزش و پرورش را عهده دار بودند، در مصاحبه ای که با مجله رشد معلم داشت درباره مهندس بغایری می گوید:

« به دنبال چاپ عکس و شرح حال معلمان برجسته یک روز هم به منزل مهندس عبدالرزاق بغایری رفتم تا شرح حالی از ایشان بگیرم. این مهندس پیرمرد بسیار با خدایی بود و حقوق بازنشستگی نمی گرفت، می گفت: « تا زمانی که کار کرده ام حقوقم را داده اند. حالا دیگر کلاس نمی روم که مُزدی بگیرم». عده ای از مسئولان وقت برای این که حاضر شود حقوق معلمی دوران بازنشستگی هم بگیرد، نقشه ای کشیدند و او را راضی کردند که در ازای حقوق بازنشستگی، قبله شهرهای ایران و پایتخت های کشورهای دیگر را محاسبه کند تا چاپ شود. او می گفت: «اتاقی در وزارت کشور به من دادند و من آن جا نشستم و این کار را آماده کردم که به نام «معرفه القبله» چاپ شد». (یاد ماندگار، جواد محقق، ص ۱۷۶–۱۷۷)».

ایشان در مورد اینکه آیا خلیج عربی در دنیا وجود دارد یا نه ؟ می نویسد:بنده حقیر که کمترین شاگرد سرتیپ بغایری باشم، مطالعه کردم و مدارکی در این زمینه دارم که فضلای عرب از آن بی اطلاع هستند و اگر وزارت امور خارجه بخواهد، در اختیارشان قرار می دهم. دیگر از تحقیقات من این است که عراق عرب را پیش از اسلام چه می نامیدند و نام حقیقی این قسمت – یعنی کشور عراق – چیست و آیا پیش از اسلام هم کلمه عراق وجود داشته یا نه ؟ اینها مسائلی است که برای دانستن آن جان آب کرده ام.

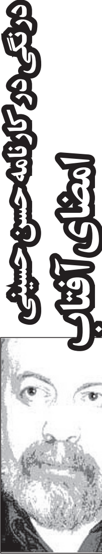
[سرتیپ بغایری فرزند ملا محمد حسن، متولد در سبزوار دارای تألیفات ذیل می باشد: ترسیم نقشه ایران، تعیین قبله، تهیه نقشه پنج قاره، نقشه تهران، اصول علم جغرافیا، معرفه القبله، ما مهندس داریم].ایشان در ریاضیات قدیم هم خدمت مرحوم سید حسن مشکان طبسی (۱۳۲۷–۱۲۵۸ ق، فرزند سید مهدی میرزا متولد در طبس استاد فلسفه در دانشکده معقول و منقول و مستشار دیوان کشور)، اسطرلاب خواجه نصیر را خواند. استاد مشکان آخرین شاگردی بود که از مکتب اصفهان بیرون آمد. وی مقاله ای راجع به شرح حال خودش نوشته که در مجله « آستان قدس رضوی» چاپ شده است. ایشان خیلی به کتاب های فارسی هیئت و اسطرلاب وارد بود و خاطرات زیادی هم در این قسمت داشت، البته امروزه اسطرلاب، دیگر به کار نمی آید، ولی از نظر تاریخ علم کسی که وارد علوم ریاضی اسلامی می شود، لازم است اینها را بداند. تدبیر منزل و سیاست مدن و ترجمه ببر، هژیر هم از آثار ایشان است.

نباید فراموش کرد که استاد دانا سرشت قسمتی از کتاب تسطیح بیرونی را هم در محضر استاد علامه ابوالحسن شعرانی [۱۲۹۳–۱۳۲۰ق، استاد علوم دینی و فلسفه و حکمت و نجوم و مسلط به زبان های عربی و فرانسه است که زبان های عبری و انگلیسی را نیز می دانست] که تنها یادگار علوم ریاضی اسلامی در این عصر است، یاد گرفتند. (هزاره شیخ طوسی، ج ۱، ص ۱۵۳، علی دوانی).

ادامه دارد

درنگی در کارنامه حسن حسینی

امضای آفتاب



شعرهای این کتاب نشانی از پختگی و استواری سبک حسن حسینی دارد. در آنها تناسب ها به طرزی ماهرانه رعایت شده است؛ مثلاً در شعر «شکست من» ارتباط هایی نسبتاً پنهان ولی مؤثر میان «آینه»، «حیرت»، «سنگ»، «تصویر» و «شکستن» برقرار است و در شعر «استراحت» میان «نماز»، «سجاده»، «سجده» و «تسبیح». این پاره از «شکست من» را ببینید:

بامداد خلقت آیینه
آه من زاده شد
و سنگواره‌ها
به راه افتادند.
شکست من
پریشانی تصویر توست
و آوارگی حیرتی که
از ازل
در چشمهای من خیره مانده است

زبان موجز است و استوار. باز ترکیب‌هایی غیرمنتظره و جذاب همچون ترکیب‌های کتاب گنجشک و جبرئیل در اینجا می توان یافت: «آینه‌های مندرس»، «صابئین غم‌زده»، «روزن عتیق»، «آفتاب کفن‌پوش».

به گمان من همه چیز در این آثار بهنجار و معتدل می‌نماید، جز ابهامی که قدری از گنجشک و جبرئیل بیشتر شده و شعرها را محتاج بازخوانی‌های گاه پیاپی کرده است.

اما تصویری که حسینی از مادر در این شعرها ارائه می‌کند، بیش از اینکه رنگ عاطفی یا اجتماعی داشته باشد، رنگ تاریخی و فکری پیدا می‌کند. کار از این نظر هم کمابیش شبیه گنجشک و جبرئیل است، با این تفاوت که آنجا شاعر مفهومی کهن را رنگ امروزی می‌بخشید و اینجا موجودی امروزی را در بستری گاه کهن بازیابی می‌کند. چنین است که این مادر گاه در کسوت مادرِ عینی شاعر جلوه می‌کند و گاه در کسوت حضرتِ زهرا(س). به هر حال نباید انکار کرد به رغم انتظاری عاطفی که در ابتدا و با نام این کتاب به ما دست می‌دهد، آن را بیشتر برخوردار از اندیشه می‌یابیم، البته اندیشه‌ای که در پشت مهی از ابهام پنهان مانده است.

نه: شعرهای پراکنده. چند شعر انتهایی کتاب شاعری در مشعر گویا تاکنون در کتابی مستقل به چاپ نرسیده است. بعضی از اینها از واپسین تجربه‌های شعری حسن حسینی است و بیشتر غزل و یکی دو شَعر نو. علاوه بر اینها «آبها و مردابها» را هم داریم که در این کتاب چاپ نشده است و مثنوی‌ای است با وزن بلند و آن هم وزنی که در این قالب سابقهٔ چندانی نداشته است: «فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلات».

این رگه‌های انتقاد و اعتراض، که از خصایص شعر حسن حسینی است، تا واپسین سروده‌های او دیده می‌شود؛ از جمله در «قرن دو هزار به علاوهٔ یک»، که چهارپاره‌ای است نه چندان قوی، ولی دارای بعضی بندهای درخشان، و نیز «هایکوواره‌های نوروزی»، که گویا آخرین شعر اوست و از لحاظ ساختار شباهتی به نوشداروی طرح ژنریک دارد، یعنی متشکل است از شعرهای کوتاه طنزآمیز و اعتراض‌آلود، با همان خلاقیتها و مضمون‌یابی های معمولِ حسن حسینی.

صبح / چک بی‌محلی است / چراغهای فلورسنت / در امضای آفتاب / دست برده‌اند. / و / ملافه‌ای سفید از برف / روی نعش درازکشیدهٔ دشت / زمستان به رحمت خدا پیوست.

و اینها نشان می‌دهد که شاعر ما، تا واپسین ایّام زندگی این جهانی، از خلاقیت و نوآوری بازنایستاده بود. این حقیقت، درد و دریغی را که از کوچ نابهنگام او داریم بیشتر می‌کند.

پایان

گفتگو

هومن ظریف

نکاتی درباره
یادداشت‌های علم-۲

پس از کشتار ۱۵ خرداد، دولت عَلَم به وزیران اقتصاد، دادگستری و کشور مأموریت داد میزان تلفات جانی و مالی ناشی از این واقعه را روشن کنند و برای کمک به خانواده‌هایی که کسی را از دست داده‌اند و جبران زیان آسیب‌دیدگان، پیشنهادهایی ارائه دهند.

حاج آقا رضا مجد از معتمدان بازار تهران از سوی وزیر اقتصاد، ستاره فرمانفرمائیان پایه‌گذار و مدیر آموزشگاه‌عالی مددکاری اجتماعی، از سوی وزیر کشور و یکی از قضات دادگستری، آمار ۸۶ تن کشته و ۱۹۳ تن زخمی را ارائه دادند.

اسدالله علم

دولت عَلَم بر همین پایه اقدام و برای خانواده‌هایی که سرپرست خود را از دست داده بودند، مقرری تعیین و هزینه تحصیل کودکان خانواده را تقبل کرد. تا فرا رسیدن انقلاب اسلامی، هنوز خانواده‌هایی بودند که از این بابت از بودجه نخست‌وزیری ماهیانه‌ای دریافت می‌کردند.

اما با این وجود، پایان دوران نخست‌وزیری عَلَم، توسط شاه رقم خورد. قرار شد دولت عَلَم روز شنبه ۱۷ اسفند ۱۳۴۲ استعفا دهد و همان روز دولت تازه منصور تشکیل شود. عَلَم حسنعلی منصور را خوب می‌شناخت. بزرگترین ایراد عَلَم به منصور، تماس نزدیک او با امریکائی‌ها و پشتیبانی برخی از مقام‌های سفارت امریکا از او بود که در یک مورد در هنگام انتخابات، موجب گفت‌وگوی تلفنی بسیار تندی میان عَلَم و استوارت راکول، کاردار سفارت امریکا شده بود. در پی آن علم به منصور بی‌پرده یادآور شد اگر یک بار دیگر به بیگانگان متوسل شود، او را به جرم جاسوسی توقیف خواهد کرد.

پا به پای یادداشت‌های عَلَم

با رئیس فرهنگستان کشور درباره اهمیت کتاب چندجلدی یادداشت‌های عَلَم صحبت شد. نظر دکتر حداد عادل درباره ویژگی عبرت‌آموز این کتاب برایم جالب بود. او وعده داد، ٤ کتاب از این یادداشت‌ها به صورت مستقل منتشر خواهد شد. از نظر اجمالی، رویکرد فرهنگی و هنری نظام سلطنت، روابط درون درباری، روابط بین‌الملل و شخصیت و جهان‌بینی اسدالله عَلَم که برخی اوقات با نظر پهلوی دوم هم‌پوشانی و برخی اوقات در تضاد است، می‌تواند باعث شود که بتوان چند کتاب مستقل و تحلیلی را از درون این مواد خام ـ یادداشت‌های علم ـ به عنوان محصولات پرورانده‌شده، انتظار داشت. بهرحال برای این سطور که نگارنده حقیر، در اصل یادداشت‌ها غور کرده است و قصد تشریح موضوعات را دارد، ۲ نیّت محتوایی و یک قالب ساختار بیانی وجود دارد.

از سهم نیّت‌ها، یکی عبرت‌آموزی است به حکم مولای متقیان و کتاب‌های آسمانی که دعوت به تطوّر و تحقیق و پیمایش تاریخ کرده‌اند و گفته‌اند: «به فطانت و زیرکی به همه اقوال بنگرید و نیک‌ترین آن را به کار بگیرید.» و گفته‌اند: «در زمین و سرنوشت ملل گردش کنید و عبرت بگیرید.» و براساس این مضامین حکیمان و بزرگواران دین و اندیشه و فرهنگ سخن‌ها رانده‌اند.

نیّت دیگر از تجدید خاطرات اسدالله عَلَم، بازگویی برخی مُهمّات مسئولیت‌پذیری‌ها و مسئولیت‌دهی‌هاست. اینکه چقدر هر انسان می‌تواند در زندگی دیگران مؤثر باشد و سهم مسئولیت هر ایرانی وطن‌دوستی در روشنگری و آبادانی چقدر است و چگونه؟

براین اساس دربیان وبررسی یادداشت‌های «عَلَم»، سعی بر این داریم که با او از طریق یادداشت‌هایش از ۲٤ بهمن ۱۳٤۷ همراه شویم. اما این همراهی، با حوصله و دقت است و با پرهیز از بسیاری از مسائلی که به عللی نه قابل طرح است و نه جای طرح دارد. چرا که گفتار این سطور، هرگز نباید دافع و مانع قرائت و خوانش یادداشت‌های عَلَم باشد. آنچه در پی می‌آید، برجسته کردن نظرات، نقل و قول‌ها و احوالات خاصی است که این روزها و روزگار آتی به مدد و یاری تحلیل آنها، می‌تواند به هموطنان یاری رساند. بهر حال تذکر مهمی در اینجا باید به عرض برسد که بنا بر ادعای وارد ویراستار این کتاب، علینقی عالیخانی،: «مُجلد دیگری هم از این یادداشت‌ها موجود بوده که متأسفانه به بانک [سوئیس که محل ذخیره یادداشت‌ها بود،] سپرده شده است.»

ادامه دارد

زیر نظر: دکتر محمدکاظم حسینیان

آیینه

خاطراتی از درون دربار
چشم های شاهزاده بدرالسلطنه

دَر بازار بزرگ در خیابان جبه‌خانه واقع است و جلوی آن میدان کوچکی است که به آن سبزه‌میدان می گویند. اگر فرنگی ناشناسی بخواهد وارد بازار شود و بلدی همراه نداشته باشد در پیچ و خم‌های بازار گم می‌شود نه به این جهت که نتواند در این دالان‌های عریض و طویل که غالباً امتداد مستقیم دارند راه بازگشت خود را نشان بگذارد بلکه چون جمعیت و چهار بازار و کوچه‌های بن‌بست در آن زیاد است شخص غریب در آنجا سرگردان می‌ماند مثلاً نزدیک مسجدشاه بازار بزرگی است که پس از مقداری امتداد به سمت جنوب متوجه مشرق می‌شود و بعد از آنکه دو ثلث آن طی شد بازار دیگری از آن منشعب می گردد که متوجه شمال است و تا خیابان چراغ گاز امتداد می‌یابد به شکلی که خانه امین‌الدوله طرف دست راست و سفارت روس طرف دست چپ آن واقع می‌شود و در هر قدم از آن کوچه‌های تنگی قرار دارد که از آنها نیز کوچه‌های دیگری متفرع می گردد و انتهای آنها یک میدان یا کاروانسرایی است که در آنها چند درخت کاشته و بارهای تجارتی را روی هم انبار کرده‌اند.

همین کیفیت است که شخص غریب را در بازارهای تهران سرگردان می‌کند و حس جهت‌یابی را از او می گیرد.

بازار عالم خاصی است به این معنی که نماینده هر نوع شغل و تجارت و صنعت را در آن می‌توان یافت ولی از خوشبختی مشتریان نمایندگان هر صنف در محل‌های مخصوصی جمع‌اند و اصناف مختلفه باهم مخلوط نمی‌شوند.

در دو طرف دیوارهای ضخیم بازار که سقف‌ها برآنها متکی‌اند قدم بقدم طاق‌نماهایی به اسم دکان و مغازه ساخته‌اند که سراسر آنها پر از کالا است.

در کنار هر یک از این دکان‌ها کارگر یا کارگرانی نشسته‌اند که با همان تأنی مخصوص مشرق زمینی که تا حدی حاکی از نقص آلت و افزار کار آنها است مشغول حرفه خود هستند و من تاکنون در بازار کسی را ندیده‌ام که ایستاده کار کند.

یک نفر فرنگی تازه وارد بی‌اختیار در مقابل قالی‌ها و پارچه‌ها و انواع اسلحه‌ای که در بازار گسترده است به تماشا می‌ایستد و اگر طالب خرید اشیاء عتیقه باشد بهتر از بازار تهران جایی را نخواهد یافت و تمام روز از تماشای کتاب‌های تذهیب شده نادر و ظروف طلاکاری قدیمی و کاشی‌های طلایی که امروز دیگر مردم ایران از ساختن مثل آنها عاجزند سیر نخواهد شد و هر قدر بخواهد می‌تواند از استوانه‌های فلزی عهد کلدانیان و آشوریان و عیلامیان و مهرهای دوره اشکانی و ساسانی و مسکوکات سلسله‌های مختلف حتی هخامنشیان که چند قرن پیش از اسکندر کبیر در ایران سلطنت می‌کرده‌اند برای خود بخرد.

آب مشروب تهران مثل غالب شهرهای دیگر ایران از قنات است و تمام آن از دامنه البرز می‌آید. دهانه‌های چاه‌های این قنوات که از همان راه‌ها قنوات را کنده و دورادور آنها خاک را تپه کرده‌اند در تمام جلگه بیرون شهر مخصوصاً در بیرون دروازه‌های شمیران و دوشان‌تپه نمایان است.

آب تهران چون از البرز می‌آید از شمال داخل شهر می‌شود و خانه به خانه از منازل اغنیا گرفته تا خانه‌های فقرا همه را مشروب می‌کند ولی البته فقرا غالب اوقات فدای اغنیا می‌شوند و عموماً در تابستان که از همه فصول احتیاج به آب بیشتر است تهران گرفتار بی‌آبی است.

در نتیجه وضع ناپسند توزیع آب به توسط مجاری روباز غالب اوقات بعضی از امراض به سرعت تمام سراسر شهر را می گیرد و ابتلای عمومی دست می‌دهد.

در محلات قدیمی و بازار آب در وسط کوچه‌ها در جوی تنگ کم‌عمیق سرپوشیده‌ای جاری است و هرچند قدمی سوراخ گشادی در آن ترتیب داده‌اند که هر خانه از آنجا آب می‌برد و اکثر اوقات اشیاء آلوده خود را هم در آنجا می‌شویند. به علاوه کثافات کوچه و راه هم از همانجا داخل آب می‌شود. با این وضع حال آبی که مردم بدبخت محلات دور از مرکز تهران می‌نوشند معلوم است که چیست.

یخ نیز مثل آب در ممالک گرم مخصوصاً ایران اهمیتی خاص دارد و بیشتر آن را از کوه‌های البرز بخصوص دماوند می‌آورند و تقریباً در تمام مدت سال قاطرها آن را از دماوند به تهران می‌رسانند و مردم عادت دارند که حتی زمستان هم شربت و آب را با یخ استعمال کنند.

غیر از این منبع در اطراف باروی تهران نیز یخچال‌های زیاد هست که عمقی چندان ندارد و آنها را روزها در زمستان آب می‌اندازند و شب‌ها یخ می گیرند بعد یا آن یخ را برای فروش به بازار می‌فرستند یا در گودال‌های زیرزمینی یخچال که سقفی ضمیم دارد برای تابستان انبار می‌کنند.

یک عده از اعیان طهرانی در طرف مغرب شهر یعنی در محله سنگلج و اراضی بین دروازه قزوین و دروازه باغشاه پارک‌ها و باغ‌های بزرگی ساخته‌اند که یکی از آنها امیریه است متعلق به نایب‌السلطنه.

چون تمام زیبایی این باغ‌ها از برکت مقدار آبی است که به آنها می‌رسد آنها را مخصوصاً در محلاتی ساخته‌اند که آب شهر ابتدا به آنجا وارد می‌شود تا بتوانند بیشتر و بهتر از ان استفاده کنند.

> **برای عمل چشم بدرالسلطنه با رعایت حفظ‌الصحه ، او به دستور من از شاه اجازه گرفته است...**

در تهران از هر درختی بهتر چنار رشد دارد و این که یکی از سیاحان قدیمی تهران را «شهر چنار» نامیده بی‌سبب نبوده است.

بناهای تهران همه خشت و گلی است، دیوارها و بام‌ها را با کاه‌گل ضخیم می‌اندایند و اگر هم آجر بکار ببرند بر اثر حدت آفتاب تابستانی از هم متلاشی می‌شود و حالیه که باران‌های زمستانی شروع به ریزش کرده سقف‌ها و دیوارها پوشیده غالباً فرو می‌ریزد و بچه‌ها و حیوانات را زیر آوار می گیرد، اصطبل‌ها خراب می‌شود و پاره‌ای قسمت‌ها از سقف بازارها بر سر دکانداران پایین می‌آید و تلفات بسیار وارد می‌سازد.

در تهران معمولاً از خرداد تا آبان باران نمی‌آید و امسال بارانی که عادتاً در پاییز بایستی بیاید در اوایل زمستان شروع شده. اگرچه باران تهران کم است ولی وقتی در اینجا می‌بارد شدت آن بسیار زیاد است. برف هم در اواسط زمستان غالباً عصرها یا شب‌ها می‌آید و دانه‌های آن درشت است.

۵ مارس= ۱۳ رجب

امروز روز عید میلاد امیرالمؤمنین علی است و شیعه علی‌رغم اهل تسنن به علی‌ابن ابی‌طالب تقریباً همان منزلتی را می‌دهند که برای حضرت رسول قائلند. بعدازظهر در میدان مشق سان سپاه بود و امشب چنانکه در هر یکی از اعیاد ایرانی موسوم است آتش‌بازی خواهد شد.

سان سپاه عبارت بود از دفیله رفتن یک عده سرباز از جلوی شاه با یک عده سرتیپ که اکثر سپاهی ندارند و نداشته‌اند و نخواهند داشت و از نظامی بودن به همان درجه و لباس اکتفا کرده‌اند.

اگر از یک فوج سوار که لباس قزاقی ببر دارند و سرهنگ و چند نفر از صاحب منصبان عمده و جزء ایشان روسی‌اند بگذریم بقیه نظامیان تعلیمات صحیحی ندیده‌اند و امر عجیب این که به محض برهم خوردن سان و سلام هر یک از صاحب‌منصبان و سربازان پی کار خود می‌روند به این معنی که به استثنای قراولان سلطنتی که در ارگ قراولخانه‌ای دارند و سواران قزاق که به قزاقخانه واقع در شمال میدان مشق می‌روند برای بقیه جا و مکان معین دسته‌جمعی نیست بلکه هرچند نفر مأمور قراولی دم عمارت دولتی و خانه‌های اعیان و مردم دیگرند و هر دسته پس از ختم سلام راه کار خود را پیش می گیرند و بعضی هم تفنگ و فشنگ را تحویل ذخیره می‌دهند و به کار و کاسبی معمولی مشغول می‌شوند.

۲۰ مارس= ۲۸ رجب

امروز روز عید نوروز است و من به عادت هر روز از خیلی زود به انتظار بیرون آمدن شاه از در نارنجستان در باغ گلستان قدم می‌زنم. اعلیحضرت بیرون آمد و مرا به اشاره‌ای به خدمت خود خواست و من پیش رفتم. دامن خود را که پر از فیروزه بود گشود و از آن میان با دقت تمام سه قطعه درشت‌تر را جدا کرد سپس جمیع آنها را تحت آزمایش آورد و از آنها آن را که منظم‌تر و خوش شکل‌تر بود برداشت و به من داد و گفت این عیدی شماست.

نوروز در حقیقت اول سال رسمی ایران نیست چه سال‌های اسلامی قمری است و اعیاد و ایام سوگواری ایشان در عرض سال هم چنانکه پیش ما ثابت است ثابت نمی‌ماند فقط نوروز لایتغیر است و همیشه درست با روز اول اعتدال ربیعی یعنی موقعی که آفتاب به برج حمل می‌رسد و بهار شروع می‌شود تطبیق می‌کند و نتیجه این کیفیت چنین شده است که امروز زمان تحویل با ساعت شش و نیم بعدازظهر مصادف گردیده و آن را اخترشناس باشی شاه استخراج نموده است.

تالار بزرگ موزه که مراسم سلام در آنجا به عمل خواهد آمد خیلی زودتر از ساعت شش از جمعیت پر شده بود، تمام اعیان مملکتی در آنجا جمع بودند و وزرا و صاحبان مناصب عالی بر جاهای خود قرار داشتند حتی من در میان ایشان چند تن از صاحب‌منصبان نظامی خارجی را هم دیدم.

این صاحب‌منصبان خارجی که کم و بیش لباس صاحب‌منصبی ایران را به دادن تعارف خریده‌اند در حقیقت خوش‌نشینانی هستند که خواسته‌اند با استخدام این لباس یا ترکیب کردن آن با اجزاء دیگری از لباس‌های نظامی گوناگون لباسی داشته باشند که برای مجلس تقلید مناسب‌تر می‌نماید تا برای مجلس جدی.

اعلیحضرت ساعت شش به تالار وارد شد و بر روی قالی زربفت کهنه‌ای که در پایتخت فتحعلی شاه انداخته بودند به رسم معمولی ایرانی‌ها نشست و بر بالش مروارید دوز تکیه داد. شاه مثل روزهای سلام یا مهمانی‌های بزرگ در جواهر غرقه بود و نور فراوان چهل چراغ‌های بزرگ و شمعدان‌ها و چراغ‌های دیواری تلالؤ عجیبی به آنها می‌داد بعلاوه منظرهٔ این تالار که سرا پا آینه‌کاری است بسیار خیره‌کننده است.

در هر یک از دو طرف تخت عده‌ای از روحانیون ایستاده‌اند و روبروی شاه در چهار قدمی صدراعظم برپا ایستاده و چند قدم عقب‌تر در طرف چپ ظهیرالدوله رییس تشریفات و داماد شاه قرار گفته، من در دو قدمی عقب سر امین‌السلطان ایستاده‌ام اما قدری متمایل بطرف راست تا در جلوی جمعیت‌های مختلف اعیان دولت را بهتر ببینم.

در سر دقیقه معین اخترشناس‌باشی با وقار تمام و قدم‌های آهسته به جلوی شاه می‌آید و پس از تعظیم ساعت به دست شروع سال نو را اعلام می‌کند سپس عقب عقب خارج می‌شود و دو تن از سادات به شاه تبریک و سلامت‌باد می گویند. در حینی که این دو تن سید مشغول عرض تبریک‌اند شمایل حضرت علی‌بن ابی‌طالب را دست‌به‌دست می گردانند و همه آن را می‌بوسند بعد هرکس چند دانه گندم به این امید که سال آینده سال ارزانی و فراوانی باشد می‌خورد.

امام جمعه یا یکی دیگر از مجتهدین در داخل ظرفی آیاتی از قرآن‌مجید را می‌نویسد و پس از حل کردن آن در مایعی قسمتی از آن را به شاه می‌آشاماند و بقیه را نزدیکان او می‌نوشند.

بعد از تمام شدن این مراسم مجدالدوله سبد بزرگی را که پر از سکه‌های تازه ضرب شده بود و به آنها که مثل بیست سانتیمی‌های قدیمی ما است شاهی سفید می گویند پیش شاه گذاشت و شاه از آن ابتدا به ملاها بعد به شاهزادگان درجهٔ اول مقداری داد سپس دو جیب لباس روی مرا پر کرد و دیگران هم یکی یکی از جلوی شاه گذشتند و عیدی خود را گرفتند و با این رسم که تمنی برای زیاد شدن ثروت عیدی گیرنده در سال نو است مراسم نوروزی پایان یافت. سابقاً با این شاهی سفیدها اشرفی نیز مخلوط می‌کردند لیکن ناصرالدین شاه این رسم را از بین برده است.

۳۰ مارس = ۷ شعبان

امروز صبح وقتی که برای عرض سلام به شاه نزدیک شدم یک قطعهٔ بزرگ یاقوت در دست من گذاشت و گفت این چیست، دیدم یاقوتی است نتراشیده و بسیار خوشرنگ و به اندازه یک تخم‌مرغ و در عرض سوراخی دارد که بلوری در آن داخل کرده‌اند.

اعلیحضرت به من گفت که از این سوراخ که حالا بسته است سابقاً ریسمانی می گذرانده و آن را به گردن گوساله زرین سامری می‌آویخته‌اند، بعد گفت که این قطعه یاقوت را در ایام قدیم از حبشه به هند برده بودند و نادرشاه آن را از آنجا به ایران آورده است.

۳۱مارس =۸ شعبان

امینه اقدس تقریباً بکلی نابینا شده است. من از دو ماه پیش می‌خواستم چشم او را عمل کنم و نگذارم که کار به این جا بکشد ولی به من اجازه این عمل داده نشد و شاه که نمی‌خواست بر خلاف رضای محبوبه خود رفتار کند او را کاملاً آزاد گذاشت و توطئه‌سازان درباری چنان این زن بدبخت را دچار تردید کردند که به موقع دست بکاری نزد تا مرضش روز بروز شدت یافت ابتدا او را به نهایت درجه ترساندند و بعد از آن او را به تعقیب دستور من در باب عمل کردن مصمم دیدند گفتند که باید در خارجه عمل کند تا افتخار معالجهٔ او نصیب من نشود و لطمه‌ای به مقام و نفوذ ایشان وارد نیاید و در این توطئه جمعی از خواجه‌سرایان هم دخیل بودند مخصوصاً آغابهرام که اشتیاق شدیدی به دیدن اروپا در خدمت خانم خود داشت آتش اورا برای مسافرت تیزتر می‌کرد.

عاقبت نقشه ایشان به نتیجه رسید و امینه اقدس به همراهی سعدالسلطنه حاکم قزوین و آغابهرام خواجه‌باشی به طرف وینه حرکت کردند ولی قبلاً لازم شده که من به شاه عملی که باید در چشم خانم اجرا شود توضیح و به او اطمینان دهم که عمل خطری ندارد و فوریت آن بلکه تأخیر زیادی را که در این راه روا داشته‌اند به او بفهمانم و بگویم که هر قدر بیشتر در این کار تسریع شود زیادتر از قوه بینایی او خواهد ماند اما پیش خود می گفتم که اگر چیزی از آن بجا مانده باشد چه تصور من این بود که این زن حال که بکلی کور شده تصمیم به مسافرت گرفته است و امید او این است که چشمان او را بینا کنند.

اقلاً این بار دهم بود که شاه اندکی قبل از حرکت امینه‌اقدس به من گفت که: «شما مطمئناً می‌توانید این عمل را بکنید؟» و غرضش از ادای این جمله نمودن حال تردیدی بود که در دادن اجازهٔ این سفر داشت در صورتی که احتراز این سفر قبلاً به‌خوبی ممکن بود.

امینه‌اقدس

البته این دوره با ایامی که شاهنشاه نمی‌توانست خود از مملکت خویش خارج شود یا بالاتر از آن به بیرون رفتن یکی از زنان خود رضا دهد فرق فاحش کرده زیرا که ناصرالدین شاه اول پادشاهی است که بر خلاف سیرهٔ قدیمی از مملکت خود به میل شخصی قدم بیرون گذاشته و حالیه هم بر اثر القاآت جدی مشاورین فرهنگی خود که طبیب فرانسوی اورا هم باید از جملهٔ ایشان شمرد رفتاری کاملاً مخالف با آداب دیرینه اختیار کرده و این تغییر وضع تا حدی هم نتیجهٔ هوش و فکر باز و سعهٔ صدر خود شاه است که مزیت آداب فرنگی را درمی‌یابد و میل به اقتباس آنها دارد و می‌خواهد که خرافات معمول بین مردم را براندازد.

ناصرالدین شاه در یکی از سفرهای اولی خود به فرنگستان دو تن از زنان محبوبهٔ اندرون یعنی انیس‌الدوله و عایشه خانم را همراه برد اما در مسکو مجبور شد که ایشان را به تهران برگرداند و بر اثر همین تجربه بود که در دادن اجازهٔ حرکت به امینه اقدس تردید داشت به خصوص که از توطئه‌بازی‌های درباریان و اهل حرم هم بی‌اطلاع نبود ولی در آخر کار چون دلش بحال این زن بیچاره می‌سوخت استرحاماً به او چنین اجازه‌ای داد.

۱۴ آوریل = ۲۳ شعبان

مسیو دبالوا که دورهٔ مرخصی‌اش سرآمده بود به تهران برگشت و کارهای سفارت فرانسه را شخصاً در دست گرفت و تصادفاً بارون‌درپ وزیر مختار بلژیک هم در همین موقع به نمایندگی این دولت به تهران وارد شد.

در این امتیاز بانکی به صورت بانک استقراضی به دو نفر روس یکی به نام پولیاکف دیگری به اسم رافالوویچ داده شد و خیال این دو تن این بوده است که امتیاز کشیدن راه‌آهنی را نیز در ایران بگیرند ولی به تحصیل این امتیاز ثانوی توفیق نیافته‌اند. چنین بنظر می‌رسد که با اعطای این امتیازات پی در پی ایران بالاخره به تمامی بدست خارجیان بیفتد.

۳۰ آوریل = ۹ رمضان

در این ماه اکثر اوقات باران می‌بارد فقط گاه‌گاه آفتابی که رو به گرمی است می‌تابد. برف هنوز بر قلل البرز نمایان است و به همین علت درجهٔ حرارت هوا حالت اعتدال دارد با وجود این من در مقابل اشعهٔ آفتاب این فصل احتیاط را از دست نمی‌دهم و کلاه چوب‌پنبه‌ای خود را بر سر می گذارم.

نهم رمضان است و ایرانی‌ها در این ماه یعنی در مدت سی روز از سپیدهٔ صبح تا غروب آفتاب از خوردن و استعمال دخانیات خودداری می‌نمایند. البته رعایت این ترتیب سخت است ولی در عوض شب‌ها هم غذا می‌خورند و هم دخانیات استعمال می‌کنند.

در این ماه چون اکثر مردم روز را می‌خوابند روزها کوچه‌ها و بازارها از جمعیت خالی است، برخلاف شب‌ها تمام مدت حتی تا صبح رفت‌و آمد و قال و قیل همه جا برقرار است.

با این ترتیب می‌بینید که طرز روزهٔ مسلمین با روزهٔ عیسویان بکلی متفاوت است و اگر مسلمین به همین دل خوش‌اند که از این جهت بر عیسویان امتیازی دارند می‌توانند مطمئن باشند که کاملاً در تحصیل این امتیاز توفیق یافته‌اند.

۲۴ مه = ۳ شوال

امروز سفارت انگلیس جشن تولد ملکه ویکتوریا را می گیرد و من هنگام صبح که برای عمل آب چشم بدرالسلطنه یکی از شاهزاده خانم‌های اندرون از جلوی سفارت می گذشتم غلام‌های آنجا را دیدم که تمام بیرق‌های سفارتخانه را می‌افراشتند.

برای آنکه عمل چشم بدرالسلطنه با رعایت حفظ‌الصحه انجام شود او به دستور من از شاه اجازه گرفته است که در عمارت زیبای نگارستان این کار صورت بگیرد و مجاز باشد که در آنجا تنها تا شفای کامل بیابد بماند. عمارت نگارستان در شمال میدانی است که به همین نام در محلات تازه ساز شهر واقع شده.

> **امام جمعه یا یکی دیگر از مجتهدین در داخل ظرفی آیاتی از قرآن‌مجید را می‌نویسد و ...**

مخل باغ که بنای نگارستان در داخل آن است در بزرگی است که بالاخانهٔ وسیعی بر بالای آن ساخته‌اند. پس از آنکه از خیابان عریض و طویل مستقیمی که در دو طرف آن چنارهای کهنه ای است بگذرید به یک ردیف بنا می‌رسید که در حقیقت راهرو بناهای بعدی است. این بناهای دومی در مرکز باغ ساخته شده و در آخر آنها حیاط مربعی است دارای عمارتی با اطاق‌هایی مانند هم. این حیاط اندرون نگارستان است.

فتحعلی‌شاه باغ نگارستان را بسیار دوست می‌داشت و غالباً در آنجا اقامت می‌کرد و داستان‌هایی که عوام از این پادشاه نقل می‌کنند یک قسمت به باغ نگارستان است مثلاً می گویند که شاه زنان حرم خود را به همان حالی که حوا از بهشت بیرون آمده بود از بالای سرسره‌ای امر به سر خوردن می‌کرد تا اینکه به حوض پر آبی می‌رسیدند و او از تماشای این منظره لذت می‌برد، هم‌چنین مشهور است که این پادشاه از ششصد زن خود ششصد فرزند داشت و پنجاه تن از آنان در یک سال به دنیا آمده بودند.

امر مسلم این که فتحعلی شاه ریشی بسیار قشنگ داشت که پهنا و درازی آن از حد معمولی متجاوز بود و شاید هم نقاش‌ها چون دانسته بودند که شاه این قسم ریش را دوست می‌دارد در نمایاندن آن بر روی پرده‌ها قدری راه افراط رفته باشند. از این قبیل است پرده‌ای که در عمارت سلطنتی دیده می‌شود و در آن شاه با ریش دراز بر تخت نشسته و دوازده نفر از پسران او در دو طرف شاه ایستاده‌اند. البته برای کسی که این همه پسر داشته دوازده تن چیز قابلی نیست، شاید اختیار این دوازده نفر به مناسبت شباهتی است که ایشان از حیث ریش با پدر خود داشته اند و اگر چه این شباهت کامل نیست اما شاه لابد به داشتن چنین فرزندانی با این محاسن بارز بر خود می‌بالیده است.

برگردیم بر سر قصهٔ عمل چشم بدرالسلطنه. اطاقی مخصوصاً در یکی از گوشه‌های عمارت برای این کار مهیا ساخته و پرده‌های ضخیم تیره رنگی دفع نور آفتاب جلوی پنجره‌ها آویخته بودند. تخت دراز محکمی که به دستور من درست شده بود در میان اطاق قرار داشت و روی آن توشک و چند نازبالش گذاشته بودند. اسباب عمل و لوازم بستن زخم هم روی میز در دسترس من بود و برای شروع به عمل هیچ لنگی نداشتیم.

بدرالسلطنه که پسر زیبای شش هفت ساله و برادرش با سه خواجه‌سرا و چند تن از دوستان دور او را گرفته بودند بار دیگر استخاره‌ای کرد تا ببیند که عاقبت عمل خوب خواهد بود یا نه. چون استخاره بدرالسلطنه خوب شد همه او را به این کار تشویق کردند و خیرو سلامت گفتند. چون دیدم موقع برای شروع به عمل مناسب شده او را طلبیدم و زنان دیگر با پسر و برادر او بیرون رفتند، تنها خواجه سرا ها ماندند.

بدرالسلطنه به چهار پایهٔ کوچکی که به تخت تکیه داشت نزدیک شد و قرآنی را که بر آن بود و برادرش به او داده بود برداشت و بوسید و بر جای اولی گذاشت بعد به بالای تخت رفت و راحت دراز کشید. در تمام مدت عمل صدا از کسی بر نمی‌خاست تا اینکه من گفتم عمل به خیر و خوشی جاتمه یافته و جای هیچ نگرانی نیست.

امینه اقدس را در وینه پروفسور فوکس در ۲٤ آوریل یعنی یک ماه قبل عمل کرده و هنوز آنجا است. می گفتند که بدر السلطنه هم می‌خواست با او به اروپا برود ولی امینه اقدس به این امر رضا نداد تا همه چنین تصور کنند که شاه این لطف را فقط در حق او نموده است.

۹ژوئن=۲۰شوال

مریضهٔ من شفا یافته و بیش از حد وصف خوشحال است و چند روزی است که با عینک شیشه بزرگ دودی به باغ می‌آید و از ته دل اظهار مسرت می‌کند.

پایان

ایران

زهیر رضوی ۷

از میراث مستوفی
فراش قرمزپوش

حاجی‌زادهٔ پدرمرده و...

در حمامهای عمومی آن دوره، در طرفین خزانهٔ گرم حمام، دو خلوت می‌ساختند. این خلوتها مخصوص اشخاص متعین محل بود و در سر حمام هم یکی دو صفحه به سوزنی‌های آنها اختصاص داشت. روزهای جمعه با پدرم حمام می‌رفتیم. برای [پدرم] یک سوزنی و برای ما دو نفر هم یک سوزنی پهلوی آن پهن می‌کردند. در خلوت پهلوی خزانه هم سه تا جا پهلوی هم می‌انداختند و می‌نشستیم. پدرم هر هفته با رنگ و حنا، ریش کم‌پشت نسبتاً کوتاه خود را خضاب می‌کرد. به سر ما بچه‌ها هم با اینکه احتیاجی نداشتیم، حنا می‌بستند. دو ساعتی صرف این حمام روان می‌شد.

در یکی از این جمعه‌ها وقتی از گرمخانه بیرون آمدیم، شخصی که از سوزنی و نوکرهایش پیدا بود که مرد متعینی است، در صفهٔ روبه‌روی صفهٔ ما نشسته مشغول رخت پوشیدن بود. این مرد قبای راستهٔ اطلس آبی آسمانی بر تن داشت و ریش مورچه‌پی‌زدهٔ مشکی او بر صورتی که گرمی آب و هوای حمام سرخی و تر و تازگی آن را زیادتر کرده بود، خالی از زیبایی نبوده و هیکل و قواره‌اش هم با صورتش متناسب و اجمالاً مرد شیک تمام عیاری به نظر می‌آمد.

پدرم البته جلوتر از ما آمده و تازه روی سوزنی خود نشسته بود و نوکر داشت با قطیفه بدنش را خشک می‌کرد. ما را هم یکی بعد از دیگری قطیفه پوشاندند و چون پایمان به صفه نمی‌رسید، نوکر ما را بغل زد و روی سوزنی نشاند. همین که من هم، که آخری بودم، نشستم، توجه کردم که آقای قبا آبی با عجله برخاست و کلاه خود را به سر گذاشت و شال سفید تا کردهٔ خود را که به شکل چنبره دور هم پیچیده بودند، از نوکر گرفت و دور کمرش پیچید و عبای خرمایی بوشهری را به دوش انداخت و مثل اینکه می‌خواهد از پشت در اتاق به مجلس محترمی وارد شود، دستهای خود را از آستین عبا بیرون آورده رو به ما ایستاد و با صدای بلند گفت: «حاجی آقا سلام علیکم.» پدرم سر برداشت، ولی چشم نزدیک‌بینش تشخیص نمی‌داد که سلام‌کننده را بشناسد. ناشناخت خود این مشکل را حل کرده و بلافاصله گفت: «بنده حاجی موسی، پسر حاجی علی، همیشه از التفاتی که شما راجع به کار تفنگها با ما کرده‌اید متشکریم، خدا بر عمر و عزت شما بیفزاید.» پدرم چند کلمه‌ای که درخور این تشکر بود جواب گفت و حاجی آقا موسی که کفش پوشیدنش، جز پا گذاشتن در میان کفشها کار دیگری نداشت، کفشهای خود را به پا کرد، از صفه پایین آمد و نزدیک در خروج هم خداحافظی محترمانه‌ای با پدرم کرد و به سمت در حمام رفت. در حالی که استاد حمامی تمام‌قامت ایستاده و جامه دار در را جلوی حاجی آقا باز کرده نگاه داشته بود. حمام، حمام حاجی میرزا علی‌اصغر، پسرعموی حاجی آقا موسی و این احترامات و تشریفات که بیش و کم برای همهٔ اعیان معمول می‌شد، بیشترش از این راه بود. معلوم است، پسر ده‌ساله نباید از پدر هشتاد ساله بپرسد که قصهٔ تفنگها چه و این تشکر برای انجام کدام خدمت بوده است؟

> **حتی جزیی اثری هم از این معامله که بتواند دستاویز ادعای تحویل تفنگها باشد پیدا نشد**

بیست و شش سال بعد روزی به منزل نصیرالدوله، پسر آصف الدوله (بدر) رفتم. فصل بهار و باز هم روز جمعه بود. صاحبخانه با یک نفر زیر سایهٔ درخت روی صندلی نشسته مشغول صحبت بودند، من که وارد شدم، نصیرالدوله برای شناسایی من با آن یک نفر، اسم طرفین را برد، دیدم همان رفیق قبا آبی بیست و شش سال قبل است و جز پیری و ضعف باصره که چشمهایش آب آورده و منتظر پر شدن و میل‌زنی کحال است، چیزی کسر ندارد، فوراً قواره و شمایل و مذاکرهٔ بیست و شش سال قبل او به نظرم آمد. به ایشان گفتم من اول دفعه نیست که شما را می‌بینم و واقعهٔ بالا را البته با ریختن جزئیات، برای ایشان نقل کردم.

حاجی آقا موسی گفت: «من این روز بخصوص را به خاطر ندارم، ولی رسم داشتم که هر وقت پدر شما را می‌دیدم، جلو بیایم و خود را معرفی و از قضیهٔ تفنگها تشکر کنم. این هم یکی از آن روزها بوده است.» و در دنبالهٔ این بیان گفت: «یک دو سالی بعد از مردن پدرم روزی فراش قرمزپوشی در خانهٔ ما آمد که بیایید امین حضور، وزیر بقایا، شما را می‌خواهد. مرا نزد امین حضور برد. دیدم جناب وزیر بقایای قبض رسید یکصدهزار تومان جهت خرید چندهزار قبضه تفنگ از یکی از کارخانه‌های اروپا که به خط و مهر پدرم بود، جلوی من گذاشت و گفت: «این پول را پدر شما گرفته که تفنگها را از کارخانه بگیرد و برساند. از پیداشدن این قبض او معلوم می‌شود که تفنگها را نرسانده است و ورثهٔ او بدهکار این یکصد هزار تومان هستند و باید از عهدهٔ جوابگویی این قبض رسید برآیید.» به تاریخ قبض رجوع کردم دیدم مال ده سال قبل است.

پدر ما در هفت هشت سال آخر عمرش، دیگر تجارت نمی‌کرد و ملاک شده بود، بنابراین، دفتر و دستک‌های او برهم خورده و میرزاهای تجارتی او پی کار خود رفته بودند، و ما هیچ وسیله‌ای برای اطلاع از سابقهٔ امر نمی‌توانستیم داشته باشیم.

حال حاجی‌زادهٔ پدر مرده‌ای که تازه از تقسیم خانه و ملک پدرش فارغ شده و اطلاع زیادی هم از کارهای دولتی نداشته باشد، از شنیدن این بیان و دیدن این سند سوسه‌ناپذیر معلوم است چه می‌شود. به جناب وزیر بقایا عرض کردم: «این سند مال ده سال قبل است پدر من هم کسی نبوده است که یک چنین مبلغ هنگفتی را در هشت سال زنده بودنش لابه‌لا کرده و نپرداخته باشد.» وزیر بقایا با شدت هرچه تمام‌تر جواب گفت: «عمل دیوان قبض است و برات، اینها که شما می گویید جواب این قبض صدهزار تومانی را نمی‌دهد مگر اینکه رسیدی از تفنگها بیاورید. والا باید صدهزار تومان را فوراً بپردازید. من یقین دارم که تفنگهای این صدهزار تومان به وسیلهٔ پدر شما نرسیده است. زیرا پدر شما کسی نبوده که تفنگها را تحویل بدهد و قبض خود را پس نگیرد. در هر حال سه روز به شما مهلت می‌دهم که بروید و بگردید و اطمینان حاصل کنید که چنین رسیدی از تفنگها ندارید و بعد از سه روز صدهزار تومان را از شما می گیرم. از مال دولت نمی‌توان ملک و دستگاه به هم زد.»

من که از این جملهٔ آخری بیشتر از سایر بیانات امین حضور حالم به هم خورده بود دیگر حرفی نزدم و برخاستم و به منزل آمدم. با دو برادر یکی بزرگتر و یکی کوچکتر از خودم چند جوال کاغذ قدیمی خانوادگی را برهم زدیم و یکی یکی خواندیم، از رسید تفنگها چیزی به دست نیاوردیم و حتی جزیی اثری هم از این معامله که بتواند دستاویز ادعای تحویل تفنگها باشد پیدا نشد.

نگارستان

نسترن ملایی

دکتر محمد معین، خالق فرهنگ معین/ ۵
به روایت زرین‌کوب

جای افسوس است که آن شیوه انتقادی که در تصحیح برهان قاطع به کار رفت به همان حواشی و اضافات برهان محدود ماند و در این فرهنگ معین —که شاهکار راستین لغت‌نویسی او در زبان فارسی است— دنبال نشد. اما فرهنگ معین، در واقع برای پاسخگویی به نیازهای جاری و روزانه فارسی زبانان تألیف شد و البته نمی‌توان نوع فرهنگ آکسفورد یا لغت امیل لیتره و آکادمی فرانسه را از آن انتظار داشت.

مع‌هذا فرهنگ معین یک جای خالی را —که نقص بزرگی برای فرهنگ و ادب امروز ما بود— پر کرد و از این حیث، دکتر معین که سلامت وجود و شاید حیاتش را در سر این کار گذاشت حق بزرگی بر فرهنگ امروز ما دارد. بر این کار عظیم او هم که متأسفانه خودش مجال اتمام آن را نیافت البته در گوشه و کنار ایرادهایی شد چرا که وقتی یک بنای بزرگ به‌وجود می‌آید کاری هم برای بیکاره‌ها پیدا می‌شود. شاید قسمتی از این ایرادها هم برکتاب وارد بود. اما کدام کاری هست که ضعف و محدودیت انسان جایی برای ایراد در آن باقی نگذاشته باشد؟ به علاوه، کار یک فرهنگ زبان فارسی با این وسعت و در این مدت محدود، در حد طاقت و توان یک تن نبود و هر کس دیگر هم می‌خواست یک تنه، چنان‌کاری را تعهد کند ممکن نبود آن را با دقت و کمالی بیش‌تر، انجام دهد و عاری از ملامت باقی بماند. با وجود آن‌که نیاز ما، به لغت نامه‌های دیگر —خاصه لغت‌نامه‌های مبنی براشتقاق، و لغت نامه‌های مبتنی بر شواهد تاریخی— هنوز باقی است، فرهنگ معین تا مدت‌های دراز برای رفع نیازهای روزانه و جاری فارسی زبانان، کافی خواهد بود.

بدون شک زندگی استاد معین، اگر هم هیچ حاصل علمی دیگری جز همین کتاب نمی‌داشت باز یک زندگی سرشار و پربار به شمار می‌آمد. مع‌هذا زندگی او و به رغم آن‌که بالنسبه کوتاه بود، ثمرهای ارزندهٔ فرهنگی دیگر هم داشت و در بین آن‌ها، نقشی که او در تربیت یک دو نسل از محققان امروز ما داشت کم اهمیت نیست. اما زندگی خود او —تا وقتی زندگی خود او بود - یک شوق و نشاط پایان ناپذیر و فزاینده ذوقی و عقلی بود —با لذت‌های خاص خویش.

معینِ فرهنگ

عبدالحسین زرین‌کوب

حق بزرگی که دکتر معین بر ادب امروز ایران دارد به خاطر فرهنگ پرارج اوست: فرهنگ معین؛ اما او در عین حال، هم به عنوان استاد و معلم شایستهٔ بزرگداشت ماست، هم به عنوان پژوهنده نستوه، معلم، محقق، و لغت‌نویس که سه بعد عمده شخصیت دکتر معین را تشکیل می‌دهد و حوصله و پشتکار بی‌مانندش برجستگی خاصی به این ابعاد وجودی او می‌بخشد که آن‌ها را بیش‌تر نمایان می‌کند.

در آنچه به کار معلمی مربوط است دکتر معین عشق و شوری واقعی داشت. استادی بود دقیق، نجیب و پرکار که به تدریس هم عشق واقعی می‌ورزید. از کسانی نبود که مافوق مقام علم مرتبه‌ای بشناسند و برای نیل بدان احیاناً راضی شوند دانش و آزادگی خود را فدا کنند. معین در کار معلمی احساس مسئولیت واقعی می‌کرد و دائم می‌کوشید تا از راه مطالعه و تحقیق مستمر، افق دانش و تجربه خود را توسعه بخشد. با شور و علاقه‌ای که او به کار معلمی داشت، از همان آغاز کار که کتابی در باب روان‌شناسی تربیتی ترجمه و نشر کرد، پیدا بود که در وجود او به زودی از یک معلم جوینده و بی آرام یک محقق پرکار و هوشمند ولادت خواهد یافت. وقتی به دانشگاه آمد، در درس خود که تفسیر و تحلیل متون بود، تقریباً تمام وقتِ کلاس را صرف توضیح نکات دستوری، بیان صنایع لفظی و معنوی، طرح مسائل لغویِ و حل اشارات و مشکلات مربوط به علوم و فنون مختلف (که در متن مورد بحث آمده بود) می‌کرد. شوق وعلاقهٔ او به بحث و تحقیق به او اجازه نمی‌داد یک لحظه هم از جستجو و گفت‌وگو در این مباحث باز ایستد. مع هذا در این کار، از نقد و مناقشه در آنچه نویسندهٔ متن مطرح می‌کرد، جز تا آنجا که مربوط به اعلام، کتابها، و سنین حوادث بود غالباً اجتناب داشت و گویی تجاوز از این محدودهٔ تفسیرهای لغوی و فنی را خروج از بی‌طرفی یک استاد یا عدول از واقع‌نگری یک محقق می‌یافت.

همین نکته، درس او را گه‌گاه تا حدی خشک و بی‌روح جلوه می‌داد اما این شیوهٔ خاص او بود و همین طرز تلقی از تدریس متن بود که از او یک محقق متون یک لغت‌شناس برجسته ساخت. با این همه، این اشتغال به متن و لغت و دستور هم او را به کلی از عشق به زیبایی و هنر مانع نمی‌شد. خود او تاحدی قریحه شاعری داشت، نسبت به شاعران بزرگ خاصه حافظ و مولوی علاقه می‌ورزید و در همان شیوه قدما شعر هم می‌گفت، حتی قصه‌ای هم تحت عنوان «ستارهٔ ناهید» به نظم و نثر نگاشته بود.

اگر جلوه این ذوق و قریحه، کلاس درس او را شور و هیجانی نمی‌داد، بیشتر از آن رو بود که دوست نداشت کلاس درسش از صورت یک مجلس علم به گونهٔ یک مجلس انس دربیاید. از کسانی نبود که در مجلس درس دائم از احوال و خاطرات شخصی حرف می‌رانند و وقت کلاس را با ستایش کردن از خویش یا نکوهش کردن از دیگران تلف می‌کنند. از هر آنچه محیط کلاس را به وضعی تبدیل می‌کرد که بی‌طرف ماندن را برای استاد دشوار می‌ساخت، غالباً پرهیز داشت. حتی کسانی را که در بیرون از کلاس با نظر دوستی می‌نگریست، در کلاس جز به چشم دانشجو نمی‌دید. این شیوه، او را در نظر شاگردانش تجسم یک استاد واقعاً بی‌طرف نشان می‌داد و با رفتاری که شایسته یک محقق راستین بود. در واقع محققی که در اندرون او بود، از همین خصلت بی‌طرفی او مایه حیات می‌گرفت و از همین سعی او در تکیه کردن بر واقعیت‌های صرف ـ بدون تفسیر و بدون هیجان ـ در آثار تحقیقی او از کتاب «حافظ شیرین سخن» گرفته تا «مزدیسنا و تأثیر آن در ادبیات پارسی» هدف عمده نویسنده گردآوری واقعیات پراکنده است، ونقل عین عبارات و اقوال.

این شیوه که در آن روزها نزد تعدادی دیگر از محققان ما نیز معمول بود، در نزد دکتر معین ظاهراً بیشتر به خاطر اجتناب او بود از درگیر شدن با پیشداوری‌های بی‌اساس و تعصب‌آمیز. در نزد بعضی شرق‌شناسان هم مکتب فلسفی اگوست کنت و شیوه تاریخ‌نگاری فون رانکه آن‌ها را به الزام درنقل واقعیات، بدون تفسیرهای دور و دراز، جایی داشت، و این امر هم از عواملی بود که دانسته یا ندانسته در ذهن محققان ایرانی آن ایام تأثیر داشت.

گفتگو

هومن ظریف

نکاتی درباره
یادداشت‌های علم-۲

پس از کشتار ۱۵ خرداد، دولت عَلَم به وزیران اقتصاد، دادگستری و کشور مأموریت داد میزان تلفات جانی و مالی ناشی از این واقعه را روشن کنند و برای کمک به خانواده‌هایی که کسی را از دست داده‌اند و جبران زیان آسیب‌دیدگان، پیشنهادهایی ارائه دهند.

حاج آقا رضا مجد از معتمدان بازار تهران از سوی وزیر اقتصاد، ستاره فرمانفرمائیان پایه‌گذار و مدیر آموزشگاه‌عالی مددکاری اجتماعی، از سوی وزیر کشور و یکی از قضات دادگستری، آمار ۸۶ تن کشته و ۱۹۳ تن زخمی را ارائه دادند.

اسدالله علم

دولت عَلَم بر همین پایه اقدام و برای خانواده‌هایی که سرپرست خود را از دست داده بودند، مقرری تعیین و هزینه تحصیل کودکان خانواده را تقبل کرد. تا فرا رسیدن انقلاب اسلامی، هنوز خانواده‌هایی بودند که از این بابت از بودجه نخست‌وزیری ماهیانه‌ای دریافت می‌کردند.

اما با این وجود، پایان دوران نخست‌وزیری عَلَم، توسط شاه رقم خورد. قرار شد دولت عَلَم روز شنبه ۱۷ اسفند ۱۳۴۲ استعفا دهد و همان روز دولت تازه منصور تشکیل شود. عَلَم حسنعلی منصور را خوب می‌شناخت. بزرگترین ایراد عَلَم به منصور، تماس نزدیک او با امریکائی‌ها و پشتیبانی برخی از مقام‌های سفارت امریکا از او بود که در یک مورد در هنگام انتخابات، موجب گفت‌وگوی تلفنی بسیار تندی میان عَلَم و استوارت راکول، کاردار سفارت امریکا شده بود. در پی آن علم به منصور بی‌پرده یادآور شد اگر یک بار دیگر به بیگانگان متوسل شود، او را به جرم جاسوسی توقیف خواهد کرد.

پا به پای یادداشت‌های عَلَم

با رئیس فرهنگستان کشور درباره اهمیت کتاب چندجلدی یادداشت‌های عَلَم صحبت شد. نظر دکتر حداد عادل درباره ویژگی عبرت‌آموز این کتاب برایم جالب بود. او وعده داد، ٤ کتاب از این یادداشت‌ها به صورت مستقل منتشر خواهد شد. از نظر اجمالی، رویکرد فرهنگی و هنری نظام سلطنت، روابط درون درباری، روابط بین‌الملل و شخصیت و جهان‌بینی اسدالله عَلَم که برخی اوقات با نظر پهلوی دوم هم‌پوشانی و برخی اوقات در تضاد است، می‌تواند باعث شود که بتوان چند کتاب مستقل و تحلیلی را از درون این مواد خام ـ یادداشت‌های علم ـ به عنوان محصولات پرورانده شده، انتظار داشت. بهر حال برای این سطور که نگارنده حقیر، در اصل یادداشت‌ها غور کرده است و قصد تشریح موضوعات را دارد، ۲ نیّت محتوایی و یک قالب ساختار بیانی وجود دارد.

از سهم نیّت‌ها، یکی عبرت‌آموزی است به حکم مولای متقیان و کتاب‌های آسمانی که دعوت به تطوّر و تحقیق و پیمایش تاریخ کرده‌اند و گفته‌اند: «به فطانت و زیرکی به همه اقوال بنگرید و نیک‌ترین آن را به کار بگیرید.» و گفته‌اند: «در زمین و سرنوشت ملل گردش کنید و عبرت بگیرید.» و براساس این مضامین حکیمان و بزرگواران دین و اندیشه و فرهنگ سخن‌ها رانده‌اند.

نیّت دیگر از تجدید خاطرات اسدالله عَلَم، بازگویی برخی مُهمّات مسئولیت‌پذیری‌ها و مسئولیت‌دهی‌هاست. اینکه چقدر هر انسان می‌تواند در زندگی دیگران مؤثر باشد و سهم مسئولیت هر ایرانی وطن‌دوستی در روشنگری و آبادانی چقدر است و چگونه؟

بر این اساس در بیان و بررسی یادداشت‌های «عَلَم»، سعی بر این داریم که با او از طریق یادداشت‌هایش از ٢٤ بهمن ۱۳۴۷ همراه شویم. اما این همراهی، با حوصله و دقت است و با پرهیز از بسیاری از مسائلی که به عللی نه قابل طرح است و نه جای طرح دارد. چرا که گفتار این سطور، هرگز نباید دافع و مانع قرائت و خوانش یادداشت‌های عَلَم باشد. آنچه در پی می‌آید، برجسته کردن نظرات، نقل و قول‌ها و احوالات خاصی است که این روزها و روزگار آتی به مدد و یاری تحلیل آنها، می‌تواند به هموطنان یاری رساند. بهر حال تذکر مهمی در اینجا باید به عرض برسد که بنا بر ادعای وارد ویراستار این کتاب، علینقی عالیخانی،: «مُجلد دیگری هم از این یادداشت‌ها موجود بوده که متأسفانه به بانک [سوئیس که محل ذخیره یادداشت‌ها بود،] سپرده شده است.»

ادامه دارد

آیینه

زیر نظر: دکتر محمدکاظم حسینیان

خاطراتی از درون دربار
چشم های شاهزاده بدرالسلطنه

دَر بازار بزرگ در خیابان جبه‌خانه واقع است و جلوی آن میدان کوچکی است که به آن سبزه‌میدان می‌گویند. اگر فرنگی ناشناسی بخواهد وارد بازار شود و بلدی همراه نداشته باشد در پیچ و خم‌های بازار گم می‌شود نه به این جهت که نتواند در این دالان‌های عریض و طویل که غالباً امتداد مستقیم دارند راه بازگشت خود را نشان بگذارد بلکه چون جمعیت و چهار بازار و کوچه‌های بن‌بست در آن زیاد است شخص غریب در آنجا سرگردان می‌ماند مثلاً نزدیک مسجدشاه بازار بزرگی است که پس از مقداری امتداد به سمت جنوب متوجه مشرق می‌شود و بعد از آنکه دو ثلث آن طی شد بازار دیگری از آن منشعب می‌گردد که متوجه شمال است و تا خیابان چراغ گاز امتداد می‌یابد به شکلی که خانه امین‌الدوله طرف دست راست و سفارت روس طرف دست چپ آن واقع می‌شود و در هر قدم از آن کوچه‌های تنگی قرار دارد که از آنها نیز کوچه‌های دیگری متفرع می‌گردد و انتهای آنها یک میدان یا کاروانسرایی است که در آنها چند درخت کاشته و بارهای تجارتی را روی هم انبار کرده‌اند.

همین کیفیت است که شخص غریب را در بازارهای تهران سرگردان می‌کند و حس جهت‌یابی را از او می‌گیرد.

بازار عالم خاصی است به این معنی که نماینده هر نوع شغل و تجارت و صنعت را در آن می‌توان یافت ولی از خوشبختی مشتریان نمایندگان هر صنف در محل‌های مخصوصی جمع‌اند و اصناف مختلفه باهم مخلوط نمی‌شوند.

در دو طرف دیوارهای ضخیم بازار که سقف‌ها بر آنها متکی‌اند قدم بقدم طاق‌نماهایی به اسم دکان و مغازه ساخته‌اند که سراسر آنها پر از کالا است.

در کنار هر یک از این دکان‌ها کارگر یا کارگرانی نشسته‌اند که با همان تأنی مخصوص مشرق زمینی که تا حدی حاکی از نقص آلت و افزار کار آنها است مشغول حرفه خود هستند و من تاکنون در بازار کسی را ندیده‌ام که ایستاده کار کند.

یک نفر فرنگی تازه وارد بی‌اختیار در مقابل قالی‌ها و پارچه‌ها و انواع اسلحه‌ای که در بازار گسترده است به تماشا می‌ایستد و اگر طالب خرید اشیاء عتیقه باشد بهتر از بازار تهران جایی را نخواهد یافت و تمام روز از تماشای کتاب‌های تذهیب شده نادر و ظروف طلاکاری قدیمی و کاشی‌های طلایی که امروز دیگر مردم ایران از ساختن مثل آنها عاجزند سیر نخواهد شد و هر قدر بخواهد می‌تواند از استوانه‌های فلزی عهد کلدانیان و آشوریان و عیلامیان و مهرهای دوره اشکانی و ساسانی و مسکوکات سلسله‌های مختلف حتی هخامنشیان که چند قرن پیش از اسکندر کبیر در ایران سلطنت می‌کرده‌اند برای خود بخرد.

آب مشروب تهران مثل غالب شهرهای دیگر ایران از قنات است و تمام آن از دامنه البرز می‌آید. دهانه‌های چاه‌های این قنوات که از همان راه‌ها قنوات را کنده و دورادور آنها خاک را تپه کرده‌اند در تمام جلگه بیرون شهر مخصوصاً در بیرون دروازه‌های شمیران و دوشان‌تپه نمایان است.

آب تهران چون از البرز می‌آید از شمال داخل شهر می‌شود و خانه به خانه از منازل اغنیا گرفته تا خانه‌های فقرا همه را مشروب می‌کند ولی البته فقرا غالب اوقات فدای اغنیا می‌شوند و عموماً در تابستان که از همه فصول احتیاج به آب بیشتر است تهران گرفتار بی‌آبی است.

در نتیجه وضع ناپسند توزیع آب به توسط مجاری روباز غالب اوقات بعضی از امراض به سرعت تمام سراسر شهر را می‌گیرد و ابتلای عمومی دست می‌دهد.

در محلات قدیمی و بازار آب در وسط کوچه‌ها در جوی تنگ کم‌عمیق سرپوشیده‌ای جاری است و هرچند قدمی سوراخ گشادی در آن ترتیب داده‌اند که هر خانه از آنجا آب می‌برد و اکثر اوقات اشیاء آلوده خود را هم در آنجا می‌شویند. به علاوه کثافات کوچه و راه هم از همانجا داخل آب می‌شود. با این وضع حال آبی که مردم بدبخت محلات دور از مرکز تهران می‌نوشند معلوم است که چیست.

یخ نیز مثل آب در ممالک گرم مخصوصاً ایران اهمیتی خاص دارد و بیشتر آن را از کوه‌های البرز بخصوص دماوند می‌آورند و تقریباً در تمام مدت سال قاطرها آن را از دماوند به تهران می‌رسانند و مردم عادت دارند که حتی زمستان هم شربت و آب را با یخ استعمال کنند.

غیر از این منبع در اطراف باروی تهران نیز یخچال‌های زیاد هست که عمقی چندان ندارد و آنها را روزها در زمستان آب می‌اندازند و شب‌ها یخ می‌گیرند بعد یا آن یخ را برای فروش به بازار می‌فرستند یا در گودال‌های زیرزمینی یخچال که سقفی ضمیم دارد برای تابستان انبار می‌کنند.

یک عده از اعیان طهرانی در طرف مغرب شهر یعنی در محله سنگلج و اراضی بین دروازه قزوین و دروازه باغ‌شاه پارک‌ها و باغ‌های بزرگی ساخته‌اند که یکی از آنها امیریه است متعلق به نایب‌السلطنه.

چون تمام زیبایی این باغ‌ها از برکت مقدار آبی است که به آنها می‌رسد آنها را مخصوصاً در محلاتی ساخته‌اند که آب شهر ابتدا به آنجا وارد می‌شود تا بتوانند بیشتر و بهتر از ان استفاده کنند.

برای عمل چشم بدرالسلطنه با رعایت حفظ‌الصحه، او به دستور من از شاه اجازه گرفته است...

در تهران از هر درختی بهتر چنار رشد دارد و این که یکی از سیاحان قدیمی تهران را «شهر چنار» نامیده بی‌سبب نبوده است.

بناهای تهران همه خشت و گلی است، دیوارها و بام‌ها را با کاه‌گل ضخیم می‌اندایند و اگر هم آجر بکار ببرند بر اثر حدت آفتاب تابستانی از هم متلاشی می‌شود و حالیه که باران‌های زمستانی شروع به ریزش کرده سقف‌ها و دیوارها پوشیده غالباً فرو می‌ریزد و بچه‌ها و حیوانات را زیر آوار می‌گیرد، اصطبل‌ها خراب می‌شود و پاره‌ای قسمت‌ها از سقف بازارها بر سر دکاندارها پایین می‌آید و تلفات بسیار وارد می‌سازد.

در تهران معمولاً از خرداد تا آبان باران نمی‌آید و امسال بارانی که عادتاً در پاییز بایستی بیاید در اوایل زمستان شروع شده. اگرچه باران تهران کم است ولی وقتی در اینجا می‌بارد شدت آن بسیار زیاد است. برف هم در اواسط زمستان غالباً عصرها یا شب‌ها می‌آید و دانه‌های آن درشت است.

۵ مارس = ۱۳ رجب

امروز روز عید میلاد امیرالمؤمنین علی است و شیعه علی رغم اهل تسنن به علی ابن ابی‌طالب تقریباً همان منزلتی را می‌دهند که برای حضرت رسول قائلند. بعدازظهر در میدان مشق سان سپاه بود و امشب چنانکه در هر یکی از اعیاد ایرانی موسوم است آتش‌بازی خواهد شد.

سان سپاه عبارت بود از دفیله رفتن یک عده سرباز از جلوی شاه با یک عده سرتیپ که اکثر سپاهی ندارند و نداشته‌اند و نخواهند داشت و از نظامی بودن به همان درجه و لباس اکتفا کرده‌اند.

اگر از یک فوج سوار که لباس قزاقی ببر دارند و سرهنگ و چند نفر از صاحب منصبان عمده و جزء ایشان روسی‌اند بگذریم بقیه نظامیان تعلیمات صحیحی ندیده‌اند و امر عجیب این که به محض برهم خوردن سان و سلام هر یک از صاحب‌منصبان و سربازان پی کار خود می‌روند به این معنی که به استثنای قراولان سلطنتی که در ارگ قراولخانه‌ای دارند و سواران قزاق که به قزاقخانه واقع در شمال میدان مشق می‌روند برای بقیه جا و مکان معین دسته‌جمعی نیست بلکه هرچند نفر مأمور قراولی دم عمارت دولتی و خانه‌های اعیان و مردم دیگرند و هر دسته پس از ختم سلام راه کار خود را پیش می‌گیرند و بعضی هم تفنگ و فشنگ را تحویل ذخیره می‌دهند و به کار و کاسبی معمولی مشغول می‌شوند.

۲۰ مارس = ۲۸ رجب

امروز روز عید نوروز است و من به عادت هر روز از خیلی زود به انتظار بیرون آمدن شاه از در نارنجستان در باغ گلستان قدم می‌زنم. اعلیحضرت بیرون آمد و مرا به اشاره‌ای به خدمت خود خواست و من پیش رفتم. دامن خود را که پر از فیروزه بود گشود و از آن میان با دقت تمام سه قطعه درشت‌تر را جدا کرد سپس جمیع آنها را تحت آزمایش آورد و از آنها آن را که منظم‌تر و خوش شکل‌تر بود برداشت و به من داد و گفت این عیدی شماست.

نوروز در حقیقت اول سال رسمی ایران نیست چه سال‌های اسلامی قمری است و اعیاد و ایام سوگواری ایشان در عرض سال هم چنانکه پیش ما ثابت است ثابت نمی‌ماند فقط نوروز لایتغیر است و همیشه درست با روز اول اعتدال ربیعی یعنی موقعی که آفتاب به برج حمل می‌رسد و بهار شروع می‌شود تطبیق می‌کند و نتیجه این کیفیت چنین شده است که امروز زمان تحویل با ساعت شش و نیم بعدازظهر مصادف گردیده و آن را اخترشناس باشی شاه استخراج نموده است.

تالار بزرگ موزه که مراسم سلام در آنجا به عمل خواهد آمد خیلی زودتر از ساعت شش از جمعیت پر شده بود، تمام اعیان مملکتی در آنجا جمع بودند و وزرا و صاحبان مناصب عالی بر جاهای خود قرار داشتند حتی من در میان ایشان چند تن از صاحب‌منصبان نظامی خارجی را هم دیدم.

این صاحب‌منصبان خارجی که کم و بیش لباس صاحب‌منصبی ایران را به دادن تعارف خریده‌اند در حقیقت خوش‌نشینانی هستند که خواسته‌اند با استخدام این لباس یا ترکیب کردن آن با اجزاء دیگری از لباس‌های نظامی گوناگون لباسی داشته باشند که برای مجلس تقلید مناسب‌تر می‌نماید تا برای مجلس جدی.

اعلیحضرت ساعت شش به تالار وارد شد و بر روی قالی زربفت کهنه‌ای که در پایتخت فتحعلی شاه انداخته بودند به رسم معمولی ایرانی‌ها نشست و بر بالش مروارید دوز تکیه داد. شاه مثل روزهای سلام یا مهمانی‌های بزرگ در جواهر غرقه بود و نور فراوان چهل چراغ‌های بزرگ و شمعدان‌ها و چراغ‌های دیواری تلالؤ عجیبی به آنها می‌داد بعلاوه منظرهٔ این تالار که سرا پا آینه‌کاری است بسیار خیره‌کننده است.

در هر یک از دو طرف تخت عده‌ای از روحانیون ایستاده‌اند و روبروی شاه در چهار قدمی صدراعظم برپا ایستاده و چند قدم عقب‌تر در طرف چپ ظهیرالدوله رییس تشریفات و داماد شاه قرار گرفته، من در دو قدمی عقب سر امین‌السلطان ایستاده‌ام اما قدری متمایل بطرف راست تا در جلوی جمعیت‌های مختلف اعیان دولت را بهتر ببینم.

در سر دقیقه معین اخترشناس‌باشی با وقار تمام و قدم‌های آهسته به جلوی شاه می‌آید و پس از تعظیم ساعت به دست شروع سال نو را اعلام می‌کند سپس عقب عقب خارج می‌شود و دو تن از سادات به شاه تبریک و سلامت‌باد می‌گویند. در حینی که این دو تن سید مشغول عرض تبریک‌اند شمایل حضرت علی‌بن ابی‌طالب را دست‌به‌دست می‌گردانند و همه آن را می‌بوسند بعد هرکس چند دانه گندم به این امید که سال آینده سال ارزانی و فراوانی باشد می‌خورد.

امام جمعه یا یکی دیگر از مجتهدین در داخل ظرفی آیاتی از قرآن‌مجید را می‌نویسد و پس از حل کردن آن در مایعی قسمتی از آن را به شاه می‌آشاماند و بقیه را نزدیکان او می‌نوشند.

بعد از تمام شدن این مراسم مجدالدوله سبد بزرگی را که پر از سکه‌های تازه ضرب شده بود و به آنها که مثل بیست سانتیمی‌های قدیمی ما است شاهی سفید می‌گویند پیش شاه گذاشت و شاه از آن ابتدا به ملاها بعد به شاهزادگان درجهٔ اول مقداری داد سپس دو جیب لباس روی مرا پر کرد و دیگران هم یکی یکی از جلوی شاه گذشتند و عیدی خود را گرفتند و با این رسم که تمنی برای زیاد شدن ثروت عیدی گیرنده در سال نو است مراسم نوروزی پایان یافت. سابقاً با این شاهی سفیدها اشرفی نیز مخلوط می‌کردند لیکن ناصرالدین شاه این رسم را از بین برده است.

۳۰ مارس = ۷ شعبان

امروز صبح وقتی که برای عرض سلام به شاه نزدیک شدم یک قطعهٔ بزرگ یاقوت در دست من گذاشت و گفت این چیست، دیدم یاقوتی است نتراشیده و بسیار خوشرنگ و به اندازه یک تخم‌مرغ و در عرض سوراخی دارد که بلوری در آن داخل کرده‌اند.

اعلیحضرت به من گفت که از این سوراخ که حالا بسته است سابقاً ریسمانی می‌گذرانده و آن را به گردن گوساله زرین سامری می‌آویخته‌اند، بعد گفت که این قطعه یاقوت را در ایام قدیم از حبشه به هند برده بودند و نادرشاه آن را از آنجا به ایران آورده است.

۳۱ مارس = ۸ شعبان

امینه اقدس تقریباً بکلی نابینا شده است. من از دو ماه پیش می‌خواستم چشم او را عمل کنم و نگذارم که کار به این جا بکشد ولی به من اجازه این عمل داده نشد و شاه که نمی‌خواست بر خلاف رضای محبوبه خود رفتار کند او را کاملاً آزاد گذاشت و توطئه‌سازان درباری چنان این زن بدبخت را دچار تردید کردند که به موقع دست بکاری نزد تا مرضش روز بروز شدت یافت ابتدا او را به نهایت درجه ترساندند و بعد از آن او را به تعقیب دستور من در باب عمل کردن مصمم دیدند گفتند که باید در خارجه عمل کند تا افتخار معالجهٔ او نصیب من نشود و لطمه‌ای به مقام و نفوذ ایشان وارد نیاید و در این توطئه جمعی از خواجه‌سرایان هم دخیل بودند مخصوصاً آغابهرام که اشتیاق شدیدی به دیدن اروپا در خدمت خانم خود داشت آتش اورا برای مسافرت تیزتر می‌کرد.

عاقبت نقشه ایشان به نتیجه رسید و امینه اقدس به همراهی سعدالسلطنه حاکم قزوین و آغابهرام خواجه‌باشی به طرف وینه حرکت کردند ولی قبلاً لازم شده که من به شاه عملی که باید در چشم خانم اجرا شود توضیح و به او اطمینان دهم که عمل خطری ندارد و فوریت آن بلکه تأخیر زیادی را که در این راه روا داشته‌اند به او بفهمانم و بگویم که هر قدر بیشتر در این کار تسریع شود زیادتر از قوه بینایی او خواهد ماند اما پیش خود می‌گفتم که اگر چیزی از آن بجا مانده باشد چه تصور من این بود که این زن حال که بکلی کور شده تصمیم به مسافرت گرفته است و امید او این است که چشمان او را بینا کنند.

اقلاً این بار دهم بود که شاه اندکی قبل از حرکت امینه‌اقدس به من گفت که: «شما مطمئناً می‌توانید این عمل را بکنید؟» و غرضش از ادای این جمله نمودن حال تردیدی بود که در دادن اجازهٔ این سفر داشت در صورتی که احتراز این سفر قبلاً به‌خوبی ممکن بود.

امینه‌اقدس

البته این دوره با ایامی که شاهنشاه نمی‌توانست خود از مملکت خویش خارج شود یا بالاتر از آن به بیرون رفتن یکی از زنان خود رضا دهد فرق فاحش کرده زیرا که ناصرالدین شاه اول پادشاهی است که بر خلاف سیرهٔ قدیمی از مملکت خود به میل شخصی قدم بیرون گذاشته و حالیه هم بر اثر القاآت جدی مشاورین فرهنگی خود که طبیب فرانسوی اورا هم باید از جملهٔ ایشان شمرد رفتاری کاملاً مخالف با آداب دیرینه اختیار کرده و این تغییر وضع تا حدی هم نتیجهٔ هوش و فکر باز و سعهٔ صدر خود شاه است که مزیت آداب فرنگی را درمی‌یابد و میل به اقتباس آنها دارد و می‌خواهد که خرافات معمول بین مردم را براندازد.

ناصرالدین شاه در یکی از سفرهای اولی خود به فرنگستان دو تن از زنان محبوبهٔ اندرون یعنی انیس‌الدوله و عایشه خانم را همراه برد اما در مسکو مجبور شد که ایشان را به تهران برگرداند و بر اثر همین تجربه بود که در دادن اجازهٔ حرکت به امینه اقدس تردید داشت به خصوص که از توطئه‌بازی‌های درباریان و اهل حرم هم بی‌اطلاع نبود ولی در آخر کار چون دلش بحال این زن بیچاره می‌سوخت استرحاماً به او چنین اجازه‌ای داد.

۱۴ آوریل = ۲۳ شعبان

مسیو دبالوا که دورهٔ مرخصی‌اش سرآمده بود به تهران برگشت و کارهای سفارت فرانسه را شخصاً در دست گرفت و تصادفاً بارون‌درپ وزیر مختار بلژیک هم در همین موقع به نمایندگی این دولت به تهران وارد شد.

در این امتیاز بانکی به صورت بانک استقراضی به دو نفر روس یکی به نام پولیاکف دیگری به اسم رافالوویچ داده شد و خیال این دو تن این بوده است که امتیاز کشیدن راه‌آهنی را نیز در ایران بگیرند ولی به تحصیل این امتیاز ثانوی توفیق نیافته‌اند. چنین بنظر می‌رسد که با اعطای این امتیازات پی در پی ایران بالاخره به تمامی بدست خارجیان بیفتد.

۳۰ آوریل = ۹ رمضان

در این ماه اکثر اوقات باران می‌بارد فقط گاه‌گاه آفتابی که رو به گرمی است می‌تابد. برف هنوز بر قلل البرز نمایان است و به همین علت درجهٔ حرارت هوا حالت اعتدال دارد با وجود این من در مقابل اشعهٔ آفتاب این فصل احتیاط را از دست نمی‌دهم و کلاه چوب‌پنبه‌ای خود را بر سر می‌گذارم.

نهم رمضان است و ایرانی‌ها در این ماه یعنی در مدت سی روز از سپیدهٔ صبح تا غروب آفتاب از خوردن و استعمال دخانیات خودداری می‌نمایند. البته رعایت این ترتیب سخت است ولی در عوض شب‌ها هم غذا می‌خورند و هم دخانیات استعمال می‌کنند.

در این ماه چون اکثر مردم روز را می‌خوابند روزها کوچه‌ها و بازارها از جمعیت خالی است، برخلاف شب‌ها تمام مدت حتی تا صبح رفت‌و آمد و قال و قیل همه جا برقرار است.

با این ترتیب می‌بینید که طرز روزهٔ مسلمین با روزهٔ عیسویان بکلی متفاوت است و اگر مسلمین به همین دل خوش‌اند که از این جهت بر عیسویان امتیازی دارند می‌توانند مطمئن باشند که کاملاً در تحصیل این امتیاز توفیق یافته‌اند.

۲۴ مه = ۳ شوال

امروز سفارت انگلیس جشن تولد ملکه ویکتوریا را می‌گیرد و من هنگام صبح که برای عمل آب چشم بدرالسلطنه یکی از شاهزاده خانم‌های اندرون از جلوی سفارت می‌گذشتم غلام‌های آنجا را دیدم که تمام بیرق‌های سفارتخانه را می‌افراشتند.

برای آنکه عمل چشم بدرالسلطنه با رعایت حفظ‌الصحه انجام شود او به دستور من از شاه اجازه گرفته است که در عمارت زیبای نگارستان این کار صورت بگیرد و مجاز باشد که در آنجا تنها تا شفای کامل بیاید بماند. عمارت نگارستان در شمال میدانی است که به همین نام در محلات تازه ساز شهر واقع شده.

امام جمعه یا یکی دیگر از مجتهدین در داخل ظرفی آیاتی از قرآن‌مجید را می‌نویسد و ...

مخل باغ که بنای نگارستان در داخل آن است در بزرگی است که بالاخانهٔ وسیعی بر بالای آن ساخته‌اند. پس از آنکه از خیابان عریض و طویل مستقیمی که در دو طرف آن چنارهای کهنه‌ای است بگذرید به یک ردیف بنا می‌رسید که در حقیقت راهرو و بناهای بعدی است. این بناهای دومی در مرکز باغ ساخته شده و در آخر آنها حیاط مربعی است دارای عمارتی با اطاق‌هایی مانند هم. این حیاط اندرون نگارستان است.

فتحعلی شاه باغ نگارستان را بسیار دوست می‌داشت و غالباً در آنجا اقامت می‌کرد و داستان‌هایی که عوام از این پادشاه نقل می‌کنند یک قسمت به باغ نگارستان است مثلاً می‌گویند که شاه زنان حرم خود را به همان حالی که حوا از بهشت بیرون آمده بود از بالای سرسره‌ای امر به سر خوردن می‌کرد تا اینکه به حوض پر آبی می‌رسیدند و او از تماشای این منظره لذت می‌برد، هم‌چنین مشهور است که این پادشاه از ششصد زن خود ششصد فرزند داشت و پنجاه تن از آنان در یک سال به دنیا آمده بودند.

امر مسلم این که فتحعلی شاه ریشی بسیار قشنگ داشت که پهنا و درازی آن از حد معمولی متجاوز بود و شاید هم نقاش‌ها چون دانسته بودند که شاه این قسم ریش را دوست می‌دارد در نمایاندن آن بر روی پرده‌ها قدری راه افراط رفته باشند. از این قبیل است پرده‌ای که در عمارت سلطنتی دیده می‌شود و در آن شاه با ریش دراز بر تخت نشسته و دوازده نفر از پسران او در دو طرف شاه ایستاده‌اند. البته برای کسی که این همه پسر داشته دوازده تن چیز قابلی نیست، شاید اختیار این دوازده نفر به مناسبت شباهتی است که ایشان از حیث ریش با پدر خود داشته‌اند و اگر چه این شباهت کامل نیست اما شاه لابد به داشتن چنین فرزندانی با این محاسن بارز بر خود می‌بالیده است.

برگردیم بر سر قصهٔ عمل چشم بدرالسلطنه. اطاقی مخصوصاً در یکی از گوشه‌های عمارت برای این کار مهیا ساخته و پرده‌های ضخیم تیره رنگی دفع نور آفتاب جلوی پنجره‌ها آویخته بودند. تخت دراز محکمی که به دستور من درست شده بود در میان اطاق قرار داشت و روی آن توشک و چند نازبالش گذاشته بودند. اسباب عمل و لوازم بستن زخم هم روی میز در دسترس من بود و برای شروع به عمل هیچ لنگی نداشتیم.

بدرالسلطنه که پسر زیبای شش هفت ساله و برادرش با سه خواجه‌سرا و چند تن از دوستان دور او را گرفته بودند بار دیگر استخاره‌ای کرد تا ببیند که عاقبت عمل خوب خواهد بود یا نه. چون استخاره بدرالسلطنه خوب شد همه او را به این کار تشویق کردند و خیرو سلامت گفتند. چون دیدم موقع برای شروع به عمل مناسب شده او را طلبیدم و زنان دیگر با پسر و برادر او بیرون رفتند، تنها خواجه سراها ماندند.

بدرالسلطنه به چهار پایهٔ کوچکی که به تخت تکیه داشت نزدیک شد و قرآنی را که بر آن بود و برادرش به او داده بود برداشت و بوسید و بر جای اولی گذاشت بعد به بالای تخت رفت و راحت دراز کشید. در تمام مدت عمل صدا از کسی بر نمی‌خاست تا اینکه من گفتم عمل به خیر و خوشی جاتمه یافته و جای هیچ نگرانی نیست.

امینه اقدس را در وینه پروفسور فوکس در ۲۴ آوریل یعنی یک ماه قبل عمل کرده و هنوز آنجا است. می‌گفتند که بدرالسلطنه هم می‌خواست با او به اروپا برود ولی امینه اقدس به این امر رضا نداد تا همه چنین تصور کنند که شاه این لطف را فقط در حق او نموده است.

۹ژوئن = ۲۰شوال

مریضهٔ من شفا یافته و بیش از حد وصف خوشحال است و چند روزی است که با عینک شیشه بزرگ دودی به باغ می‌آید و از ته دل اظهار مسرت می‌کند.

پایان

ایران

زهیر رضوی ۷

از میراث مستوفی
فراش قرمزپوش

حاجی‌زادهٔ پدرمرده و...

در حمامهای عمومی آن دوره، در طرفین خزانهٔ گرم حمام، دو خلوت می‌ساختند. این خلوتها مخصوص اشخاص متعین محل بود و در سر حمام هم یکی دو صفحه به سوزنی‌های آنها اختصاص داشت. روزهای جمعه با پدرم حمام می‌رفتیم. برای [پدرم] یک سوزنی و برای ما دو نفر هم یک سوزنی پهلوی آن پهن می‌کردند. در خلوت پهلوی خزانه هم سه تا جا پهلوی هم می‌انداختند و می‌نشستیم. پدرم هر هفته با رنگ و حنا، ریش کم‌پشت نسبتاً کوتاه خود را خضاب می‌کرد. به سر ما بچه‌ها هم با اینکه احتیاجی نداشتیم، حنا می‌بستند. دو ساعتی صرف این حمام روان می‌شد.

در یکی از این جمعه‌ها وقتی از گرمخانه بیرون آمدیم، شخصی که از سوزنی و نوکرهایش پیدا بود که مرد متعینی است، در صفهٔ روبه‌روی صفهٔ ما نشسته مشغول رخت پوشیدن بود. این مرد قبای راستهٔ اطلس آبی آسمانی بر تن داشت و ریش مورچه‌پی‌زدهٔ مشکی او بر صورتی که گرمی آب و هوای حمام سرخی و تر و تازگی آن را زیادتر کرده بود، خالی از زیبایی نبوده و هیکل و قواره‌اش هم با صورتش متناسب و اجمالاً مرد شیک تمام عیاری به نظر می‌آمد.

پدرم البته جلوتر از ما آمده و تازه روی سوزنی خود نشسته بود و نوکر داشت با قطیفه بدنش را خشک می‌کرد. ما را هم یکی بعد از دیگری قطیفه پوشاندند و چون پایمان به صفه نمی‌رسید، نوکر ما را بغل زد و روی سوزنی نشاند. همین که من هم، که آخری بودم، نشستم، توجه کردم که آقای قبا آبی با عجله برخاست و کلاه خود را به سر گذاشت و شال سفید تا کردهٔ خود را که به شکل چنبره دور هم پیچیده بودند، از نوکر گرفت و دور کمرش پیچید و عبای خرمایی بوشهری را به دوش انداخت و مثل اینکه می‌خواهد از پشت در اتاق به مجلس محترمی وارد شود، دستهای خود را از آستین عبا بیرون آورده رو به ما ایستاد و با صدای بلند گفت: «حاجی آقا سلام علیکم.» پدرم سر برداشت، ولی چشم نزدیک‌بینش تشخیص نمی‌داد که سلام‌کننده را بشناسد. ناشناخت خود این مشکل را حل کرده و بلافاصله گفت: «بنده حاجی موسی، پسر حاجی علی، همیشه از التفاتی که شما راجع به کار تفنگها با ما کرده‌اید متشکریم، خدا بر عمر و عزت شما بیفزاید.» پدرم چند کلمه‌ای که درخور این تشکر بود جواب گفت و حاجی آقا موسی که کفش پوشیدنش، جز پا گذاشتن در میان کفشها کار دیگری نداشت، کفشهای خود را به پا کرد، از صفه پایین آمد و نزدیک در خروج هم خداحافظی محترمانه‌ای با پدرم کرد و به سمت در حمام رفت. در حالی که استاد حمامی تمام‌قامت ایستاده و جامه دار در را جلوی حاجی آقا باز کرده نگاه داشته بود. حمام، حمام حاجی میرزا علی‌اصغر، پسرعموی حاجی آقا موسی و این احترامات و تشریفات که بیش و کم برای همهٔ اعیان معمول می‌شد، بیشترش از این راه بود. معلوم است، پسر ده‌ساله نباید از پدر هشتاد ساله بپرسد که قصهٔ تفنگها چه و این تشکر برای انجام کدام خدمت بوده است؟

حتی جزیی اثری هم از این معامله که بتواند دستاویز ادعای تحویل تفنگها باشد پیدا نشد

بیست و شش سال بعد روزی به منزل نصیرالدوله، پسر آصف الدوله (بدر) رفتم. فصل بهار و باز هم روز جمعه بود. صاحبخانه با یک نفر زیر سایهٔ درخت روی صندلی نشسته مشغول صحبت بودند، من که وارد شدم، نصیرالدوله برای شناسایی من با آن یک نفر، اسم طرفین را برد، دیدم همان رفیق قبا آبی بیست و شش سال قبل است و جز پیری و ضعف باصره که چشمهایش آب آورده و منتظر پر شدن و میل‌زنی کحال است، چیزی کسر ندارد، فوراً قواره و شمایل و مذاکرهٔ بیست و شش سال قبل او به نظرم آمد. به ایشان گفتم من اول دفعه نیست که شما را می‌بینم و واقعهٔ بالا را البته با ریختن جزئیات، برای ایشان نقل کردم. حاجی آقا موسی گفت: «من این روز بخصوص را به خاطر ندارم، ولی رسم داشتم که هر وقت پدر شما را می‌دیدم، جلو بیایم و خود را معرفی و از قضیهٔ تفنگها تشکر کنم. این هم یکی از آن روزها بوده است.» و در دنبالهٔ این بیان گفت: «یک دو سالی بعد از مردن پدرم روزی فراش قرمزپوشی در خانهٔ ما آمد که بیایید امین حضور، وزیر بقایا، شما را می‌خواهد. مرا نزد امین حضور برد. دیدم جناب وزیر بقایای قبض رسید یکصدهزار تومان جهت خرید چندهزار قبضه تفنگ از یکی از کارخانه‌های اروپا که به خط و مهر پدرم بود، جلوی من گذاشت و گفت: «این پول را پدر شما گرفته که تفنگها را از کارخانه بگیرد و برساند. از پیداشدن این قبض او معلوم می‌شود که تفنگها را نرسانده است و ورثهٔ او بدهکار این یکصد هزار تومان هستند و باید از عهدهٔ جوابگویی این قبض رسید برآیید.» به تاریخ قبض رجوع کردم دیدم مال ده سال قبل است.

پدر ما در هفت هشت سال آخر عمرش، دیگر تجارت نمی‌کرد و ملاک شده بود، بنابراین، دفتر و دستک‌های او برهم خورده و میرزاهای تجارتی او پی کار خود رفته بودند، و ما هیچ وسیله‌ای برای اطلاع از سابقهٔ امر نمی‌توانستیم داشته باشیم.

حال حاجی‌زادهٔ پدر مرده‌ای که تازه از تقسیم خانه و ملک پدرش فارغ شده و اطلاع زیادی هم از کارهای دولتی نداشته باشد، از شنیدن این بیان و دیدن این سند سوسه‌ناپذیر معلوم است چه می‌شود. به جناب وزیر بقایا عرض کردم: «این سند مال ده سال قبل است پدر من هم کسی نبوده است که یک چنین مبلغ هنگفتی را در هشت سال زنده بودنش لابه‌لا کرده و نپرداخته باشد.» وزیر بقایا با شدت هرچه تمام‌تر جواب گفت: «عمل دیوان قبض است و برات، اینها که شما می‌گویید جواب این قبض صدهزارتومانی را نمی‌دهد مگر اینکه رسیدی از تفنگها بیاورید. والا باید صدهزار تومان را فوراً بپردازید. من یقین دارم که تفنگهای این صدهزار تومان به وسیلهٔ پدر شما نرسیده است. زیرا پدر شما کسی نبوده که تفنگها را تحویل بدهد و قبض خود را پس نگیرد. در هر حال سه روز به شما مهلت می‌دهم که بروید و بگردید و اطمینان حاصل کنید که چنین رسیدی از تفنگها ندارید و بعد از سه روز صدهزار تومان را از شما می‌گیرم. از مال دولت نمی‌توان ملک و دستگاه به هم زد.»

من که از این جملهٔ آخری بیشتر از سایر بیانات امین حضور حالم به هم خورده بود دیگر حرفی نزدم و برخاستم و به منزل آمدم. با دو برادر یکی بزرگتر و یکی کوچکتر از خودم چند جوال کاغذ قدیمی خانوادگی را برهم زدیم و یکی یکی خواندیم، از رسید تفنگها چیزی به دست نیاوردیم و حتی جزیی اثری هم از این معامله که بتواند دستاویز ادعای تحویل تفنگها باشد پیدا نشد.

نگارستان

نسترن ملایی

دکتر محمد معین، خالق فرهنگ معین/۵
به روایت زرین‌کوب

جای افسوس است که آن شیوه انتقادی که در تصحیح برهان قاطع به کار رفت به همان حواشی و اضافات برهان محدود ماند و در این فرهنگ معین – که شاهکار راستین لغت‌نویسی او در زبان فارسی است – دنبال نشد. اما فرهنگ معین، در واقع برای پاسخگویی به نیازهای جاری و روزانه فارسی زبانان تألیف شد و البته نمی‌توان نوع فرهنگ آکسفورد یا لغت امیل لیتره و آکادمی فرانسه را از آن انتظار داشت.

مع‌هذا فرهنگ معین یک جای خالی را – که نقص بزرگی برای فرهنگ و ادب امروز ما بود – پر کرد و از این حیث، دکتر معین که سلامت وجود و شاید حیاتش را در سر این کار گذاشت حق بزرگی بر فرهنگ امروز ما دارد. بر این کار عظیم او هم که متأسفانه خودش مجال اتمام آن را نیافت البته در گوشه و کنار ایرادهایی شد چرا که وقتی یک بنای بزرگ به‌وجود می‌آید کاری هم برای بیکاره‌ها پیدا می‌شود. شاید قسمتی از این ایرادها هم برکتاب وارد بود. اما کدام کاری هست که ضعف و محدودیت انسان جایی برای ایراد در آن باقی نگذاشته باشد؟ به علاوه، کار یک فرهنگ زبان فارسی با این وسعت و در این مدت محدود، در حد طاقت و توان یک تن نبود و هر کس دیگر هم می‌خواست یک تنه، چنان‌کاری را تعهد کند ممکن نبود آن را با دقت و کمالی بیش‌تر، انجام دهد و عاری از ملامت باقی بماند. با وجود آن‌که نیاز ما، به لغت نامه‌های دیگر – خاصه لغت‌نامه‌های مبنی براشتقاق، و لغت نامه‌های مبتنی بر شواهد تاریخی – هنوز باقی است، فرهنگ معین تا مدت‌های دراز برای رفع نیازهای روزانه و جاری فارسی زبانان، کافی خواهد بود.

بدون شک زندگی استاد معین، اگر هم هیچ حاصل علمی دیگری جز همین کتاب نمی‌داشت باز یک زندگی سرشار و پربار به شمار می‌آمد. مع‌هذا زندگی او به رغم آن‌که بالنسبه کوتاه بود، ثمرهای ارزندهٔ فرهنگی دیگر هم داشت و در بین آن‌ها، نقشی که او در تربیت یک دو نسل از محققان امروز ما داشت کم اهمیت نیست. اما زندگی خود او – تا وقتی زندگی خود او بود – یک شوق و نشاط پایان ناپذیر و فزاینده ذوقی و عقلی بود – با لذت‌های خاص خویش.

معینِ فرهنگ

عبدالحسین زرین‌کوب

حق بزرگی که دکتر معین بر ادب امروز ایران دارد به خاطر فرهنگ پرارج اوست: فرهنگ معین؛ اما او در عین حال، هم به عنوان استاد و معلم شایستهٔ بزرگداشت ماست، هم به عنوان پژوهنده نستوه، معلم، محقق، و لغت‌نویس که سه بعد عمده شخصیت دکتر معین را تشکیل می‌دهد و حوصله و پشتکار بی‌مانندش برجستگی خاصی به این ابعاد وجودی او می‌بخشد که آن‌ها را بیش‌تر نمایان می‌کند.

در آنچه به کار معلمی مربوط است دکتر معین عشق و شوری واقعی داشت. استادی بود دقیق، نجیب و پرکار که به تدریس هم عشق واقعی می‌ورزید. از کسانی نبود که مافوق مقام علم مرتبه‌ای بشناسند و برای نیل بدان احیاناً راضی شوند دانش و آزادگی خود را فدا کنند. معین در کار معلمی احساس مسئولیت واقعی می‌کرد و دائم می‌کوشید تا از راه مطالعه و تحقیق مستمر، افق دانش و تجربه خود را توسعه بخشد. با شور و علاقه‌ای که او به کار معلمی داشت، از همان آغاز کار که کتابی در باب روان‌شناسی تربیتی ترجمه و نشر کرد، پیدا بود که در وجود او به زودی از یک معلم جوینده و بی آرام یک محقق پرکار و هوشمند ولادت خواهد یافت. وقتی به دانشگاه آمد، در درس خود که تفسیر و تحلیل متون بود، تقریباً تمام وقت کلاس را صرف توضیح نکات دستوری، بیان صنایع لفظی و معنوی، طرح مسائل لغوی و حل اشارات و مشکلات مربوط به علوم و فنون مختلف (که در متن مورد بحث آمده بود) می‌کرد. شوق وعلاقهٔ او به بحث و تحقیق به او اجازه نمی‌داد یک لحظه هم از جستجو و گفت‌وگو در این مباحث باز ایستد. مع هذا در این کار، از نقد و مناقشه در آنچه نویسندهٔ متن مطرح می‌کرد، جز تا آنجا که مربوط به اعلام، کتابها، و سنین حوادث بود غالباً اجتناب داشت و گویی تجاوز از این محدودهٔ تفسیرهای لغوی و فنی را خروج از بی‌طرفی یک استاد یا عدول از واقع‌نگری یک محقق می‌یافت.

همین نکته، درس او را گه‌گاه تا حدی خشک و بی‌روح جلوه می‌داد اما این شیوهٔ خاص او بود و همین طرز تلقی از تدریس متن بود که از او یک محقق متون یک لغت‌شناس برجسته ساخت. با این همه، این اشتغال به متن و لغت و دستور هم او را به کلی از عشق به زیبایی و هنر مانع نمی‌شد. خود او تاحدی قریحه شاعری داشت، نسبت به شاعران بزرگ خاصه حافظ و مولوی علاقه می‌ورزید و در همان شیوه قدما شعر هم می‌گفت، حتی قصه‌ای هم تحت عنوان «ستارهٔ ناهید» به نظم و نثر نگاشته بود.

اگر جلوه این ذوق و قریحه، کلاس درس او را شور و هیجانی نمی‌داد، بیشتر از آن رو بود که دوست نداشت کلاس درسش از صورت یک مجلس علم به گونهٔ یک مجلس انس دربیاید. از کسانی نبود که در مجلس درس دائم از احوال و خاطرات شخصی حرف می‌رانند و وقت کلاس را با ستایش کردن از خویش یا نکوهش کردن از دیگران تلف می‌کنند. از هر آنچه محیط کلاس را به وضعی تبدیل می‌کرد که بی‌طرف ماندن را برای استاد دشوار می‌ساخت، غالباً پرهیز داشت. حتی کسانی را که در بیرون از کلاس با نظر دوستی می‌نگریست، در کلاس جز به چشم دانشجو نمی‌دید. این شیوه، او را در نظر شاگردانش تجسم یک استاد واقعاً بی‌طرف نشان می‌داد و با رفتاری که شایسته یک محقق راستین بود. در واقع محققی که در اندرون او بود، از همین خصلت بی‌طرفی او مایه حیات می‌گرفت و از همین سعی او در تکیه کردن بر واقعیت‌های صرف ـ بدون تفسیر و بدون هیجان ـ در آثار تحقیقی او از کتاب «حافظ شیرین سخن» گرفته تا «مزدیسنا و تأثیر آن در ادبیات پارسی» هدف عمده نویسنده گردآوری واقعیات پراکنده است، ونقل عین عبارات و اقوال.

این شیوه که در آن روزها نزد تعدادی دیگر از محققان ما نیز معمول بود، در نزد دکتر معین ظاهراً بیشتر به خاطر اجتناب او بود از درگیر شدن با پیشداوری‌های بی‌اساس و تعصب‌آمیز. در نزد بعضی شرق‌شناسان هم مکتب فلسفی اگوست کنت و شیوه تاریخ‌نگاری فون رانکه آن‌ها را به الزام درنقل واقعیات، بدون تفسیرهای دور و دراز، جایی داشت، و این امر هم از عواملی بود که دانسته یا ندانسته در ذهن محققان ایرانی آن ایام تأثیر داشت.

نما

ایرج آدیگوزلی

پایان پوچ سلطنت؛ سقوط به روایت یک بیگانه-۸

ناخرسندی شاه



سوابق زیادی در این خصوص وجود داشت. شاه طی سی سال اخیر سلطنت خود چند بار به آمریکا سفر کرده و هر بار با احترامات کامل نه تنها به عنوان رئیس کشور بلکه یک متحد حیاتی مورد استقبال کلیه رؤسای جمهوری از پرزیدنت ترومن به بعد قرار گرفته بود.

اما سالیوان تصور نمی‌کرد در حال حاضر چنین مراسم استقبال مفصلی مناسب باشد. فراهم کردن وسایل خروج شاه از ایران یک مطلب بود و استقبال رسمی در بدو ورودش به واشینگتن مطلبی دیگر.

واشینگتن خواستار روابط حسنه با زمامداران جدید ایران بود؛ زیرا ایران از نظر استراتژیکی برای امریکا حیاتی بشمار می‌رفت. بنابراین رئیس جمهوری می‌بایست از شاه فاصله بگیرد، نه اینکه او را تشویق کند.

این بود که سالیوان پیشنهاد کرد شاه از طریق یک پایگاه هوائی گمنام در ایالت مین یا کارولینای جنوبی وارد امریکا شود و بهتر آن است که ورود او شبانه صورت بگیرد. از آنجا می‌تواند به پایگاه هوائی تراویس در کالیفرنیا پرواز کند و سپس با هلیکوپتر به ملک آننبرگ برود. به عبارت دیگر او می‌بایست از در عقبی به درون کشور بلغزد بی‌آنکه کسی او را ببیند یا سخنی درباره‌اش بشنود یا مورد ستایش قرارش دهد.

سالیوان چنین استنباط کرد که شاه با پیشنهادش موافق است. اما شاه خرسند نبود. بعدها در خاطراتش گفتهٔ یکی از ژنرالهای خود را نقل کرد که در برابر دادگاه انقلاب و جوخهٔ اعدام گفته بود: «امریکاییها شاه را مثل یک موش مرده از کشور بیرون انداختند.»

***

دفتر کار شاه در محوطهٔ کاخ نیاوران قرار داشت. بخشی از کاخ عمارتی نسبتاً ساده و چهارگوش و سفید بود و در اوایل دههٔ ۱۹۶۰ برای پذیرایی از مهمانان رسمی ساخته شده بود. گسترش ناگهانی تهران کاخ سلطنتی سابق، واقع در مرکز شهر را غیرقابل سکونت ساخته بود و پس از سوءقصدی که در ۱۹۶۵ به جان شاه بعمل آمد ـ یکی از سوءقصدهای متعددی که از آن جان به سلامت برد ـ خانوادهٔ سلطنتی به نیاوران نقل مکان کرد. از دروازهٔ آهنی که به درون راه داشت، کاخ از پشت درختان چنار دیده می‌شد. اما ورود به آن چندان آسان نبود.

انبوه نگهبانها و تلفنها و تلویزیونهای مداربسته و چشمهای الکترونیکی هر ملاقات‌کنندهٔ غیرمطلوبی را دور می‌ساخت و محوطه را برای شاه و همسر و فرزندان و سگهایش امن می‌کرد.

دفتر کار شاه رویهمرفته زیباتر بود؛ اتاقی بود مشرف به باغ در یک کاخ قدیمی، ساختهٔ سلسلهٔ قاجار. کاخ مزبور را بعدها نوسازی کردند. پنجره‌های قوسی و سقفهای شیب‌دار کاخ، آن را شبیه به خانه‌های ییلاقی روسی ساخته بود.

در اینجا شاه در سالن وسیعی کار می‌کرد که از پنجره‌های بلند آن دورنمای شهر زیرپایش دیده می‌شد. این سالن با طلاکاریها و آینه‌های اریب و شمعدانها و تلفنهای مطلا و جاسیگاریهای طلا و جواهرنشان و قلمدانهای زرین تزئین شده بود. این تزئینات بمنظور هماهنگی با سبک ساختمان کاخ فراهم آمده بود. ولی این اثاث سنتی سبک ورسای را نمودارهای دیواری و رادیوها و ضبط‌صوتها و وسایل مدرن، از جمله یک نقشهٔ دیواری که با چراغ روشن می‌شد برهم می‌زد.

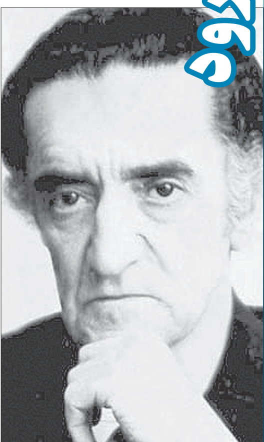
در کنار این سالن اتاق کوچکی قرار داشت که کمی بیش از اتاق انتظار بود. یک مجسمهٔ نیم‌تنهٔ رضاشاه از مرمر سفید در آن قرار داشت، مجسمهٔ کسی که بر پسرش همانقدر تسلط داشت که بر کشورش. اکنون که شاه کشورش را برای سفری که احتمالاً آخرین سفرش بود ترک می‌کرد، به درون آن اتاق رفت و در برابر سیمای پرصلابت افسر بی‌رحم و برجسته‌ای ایستاد که در ۱۹۲۱ قدرت را ربوده و به سلطنت دودمان قاجار خاتمه داده و خود را شاه جدید و نخستین پادشاه دودمان پهلوی نامیده شروع به بازسازی ایران کرده بود. رضاشاه با خودکامگی حکومت کرده و بزور کوشیده بود احزاب و انجمنها و طبقات ثروتمند حاکم و عشایر ایران را وادار به قبول قدرت حکومت مرکزی و تمدن قرن بیستم بنماید.

ادامه دارد

کاروان

علیرضا ملایی

حسینقلی مستعان؛ از آغاز تا فرود



شعرهای مستعان چندین بار به نام «مولوی» در مجلات چاپ شدند. یک بار هم روی شعر او آهنگ گذاشتند و یکی از خواننده‌های مشهور آن را در برنامه معروف گلهای رنگارنگ اجرا کرد. مستعان به رادیو نامه‌نوشت: «شعری که به‌نام مولانا جلال‌الدین ضبط کرده‌اید از من است که سالها قبل در مطبوعات چاپ شده». هیئتی برای تحقیق تشکیل دادند. چون ثابت شد که شعر از مولانا نیست و مستعان آن را گفته، واکنش رادیو در برابر این کار آن بود که پخش مجدد آن را ممنوع کرد!

نوشته‌های مستعان پیش‌نویس و پاکنویس نداشت؛ از همان آغاز کار شروع به نوشتن می‌کرد. در داستان‌هایی که برای ما می‌فرستاد هریک شش تاهفت صفحه داشت، شاید فقط دو تا سه قلم خوردگی دیده می‌شد. اما خط مستعان شاید ناخواناترین خط در میان نویسنده‌های مطبوعات بود. ریز و بدون فاصله می‌نوشت و از خودنویس و جوهر آبی سیر استفاده می‌کرد، آنهم چنانکه گویی همیشه نوک قلمش شکسته است. در هر چاپخانه یک یا حداکثر دو حروفچین می‌توانستند خط مستعان را بخوانند و به جهت این امتیاز، دستمزد بیشتری می‌گرفتند. مستعان در نوشتن رمان (پاورقی) در سه زمینه کار می‌کرد: اول پاورقی‌های تاریخی یا شبه تاریخی مانند «حمویه»، «توفاهی» و «خونخواه مرو». منبع او برای انتخاب وقایع و زمان و مکان، کتابهای تاریخی قدیم بویژه «حبیب‌السیر» خواندمیر بود. این کتاب از معروفترین کتابهای تاریخ عمومی به زبان فارسی است که از خلقت آدم و حوا تا پایان کار شاه اسماعیل صفوی در آن نوشته شده. مستعان به شخصیت‌های مشهور کار نداشت. در یک برهه از زمان یک قهرمان خیالی خلق می‌کرد، آنگاه او را به متن حوادث می‌برد. شاید اگر یک شخصیت شناخته شدهٔ تاریخی مانند جلال‌الدین خوارزمشاه، شاه عباس، نادرشاه یا لطفعلی خان زند را انتخاب می‌کرد موفقیتش بیشتر می‌شد. اما مستعان می‌خواست در حاشیهٔ تاریخ ایران شخصیت‌هایی مثل «رابین‌هود» و «ایوانهو» خلق کند. کاری دشوار بود و موفقیت در آن دشوارتر.

زمینهٔ دیگر کار مستعان نوشتن پاورقی‌های پرماجرا و جنایی بود، مثل «شهر آشوب» و قهرمان معروفش «آقا بالاخان» که سالها مردم ایران را مشغول کرد.

سومین زمینهٔ کار او نگارش داستانهای عشقی بود. معروفترین کار او در این قسمت «عشق مقدس»، «دلی در تندباد هوسی» و «آتش به جان شمع فتد» بود. نثر مستعان در این داستانها بسیار زیبا و دلنشین بود، بویژه مقدمه‌هایش، که یک قطعهٔ ادبی شمرده می‌شد. با اینهمه روشنفکرها هرگز مستعان را به عنوان یک نویسندهٔ بزرگ قبول نکردند.

مستعان قامتی باریک و رسا داشت. او تا پایان زندگی تناسب اندام خود را حفظ کرد. چشم و ابرویی بسیار سیاه داشت. موهایش هم سیاه بود. قیافهٔ او همیشه جدی و متفکر بود. او هر روز صبح قبل از طلوع آفتاب برمی‌خاست. اول نیایش و ورزش می‌کرد. تابستان‌ها همیشه و زمستان‌ها گاهی در حوض خانه‌اش آب‌تنی می‌کرد. در جوانی، زمستان‌ها یخ حوض را می‌شکست و در آب می‌رفت.

مستعان مردی گوشه‌گیر بود. فقط در معاشرت‌های خانوادگی شرکت می‌کرد. او خانواده‌ای پرجمعیت داشت، با فرزندان متعدد و یک دختر که همیشه کودک ماند. او می‌خواست زندگی خانواده‌اش را از راه قلم تأمین کند. در میان نویسندگان ایران، او از معدود کسانی بود که در این کار موفق بود. اما این طرز کار یک اثر منفی هم داشت و آن زیاد کارکردن بود. شاید اگر مستعان بجای هزار قصه صد قصه و بجای ۲۰۰ کتاب ۲۰ کتاب می‌نوشت، موفقتر از این می‌شد. مستعان از سالهای پیش شاگردانی داشت که برای درس نویسندگی نزد او می‌آمدند. بیشتر شاگردهای او زن و دختر بودند. مستعان دلی در تندباد هوس داشت، در نتیجه گاهی کارش با شاگردان به دلدادگی و ازدواج می‌کشید.

نویسنده‌ها به‌طور عادی یک نام مستعار دارند، اما مستعان نامهای مستعار متعددی داشت که معروفترین آنها از این قرار بود: ح.م.حمید، حبیب، انوشه، مینو، مراد، حمید، شادگان، یکی از نویسندگان، دوست شما، و البته گاهی هم مقاله‌هایی با اسم اصلی خود حسینقلی مستعان و زمانی بدون اسم می‌نوشت.

منتقدان ادبی ما مختار هستند دربارهٔ مستعان نظر خود را داشته باشند و مستعان را با وجود نوشتن آن همه داستان کوتاه و رمان بلند و داشتن یکی از زیباترین نثرهای معاصر، و کتابهایی که بیش از ده بار تجدید چاپ شد و تیراژش از ۵۰ هزار گذشت (۵۰ هزار تیراژ در زمانی که جمعیت وطن ما از ۲۰ میلیون نفر کمتر بود و ۸۰ درصد آنها هم بی‌سواد بودند) در تجزیه و تحلیل‌های خود جزو نویسنده‌ها بشمار نیاورند. ولی ما نمی‌توانیم قضاوت مردم را دربارهٔ مستعان ندیده بگیریم. مردمی که تمام هفته انتظار می‌کشیدند تا روزنامه‌فروشی نام مجله‌ای را که داستانهای مستعان در آن چاپ شده فریاد بکشد و آنها با علاقه مجله را بگیرند و نوشته‌های مستعان را بخوانند.

روزی دکتر محمود عنایت ضمن تجزیه و تحلیل دربارهٔ نویسنده‌های معاصر، از نثر مستعان تعریف کرد. سخنان او بعضی از روشنفکران را خوش نیامد. آنها حتی نمی‌خواستند بشنوند که نثر مستعان کم‌نظیر است.

مستعان آخرین قصهٔ زندگی‌اش را با عنوان آخرین غصه نوشت. داستانی که هرگز چاپ نشد. من شرح این قصه را با تغییراتی از زبان دوستی شنیدم.

نویسندهٔ معروف شهر ما در ۷۴ سالگی دل به دختری ۱٤ ساله بست. دختر برای آموختن نویسندگی نزد او رفته بود. نویسنده بجای آنکه به او نویسندگی بیاموزد، خود مسحور جمال و کمال او شد. ۳ سال از تدریس نویسندگی گذشت. نه دختر نویسنده شد نه دل نویسنده آرام و قرار گرفت. شرایط زمان، عشق آزاد را تحمل نمی‌کرد، ناچار شد تن به ازدواج بدهد. همسر نخستین نویسنده، آن خانم محترم که مادر فرزندان نویسنده بود و به دلدادگی‌های شوهرش عادت داشت، برای چندمین بار رضایت داد.

می‌گفت: «امروز رابعه، آقابالاخان و حمویه به دیدارم می‌آیند. وسایل پذیرایی را آماده کن». می‌گفت: «دیروز «باخ» به من تلفن کرد

نویسنده و دختر ٦٠ سال اختلاف سن را ندیده گرفتند و ازدواج کردند؛ عروس ۱۷ ساله و داماد ۷۷ ساله بود.

پیش‌بینی آنچه که پس از مدتی بین این زوج اتفاق افتاد زیاد دشوار نیست. به هوش زیاد هم احتیاج ندارد. دختر جوان در آغاز مجذوب چیزهایی شده بود که نویسنده روزگاری داشت، ولی اکنون دیگر نداشت؛ شهرت، محبوبیت، درآمد و کسانی که افتخار می‌کردند جزو آشنایان او باشند. اما در آن هنگام چند سالی می‌شد که نوشتن را کنار گذاشته بود. با کنار گذاشتن نویسندگی، نامش هم به دست فراموشی سپرده شده بود. زن جوان در آغاز از اینکه همسر نویسندهٔ مشهوری شده آنچنان شاد بود که گویی در آسمانها پرواز می‌کند، اما بتدریج با روشن شدن حقایق، به زمین خاکی فرو افتاد. وقتی اسم همسرش را می‌گفت، جوانها او را نمی‌شناختند، اما پیرها در جواب می‌گفتند: شما دختر نویسنده هستید؟

و خیلی‌ها می‌گفتند: شما نوهٔ نویسنده هستید؟

حتی یک نفر نمی‌گفت: شما همسر نویسنده هستید؟

این حرفها زن جوان را متوجه اختلاف سنشان می‌کرد. نویسنده بارها با او از دوران شهرت و محبوبیت خود سخن گفته بود، روزگاری که هر روز آدمهای مختلف از مجله‌های مختلف با پاکتهای پر از پول می‌آمدند، پاکتها را می‌دادند و قصه‌ها را می‌گرفتند. اما حالا اگر کسی در خانه را می‌زد، برای گرفتن پول بود نه دادن پول؛ کرایه خانه، پول آب، برق، تلفن... نویسنده می‌گفت: من مرد هزار قصه هستم!

بتدریج که زمان می‌گذشت، جاذبه‌ها رنگ می‌باخت و زن جوان با حقایق تلخ زندگی روبرو می‌شد. داستان شیخ صنعان یکبار دیگر تکرار شده بود. نویسنده برای جلب توجه همسر جوان حاضر به هرکاری بود.

نویسنده کم‌کم دچار اوهام شد. خیالبافی‌های او که در گذشته برای داستان‌پردازی بود اکنون دائمی شده بود. اغلب حقیقت و رؤیا را با هم اشتباه می‌کرد. یک روز از فکرش گذشت اگر روزگاری قصه‌های شیرین می‌نوشت، شاید به خاطر سحرخیزی‌هایش بود، به یاد آن روزهایی که در زمستان یخ حوض را می‌شکست و در آب سرد غوطه‌ور می‌شد. یک روز صبح زمستان این کار را کرد؛ نتیجهٔ آن تب شدید و عوارض آن هذیان و اوهام بود. می‌گفت: «امروز رابعه، آقابالاخان و حمویه به دیدارم می‌آیند. وسایل پذیرایی را آماده کن». می‌گفت: «دیروز «باخ» به من تلفن کرد. مدتی با هم صحبت کردیم...» مستعان با پیانو آشنایی داشت و باخ را می‌شناخت. و یا می‌گفت: «ویکتور هوگو به دیدار من آمد. گفت آمده‌ام از تو به خاطر ترجمهٔ خوبی که از «له‌میزرابل» کرده‌ای تشکر کنم!»

و روزهای دیگر آدمهای دیگر را می‌دید. اما زن جوان این کارها را صحنه‌سازی می‌پنداشت و ادعا می‌کرد این کارها را برای سرگرمی او می‌کند. او حتی گاهی همسرش را بجای مادر عزیزش می‌گرفت؛ مادری که می‌پرستید و همیشه می‌گفت:

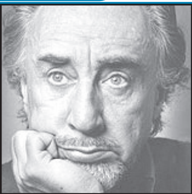
ـ مادر، وقتی مردم مرا در زیر پای خودت دفن کن.

سرانجام فشارهای روحی، قوای مرد هزار قصه را تحلیل برد تا آنکه سرانجام در ۱۵ اسفند سال ۱۳٦۱ سنگینی بار مشکلات باعث شد زندگی را بدرود گوید. کسانی که در آخرین لحظات قبل از خاکسپاری او را دیدند، نمی‌توانستند در وجود مرد بی‌نهایت لاغری که ریش انبوهی صورتش را پوشانده بود نویسندهٔ مشهور شهر را بشناسند. او را همچنانکه خواسته بود زیر پای مادرش دفن کردند و روی سنگ قبرش نوشتند:

«زیر پای مادرم خفته‌ام که بهشت اینجاست».

پایان

پایان یک رمان: «خداحافظ گاری کوپر»



بخواب عزیزم، بخواب! چارلی پارکرو می‌گم. وقتی توی ترومپتش می‌دمید، آدم حس می‌کرد که اون چیز حتماً هست. آدم می‌شنیدش، می‌دید که هست. داره با آدم حرف می‌زنه. وقتی چارلی پارکر لباش رو می‌گذاشت دم ترومپتش لپاش باد می‌کرد، آدم خیال می‌کرد که دنیا داره باز می‌شه. می‌فهمی... می‌خوام... چه...

ـ می‌فهمم لنی. بخواب، بخواب عزیزم. بخواب طفلک نازم. من هیچ وقت تو رو نمی‌گذارم برم، هیچ وقت. تویی که اول منو می‌گذاری. نترس. بخواب بچهٔ نازم.

ـ جس وقتی چارلی پارکر توی ترومپتش می‌دمید... مثل این بود که یه چیزی می‌خواد بیفته... یک چیزی باز می‌شه... حتی یک چیزی هم توشه. پوک نیست. می‌فهمی... می‌خواهم... چی... آره لنی می‌فهمم چی میخوای بگی. ـ یک روزی... دو تایی ... می‌رم اونجا...

ـ آره لنی، می‌ریم، می‌رسیم. بخواب. سرت را بگذار اینجا. آره همین‌طوری. آها. بارک‌الله. اینجا. حالا تو تمام زندگی منی.

ـ اونجا باید خیلی عالی باشه... همون جایی که... نمی‌دونم کجاست... یک جای دیگه... می‌فهمی... ـ آره لنی، خوب می‌فهمم چی می‌خوای بگی.

ـ آخه آدم که نمی‌دونه... توی یک ترومپت... زندگی کنه... جس... می‌فهمی.

خداحافظ گاری کوپر، رومن گاری. ترجمهٔ سروش حبیبی، چهارم ۱۳۸۰، نیلوفر / ۲۸۸

شرح

من؛ چارلی چاپلین/۱۲

آن مدرسه شوم



چاپلین

باری، من گاه‌گاه «داداش کوچولو»ی خود سیدنی را در حالی که از سالن ناهارخوری بیرون می‌آمد می‌دیدم. او چون در آشپزخانه کار می‌کرد اغلب پنهانی یک تکه بزرگ نان را که از وسط نصف می‌کرد، با یک تکه گنده کره که لای آن می‌گذاشت در دست من می‌نهاد. من نان را زیر شال گردنم قایم می‌کردم و می‌بردم با یکی از دوستانم تقسیم می‌کردم. ما گرسنه نبودیم ولی آن تکه گنده کره یک غذای تشریفاتی بود. اما آن لحظات شیرین نبایستی زیاد ادامه داشته باشد چون سیدنی، «هانول» را برای پیوستن به کشتی «اکسموث» ترک گفت.

در یازده سالگی، پسربچه‌ای که در نوانخانه پانسیون بود، می‌توانست در ارتش زمینی یا دریایی استخدام شود. اگر نیروی دریایی را انتخاب می‌کرد او را به عرشه کشتی «اکسموث» می‌فرستادند. البته اجباری نبود ولی سیدنی خودش می‌خواست یک شغل دریایی داشته باشد. باری، من در «هانول» تنها ماندم.

موی سر، عامل عمده‌ای در شخصیت بچه‌ها است. این است که وقتی اول بار موهای بچه‌ای را می‌زنند، بچه گریه زیادی می‌کند و طرز روییدن بعدی مو هر طور باشد، اعم از زبر و سیخ‌سیخ یا نرم و حلقه‌ای، آدم احساس می‌کند که قسمتی از بدنش را می‌کنند.

آن وقت‌ها در «هانول» بیماری کچلی شایع شده بود و چون این بیماری مسری است آن‌ها که مبتلا شده بودند به محوطه دور افتاده‌ای منتقل شدند که مشرف به حیاط عمومی بود. ما اغلب پشت پنجره‌ها نگاه می‌کردیم و آن بچه‌های بدبخت را می‌دیدیم که با حسرت به ما نگاه می‌کردند و سرشان تراشیده و از رنگ «تنتوریود» قهوه‌ای بود. منظره زشتی داشتند و ما با احساس حقارت به آن‌ها می‌نگریستیم.

به این جهت، وقتی یکی از پرستاران ناگهان در اتاق ناهارخوری پشت سر من توقف کرد تا موهایم را معاینه کند و گفت: «کچلی!» من زدم زیر گریه.

معالجه کچلی من هفته‌ها به طول انجامید، هفته‌هایی که به نظرم ابدیت جلوه کرد. سرم را تراشیدند، و به آن تنتوریود زدند و درست مثل کارگران پنبه‌چین یک دستمال هم به دور سرم بستند. تنها کاری که دلم نمی‌خواست بکنم این بود که مثل بقیه که در قرنطینه حبس بودند از پنجره‌ها به بیرون نگاه کنم، چون می‌دانستم که از آن طرف «سالم»ها با چه تحقیر و تمسخری به ما نگاه می‌کردند.

در آن زمان که تک افتاده بودم، مادرم به ملاقاتم آمد. نمی‌دانم چطوری توانسته بود از نوانخانه برود و سعی می‌کرد خانه‌ای برای ما ترتیب بدهد. حضور او برای من درست مثل یک دسته‌گل بود. آنقدر شاداب و تر و تازه و جذاب به نظرم آمد که من از وضع نامرتب و سر تراشیده و تنتور مالیده خود خجالت کشیدم.

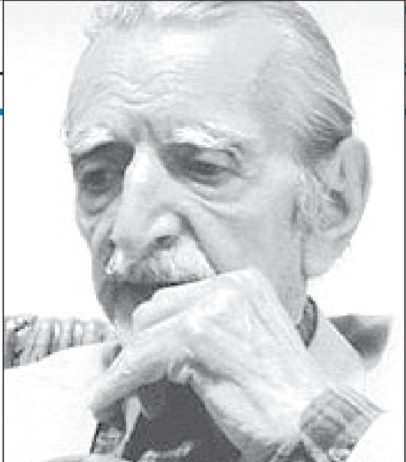
پرستار گفت: اگر صورت بچه‌تان کثیف است، باید او را ببخشید.

مادرم شروع به خندیدن کرد و به خاطر دارم که با چه مهر و محبتی مرا در بغل فشرد و بوسید و گفت: با همه کثافت، هنوز تو را دوست دارم.

کمی بعد، سیدنی کشتی «اکسموث» را رها کرد و من از «هانول» بیرون رفتم. مادرمان را پیدا کردیم. اتاقی در پشت پارک «کنینگتن» اجاره کرده بود و زمانی چند موفق شد ما را بزرگ کند. اما طولی نکشید که باز به نوانخانه برگشتیم. انگیزه بازگشت ما به نوانخانه مشکلاتی بود که مادرم برای پیدا کردن کار در پیش داشت و نیز کند شدن فعالیت‌های هنری پدرم بود. در همین دوره کوتاه نیز کار ما همه‌اش اسباب‌کشی از یک اتاق کوچک دخمه‌مانند به دخمه‌ای دیگر بود؛ درست مثل بازی «دامه» که با آخرین حرکت باز به نوانخانه افتادیم.

چون حوزه کلیسایی ما عوض شده بود ما را به ساختمان دیگری فرستادند و از آنجا روانه مدرسه «نوروود» کردند. این مدرسه از مدرسه «هانول» به مراتب شوم‌تر و دلگیرتر بود. اینجا برگ درختان تیره‌تر و خود درختان بلندتر بودند.

یاد


عماد خراسانی

ادامه از صفحه اول

فروغی از سـر هم چشـمی و رقابت چنین می گوید و بارها از وصال شیرازی در این خصوص داوری طلبیده بود، مرحوم وصال با آن که اعتقادی نظیر غزلسرای بسطام داشت، به صراحت او غزل‌های آن مقلد مداح را نفی نمی کرد.

تا آن که شـبی از شـب‌های زمستان در خانهٔ وصال محفـل انس و حـال بود و مطرب و قـوّال هنگامه را از آتشـدان بزرگ اطاق گرم تر کرده بودند، قاآنی هم در آن بزم بود و اتفاقا و شـاید علی‌الحسـاب دیوان غزلش نیز با او. همین که مغنّی خواسـت غزلی بخواند، اشـاره به وصال کردند که از غزل‌های خود به او بدهد، وصال قبول نکرد اصرار کردند، فایده نداشـت، سرانجام خوشنویس صوفی مشرب غزلسرا، وصال ، گفت: « اکنون که باده ما را از خودی خود پیاده کرده انصاف آنست که من شرمم می آید در این شهر همسایهٔ خواجه و شیخ باشم و دعوی غزلسـرائی داشته باشـم» و آن گاه رقعه‌ای از مرقعات را که به تازگی با خط خوش خویش نوشـته بود به دسـت مغنی داد کـه بخواند. مجلس خاموش گوش به راه آواز بود. ساز کرشمه‌ای کرد و راه و مقام بنمود و فروتن شد، نـاگاه لحنی داودی آرامش و حال بـزم را به این جواهر مرصع کرد که:

یک امشـبی که در آغوش شـاهد شـکرم
گـرم چو عـود بر آتـش نهند غـم نخورم
ندانـم این شـب قدر اسـت یا سـتارهٔ روز
توئـی برابـر مـن یـا خیـال در نظـرم

ساز سایه به سایه می آمد، چون موج شاخ و برگ‌های بید مجنون با باد، جائی بلند و بالا و غالباً رام و افتاده،

روان تشـنه برآسـاید از وجـود فـرات
مـرا فرات ز سـر برگذشـت و تشـنه ترم
ببنـد یک نفـس ای آسـمان، دریچهٔ صبح
بر آفتاب ، که امشـب خوش اسـت با قمرم

که ناگهان صدای افتادن چیزی در آتش نغمهٔ مغنی را شکسـت و مجلس را متوجه کرد، شـعله‌ها شتابان و بی‌آرام شـدند. وصال به قاآنی که نزدیک آتشدان نشسته بود گفت: «چه بود، آمیرزا حبیب؟» قاآنی جـواب داد: « هیچ، کاری که میرزا عباس فروغی می گفت با آب بکنم، با آتش کردم.» یعنی دیوان غزلش را در آتش انداخته بود! وصال گفت: «آمیرزا، غمی نیسـت آب و آتش هر دو از مطهرات است، رحمت خدا بر تو و بر گلشن، این زودتر می‌خواسـتی. انصاف را ایـن کار بهترین غزل تو بود که تخلص به آتش کردی!»

گویند که قاآنی از آن به بعد دیگر گرد غزل نگشت و همیشـه می گفت: «آن شب درخانهٔ وصال مغنّی مرا از فضاحت مآل نجات داد» آشنایان ژرف بین ادب می‌دانند که از پنجاه شـصت بیت قابل خواندن او گذشـته، باقی دیوانش نیز به آن دو مطهر حاجتمند اسـت. به هر حال در میان اقسام شعر امر غزل از مقولهٔ دیگر است، بسیارند کسانی که غزل گفته‌اند و می گویند:

ولـی بـا بـادهٔ بعضـی حریفـان
فریـب چشم‌سـاقی نیـز پیوسـت
مبیـن یکسـان کـه در اشـعار ایـن قـوم
ورای شـاعری چیـزی دگـر هسـت

و اما عماد ما در بارگاه غزل از صدرنشـینان است و قدر نیز دارد و خواهد داشـت و این تکیه و تاکید راجع به جنبهٔ معنی و روح غزل نباید موجب این وهم شود که جانـب دیگـر آن، یعنی لفظ و بیان هر چه بود بود، یا این وهم که عماد جنبهٔ صورت و لفظ را مهمل فروگذاشـته است و در این خصوص فاتر و قاصر است، هرگز چنین نیست. عماد با آن که از خود ساختگان عالم شعر و ادب (و از خودسـوختگان دنیای شـور و شیدائی) است، به حـول و قـوهٔ طبیعی و خداداد، سـخنش خاصه در غزل غالباً برخوردار از فصاحت و بلاغتی بهنجار است و بیشتر در حـدی بالا و بلند. نمونـه را یکی دو مثال، مخصوصاً از ابیاتـی می‌آورم کـه در آنها با خداوندان لفظ و بلاغت و شیوایی، کسانی چون ظهیر فاریابی و سعدی شیرازی، روبروست. ظهیر گفته:

اخوان، قصه و غصهٔ عماد

صدرنشین بارگاه غزل

هـزار توبه شکسته‌سـت زلف پرشـکنش
کجـا به چشـم درآید شکسـت حال منش
همیشـه اشـک چو بـاران ز دیـده می‌بارم
مگـر کـه تـازه بمانـد رخ چو نسـترنش
در آب دیـدهٔ مـن غـرق شـد چـو نیلوفر
خیال قد چو شمشاد و روی چون سمنش ...

سـعدی این تغـزل را در غزلی اسـتقبال فرموده ، بدین گونه:

رهـا نمی‌کنـد ایـام در کنـار منـش
کـه داد خود بسـتانم بـه بوسـه از دهنش
همـان کمند بگیـرم که صیـد خاطر خلق
بـدان همی کند و درکشـم به خویشـتنش
خوشـا تفـرج نـوروز خاصـه در شـیراز
کـه برکنـد دل مـرد مسـافر از وطنـش ...

با این طرح بسیاری غزل گفته‌اند، با آن که عماد هنر و اوج سـخنش در آن جاهاسـت که بی‌توجه به طرح و طور دیگران از دل جوشش و سرایشی داشته است و این که نقل می کنم از آن اوجیات نیسـت، اما چنان که گفتم مخصوصـاً از همین گونه کارهاش نمونه می‌آورم آن هم در مقابل عالی‌ترین حد فصاحت و بلاغت شعر فارسی تا منزلت و قدرت او نموده شود، عماد می گوید:

شکسـت پنجـهٔ پرهیـز زلف پرشـکنش
دریـد جامـهٔ تقـوی ز مـوج پیرهنـش
به چشـم جادوی مستش قسم که در عجبم
خدای را که چه سـحر آفریده در سـخنش
بـه راه زهـد دگـر کـی، کجا توانـم رفت
مگـر رها کنـدم چشـم مسـت راهزنش
پری رخی اسـت که گاهـی توانمش دیدن
فرشته‌ایسـت که اکنون زمیـن بود وطنش
اگـر کسـی ز فریـب چنیـن فرشـته رهد
دگـر یقیـن نفریبـد هـزار اهرمنـش
رهـا نمی‌کنمش گر به چنگـم افتد، حیف
«رهـا نمی‌کنـد ایـام در کنـار منـش»...

هـم طرحی دیگر که سـعدی دو غـزل در آن دارد، یکی این:

دو چشم مست تو کز خواب صبح برخیزند
هـزار فتنـه بـه هـر گوشـه‌ای برانگیزند
چگونـه انـس نگیرنـد بـا تـو آدمیـان
کـه از لطافت خـوی تو وحـش نگریزند

و از آن دیگری:

بگیـر جامـهٔ صوفـی، بیـار جام شـراب
کـه نیـک نامـی و مسـتی به هـم نیامیزند
بـه خـون بهای منـت کس مطالبـت نکند
حلال باشـد خونـی که دوسـتان ریزند ...

کـه الحق هر دو در حـد اعلای فصاحت و بلاغت اسـت و مشهور، عماد این طرح را بدین گونه پیش آمده است و از غزل‌های شنگ و قلندرانهٔ اوست:

چـو چنـگ و غلغـل مینا به هـم درآمیزند
گنـه نویس ملایـک به رقـص برخیزند...
بهشت باده و مهتاب و عشق و بی خبری است
خبـر دهیـد بـه آنـان کـه اهـل پرهیزند
بیـار می کـه کنـد صد هـزار مـاه غروب
بـه هـر دو بار کـه قندیـل مـه درآویزند
بـه عیش کوش که چون رهزن زمانه بتاخت
نداشـت بیـم که پرویـز یا کـه چنگیزند...

و هـم طرحی دیگر از سـعدی که یکـی از بهترین غزل‌های اوست:

هر شـب اندیشـهٔ دیگـر کنـم و رای دگر
کـه من از دسـت تـو فردا بـروم جای دگر
بامـدادان کـه بـرون می‌نهم از منـزل پای
حسـن عهـدم نگذارد کـه نهم پـای دگر
هرکسی را سـرچیزی و تمنای کسی است
مـا بـه غیـر از تـو نداریـم تمنـای دگـر
هـر صباحی غمـی از دور زمـان پیش آید
گویـم این نیـز نهم بر سـر غم‌هـای دگر
بازگویم نه که دوران حیات این همه نیست
سـعدی امروز تحمـل کن و فـردای دگر

عماد این طرح را چنین پیش آمده است و از غزل‌های مستانه و لطیف وی است:

گر چه مسـتیم و خرابیم چو شب‌های دگر
بـاز کن سـاقی مجلـس، سـر مینای دگر
امشـبی را کـه در آنیـم غنیمـت شـمریم
شـاید ای جـان نرسـیدیم به فـردای دگر
مسـت مستم، مشکن قدر خود ای پنجهٔ غم
مـن به میخانه‌ام امشـب تو بـرو جای دگر
بـاده پیـش آر کـه رفتند ازیـن مکتب راز
اوسـتادان و فزودنـد معمـای دگـر
ایـن قفـس را نبود روزنـی، ای مرغ پریش
آرزو سـاخته بسـتان طـرب‌زای دگـر
از تـو زیبا صنـم این قدر جفا زیبا نیسـت
گیـرم ایـن دل نتـوان داد به زیبـای دگر...

آشـنایان اهـل دانند کـه در ابیاتی کـه از عماد نقل شـد،فصاحت و لطف سـخن در کدام منزل است. بیش ازیـن مجال نمونه آوردن نیسـت. کتـاب در پیش روی خواننده اسـت و می بیند که در بسـیاری غزل‌های عماد چگونه رقت حال و شـور و سـوز سـخن با لطف مقال و بلاغت و شـیوایی توأمان اسـت و چگونه وی دیبای زربفـت و گهربفت رنگین تار و پودی در مطاوی کتاب خود گسترده است.

ادامه دارد

دربارهٔ دانش‌پژوه/ کتابخانه، مسجد و گورستان

مرحوم افشار

شوق دانش‌پژوه به یافتن و دیدن نسخه‌های نادیده و حالتی که در این مواقع بدو دست می‌دهد وصف‌ناشدنی است، مگر آن که در موقعی که او به نسخه‌ای جدید می‌رسد به چهره‌اش و طرز نگاهش خیره شویم. عباس زریاب خویی، که اقوالش ثقه است، می‌گفت: در سفری که با حسین محبوبی اردکانی٦ و حسین خدیو جم٧ و دانش‌پژوه به منظور شـرکت در مجمع بررسـی مربوط به نسخ خطی به کابل رفته بودیم، چون برای رفتن از فرودگاه به شهر در تاکسی نشستیم و سر صحبت با رانندهٔ هم‌زبان باز شد، دانش‌پژوه، وسط صحبت پرید و از راننده پرسید که در کابل کجا کتاب خطی می‌فروشند؟ دانش‌پژوه، که اول بار بود به گوشـه‌ای از سـرزمین غزنویان سفر می‌کرد، به یاد ایامی که در هریک از بلاد خراسـان علما و دانشـمندان به وفور بودند و کتابخانه‌های مدارس دایر بود و در بازار وراقان خرید و فروش کتب خطی رواج داشـت، تصور می‌کرد که هنوز هم نسـخهٔ خطی در شهری چون کابل متاعی است بازاری و به آسانی در دسترس است، تا بدان حد که رانندهٔ تاکسی هم می‌داند که کتاب خطی در کدام محله فروخته می‌شود!

مورد دیگر، که جز شـوخیِ صرف نیسـت ولی حکایت تام و روشـنی است از شوق و آتش درونی دانش‌پژوه و خلوص باطنی او در راه‌کار بسـیار با ارجی که نقد عمر را بدان باخته اسـت، قصهٔ یافتن چند ورق از قرآن مجید به خط ابی‌البرکات عبدالرحمن بن عثمان بن عوف بیسیونی است و آن حکایت از این قرار است که: به هنگام کنگرهٔ تحقیقات ایرانی که در اصفهان تشکیل شده بود، ترتیب سفری به پیربکران و مسجد بیسیون، که دور از شهر اصفهان اسـت، داده شـده بود. پس از بازدید پیربکران، دانش‌پژوه به اتفاق محیط طباطبایی به منزل یکی از فضلا رفت تا ظاهراً کتب خطی ببیند، لذا از قافله جا شـد و از دیدن مسـجد بیسیون محروم ماند.

قلم

حمید مجتهدی

زندگی و سرگذشت ژول‌ورن به قلمِ نواده‌اش

رقابت با امیل زولا


ژول ورن

ژول‌ورن نیز به نوبهٔ خود از امیل‌زولا به خاطر آنکه آنچنان در بیان و تشـریح فسـاد و رسوایی آدمـی غوطه‌ور می‌شـد انتقـاد و خرده‌گیری می‌کرد. ژول‌ورن بر این باور بود که بهتر اسـت قلم نویسنده در راه نشان‌دادن فضائل و سجایای آدمـی به کار افتد نه آنکه پیوسـته کاسـتی‌ها و کژیهای او را برملا سازد. این اختلاف عقیده، مانع از آن نمی‌شـد که ژول‌ورن اسـتعداد و قریحهٔ عالی امیل‌زولا را تحسـین کند؛ گرچه مضامین مشـحون از فسـاد و ناروایی آثار امیل زولا، ژول‌ورن را سـخت ناراحت می‌سـاخت. در سال ۱۸۷۷ برای هتزل پدر در نامه‌ای نوشته بود:

«اثر جدید امیل زولا را به نام L’Ass*m*ir بخوان. این داستانی است سخن هراسناک، پلید، آزاردهنده، نفرت‌آور، تهوع‌آور ولی در عین حال شگفتی‌آور! آیا او قادر خواهد بود هرگز اثری برتر از این پدید آورد؟ این اثر حماسهٔ بزرگی از طبقهٔ کارگر دسـتخوش فقر و الکل اسـت آیا واقعاً لازم است چنین تصویر وحشتناکی از یک جامعه ترسـیم شـود؟ ولی باز هم تکرار می‌کنم: اثری عالی و شـگفتی‌آور است.»

هتزل نمی‌توانسـت همان احسـاس تحسـین ژول‌ورن را نسـبت به این اثر امیل‌زولا داشـته باشـد؛ گرچه کوشـیده اسـت این مطلب را به طور علنی به رخ ژول‌ورن نکشد؛ ولی باز از نامهٔ دیگر ژول‌ورن درمی‌یابیم که وی لازم دانسته است توجه بیشتر هتزل را به نقطه‌نظرهای خود جلب کند:

«خدای من، این چه عکس‌العملی اسـت از خود نشان می‌دهی. بسیار خوب اگر دلت نمی‌خواهد داسـتان L’Ass*m*ir را نخوان. آنچه می‌خواهم برای تو بگویم اسـتعداد حیرت‌آور امیل‌زولا در نقل جزئیات صحنه‌ها و کاوش در عمق نفسـانیات قهرمانان داسـتانش اسـت، چیزی که نظیرش را تاکنون نخوانده‌ام. در عین حال او دو چیز را توصیف می‌کند که نباید با چنان وضعی توصیف کند. من درصدد نیستم از او چیزی یاد بگیرم، اثر امیل زولا تنها کاری که می‌کند این است که یک رشـته از تصاویر و عکسـهای روشـن و حیرت‌آور به من نشان می‌دهد ـ عکسهای ممنوع.»

پانزده‌سـال بعد، ژول‌ورن باز راجع به امیل‌زولا در نامه‌ای به هتزل پسـر می‌نویسد:«سـقوط اثری خسـته‌کننده و کسالت‌آور اسـت و من دیگر آن را نخواهم خواند؛ گرچه بارها به سـایر آثار امیل‌زولا روی آورده‌ام. من اهمیتی نمی‌دهم زولا چه می‌گوید؛ آنچه می‌گوید مبتذل و خستگی‌آور است. به گمان من که جز این چیزی نیسـت. به عقیدهٔ من ارکمن ـ شـاتریان با نوشتن بیست سطر مطلب می‌توانند تأثیر واقعی و فراموش نشدنی بیشتری در خواننده برجای گذارند در حالی که امیل‌زولا این کار را نمی‌تواند با نوشتن بیست صفحه هم انجام دهد.»

این انتقـادی که ژول‌ورن از رمان سـقوط می‌کند نشانهٔ آن است که وی آثار امیل‌زولا را مرتباً مطالعـه می‌کرد؛ گرچه زولا دربارهٔ آثار ژول‌ورن نظری حاکی از بی‌مهری و بی‌توجهی داشت. در مورد نمایندگان معتدلتر مکتب ناتورالیسم، اظهار عقیدهٔ ژول‌ورن با ظرافت بیشـتری توأم بود. در نامه‌ای به هتزل پسر نوشت:

«قبلاً برایت نوشـته بودم که در سـفر اخیر بعضی از رمان‌های اسـتاندال را خوانده‌ام. اخیراً برای بیسـتمین‌بار داسـتان صومعهٔ پارم اثر این نویسنده را مطالعه کردم. باورم نمی‌شود که هنوز همـان تأثیر عجیب را بر من باقی می‌گذارد! این اثر چقدر از بسـیاری آثاری که این روزها نوشته می‌شود عالیتر و جذابتر است! ضمناً سافو را نیز خوانـده‌ام که قطعه‌ای واقعـاً جالب و خواندنی اسـت. خوانـدن آن را در یک نشسـت به پایان رسـاندم با وجـود این، نفوذ امیل‌زولا پیوسـته در این اثر نیز مشـهود اسـت و به علاوه بعضی مبتذل‌نگاری‌ها کـه گمانم تعمداً در آن راه یافته است.

من از پایان این داستان خوشم نیامد و از همهٔ اینها گذشته، سافو اصلاً نمی‌تواند نمونه و الگوی زن باشد ـ موجودی که اگر راستش را بخواهی در گذشته یک همجنس‌باز بوده اسـت! قهرمان این داسـتان، البته، چهره‌ای جالبتر را مجسم می‌دارد. آلفونس دوده معتقد است که این اثر را پسرانش باید بخوانند؛ ولی نه قبل از آنکه به بیسـت سـالگی رسـیده باشند. من می‌دانم آنان وقتی این اثر را بخوانند راهی کجا می‌شوند! ولی از حق نباید گذشت که این اثر از نویسنده‌ای پرقریحه و با استعداد است.

زبانزد



* خدا دهن باز را بی‌روزی نمی‌گذارد.
* خدا دیرگیر است اما سخت‌گیر است.
* خدا را چه دیده‌ای؟
* خدا را خدا بگویند کفر نیست.
* خدا رحمت کند خوب آدمی بود!
* خدا رحمت کند مرحوم‌حاج میرزا آقاسی را.
* خدا رحم کرد خونش را گرفتیم!
* خدا رزّاق است.
* خدا روزی را با زنبیل از آسـمان برای کسـی نمی‌فرستد.
* خدا روزی را به احمق می‌دهد.
* خدا روزی رسان است.
* خدا روزی رسان است اما اهنّی هم می‌خواهد!
* خدا از آن خرقه بیزار اسـت بالله/ که صد بُت باشدش در آستینی
* خدا سرما را بقدر بالاپوش می‌دهد.
* خدا سِیّمی را به خیر بگرداند!
* خدا شاه خُلها را بیامرزد!
* خدا شـاه دیواری را خربـا کند این چاله‌ها پر شود.
* خدا شرّی بدهد که خیر ما در آن باشد!
* خدا جان را بگیرد، عقل را نگیرد.
* خدا صاحب خر را بیامرزد!
* خدا فقیر کرده، کِی کثیف کرده؟
* خدا کس بیکسان است.
* خدا کشـتی آن جا که خواهد بَرَد / اگر ناخدا جامه بر تن درد
* خدا کوه را می‌بیند و برفش را می‌فرستد.
* خدا که بخواهد پدر کسی را بسوزاند خودش را می‌فرستد پی‌هیزم.
* خدا که می‌دهد روزی به بنده، نمی‌پرسد کجایی جنبده؟
* خدا کی می‌دهد عمر دوباره؟
* خـدا گر زحکمت ببندد دری / به چفتش زند قفل محکم‌تری!
* خدا گر زحکمت ببندد دری/ ز رحمت گشاید در دیگری
* خدا گلچین است.
* خدا مار را شناخت که برایش پانگذاشت!
* خدا میان دانهٔ گندم خط گذاشته است.
* خدا می‌بیند و می‌پوشـد، همسـایه نمی‌بیند و می‌خروشد.
* خدا می‌رساند ز هر جا که هست.
* خـدا نـان می‌دهد کـو دندان،جامـه دهد کو اندام؟
* خدا نجّار نیسـت امّا در و تخته را خوب به هم می‌اندازد!
* خدا وسیله‌ساز است.
* خدا وقتی می‌دهد، نمی‌پرسد کیستی.
* خداوندا مرا آن ده که آن به.
* خداوندا غریبان خوار و زارند / به نزد هیچ‌کس قُربی ندارند

چهل سال پیش...

تمامی مطالب از روزنامه اطلاعات روز چهارشنبه ۲۴ آبان ۱۳۵۱، (برابر با ۸شوال ۱۳۸۲، ۱۵نوامبر ۱۹۷۲) نقل شده است

یک میلیون دام در مغان تعلیف میشود

برای شروع کاشت در اراضی دشت مغان قراردادی بمبلغ ۳۰میلیون ریال با بنگاه توسعه ماشین‌های کشاورزی بامضاء رسید.

متعاقب امضای این قرارداد ۷۰ تراکتور و ادوات مربوط به دیسک، گاوآهن، شخم، بذرپاش، کودپاش و تانکر تأمین‌کننده سوخت برای کار در اراضی وسیع‌دشت مغان تحویل شد.طرح کشت و صنعت و دامپروری دشت مغان از حدود دو ماه قبل آغاز شده است. تاکنون ۱۲ هزار هکتار از اراضی دشت مغان شخم زده شده و طبق قرارداد جداگانه‌ای که برای تسطیح سه هزار هکتار اراضی منعقد گردیده، با هزینه‌ای حدود ۱۱۵ میلیون ریال کانالهای انحرافی آب حفرشده و از سد ارس آب عازم به مناطق مذکور خواهد رسید. این کانال‌ها تا پایان سال جاری مورد بهره‌برداری قرار خواهد گرفت.خبرنگار ما که اخیراً از دشت مغان بازدید بعمل آورده است، گزارش میدهد که افراد قبایل شاهسون بسرعت از ییلاق وارد دشت مغان میشوند و هم‌اکنون «آبه»ها (چادرهای مخصوص) متعدد آنان، به صورت پراکنده در دشت مغان برپا شده است.

افراد ایل شاهسون که از طریق دامداری امرار معاش می کنند، حدود یک میلیون دام در اختیار دارند که برای تعلیف آنها از علوفه موجود در دشت مغان که قبلاً فراهم شده است، استفاده خواهند کرد.

ده کامیون مرکبات روزانه از شهسوار به تهران و شهرستانها صادر میشود

در این هفته صدور مرکبات از شهسوار به تهران و سایر شهرستانها آغاز شد و اینک روزانه به طور تقریب از شهرهای خرم‌آباد نشتارود ـ عباس‌آباد و رامسر ۱۰ کامیون نارنگی و پرتقال به تهران حمل می شود:خبرنگار اطلاعات در شهسوار اطلاع‌داد:ـامسال محصول مرکبات شهسوار فوق‌العاده خوب است و بهمین جهت خرید و فروش آن طرفداران فراوانی دارد.یکی از باغداران مرکبات طی گفتگویی به خبرنگار ما در شهسوار اظهار داشت: چند سالی است که در اثر نزول برف و یخبندان شدید خسارت زیادی به باغداران وارد شده است و کشاورزان باغدار از لحاظ مالی دچار مشکلات فراوانی شده‌اند و از سال جاری امیدوارند که با فروش محصول خود مقداری از قروض خود را بپردازند.

مرغ دزدی با اتومبیل آخرین سیستم و خانم‌های شیک‌پوش!

نقده ـ مردی که همراه یک زن و دو دختر شیکپوش سوار بر یک اتومبیل، آخرین سیستم بود، یک مرغ و یک خروس دزدید و متواری شد!جریان از این قرار است که: محمدامین ساکن اسنویه (یکی از توابع نقده) که برای تهیه مایحتاج خود دچار مضیقه شده بود، یک مرغ و یک خروس خود را به بازار برد تا بفروشد و با پول آنها مایحتاج خود را تهیه کند.

هنگامی که وی به بازار رسید، یک اتومبیل آخرین سیستم که مرد آراسته‌ای آن را هدایت میکرد و ضمناً یک زن و دو دختر شیکپوش هم در آن نشسته بودند، جلو محمدامین توقف کرد.راننده اتومبیل، بی‌آنکه پیاده شود، قیمت مرغ و خروس را از محمدامین پرسید و سپس مرغ و خروس را از او گرفت و توی اتومبیل گذاشت. اما، پیش از آنکه محمدامین قیمت مرغ و خروس را به زبان آورد، راننده اتومبیل پای خود را روی پدال گاز گذاشت و چند لحظه بعد، از نظر ناپدید شد!محمدامین، غمگین و گرفته به خانه برگشت و فقط گفت:

ـ نمیدانم آدمی که ماشین چندین ده هزار تومانی زیر پا دارد، چطور راضی میشود که مرغ و خروس ۲۰ تومانی را بدزدد!!

در آلمان کودکان ۹ ماهه بخوبی شنا می کنند

بعدازظهر دیروز تیمسار سپهبد حجت کاشانی معاونت نخست‌وزیر و سرپرست سازمان تربیت‌بدنی ایران سخنرانی جامعی تحت عنوان «مسائل کنونی ورزش ایران» در محل دانشکده علوم تربیتی ایراد نمود.در آغاز آقای دکتر نهاوندی رئیس دانشگاه ضمن معرفی تیمسار سپهبد حجت کاشانی از شخصیت وی و خدمات او تجلیل کرد.وآنگاه سپهبد حجت کاشانی طی بیانات مفصلی از اهمیت ورزش و تأثیر آن در پیشرفت کشورها صحبت کرد و گفت:در بازدیدی که از دانشکده ورزش آلمان و سالن‌های متعدد آن بعمل آوردم در سالن شنا استخری ۱۲×۱۲ متر برای اطفال شیرخواره تعبیه کرده بودند و تعجب خواهید کرد که اگر بگویم برخی از این اطفال سه ماهه را با کمربند شنا بداخل آب میانداختند و کودک برای رسیدن به مادر یا پدر خود شروع بحرکاتی در آب مینمود که او را بجلو میکشاند و این بچه‌ها در نه ماهگی که شروع براه‌رفتن می کنند بخوبی قادر بشنا هستند.

دولت زامبیا کلی را نپذیرفت

دولت زامبیا درخواست محمدعلی کلی قهرمان مشهور مشتزنی را برای انجام یک مسابقه نمایشی در لوزاکا پایتخت این کشور رد کرد.در اعلامیه رسمی که به همین مناسبت منتشر شده گفته شده است که محمدعلی چندی پیش در یک نطق گفته بود که کشورهای آفریقائی و آسیائی برای برادران سیاه خود در آمریکا کاری نمیکنند ولی از وی انتظار دارند که برای انجام مسابقه با آن جونز به آفریقای جنوبی نرود! در اعلامیه دولت زامبیا سخنان کلی بمنزله توهین به کشورهای آفریقائی منجمله زامبیا تلقی شده است.

در اعلامیه دولت زامبیا همچنین گفته شد، که مخارج اقامت و دستمزد محمدعلی کمرشکن است و کسی در زامبیا از عهده برگزاری آن برنمیاید.

قاب امروز



تخریب دومین ساختمان بزرگ دانمارک / منبع: MSNBC

امروز با حافظ

روزگاریست که سودای بتان دین من است
غم این کار نشاط دل غمگین من است

دیدن روی تو را دیده جان بین باید
وین کجا مرتبه چشم جهان بین من است

یار من باش که زیب فلک و زینت دهر
از مه روی تو و اشک چو پروین من است

تا مرا عشق تو تعلیم سخن گفتن کرد
خلق را ورد زبان مدحت و تحسین من است

دولت فقر خدایا به من ارزانی دار
کاین کرامت سبب حشمت و تمکین من است

واعظ شحنه شناس این عظمت گو مفروش
زان که منزلگه سلطان دل مسکین من است

یا رب این کعبه مقصود تماشاگه کیست
که مغیلان طریقش گل و نسرین من است

حافظ از حشمت پرویز دگر قصه مخوان
که لبش جرعه کش خسرو شیرین من است

چگونه میتوانیم موفق شویم؟

فقدان شهامت

افراد موفق راحت طلب نیستند و به انتظار معجزه نمی‌نشینند. آن‌ها با ابراز شهامت در پی فائق آمدن بر مشکلات هستند.

آنها به آنچه از دست می دهند نمی اندیشند بلکه به آورده‌هایشان نظر می کنند.

آرزوها به ندرت واقعیت پیدا می کنند. انتظارات و باورها زمانی کاربرد دارند که با عزم راسخ توأم شوند.

دعا و راز و نیاز زمانی به کمک می آید که جرأت انجام کار وجود داشته باشد. شهامت و شخصیت دو بازوی موفقیت می‌باشند. این عوامل تمایز بین کار معمولی و یک شاهکار را ارائه می‌دهند.کسی که وجودش را شهامت فرا گرفته ترسیدن را فراموش می کند.

ترس و جسارت همراهند، لیکن وقتی شهامت بر واهمه غلبه کند بر موانع انجام کار هم فائق می آید.

شخصیت (اعتدال و صداقت) تنها بدون جرأت دست زدن به کاری بی‌فایده است و ابراز شهامت هم بدون وجود اهلیت موجب سرخوردگی یا ناهنجاری است.

نوشته:شیو خرا
ترجمه:عبدالله مولیانی

سخنان بزرگان

● آدمیانی که با دیگران روراست نیستند با خود نیز بدین گونه‌اند.

اُرد بزرگ

امروز در تاریخ

تاسیس حکومت غزنویان



تصویر محمود غزنوی

۱۵ نوامبر سال ۹۸۸ میلادی سبکتکین از سران طوایف معروف به«ترکان غز =اغوز ها» کابل را تصرف کرد که مورخان این روز را سالروز تاسیس حکومت غزنویان می دانند که عمدتا بر ایران خاوری و گاهی تا«ری» حکومت کردند.

سامانیان برای جلوگیری از ورود طوایف دوردست «آلتائیک» به فرارود (ماوراءالنهر)، در سرحدات شمالی این منطقه (سیر دریا =رود سیحون) پادگان های متعدد تحت عنوان «مرزبان» تاسیس کرده بودند که پس از افتادن ایران به دست اعراب، این پادگان ها برچیده و مهاجرت آن طوایف به «فرارود» آغاز شد و عباسیان و پیش از آنان حتی امویان به استفاده از مردان این طوایف در ارتش های خود پرداختند که اصطلاحا «غلام» خطاب می شدند و از این طریق قدرت یافتند. قدرت گرفتن سبکتکین هم از همین راه بود. وی عمیق تر از پیشینیان خود در ایران خاوری پیشروی کرده بود.

سلطان محمود غزنوی مهمترین حکمران غزنویان (منسوب به شهر غزنه، مقرّ حکومت آنان) بود. وی با این که از تبار ایرانی نبود به ادبیات فارسی خدمت بسیار کرد. محمود چندبار به هند شرقی حمله نظامی برد و مردم این دیار را به مسلمان شدن ترغیب کرد که نتیجه اش (۹ قرن بعد) ایجاد کشور پاکستان بود. اینکه برخی از راه اشتباه یا تعمد، غزنویان را موسس افغانستان می دانند درست نیست. ایران پس از غزنویان قرنها یکپارچه بود. افغانستان نامی است که انگلیسی ها در قرن نوزدهم بر ایران خاوری گذاردند تا حائلی میان متصرفات روسیه در «فرارود» با هندوستان شان باشد و قبلا چنان واژه ای به این صورت بکار نمی رفت. در نیمه دوم قرن هجدهم در زمانی که احمدخان درّانی (ابدالی) افسر سابق ارتش ایران در قندهار ادعای استقلال (استقلال منطقه مسکونی طایفه خود) کرد و به هندوستان لشکر کشید واژه ای به نام افغانستان وجود نداشت.

احمدخان (که نام او از کودکی احمدشاه بود) درپی قتل نادر در کودتای ژوئن ۱۷۴۷ قوچان و در زمانی که کریمخان زند سرگرم سر و سامان دادن به اوضاع وطن بود به قندهار رفته و در اکتبر همان سال (سال ۱۷۴۷) در اجتماع سران طایفه ابدالی و پشتون های منطقه قندهار اعلام استقلال کرد.

درگذشت رهی معیری غزلسرای معاصر



رهی معیری

۲۴ آبان ۱۳۴۷ رهی معیری غزلسرای معاصر در ۵۹ سالگی بر اثر ابتلاء به سرطان درگذشت. وی که در سال ۱۲۸۸ خورشیدی در تهران به دنیا آمده بود در موسیقی و نقاشی هم ذوق و مهارت داشت. رهی فرزند معیرالممالک ـ یکی از رجال عصر قاجار بود. وی علاوه بر غزل؛ مثنوی و ترانه هم می سرود. در سال ۱۹۶۴ در تهران، مجموعه ای از اشعار او تحت عنوان «سایه عمر» انتشار یافت. بر پایه اشعار رهی، دهها آهنگ موسیقی ساخته شده و به صورت ترانه در آمده اند که معروفترین این غزلها «سوز دل» عنوان دارد. ترانه های معروف دیگرش عبارتند از: «من از روز ازل»، «خزان عشق»، «تنها ماندم»، «شب جدایی»، «نوای نی» و .... رهی، خود نیز چند آهنگ موسیقی ساخته است از جمله آهنگ «دیدی که رسوا شد دلم» و ....

مولفان تاریخ هنر و ادبیات نوشته اند که این دو قریحه در خانواده رهی موروثی بوده است.

اروپاییان قاره آفریقا را میان خود قسمت کردند!!

۱۵ نوامبر سال ۱۸۸۴ به دعوت بیسمارک صدر اعظم وقت آلمان نمایندگان ۱۵ کشور در برلین نشستی را آغاز کردند که ظاهرا به منظور حل مسئله مالکیّت سرزمین افریقایی کنگو تشکیل شده بود که پادشاه بلژیک همه آن را برای خود می خواست!.

این نشست پس از تشکیل، خیلی زود دست خود را رو کرد و به چانه زنی بر سر تقسیم آفریقا میان اروپاییان پرداخت و در پایان نشست عمل تقسیم بدون این که یک آفریقایی از آن آگاه شود صورت گرفت و سهم بزرگی هم به آلمان که دیرتر از دیگران شروع کرده بود داده شد. سهم انگلستان از همه بیشتر بود و سپس فرانسه و پرتغال، آلمان و اسپانیا و ....

www.iranianshistoryonthisday.com

جدول سودوکو

سودوکو (Sudoku) یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می رسد.

قانون های حل جدول سودو کو:

۱ـ در هر سطر و ستون باید اعداد ۱ تا ۹ نوشته شود بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.
۲ـ در هر مربع ۳×۳ اعداد ۱ تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

آسان ۱۳۲۳

		۴		۶				۱
۲			۵			۸		
۳				۱		۴	۲	
	۸	۲	۱	۵	۶	۷		۴
		۳					۹	
	۴			۲			۸	
	۳		۶		۴			
۴	۹	۸				۵	۶	
۱	۲	۶		۹		۳		

حل جدول شماره ۱۳۲۲

۴	۷	۹	۶	۳	۲	۵	۱	۸
۳	۶	۵	۱	۹	۸	۴	۲	۷
۱	۸	۲	۷	۴	۵	۶	۳	۹
۹	۳	۱	۴	۲	۶	۸	۷	۵
۶	۲	۸	۵	۱	۷	۹	۴	۳
۷	۵	۴	۳	۸	۹	۲	۶	۱
۲	۱	۶	۸	۵	۳	۷	۹	۴
۵	۴	۷	۹	۶	۱	۳	۸	۲
۸	۹	۳	۲	۷	۴	۱	۵	۶

دشوار ۶۴۶

۷				۶				
۱	۴	۸						
		۲			۳			۷
							۲	۸
	۲	۶		۵			۳	۹
	۹	۱			۲			۶
				۸	۹			
	۵		۴		۷	۸		۲
			۲					

حل جدول شماره ۶۴۵

۶	۴	۷	۱	۳	۲	۵	۹	۸
۲	۸	۱	۵	۴	۹	۷	۳	۶
۹	۵	۳	۸	۶	۷	۲	۴	۱
۵	۱	۴	۲	۹	۶	۸	۷	۳
۷	۹	۶	۳	۵	۸	۱	۲	۴
۸	۳	۲	۷	۱	۴	۶	۵	۹
۴	۷	۵	۹	۸	۱	۳	۶	۲
۳	۶	۸	۴	۲	۵	۹	۱	۷
۱	۲	۹	۶	۷	۳	۴	۸	۵